

٧١٣٥

بالحق التركية







مكتبة جامعة الملك سعود قسم المخطوطات

الرقم: ١٧٥٤٩ - ١٧٥٨٩  
 العناوين: التذكرة الأولى في حياة النبي (بالدقة)  
 المؤلف: محمد بن محمد بن أحمد بن محمد  
 تاريخ النسخ: ١٢٩٢ هـ  
 اسم النسخ: ---  
 عدد الأوراق: ١٧٤ - ١٧٥  
 ملاحظات: ---  
 ---  
 ---





Handwritten manuscript in Persian script, likely a historical document or letter. The text is written on aged, yellowed paper and includes several lines of cursive script. A prominent signature or name is visible at the bottom center.







کتاب الحقه ترکیه

کتاب الحقه ترکیه

تألیف یارلار اول وقت هم ذمت حضور اول عالم غیب الاری  
نیک شایده بی محلیه کیم کوکل منوری دور ضربت ل اورالار تا هم  
برده کوکل اینچه سینه تیره قیاسیون غرضه او تیدین کو بار و سرت صفت  
کوکل یوزی صیقل نیر تا اینچه جهان نابو ورا تا پنهانیت تکرار بر ل و کیم  
مراد اول و هم اوزن بو صفت هم ذمت و کیم بی ل حضرت الوهیت  
غیر قریب الاری اول و میر کیم مذکور بوله **وین او کیم کیم** معنونه  
الف دین ای که لام دین و باوین مرکب و روال و عدود ابر و ریغ افریده  
عالم هر دیکم انکاستر یک سناریون او و در حقیقا و لاری اول و در کتا  
افتد و استر یک متصور ایما هم ذمت و اوزن نرس و اوزن خیال و کیم  
معرفت نیک است او کیم و در و لاری است و در کیم کیم و فی خود  
پنور لاری و غرض اول و کیم طریقت اصل اعتقادی صحیح و لاری  
و در ریغ لاری اول اعتقاد و اول لاری است حکم قیول لاری نرس  
بول غنه قدم قویار لاری اول صفت دین یقین مقصد لاری غنی یار لاری  
و ای که لام موهنا ایشارت و کیم حقیقت و لغا طریقه او سید است  
در کیم کیم بوله کاکیلنود و کیم معرفت دین یار بی و در و لاری نیک



















تا بشو غیل و نجات تا بقوی چو کیم بپوشیم بپوشیم  
 قیلد لاری کیم صومعه منبر کشی رزیراک او کیم  
 اجماعی جمل لاری یکن بر لاری حق و تعالی و شریعت  
 اول مصلحت کوی و نادر کیم اند بولغای پس شاید اول خضر  
 روح لاری یکن کافین تنکای او مشهور لاری ایستغاث بولید لاری  
 ابر حضرت شیخ ادریقودین پیدار بولید لاری کور د لاری کیم  
 اید لاری کیم عجب الیکیم کجیکیم و کیم بر کیم قیاماید و رخسار  
 اولوغ ایستغاث کیم قیلد لاری و نادر لاری ایستغاث  
 او شمسو اندیشید و ایدر د لاری کیم بیدار بقوایلی او خضر  
 یکا کرد لاری ایدر لاری کیم یکن کیم قور قیامیل و ریاضت  
 حقیقی و تعالی و نیک صفت ریاضت قیاماید و کیم  
 ضلع قیامی ایت بیدار لاری اول و کیم بزرگوار اولوقودین پیدار  
 فی الحال تور د لاری و طهارت قیامیل نادر و کیم اول و کیم  
 ایدر د لاری کیم ریاضت کیم یکن کیم و کیم ایستغاث  
 اما اول صومعه منبر کیم بولغای کیم و کیم اول و کیم

ایدر د لاری

پیر مردی پیدار بولید ایدر د لاری کیم و کیم  
 اندیشم لاری کیم بولغای کیم و کیم اول صومعه  
 پیر لاری اما اند بولغای او کیم بولاید و کیم  
 بنا کرد لاری کیم بولغای کیم و کیم اول صومعه  
 قیامیل اول و کیم بولغای کیم و کیم اول صومعه  
 بنا قیلد لاری کیم و کیم بولغای کیم و کیم  
 وندی بر لاری کیم و کیم بولغای کیم و کیم  
 او و کیم اول صومعه و کیم بولغای کیم و کیم  
 لاری کیم بولغای کیم و کیم بولغای کیم و کیم  
 موند لاری کیم و کیم بولغای کیم و کیم  
 بولغای کیم و کیم بولغای کیم و کیم  
 خضر بزرگوار و کیم بولغای کیم و کیم  
 نیک صفتی قبول تو نما کیم ایدر د لاری کیم  
 و کیم بولغای کیم و کیم بولغای کیم و کیم  
 بی بولغای کیم و کیم بولغای کیم و کیم



























[illegible]

مکتبہ

[illegible]



و پوروی ای شیخ فاطمه علیها السلام که شیخی شیخ ابی و یکم آنجا بر ملک که نزد  
 قلیب بودیم چینی به نیاز درگاه می نمودند و چون از آنجا می گذشتند و از قلیب جان  
 تا بقولار می رسیدند قلیبی را می پور و یکم ای شیخ فاطمه علیها السلام را در راه می دیدند  
 فاطمه علیها السلام و در شیخ ابی و اول قبر با فخر و دلدار و حالان که در راه می گذشتند  
 اما اول از نیک فاطری و چون قبول قبلیم که بخند و وقت بود که از آنجا می گذشتند  
 و در پور و یکم سبب بود که ای دلاری و نیک سبب که در میان هر یک از آنجا می گذشتند  
 به نام آن لبغی اول و در آنجا سبب است که در میان آنجا می گذشتند  
 به ای دلاری و نیک سبب که در میان آنجا می گذشتند  
 و اول که نیک سبب بود اول و نیک سبب بود اول و نیک سبب بود اول  
 تا اراده خیرانی بولما غای که مصاحبت ما به و موافقت ما به و موافقت ما به  
 و معلوم بود که مخالفت در ویس را که سبب شد و اول و نیک سبب بود اول  
 و نیک سبب بود اول و نیک سبب بود اول و نیک سبب بود اول  
 سبب که اگر یکم مقصد هم زمان و هم مکان و در میان هر یک از آنجا می گذشتند  
 وقت مقصد و محل و مقصد و محل و مقصد و محل و مقصد و محل و مقصد و محل  
 قاصد مقصد محلیه مقصد و محل و مقصد و محل و مقصد و محل و مقصد و محل

حقیقت مجانیه

حقیقت مجانیه و نیک سبب است که در میان هر یک از آنجا می گذشتند  
 از قلیب و در ویس را که مقصد و حقیقت به صافه ناظر از خطه قلیب و اول  
 اول از نیک سبب بود اول و نیک سبب بود اول و نیک سبب بود اول  
 مقصد و محل و مقصد و محل و مقصد و محل و مقصد و محل و مقصد و محل  
 سبب که اگر یکم مقصد هم زمان و هم مکان و در میان هر یک از آنجا می گذشتند  
 به ای دلاری و نیک سبب که در میان آنجا می گذشتند  
 و اول که نیک سبب بود اول و نیک سبب بود اول و نیک سبب بود اول  
 تا اراده خیرانی بولما غای که مصاحبت ما به و موافقت ما به و موافقت ما به  
 و معلوم بود که مخالفت در ویس را که سبب شد و اول و نیک سبب بود اول  
 و نیک سبب بود اول و نیک سبب بود اول و نیک سبب بود اول  
 سبب که اگر یکم مقصد هم زمان و هم مکان و در میان هر یک از آنجا می گذشتند  
 وقت مقصد و محل و مقصد و محل و مقصد و محل و مقصد و محل و مقصد و محل  
 قاصد مقصد محلیه مقصد و محل و مقصد و محل و مقصد و محل و مقصد و محل



















در این زمان که منبر کرامت بر تپه خضرا بولغای و در این مجلس شریف  
شیخ ابیلال رای بر کواریت حضرت زعفرانی طایفه قبلیای بزرگوار  
منتیبه آفرید که بسم الله الرحمن الرحیم منبر کرامت بولغای و در این مجلس  
تعبیه طواف قبلیای بنده و منبر طواف فیضیه سابقه تا از آنکس که از این  
منبر کواریت شیخ لاری ایستاده که کعبه بنیاد تکیه باریطین بجا کعبه در لاری  
هر لاری منبر از باریک قام قلوب کلام آتش تکیه مشیخ ابیلال رای اتفاقا  
پسوده انعام تیل لاری غنای بولدر و اقور ایر و ایر و چند سوره توفیق  
قبلیه لاری بنده و سوره تیل لاری غنای بولدر و ختم این فایده بولدر  
پسود و کلام ای منبر کواریت اشنا پسندیده سوره آتفه قبلیه در منبر و چون  
ایردی ابیلال رای **حضر ابیلال رای** مقامی بولدر و از این مجلس  
ایردی بوجیه بن توفیق قبلیه مقدم القمصین سنیک یارت لاری بنده  
نول که حضرت شیخ بزرگوار و تکیه کردی ابیلال رای بنده  
ایک کون موند بولوب ندین کین با نفاق که کس شیخ ابیلال رای در کوار  
من لاری منیکین بیریاق بولاق او چون کلام بولدر و منبر لاری کافال  
عمر و منبر از باریک قام قلوب کلام آتش تکیه مشیخ ابیلال رای

قربان

عربیت این مجلس از حضرت بولغای و در این مجلس شریف  
در منبر لاری بنده و منبر طواف فیضیه سابقه تا از آنکس که از این  
منبر کواریت شیخ لاری ایستاده که کعبه بنیاد تکیه باریطین بجا کعبه در لاری  
هر لاری منبر از باریک قام قلوب کلام آتش تکیه مشیخ ابیلال رای اتفاقا  
پسوده انعام تیل لاری غنای بولدر و اقور ایر و ایر و چند سوره توفیق  
قبلیه لاری بنده و سوره تیل لاری غنای بولدر و ختم این فایده بولدر  
پسود و کلام ای منبر کواریت اشنا پسندیده سوره آتفه قبلیه در منبر و چون  
ایردی ابیلال رای **حضر ابیلال رای** مقامی بولدر و از این مجلس  
ایردی بوجیه بن توفیق قبلیه مقدم القمصین سنیک یارت لاری بنده  
نول که حضرت شیخ بزرگوار و تکیه کردی ابیلال رای بنده  
ایک کون موند بولوب ندین کین با نفاق که کس شیخ ابیلال رای در کوار  
من لاری منیکین بیریاق بولاق او چون کلام بولدر و منبر لاری کافال  
عمر و منبر از باریک قام قلوب کلام آتش تکیه مشیخ ابیلال رای

۱۸



















[illegible][illegible]

باب الفيد







بادشاه اید ملار هر بار انوار عالم در سج بلا و نور نیرین وین بحال اولور مودب  
 و زکوة و احسان و رستخ جلیل کورک وین بوسه و استیلا و قیادت ملک  
 بولای و فکر و ریاست مالان او یکا باند و سج کیکه اهور لا اودی و عانی سید اورو  
 عمر دین تویر بکجه اهور لدر فرجه حال فرضی ار لاری حیران و خفا و قریه سیر ایدی  
 پس ملار کرد بیکبر ده و عقدا و حقیق ملار ایدی و حسن فدا و تانیک و منافی  
 او و حسن ملار کا بنیک و ایدم و سیر لار هم ایچ زبانه و سینه فایده ایدر و ضرر و  
 و نواختن و سینه و ادب و حیمه و فیمه و حور کم ایدر ایدر و زکاء و معسر لار و خیر و  
 اکرم بنویدن ایدکار و علم دین بکانه و حسن ایدر و بنیک و خیر و نواختن و  
 و بنویدن جامع ملک و حسن و نواختن و سیر لار و بنیک و خیر و نواختن و  
 شولرمان سنی و کرم صفتی سیر لار و بنیک و ایدر و معلوم بولغا کیم ایدر و  
 اوتوز اتنی بیل ایچده اولیا لار مرتبه لار دین حاصل بولدر معنی لار و  
 ایدر و کیم اولیا و ایدر و بنیک مرتبه لار و بنیک ایدر و کیم اولیا و  
 لور مرتبه بنیک دین بیکه میس و سیر لار و ایدر و دولت ایدر و سعادت سیر لار و  
 یوز کلتور ما ک بنیک سیر لار و ایدر و کیم سیر لار و سیر لار و سیر لار و  
 حسن و سیر لار و سیر لار و سیر لار و سیر لار و سیر لار و سیر لار و

راہِ دہلی

راه طریقت مهالت بر سر کج کج بود و همیشه طلب نور اید و لا ارحم الراحمین  
 عالم دین جاهل و عالم فایاں را سید مغیرا قیاس و منافات دین و دوزخ  
 بکرم قلم زده غلام سید ابوالوب کمره لاری دین بولغا میرا لطف غیبینک در مرقم قدیم  
 علم غریب سید منک و راجح تحقیق تا علم دین بهره مند بود و بکمال  
 هر شش فیلغای فیه و شیخ نیک و بنود عالار مستجاب بود و جلی جلی  
 علم ایکنه آجتی تا معلوم بولغا یکم هر نه فیلغای بر حق ایکنه و فرشته  
 کشف حاصل بود و بکمال لاری و اصل بودی کور و یکم اول فر کونده بر نه بود  
 صورت زده ظاهر بولغا سید و جلی بود و خور کین و دور و ربنا حقان همه  
 فرشته لاری ایکنه لاری کرم تا تنب فیلغای لاری کرم و شیخ متنب بود و بکمال  
 افعال و بیرون و صافی خیم بود و خور و قی و ریاینب بود و فیلغای لاری  
 و مقصود مهالت فیلغای اصل لاری دین بود و بکمال لاری و بنکای کرم  
 موجودات نیک صلی سول و رانا بعد معلوم بولغا یکم **حضرت سید**  
 قدس سره العزیز حضرت امام علیه السلام فیلغای نیک بر کینه هر حضرت  
 موسی علیه السلام نیک روح معشوق منور لاری دین تربیت نیک  
 وینه حضرت یعقوب علیه السلام نیک قلبا ریده ایر و لاری کرم بود















اول هر موعده را یافت تا رتبه علم را در تمام این موعدها وقتید و فیصلت  
آنچه بدین نام علم ایتب انده و من فیصلت این از وصیت لاری ابره جناز  
لاری غی ایتب من فیصلت یار بوبه بر کوار قدس سر العزیز تر کاتیک  
و ده بوبه یافت تا رتبه حق تعالی مبالغه بسیار پس بل اول از زیر که حضرت  
شیخ قدس سر العزیز اول ما یکم که طوافیغی مشرف بولبلار رتبه یکم  
جلیل توغولغان سیرینک انعام و روم آخرت منزله دور شوند بهارینک  
مدنول بولاق یکم بر کوار سوال رتبه حضرت بر له دم و ده من فیصلت  
سوال آتی نینک لون تورتیه ابرو یکم هاست بن کین توروب طیار فیصلت  
و یک رکعت عمار او تو بیلار انلا ریدین شیخ یوسف مصری کینج جلال شاهی  
چقریب یار ای یار اسم عالم غم کواه بولونک یکم سیکل سیل غم کور و دم  
عمر و ده خواجم خدمتیدین بولون قایما ریدیم دور کا بیولاق شیخ ابرو  
بولون اول کوندورم تسلیم بایستی هر کا قولغایم و دنیا دین یوز او کوروب  
بر هر ایلاری غی تا سلا غایم و بول بیونامکاره بازار ریدین چقریب  
ایستی تعمیر قلیق اوبنی بنا ایلا کا یمن منیدین رضر بولونک ابرو  
با اوب لیک بولوب اوب منیه وقوع کلکان بولوب عفو قلیق لاری بولوب

جای لاریم تو رو بخیال یک بدیل لاری نیز کو از علوم بدو نور که بر فقیر لاری  
بمراود یقینا بهایق استر استر و نیز لاریم ناکر دست منغیر نیک از تو  
بولدی موختر استیخ فکس هر الو نیز نور لاری اولانی قیاس استیخ لاریم  
ای یار استیخ لاری نیک کو نیک نیکه ادمکان و یک یکس دورا با کجاست  
تراکم دنیا هر فیری و در اقامت محل ای کس و نیز به فرو و نیز فرغ  
نفر او را بولانی بهراق و در بونده نیک سفر دقتی یقین کلید و است  
قاعده هر اولد و یکم سفر قیلور وقت به بر لاریم رختیاب بر لاریم  
من اسم لاریم عادی و در وقت بر عید حسن و لوق تیل لاریم و بولور  
و در یکم خانم علوی نمی استیخ و امانت دورا بوزمان غیبه هر نیک بولور  
یور دوک عیدی موندین زیاد و امانت غیبه اقلان غیبه مصلحت بوقدور که  
اکاه بولور کس لاریم امانت ای کس ای کس ای کس ای کس ای کس ای کس ای کس  
و مرع جابره قبول استیخ لاریم و یقینا تیل را بدیل لاریم  
و القدرة امین اولو غلوق قدرت تنگری غوغول نیک و راندین کلید  
تعالی جان سپاس و تیل لاری اول نیز کو از غنی احوال غیبه کس لاری  
ای کس غیبه نیک نیز کو از نیک مبارک سپید لاریم و از کس لاریم



















































و این چیزی است که در عالم بر کوار الیه بود و اما کما  
میرود و بیرون می آید و فیض لا را اینک حیا بی آید و حیا و حیا  
در مختصات دین است و هر چه در عالم بر کوار الیه است  
بزرگوار است پس بی کوار الیه است و هر چه در عالم بر کوار الیه است  
تکلیف است و در دین یک کفایتی ظاهر بود که اندک اندک اولی که در عالم بر کوار الیه است  
بیجا نیستی تا خسته نماند و لفظ یا فعلی بر لایه ابتدا قبلی است و این را نیز نماند  
و یکس بزرگوار است و تمام بر لایه یا فعلی و دیگر اندک اندک اولی که در عالم بر کوار الیه است  
الف ویدی وینه است یکس بی بی بزرگوار است و دیگر لایه را بطریق نصیحت است و این را نیز  
علم نکرده است که یک قبلی است علم و علم او قوامی که در کس قیاسی است و علم  
الیه که در دین است و هر چه در عالم بر کوار الیه است و هر چه در عالم بر کوار الیه است  
لاری طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة مقصود بر لایه یا فعلی علم طلب قیاسی  
خواه این خواه خواه فانون غرض فرمود که هر چه در دین است و هر چه در دین است  
قبلی است و هر چه در دین است و هر چه در دین است و هر چه در دین است  
کافر بود و العباد وینه کان قبلی است که هر چه در دین است و هر چه در دین است  
طلب قیاسی حاجت است و هر چه در دین است و هر چه در دین است و هر چه در دین است

جواب

جواب اینست که لاری طلب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمة مقصود بر لایه یا فعلی علم طلب قیاسی  
توجه بر کوار الیه است و هر چه در دین است و هر چه در دین است و هر چه در دین است  
میباشد و هر چه در دین است و هر چه در دین است و هر چه در دین است  
و هر چه در دین است و هر چه در دین است و هر چه در دین است  
ایک یک بر لایه یا فعلی است و هر چه در دین است و هر چه در دین است  
سوار بر کوار الیه است و هر چه در دین است و هر چه در دین است  
بزرگوار است و هر چه در دین است و هر چه در دین است  
علم بر دین است و هر چه در دین است و هر چه در دین است  
حقیقی است و هر چه در دین است و هر چه در دین است  
بوقوع است و هر چه در دین است و هر چه در دین است  
پیرا رویب نور و هر چه در دین است و هر چه در دین است  
و پاک است و هر چه در دین است و هر چه در دین است  
بود و هر چه در دین است و هر چه در دین است  
بزرگوار است و هر چه در دین است و هر چه در دین است  
الغسل است و هر چه در دین است و هر چه در دین است



مع اینها قیاس بنویسید که هر ایدی اگر عوض حال آید در حال که میسر بود به انکسار این  
 ثم تا ما لیکه رحم قیاسا و پسندید خبر در اولیای نیر کواری به لاری ای پیکر  
 ثم نمی گشت به پروبلار لایح او را الف تثنی نارت و بعد تثنی از روی قیاس  
 الفس هم ایدیم الف لایدی بیکل فاطر به تثنی که چنانچه چاه لایا  
 دور نیمه مراد بولکها شول باحت سلطان علیه اللغه حاضر بود اینهمه بری  
 دورین اول زمان ایدیم فاین بری الف غنیه زار و بدون پیرا  
 و طالب لدار و تا با قیاس ایدیم ارا تا با غنیه سقراد و حیران تا با این  
 قویا پس اول هر صاحب به پیرا به الف و زنده تو خفا غنیه کم چند حرف سنگا  
 ایستاین کم تا عمل فضا غنیه اگر غنیه سنگا ظاهر اند غنیه تیر جاب این اول  
 یول بود و بیکل بود پس این زیر که کو بیکل را و به صحرای به باب  
 را به پیر یول بود و به رلا و صحرای که چاقای اسلاک بود و بیکل لارین  
 خور کیک پس و پسینک فلقاضا قیاسا بدو یکم بود و به ربه پیر یول  
 یور کای پس اگر به پیر یول دور اما و زلار کین ده دور و قرائی لایول  
 و غول از نزل دور لار احتیاط شرط مصلحت پسینک دور یکم بخن کون  
 بوباق تا تفراق قونغان به پیرینک کوزی کوز در پائید غنیه بود و بیکل

[illegible]







بیکار از یک سالی که در دست بدو است هر مدتی که مشرف بود و لا اله الا الله  
 نیک هم چون تعالی که ما هر دو خلق را بجهت سکون بود و گوید در حضرت حق  
 هر که از غیر اید و لا اله الا الله را بپوشد هر که از غیر نیک طریقی بود و لا اله الا الله  
 بود و در موی نه از کادر و در نیک علم بود هر که از غیر نیک طریقی بود و لا اله الا الله  
 اید و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 هر که از غیر نیک طریقی بود و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 مشغول بود و عبادت که بنا قیلا او بجای است هر که از غیر نیک طریقی بود و لا اله الا الله  
 نیک که در فرق کوشه لقب عبادت که طریقی بود و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 نور و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 با پند و مجاهده ریاضت آسید و پاک ایجا که نور ماق و اولی و ماق نشسته  
 بلکه در حقیقت و تعالی نور پند از هر نیک طریقی که است و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 اید و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 نیک که از غیر نیک طریقی بود و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 خاص لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 کاف و لایق نسبت هر دو را اتفاق قیلا که در حضرت حق بود و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله

علمداران

علمداران سپید هر دو را اید و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 قیلا که از غیر نیک طریقی بود و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 دار الفضا که در کاف و لایق نسبت هر دو را اتفاق قیلا که در حضرت حق بود و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 بنیکان بود و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 اولی و ماق که در کاف و لایق نسبت هر دو را اتفاق قیلا که در حضرت حق بود و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 ثویله که از غیر نیک طریقی بود و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 اید و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 نمیدانم که از غیر نیک طریقی بود و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 علمداران سپید هر دو را اید و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 ایستکان هر دو را اید و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 رست که از غیر نیک طریقی بود و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 در و پس نیک که از غیر نیک طریقی بود و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 اید و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله  
 قدم استقبال قیلا که از غیر نیک طریقی بود و لا اله الا الله را بپوشد از اختیار حضرت لا اله الا الله و در حضرت حق بود و لا اله الا الله



واورای شیکانیده اولتورولارنی احوال طعم کلمه و دیوار سبزه و خور و  
 بغرا ابروی حمصی خنجر قد که سر الغر و دلایت لاری نظیرن بنواغ لب لای  
 اکابر لاری نظریه که هم شیرین گوشتی و خور لاری مردارینده ظاهر بولدی بوجا  
 حیران قاله لاری بر بر لاری کرا ابرای بلای عجب الی و مونسید اولتورولار  
 اوز جانیو یاندر ایندن بونکره طرفته العین اچو لغو اوخت لاری که صوفی  
 ظاهر بولدی خور لاری سیود کا اوست کور وندی نامه موسیک که کچی کور لاری  
 طبق لاری و جام لاری کولدی لایط بولدی لاری و اوز کالار غار بولوب یوزید که غلط  
 اوز و کلا هر باب حصار و ابر و لاری و بونوع تعجب لاری نه حضرت بزرگوار  
 مجله ده بوجای شیک کور لاری ظاهر قیله لاری لاری بر لاری کرا ابرای  
 باران بونک افق زمان دور ایندن بهراق یوزید که فامون بولای نامه  
 نظر لاری نیم سلامت جتقا بولدی بر نه فلان ایغلام بیخک کویا فیروز  
 ابر و دیکیم محاسن فایغ بولدی لاری ایندن بونکره شمع ایدیلاری باران  
 اوسکا اکثر مرتبه دور اول کتم عدم کچی مرتبه رحم ماور او حنجی موجود  
 نور بونجی کور لایک پینجی بلاعت مرتبه سی التیخی منزل قبر مرتبه  
 موسی لاری بولوب لایکیم بونکره صیغف کم عدم مرتبه سید تقاضا فیلو

تیز رفتی از حیانت مرتبه ای که کلای تا عالم از او جدا شد و حیانت که نفعی ندارد  
مرتبه لاری مسافره قلعای بخندید و بخند کول لاری کین مقصود یغیبتی اول  
و کاجی که کور کول لاری روی انبیس کین موز از و قید یکم انانینک صیحا  
استقلال یاکانی کیم وجود مرتبه یکا یقین و جوی نه و قلعانینک قدر و بر  
اول مرتبه کا تبدیل جوی و بوم غرضه بدل بولدی ایریه تو فورای انانینک  
بوم نند انیده مجبوس ایروی اما همیشه قیلو ایروی همی و قلعانینک  
ایر و یکم قبال بولغا یکم بوقتیغ قرانکفو بوقتیغ و پیچ کفت خانه و بی جفا  
وجود میند صیحت قدم قولقای او کسبواندیشند ایر و یکم تعیین لست  
تمام بولدی اول ایر و یکم اول اندیکت و قلوبه همتا امر فرماند بر و وجود  
بولانندی نول از جیستی و قلعانینک دیده ای پاک فری کوزی لای بونده کا  
نظر قیلد شوق یوز بیک ایر و یکم سلبت سلبت بعین سربانی زبیرا که ندر کور  
احوال اردمار و جوم غرضه تمام قوت پناهنی بوقل ایروی و بر تقدیر بولس هم کال  
ایکس ایروی انینک عین معناییدین ایر و یکم کوراک متخفین بولدی و اوچ بول  
بونده صیحتا بنا و در امرید و انینک اثر بدین پونکره وجود مرتبه یکا کدی  
کلای انداخ اصطلاح بار ایر و یکم انکار بان کویا بولغا یکم جیستی و قلعان







جزو بنامی از دل در یکم در ویسی هر قسمی که در تبه کاتب هر سرشکاف از به خدای  
 او در کلام کو هر سر و آیت که جمیع فایده ها تو تو افشام و به افشام و به افشام  
 صفت که متصف بوی محبت در یک پند غرق او هر کس که حق سبحان و تعالی  
 بوی که در نظر یک کلام است و یک لک لک تا به این وقت ده اتجا و به عینیت  
 حاصل بوی است او چنان ساریت ساریت ساریت و به ساریت ساریت ساریت  
 و به ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت  
 دور لایکم او را کی بی فداوند تعالی منک تسلیم به به نور لای او ایده منک  
 نیلی به به نور لای تو من و به بوی منک منک منک منک منک منک منک منک منک  
 ایده لای ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت  
 قدس هر که الغر اوان ایجا بل سجد هر که مسکن تو تو بوی ساریت  
 گوید لای بدین اوان ایجا منک منک منک منک منک منک منک منک منک  
 نیلی بوی که کمال غنای بوی بوی بوی بوی بوی بوی بوی بوی بوی  
 اندین کین منک کو از خلق است الفیت بدین اوان بوی بوی بوی بوی بوی  
 کو سینی و عبادت طریق سینی اختیار لای لای لای لای لای لای لای لای لای  
 اولی و سینی و عبادت طریق سینی اختیار لای لای لای لای لای لای لای لای لای

در کلام

و به ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت  
 او را ای در ویسی ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت  
 به به ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت  
 لوقی بوی ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت  
 او کلام لای لای لای لای لای لای لای لای لای لای لای لای لای لای  
 دور ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت  
 دور ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت  
 مسی و به اولی و ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت  
 علیکم ای بوی لای لای لای لای لای لای لای لای لای لای لای لای  
 دای بوی بوی بوی بوی بوی بوی بوی بوی بوی بوی بوی بوی بوی  
 و به ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت  
 ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت  
 ایده لای لای لای لای لای لای لای لای لای لای لای لای لای  
 تو بوی که وقت تنگ فرصت غنای بوی بوی بوی بوی بوی بوی بوی  
 زبون و به ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت ساریت



در این امر مصلحت از حدیثی است که میگوید: تو خدایت را از هر چه که متوجه شدی بکن  
 و خدا را بپسندانی پس که مصلحتی که در غایت پس و مجاور بودی بقایا کن  
 اند و صفیای پس و بیت احدی که هم دولتند و لا بار و در لایم که در لایم  
 بود و الی لایم و سنیک تهریف قدسینک بر غیر خود میگویند و چون در حدیثی است که  
 حال تو در حضرت خضر علیه السلام بر لایم یوز لایم و لایم یوز لایم و لایم یوز لایم  
 منکر که تالی بر بر کواری یوزی در کمال نیاز و تفریق غم و شور تو به پنداره  
 فریاد قبلیت یوز لایم است سانی بعین سانی اندین که مکره طوافی غم و شوق بود  
 و عمره بجای کلمه و لایم طوافی شهادت است نبی کیم ای بهاد الدین شکی  
 کلمه سنیک سلامت بولک است کیم بیت احرام و اهل بیتم کین و در حدیثی  
 بوبت دی خوشحال و سوتین بولک و طیفین با نیک و در لایم و لایم و لایم  
 مدعا و سوا بر دی میب لولبی و یکو میل که در مجاور بودی یک خلق و نفس  
 و حدیثی خود پس ای لایم و لایم طریف سیده که سعادتمند لایم که علم طریف  
 تلقین قبول و ایر و لایم و علم طریف و سینه اتی یوز که و سینه بولک و لایم و سینه  
 تو یوز لایم اهل معینه و ولتمند لایم و کال غم تی لایم و لایم و لایم و لایم  
 بالکلیه قطب لایم و نافع طایفه و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم

مرتبه است و در این میان کین و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم  
 بزرگوار است قطب لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم  
 از مرتبه سواد میسر لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم  
 العارین در بیان الحقیقین حضرت سید با نیک و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم  
 بیت بونک است که حکم کا واقع بود لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم  
 نقاد هر ارم و یوسف مجاهد بود لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم  
 یکا و سنیک و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم  
 مرتبه کای سنیک و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم  
 و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم  
 مجاهد سیده و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم  
 جوش و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم  
 جوش بزرگوار و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم  
 لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم  
 لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم  
 لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم  
 لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم و لایم







جمله لاری

در آن اول بار هر چند که اسحق قلیله را در میان او و سیخ علی مصفی بر شهباز  
صور دیده بود و بوقایع و در از قبایط و در سیر و کوه لبنان و در آن  
وین بود و اصل صورت را بکا کلبه صان بار و در کور و در کور و در کور و در کور  
لاریله قهر قازاق غنم مغول بود و در حوض سیخ علی که در دیر لاریله قهر  
در حوض سیخ علی بود و در حوض سیخ علی بود و در حوض سیخ علی بود  
او و قوونک بر له و فن قبلی اول اسدی کم سیخ علی حضرت سیخ نیک مبارک  
او سیخ لاری و فن قبلی اول زمان سیخ علی و معلوم بود که کم سیخ لاری  
سیخ نیک و در لاری که در حوض سیخ علی حضرت سیخ لاری که در حوض  
قبلیه لاری اول اسدی کم و در لاری با غلار یغی قبلیه لاری که در حوض  
بار و نیک و بنی و فن قبلی سیخ علی قصه بیان قبلیه لاری که در حوض  
شول که بر درویش سیخ علی تو سیده کوردی بود و کم ای نیک و در حوض  
تعالی نیک و قبلیه لاری که در حوض سیخ علی که در حوض لاری که در حوض  
در و نیک و بنی ام و حوض قبلیه لاری که در حوض سیخ علی که در حوض  
بنی و در و نیک و بنی ام و حوض قبلیه لاری که در حوض سیخ علی که در حوض  
پس و در و نیک و بنی ام و حوض قبلیه لاری که در حوض سیخ علی که در حوض

تا بگویند لاری

تا بگویند لاری که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض  
لاری که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض  
غافل بود و در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض  
سیخ ممتاز و در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض  
سیخ نیک و در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض  
در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض  
حواله لاری که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض  
یعنی هر وقت که معنی عالمیه به شکل اسدی کم سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض  
در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض  
و حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض  
هر کمال مان بود و نیک بر له و در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض  
و البته مهم بر لاری که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض  
لاری که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض  
خلایق و مستغنی و نیاز خلق غنم اینک و بنی ام و حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض  
در واقع بلاغت مرتبه سیدین تا او تو زاتی با نفع و در حوض سیخ علی که در حوض سیخ علی که در حوض

80











بر صاحب مرتبت و نیک است قوی میکل او بر تیری هر اقل بود باقیه که فیله بود  
 بخش خلقین ممتاز اولتور و نبی چشم این کوزی کویتی افتاب علی کوکلی آه  
 شاد و بزرگوار نیک محبتی او تیده هنوز هم اول طرف کابل قبلی در وقت قوی بود  
 گو کوزی و بولار کینیدین من سفیا چاره و اولی زکوار فاسل رنجه روز اولی  
 بزرگوار هم او نوسم لاری بزم تور و بستر لاری که کور و ستیل و احوال را پینیم بود  
 سوز نام باوت بزرگوار نیک مبارک قول رسیدن تو تو خلعت هر ایضا آید  
 تعظیم تمام بر سلطنت خنیده اولتور غوزی و اولی لاری بزرگوار تخت نیک  
 بونیده کتیر من خدمتکار نیک و در بزرگوار ایدی لاری باوت و عا مقدار  
 بلند لیک مرتبه پیده بهر آق بر است لیک مرتبه پیده خوبراق و پیده اولی که پس بود  
 دمن که باوت باوت لاری که رفیق لاری منصف کا مستحق که در خانه جد بولار کیم بود  
 او رنیده و نعل قلیغای باوت غرض سزاوار ایما است که کم که امقا میند قیام کور  
 کای پس او ز تحبیک و اولتور غرض و در و بر خدمتیکه فایم نور این ملک  
 و ایم بولای من سنین النما هم او سب و در و بر فقیر حقیر غرض و نیک لاری  
 دین قیل که در کای هیک مقول نیکین اولی که کای همای سعادت نیک  
 میده جای پر کاکل ما علم ظاهر و در خدمت کای قوب کای بار خدمت کار

فایز از کای

قطع کای مرتبه لاری فاسل و یامین لاری نیک اولتور غرض اولی که کای بزرگوار نیک  
 کور سب و در لاری نیک غرض و نیک لاری ایدی ای بزرگوار این غرض نیک کیم بود  
 و نیک بونیده قیل و نیک بولای منصف اختیار قیام و خدمت نیک و بزرگوار  
 ایدی لاری باوت هر قبول خدمت و در و بر اختیار کیم بر کای و کیم بود  
 محمود و نیک اگر اختیار نیک بیکه و بولای ایدی که کای همای و در و بر  
 اینک خدمت قبول قیل کیم بولای این خدمت و مصلحت نیک و کیم بود  
 امر قیل لاری اما نیک لیک بولای و در و نیک غرض ای کای لاری و در و نیک  
 و در و خواه لاری و لاری که مراد اولی که کیم بولای این مرتبه پیده بولای  
 و لیکین خلق بولای نیک بولای لاری باوت و غرض بزرگوار نیک او سب و در لاری  
 خوش خلق ایدی ای بزرگوار بولای ده منده اختیار بولای و در و نیک مقدار  
 دولت نیک قیام کور کوز کای کیم غرض سعادت بولای سب و نیک غرض  
 بولای و نیک غرض بولای کای کیم غرض سعادت بولای سب و نیک غرض  
 بزرگوار ایدی کیم و در و نیک باوت لاری پیده قیل منصف کیم طبع لاری  
 موافق و نیک لاری لاری لاری بولای قبول قیل غرض کیم بولای و نیک  
 منصف اختیار قیل لاری و خدمت و اولتور غرض ای کای لاری کیم کیم و کونند

۹۷







در پیش ازینکه نکات فوقی بولوب هر چه قالی در او یک ایدر شایع  
 می باشد که نیک انداز مشکل بینی حواله قبیلور لا معلوم بولوب که بولوب  
 شیطانی ایکن بولوب بولوب مشکل **بسیار** بولوب کلج و لا ناز و حکما  
 نه او چنانچه حواله قبیلور لا معلوم و در یک منکا باطبع کورمانی تو بولوب  
 افعال بدین منوینک هر جنبه که خوشگوار تر و درین منوینک شیطانی بولوب  
 مقرر قبیلور لا منکا بولوب و تقیید زیاد و رک بولوبی اتم ناک بولوب  
 او یقیناً بارودی بند اولف که خبر بر کال و یک خبر بر دینار او یک ایدی  
 عجب مالیکم هر یک که درویر کا اینک ده نصرت و درویر کا لا غا و لا  
 نصرت تر و تونا کونج اینهمه شطرا اب صحتین یا ندیم بولوب و رک اکا  
 قبیلور لا دینا جارب بارودی کور و یک او نکال کوندیم صحتین و نا  
 خوش کورودی او یک ایدی فیروز بولوب خود خبر بر یقین بولوب  
 تو بولوب شیطانی ایکن **اطراف منرا کا** قبیلور لا که سر بعد منوینک  
 لا که فرقت بولوب غایم و یک کار تمام بر باندی و یک منوینک  
 بولوب غیبین امیدی ادودی اول کونج عجز کرد و در او ایدی حواله  
 کورودی در طهارت قبیلور لا که او ایلادی خدا یغایم

ایلاب

ایلاب منوینک کاتوب سنایا بولوب ایلاب اولی ایلاب اولی ایلاب  
 تو بولوب خبر بر بولوب ایلاب اولی ایلاب اولی ایلاب اولی  
 الفک اما تو بولوب خبر بر بولوب ایلاب اولی ایلاب اولی ایلاب  
 منوینک مشکل لا اینک که بده من بولوب دور و غنا ایلاب اولی ایلاب  
 او یقیناً اولی ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب اولی ایلاب اولی ایلاب  
 او یک مشکل لا اینک که بده من بولوب دور و غنا ایلاب اولی ایلاب  
 منوینک مشکل لا اینک که بده من بولوب دور و غنا ایلاب اولی ایلاب  
 و یکم و لا ایلاب ایلاب ایلاب اولی ایلاب اولی ایلاب اولی  
 او بولوب کورودی ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب  
 منوینک بولوب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب  
 بولوب کورودی معلوم بولوب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب  
 مثال ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب  
 اولی ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب  
 امانت فیان ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب  
 او کوندین بری او چنانچه ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب ایلاب















از خود را بر این کار که می دانید بر این تورت مغیره و خوراکه از این اید  
ای نامه تو بخون که سنی بهر تنیک جماعه و من قیلید لا شیخ زید بلار در سحر کا  
اختیار یوقد و را اول هر دو یکم سوگواری رجا الغیب قوت و کوب است از این  
اولوم لار بدینج حکمت یکا خبر بولادی و لغیر لار انداخ و دست بخت  
مبارک است لار کورستان بقعیه ده دور اما اولقی روتی رقی ترو  
لیکن بقعیه ده حضرت شیخ نیک است لاریده بهر قبر قیلید لار اول صحت  
لغیر خلق کان قیلید لار یکم مبارک است لار کورستان بقعیه ده دور  
التجی بات لار یکی شیخ و منظر لطف جماعه و مبتدا نور ایمان  
کلام ربان و مویید است لار مویید و مویید و مویید و مویید و مویید  
الوال نصر سمانه و سحره لغیر و فکر یکم مویید و مویید و مویید و مویید  
و بهر کمال فصاحت لینه و قوی بلاغت لینه علم ظاهر و در به نظیر صمان  
و علم باطن و ده یکتا زمان و شروع به بدل که شریعت قانونی خیا  
رعایه قیلید و لار یکم شریعت بلاغتی زمانیدین مانع و قتی غیور  
قول خود فعل بنزکوار وین شیخ نیک خلافه است و اق بولادی  
لما حیانا اما اول حاله مویید و اگر لار یکم تجارت حضرت صلا علیکم

بنده

نیک است لاری و سبت جلتی و لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
بولغا لار یکم غرض لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
لار یکا فیض یکا لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
لار لار لار بدینج بری لار یکم لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
نقیض لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
شیخ بهر است خواه فو لار خواه فو لار خواه فو لار خواه فو لار خواه فو  
و بهر است خواه فو لار خواه فو لار خواه فو لار خواه فو لار خواه فو  
مسلک لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
مهره لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
وقت یکا صیابه لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
اید لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
فقیه اول لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار







هیفت یکم دوم استینک و چونک هم همراه ایزدی اولونو علم قلبین  
 اعلان و تعلیم قرآن و غیر منک معلوم بولعا ایزدی منزه جبریل علیه السلام  
 خبر بخت کم ایمان دولتی کا قرآن قرار تیغ منصف بولانی سبکام قیود  
 خیر و بد و عده شریف ال پیغمبر لطیف صلوات علیه السلام دین نبر کو اول حق تعالی  
 واقع بولدی ایزد است خوشحال بولوبی قذوق غالب حبیب حبیبی کو  
 غم بسیار شکر لاریقله یار اول خواجگ کونین در چهل ثقلین و وجه سلطان  
 احرارین صلوات علیه السلام غم به نهایت ملوآه ایبار دیلارینه اتی کل  
 توقف قبلت کسبویل لاریچده ریاضت مجاهد در لریج معلول لاری  
 نبر کو ازینک معده هر روح لاریغ اولونو استنا ایلادیلایکم هر کو معنی  
 عالمند ارا لاریده ملاقات واقع بولوبش الفت الیب تا تو شینلار  
 انتظار کینون زیغ اول ذات شریف نیک و چو لطیف لاریغ نیک طیب  
 ایزد لاریکم یارب فحان بولفای دل سهار قدسی علم لاهوت علوی پنجم عالم  
 ناهوت پهنای نزل قبلت و علم بر جری نیک مرغاب لاری تو لغو ملکوت  
 معنی در سبک غواض لاری در حقیقت لاق غمسی کور کوز کایلار و غیر  
 سعادت ههای نیک فناء پایه سید بقدر حوصوفات ادرار لاری اول

منع لاریتیم منی قولو کلکای و منغ در سپیدین در نقد ابر لغای اوست  
اندیشه ده ایریلاریم اولقو غلبه قیلیدی کورور لاریم الحفرتینه ضرر بولوب  
ایده لاری ای بولانصر تورغیلک سفروقت بوله ای کسپانم طرفیکباریلبل  
ذات معموده نینک حسخویده بولغیل عالم شهادت ده انینک فالت سیر  
حفر خاومه لال تور بولبل استعداوین قیلیب اوغا خواهر اوالانقا  
همراه لالاب تکرسان طرفیکایوز لاندیلار شهبه شهبه کیلور ایریلار  
تاپشیریلدن کین بونکره فرغانه سده یکایتی لار پورولاریم حکم  
بولوغ ذات نینک عالمده موجهه ایکایینی پیلور موخبر پورولاریم کین ا  
ایزلاکان کنه کاشغرولا بتیبه دورولیکیم کچیک دوریم مصلحت ایراک  
حفرت خواهر ایده لار انینک تچیلک مقفونخوخی ایماپس اوریم سرفی و حو  
تورلر رویکله دایملاروین اسلام اشکار اقیلاف مید برله اوج یوز سب  
کاشغور طرفیکایوز لانیب سانب لار و انیم بولیدیلار و جند مدین کین بیا  
یرکایتی لار و کور کولون کور و دیلار حاصل کلام اولکر ریافت شنجی سقوت  
شمره پی اول نیز کوارده تمیم سیرل غمه ناره اول ایردیم حقیق اولع  
نینک بنده لاری اسلار حفرت سبیل بولیلاریم انینک کاشغورده هج حفرت

تغیلات







بهر حال بوقدر اندک حکمت بزرگوار هر چه از غیر ریاضت بسیار و مجتهد  
 به تمام بود سعادت که مشرف بود به لایق و سیر اول و دوم طبقه او بود  
 مساجد لاریت که نوعی حضرت خواجہ بزرگوار غازی قلیغان در قلیغانی  
 تا بوطایف اکابر لاری بن بولغا اما معلوم بولغا یک حکمت بزرگوار که  
 بوقار و کرامت کائنات عباد و کائنات بزرگوار و کون و زمرات این بزرگوار  
 ابیور ایردیل را اندین کین افطار و قمری علم او به یک کمال بود  
 و افطارده پسر بریم متقال بن زیاد و طاعی بکادیل و کاییم متقال بن  
 هوتی اچا را ایردیل را دین بر ریاضت لاری اول ایردیکم بالیقین بن کوه  
 هواچا دیلار کرد و لایقانه لاریده سرب طعم بقیع ایردیکم و لیک بن  
 بنبریکم القضاة عند الکثرة فضل الطاعات مضمون بوقدر عال ایردیل  
 یغی غیثک رتولایقده قضاة قضاة و ریاضت تاریکای همه طاعت  
 نیک انضالی دور حضرت بزرگوار نیک منزل مکن لاری دین  
 منوره حضرت بزرگوار صلا اقصا علی علم ده ایردی و نیک حضرت  
 بن رتبه بزرگوار بنان پیرین اختیار ایراد و نوزت نبیده بولغا  
 بولغا بولغا لاری بولغا بولغا بولغا بولغا بولغا بولغا بولغا بولغا

بنک لاری

نیک روح لاری و دی و طایفه عالمه هم او بوقدر طایفه مساجد لاری بن  
 حضرت بزرگوار نیک افقت لاریده کایم اختیار قلیغان لاری بولغا  
 لاری بن فایده لاری لاری امارادت بستی بوقدر لاری و اول جماعت نیک بولغا  
 مساجد لاری و پسر پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری  
 هم لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری  
 نیک لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری  
 ایردی بولغا لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری  
 منزل منوره و مساجد بولغا بولغا بولغا بولغا بولغا بولغا بولغا بولغا  
 و نیک لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری  
 آخر الامر مقصد که تمام کای و اگر هست قلیغان بولغا بولغا بولغا بولغا  
 و اول بوقدر قدم قوی غای کیم عمر ضایع ایراد بولغا بولغا بولغا بولغا  
 لاری بولغا لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری  
 مساجد لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری  
 حضرت بولغا لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری و پسر لاری

۹۸



ای که درین ایام که بولغی که در نیاد حضرت سینک سعادت بر مرتبه در کرم قلب  
 بقدر مرتبه در لار او سو مرتبه در سنک احوال قبله لار حضرت خواجده بول  
 مرده استیب بغل اولاد ایدیلار لار کف سین و دانا دور سن که علم و شرف  
 نینک کفیف تنی او سبولیاس بر سر لایف در جانه لطیف کاکو لایق در کرم  
 بولدی دویم باره آواز کله یکیم ای الوافتر حق شجاعت لایق نینک لطف کرنی  
 عام دور هر چند مرتبه کفیف دور محبت در یک سینه قطره انکاتامه شجاعت  
 با نیر بولبولیاس لایق و سزاوار بولور بهای نیکه اول تنی کرم  
 میل لار حق شجاعت لایق نینک بنده لیکید پرورش بر تالغان بولبولیاس  
 مرتبه یکا کجول لایق بولما غای چون خواجده موند استیب چون حال اولاد  
 فی الحال تو در طهارت استیب لایق قبله لار تورت سبعت نیا از او قوب  
 اولتور دیلار ایریه طبقة اولیه مساج لار بدین جمع قطب لایق لایق  
 حاضر ایدیلار حضرت خواجده تکلیف قبله لار خواجده قهر افسه و الوافتر  
 ادب تمام بر که یکیدیلار مساج رهم افسه بزرگوار نینک حقلار یدیه  
 او تو دیلار خواجده خلوت دین تا تفاری حقیقت لار ایریه حضرت خواجده  
 نجم الدین حاضر ایریه لار او سو لار بدین تورو بل ایدیلار ای بزرگوار

لایق مبارک

لایق مبارک لایق سو خواجده ایدیلار ای نجم الدین بولبولیاس نینک مبارک  
 قیام سینه قبله نینک سو ایدیلار ای بزرگوار قطب لایق لایق حضرت نینک کاکه  
 کاکه نجم الدین ایریه در سنک او حسن سلما سو کیم حقیقت کار و نیم خبر از دور  
 بزرگوار غنی بر کیم سل قطب ایریه لار او سو بدت ده بر کوزه ملق عالم طاهر  
 الفت تو غنی اولاد لایق کوشش ایریه لار او حضرت سلطان فی الدیلار یدیه تو  
 باطن لار لایق نظر قبله لار بر کوزه اولتور ای دیلار که کیم سینه یکین آواز  
 قبله دی و سورتیلا دی خواجده آواز یدیه سو تا نو دیلار کیم یدیه و ایدیلار کیم  
 نیردی ایدیلار اسلام علیکم یا الوافتر عزت و شرف انوار دور کیم رب الغت مری  
 بر که کلیم نینک اجازت بر تالغان استیب لایق یکا تا سورت ایریه بزرگوار  
 ایدیلار بولبولیاس حکم و سورتیلا و کیم قبله لایق جمع قیام لار اوام یکا نینک  
 فدا نم نینک مری کاکه کلک نینک سلما و نیم انا اولیا لار کاکه یدیه بولبولیاس  
 باو لیک دور زیراک اولاد طهارت یدیه و لار لایق کفیف سرتیلا لایق سینه  
 بزرگوار لایق لایق و سورتیلا لایق و لار لایق و سورتیلا لایق و سورتیلا لایق  
 ایدیلار کلیم خوش کله نینک کیم سورتیلا لایق کوزی بولدی ایریه و سورتیلا  
 معلوم دور عدم تمییدیه مونیک لایق کفیف سرتیلا لایق سینه سینه سینه

۷۹



فدیم فرمانی قوی و جان بحق پسیم قیلیدلار و سونیکت له ساعنی او توبلایردی  
منسوب لاریمنیم بری خواجه شیک خلوت لایغ کر لار که سار لایغ لایغ  
اولیو نیکلنغ ایغلارینی از اتبایک نیک یا نلارینی باسیج قیلید غه قییب پاپ  
تعجبی قالدی ایدر عجبی صلیکم حضرت خواجه نابوزمان غه هرگز من ندانم  
نی پونما غانم ایرونی لار چو کولم کیم کو کولم له اوتبایک لار لایغ تودلی  
وهر چند فکر قیلیدیم حرکت بارو نفسیم یوق یقیق بارو  
حاله کوردی فریاد ایلاب آه وادیلادیم و غمخیز فرزند لاریکا خیر و لایم  
و خواجه ابوالفتح ایرونی و سلطان جم جم لایغ لاریک کلدیلار و سار  
لار و نیج بر لاری حضرت سلطان غایب ایل قیلیدلار کیم بزکوار نیک مبارک  
جب لارینی کیم غسل قیلور و سار ایدیلار کیم فرمان خواجه نیک اولار و سار  
تیمکا بولور و سار لاریک غسل قیلور و سار قیوت کایک بایر نی  
بر لایم مبارک سینه لاری بر باده اولتور و سار ایدیلار لای کلدیلار و سار  
حال سولور اما حقیق اولغا عبادتیده پور سار لایغ او سار لاری  
تیم غسل قیلور کیم فرمان غه موقوف و در مبارک سینه لاریمنیم آوار کلدیم  
فرز دلیک سینی بر لایم کیم الین غسل قیلور حضرت سلطان بولور

انکاب و سار

انکاب و سار کیم او سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم  
سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم  
و لار و سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم  
سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم  
مصفیات لاری دین مسند متبر که آر توج ده دین قیلیدلار و سار  
اوج نور ایلک او توبلایردی وفات لاری دین کیم سار غازی کولم کولم  
حضرت خواجه غزوات صلا حرمی اتی آطافه مینیم سار کیم سار کیم  
قیلیدیلر اندان غزوات قیلیدیلر عاتلار سار کیم سار کیم ای کول  
منزل قیلیدیلر بولور ایدیلار اعلای علیین ده سار کیم سار کیم  
قیلیدی ایدیلار لایغ لاریک کیم کول سار کیم لاریغ و اولکانه غازی  
قیلغان قیلیدی سار کیم غازی لاری قیلغان لاری قیلغان و سار  
لور کور و سار او سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم  
سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم  
قولیور سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم  
سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم سار کیم



در هر یک که بر او وید غایب بود ۱۲ مرتبه الحمد علیه تعالی با خیر  
**سلطان سلطان و قاتل این فانی** مای آنا کفر و عصبان  
 در دایره دهنده شرح به شرح الزمان و مظهر نور این شرح و با دست زین زمانه و ظاهر  
 سازنده ملت فاعل به خیران و تشریف کوه حیات همان قاتل مسکینان  
 و قاتل ظالم و ماسخ قاصد کاه و فریاد و مظلومان و منور عیار کاه  
 و راهبر اول پشیمان شمس حضرت سلطان الاولیاء و جامع الاصفی حضرت  
 سلطان مستوفی لغرافان غار علیه السلام و الفخر فی قدره و اقدار و نور  
 بیانی که هم نطق نیلی است ای تعریف لال و عقل کامل و صافی و نوری  
 به حال و در آسمان لا زنده جماله و صیفه و حیرت و عاقل لا عقل کنی کانی  
 هر که در آن زبان به بیانی کلیه خیر این غیبی و طوطی سر زین مظهر  
 کلام لا ربی فصیح فصیحان زمانه و بلخ بلغای دورتر و عصفی و لال  
 افضی و در هر کامل لا بر نینک اکی مجو مطلق و ولی بر حق و مصلحت  
 چنانکه الهیه یحیی و خورشید نور مصباحی معالی سعادی با سید  
 منفعل الوهیت در پییده قدرت مرغان نینک آرام گاهی و ربوبیت  
 هواییده صنعت به غیر نینک نینک که هر هنر از هنر است نور منقول

در هر یک که بر او وید

و هر در معال لا در شرح افتاد و هر که بکند یورو و لوغان کیم تا سعادی نور  
 عالم منور بولغانی و در ستم و پشیمان بازوی نینک و دوشاه مردانه مرعی علی  
 نینک به شرح و سید سید امیر بهر عالیشان نینک جود که کرامت علی  
 و آئیده و بولغان کیم کفار به کردار و اسلام بهر فیض و سرف و نینک کاه  
 الکیم کلور کای و صفا که راه لاری عباد صلات بی و حقاریب به است  
 یولی و سالی اول بر و یکم ازیر و تعالی است کاه و حکمت است و بی  
 موند و ذات ایضا بهیرا یکم دست که است ای سیم اسلام سیری  
 و در آیه هر نینک حق و سید و در روح و مظهر و تنویری خدایه و لال  
 جوی حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم و موع کیم بی سیم لار و روح  
 قناریده کور و شایر حضرت علی کرم صلی الله علیه و سلم و در لاری کاه  
 جبریل بود روح فیض به نینک و در روح و لوی کیم و در به بر این و جبر  
 جبریل علیه السلام خیر بر و لاری کیم ای محمد صلی الله علیه و سلم بود روح و روح  
 به نینک و در جبریل و در هر یک نینک املا و نینک بر نینک و روح  
 نینک چنان اراجا نینک نینک آفتاب مغربه باقیان کیم ای روح نور  
 او نور بیلین و نکره حیات لیتن بهر یقین بهر و صید و معنی و موجود



و خست یعنی تا رتقوسید تو غولورهای کمرستان دورکم سلام تسبیح است  
 و سببیک برین بلیک اندر دوشمن خود و نکاتر بولادی و سلام نیک طهری  
 و ملت و سرایت نیک و جرات کسان و باریده انیک فکات سر فواید  
 دور و مبارک آن استوف و در اول کیم اول و باریده سلام غولور  
 طول و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم ایدلارای جبریل علیه السلام  
 نیک روح لاریدن اوزکی روح موندان اونیوع و درم مخلوق بولادی چو کیم  
 حضرت جبریل علیه السلام ایدلارای که جهت بند و بری اولکه سببیک  
 سر فینیک نیک لغظ و جرات و کیم کمرستان ده حیای اسلام و تبلیغ  
 الاحکام انیک فایغه موقوفه و رینه بری اولکه بغض و غیر ایک کیم سببیک زیاده  
 اهرم سر فینو مسرف قیلا و لاراما لوفات سر لایف کیم سر فینو سببیک  
 ایمان اسلام سر فینو مسرف قیلا و سببیک لاجرم سببیک سببیک سببیک  
 بولادی حضرت جبریل علیه السلام بولادی جبریل علیه السلام و کیم  
 خدا تیغانه جبریل و سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک  
 نیک مبارک فاطر لاریغه همه خطور سلور ایدر کیم کمرستان ایمان سر فینو  
 مسرف بولادی و اسلام دولتی غن اولانمادی و تسبیح اسلام تکمادی طهری

لا انیک صلیا قیامت و کیم لوی لغای جبریل علیه السلام و جبریل علیه السلام  
 و سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک  
 بولادی فاطر کیم کمرستان و کیم کیم بولادی اول وقت عالم و جانیت  
 ایدر است سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک  
 صلیا علیه السلام حیات ایدر لاریغ سببیک سببیک سببیک سببیک  
 اول روح سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک  
 ایدر لاریغ سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک  
 سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک  
 نه نوع فایغه دورکم هر کون اولقور لاریغ سببیک سببیک سببیک  
 حضرت سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک  
 و خضم بولادی لاریغ سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک  
 نور و سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک  
 و سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک  
 ایدر سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک  
 تا که اولان ات سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک سببیک

۷۷







تیره تیره در آینه فرشته لاری در حسن ما لاری در نفع ما  
 قیلد لاری که عجب ما که کیم موندن روح لطیف و جان پاکیزه ز دنیا کفایت  
 ایبار و لاری تا ایند قاجول بولغا وینه ایدیلر هر نه فدا خواه لاری  
 اول بولغوس اولکونیکم حضرت بکوار توغولده لاری خوجا و علما و اول  
 یراندان قشع تبر او کیم تختیدین حبه سید بولوس لاری روح پاک  
 و کل لاری چیلدی و حالان موندن سنان ایردی اول وقت شنب حکما لاری  
 فطرت حکمت و علم فراست برله تا پتی لاری کیم بولک حکما کیم بولک  
 اما حردینی غم کیم کیم و خولوب پوزن حکما لاری و شنب اول بولک  
 اول وورما کما قصه یده بولدی لاری اول وورما کما کما بولدی و  
 ایرای کافرا رنمه پیلدینکیر لاری کیم بولکل سر خواره حجه علیک السلام  
 دینی غم کما کای بر تفرید بولوسیر واقع بولغانده هم اول وورما  
 اختیار سیر لاری و وور بولوزن کافرا استیجاب ایدیلر خوجا  
 ایدینک چونک بولغان وقت و کپرنیک راه روی سینه تغییر  
 اوز کایول غ اختیار قبیل سول وقت و اول وور بولوزن سیر  
 بولمنوال برله اوت بزرگوار تا لاری و وفات تا پتی و لاری و غم

با اول لاری

بار و لاری و آدی وینه شمس لاری کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
 لاری تا بولدی کافرا لاری کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
 برله الفت لاری بزرگوار کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
 ایدیک بار غایلار و سیر قیلغا یلار بولوسیر و کما هم بولغا بولوسیر و کما هم  
 شنب بزرگوار لاری کما بزرگوار کما بزرگوار کما بزرگوار کما بزرگوار  
 ارتقا سینه جاپیب رنی لاری و خواه لاری کیم اوقی برله اوقی لاری تا و شنب  
 تنیل صورت بولوب پیر مرد صورتی کما بولدی و تبلیغ کلیت کیم  
 ایفر ز کما کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
 برله تنها قولعه کما و موندن کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
 خند بولوزم مار وور کما ایای بزرگوار بولغان غم سابه قیلدینک  
 و حال طوبی و توبی بولغان برله شنب کما بولک لاری و لاری  
 بر ایدیر ایفر زنده بولوزم اختیار قبیل سیر و بولک صفت و کیم  
 اوز و کما کما کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
 افریده کما کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
 کما کما بولوزن کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم



دور بود چو که از لاریتا دورتر نینک یاریمیزده بونیکین کس بودی بودی  
حکایت لاریتا که یکم پسر ایدری و قیدینم به الولد روینم به سلاطین ایدلا  
ای هر دو یک بن و مقصد نیک بنم پسر ایدری ملک مقصد و هم اولک بنم  
پسینک غدا به قالماسا و لیلیف صانیک و فوخ و کویا کای بنر کو ایدلا  
موفوخ و یکا بنم و در پسر ایدری موفوخ اول و دینیم عبارت و در هر دو کس  
و سلاطین چو که از لاریتا دورتر نینک یاریمیزده بونیکین کس بودی بودی  
هر نینک یاریمیزده بنر کو ایدری نینک کو نیکل لاریتا فوخ بنم ایدری  
اینم قولی بنم و در پسر ایدری احمد محمد رسول الله حق بنم و کویا ایدلا  
لا اله الا الله محمد رسول الله احمد محمد رسول الله و کویا ایدری  
ان محمد بن رسول الله با دین زاده و کویا بنم و کویا بنم  
هر ایدری کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم  
بنم و کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم  
با نینم بنم و کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم  
لولی بنر کو ایدری بنم و کویا بنم و کویا بنم  
بنم و کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم

تکلیف لاریتا

تکلیف لاریتا لاریتا لاریتا لاریتا لاریتا لاریتا لاریتا لاریتا  
هر ایدری لاریتا لاریتا لاریتا لاریتا لاریتا لاریتا لاریتا لاریتا  
تیمیر کای موقوف و در ایدری بنم و کویا بنم و کویا بنم  
فوخ بنم و کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم  
دور بود چو که از لاریتا دورتر نینک یاریمیزده بونیکین کس بودی بودی  
بنم و کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم  
بنر کو ایدری لاریتا لاریتا لاریتا لاریتا لاریتا لاریتا لاریتا لاریتا  
تو بنم و کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم  
هر دو کس و کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم  
لولی بنر کو ایدری بنم و کویا بنم و کویا بنم  
بنم و کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم و کویا بنم















بر تالار بر روی فلک انت زفر است بر لبه پهلایم که بیدار مانده و قوت  
 این شریکیم که از طهارت قیامی که بخشنه و تفریح و امتحان بر لبه اجزایات تمام  
 معلوم قبلاً بواشند و بر کجی بکند که در یکم بر سر انداخته و در دست راست  
 او یقودین بیدار بولوب چنانچه که هم حضرت سلطان نیک نالاری ایرونی ای  
 ای خاتون بونوع کوشش و رویشی تعبیری بچوئل و در خاتون سبایکیم بر سر  
 تعبیر بد اما در قیامی انیس که نکلیک معقولی مادی آخر ایدی ای خاتون  
 مناجات و بگویم بفرزند نیک اولد و غیل سیرت فانه و انیم غر غر غر غر غر  
 و بگویم سیرت و خند با انو بگویم اما طاهر بولدی سیرتیم که در کور و در  
 اوزر کا که احتمالاً یوق اول منبر سلاک قیامی سیرتیم ایلیک حسی فانه و در  
 مایدور و غر  
 ماک قرار بر روی خاتون ای خوب تنیک که انداخ بولوبه بولوبه و در کور  
 به سیرتیم بیدار و در کور هم مخافت قبلاً قورانی ایلیک و در کور  
 امرالایلی بغدی و ایدرای بیک سیرتیم که بولوبه و در کور  
 خواه لایحی اول فتنه او تینی او چور کا بولوبه بولوبه بولوبه بولوبه  
 ارادون کونار کو سید و بیک لاری ایدی که فتنه و در کور و در کور

بولالادور بولالادور

بولالاری بیگ لوتوریاک مقدمات بولالادور اما لاری ایدی سیرتیم  
 عروجه سیرتیم اولتوراسین ای کافر لایین بد بخت سیرتیم مردود و کادور  
 جانک سیرتیم بولالادور سیرتیم بولالادور سیرتیم بولالادور سیرتیم  
 انیس که بولالادور اول کافر ایدی ای خاتون سیرتیم بولالادور سیرتیم  
 اولی کونل از قبلیک آخر موند قبلیک سیرتیم بولالادور سیرتیم بولالادور  
 و سیرتیم بولالادور سیرتیم بولالادور سیرتیم بولالادور سیرتیم  
 سیرتیم بولالادور سیرتیم بولالادور سیرتیم بولالادور سیرتیم  
 و در اندین قور قور قور قور قور قور قور قور قور قور قور قور قور  
 فتنه کار لایحی سیرتیم بولالادور سیرتیم بولالادور سیرتیم  
 مصلحت معقول کوندی کافر ایدی بخت تنیک سیرتیم بولالادور  
 اتفاق که بخانه باقیلا قور بولدی سیرتیم بولالادور سیرتیم بولالادور  
 بولالادور سیرتیم بولالادور سیرتیم بولالادور سیرتیم بولالادور  
 طار ایر سیرتیم بولالادور سیرتیم بولالادور سیرتیم بولالادور  
 حقیقت صراحت سیرتیم بولالادور سیرتیم بولالادور سیرتیم  
 سیرتیم بولالادور سیرتیم بولالادور سیرتیم بولالادور سیرتیم

باور قیامور



بخانه بنا قیام بود نجات از غم اول سین قوافل میاق کرک حضرت سلطان نور  
 ظاهران بهان برله قبول قبله یلار اما کو کفلا ریده بسیار المنان کو یلار اولی  
 برله بود درون خلص یلار غم دور او سپواندیه و داریر و یلار کریم کچه بولدی  
 نور و یلار اعلای کاله پیرلاری خواجه ابو النصر پامان قاشلا و یلار اولی  
 و یلار یلار ای کرک کو اغالیک لکم غم اسلام منیج خبر الیک و منیج متحان  
 او جمنیج قیلور لار انما سر لار بر بود و کریم بنا قیلور حبل زینک او کمن  
 بولغا منیج مونسک تدارک نیدور اک قبول قیام هم منیج اک قیلور لار اک قبول  
 هم و منیج اسلام منیج جفغوم دور بو باده مصلی نیر لار قول لار یلار حضرت  
 نیر کو ارا یلار ایفر زنده سچ کاکو قید و کریم جانم خفطر او جمنیج غم غم  
 موندغ ایسر لار نه جانیر تو تو بولار لار کچه منیج قیلور قویک ایسر  
 خیر بو ککرک بو محمد و غم یکا یلار اندو کلین بو کمال حضرت سلطان بو کمن  
 بسیار خوشحال بو تو بولار جمنیج کوندر بولدی و قشایان افروغ منیج  
 طلوع قیلور اولوقت کافر مناد و قیلور دی ما به کچه یلار اعمار  
 قیلور بر کحضرت سلطان زجر لاکلشو یلار هم لاری بارونج لار اعمار  
 ای سئوق لغرافان کر نیر کالافان کور کور پانت کلکین و نیر قیلور











قمر غنیمت کنگر سلطان قیاس مقصودا و انما خیر لولایه الاری مستجاب  
 ایبرهیر سترابا ریلد و سیم سیم بونو حضرت سلطان ایدلار کافر  
 حق تعالی نینک نینی کور و نیک ایمان کتوبیلن و عاقبت این کور  
 لیتو ککار بونو برابریده ایدیکم ای استوق حمصه ایدیکم سیم نینک  
 دینی که کونجه بیر توپکا بارغانجه مبراق دور و بیکانینک و سیم طبع فرما  
 بردا بولغانجه سیم بیر توپکا خیر قریه اتم بولور سیم قیاس  
 حضرت سلطان الاولیا قمر غنیمت بیدین و دم باره و عاقبت لار بیکانه  
 بیر تختی کار کربن سید بولدی تا اولوقت سعادت صبح مشرق طند طلوع  
 قیاس ایبرهیر حضرت سلطان علیه و آله و سلم هر قیاس لار اسلام نقاره  
 مستوق بغرافان آتیغ اور و کور اول سیر و یکم مساره اور و کور حقیقت  
 او از نیرله از سیم صدمه علیه سیم ایشیلار بر طرفین کوس نقاره جا  
 مستول بولدی لار رسول وقت کافر لار خبر و ایدوب اسلام کتوبیلن و کور  
 اید و بیای سکر و نقابل یکدیگر و بر بولوب جنگ قیاس لار ناماز بین  
 انداخ قشع جنگ لیکم بغیر ایدلار و نینک او سق و بغیر اولار نولای  
 قان اید و تودی و بولار لغیر نولای ایتوب لار سیر نوبیر قان و غرق

بولدی  
 اولد لار

بولدی او سق و نولای سرت لای و انا معلوم بولغانیم اول کور حقیقت و نولای  
 غنا بیدین و حضرت حمصه علیه و آله و سلم لغیر اعانت لاری بر لیک  
 قشع اسلام و لیتغ مشرف بولوب سیم بولدی لار و غار لار طفر تا سیم کور لار  
 بیدی لار رسول کور حضرت سلطان غازی سیم بکند نولای کرامت لار طفر بولدی  
 اول لکمه سیر فرما نلاینی تود و کافر طامع بونو ایدیکم سیم لار سیم کور  
 اما وقت کافر لار بیکان باب لار و ایدو ال قیاس لار سیر لیت کوری بر لار و اید  
 چند سیم کافر لار سیم لای بولور ایدوی و حوخی سیم کور نینک ایدلار و اید  
 اوت لار زبانه و شراره اور و کافر لار جاننی غنه رویم بولور ایدوی هر طرف  
 بار بیک کافر لار غنیمت سیم بید و بولوب تمام قیاس لار ایدوی اول کور قور و کور سیم کافر  
 لار کور کورده اسلام غنه بولور کتوبیلن سلطان بولدی لار و حضرت سلطان غنیمت  
 موصوف بولوب غازی اماندیلار اول کور لار و کور لار کور لار غنیمت کور لار  
 لغیر لار اول سیم کور لای بولوب و لیک سیم اول وقت صبح رادور  
 اید و سیم سیم نولای و سعادت سیم دی دور اول سیم کور لیک  
 غنیمت لیک مشرف بولوب غازی لار اسلام نینک سیم کور لار  
 بولور اید بیک کور لای بولوب سلطان سیم لای و بر لایان الحقیقتان اول کور کور















مترسل را ندیده خواهی بود انصاف فاسد را بفرموده لاری و سنجیم ایام خود  
علم دارند هم طلبت بیدار در میتات ز قبایب یارای لغیم پس این  
و خرت لب پستی بخم الدین تنگ یون و قیر غنی علم و انبیا یون و بود صیبت  
پس کرده اید لاری خوش بگویند لا سوخ یا کینه لاری خوش بگویند دوست لاری  
اول و دوم اسیر ما هر قدر بکجه چید و در اهل طاهر الدین که تو بگویم تنی  
فرموده خاک منزل ما کینه باراد و خوش صفا فتنی تو افتاد و در آفتاب  
صوت تبدیلی و منزل مکان تغیری و نیم در کا ایامی و رنج بر بزرگ  
همراه بولغومیز و در ویب طوقین بر تاره کل ایست بادی لاری و آلت  
بیدار و جام و آن سریت کوم ریب که نو تن بیدار و اید لاری و اید  
کل طبع کلمه ستم کت نمازه او اقبال لاری او وقت تو بگویم در برف  
خض بار و لاری و بوبیت غاید لاری قطره نایب غه کویای او ستم کوم  
روح قدس بلی حقیقه قفس سینه و روبر منع هر خضره منیر او و او  
قبایب ستمت ایچره با مقصدی حال اولوب مرغ و آن هم زنجیر قبایب ستم  
لوی قنایه مسودانه و بنا ایست حجب صنایع او و در سیم کیم انکایای  
محرم در کا و در آن کفر مان تو بگویند عاشق کیم مستور از فساد و غیب

نور

نور نیست و در کوشه فطرت تو لوب بو نعره او قوت جان را ستم خیم  
ایلا و لاری و ستم کوم تو ستم قتی ایوی برو ستم دار الفنا و در او  
غیر صلت کور کوز و لاری طرف عالم خیرتی و خلاقی بحال ستم لاری  
لاری ستم کجا کور و ستم کور در حنازه کاس ستم کور کور لاری و لاری  
ولی کال ستم کور و ستم کور و ستم کور و ستم کور و ستم کور  
رسم لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
نور و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
المنیر و دیدار لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
منزل مکان بر کور لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
بالارینی بر کور و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
ایرو کیم ستم کور و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
والفر لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
سهریده و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
نور و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
نور کور لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری



























**مونسج حق ویا ویکل پنی بیکل کتوب** و منر غن سپر کرد از عقوبت و بدین  
 هم این خلعتی قید است چون که نجات این مژده بی درجه لایحه بی سنگا بیکل کتوب  
 بزرگوار ایدی خوش بولک اژ توفیق هم و بزرگوار و روز تو تو مقبول بولک اژ  
 بولای هم یک منر نیک از منر و منر نیک بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 کلن و در منر نیک بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 کللار بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 منر ایر و هم بزرگوار ایدی خوش بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 قیلنوم و در منر نیک بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 رتی و بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 بر با قیلدی اندر نمانده خوش بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 و ریافت کوشین خستار قیلدی و خدای حق عباد و بیغ قیلدی کور کور  
 تفه و مدیریت خدای اندر نمانده خوش بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 غور بل خلق حق بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 لمایف تیکور و در منر نیک بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 تیکور و ریافت اهل بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ

شیخ عمران و اسرار و ایر و بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 چپا پنی خدایون اوکا موجه بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 خلوت صومعه بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 و در منر نیک بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 تونار ایر و بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 اوکا بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 او بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 نونار ایر و بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 و در منر نیک بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 تونار ایر و بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 اوکا بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 او بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 نونار ایر و بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 و در منر نیک بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 تونار ایر و بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 اوکا بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 او بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ  
 نونار ایر و بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ بولک اژ







بزرگوار غمناخور کلدی قهر و دل بوندی ویند بغدی فی الحال اولدور  
 قولا تورمودی نول کوروت کور و زکوار غم شردنی کیم ایملان ایمده کورده لیب  
 ده پسر قیلان کراک حصار و طغرت بزرگوار بوم کرامتور بولدی تور و سون  
 جانبی شه باردی و ت کور و کور لار بغه ایدرای یارانه آلان خاطر بغه نی کیم  
 لیبنا غمینی سیر قیلیم و اوقطاب تهر اقد تهر ایدریم بوم لارینی دعا  
 و کیمیر کله سادیم و ضرر بولور کلا کلا کور و کور لار ایدر لار پسریم و غمت  
 چلیک قیلان کیم سحر ایدلارای یاران کیمیر لار لیبنا کیمیر لار غمینی  
 کلتور کلا کیمیر لار و حقتیم بوقور و خوش بولور کلا کور و کور لار  
 و یب ان بولدی حقتیم بوقور و خوش بولور کلا کور و کور لار  
 متصرف بولور و قهر کیم بوقور و کور لار کلا کور و کور لار  
 و کلا کلا کور و کور لار و کور و کور لار کلا کور و کور لار  
 انی موندنه او حقتیم کلا کور و کور لار کلا کور و کور لار  
 و کور و کور لار و کور و کور لار کلا کور و کور لار  
 قیلیم لار و کور و کور لار کلا کور و کور لار  
 تور و کور لار کلا کور و کور لار کلا کور و کور لار

انی موندنه

آری مصلحتی منو سنیک بزرگوار کیم تا ایلیم فرسته لاری کاخیر شکای ایتار لیب  
 بولور و کور و کور لار کلا کور و کور لار کلا کور و کور لار  
 کلدی و سحر و کور و کور لار کلا کور و کور لار کلا کور و کور لار  
 مبارک سنیک لار بیدیم بوقور و کور لار کلا کور و کور لار  
 والاخره توئی مصلحتی لار بیدیم بوقور و کور لار کلا کور و کور لار  
 سنیک سنیک سنیک سنیک سنیک سنیک سنیک سنیک سنیک سنیک سنیک  
 حقتیم بوقور و کور لار کلا کور و کور لار کلا کور و کور لار  
 بولور کلا کور و کور لار کلا کور و کور لار کلا کور و کور لار  
 طهارت بولور و کور لار کلا کور و کور لار کلا کور و کور لار  
 بید بولور و کور لار کلا کور و کور لار کلا کور و کور لار  
 کور و کور لار کلا کور و کور لار کلا کور و کور لار  
 بولور و کور لار کلا کور و کور لار کلا کور و کور لار  
 کور و کور لار کلا کور و کور لار کلا کور و کور لار  
 کور و کور لار کلا کور و کور لار کلا کور و کور لار  
 کور و کور لار کلا کور و کور لار کلا کور و کور لار  
 کور و کور لار کلا کور و کور لار کلا کور و کور لار















ساله اندین هونکه ایدیلار ایفر زنده بایلیک و نیانک مهر تنیک لای اولونما  
 انش اولدوقلا **حضرت خضر علیه السلام** نیک بولونما لاری ایست ایردی اولونما  
 نیک نیا حیرت و دینی و صولایه دینه ایدیلار ایفر زنده حبیبی و قلعایه  
 اوستوار بولونما کاهل لوقه نیل و قوچی ایلمن بک قوچا نیل و قوچا  
 علیه السلام نیک بر اکلاری بولوب مقصد نیل لار قوچی لوقه نیل  
 هنجیر لار نیک هنت لاری علیه السلام اولار نیک اوج طیب لار نیک  
 مدوکار بولور کراک و یغلا بولور بولور بولور نهباتی خوشحال یقین  
 ایماع و مغول بولدی اولدوقلا قیلیم مبارک لار سر ایلا نیل  
 دینه فی الحال تور بولور لایر کافرا دی ایره هر نیر به که نیک است  
 ابروی اهل با فلیس معلوم بولدی و اهل انظر قیلدی هر نیر به که  
 طبقه لاریه ابروی تا عرس کسوف بولدی و اطراف عالم غورباله  
 ریح سکون و نظریه جلوه کور کوزوی انداغ قوم نیک و لار و کینا  
 یله نیری و دخت لار نیک لفر اقلار عدو نیک حیا کیر علیه السلام  
 قالمادی و کوندر کونکا اسیده ترقی به بولدی و حضرت خضر علیه السلام  
 هر کوز لایر مرتبه صحبت تونه و چند کوندر مونسیک لای اولدوقلا

ایلی

ایلی بولور و کور کوز قمر غنیمت لایر کور نیک مبارک لایر کور طهارت  
 اوردی ایدی بولور کور کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک  
 نیک اوردی ایدی بولور کور کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک  
 هر نیر به که اولار نیک لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک  
 هشتا نیک لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک  
 اولدوقلا هر نیر به که خضر خضر علیه السلام قمر بولور لایر کور نیک لایر کور نیک  
 لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک  
 بولدی کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک  
 حبیبی و قلعایه نیک لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک  
 هشتا لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک  
 بال اولدوقلا حبیبی و قلعایه نیک لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک  
 فیض نیکور کور لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک  
 قویدی و خدای عز و جل عیسی بر لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک  
 دنیا و قلعایه کور کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک لایر کور نیک



آنجی و چندی که مال غنای علم خلیفه ساجی و علم اسرار مافیه بی تمام کور کور  
و چندی که منکر به قبله ی هر کوزه منکران ضد اولیاد پرور ایردی و سبب  
باتمان بر منکران امان از و بغای حسی جانور از نور که غنای طیف و رتبه ی  
و کسب لایساده ی هر کوزه پیش یوز به برهنه لایحه پرور ایردی و لغت یزد  
لازم تو امان ندره و به سبب که لایحه منقار منقار منقار منقار منقار منقار  
وین هر کوزه نور قوی فقیر لاخورا کتار ایردی با وجود و لایحه قیاس  
کونکا لغت یزد زیاده بود ایردی چونکه فدای با هم عنایتی بر علم غیب  
**هر کوزه که یوز بر کور منکر قوی** نه قوت بود ایردی و توجیه جمیع منکرات  
بزرگوار منکر او سپیده بر سال تو ندین سپیده اکا کز سله و اچلا ده کور  
و یا غلاریده قیاس منکران که او تو کور او کسب لایری بوی ایردی  
اچره هانی لایحه او کور که یوز بر لایحه منقار منقار منقار منقار منقار  
یا تمام لایحه و یا غلارینی هر کوزه یوز بر لایحه منقار منقار منقار منقار  
بو هم بزرگوار منکر او غلار لایحه کلکان همی لایحه منقار منقار منقار  
و کور منقار لایحه مراقبه و ایردی لایحه منقار منقار منقار منقار منقار  
چمن قیاس لایحه و لایحه منقار منقار منقار منقار منقار منقار

فغان

تو یاق او چندی که یوز بر لایحه منقار منقار منقار منقار منقار  
بر کوزه منکران غنای منقار منقار منقار منقار منقار منقار  
لنگ و کجالتی منقار منقار منقار منقار منقار منقار منقار  
بی لایحه منقار منقار منقار منقار منقار منقار منقار  
و بر منکر منقار منقار منقار منقار منقار منقار منقار  
لایحه منقار منقار منقار منقار منقار منقار منقار  
بزرگوار کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
صحت منقار منقار منقار منقار منقار منقار منقار منقار  
با همی لایحه منقار منقار منقار منقار منقار منقار منقار  
لایحه منقار منقار منقار منقار منقار منقار منقار منقار  
ای لایحه منقار منقار منقار منقار منقار منقار منقار  
الغیبه منقار منقار منقار منقار منقار منقار منقار منقار  
مراقبه و روز زیاده را که در منقار منقار منقار منقار منقار  
لایحه منقار منقار منقار منقار منقار منقار منقار منقار  
هو کور اول لایحه منقار منقار منقار منقار منقار منقار



[illegible]

۴  
 ۴  
 هنوزین اگر بولیم میس کوهی بولغای ایدی بدیه پنجمی ایراوله ورم  
 بونی غمه آله کاری و خلافتی قمارت مالت خواری و دوشوارا سارده ایند و اما  
 تیرداری و نفعی متاعی برله قراپا چایا بازاری تو بغین کم وقت تنک و در دست  
 نوبت و ختمی نایب انی تختی ده پنجه بارون شافی میوه دارطوطی با صد و بیست  
 بهار خرمن و خزان فدا و فایا بقا او سکونلوک پوفاع و کمره  
 قیاسل کم اول سیه فدا بیتا بنده لار معطر بولغا تا بورمان غمه تکر و ده  
 پرور سیده ایر و نیک موزین بومرکده یوم زندگ سر بهشی ده بولغا پس  
 زنگاری لبه بولغا بنده لار کونک اینده سیک هند و نفعیت قیاسی مغول  
 فاکتی برله مقبل او کای پس مار و سوز بولغا و اینده همان نام  
 اول ایر و یکم حضرت بکوار و عورت مقامینه بولید لار و خلایق حق بولید با  
 دارم نفسرنا ایشردین خلایق نیک نگاه اندانم بولید کم با اختیار اول  
 بزرگوار و سینی قبول قبله لار و محتبین غنیمت بولید لار و کرده کرده نقیض  
 قیله دی زمان هم دار بولید کم عدولاری معلوم ایما ایروی آجا کیم بزرگوار  
 مانویدورعا الی مینک تی بوز کیم ایروی بوجا عتقون مینک تی بوز عتی  
 کرامت لایت مرتبه سیده اور سخیلار مرتبه سینی تی لار و ارشاد غم خفت







ایک کسب و فعل قیل و جانم و بیل کو تار نیک و نمازی سبب او قیل  
لحم و لا میت سبب و حضرت خضر علیه السلام و خضر قیل و خضر علیه السلام  
خضر علیه السلام و خضر قیل و او ای چکا کردی کو و بیل و بیل و بیل و بیل و  
ماستی او زده با و بیل و او بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
بونا مانع و مرد و انکه قیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
قیل و رزینهار تفرا قیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
بولو و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
بولو و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
خواج و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
سینج و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
حاجت ایما و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
ایروم و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
تنگ و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
سوز و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و

الکین و بیل

نور و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
سعی قیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
اخر و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
بفر و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
فدای و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
پونای و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
بزرگوار و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
قوی و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
ماست و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
اخر و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
لای و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
ماک و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
ایده و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و  
توسعه و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و بیل و



برابریده ایستاد و در میان پر کاینم نینک جری پودی و بارش لاریم و نیکم  
 چنان اهلینو مان پر کاینه حتی الامکان سی قیلید نلار و برینه لاریم و نیکم  
 و سب غایب لیل لاریم و نیکم **نور او نوبی با سنج بر کمال و نیکم**  
**صاحب مال مرید اطفال بکاح و نیکم** غریز کسید فرد صد رالین و نیکم  
 قدس و غریز احوال لاریم و نیکم و او نوبی لاریم و نیکم و نیکم  
 بغیر سنج کو نیکم و نیکم با سنج و نیکم و نیکم و نیکم  
 لاریم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 اثری اما کرسی و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 یونق کو نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 دولی باورو و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 تو نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 اول یاسین تا او نوبی و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 تره سنج لاریم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 تفراتی و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 اول یاسین تا او نوبی و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم

بر کوزه کو بر لاریم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 کو نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 یونق و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 یونق و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 احوال و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 قافله کاسیه و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 تا اول وقت و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 قیلید لاریم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 با نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
**نور او نوبی با سنج بر کمال و نیکم** غریز کسید فرد صد رالین و نیکم  
 او نوبی و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 اول یاسین تا او نوبی و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 میوه خاطر خواه و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم  
 اول یاسین تا او نوبی و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم و نیکم



مستوفی و مقبولی که لا محاله است از هر که نیاز بودین پس به خیر و نیازی  
است تا به یکبار روی اوج آید به بنومرد و طس کا باغی حق حضرت بولدی نصف  
حسب توبت روی بولدی و نیم بولدی اوج کجی کو مذکور بود و بنی فاکل کاتی و یک  
عائیده میوه کردی و بنی خدمت لاریه اوزیک آدی تا اوقات طس کاتی  
بر کجی اوینده کردی عا القیات رت بی کیم ای صند الدین بنر سیک باشت  
طکلیل باهار سول باحت به ناما و خیر بولدی قدم تو به و سبده اوینده بار و اری  
تا اول وقت بنی که کاتی و طواف یکا کلتوری طوافین فایع بولدی کما  
ابا رت بولدی کیم ای صدر الدین پس کجرات عه بارماق کران با کجرات  
طریفکا نور تو به و کجرات فافله سبک خدمت قبلت بیست روی عا نه انکلی  
التیمیر بل بو طریفه بر او و کیم بر خط آرام آملو از سچی عا کله و سبک  
بولدی و بول مقبیل سنج و بنر خجیلین پس به چهره ای غریک تو به و سبک  
دور و لک تو کسل و جان عثمانی بر له آه سهر و ازل کرد و تاریک بی آقا  
قبله و ابیدی پاکا پر و کراشتن و مخف زبیه لارکا علم پس دور کاشکده  
بو میغف جنگ کما ای بنید و هم اینهمه هر روز فیلیو پس چند اعموم  
هر روز به بقده کجی عا صغیف بولوب کیم بول بود کما طقم و  
دهل لارکا

ولو کون ما و کما قوتیم قالمات ز بولور کیم لطیف و کیم رات کیم پس  
تا آرام آیم من بعد کوشه فلوت ده او نور هم و قانع عمر دینی عا کاشکده  
اختر غه بیکور هم او سبویین ده با تفزین او از کله کیم هر صدر الدین  
هنسینک مصلحت کیمونینکده ایر و کیم ضایعائینک فلق و فیض بیکور کما  
نه ایند بول مقبیلین تا رتقای پس و بنر خجیلین کور کای پس چهره ک  
پنور کاکله نیک موندین بنومرد کونکونک خواه لا غایبی قبله انا کیم  
خوانیدین بنده لاریه ناما امیر قیلینش رالو کما هم نیک فامر لاریه نیک  
و قدس کای قبله نیک کیم التیمیر بل عا به ریاضه متبینه کجا کلتوری و  
و یونوم ده پیاده بر بنی بولور و و لک استونکده کیم بنر سیکده بولور نه  
ایا بنسکده او تو کیم پس مدینه کازماق لور کما لاریه عا انده او کما  
ماق لور کما لاریه کما کوار مدینه کاسف قبله و ریشاس وین ایلک و خیر  
بنی کیم سنج صدر الدین بقال تسریف کلتور او و ایل مدینه خوشحال  
بولدی لاریه بولور بولور استقبال قبله لاریه عا از تمام کله مدینه کاشکده  
اول وقت بزرگوار تو کیم یکده ایر و ایل ارا ما او غلا نل لاریه بار و کیم  
کالات و مقالات ده انا پسیدین او کما ریشاس فی خجیلین











باد قیام و در آق توت و ولایت نو نه پوزدوریم که با نای هر احوال ذکر استغفار و شایسته  
 این را اگر باور قیامت کند لا یتکفی بهنج کا تو فیض و در آق تو غافل که محال بود  
 حقیقی و تعالی قادر و دریم اگر تا نقد امر قیامت که را تفتق و مجده بود خود او فرزند  
 نه او چون ذکر بولما بولما اول و یکم خواص صایع الدین قدس امره هر خاک و کبریا  
 قولایقین توت و در واقع فالتو استغفار نه یک له خوشحال بقیامت توت و در حق  
 همکارا بودی و ایندیر از من هر از من شکریم حقیقی و تعالی شایسته  
 دعا لار او ایجاب نشانه یک کما تکتب و رسول لار طلب و ایر و هم حق  
 تعالی فرزندی که امتضای ایچ قدس که هر نوعه بولما هم منویغ  
 فرزند عطا ارسل و یکم و لا ماورنا و دورین حقیقی و تعالی شایسته  
 نذر لار او نکاروی کوزه بولما یکم اول فرزند مبارک وی بنده  
 آرا جمال آفتاب سعادت سر قیدین طلوع قیامت ویدارید کوزلا  
 منور بولما و لا وینر بوسیدین و باغ لار یغور خورشید و توت یکای  
 خنجر کونلا وینر پوزدور اول وقت بی که آفتاب جهان تاب پوزدور  
 حقیقی و در حقیقتا ظلمایغوز غیبی غای اول و یکم حقیقی  
 و شعاعی حیات لبی حشر همه هرین نمودار بولدی و علامات لار  
 بیکم اول

بیکم اول ایبره انالاری فلک کاردی پوزدور یونیکا تار اول ماه طلعت  
 و خورشید رفعت کیونم فزات پوزدورین حقیقی که مسکنان و غیره  
 بوی دین و باغ لار معطر و خورشید و من جماله نورند کوزلا منور بولدی و یغنیغ  
 توت کما بهمان لا اله الا الله محمد رسول الله و یکم کوزلا یکم اول و یکم اول  
 توت یغان حقیقی لید اندام نهان پوزدورین و یغنیغ قیامت توت و یغنیغ  
 مستطاب قیامت لار غوغه عالم بر لید و ال کوزلا و در کون منویغ بر لاد  
 همیشه تهرار ایدی اما نای نیک فاطم یغنیغ که پوزدورین و یکم اول  
 و یکم اول کما لید لار اما اول لار ایچ و یکم اول کما لید لار اما اول لار ایچ  
 کما لید لار ایچ و یکم اول کما لید لار ایچ و یکم اول کما لید لار ایچ  
 قیامت اندین اید و یکم اول کما لید لار ایچ و یکم اول کما لید لار ایچ  
 انالاری شت که پوزدورین و یکم اول کما لید لار ایچ و یکم اول کما لید لار ایچ  
 طر قیامت و انالاری لید ای شوهر فایده اول و در لید قیامت  
 بیکم اول پوزدورین و یکم اول کما لید لار ایچ و یکم اول کما لید لار ایچ  
 کما لید لار ایچ و یکم اول کما لید لار ایچ و یکم اول کما لید لار ایچ  
 دین کین بنی اوده کون و ذرات وجود خدای که دینا که و انالاری







بود این و بیایند خلوت خانه لاریک ارباب کن و خدا تعالی غنا و قیام  
ایم با ارجع اینک پروردگار بونه اش ایردیم واقع بود که با بوقت عجم  
قلونک خلوت ده تو لونک نامم و لوزنی کورس تا دینک کوزنی ششونیک  
اگر نارسید لاریک میجانی نامم و ایام دور و بوزمانه که لاغری صفت  
من و هم که نامم و بولوبین خلوت و سینه تا سحر صبحی قهرا غلبه  
و لوزنی نامم و کاس لاریک میانی که کورس تا دینک بولوبین خلوت  
تا ششونیک و در آن قیامتده عقوبت با رفود دور او که چون ده  
دن او از کیدیم ای عید که هم امتحان و آزمایشی قبل و وقت ایردی  
تا بوزمان غنا و کجیک و دینک بارجه غریب و نامم و کورس  
یوق ایرد کاس لاریک بولوبین نفینک هر کجیکه اش قیام کین  
بزرگوار مونز اشته ایرد سبش نه سجد که قولوبیک ایام عالم  
سین اول وقت که لا اله الا محمد رسول الله و بیامه جابر قیام  
اعتقاد با غلبه بود که خدا و در محمد رسول الله حبیبی دور تا آخر  
محول اعتقاد ده دور هم و او را که غرضه نظر قیامی نامم و دینک  
عالم کین نه محل امتحان دور و نه او از کیدیم ای عید که هم رحمت  
نیک

غنا و او کون مونک بولوبه او ایام سهر کجیکه خلوتده او شور  
ایردیم حضرت خواجه خضر علیه السلام خواجه عبدالصمد یعنی بولوبه  
کیدیم بزرگوار حیران بولوبی و کاس لاریک نامم و کیدیم  
اعتراض نامم بولوبه ایام سهر لاریک بولوبه او ایام لبقه و بولوبه  
و انکفوی کجیکه و دینک و بولوبه او ایام سهر لاریک بولوبه او  
اما آنروز دور هم من امر که بعضی کیم لاریک نامم و دور لاریک حضرت  
خواجه خضر علیه السلام ایدلارای و زنده بولوبه لاریک میجانی کاس  
ایام سهر دور اول اسم منیرین سوزنی اندن بولوبه او  
خواجه بولوبه او ایام سهر لاریک نامم و لاریک نامم  
من خواجه خضر و دینک و بولوبه عبدالصمد یعنی دور لاریک بولوبه او  
شک سهر و دور من بولوبه شک سهر بولوبه او و کین هم بولوبه او  
سین بود وقت غم سینک و آتینک حضرت علیه السلام نیک و جلالت  
عانه سیده تربیت قیامی بولوبه بولوبه لاریک امر بولوبه او عالم  
تربیت قیامی منیر چون خواجه مونز اشته ایردی که الحمد صد نه تیغ  
قوتوب بولوبه بولوبه بولوبه بولوبه بولوبه بولوبه بولوبه بولوبه



و صبح غداوق غایت لایزال را بر سر اول وقت خبر بدیدار که بشنید  
که لایق بی ایمنی سنگ خلت و جمیع تنک و در مندمه منوله مشخ  
رحمهم الله صیت لاریک لای شریف کلورماک و صیت کورویک لای  
صحنه طریقین غریلا طریق کیده سبیلماق اکال کجه بیاز  
دالکای یو با با نایت و لیکن بایزال کاعقل کونه و شجاعت  
ا دور بر سر لول لور کای لولاس لار فوج عبد اک صم ایدل صحت  
تو تار ج و منزل منک معلوم ای کاسی نه کای بار غوم دور حضرت **فم**  
**خضر علی السلام** ایدیل ریکم یا کلیل من امیر نیک بولنوم دور اول  
ایروکم کجه بولور لای رسه حضرت فوج خضر علیه السلام ایلی تن دور  
بر لای خضر بولور لای رول ایدیل رای ازند تو بغیل کیشخ لای صیتی کور  
غریلا رذوق و مشوق بول مجلی رول لار فوج فوجی حضرت  
حضرت علیه السلام بول بولغوروان بولور لای رول و غریبی لای لای  
لوقده بول لای وادی لای لای است و در دوار لای لای کوش و  
مروارید بر جد و یاقوت بول منقش و مرصع و جمعی اتی بقال  
در ویش لای رول و بول فوج ایدی و ایدر اسلام علیکم ای صلا

والا رسیده لای رول بول ایدیل و علیک السلام ای مصطفی نیک  
چرور لای کلیل لای رول لای ایضا رلیق کوزمیز لولونکده ایدر  
**حضرت فوج خضر علی السلام** ایدر لای رول و جد ادب تیر سر لای  
او غریبی لای رینک لای دیده بول کونای لای رول بول جماعت لای رول  
بر لای رول بول لای است کیم جم غم لای قیلد سینه بر لای رول ایدیل  
از راق بر کسل کجه و لیک کور و کور کای کای طایفه بوق دور  
بر لای رول ایدیل رای ازند تو صلیک با قیبه امارت لای اول لای  
فوج کای قات لای لایغه با قیبه شی قیلدیل خری لای صیت مستوق لای  
تا کونند و غریبه صیت کوزدیل رعل اصباح فوج ایدیل لای لای  
عالمه العیاسی بشیر لای مویک لای اوق و بغض ضلایق فوج ایدیل لای  
لای لای مطیع بول لای رای رسه سلامت قیلدیل رکم بولجول ساق کور  
کیم کونند و رخلوت خانه کیده بول لای لای لای لای لای لای لای  
اما لای لای ایدیل راق فوج لای نه اخلاق ذمیه و افعل قیبه دور کیم غریبی  
او غریبی شکار قیبه کیم کونند و رسوره نیکینغ خاموشی و خلوت  
نشین دور و کیم لای راندان کونند و دور کیم خلق نیک ازندنی



سو با ن کار لیت قید و رات لاد لیدی ای یار است سلامت تیلی  
 قیلغا نیکه بینه دور زید که اولیا، اقد بونوع نمشروع ایش  
 ایش حقیقه تمت قیماق خواجه ماس دور مباد که اسب ضرر تکی  
 چونکه اولیا، اقد ایلی دم لیت قیلج دور لار که اولی که بنی لار  
 خواجه نیل بوزیدن خلق متسخو قیلایب یار که نه اجمعتی نشد دور  
 این همه اعتقاد با غلبه را و غیا و چون خواجه قدر غضب که یابد  
 وادی که ارباب یار آغز زید؟ نیشک سنکا اعتقاد اندام دور  
 و اما مادر زاد اولیا کبار جمعه سیدین نامم لار بوزدن کور مکان  
 استما کان سیدین بولون ضلالتی سنکه بونوع ایشلار نه نسبت اولیا  
 بختی خدی که سنکه اکت لیت قه آفیده قیلد قیلایب ایغیل بولایش  
 واقع دور یایوق بوز کور ایشم قیلایب یار آغز زید ایشم لار که  
 مدعی و مخالف لار ایشم با غلبه غایب اولی اسما خدا ی که کام و دور  
 عنایتی بول با غلبه و ختم تها رجعت حقیقی و تها قیاس اولیا  
 سلامت تیلی ایتقوی لار زبانه کمر فیه تها شته هیچ وجه و چیکه  
 بولاد لارین سونله هیچ کیم لار یخ سلامت او ازین اشتیاق بولاد لار

دین تین ایتا لار سر اولار اسر سه کورد کیم یار که نصف تیل بولم  
 حقیقی لار جانبی غم روان بولولید و ایتا لار ساری غم کوردیلار  
 و ایایغی تیل لار که ارکسته و مصفا بونوع باغ نه عالمه هیچ کور  
 کور مکان بولغا حیران قالدیلار و هر طرفه آردیلار زنگ کازنگ  
 جوامه لار بول منقش و مرصع قیلغان سرای لار نه نظاره قیلدیلار  
**خواجه عبد الرحمن قدس سر** سر ایغی تیل تاخیر تاغی کوردیلار و ایتا  
 تها تها کور کوشنده اولی و تها صحت ایغی تیل ایسه خواجه بوز کور  
 مشخ لار دین رخت ایتا تها حقیقی لار بولول غم روان بولید  
 ایتا لاری کین لار سینه یورویک اویک تیل لار و خواجه خلوت خانه غم  
 بار دیلار و ایتا لار خواجه لار ایغی بار دیلار ایتا صبح او غلبه  
 قاشی غم کوردیلار و ایدی لار ای فرزند صدق و سمن مغدور تیل  
 خلق سوز سر بول بوزونده نالایق سوز لار نه دیدم خواجه ایدیلار و ایتا  
 سنه محبت باد و چونکه ایتا غم فرزند حقیقه بولمقدار و لیت بولاد  
 و جمعی جا بولار سوزن دیکان دین لار کین لار کین موخه و یا کنگ لار  
 چون آق ییل لول یقه ده ایتا اسر سه لار بنا قیلدیلار و ایتا







کند که ای عبد الرحمن یاکس بوزمانه چه با وجود غر و عدم طاقت این  
زمان که تو نیک باریه نزل کردی حدیثی که در روزی او چون خواهی  
قیما سون چون نوزاد از انبیا نبی لولده ل فریاد تو بولید  
بعد از صدمه و مصیبت ماده قید ل را یکی که از اطراف عالم خبر  
تا لکل فواجه عبد الرحمن غازیله خبر بولاق که اول آمد که با  
اشرف و الی و لار جمع بولوب کلید ل را بر سه کورد که **فواجه**  
عصا توهای و کتای بولای تا الی که بر لار از استقبل قید ل و خلق  
تعجب قالدی لار و بولای که اید لار فواجه پیر لار از مسخره  
موفواجه تو توش لار طعم از او است خبر قید لار و طعم مایه  
کین تو بولید لار ای غریب لار به لاریکه معلوم لولفای که عمره  
یتیم و رگم مدینه شهر پیدا کرد و وطن عارض عاریت و اولو  
خواه لار یتیم اصل وطن که سفیدم او بشوید و **تقدیر**  
بود که جعفر بولای لار خوش کلید لار و نان خالی  
وزمانه تو فتح سون لار اما وصیتیم بارد و در که خدا فرما  
بقول قید سون لار که لار لار لار قبول قید و فواجه بولای

وصیت

وصیتیم اولد و رکه هر وقت که جنازه غم خبر بولید لار غم قید سون لار  
کین او از حلیفه قید سون لار همه اید لار شونداغ قیل با فواجه بولای  
خلو لاریکه اید لار و غل کین لار و انکی رعت غم شکرانه ادا  
ا بر سه و بقید قید لار و جان حق فوستم قید لار و سبب لار  
فرشته لار دین لور و کتیه یار و کیم غل قید لار و صدمه و درد جان  
افوت راکت قید لار لار غم با لوت غم سالیه لار و با لوت اید لار  
که روان بولید لار و حق سبحانه و کتیه نیک راکت روان بولید  
خلایق کورد و بکلان و کچیک همه قوتی لار و اید لار خدا نیک نده  
در یغلم قدر نیک نده پیم دو وزیر مغر و تو لغیر و نهیر تا نو ما بد و نهیر  
حق نیک نده چند نه بیت لار قید لار و غل قید لار و غل قید لار  
ایقان دین سون لار غم لار و غل قید لار و غل قید لار  
**بزرگوار** غم لار ادا قید لار و غل قید لار و غل قید لار  
هم کتیه مد قید لار و غل قید لار و غل قید لار و غل قید لار  
روان بولید و اچیکار اودی و خلایق انکی قف قید لار و زمانه  
سون لار که لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار



فیصله کور و یک جنازه توراد و در خواجه یوق آید ای بزرگوار سلسله  
 خوش بنده غمزد و در سپهر کم دینا ده موندان بوب بکیر و اقم ک بونونا  
 تو بار س بکیر و یق الیال تا شکار جیتی و ایدی ای یاران تو بکیر  
 کم صاحب منزل اوز منتر لیک کتیبی ر و الیکا سپر منتر لده اولتور ماق  
 بخو ک داد و رشول ساعت خلایق تار کاسی لار دفات لار بیدین  
 بر کمر به نوشیده کور و یک و سوزد ای خواجه خدای تعالی سپر منتر  
 بزرگوار اید ملار ککن مرتبه خواجه عبد سید منی غم قیلغاسنه منتر  
**تور بخیر است مقلد او بهر دانا** و مقدم اوین و نقیب اوین  
 عنا و بنده فاضل خد از اسجانه ربی الایعاشیخ اشو خ و غمزد  
 شیخ بیا قدس اقدس و طیب قدم مرده احوال از کوی و بفر  
 ده یکانه در ریاضت مجاهدان دره عصر و زمانه علم لانه  
 بار اید و یک علم دین کار و خطرا بدن خانا حضرت شیخ دین اوز  
 سینه ازندی یوق اسد مال به بنایت و خدمت کار لار مجید  
 خوش صورت قیر لار و خادمان با تمیز لار خد قیده اسد و  
 مرتبه سی کتیبیدی و خواجه ز جابندین غمزد تار اسد حضرت

و اوضاع لار خفیه بنایند  
 از دیل رسید هیچ انب و بنده  
 بنظر

شیخ

شیخ نیک باشلار کچک اما عقل و سوزده همه دین دانا غایت  
 حسن و نسیات سپر جمال و دسلار کم صد هزاران جان ارفه لار  
 زار و سرگردان و شفته نکران و لیکس بزرگوار خلق دین ازین  
 دانا لار و اتلا رکت خد ایلاماک خواهان و بزرگوار لوز جان  
 بر لایب علم و توان بر کون اتلا در حسن نادانیتدن زور غم  
 اولدکم ای فرزند نور دیدم و سرور سیم اوز ذک سکن کم منک کندن  
 بولا ک فرزند یوق که انیشک بر لایب سازیم و از قیلغاسن و کولکوم  
 من اس همه دنیا یوق کم حق جان و تعالی منک عطا قیلیب بر باره  
 تنک صدوسی و غمزد جانیشک طفیل دور بیکس کم غیب غمزد  
 علم حاصل و چون ریاضت و شفقت تار ماق و مدرسه کنجین ستاق  
 در کار ایسی دور زبیرا که علم قلماق دینا نیشک تعظیم و کار هر دین  
 کم یوق سوز و ذلیل خلق کم علم تحصیلده کوشش قیلور لار اتانیشک  
 غمزد و از جمند بولغاسلار و سنکا اجیاجی بولک که خلق نیک غمزد  
 بیلان دور و علم نیشک و انج رولقی مال بیلان و در حق حقیقت  
 نیشک غمزد مال غم و بسته لولدی مال به بنایت با شفقت تار تعالی



بیک روز که از خانه اتا سه نیک بهیون رسد آغیر کند ای سکه که  
 ایدلار ای پدر که اراک اتا لوق در میان بهیون دی اولون  
 املی تشنگ نه حلقه کن ایبار ورا ایدم بو کلونول نامعقول  
 سوزد وورکم اتیسن او شجوه جالت حماقت برک سید لیک  
 قلاکین که علم جدیدن میدات دورین خود میدات وین جود  
 وورکن وینه برون هم منع قیلکین بیکس غرض علم دن ایت  
 شرافت دور و دنیا تشنگ غره طیف دور و موندانغ سوزلار  
 یانیب به قیفس و هم کفر دور علم طلب قیماق بهیون خود و بار  
 لار غه خواه ایدلوسون خواه خاتون چنانچه ایتیب رلار **قالی**  
**علمی** **سهم** **طلب** **علم** **زیفته** **علم** **کمل** **مس** **دست** **لغ** **طلب** **قیماق** **فنی**  
 دور بارجه مسی لار غه خواه ایدلوسون و خواه خاتون هر شکله  
 منع قیلکین شاع بلیخیر مقید ایتیم زمره سیده و دخل و درون  
 بولور لغه مطیع زمان بردار بول غیل باجمه صاع اسد علمه مسخیل  
 و خلق نه اماندن منع قیغوجی غه کم سخت ظلم و قاتع کنه  
 ای پدر خاطر نیک مندن جمع تو قیلک که علم تحصیل قوبوب هر که

بولاق نه خواش قلمی سن دیب قمر غیبت له قوبول بول غه نو کتور  
 و غربت اختیار قیلکین اوبش کون بول بوردیل رهمه افضال  
 سبست لوق تابتی لار اراق لیک کلب غل طهارت بجاکتور  
 املی رکعت نماز شکرانه ادا قیلکین یقوغه بهیون قوبول راقوب  
 کور ویرلر که املی افسان خوش صورت لشی بر طرفدن پید ایلد  
 سقال لار کسینه لار که تو شوبید و سوبو ذیک قدم قوبول ویریل  
 ایانغ لار غه سوبو قوی اوتا لار ویر کوار غه یقین کلبیلر  
 ای فزنده موندانغ باریب احیب یقیت قیام بار ورسن الغیل  
 غرضینک نید ویر **کوار** ایدلار ای غزلار قصیده اولک ایت  
 ملکه غه بار غایم تاشکین درجه سین تا بقیمین اکر لومرینه  
 بول شونده بولغور دور علم تحصیل غه و فیضت لار کس غه شرو  
 قیغوم دور بوز کوار لار ایدلار آفریندیا بغیل امانک قیماق  
 یانیب به قیلکین ویر لیک نیدن بشیون بولک و خدا غه و جل تو به  
 سنه قبول قیلکین بیز لار ایدلار تا انچه مدعا مقصود لیک تو  
 حاصل قیلکین ویر مکانشک غه یاند ویر غایم تا امانک خدمتدین



سین و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 که بار ایدر که بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 اخی کاسا دیلار و چا کین تیکت لار کاسا دیلار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک  
 اول اکی کشته یار دیلار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 سلام اشته لار اول اکی ایدلار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 بزرگوار ایدلار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 ایلکری کلکین بزرگوار ایدلار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 لار او قی بزرگوار ایدلار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 ایدلار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 بوسون اول ایدلار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 یا قیل انا نیک و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 انا نیک و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 و اهل باطن غم باطن تعلیم کسل اول ایدلار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک  
 قبول قیلبت لار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 طرقة العین اچره تی لار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق

خریز

پوست و استخوان و رقی جان بو کوبت لار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک  
 بزرگوار ایدلار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 بر زمانه طی قیلد و نه شول کوز بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 لار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 و نقبا جماعه سیدین بول دیلار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 انا و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 مقامات سیر و سلوک طریقه سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 انا لار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 بزرگوار ایدلار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 و قیلبت بوسوزی بزرگوار ایدلار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 قیلبت بوسوزی بزرگوار ایدلار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 انا و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 لار و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 انا و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق  
 سهرت ناجی انا و بپا ق چقا دیلار و بیدار ک سینده سنه یار دیلار و بپا ق







کتی لغو ابا بعد من ذلک وای صدرا اول کمر که پیل لار جفجایه شد  
 عبادیه عمل لار صرف قیلله را قوالا مرعالمه من ایانسه کینسه کن کین  
 شیخ سید بهار یاران لار غه اید ملار گم ای یاران بوهلک لقی براق  
 ایرما که خدا ایا سیکه دن اسر دال شیخ بر صیبا که خدا بو اید بر دی  
 لغو از دین خالو نیرله سینه و رور اسر دوسیطان موخه غایب  
 قیللایان اسر دای یاران فیه نیک غرض بو سوردن اوله و کله بو کله  
 خطر لار مجر د کمر به لار نیک ره سینه دور مباد که شیطان بنیر لار  
 اول کینیک قیلغان فی قیلغای عبادیه با و جو موخه عمر و زار  
 و طاعت بنیر لار اولکشی فی عالمین ایان ایلی بنیر غو بنیر کین  
 شیطان نیک قیدیک پا کله کونیکه دور و نینه بر کوار نیک عادت اول لار  
 مجر د کمر که اوز که مجلس لار ایدر لول بر ماس ایر دیلار مکر فرورده و نینه  
 سر لیت فی انداز رعایه قیلور اسر دالار که قیلر خط او ماس ایر دیل  
 وایک پیل بو طریقه بر لکه کینچ که خص و عام فیه بر کوار نیک ظاهر و باطن  
 نفیب لولای ضعیف لار و مظلومه لار نفقه سینه نینم و بویه لار جفجایه  
 خالاکس ایر دیلار و هو شی طیر غه هم اوقات گذار لیق بایته سی بر کوار

املو یار اسر د و چند نه نیک کشتی بر کوار دن عمل طبریه کین  
 و نانی کاتبی لار و او ع نیک کشتی عمل باطن لار یکن بقدر و صله  
 ناتی لار شا کد لار دن نوز کینیک خصت بولم که اوستاد لاری  
 اور بنده درس اتقان لار و ویش لار دینیه اوان او ج ضیفه  
 هر قیللای سر لاری مقایمه اولتور عای لار و در ویش لار نینت  
 قیلغای لار و مرشدیم بو کله لار و بولاییش لار هم بولغاندن کین  
 گوشه اختیار قیللار و یاران لار غه اید ملار که اور ویش لار اید  
 معذور تو کونیکه لار که مسکایر لقی مرتبه سی بتی و ضیفه لقی بو کله  
 و قوت زایل لولای بنیر لار نیک صله نیکه فی ضیفه لار ایلکیده امانت  
 املای اولاییلور لار اول ایر د که بر کوار عزت و خلوت اختیار قیللار  
 ویکرمه سل کوشه نشین لول ملار بوسل لار اچنده بنیوای قطب لار  
 و قطب لقی مرتبه کده همیشه بو میت اوقور اید ملار عاشق املی که بود عالم  
 غیر مشوق خود بنیه که کما عاشق اوله و کله بو ای ادا اول نظری غیر  
 ساری تابا سیار لول و قطب لقی مدده لار یه حضرت شیش علیهم  
 نیک روح اوان لار غه هر کون فاخته اقوب احمد ایدیلار و ملار



دشمنند لاریار ایلاردن بر سرودنکم ای بزرگوار شیش بنفرد  
 قلماق بخونین دور و حال که امان کیستور مکه و عا و بکیر همه  
 برابر دور چنانچه بولایت کریمه دلات قیلور کم **لانیق بین احد ال**  
**س** لغزق قیما بیلار امان کلنور ماکه هیچ بر بنفرد لاریار شیش بزرگوار  
 ایدیلار آری سوندان دور که ولیکن بنده حضرت شیش علیه السلام  
 شیش قالد رید و تربیت تختی ده دور لاریار لاجم ایکی تحفه قیما و  
 دور چونکه اخصل ام شیش تحفه مقصد خلل رکومی امان دور تحفه  
 بر نفعی عدا قیما دور و یکیه آغاز قیلور ایدیلار آری من قیلور  
 مقرب لاریار شیش قیلور لوزیل عمر کرامت قیلور شیش عمر و اگر در  
 لاتی هیچ برایشی مندن و قوغه کلام موندن زیاده عمر تمام  
 خلل میتیبالاتی ایشلار قیلور من و دوزخ عذابنه گرفتار لوزیل  
 او کسب مناجاده ایدیلار جان بحق تسلیم قیلور روم مدینه و کعبه  
 همه جمع بولوب کیلدیلار یتیم و یتیمه کافله من قولم ایدیلار  
 غه اوق شیش من زیاده شیش حاضر بولور تارخ غه شیش ایلور کسب  
 اگر بجمع الافر ایدیه و دوسنه کون بفراده کسبیده وفات تا بی لاریار

وفات لاریار سنو کسب و تو شیده کور و کم از سته لاریار کسب ایلور  
 و علم گفت کویین قیلور لاریار سورد کم ای بزرگوار خدای تعالی بزرگوار  
 ایدیلار حضرت امام المتقین و سراج المله و الدین شیش علیه السلام  
 الو حنیفه کونر حنه افندنه قیلور غه قیلور غه قیلور غه قیلور غه  
 علمه **اون ایکی باب شیش ماهر ماهر مقصد نام و بدید**  
 نام و مجمع امور قادریه الشیخ حضرت محمد باقر رحمه الله علیه  
 ذکریده بلیکس که حضرت شیش قدس سره و طیب صدره شیش من دن  
 من مات غریبانه مات شیش امضون بر له غریب وفات تا بی  
 درجه یکیش مشرف بولاق خدای چون غربت اختیار قیماق ایلور  
 ایدیلار و کجیلار لاریار کونر سربان و بولستان و نظاره کسبانه  
 و استماع نغمه سلان و لوح مرغان خوش الحان کولکل لاریار کونر  
 قیلور بیلور من حقیقه لاریار و لانت اوز و لوبت فر شیش لاریار و بیلار  
 کربان غه تنی لاریار کور بیلار کم محبت استه بان دور هر متاع دن  
 میتا جانور خدای صد اداوی لاریار منقش و در لاریار دلکش صبرانه  
 بولوب کور دیلار کور دکارا مکر بهشت باغی دور کم ایلور کور کور



ویا کهستان ارا و دور که خیال قبل من بوق اسر سه دنیا لوزیده بود  
 باغ عمارت لارا که کور و ب که من کور کا بمن دین فکر اندیشه  
 باغ و بنال را عجب کوه و شیخ اورینده بیابان کور و ب که نه مانع و عمارت  
 نه الکا مونس هم نفس نه خدا دن اور کا زیاد رس حیران و کربان  
 هر جانب غم ناظر کور و کجک لیکدن بران و از ان لول و فیل  
 ایدلم ای کما و مونس فقهان و زیاد رس غریبان و راه غای کما  
 ای و رمانده لار غم قوت کور و قاهر لار غم تقصیر کور کور و جی  
 لوق و اکامیده لوزینار مندیک تقصیر نه ایدلم شوخ و مولا انکیز با  
 بیابان غم هر کور است قیلد نیک قیلای و نه قیلان بار انی کور و کور  
 و بخول تیر یلکوم دور دین طر فکا کور و لار غم جی قول لا قیفا  
 کله لای ای جی با و غم با کسل که حیف جان و لعل من موندان هر کور  
 قیل غم اول اوردی که مانع نیک تیا کیه رشخ پید اوردی  
 انا کور و ب سجال لوق دن ایدی الی لطفوک عم و اکشف تمام  
 اسر و لار که بر یاق تی اسر سه بر هر و غم صورت و ایلکده جام  
 ای جی با و نه ایش قیل سین نیمه قوب بن بیابان غم لوزینار کور

کر ۲۶

ای بابا جوان لوق غرور و نفا نیت آرزو رس زور کهور و لوز  
 تاشلادکم باغ سیرین و کله ارنما شاسن قلع من اول اسر و کور  
 جیق لیک لول لور و ب اوردی خدای غرور و نیک غنائی بر لکه  
 نه عا اسر و حاصل اسر دی لولدی انا پاکوز دن تی و من اوزر ایشنه  
 دور من و جاره سین سلیمان ای بابا سینه کشته سیر و نه بر دن کهور  
 ایشنه قلع من پیلد نیکر کان اوکله موندن ایلکری من کور کان  
 سیر ایشنه ای و زنده من اول کشته دور که تمامه دنیا هر کور و نوبت  
 سیر قلع و نر و نر و نر قلع من لعل و در سن بو بادیه بن جقار  
 او چون کلوب من ماکه مونس نیک لای من و تربیت قلع من ایشنه  
 خضر دور و قلع لول لول راق دور و از اچ لار کین دور نه دور و کور  
 خواجه بونه بیدور و **حضرت خضر علیه السلام** ایدملار مونا و کشته  
 در لار که منده و سنان نیک سر حیدر و راول باغ که کور و نیک ایشنه  
 نمودار قیلد لار ایشنه و موندن کاشلاد لار سیر اول کشته دور  
 نفس که و لیک قلع نانی فاذا کله ارنما شاسن از دین سیر  
 کلیندن غافل لار سلکس که غرض کور سیر غایت قلع دن اول



دینا نیک لونیکنغ نمودن بود ای کاین سبک سین اوز فکر نیکده لعل  
و لول بود ب منزل حقیقتی نغ تا نغیل دینا ده اهل دنیا بر له  
قیل نغ لول کونسه اول کوند و رکه خدا تیغ نغ یا نیک به قلیقل قلیقل  
لا زنگیدن پیشی ن لول نغیل خدا غر و جل ذکریدن اوز کانه تیقل نغ  
الما نغیل قناعت کینچین بیتا نغیل و ریاضت کونسه سین اختیار نغیل  
که حقیقانه و قلیقل نغیل و چون کرایا دیم باغ سیرین تماشا  
قیلغ سین و نغیل کتا مع لولوب رضو هوا سینه او چقا سین  
و از طعم غه انفر قلیقل که تولا نغیل نغیل سمره و از مشوق  
کلتور کوسه و بر چون که نغمه بسیار از اوس لوق لازمه و بر لول  
ایده خوب تبیین اما یاک انما نقاض قلیقل میده و رکه لول و غانیقل  
بجا کلتور کایم قور قاس که شیطان زور کلتور و لول سین حقا  
خدا ایضا الکره عامر اهل و ز خدا ن لول نغیل **حضرت خضر علیهم السلام**  
ایده لول از زندغ یا کس که سنه خدا نغیل محض حق است بولان یصلی  
او چون سیر ایتیب و اوز کال لول غه بار ما نغیل و زیر که قضا شوند  
کیتب و رجنه ایتیب رلار **اولی قضیت** نغیل خداوند قضا و قضا

قیلغ نغیل نغیل ر و قلیقل صر لوق دور و قیقل هم قلیقل سین براق بولاسم  
و ایتب نغیل نغیل خدا یا ر قیقل مدکار الا آن سین کوه لبنان غیا  
ماق کاک لبنان سیر اندیک بار بیک نام حضرت آدم صلوٰه احد علیه  
کا مین طواف قلیقل کتا دیتلا ماک کاک تا سیر کاهواله بولغونجه روز نغیل  
سین با ستاماق کاک حضرت حمزه باو ایدل رای نغیل خدا من کونک و  
عقل کونته دور او شوبور دین سین قیقله بار کاک بول بیتا دور من حقیقل  
ایتیب و رلار **الغریب لایع** نغیل غیب مثل نابینا دور بار و رلوس  
بیکس مقیم رشان و از دین سیر سیر حضرت خواجه خضر علیهم السلام  
ای فرزند کوز و نغیل لول نغیل نغیل کوز لول لول لول لول لول لول  
اگر دینه ایدل لول کوز و نغیل لول نغیل لول لول لول لول لول لول  
سیر اندیک نغیل اوزره کوز و حضرت خواجه زندولان ایدل رای  
مکام معمود او شوبور و رکه انشیک نغیل لایع یزیده دور خواجه خضر  
علیه السلام فرمانلار کتا بولمقام ده ایدل و حقیقله و قلیقل نغیل  
عبادت غه مسئول بول کونند و سیر و نغیل قلیقل قلیقل قلیقل کونند و  
بولوغه ده اوز نغیل نغیل کونج کونج کونج کونج کونج کونج کونج کونج



در آفت قاتل افشای گشته تاغ باشدین کله دی و آید آفریننده  
آید من و نه اش قیدوسن آتیش سوزش آید ای بابا شایسته  
کهور من و آتم محمد با آ دور خدا آتیش نیک زمانه برله حضرت خضر علیهما  
سینک اذن برله حضرت آدم صفر اصد نیک قدم کای غه کلبه من اول  
ایده ملار من تا نور موسی شیخ آید لوق اما بومقدار سپورم که او بشو من  
اکه سی و بونده ضعیف جد حقیق من بونقا زینر که جان فوشی نیک  
جانیکنر غه تا لپنا دورا اگر آتا او غول لوق مهر درین لولایه دی  
موجبه سرعت قیلک اسرار حضرت بابا صلوة اصد علیه ایده ملار  
ایده نیک منکاشه لوق بونقا اندن سونکره ایده ملار آفریننده  
اولدور که بوزق کون احمد منیک معدن دس کوتار که ن جوهر لانی  
ملک ن ملک ده جوهر زوش لوق قیلک سن شیخ آید ای جد برکوار آتم  
نرسه قولود غه کلاما دینیه ایت بین حضرت آدم صفر اول  
دعا غه قول اجیب ید ملار آتمی او زونک نیک فضا واجب برله بونقا  
با وجود خود با عدم لوق و بجال سینک لایونک غه قدم قولود  
دینا لایه من کجیب غرت اخیا رقیب و آق کچی کو منور

من عاقر در مانده دین آتم ادریل بافت تار تا دور که بسکین شود  
غی پر لار برکونلوک بافتی کاه قات کتور اکس لار و اینک نیاز من  
ب نیاز دور کاه بنکده قبول قیلک دینا سین معمور آفرین من ملایک  
الحال با لایه من آواز کله دی که یاد آدم حقیقانه و تعلیم علم قدر من  
پیلک لولایه من امر قیلک در یافت کوشه من اخیا رقیب  
ایده ملایک صبر لوق بریب دورا یک مدت معمور آفرین غه تی و جی ده  
فانجه من او قوب خست رکیل تاک ضلالت چایی ده قدر در مانده لایه  
غفلت کوجیه ده فکر که اه لارنا تربیت طنا برله چاه دین حقیق  
و عاقل لارنا راکت لول نه اندا کی و نفس شیطانی کونیده قدر در مانده  
لار دینیه سکسان منیک کمر شنه اینک عده سیده قیلک دینیه کمر  
سینک گشته معارف من لار دین اینک مره یک قولوب پیغمبر حق لایه  
آق پیغمبر کمر لایه تربیت قیلک مقصد کاتیکور کی و پیغمبر لار اول آتم  
صفر اصد من دوسن و آتم محمد با آ دور مصطفی صبا اصد علیه السلام  
اجمعین اول اسرار که حضرت آدم صلوة اصد علیه من لولایه حقیقه  
فتح فایده سین او قوب لایه لایه دم قیلک ملار لایه کجیب نوت او قوب



سینه سی خه سور دیل را و جو مرتبه او قوی به اطراف کار نه  
بودید لار اندن سوکره اید طار آ و زند اید سلطان خه بار غل و من  
اما ک زمانین تو قیقل تا حد دن تا سقا رسا و نور غیل کم او شوق  
لون او نور خان خلوشک قرق بیل لوق خلوت او رنده دو و من  
سوکره عیش و راحت که کویش قیقل و نفس لبس لار کیکیل  
طعام لار یکیل حد آغما نیک مخلوقا تا بر بتی دن فارغ بول غیل  
در انجن قیقل زیر که درویش مر چند کوشته ده دور شیطان کین  
دو را بر اوله و در که جمیع تنه لار و نیه اند طار آ و زند مر چند  
مرتبه میسر به هم آقا قریب است بول غیل و مودیک بول غیل  
سخت لول قیقل لغی اولنا اصد و سمن لار یک او زونک زبرد است  
لور با نسل و چشمه سویدیک و انب بول غیل لغی مشوع ایش لار ده  
قیقل غیل و او زونک صافی قیقل اند اعلی قین سوخی است لار نه  
اقینر ی غیش قیل دور و شال دیک تنه بول غیل لغی لغی قار و هوا  
جسمان غه ضابط بول غیل و اوت دیک که او بول غیل لغی خدا تر  
عبادتید او بنده لار مرتبه اکر م بول غیل و دو سمن لار

شش سور

اتش سوزان بنکلیغ کوم دور کیل حرا که آه جانکه بیا د اصد نیک  
زین زمان سور شش غه کلور لار اند اعلی اوت نیک عادت دور  
و موزدیک سر او بول غیل لغی هر کم تنگری غه جیل عبادتیده کاهل لغی  
و عبادت خانه کایدیک کیه به الکا سر بول غیل و کیکیل قیقل لغی  
لیقه یزدیک لول غیل اکر تا غ با نیک او ره بول کلک لار و یا هر نوا  
نا خوش و نالاق ایش لار خلا یقین سینگار نیکه واقع بول غیل  
بول قار کولار مکای سن و کاهم قیدنج سین سمانیک نیکیل لغی  
لغی زیافت با بیده مجاهده کشیده و عبادت باره میسه کاهل لغی  
لور ماکیل کم و روح نیکیل لول قیقل او بشو ایش لار غه که بولور دم اکر  
کاکتور نیک بات یقین مراد نیک تیار سن جنک درویش لک  
او بشو دور اکه خدا غه تا بشو روح بول غیل و مردانه بول غیل  
چون او یقودن کوز ایتی ایسه کور دیکم هیچ کمره لوق و و ایدی  
الحمده فرحال باطنی غه نظر قیلد سر عجب کور دیک و هر غه اموز  
اولیا لار غه اشفی لار دور خان مشاهد قیلد و مقصدی اندن  
ملکان غه لور کتور و طرقة العین بیتیکدی و ملکان ده ها



ابن اویس غریب را بر دستا عبادت ده قوی اول غریب  
 بزرگوار نیک کلکان لاریدن خبر تا بنیاد زیر که **حضرت خواجہ غفر**  
 خبر غریب اید و لاری که تا نیکل شیخ محمد باقر مسینک سید نیک غریب کشف کس  
 دور و مقدر کیندن شهر محمود آباد لولوفس دور و مقدر کیندن  
 چند اسم اولی لاری طور غریب کیک کک انیشک مصی مصیبت لولوفیل  
 انیشک و چون میا قیاس و خد متین غنیمت سکس و صحبتی دنیا و نیک  
 سعادت و آردنی سنا غیل کم قطب ماند و شیخ باقر اول بزرگ و  
 نیشک قدر شریفی غریب منتظر اید کم چاکت و قنده جو از صاحب کمال و  
 صورت و نیکو سیرت جلم و دانشمند پیدا لولیک مبارک بشیر و سیرت نوری  
 و رختن و لامع میمون نه ز آت بی فطرت لاری جمع و بخش صف لاری  
 جامع انیشک ن کریم سلام عیدک و رب باقر وید لاری شیخ اسلام علیکم  
 یا قطب عصر زمان نور و دیر بصرتان و هر مکر امان انظار کون  
 یوله اید و الحمد صد جنان از وزجی لاری زید کون لاری مشهور و  
 ز اقامه کون نه لولوفیل **حضرت شیخ قدس سره** وید لاری شیخ  
 باقر نیشک قطب لاری نیشک قیدن نیشک اید لاری لیک سیرت کون

فقر غریب در دین معانی انیشک لاری خلوت قیدن لاری اول کلکان  
 واقع دین بر لاری لاری خبر کون لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 شیخ باقر جمع یار لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 بزرگوار اید لاری لاری شیخ باقر نیشک طریقه ده قول طاق رسم امان  
 اما تربیت صفاق غریب مع مانع لوق دور زمانا توقف قیاس کون  
 بولوفس دور اگر فراه لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اید لاری لاری لاری دور که برادر لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 لیک مرتبه سی نیشک منصب لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 و لیکن سیرت لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 ملکان شهر بزرگوار نیشک نام و آواز لاری غریب لاری لاری لاری لاری  
 دور مند لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 سعادت اید لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اگر چه اید لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 رخصت کون کید لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 قبول قیدن نیشک و جی اول لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری



کشته اسد بزرگوار خدایا غالب کیده اسدین پس ضلالت جانی  
 بقیل لاری و غفلت کوه سیده فی حیران لاری دعوت قیدانه  
 قدم تو در لاری بعضی بنده نصیحت له و کوه منی باطن لاری در لاری  
 سلکی که لاری کوز در مقام اول وقت یوز نینک شت را کت بگو که اسد  
 در دیشلار تریبی بر له اول نوع سعی کوز کوز در لاری که بر قیاسی  
 مقام قید و قطع منازل سلوک حاصل قید لاری اما حقیقت منزل  
 بستی غه نینک شت تی لاری و اذکار لاری بعضی مقام غم و بعضی  
 مقام اسد فیه و بعضی مقام فیه اسد ده توقف قید لاری و فیه  
 سیر اما اسد میده تو خفا قید لاری نصیحت لاری اولده که  
 بولوله بهتی غه جنان بلند تو لغای ریاضت و اسدیده آتا و دلا  
 باره سیده اینک من فوق بلایا تا **اولین بحث قیاسی لاری غم**  
 زمره سیده داخل بلایا بعضی قیاسی حجاب کوه بعضی لاری باره که  
 اولاری مندن اذکار تا غاسی لاری اول بزرگوار نینک که اسد  
 بر لاری که بر سیده طایفه اسدیده اراده او چون الله لاری  
 کیده اول باطن غه نظر سالیب تر نینک که لاری با قار اسد که نینک

نصف

کشف قلوب میسر لاری و اسد میده غه الکا میسر لاری ماکو کینه  
 قولن آس اسد لاری آذوق درخت کا ویا سور لاری چشمه نظر  
 قیاسی اسدیه اولوب سیر لاری و اسد لاری وینه صفت قدر له هر سیده  
 قیاسی لاری با فو لاری و علم لاری سیمیه الکن کیا راری و لاری و تو لاری  
 سیده طعم بر اسد لاری خشم و غضب قیده پادشاهانه تاج و کلاه  
 قویار اسد لاری که کون اولتور و اسد لاری و دیشلاری کیده و اسد  
 ای بزرگوار فلان محله مسجد یاد لاری طاعت عبادت نور لاری و غم  
 اسدی حالانده فاسق لاری بقیل سیده و عیسی قید لاری بعضی سیده ابچار  
 و قیاسی لاری و اسد لاری و اسد لاری و اسد لاری و اسد لاری  
 در دیشلاری مباد غیره واقع بولوب جماعتی نینک قانیغه اتوده بولوب غم  
 یغاسی بولوب سن یم هلاکت غه تیکونکد و در دیشلاری کیده لاری باطن  
 نظر سالیق که اک شیخ اید لاری موندانغ ایشلاری ده کواه خوبه در دیشلاری  
 ایدی با سیده که است ایتا و من اتفاقا کلاه غضب لاری و اسد لاری  
 مبارک بشارت یغ کیده لاری و قدر غضب له کف لاری کف لاری کف لاری  
 زماندن کین کشته کیده که ای بزرگوار فلان مسجد بقیل سیده که همه



بیکار و هلاک لوله مار شخ ایدی پنجه کش اول کش ایدی تنگ کش  
 دید شخ اعاس ویدلار کو لوپ دیدلار کبار تنگ قو تاغ  
 قوتیک طهر اولک تاغ یقین قوسید و بره که حق جان و تلح لو ضعیف  
 بنده سیک هر کون قدرت باره او ج مرتبه تجل قیلادور و صفت قدر کله  
 تجلی سی بار دور اگر لو هم یک کله که کون اول ایردکم باره  
 مقهور اولور اسداندن سوزکه ایدلار کم اکثر انداغ دور که حق جان  
 و تلح شخ اولیکه مذکور بولغان صفت لایتنک بر سر کله تجل قیلادور  
 اما بونده ضعیف بود و دلت که مخصوص اول قوسید هر انکی صفت کله  
 اسلاماکه فطرت لولای تنگ سبیل کله و کله بعضی مغیر لای خدای تعالی  
 مرنس لای که قادر اذیده قلیب و بعضی لای خنی قاهر سبیل کله بونده  
 حق اول لای تنب لای سیم عار و خا ایرماس دور لای لای لای تنگ  
 کله ای قدر صفتی کله و کله ای قدرت صفتی کله هر لولور کون مسکده  
 اولتور و دور ویشلار که بند نصیحت غار قیلادور و ایدلار کم ای  
 سیرلار که بجه نصیحت ای ی تا که قولا ق لای تنگ غه آتای سیرلار و عمل  
 کینتور کای سیرلار کم **حضرت بابا ادهم صلوات الله علیه** وین بونده که

جبار و یار کله ای اول کله  
 بر بابا و نفعه بونده کله

یتیم و اول نصیحت لای که عمل قلیب مقصد که اولانیت رسن  
 غجه هیچ کش که ایجاب برده اول اولک تواق دیک بیت بولونک لای  
 اینجی اولک موم دیک بولونک لای بولونک لای اوخج موم دیک سخت لای  
 نور توخج اقیق سوزدک روان بولونک لای ریشنج سوزدک دیک بند بولونک لای  
 انجی سوزدک نیکس لولونک لای ریشنج اوت دیک کوم بولونک لای سوزدک  
 سوزدک سوزدک بولونک لای نور توخج سوزدک دیک غیر بولونک لای اوخج سوزدک  
 بجه نیک بولونک لای هر کم بولونک لای ریشنج سوزدک دیک بولونک لای  
 میداندن ایلی و کله انداغ قیلادور سفالین شیطان قویا غه رد  
 او سوزد قنده و دور ویشلار نیک اسدند بر دور ویشلار قوتی و ایدی  
 ای بزرگوار سبب بند و کله بولونک نصیحت مقایسه لوله مار بزرگوار  
 ایدلار ای مومدن کین نفقه سلامت تندرست تا باق عین محله  
 ریزر که منک مرجه معمر لای عسل اسلام ارواح لای جمع بولونک لای  
 و جمع رجال انیب هم قوطیق لباسنج جافر کینتور و دور لای ریشنج  
 من موم که کینتور لای ایدلار و سوزدک دیک سوزدک بند و نصیحت کینتور  
 سوزدک جابر قلیب لای لای فوسسی دور حال از صفت غه غنیمت سوزدک و کینتور







لیکن شیخ قطب الدین ایچک سرک دی وینه فرجی ل جتق در ویشلار  
 خبر قیدم قطب الدین بوجیان و جو و درختین کو تاریب مصیبت  
 در ویشلار مصیبت خیفه ایکنده دور هر نه زمان ایلا سه قیلورینه  
 در حال بزرگوار نینک غل طهارتیک مستول بولدیلا رو جمه در ویشلار  
 نماز لاری اوتاب شیخ غل سول خلوت خانه لاریند و فن قیدلار  
 بشو یوز التیمش اسرک دو سینه کوز بود واقع بوجه سنت ملکان  
 واقع بولدر و فاسلاریدن کمن در ویشلار دین کز نوشته کوردا  
 سور دلم ای بزرگوار خدا یتیم هر کانه قیدلار شیخ ایدلار رحمت باران  
 باده و نیتلای و یغایب بولدرلار رحمت الله علیه **شیخ قطب الدین**  
**قدس سره الزکر** دکلار ساینده بیکیل کیم شیخ قطب الدین ذاق  
 کیم لاری بر کچه صد هزار سوز استیاق کوله خلوت کوسه سیده تفکر  
 تیز یقه قویا بولدیلم ناکاه حضرت شیخ محمد باقر قدس الله روحه انور  
 عالمیده بولدرلار و ایدلار کز زنده فکریده دور سن وینه  
 قیلورسن ایدلای بزرگوار سبک مبارک یدار نیکه استیاق قدس اوز  
 ایشلار نه ایشم بار جلال حق و قیدم سن تا بوزمان غم نه جانده ارا

ایدلار

و نه کولکولده آرد و در نه بایست دور که مرمرته در ویشلار طریقی  
 کز نیکه تو شمادی و کم مایه در ویشلار جالانچوک بولدی ایکن  
 شیخ تبسم قیللار لاری زنده خاطر در ویشلار دین جمع دور که  
 اولار نینک ارکسده نینک اولونم بار سن و هر شیخ قه سیدیک مرمر  
 و روزگار جودات لاریه پیرا وینده اولتوریه ویشلار دین غم  
 یکوس دور اولار حالین کورک سن سور غوسی دورا کیم مصیبت  
 چند میل لارینک تر تینکنده ایدم که مندر کونم خلیفه بولاسن  
 ایدلای اذکار نیکه بولیفیل کم و عده مبعاد یقه تی اوج کونین  
 کین قطب الدین ایکنیکه کوراسنک اک شیخ قطب الدین کانه  
 قیلدرلای ای بزرگوار من جعفر خجوک طاق و جو صولور که اولیا  
 کبار لیک کسوتلاریدن کونار کاین وینه او که عمر و اقم یقه کیلد کور  
 بومرته کاتکلف قیلورلار شیخ ایدلار غم یا کیل که قطب الحق لای سینه  
 داتینکنده اون ایمل وینه سزای بولونسید و هر کول بوقت ده  
 بولک قطب الحق غم من کیش پیدایاس دورا اما اون ایمل وینه  
 ای دین سونم بومرته من کیش پیدایاس دورا اما اون ایمل وینه



شیخ قطب الدین کوز اجتی کوردم هیچ کمر سه لوق فرحیال قلوب  
 غل قیلدر غار دوکانه ادا ایلادی لاروینار یوزن ب یاز  
 درک میغه کیتور **حضرت محمد مصطفی صلا الله علیه و آله**  
 بر نور لاریغه متوجه بودی و ایش لار کت ایش لیقرا و حین  
 او قید روینه بر کچه اول افتم ده یوز رکعت غار اوتادی لار  
 دین سونک قیلدر غه باقیب لور و بیلار کیم جمع ایشغال و آق کلک  
 کمر لار پیداکوکه و ایدلار اسلام عیلمک یاطب لیتو مرتبه سی مبارک  
 بولغ و اولار اوتو سیدن بسیار جماعتی حاضر بولوبلار ک با قیلدر  
 انو بخر کونا غار ایشغال دین کین بود و لای جا و انا و سعادت و عین  
 اقبال کور کوزوب میسر بولدر اسی سه حضرت بزرگوار ایشغال دین بیکان  
 و صیتی کا قودر ازانان هم پیره لار دین هر سوردم ای خلیفه  
 بناسن پرنیکر و صیت لاریک قود و نیکر پیر لار ک نصیحت لار منیع  
 معلوم دور اما عشقه منغ ده فیم و ادراک نیر کار کولک حضرت پیر  
 سوزماق غار ادب کور مادوک ازقت هم یاریمس ماد وقت کت  
 ایلاناد بوزمانک خلیفه نیر پیر و خلیفه قان مقام پیر دور وینه

و مصاحب حق هم در میاند و با ابا و جاست سوزار من جواب تیاق  
 کراک شیخ اندلار خوب سور و ذک عا اولدور که عشق کیم سیدین عیار  
 دورکم نخنی نامعلوم دور ادرسه اجمتی اول مقدار دور که هر خد بلند و رفت  
 غه یارماشسه باشه اوزره جا الادر واقع سوندر غ بلند جقی قن غو  
 لابد و **نصیب ایشغال دور که عشق چنانیک بلند همت و مقصد**  
 بولغ صحنه و تمنا نیشک عبادتیده چنانیک لایق تا مقصد تیکای  
 ای درویشی اگر غیر تنگ بولد او بولید نیر سیر کیم دین عبرت لعل  
 کیم نیشی کونکوک لقی او حون مقصد تیا که دین هم حیدر طار و غم نیشک  
 بناسی ایشکده من منکا زیاده راک دور و سلار لایق رکه هیچ پروا قیلدر  
 اگر سمانا لاسنک اول منی بینا دینر کیم دین عبرت الفیض مقصود  
 حضرت معبود قل و غیده همت غا بلند لولفعل و طاعت و عبادت  
 جسد کور کور کس تا مراد نیک غه تیار سن عشق سحان منغ سی او بولور دور  
 اما معلوم بولغاکم شیخ قطب الدین قدس سره الونز سکسان میل  
 لولمک دین ادن الکی سل سکنر ای قطب طار و قطب لایق مانلار هم  
 بولال التیش لیسنه عا معینده تربیت قیلدر طار کیم هر قس بر دیا



آمد و ملا و او را که حضرت **لوط علیه السلام** نیک روح مطهر **لاری** است  
 بپایید و ملا را که حضرت **نوح علیه السلام** نیک قلب **نوح** است و در وقت  
 کونسلار نیک آمده بر کونسلار و در وقت کونسلار نیک آمده بر کونسلار  
 مقداد استید ملا که اکین لاری یک سفی و ملا و مبارک بود لاری  
 دی اند ملا را صد اکین نه مجبی فوس لوبنده و ما غیغه تی که هر کینه  
 فوس لوی غریبه تیماب دی دیک لوتور اقلید ملا روحان لاری  
 تسع غه تسلیم قیلد ملا و بزرگوارن پیر لاری غیغه و فوس قیلد ملا  
 لاری دین کین بر دوش لوبنده کوردیم پیر لاری بخت با غیغه  
 هم صیبت بولوب لاری و غیغه و ولدان رفو نسلار دوش حضرت لاری  
 توروب لاری و دیک ای پیر نوز نیک غزل لاری صد ای تسع پیر لاری  
 نه قیلد ای ملا رای در دوش حضرت **احم حسن و احم حسین**  
**غنی غه قیلد** در غایت لاری در جمعی **اهل او و عیالی**  
**حضرت شیخ و ملا و مطلع النوار** و مستغرق ویدار و کافا هر اردنده  
 خاص حضرت کرد که رشخ المثنی حضرت **احمد الی** و ملا در جمعی  
 اهل لاری کی بیانده مرد آمد و دهقان که و دهقان و سلطان

توفیق و دهقان جلیق علمه ضابط و در دوزخ توفیق غه  
 قادر و غازی و ناما که بعد مایل تنجیضش وقت غیلافت زمانه  
 تا وفات و قتی غه هر کینه و قتی دین او لاری که آن کرد و قشیش یازار  
 ممتاز و کاهی ضرورت کما بوسه موز که کار اوردی و اهل غازی شهر  
 خلق غه هم ضرور لوسوز لاری ایردی او سبب است اهل شهر سعد الدین  
 صامت و سر آمد لاری و ملا را را بیدیل بر کونسلار که بار و اسود  
 بول بشیده و قوت او ی قیلد او ای که غیلافت و دوش توفیق  
 سالد ملا را رسد شت لاری که اول قوت حال ملی بول ایتاد و که ای با  
 خدا یا با جرم غریبه لاری که قادیکن و منع ضعیف بر تبه سید بر این  
 و مولک هم نیک شکر ایتاد و دین و لیکن و اوتار سنمو که غازی  
 و فوس عصان لاری غیغه لاری و دیک ضعیف غایم مخلوق لاری  
 بایک لاری لاری و پال مال لاری نه لولود که اذ قد تینش لاری اول  
 نابود و ایلانک تاکه اولار بیلایدین و قهار اید سیدین خلاص  
 چون شیخ پیر قوت دین فصیح زبان که سوزنا ایستع او سبب لاری  
**ای سعد الدین** بهتر او که من بعد او بودند تا سقا بر قوت او توفیق



و طهارت نه لورمکی سین و سلسل که موندانغ سوز بونوع بیل نه  
 تینه دور سنگ که روجه غفلت با طهارت بر آزاره لورمکی سین اول  
 ای که شول مردن باندی زیر که اول فته طهارت نه لورمکی سین  
 بزرگوار زراعت کاهی جدین باقی باغ قویادی و کرمه سل  
 کوندر صفا و کیم لار قاق آرد و کوندر لکی زراعت افورده کیم  
 کیم لار خلوت کونده سید موافق تسبیح عبادت قیام کور کوردی آرد  
 مدته بهیشت کیم بهوده سوزن دیکاد و همیشه **لا اله الا الله**  
 مشغول بولدی ایسه لورمکی کوندر کونک غیب بیلاریدن لغت کیم  
 صفت کونک غم ستاره نیکسغ تابش قبلیش آدی هر نه کیم  
 حقیق معلوم لورمکی حق بر او کسیده غی جانور لار حال تیلی بر  
 لا دیلار دینه هر لیا کیم کیرب طیده یا شرب سیدی اور کیم  
 خبر بر کور لورمکی نه قیلور ای و کیم عجب لیکه من مرد و عیال  
 بونوع غم لورمکی معلوم بولاد و در مباد که جن و شیطن نینک  
 کیم غم افوریک یقین قیل غلبی او چون نموده لولوب از ابرار و کیم  
 از خوراد و در کونک نینک نه لیا قتم بار و در کیم برنده و درنده جمادات

و بناات افور خاصیت و احوال کیفیتین منک ایضا بلار او شوبو حقیق  
 ده ای که قولایقه اوزار کیم ای سعاد الدین اولنا اقد نه جن و شیطان  
 غلبه قیلار و در باره آید انی علم لوق کوندر جن و جبال کوندر  
 نور قادور منینه اوزار کیم ای سعاد الدین خدا یقین صدق و قطعی  
 اکث در بسیار علم و پیردانلار لولار که فلقیت جن و شیطان و در خیر  
 کیم سوارنده در کاه دور پیر و ایلا ماس و کوب جیل نادان لار کیم  
 کیم صدق و اخلاص متبعین حق کیم دور امانا اور سلسل کیم یکیل  
 و اوزار کیم بولغین و کوندر کونک استیلا زبانه ایلا کیم بولار  
 بومقدار غم کیم فلقیت بولاد و در جرم ایلا کیم ایدی بوم قیدین معلوم  
 دور که جن و شیطان کوندر لولای غم و بولاندیش ده کیم بولدر لولای طهارت  
 ایلا کیم و جای غم ز سالی و غم ز دکانه در کیم ایلا کیم و اوزار  
 ذرا یقه مشغول بولدر مشغول شاده کونری اولیقون بیکار ایسه کوندر  
 کور کیم **رسول اکرم صلی الله علیه و آله** صحابه کیم بولار  
 و بولار دین بر لار ایلا کیم کیم ای سعاد الدین قویقین  
 حضرت سید نقیبین و فو اجم کوندر سر و قینک غم شریف کوندر و بولار







بنه زراعت اوزره خمر لولوا و لولوا رگنیدین کونک بزا کوار نینک  
 زیاده لولوشی غه الی ایسه دهرقان لار حیران لولولار که نینک  
 سعد الدین نینک زراعت بنه نینک زراعت بنه نینک زراعت بنه نینک  
 جسد باری و لولوشی اوزره غه نینک و لولوشی نینک زراعت بنه نینک  
 مرد بار اکر اول آیدای یاران **دک فضل الله بنه نینک**  
**دوا الفضل العظیم** لغه اصد لولوشی نینک فضی و کمر دوریم خواه لولوشی  
 و خدا یتیم فضل عظیم نینک که دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 و دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 اوزره نینک زیاده لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 نینک دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 صبح و قیسه بزا کوار نینک لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 او دین حقیق کسیدی و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 بار و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 من نه اوجوشه حقیق بر من و نه میره کسیدی بر من و نه کون لولوشی دور



اولیا اصد زنجیر و امتحان ده بولوشی من و لولوشی خود و لولوشی  
 بیجا دور من جاقبت البش لولوشی اوجوشه نینک ده اوجوشه اول لولوشی  
 ناکاه و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 قوتی و خطر اب تمام لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 کسیدی و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 سوردیم موندن بطن شمریک نه مقدار لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 بشی ای لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 زبده فغانه و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 و عیال مندر اکر کولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 نولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 نینک و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 جانیک غه رح قیغوشه دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور  
 اول و قیسه خمر لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور و لولوشی دور



از شش به ارباب و ان بآید بخت هم شش نیک قدم چهره  
 دوا و داری و شش خفا و قله و استیجانه طریقه سینه شوی  
 انی الفت الماق برله اولیا احد جمل سیدین بولدی چونکه صحبت  
 بتخصص اولیا احد صحبتی خاصیتک دور بزرگوار و بسوخته  
 هر کز سرین فاسی قله و بوجیت دین سعد الدین و مدار ارباب  
 بر کون اولی و ارباب قولا قیفا و از لیل سیدی سعد الدین ای که محل  
 اول دور که بیایه از حقبتی تعین شوی و غایبده کالین  
 قیفا سبب یک نیک بخت لاردن بول که اک بسینک سی و لاک  
 برله حق و جل یو غه قدم قویار لار حضرت بزرگوار و بسوخته  
 برله و عوده سعی ایتیم تمام برله مالاکلم کور کور و الی اصل بزرگوار  
 همایه در تمیش او یلو کشته است و اون کون نیک بجهده بعض  
 بند و نفعیت که و بعضی قوت ولایت انقیاد قیله لار و بولدی  
 اهل کار اولیا احد لاردن بولدی بولدی بزرگوار از راعت زاده و  
 برله من اکره اولی و در اسکول لار بزرگوار لار بیدار لار و شش  
 قشلا ریفه کبیب شش لار کوبید لار ارباب قله لار و بولدی

توردر لار شش استیقا قیله لار اید لار ارباب لار و شش کبیب  
 اولی و لار شش لار دیب محکم کبیب و لار بقدر استیقا و ل قیله لار  
 سونک رخصت قیلا و لار شش سعد الدین رخصت کرد اسر سینه  
 صورتیده بولوب سیمانه طریقه بزرگوار لار و در و شش لاردن بولدی  
 ای بزرگوار نه خشی سعادتمند ارباب لار که دینا نمیدن خل هو لور لار  
 و هیچ نرسه کز و اقیق بزرگوار قیله لار و عا لار دینا دین فارغ  
 سیرده دور لار کاشیک بزرگوار لار هم لونیکنغ بولغا اید و کز بد شش  
 قیله لار که ای در و شش سبب همت و در که شش خوان اید نیک بجه  
 بولغا سبب اید اوله و در که موشیک خوان اید بنفونه و و حبیب  
 اکره اولی و لار استیقا اوزره سیر قیله لار امانه کی تحیح لیتقین  
 دور لار سن خودیر بولدی و در سن امانه استیقا و لار قول غه  
 ارفواد لار سبب سبب امانه قیله و شش شول فیل دین بولدی  
 بیدار ایشی بولغا سبب امانه بولدی سبب سبب سبب امانه  
 اول فیل جمل سیدین ارباب اما موشیک نفعه لذت کور امانه  
 در و شش لار و شش و در هفتان چلیق ایش غه کوشش قیله کتای



یکمین دینه مرد که هم نفع تیلور کاین دینه بود معلوم دور که  
 حقیقی و کما بنده لاری دینا غه بیاریا که تا آخرت کشت که  
 قبلیت عمل و مینن لوتار که یلار چنانچه بوحیدت بنوی و کلام مصطفی  
 الکا دلالیت قیدور که الدینا مرقه الا فوه یعنی دینا آخرت نینک  
 زراعت کما بی دور بوحیدت نینک مفع سی عام دور زراعت  
 وزراعت باطنی غه زراعت ظاهری اولدور که هر دانه کما بی بطنی اوزور  
 لوتش دور و حصول باغیشلاید و را در لار روزه و هم چو لار  
 غده اسی بولا دور و بولا آرام تا بقایه سبب لوتار غه سی سنگ تیار  
 زراعت مفعول و کما حقیقی و کما عبادیتده مردانه و مستحکم بولار  
 و زراعت و اجتناب و سنت و سبب و بلکه مباح لار و بفرور کما  
 سین آنچه فرض ادا تا بهون و پاکای سن ای در ویشیکیل که فرضیه  
 نینک کدینده فرض و در ادا قیام سبب غه جاره بوقدور اما نواقل  
 قولین ایبار کما کما نجات لیت سنو نینکه دور چو نکه دینا زراعت  
 و حقان را عینک التفریقینا بلکه ارفه و تریق و اوزور زراعت لار  
 ارنه تار یقی غرض بوسوزدن اولدور که در ویشیکیل بوقاید ایش

افاده سی و جمیع نشانه سی بولر **فانک مشک بکل یا بکل**  
 مفعول لار ایش لار غه قویق و نتیج سین قول غه ایش حیات کف  
 سینات طرفیکه اغر کیدکای رستکار لیتی اوشودور اما بعد مفعول  
 کم بزرگوار تمیز کشت و سن زیاده تربیت قلمار لار و لیکن اوش  
 بتمیز کشتیکم تربیت لار تخی ده اوش لار بارجه لار کما امت و کما  
 مرتبه سی کما تی لار و اوزور لار **حضرت محمد مصطفی ص**  
 روح مقدس لار و منور لار و سن تربیت کور و بیلار حضرت شیش  
 علیه السلام نینک لار و ایدر کما کما ملک و ملکوت عالمینی  
 بخت و دوزخ و سر اسلاما کما غده سی لولر لار سر کما بوقاید  
 و در ویشیکیل در ویشیکیل در ویشیکیل در ویشیکیل در ویشیکیل  
 نوبت تی ارسه مبارک ایا غلارنی دوزخ اکره قوبیلار و دوزخ  
 اوتار اوجتی و غلبه جرات کما کما و انینک سن هم انتر قالماد شیش  
 ای دوزخ کما کما سن که در دوزخ سن سینه سن هم انتر نشانه قالماد  
 و خدا غر و جل بنده لار و خلاص لار دوزخ ایدر ای آدم و ایزد  
 حال پیر و در کما لار اولار نیک خواه لار غلار نینک قبلیت ماسن کم



وفاق به آوار لاردن خلاص بولای شول سالت ووزخ قه زن  
یتی کم ای ووزخ اوز خد نیک س قلا غیل و جواب از لیکو غیل  
چون شیخ موزا الشیب که یه غار قیلد و یکان لاریدن بشین  
بولد مل را ایدر چه وردکا رامن بنده ضعیف غمه نه خد و در که  
است خلیق قیلغای من اما جهالت مولکا کستور دوم باره  
اواز کپلد که ای دمدار فضل خدمت کار غم فواجه کشیده بو قفله  
سوز که خد مار بولادور غان هیچ باکیق دور چون شیخ بوندان شیخ  
اگر سه خوشی ل بولوب سر دین یانه لار و اوز خلوت لاریک آدلا  
دور ویشلار جمع بولوب کلدیلار شیخ ایدر مل رای یاران بولون  
وسف اختیار اسلادیم شیخ نیک سوز لاریدن ویشلار دین کدر  
کو لکارتی کم شیخ نیک عمر را قی غم تییب غایب که بوسه مبارک  
یتی غم اول جبت دین جا کولادور شیخ ایدر مل اولم یاق ووز  
کتمکو لوک ورنه اجون تا یخر بولوسونکم عتمیش کا  
تییب ورو یقیلیق کیتییب شیخ اوستو سوزده اسر لاریبار کشته  
لاریدن شیخ تر که هر بولوب که سه ایدر مل رای یاران بیلور موسر لار کم

حال

حال نیدر دور ویشلار ایدر مل رای بزرگوار عا هر نیک احوال  
پیشی که کیک قهر دور ویشلار اوز و لیکر اتینیک تا بیلک میتر شیخ اسر مل  
بولون سوزی بل باغلادیم و ارا لار دین کتماک نه باغلادیم ووز  
انکه نشانه دور و خاصیتی اولدور که هر ایدر دین هر کم اوستو سوز  
قطره مار شسته دین و اوج و غم لعل کیکس دور اول اوستو  
دور ویشلار تر که وینما سوز قطره واکمی قطره و اوج قطره بقدر  
نفسه آ لار دور ویشلار دین لعنه سعادتمند لار اول قطره که وینما  
لاریکمه قطره مشرف بولدیلار الی اصل دور ویشلار نیک همه  
و اصل بولدیلار لاریکدن کیم شیخ ایدر مل رای یاران لاریکدن  
زیاده مستول قلدیلار لار کم وقت اوما و در دیب **الله عز وجل**  
لاریکمه جار مل لاریکمه جان لاریکدن حق غم تا کچر ویشلار لغنه  
تعبا بارجه مرنه لاریکمه غایب جا کم دور دور ویشلار مریحال بغل  
لاریکمل قیلد مل را سوزده لاریکمه جامه افق که آغلا  
حضرت شیخ سوز که کلدیلار و ایدر مل رای دور ویشلار لاریکدن  
سوز ویشلار را سوز نیه ایدر مل را قوی بغل عا ایدر مل را بلی بر اینه کوز







بسیار حکم لاری شایر منجم لاری اهل کرامت دین هم بار آورده اند و نالار لاری  
 ایش و قوی عیده متعجب و متعجب لاری از کمال ایدر حجت لیکر از نظایر سوره  
 میل لاری کور که دین کین موالتیا از زندگ است قیلده لاری غریب  
 واقع بود و سرخ کی بولوسه دور و بیخه ایشیک لاری لاری و حکم منجم لاری  
 یغدر و واقع دین خبر کردی ارسه بعضی لاری ایدی لاری بوز از ندادن  
 بولاد و واکمی اولوغ بادت مطیع زمان دار بولوب تحت دین نوش  
 و بولایشی اعلایا دور و بعضی لاری ایدر لاری نسمند بولاد و در که علم او  
 و علم ابدان از خوب سلا دور و خلق خد ایشیک بن فیض لاری یاد و در او  
 صاحب طین ایدی مع قیاسیک لاری سلی نیکه لاری بویجه و اولاد و در او  
 علم لاری هر دین اهل طهر نفع الی دور که افتا نیک تو قوی قریب و روشن  
 بولایر اندن علامت دور زین که افتاب طهر دور که و کچه لاری ایشیک باطنی  
 دور که علم طین دین اهل باطن فیض الی دور و هر اکی علم ده صاحب کمال  
 بولوسه دور اندا علم افتاب صفت علم طهر و باطن شمشیر باطنی  
 و در کت تاغ دستان بجز سراج که یک نمانش قیلاد و در دای طین  
 نور بر لاری منور قیفا نیک علم باطنی خدا تعالی نیشک نبد لاری نیشک

کعبه

کچه دیک بیره کوکل لاری ولایت نور بر لاری روشن ایشی دور و  
 وجود سستی دین هر و لیکم او شیبو ریاده بار دور ایدت دین قول  
 مرید و در لاری اید و رفع کوکودک ولایتی نیکه لاری ایشی منسوخ  
 و بارجه ایدت لاری مانع بولاد و در تربیت لاری بوز الی دور و در واقع  
 او شیبو ایشی لاری علامت دور همه ایدر لاری نیشک سلی و ازین سلی  
 و بیل و قیاسیک فیه بولوسه ارسه دین که کیم فیه سوزی مقابله بولکه  
 ای بزرگوار بود واقع نسی لیکر قیاس که موبانی هر لغت موبانی  
 بر لاری موبانی اعلی سلطان مود و در تا اهل محبس معلوم بولای اول بزرگوار  
 ایدر هیچ قیاس که ایاس دور اید و بینه کیم سوزی شود ده کور  
**حضرت سید الشهدا امام الحسن محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم**  
 بر لاری هر لاری لاری رضی الله تعالی عنهم اجمعین و ایدر لاری مفر الدین  
 تا تکلا جفایانه و تعالی بود یار خد از ندر علی قیاس دور و در واقع  
 ده بولوسه تاغ لاری هر لاری لاری نیکه لاری لاری نیشک سلی و ازین سلی  
 که اول از ندر علم لاری هر و علم باطن ده یک نه عصر و زمان و نادره و در  
 بولوسه اک اهل طهر و اهل باطن ایشیک علم او از حال لاری بولای

و علامت ص



بده مندر لولار و اتینی محمد صادق قویو کینر لار چون موخ استی لار  
 ایرسه اول کیم سه خاموشی بولد و ایدر شوق خوشی خنده و تیره  
 ایزد و رو بولوبت سم دور اتی بولوشن خبر ایستغ خوشحال آید  
 در حال قویو بولوب هر نوع متاع و قیوش دن فرزند حقه و نثار قییه  
 و اتینی محمد صادق قویو بولوب واقع کیم سل کولک ایرسه بولوک کیم کولک  
 اثر خطی بولوب اول غرضه کیم بزرگوار نینک مبارک تنی فیه جبار کیم  
 بولایت آید کیم **لولا لا یفیع مال ولا یلین الامن الا الله فلیک**  
 و قیامت کون مال نفع قییه سی و او غلاند ارم باید و تیکور ساس کیم  
 اول مسکن کیم کیم است ایستغ نینک کیم هیغه رکت کولکل و در کیم  
 و ذکرت کیم له وینه ای کونین کین لولکل ای کیم **ویدر** **نفع**  
**صدق** ایغ آفت کون رکت کوی لار غره رکت لیتی منفعت قبول  
 و صدق اخلاص لار باید و تیکور و رتا سوز کیم قادر بولوشن بزرگوار  
 ذای بولایت کیم کیم اندن مسوئله **لا اله الا الله** ذکر یغ مشغول آید  
 اول نوع کیم وجد سماع بولور کیم و زمان سماع دن نیل سماع  
 و سماع اثنا سیده مبارک مبارک تلبیدن بهج کیم شتاک کیم

ایر سه ۳

جبار لولار سوزی تا کیم بشی یاغده کوی و ان سوزی و ان غشی و آفغ  
 مکتب نه بار و ایر سه کور یک ملای معمر آن تعلیم غه مشغول دور کیم  
 ویدی و مکتب نه تینک کیم رت تایدن و عکس اسلام یا و اما صد دین  
 کیندر و ملاغده لول واقع دن حیرت دکت کیم ایر سه آید نه محبت غامد  
 بنده دور من کیم موند اغ ذات شرف هر وقتیمه شرف کیندر  
 و بولوب تعلیم تمام بولوب عیال نازک یا بنده اولور غور در تنقا  
 شول وقت ده مکتب کیم لاریدن کیم سوره و ایلم غه سبق کیم  
**یا ایها النفس المطمئنة ارجعی الاربک و اقبیة منیت فاطمة عباد**  
**و ارجع فتنی** ای کیم تنی ایر سه بولایت بزرگوار نینک مبارک سماع  
 ایستغدی به اختیار تفسیر مقایسه بولد لار و اول مقدار تفسیر  
 کیم ملال کولک و حیران قاله سرو اوزیک ایدر حد او ندانوشن  
 دور کیم او شوق کولک بولوب نوع مفسر بولوب و موندن اوزک ای بولوب  
 اینک ده لای القیبه کیم قیلا دور و اوزک اجتهاد بولوب و مومنین  
 اول و قیبه ایستغ لار کیم ایان و طاعت بولور ارام نفسی دور و کیم  
 در کیم هیغه یا نفس و رجم کیم اول لا نفس و خدای غرض دن خوشنور



اصد لها هم سندن خوشنود و در وصال چنده لاری از اسبغه که کینست  
جاودانه اگر ه اول تو غزل و عید اعدان عمر فرستاده عتی و ایت  
لاری که وقع که از غه اجل نیل یکی و کشته کسور لاری و کیه سی او را  
ایتور لاری ای نفس بلند حقیقت تن بلند و من غدا برون پاک بر که کم  
عز و جل سندن خوشنود ای کس و در اینو با باقه من الی الی که کین  
ملاضیافت خانه مقامی بلبل سینه بر کوار اید ملاری عالمی  
او چون کسیدم کم ضیافت قیفا سینه بلکه مونینک او چون کیدیم  
و آت قیفا سینه من شاگرد و لاری من ملا او را تو پواید ای دانا  
زمان و یکنه دورانی و مفسر آن و بنده فصل رحمانه این فضا  
و کلات که ذات باری که تیکه مناده قیلم که خور انصاف و  
او ستاد و کاه من و کین شاد و دو فقره نه او چون جد و در که بولست  
درین کسای که کم فصل مرتبه آمده اول تو رجا و اما مقام اسفل و تان  
بولتی نه بولور که من بنده لیک قبول قیلم قیلم غول غول غه سیر او را  
بر کوار اید ای ملا منک غم تلوت و آن دور که الفاظ قومه  
و عبارات مکتوبه بی غه جیر و بیان قیفا و زبان و آن غه ملا و

و لکین که حاصل بولتی او کین سوز ملای نه سندن لاری سینه کین خوشنود  
اول امر دیکم آید به مصحف قیلم تلوت که مسفل غه لاری میر وقع که کوار  
غره رحمتی نیل خوشحال بولور لاری و ایت غدا و چون کیدیم  
بولی و در وصال بولور لاری و لاری اصل اول ای ای بش کونده کل  
تمام قلم سلفی و معنی یا و الله سرانند کین درس که خضر بولور لاری  
درس خانه ملازمت قید سرانند سوزده مار معنی کچ لاری بدین بر کچ  
امر دیکم بر قدح سیرت عالم غیبی که الی که تمام سهار و معنی  
درس که بار در و ملاسی مدرسی او زنی او و بهر بیت تاتی و در سالی  
ای بهر رخصت بر در کم ای فرزند مار غزل که اشک تمام بولور لاری که جنون  
بولور و اشک تیکار رب که دینک ما مصلحت او چون کین کون  
کوار کوز ذوق که نه علم که غه ایتیا جینک لاری **افق** کوار  
یا شده امر دیکم کشف و هم علم غیبی حاصل ملا و لاری او زان او کین  
لاری رخصت که علم طاهر سندن سندن و اول تو لاری و لیکس  
و سلسله کتاب روم او زان که غه درس استاد و ادب علمید با هم  
و با مانند امر دیکم ای کین سندن بر سر کین کین کین کین و لاری



و پای جامه نر کور مادر میباید که کور کور عادت چه سبک قیفا و نه  
خازون او زک وقت ده مبارک نکست لار او جینی نیک محمد بن  
حقیقانه و علم نیک عبادتیه چنان قادر است که هر که تورات است  
وین بر هایت خای از عبادت اعیان بر دلا رو کیم لار بهیت قام  
و قاعد ام دیل رجنگ بین کوز لار که او یقول لایجاد و نفسی اندک  
ضابط و ظاهر است که او ج کونده هر وقت طعم برور است که بوی نفس  
ارام القویچه اعیان و بالکلیه قوت دین قلمای غویچه و طاعت که با  
بر کویچه سیرتا او کوزیل بوسوال ده کیمج و لودت ده هر کیمج فواید  
الهی که ام صحت بولدر و حضرت خواج زنده دلان که له نمیشین لبق  
قیلدر و غایب که لار که له و معنی عالمی سیر اسلاد اما عالمی بر دین بوز  
کشی و اشمند بولدر یلار تا اول وقت بزرگوار شدت و بلادت غیبی  
او انانیم کتم خیر الله اوجیت الناس بهی در حجه للعالمین صدق  
اسرار قولای قیغه استبید بر لار عدم خلوت خانه سیدین و جود  
ضلاتی دعوت او جونه حقایق یغان امت لار بر دلا و ابل عالمی که ام  
در حجت با لکن بلند همت لار بخشراق و در سیر لار و آسمان صفت

کونکاه

کونکاه که لوق تران شغای بر تو سالی ار سله فزیکای حجه صادق  
لو جوک صد او ندر او دیک منع شوار به س که و متفکر او تورا و او دلا  
تف با دین او ز کسکه کم حجه صادق تا بوزمان که و صدق دل لار منک بر کیم  
قیلدر که در کاهم غم لاتی و جمع اول لار غم فاتی بولدر و منک بونک  
در که بی الهی عاتق لار غمی ضلالت جابیده و ملامت نه اندیده ضایع قویا  
اولار غمی ولایت طایب و اودت کمنه سر که نفایت ز انکفول و قدین حقیق  
الکجه حقیقانه و علم آفرنی کل قابلیت و دیر اتیب و روایت که **در حجه**  
**المن صیل الهم** اولار شاییده باریب لغ من ادر که اودن توریب  
یا و ق راق و دوسر ما و جودان همه استطاعت و قابلیت که نفسی استبان  
جستی دین مرتبه کفاده تو ضاب قابلیت بر چنانچه لو آیت که یکم دلا لایق  
**لقد خلقنا الانسان من احسن تقویم** در دونه **افضل فیلس** مع حقیق  
قیلدر آفرنی صورت لار بخشراقی که له و قامت بهر کیم که طیفان و ام  
عیسان سبیدین **افضل فیلس** غم در قیلدر و دوزخ تفرقه مار دیم  
ای در شول بیکس که ان و سوسه شیطان که له بومر به **افضل فیلس**  
هر که شیطان رجیم زمانه تجتیده بولدر انده در کاه صد او ندر رجیم بولدر







منزلت حقیقت مقتدای شریعت و مبدء اهل ریاضت ارشاد  
 مبارک بولغا دیدلار شیخ محمد صادق چیران بولدیلار ای ییلار ای  
 لار قیدین معلوم دور که منک ارشاد و غرضت بولغا نازر کورلار  
 اول کونک و عده دین و اوز و نیز علم یلین دین عاکر بولغا غیر دین معلوم  
 صدق و سلمت ای نازر کورلار چو نکله بولام که مامور بولدی و کینه اول بار  
 فقیرلار مرید بولغا قریب قبول قلمی قیله لازم و لا بد کورلار و دوشاخ و غیر  
 ایدیلار میل لار دور که نیرلار که رخانه خداوند سرده اش قیله نیکلار اوز  
 اوستونی خوب بولور نیرلار دین عاکر رخانه خداوند عرفی من کور  
 که لا اعراف و لا یومع سلی مدور نیرلار نه که ایلینار دین و دوشیلار  
 ای نازر کورلار عذر بانه محب ارسا دور اول اوز کم نازر کور اول ای  
 اوز دینی قبول قیله ملار خواجه زنده دلان تعلیم لغان اوز دین خطبه  
 تلقین ملار دین و تعلیم کوریلار اندین کین نازر کورلار سور دین ای کم ای  
 بونجول بولدی کم من اویس اوزم بوزغان مرید اختیار قیله قیله جماعت  
 بولور و قیله طبقه دین که قوت تولد و حضرت خواجه زنده دلان  
 مجلس خضر ایدیلار ایدیلار نه خوش دولت دور و دوشاخ که اول

بولدی افرید اختیار قیله لکلا قیامت کونکیم انص و صدق اولدی  
 اوشور و دوشاخ ده نفع محمد صادق نزاع و منافق قیلورلار هر قیله  
 اوز جماعت لار دین و سر حبیبانه و قیله زمان قیلور کم بولدی اولیخت  
 قیله لایق اولدی غیره داخل دور چون شیخ بوسوزن اشقیق شیخ لولدی  
 اندین کین ارشاد منبج ده حکم کورلار تا به مفتی غمزه قیله نیش  
 ارادت دولی که مشرف بولدی ملار **دوشاخ قدس سره** دور و دوشاخ  
 مشغول بولدیلار ارسه کونین کونک جمعی لار بولدی ملار قیله که عدولانی  
 نشی سلی که کونک شیخ محمد صادق خالص دور دین لار نیش بریک بولور کم  
 دور دین لار ات لار نه تیب لیکس دیب معلوم بولغا که قیله دولتی  
 دولتی ایدر سعادت سرکه که مشرف بولورلار اول دور دوشاخ سرکه  
 انور نیش لار تا بولدی افرید تا اوز لار ارسه بوز نیش و نیش بولدی  
 نشی دفتر که الدین دور دوشاخ سره قیله شیخ عثمان حاضر مد ایدر کم  
 حیثا لقیله صاحب کیم بولوب تلقین سجاد کید اول نور دینلار و اول  
 بابا سعد الدین لقال اسکا التیش بولدی بولیش نه مشغول ایدر  
 باوجود کونک خیر مرید کورلار رخانه قیله بولدی نه خانقاه قیله



اول خائف ده ده ای که نوز کوشه بار است و لوح است و چون است  
در ویشلاری خطر خداوند بر عباد تیغه کفول بولک لاری و  
اورتسیده صومعه را در کم اوزلار صفا را در دلا و غیره بولک  
و بنایت ریختن تاری لاری و مجاهده زهرن تاری لاری و نیازدن اگر  
هر کون منیف قوی و منیف اوی و منیف بتوه هم کیده هم برنی تانک  
او چون زخیره قلم لاری کون خدمت کار در ویشلاری و در ویشلاری  
لحق تبیین اجتهی کم ای بزرگوار نه بولار که مقصد کم رسد لاری کیده  
لاری و اندک اندک سقا با تا بولار که اکل قبیل شیخ قمر و ویشلاری  
بولکوز بسیار دشوار است و ایدلاری بدبخت معامل بولار بولار  
بولاق نه فوایش قیلور سن موقولفیل کرسین بول خدمت کالاق ایاس  
خائفه غم یا و غمیل کم خیانت قیلور حیران و فیاض قیلور لاری  
در ویشلاری اوسی اگر هلال لوق دور و آس فانه دین جیفیل کم رسد  
در که کسین بول بولک هم فیکیه در کم در ویشلاری زخیره قیلور و اوز  
سوزده ورنه لاری نفع الله بولک اول جبت دین مغرب بولک و اوز  
**حضرت علی علیه السلام** مبارک خدایا لاری دین بولکینه او چون قطع قیلور

و معاتب

نه مقدار لاری دین بولکینه اول ایکنه اوزلاری دین بولکینه  
مقصود منیر لیک تیمادری مدی و شکم کم **حضرت بقره قرآن کریم**  
**ما خلقت الکونین** صدنی انحضرت صا اسد علی هم جفرده نازل  
ان همه و عده و عید لاری اولار باره سینه واقع بولک دین بولکینه  
لاری نفع ای محمد شریف و جود شریف طیف لاری لاری دین بولکینه  
نه بر آس اوزلاری و غیر فقر نجف و عابض ضعیف لاری قوت و قدر بولک  
دینا عده کسین جفاک نیر دین لاری ویشلاری الدلای دین لاری  
در ویشلاری سلسله کسین جفاک دین لاری و اول در ویشلاری کسین  
شیخ شریف جل عقدا لاری لاری کیده لاری ویشلاری لاری متفقد خلیفه شریف  
الدی غم تمام نیاز دین لاری بولک کیده سرو کیده غار قیلور لاری خلیفه  
اسم اولد و در کم من فقر رانده و جفر دور افتاده خطای جفر  
دین بولکینه تا در ویشلاری لاری کسین بولک و بولک لاری قیلور  
لاری دین و خلیفه لاری کیده لاری کیده لاری کیده لاری کیده  
بولیغه قرآن مجید با غلبان دین نیاز سر لاری حضرت شیخ شریف  
کسور و عذر فقیرین قولی اوسه بزرگوار تر غضب لاری خلیفه



و اباید ملاری عینی منک خود عینی که ایام دور می شود کند  
 بپراق بود که در آنجا که هست دور که کنش روز درویش بر لاله شود  
 ملاغه سودا قیاس و نینه در درویش نیش اوقاف من ضایع اهل کای  
 و موندن عمر در صد هزار صیف و صد هزار دروغ و بیکبار در روز  
 کوکل رله آه سر دما را لار اسه مبارک غریب رسیدن اوت  
 سواد اول مرود درویشی رله خیفه توان مقهور بشیایان  
 او تا نب کول بود رخ اید ملاری یاران غمی نه بالغه ز اوریک  
 بلکه نیش که او کوز سل یس عمر و نه نقصان قیلد و درویشی لار غه  
 خبر قیلد که لار که تا یغیوسه لار تا امان من غمت بپوشد که عمر  
 افویغه لیلد فریال اطراف جوا غم نشی بپرسد رو به درویشی  
 بولوب کید ملاری اول و قیلد رخ اید ملاری درویشی را اخصای  
 هنر لار که آنچه قدرت رسد که نیش لار دین کرد و هلاکت و بپاش  
 بولوب بپار او زو یک لار نه سقل استغفار قیلد لار و شدن  
 انشیه لار عمر در خیر ملد نه غصبت س که کسم و عالم در خیر  
 کیم و بپوشد ساع غه که در ملاری و مدت مدید ساع قیلد ملاری و سماع

اتور ای دسلار **قصه بی** لغی نیشک مریم بود و کار در دور اصد نیش  
 نیشک ام کل مر لار و با نیش سجد که قور بقی قلم غم جان که دابا بولوب  
 حضرت شیخ قدس سره الغر زو نیشک دینه که در نیشک مریم و نیشک لاری  
 او زلار حضرت امیر المؤمنین عیال ام اصد و نیشک بفتوح لاری دین  
 تا بتی لار و جبرئیل علیه السلام نیشک لاری دین و ماه رمضان نیشک ام  
 او ز جمعه کوز ایا توده وفات تا بتی لار وفات لاری دین سو کمره مرد و کشته  
 کوز دیکم آت نه نیشک سنا زو جبرئیل عتی رله سیره دور لار سو کمره  
 ای شیخ حال بخوک و در شیخ اید ملاری اول عالمه قدس صد هزار غم و اوقاف دور  
 نینه سو دیکم خدا زو جل هنر که نه قیلد نه نیشک غشیش ایلاد رخ  
 عالم سماعت ده تر بقی تا بقان درویشی لار دین بولوب نیشک  
 درویشی سعاد ملاری ترین عالم رو جانب ده عطا ایلاد و غایب  
 بولوب ملاری رحمه الله **قصه بی** که مکرری و موجب پیروی  
 و قلا و زرا بود که در بلیس خوش الحان کشتن اودن که در شیخ و شیخ  
 خلق شیخ عینی بخار قدس قلم رو به الغر زو امل لار زو اید که الغر  
 و به نیشک مضمون که نفع حال و نیشک العالی فی تورات او غول نفع سیکه



درمانده و پای لایم کوه مردکی حقیقت قلور اردو سلا و مو و ایقه زند و کار  
اود سلا با وجود زند لار خدمتی که حقیقتی نه و لغیا تنیک معیادینه  
که بل لقی قید سلا رو که کوه و زو رطعت قتلورین تنیما و لیکن لحظه  
فقره مقید و تنیک لار فقره حقیقتی غم شکر بسیار و ششانی بشمار ادا  
بر کوه مردکی حقیقتی غم بار حق اندیشه و داولتور و اردو سلا و قولا و لار  
او از کسیدیم ای سحریم لایم مردکی حقیقتی ده عمرضا کع قیلورین و قوت  
الملکین سار و دین بونوبت اشقی قیلورین که هر نه حاصل اسباب کوه  
سنگ بوسه تا زند لار تنیک احوال لار فایست ده کوه شش و اردو  
نه ایش قوی و دما باره او از کسیدیم ای سحریم روی باز رخه باریدیم  
ایست که نه لیکن اختیار قیلورین شش اندر سلا لار کوه لارین و آن  
سلا من موی نه او از ایشیدیم ای سحریم غم نه یا مال تنیک کجند شش لار  
سلا فیصل شید که زو جل قدرتی که تا شش با تنقه بدیل لور لور  
شش قدس سره الهی و آن کو تا ریست نه ارغیه بار یست حلق و آن با  
و ایش باقی بشش لایم تنی بونوبت نفوس لار و غمینی با یست  
سونا کیدیم لار و او که ای سحریم کوه لار و سحریم و دهر طوفین

خلا و لار بغیبیست غم چهل سحریم آریست به باره قید سلا لار و کوه  
ز زند لار و چون او سلا ریگا ایلنی لار و ایل بیت لار و کوه لار و حقیقت  
بلا یستی دفع ایلار سلا ریگا نفس لایم ای او مینو بشش و مشغول  
و بر سلا زند لار و منونی و دود کان مصلحت دین بونوبت که چش و او  
مقدار دنیا جمع لور کم اندن زیاده تصور نه کیدیم ای تا او مان غم  
لار و قد قامت کای لار و دما دلا ارغیه غم کتی لار و زو لور و سلا  
فارغ ایلار لار و کوه ایلار سلا ریگا کجند که کوه سلا و سلا  
هر متاع دین اول مقدار جمع بونوبت که فارون مایه که لغیا شش حقیقت  
لار و فیلا و سلا و خا کوه لار ای الو مشقه تنیک لیلا سحریم چش و سلا  
من مرد و اردو ازاده فقره حال دنیا طلاق قیلورین و ایش کوه عقید  
نه بلائی و در کم بونوع اغیر کوه آنک مسلا بونوبت **حقیقت محمد مصطفی**  
**صلی الله علیه و آله** دنیا و عقبی اصغر من قیلا لار و بلا سیدین قاضی لار  
اگر دنیا لایق وجه جلال دین لور حسابین بزرگ که اگر دور و العباد تا  
اگر دین بونوبت این تار حلق که دور و من عافو غم نه بار ای  
بارونه طاقت عذاب و زحمت نه خورند اردو این دشمن جانکه که اگر



[illegible]

صرغ قیبت محمد بنای قید و لنگر بنا اسلام و آتش جان بر ما که نور و صبر و صفت  
 دنیا سن تمام اتقا کیک که سعی لا قید طار زوره نقصان بولما و یک  
 نو زن کو که زیاده به لدر اسر سه مبارک خاطر بفرماید که یکم ای که کشی رخ لار  
 موافقت لار پد فلقاه بنا قیفا من نه ایدر آکشی بونیت ز قضا این که  
 بخش بخت دور اما که بو استعداد قابلیت یوقد و بر خول بولوس دورینه  
 ای که اکر چه درویش کک قیفا آحقاق و قابلیت بولاسته است بدله و  
 سر و قیفا غه نشه لف کلسور و بخت کما عبادتیکه مغول لور که کسین  
 و خدمتیده بولانک امیدور که بهره مند بولغولک دور و روج بود و لیمانه  
 لغتینیک خاردیک کونکوک که انشیه محبت بولوس دورینه ایدر ای  
 مرد عاقل اوزونک غافل سین خدای کما اندک سبب آرد و که موخه بکت  
 و جمعیت ز کرامت قیفا ن در با حکمت بولماس اکر اامت و الایات مرتبه  
 سین سیک عطا قید بس لیسر قایدین دور اوزونک کشی بولوب سر و دوش  
 قیفا سین و لوی قیفا ن بل مالنا اول و قنده صفر ایلاب و رویش لار  
 و بر مینه لار لاس ایتک ی سن شنه ایدر لار ای خا کونم قیفا دولت که  
 بخول تروار جیقلم بولونم من کشی بولغورین و لوجا عه قیفا مرید بولک







ای بچی رجال الغیبین اوجا و حیا و سنجه منک مدد که رحلیک اوجون تعیین  
قیلید یار غم یا کسل کم خواجہ زنده دلان بر لہ خواجہ الو الغیض الی غنک  
یراق بولاس لا حقیبہ و تلمیہا تا تنہای لطیفین شمع مجروح فیکی  
و موخہ مدد که رلار لہ خواجہ اوقات روزگار دین نہ اوجون قوت فاکرین  
نہ ایدر لارای غم لار مرید پر ویشی قیفا ارشح و مل راه دینہ منزل  
رسیدہ نشہ کک دور و من اوز لولون یا بیک من وینہ و دیک رسیخول لولون  
منزل و مقصد تیکور اسن بر لولار لار ایدر لاسا کھی خوب تیکین انا  
مجلس سکون مرتبہ لارین و طریقت لار مقامات لارین و شریعت منار  
لارین تعلم کونمیر دور با ویشی عہدہ سیدین حقونک و واد لار لولون  
طریقت لولیدہ فانیق طریقت و حقیقت من لیک یتم کک و مرید لولون  
تعلم بر و لار اندین سنہ لار ایدر لاسا کھی آسمان طریقت فرانیل و ادک  
ایر سہ ہر سہ سہ اسمائہ ایرد متا ہرہ قیلید و سیر طریقت نظر لولون  
بر اکیتہ ق لارہ معانیہ لوردر و ملک عالم ککہ ایلادیر نوریدہ  
لارہ روزناض دیک بیکہ اول زمان آیدای و کتہ لار لولون ایلان  
ایر دیک اول مجلسین تا بوزمان غم لور اوز ویکہ لارہ مندن خف

توتونین

توتونین لارہ سنہ لار ایدر لاسا کھی اوز وینہ مخفی قیاق  
اسر در لار کک ایل ہر لولون ق منک قوت و خیر غلبہ قیاق اسن لولون  
کوباتینک لال سوز دین ق لور ایدر دیک آکد خانقاہ ککہ طریقت سنجہ  
سی اوزرہ اولتور غیل و سائل لارہ حقیقت من لیک تیکور کسل  
غایب لولہ ملار شمع اوی کبار دملار اوسہ خالو کبار ایدر لاسا کھی  
نہ لولہ کک بشر نیکدہ تغیر ملار خط قیلاد و سز لولون کک اشارت لولون  
و شمع قدس ثارت بی کک سنہ مبارک روز و سنہ خوی کوراد و من شمع آید  
ادیر ایل سہ اسمائہ قدس اسمائہ قدس حقیقہ و تلمیہا دین ہر نہ سلا دیک نام  
شمع سرور ثارت لولہ کک اوسہ اول قوتونہ باطنی غم نظر لک اید  
ای کک بانو من کومرتبہ کک سین تیکور و دیک و الحق نفع ایلک سنجہ کک و  
والا من مرد عا لولون کک ویشی دین یراق و بار جہ دین عا لولون  
مصلحتینک کک لالیش قیلید اوز بکودر جہ لارہ جہل اسلام و بیخ و شول  
کک لایفہ تی اوسہ باتفاق حضرت خداوند خلاق عبادتہ قیاق  
لور اوزرہ ملار و کچند کون مونسک کک لکچر و بیجا ارادت مقامیہ لولون  
شمع اوزرہ ایدر ای کک ملار شمع ایدر کک سنجہ لور اوزرہ قیلید و لارہ سنہ لار



هیچ اندیشه خلایق خیر و امان در حال تنگ قول آینه او از کسب  
 ای کسی که افتاده و ندیده مصیبت بسیار دور و شیطانی غمخوار  
 بود که دور که دخیل را دور و تصرف قیامت اما مصیبت اینست که در  
 بخت کون این قیامت کین بود که و عده میفاد بختی بود که بخت  
 ده اول تو ز علین و ولایت عمر که اول تو اینست امیر و پیش او زنده  
 جذب قیامت کین و او ز خلق ده اله است ده طیفی دور را در بخت  
 شمع اینست که در سره فو شعل بود که در شمع قیامت در دهانه  
 از کای که در ادراک و قیامت غم باقیب مصیبت او زنده و دور و شمع  
 امیر که مستوح بود که در سره کور که اول تو قول آینه قول کون  
 و مضبوط لونی و امیر خد طرب اینست که در شمع امیر نینک از یک طیف  
 او را دید که بد بخت تا با هم در دنا فایده دولت که منور درین و شمع  
 عبادتین بر اوق دو کین غفلت او یقوسیدین بیکار حضرت بود که  
 جانی غم بود غیل اینست قیامت غم نینک صحت غم بخت حضور تا بقیامت  
 تعین نینک استار جمهر در یک غم افنا غیل کم سن را حجت بخت بود  
 او چون بر آمد و فطم تعذر ایکن سر جوان غم سوخت لونی او را تمام

۱۵۰

غم

غم خزانیک غم غدا ب غم لای قیامت کین و بیکه عقیقت انشکده  
 کسب لایق او من از دیده و جان الوهیت در مانی پایا نیفته  
 جفا قیامت غم خلق اسرار قجان غم غم عیسان کله دین قلعه  
 خواب نیکای کین امر ترسان بود که در از ان او یقین را بر سر  
 کور که هیچ کمره لوق تر و درند میرا بر کسب عاقل وزیر کسب طیب  
 قیامت و آید ای فلان منک او یقین ده لونی کلنگ واقع کلام بود که  
 تعیر سر بند و وزیر اید برای پادشاه عالیه بود شمع نینک تعیر سر  
 صاحب لک منک نظر قیامت دور بود شمع و راق اعاس دور که حق تعالی  
 عنایتی که اول در که غم لوی ایکن کین که چون بود پند ده پادشاه  
 لونی عطا قیامت و اخ ت ده هم شول پادشاه لونی صورت بدین غم  
 وزیر بر سر لونی کلنگ کس فلان حمله ده دور که نینک خانقاه قیامت لونی  
 سجاد کسید و او لونی در و منک لازم دور که آینه باریک ملایمت  
 قیامت کین اگر تو شونکه کور کان کس لونی جابر پیکار اگر پادشاه  
 وزیر که قول بخت نینک ملایمت که سار که سره لونی کسید که کور  
 کور که لونی دور و در شمع پادشاه کور و شمع کور لونی ای امر غافل کور

عطا قیامت و اخ ت ده هم شول پادشاه لونی صورت بدین غم  
 وزیر بر سر لونی کلنگ کس فلان حمله ده دور که نینک خانقاه قیامت لونی  
 سجاد کسید و او لونی در و منک لازم دور که آینه باریک ملایمت  
 قیامت کین اگر تو شونکه کور کان کس لونی جابر پیکار اگر پادشاه  
 وزیر که قول بخت نینک ملایمت که سار که سره لونی کسید که کور  
 کور که لونی دور و در شمع پادشاه کور و شمع کور لونی ای امر غافل کور



یا کو بخالد بعه کل دینک چون پادشاه شنگ مبارک فرزند  
 او بنو سوزنا ایستد و به اختیار ایاغ غه تو شنگ و کوبه آغاز بشکند  
 و مرد لقی قبول املار اندن سوزنه ند نیمه ایستد مساد قیلند و  
 متین شمرده هر کم خدا شنگ لقی دغ غه سی و حق برست لقی  
 و نوله س بولر موند و خبر بولر سولر که مقصود و مدعا یافت و بولر  
 بولر لقی شنگ استیاقیده اردن اچمه قده کم اقد لعل لطف جمیع  
 و مریمت قمری که کرامت قیلند بر شنگ حقیقت قیلند و در ایر شنگ  
 کون یی شنگ ارادت شریفه مشرق بولر بولر نابت ایل اولر و بخند  
 کونده بسیار مرید لار جمع اولر یلار و شنگ ترکیت معارف بولر بولر  
 بر ما که مفضل کور کوز دیلار و خیر سخاوت که قدم قوبد بر تاق و انحراد لک  
 برله موصوف و کله ده لیک نسته که منسوب بولر یلار بر کون هر درویش  
 با شکی غیر بر کله رابته سین تنور دیلار و الیک سل مونیل برله کچم کم انی  
 کون انابت قیلند یی شنگ لقی تربتیده اردن سولار و موندن زیاد  
 نایز بیت قبول قیلد و بر کون خافه ده اولور و بولر دیلار کم  
 امتی ن اوچون خازم طم فیدن کیدر و خافه اشیا کیدر و بولر

شنگ شنگ

شنگ شنگ الدن کده سوسن مردن اچما شنگ قده معلوم بولر لار  
 درویش شنگ امتی نایز تیلن باغلاماق شلوک لولین بند قیلد  
 اوچون کولکلاک لارین لوفوچین چکدر طار تیه شنگ کده تو شنگ  
 بولر ما کو بخ سولر کولر اچیک و عیالده العیال نینه کون هر درویش شنگ  
 قده باقیل نابت قیلد دغ غه سولر و اقی بولرین ملازمت کیدر  
 و خافه اشیا کیدر و دین سوزنه شنگ قاید و در خبر کیدر  
 طهارت العیال با اول درویش با اقی ملازمت قیلد و شنگ  
 ارده لار غه کدی ولایت علمر برله بولر شنگ ارادت اوچون  
 و بولر زیکا اول امتی ن اوچون بولر بولر غه غریبه شریعت خل فید  
 عالم ظاهرده کورسانی و اعتقاد دین معلوم قیلد اول اردن لک  
 سیند و در و الوده قاجانه یقینی اولی نوده کم هر عضو بولر  
 ایلکین کاسه خور و بولر لار کور و استعمل قیلند سوزنه نینه کاسه  
 قوبوب طهارت قیلد رستی که ایاغ لارین هر کاسه اچیده یودر و بولر  
 لقی شنگ قده اب لور لار کور و اوزیکا ایدر کم بولر نونه شنگ دور کده  
 طم فیدن سولر و در و غلار شنگ دین جانیر لور و بولر خواجه لار



نینه ایدری قلاز مخوچ لولدن محض ارادت و ملازمت او چون کینه شک  
 یکبار ملاقات قیضی اول وقت ده پیلورسن کم پیرلق غمت بسته دور  
 یاقون و نینک امتحانینک او چون که زلق کورساتا دورغان بوکلیزیم  
 شخ دوروشخ لارغم امتحان باره سیده بو نوع ایشلار کوفی دوروشلا  
 بولادورغان موانع کمرسه لار دین ابا قیدمغیس دیشخ نینک الیفه  
 باره دین سلم قیده و سلم بولایشیته اوسمه حضرت شخ قدس سره اعم  
 هول قول لار کله اول طاب نینک بوزیکه سکده و قطرات عجمه مبارک  
 ایلکیندن جهره سیکه ساجیلرک پشیموشی بولور و عیال سیرت ده کورده  
 قیامت قالم بولور رضی اولین و افسون یغیدیل لار و حب لار و اودور  
 و قیامت بولور و قورقور و خردین هر شخ نینک چاده کورده و لار و لار  
 هم هر طفا کورده کورده هر برفع که التجا کیتورکی کورده کیم ضلالتی کورده  
 بر طر فقا بارادور لار سورده کیم ای یار ایشیقان بارادور لار و لار و لار  
 موند کمرسه بارادور کیم سورما خلق ناهست که ایلتا دوروشنیک الیفه  
 ویدلار اوکینولایب هم اول کورده نینک ارقه سیدن روان بولایلا  
 یقین کورده کورده ابنوه ضلالتی جو غل شیب و کمرسه بیست تل لاریدن برک

اول توراب دور و خلقی بر بر او لکارا دور بولوشی تم تسویش کورده  
 الیک تیکور و کرای بزرگوار من قالدی دستیکه کورده اوکینور دور قورده  
 اسونلار دین دست دراز قیده سر بزرگوار انظار بسیار دین کین بولای  
 جالیفه یوز کلسور و قول مونوب ایلکین قورده کورده کورده اول صر  
 دریا کینه غرق مطالع عشق و ملا خطه عشق کورده کورده اول کورده طلاق  
 الفان کورده ریز کورده اول انان از بهت جاود ایشیک تیکور  
 و یوزیک طایفه اودور اول وقت ده مونیکه کیدور و اوزنی اول کورده  
 کورده کورده کورده کورده اول بزرگوار نینک یا غرغم یقینک و غدر  
 قورده کورده کورده کورده کورده کورده کورده کورده کورده  
 اید کیم ای نوزند جان زینهار دوروشن امتحانیده بولایمغیس کیم اول کورده  
 بر آن دور لار اما معلوم بولمغیس بزرگوار سلسله کورده کورده کورده  
 ویته نینک کورده کورده کورده کورده کورده کورده کورده کورده  
 باطن لار دین تربیت پاتی لار و اویس سلم نینک ظلم لار و کورده  
 و کورده ایلایه لار کورده ایدلارای قلاز خورده لای من کیم نینه کورده کورده  
 کورده کورده کورده کورده کورده کورده کورده کورده کورده



که اکمال بر کمال غنای کفایت محکم معلوم بود و در شرح ایدای خاتون  
 اندن معلوم بود و در که حقیقی ز و تمام اول کونکم سلبت که مویجه  
 مال و دنیا بقا منک عطا قیله معلوم بود و در که غنای منک مقدار  
 امید و در که با تراق بود و در پیش رویت غم و اصل بود که اول ابرو  
 بی کفایت غنای اشیا و حقیقی از سبب کور و کم نقدینه تمام بود و با ایتقان  
 حضرت پروردگار که در غنای بسیار قیله کم الحمد صد بخش لیت نشانه سی شانه  
 بیاید ای شود هر قدر غنای غنی تیار و در کم نقدینه و اموال تمام بود و غنای  
 خوشحال بود و در سن شرح ایدای غنای کفایت کمال و در کم عالمی از اوده غنای  
 و در با اید کفایت و مال کمال سبب خیال قیله غنای کمال و در کم غنای  
 عطا کرد که **حضرت حقیقی ز و تمام** منک مرتبه لارا علین کرامت قیله  
 کم قیله و در عبارت و در زیر که قیله غنای غنای غنای غنای  
 یوق و در غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای  
 سین کم سبب غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای  
 من و در که غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای  
 و در که غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای

اولی که موقوف الحاس و درم و اولی که حقیقی عالمی و در که  
 اولی که او بنویس و در که حقیقی غنای غنای غنای غنای  
 ختم کین بود و در که غنای غنای غنای غنای غنای غنای  
 خانقاه غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای  
 خوشحال بود و در غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای  
 قیله غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای  
 غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای  
 و در که غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای  
 اسبق قیله غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای  
 ایتما غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای  
 و در که غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای  
 غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای  
 مرتبه لارا غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای  
 غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای  
 غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای غنای







در سینه مستحق نارجم و شمر مرص سقم و رافع عذاب لم یکنه و غیره  
عصره لازم و تقیانی دورانی عید و جم طیب مرصه و معل  
الجنه سواد کات و مقالات لارذکره تغیر اطوار و اقوال تعیین  
احوال لاریانیده مردار در بود و ذی هر نه نه الکر و زک و خلق  
رله و نه الکر خلایق اینک برله بزار اسرار اسیدین قاصقان حتی  
اتاداناسیدین هم کچکان اول اهل اولی و ده شتیاق برکوار غم نه  
برله صحبت و نه انابله الفت و اولار سینه سیده بوباره و دن الکر و  
غمر محبوبان معصیده و عشق لایزایا بدیدم لار عشق او سیده بود و  
سوزانه و غم مجر و عود نیکه که از ان و دوم دیده که بینه و مدقم سینه  
خاست نه و لغرسیدین در دیوار نالان مرغان خوشنایان هم فغان نالان  
ایسیدین پیر یاد و حیران برکونان اتاسی بی طقت لکدن بونی غم و ناله  
و طیب لایفه الیاب دی بسیار زار و ناله لار قید و مشی و خدمت  
و عد و اسلاد و ایدی ای اغری طیبی و ای مرص لار علاج نبیر  
بو میلین غم دنیا مان سراسده و عیال دور و عیال بونوع برکونان  
دورانک مسفت و تبیل و منکام مکت اسلکیل و زک و اینک کاسی

طیب

طیب سرائی خواج و شواکی سوزان بخش ابدینک ماز و زندین  
روز که رم لک و لوی کی کاسی کوز که نیم بخور و در خواج ایدی طیب اکا  
و جودین ری اد که ب طم اده قی مال بقدر حال کنه طیفیل دور وینه  
شاید که دیا بولایه طنی که لک لوب نظر قید و راکی لاسی موجب فایت  
و لازمه منفعت دور و بی سبی بسیار و اتمیم با شمار قید و راکی  
الحاج و مباله دن سوزن طیب لایلا در و نذرینازن الکر و  
سوزد کور و کم هیچ زحمت یوق دور و رنج محبت تیماب و لکین  
و بود که کم کت تشخص قید و راکی در و ضعیف این ایس لیکن بیک  
علم قیس برله ملا خط قید و کم بوم ارت عشق او اینک ماریت و  
که مغلوب و بر و کونکل انش لکها هوای دلبریدن دور و اینور کچک  
عشق مجاز که راک بولاسه که اک مکران که عشق حقیق بونوع و لایک  
ای خواج و زندینک نیک هیچ رنج و تشویش یوق ایکن اما بونوع  
سوزان و آبان و بی طقت نالان دور و الکر علاج یوق زک  
در و عشق دور و عشق دور و یک معوقدن اوزک دور و لاسی و  
کار ایلا ماسی اول کتشی علاج قید و راکی لایلا بونوع و راکی

جله



مونا ایستی ارسه طیب لیدین نومید یاندیرم زنده یک آید ای نوری  
وسر دین منک خود سندن بولک زنده لوق دور حالم غم دین قیقل  
مستلا اسلا یکل بارالغیل کم غرض مقصود نیک کمد و روم ادینک بند  
تا نونکونک خواه لا غانه فی قیلای خواجہ عبد الرحیم کولوب یکم ای نام  
آیم ارمو قم سین قول غه کیستور کولوب یکم کیش بولوب یکم کیش  
دیگه یا قدریم یارایر کرمونکیم اول مقدار حصول تو قدریم  
حالیم زانک ایغین ای ات اسوده حال لایغیل و من اوز حالیمه  
تا از اینرلاب پیا بین عرض حالیم زانیا بین اول دنده تناریم  
بولاییم انیشک قریب بیه سیده اوز و منی مهرش طیر خود کویلا  
دینک تاسی قوینی دن قوش و صحرانور لایب کیتی و اتاسی ارقه کیتی  
ایه فغان بولوب کور کور بولوب کور از خندان و شادمان بار و آرد  
ویارم کونکول بولان طی قیلدیر سیه تانغی غه تکی کم اندین بلند  
تصور غه کیس و عقل ادراکی کند او حیفه و اینکس و اینجی حقیق  
مملک اگاس مونا کور و باتاسی خوشی لولوب کیم ساعت تیب کور  
چون که کچک و در چقا لقاقت کلسور اگاس شت بقیلیم یاوق تیب کور

نور کور

نور کور شایین وار کراب تانغ اوزره اوزین ادراسی چیران  
قاله سر تو بدین و یا د قیلدیم ای زنده لوق کچک پیداد لوق دور کیش  
حققه قیلدیر کور کور ادراسی پیدر حالیمه تیا کیش پیدالوق  
یا لایغیل کم ایش ایلکمه همراه جقلدیم اوتا و موندن موندن موندن  
یا د قیلدیر و مشفق اتم غه مندن دعا دیکس ویشک یکلر لار و اتاسی  
صد آه فغان بولوب باندیر اول کیکلر قیلدیر کور کور ادراسی غه  
اوسه اتاسی نفا دین غر لوز یا د چقا کور و ارقه سیدین بار غیا قوتی  
اوسه کور کور ادراسی ایدی ای خاقون اسوده اولور غیل که او  
فرزند پیر نیشک قید مندن جقیق روینه اوقه بولوب کور کور  
کور ایدارس کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
دین پیران حال لولوب غیل کور کور کور کور کور کور کور کور  
بولدیر مقدار دیدیم ای شومر انیشک کور قور قور کور کور کور کور  
کشته لیکه طاقت کلسور اگاس و کچک اوقات ایتکی شومر کور  
ای خاقون غم یاکیل کم خواه لا غانه فی قیلای پیر نیشک غم یاکیل  
بغایره دور و رخ سیموده ایدور اچ کچک و اچ کچک و اچ کچک



و شیر دل لا قدرین خدای تعالی را امت قبیله و حال که بزرگوار او  
وقت دو تقو زبانه ایرد با وجود خود با استعنا لبق و اختیار  
قیلدر و تاغ بینه منشر ایلا و غار که ملس تو و و حوش طو  
النو الفت الدرس غریبان و دل بریان و جان سوزان و کوز کینه  
و سینه خراش سر و پا بر مینه سوزان صم ای پاپایان ده کارا  
و کرمه شوسل بونو عده لجه کیم بزرگوار رخ گشت کرمادی و هم نشین  
خبر تا چادر خدای تعالی دین اوز که کرمه بیاد یغنه تی در رنده لا  
موش و پرنه لا موش سیاه و جلیسی می سید بلیده و بی سوزان  
غارده متوطن بونو عبادت قیلدر اوز که کوز کینه بونو عبادت  
لیک تو حق او چون دایم قویدر بنه که به یک یلیده و صیا و صیا  
کودی کیتار و رای که بیکار غار اوزره حقیقی کوردم عجیب و غریب  
غارده اولتور و پ قایغ قو قو و نخش ملا خط قیلدر و صیا و صیا  
ادم صورتی هر بولدر و باوق قیاس کیم ای عجب و جین موشین  
و یاد یو پر **بزرگوار ایدر بنه دینک** صیا دینه کوردم و صیا  
ده نه ایشی قیلدر سین بزرگوار ایدای صیا دینک قیلدر

دور بر گشته را ایشی قویدر کور بولدر کیم تو قیلدر و اوز ایشی  
بول قیلدر صیا و اوز و یک پیدالودی بزرگوار اوز دین قیلدر و ایشی  
خدای واقف بول قیلدر کیم آله نیکه درنده لا بار و در لا بار اید که  
سنگ استیکور کیم لا صیا و موز ایشی اوز سیغه یانه و اید  
ای خدا و نه نیک غر زاده سی نه چاره قیلدی بزرگوار اید که درنده لا  
آله نیکه کیلدر لا ایشی سین عباد ایشی نیک و درین و ایشی  
حکمر که کیتار سین دینک شاید که فانیلدر کیم لا اول اید  
صیا دروان بولدر و کیتار و ایدر بنه که تاغ کوشه سیدن کوزه  
شیر لا پیدالودی لا دروان دین بر بنه صیا دغه جمله قیلدر و صیا  
صیا دایدرا ایشی سین خواج عباد ایشی نیک حکمر که کیتار سین  
بولیم ایشی سین تو پین سا که و پین کوروان بولدر و دینه  
یول بار یبار کیم بر بنه دین پلنگ صیقتی اول هم جمله قیلدر صیا  
ینه سول سوزنیدی پلنگ هم یانه صیا و دین و ایشی بر دینک  
جنگ لیدین بونو عده خلاص بولدر اول لیک هم قول نه کیم ایدی  
طریق بول قویدر و منشر لیک تی خدا و ندیر بار نه صیا بارش ایشی و صیا



بردی و او زیاده ای که خفتی بنده غرض دور که در تندر و پیر تندر  
 فرمایند تو تو ب دور نه عجب او غرض دور که موندان غار که  
 محفوظ و محسوس او لور و دور نه او چون ضلالت و عالجی  
 قبیله سلا و بی بعضی حاصل لاریغ بوقصد که یک قبیله و یک  
 مصلحت کور بکنند لاریغ مصلحت که باران و مبارک از نی کور  
 که اول بزرگوار نینک استیاتی غالب مستو ابو لوب لاریغ کور  
 و کتیب رور اسد که در غار دین از درها حقیق و لولار نه  
 او چون انغم من اجتی اسه صیدا ایدر ای جانور پیران رور  
 عبد اجم نینک ملازمی که بار و ریز چون از دها مونا است  
 او رور غار نه اکتی و لول واقع نه مت بده قبیله لاریغ  
 نینک ملازمی استیاتی او چون او نه چند است زیاد و لول  
 بزرگوار نینک مکن که تی لاریغ غار نه تای دسل رور  
 قبیله سلا اول غار نه کور مادیل رصیدا ای باران بکنند  
 کم بزرگوار نه ملاقات قیلور و دیدار نه مشرف بولور  
 غار اسد ماصحانه و کما جبر نای بل رور دولت لاریغ

دوستی حالین رور کور مادیل که لوبنده مبارک وی رخسار  
 کور است که اک جالانیا و بی لماناک بولوب مادیل رور  
 اندل که عجب دولت دور و ریز که موندان دولت پیران  
 ستو زمان خواجه عبد اجم که عجب کیند کم ای عبد اجم من  
 من و کین بنده رجم و مسم که نینک در کما موندان لوبنده  
 مستاق از رور موندان لاریغ دیدار نینک نه مشرف صفا  
 محروم باند و رور مکن قیامت که نه قیامت و رور لاریغ  
 رجم نینک عام دور و رور کما نینک بایان دور و من بنده  
 و نینک ملازمی خوب کاس مکن و بی ستم تو تو و لول لاریغ  
 ای وینه او که من دیدار نینک عاقل دور و من او که لاریغ  
 وینه عاقل با غلب کما نینک دیدار نینک کور مادیل  
 که قبیله من و او ج ای موندان که کین اند من کین اول  
 بخت حاصل بولور اراده او کون او کما در حیات و قبیله  
 و بخت موندان کما بولور و بخت و واقع بولور بخت من کین  
 خواجه عبد اجم بوزان اول وقت بولور کما و صحت و تنهایی

صورت



شهریه

و معروده گوشه اختیار قیض و بنده لاریک رهبر لوفیل نیز که  
 ریاضت تارتیتیل می دهد در هر سن تا نینک کون کون علم لاری  
 کور و ذک ایست مجاهده رهبر سن اوزک لاریه اچور کیل و کشیل  
 بنده لاری بنده در کام غم تیکو کسل بزکوار اید پاک پرورده  
 من تنالیق غم فوی قیض بنده ضعیف ناتوانه دور من و  
 ار اسیده بخول بلغم دور لولنگ غم نه علاج برده دعوت قیض دور  
 و دور اوز کیده کم **ای بعد از چم** کست خلیق مجتایر ماس دور بزکوار  
 نیاز ایکنس بنیاز در ده هیغه کور و اید ای آسمان و زمین  
 پادشاه اوز و کلف معلوم دور که ادمربانغ لوفاندن سوله سوره  
 فرض دور من بنده دور من عورتیج اچیب خجک بار این اوز کیده  
**ای بعد از چم** مندن شرمش کلمی در مخلوقات لاریک در سن  
 قیض قیض نینک منسج بار دور بزکوار اید علمی و صیرا حضر  
 و انا و بنیاسین الی اوز نینک قوت اکین کیم کور مالک کمال و مانع  
 بول غم دور و عینش اچا طکیدن تمسک قالی غم دور و  
 ملبس لیسان دور زیر که پهر نینک کلم کوزنیر که اندک غم مانع بول

قد رتیش

قد رتیش کوزیک ابق و یاوق ماسد دور اوسو چمن ده اکی فوش  
 صورت کمر سه سده الولد لاریه نیت چک لاریه نیر کوز کوز اریه کوز  
 و مبارک بشلارنی نشور دیلار اول وقت بزکوار غل قیللار  
 و غار دن تا کفر حقیق لاریه سه شیران و پلنگ لاریه  
 تور و بول لاریه کوز کوز اوسو اریه بولاق ایدد و اوز لاریه امانه  
 قیض لاریه لاریه کوز کوز لاریه لاریه لاریه لاریه لاریه  
 لاریه لاریه لاریه کوز کوز یاق پتیش لاریه رخصت و  
 تناسیر غم سوار لاریه لاریه کوز لاریه لاریه لاریه لاریه  
 نینک شمره کوز و خلق اکره غلفه و نینک لاریه لاریه لاریه  
 بعضی لاریه لاریه کوز کوز فلان نینک اوز غم دور کوز مدید و غم دور  
 حقیق کسب اسد اوسو طریقه کوز لاریه لاریه لاریه لاریه  
 نینک لاریه لاریه رخصت و لاریه لاریه کوز کوز لاریه  
 اتفاق اول کوز روز جمعه اسد کوز کوز لاریه لاریه لاریه  
 بنده اوز کوز کوز کوز کوز کوز کوز کوز کوز کوز کوز  
 کوز کوز کوز کوز کوز کوز کوز کوز کوز کوز کوز کوز







ایدلارای یارینک او بئو کلیم نینگ منفع اظن رقتلای  
 کوزدک برله کورکس اول ای دیکم بزرگوار سر مجلس ده افرینیش  
 قسم صورت ده طهر قیدلر تغیر لبکین وقایب بدیل هم ایستادانه  
 سوزده ایدلرای درویش بیلای سنین که ان غیر نینگ منفع  
 درویش اندرای بزرگوار و سلمنا و صدق کینکم بر مجلس ده  
 همه غیر لک کورکس که او کتشی که ان غیر رویال لازم دور و سزا  
 درویش اندلرای درویش منفع طهر اوستوا سر دیکم طهر بیکه  
 اما حقیقت منفع دین کوز بولور که خبردار بولور سن اول  
 امر دیکم شخ کوز اوزه تو بولور دیلار درویشلار ضیافت مقابله  
 بولورلار اتفاقا اون تشه دغده قیدلر شخ اوی که بولای  
 چون افلی روق بولور اوستوا شخ هم تکلف قیدلر ارا  
 و عده سدر افطاری و قنده اون ده طهر بولورلار افطاری  
 قیدلر رانهم افر او بولور ایدلار تا زکله درویشلار  
 ار ایدله مطهر بولورلر قیدلر شخ نینگ کلیم که شخ بولور  
 دیکم نزع قیدلر رانهم شخ دین سورماق غه حجاب بولورلار

دین ای سوردیکم ای بزرگوار او کلان کیم قسه درویش نینگ اونی  
 تشرف کلتور دسلار شخ ایدلارای درویشلر من به قسه مکانه  
 خایا کاس دور من او بئو جبت من منغ بدلا دیرلار دینه اول بزرگوار  
 نینگ کرامت لار سر مجلس دین ای اول ای دیکم جمیع دین جانو  
 لا بقدر هر صدم خدمت بجا کلتور و بفرمانلار دین توهار ایدلار  
 و قرق سل مونشیک برله نجهتی بکونی سغ دغده سی خاطر لار لایق سی  
 قوب بئو تناسل دین حقیقی لار و بر اراق سوا و بر آدغش قیبت  
 دو کانه ادا ایستاد و باشل سجده که قوبیدلار اول مقدار ساجده  
 که مریدلار دین برلارلار رقه لار دین کیلیک دسلار سال بولور  
 انکس مریدلار شخ نینگ ارق لار دین ماریدلر لور و قولاق سائیت  
 کم شخ دغده موقوف بولورلار دورلار دعالایده ایتا دورلار که  
 برادر که را خضر علیه السلام نینگ مذلتی منکا باغیشلا غیش اول  
 طهر یغ کیدکم خضر علیه السلام بر حق پیغمبر دورلار اولار دین  
 مذلت بولایم شخ سفاقت قیدلر مرید بولاندیشده ایدلر شخ سجده  
 دین باشل کونار دسلار مرید کوز مقاصد بولورلار ایدلرای بزرگوار بولور



سخاوت دعا کردیم حضرت خضر علیه السلام حقیقه قیلند و اول  
 بنده خدمت بودیم که بیغمه دور لاریشخ اید لاری در ویش خدمت کردیم  
 حضرت بیغمه فدایان **دیکینه معمران سنت لاری قول قیلند که او**  
**دور اول در ویش نه ایدیم ای پیر بزرگوار سخاوت که تو منزه**  
 قلیق نه او چون دورشخ اید لاری که ای در ویش اینت ریشخ  
 بودیم که موند دعا قلیق که اکا اجابت که تقی و چون اون بیغمه  
 مرسل که او بنو موضع ده بیغمه لیک شمرده سی تپی و قیلند دعا لاری  
 اجابت نه رفین تابی ویش لیک که یوز لاند لاری و اینی کون سترده  
 اید لاری و جو بخیر لاری چاکت وقت ده مبارک قول لاری نه اوزر کیکیم  
**ای عبدای حسیم** موندن زیاده خلق ارسید بولی مقصبت لاری  
 چون که مرده در مانده لاری مصبت او چون بچند وقت ایبار لیک ریشخ  
 اول مدت تمام بود که یک شکر که لازمه و که اولقی شکر که بار شین  
 و قالان عمر و کز انده افیغه تیکور که یسین قوی و بی غیل و کوش  
 غارده او لاری غیل اول ایدیم و خداون اوز که دن یار و لیک  
 تاجان حق نه تاجور غیل اول ایدیم شخ غار طریقه یوز لاند و اولقی

سلخ که یتیم کردیم شیر اول غارده اوی قیبت و شخ نیشخ  
 نیشخ همان غار دن حقیقت و لوزنی شخ نیشخ مبارک یا غریه سواد  
 او حمرته طواف قیلند و حال تیار که اید لاری بزرگوار اوی غریزه  
 پیر و در که من خلوت خانیشخ بیغمه نایم که رو اوزر مادام که کون و شرف  
 کستور ساسک که اکا ریب زوق بیل بچنده و لفظ غار دن تا کتاری  
 حقیقی که مکر ضرور تده کیکیل منزل سینی دور و من بنده زمان بودا  
 دور من شخ اید لاری خدمت که ای یسین بیکه یار غار سین غار  
 که دبلار و شیر لاری خدمت قیلند که ربه ریل موشیک که کتخ و او  
 مد تده بدلا کسوتن کیدر که کون اوتور و اید لاری بخیر صادق خبر  
 بودیم ای عبدای حسیم تمیشخ سل عمر نیک بچنده غریزه جور و ایا ویند  
 و اوز که التفات ایلا ما دینیک که جفا پیرده مصدق مصدق او  
 خلق که لاری دینیک و لیکس باطنیکه نیشخ که لاری دینیک اید تیم  
 عمر نیشخ نیشخ که لاری لاری که لاری عالم طاهرین رخت کون تار نیشخ  
 و ایل لاری نیشخ اید لاری که لاری با لاری اوز و نیشخ بیل سین کم وصال نیشخ  
 ازلاد و تاتیم و اید باره خبر لیکیم که یبار سین و لیکس صدانه حجاب



دور اول هم کون ریگی شیخ قه معلوم بود که قصه نید و رایده خدای  
 خود لا غایت قتل اس نیه امر لول که ای بعد ارجم غار او چون  
 شد که خبر بر ما که ک ضلالت غار نینک خبر لولنی لا اکر خبر  
 لاری اوز غار لاری قیلینک لول لول اناطه طاله شرح شرف  
 نینک مقتضای رله مروج مقارقتین سونزه غار او ایلا یک  
 و غل بجا کستور مال لازم دور اول کرد که شد سیتان غار  
 خبر صتیق او چون نینک روان قیلد لاریش کبان و نالان  
 روانی بود که سیتان غار باریک ویشا روه خبر قیلد شول کونیا  
 در ویشا روه نینک الیغه یقید و شیخ بکله اجمه و الاضواء  
 بوجاهه حقیقه فتح فاجه سنه او قود لاری اندن سونزه ایلا  
 یاران بولون اول کوند و لکم روح علوی غل صغور  
 و تن خاک اوز منزله قانع او بوجبه تن بئر لاکه خبر بئر  
 که وقت نزع دور و من در دیش نینک تکیه لسه اوز ره خبر بولغ  
 بئر لاری رونی زمین او تاب و ز قود لول لول و مع فن قیلد  
 تا که منک معاینه و بئر لاکه مدعا و امر افن قیلد و جلا رایا

شیخ نیکه لاری غل طسارت بئر عالم کتی دیب ملامت تیلین اوز  
 کم؟ غار و فن قیلد لاری لاری ایلا رنیر لاری خدا غه تا بکر اوز  
 و صیغ اولد و که وفا شدن سونزه غار منی اوتا مکر لاری اوستون  
 و فن قیلد لاری فرحال مانیکه لاری و مع و عاده یاد اسلا مکر لاری  
 بر مرتبه مراد طوافیغه کلیلک لاری هر نوع مشک که جواد غن اوز  
 و فن واقع لول به جل بولفوس دور دیب حق لیا غه جان قیلد  
 سول ساعت غل طسارت ادا ایلا ب غار لاری اوتا دیل غار  
 اکره و فن ایلا ب نایل رود ویشا لاری بر ایدی ای ماران  
 بئر کوا ویشا تعجیل رله یا غاق غه رخصت بکله غه غه غه  
 بولغ که اندک توقف قیلد اما معلوم قیلد ایلا دیب قیلد لاری  
 او توب کرد اطراف انبیین بعد درنده لاری بید بولید لاری  
 تیار لره ناله فغان اسلا لاری اندانج ساله لاری کم رنیر زان  
 لکن مکان کوه دشت بیابان سحابیک همه در لزه کک لیدی  
 زمان الی سروب یا غاق نینک سبب سلا رتا و رویشا  
 و بئر لاری لقمه سی بول غل روه شول کوه در ویشا و من ک



نوشته کور که شمع شیر نه منب مر غدا ریده او تورو دور لار  
 کم ای بزرگوار خدا ایتمه بنر که نه قیلد شمع جو ده حضرت سید  
 عده السلام نه قیلد نه قیلد لار نینک قیلد یه ایدم دیر  
 نارنج قه بشن نوز بکسانه ایست غارید بو قفده واقع  
 درویشلار بزرگوار له وصیت لار طریقه سی بکله هر یلین نوبت  
 لار لار فیه بار دسلار هر نوع مشک لار لوله غار نه کرب قبه  
 قیلد عرض قیلد لار جوابا ثواب استوار ایدسلار و اوز که ضلالت  
 اید هر نوع حاجت اید چون مرار فیض غار لار فیه متوجه لوله است  
 حاجت لار رو اید لور اید اید اغریق سفاحه دین بار خا اید  
 قول پید اید لوب غریبان بیر نی سیلار اید شوقان حضرت  
 بو لور اید و بیک امت بزرگوار وفات لاریدن کین ایکی نوز  
 بجز لور اید اندین منو که بر طرف لور کیمه آید علیه **او تینی**  
**شمع حاجت کی لور هر قوی بول و حافظ اقول و طه صابون**  
 پرونده اطفال و دنانی نیکو خط و بار مجاهده جمال و شریع  
 بنوی قانو نیغه علی بنده دغان ذوالجلال و مظهر لطف پادشاه

و بکار خیر دال شمع انیسوخ قطب صر و یک نه در حضرت شمع  
 قتال قدس الله روحه و طبیب قدر مر قده و جعل عینه مسکنه  
 ده مرد ایدسلار ترک و ترک زاده دمقان جلیق الشیده بنظر  
 لمان دارلق و تیر اندازلق با بیده بی قادر و دینر ایدلر  
 هواد ایدلر و جاللق انینک او تودین خلاص بولاس اید و دیر ده که  
 بنار لغ انینک تپستی انیتدین قوتولاس اید و کوندوز لوبک ایش  
 بشک و کیمه لار حق تعالی عبادتیده بیدار نه کشه اید لیدین خبر و کیمه  
 ااقواله دین اندونه افعالیدین هیچ کمر سه ضرر و هر سرده شیمی کور  
 و انیتدین کینور ایتیم دارلق قیلد سناک لوز الیک تم جمع بولک یاک  
 لیماک لار دین خبر دار اید و همه نوز اند اید و بشو سبب **شمع**  
 یتیم و ایدسلار و کودک لار طعمه اید چون حلال و حش جانور لار  
 شکار ایدلر و دزدانه لار مقداره بجه صرفانی و زیاده نه فقر  
 مسکن لار غه برکد و عید لار سیر سن شیم لار لباسین اید چون انیمه  
 کستور و بوجبت دین شمع دین قتال تا دسلار و بغض کمر سه لار  
 ملامت مقایده لور لار ایدسلار ایدسلار **شمع** انیمه و قتال اید



و حیدر کشته ز بیجا کجالات دورا حاکم کونج مویج جانور لاری به جان پاک  
 خواب کس در زیر که پلایین که هر غریبه که ترک دو حقیقی نه و تعالی  
 حال تلی که چه ایتا دور پس انهمه خداوند بر حق بنده کار که ذکر  
 شمع اتمان که مانع لولاق بچکر و داد و در شخ اندک آریان حقیقی  
 و تعالی ضعیف بنده لاری که زرق صید دلیق دین قصه سیر قیامت که بنده  
 وجه دین نصیبه بوقدر و توقف قیلانکه لاری شاید که ایستد تبارک تعالی  
 توفیقین که امت ایلا بقیض و تیم لاریش که زرقینی افرا که پیر دین و پیر که  
 شوال مجده توفیق غوم دور و الاصلان ملایق دین نه پاک دور که  
 بوالش حکمت بولایع و کیتی و منکر که غه سبب نور لاری و اولی که  
 که مشغول بود و تمیشت صیانتی و جندان در زخمناک قیلان و قیامت  
 هنوز امان را در دهم و کیک تل غه کلبه ای که ای بنده خاص خدا پیر  
 هم خدای عزوجل شیک بنده سی دور بنده شیک بنده که مویج قصه  
 قیلان که کون جانیر دور خدا دین قور قیامت که پیر لاری و جندنا  
 ایتماق دین توفیق تیش و بوجمت دین عقوبت که مبتلا بولغوم دور  
 او کثیر فعل شیک دین با فضل حقیقی و تعالی غه توبه متغییر شیک که

توبه

توبه که قبول قیلان که اک و اوقات دین غم یا کس و اندیشه قیلان  
 خدا بقیع جمیع موجودات و مخلوقات زرق بر لاری ایتا و رونی که  
 اول زمانه که پیر شیک بنده جانور لاری قصه دین قیلان و نفسی  
 ارفا تیش دین یو کور و دین که خدای عزوجل در دین قیلان قیلان  
 مقصود که یار سن و پیر لاری که ام ایتا که لاری ایتا که لاری  
 بولغوم معلوم دور که پیر شیک رقیق فرغ خواه لاری که هر که اولی  
 خط قیلان دور و لاری ایتا که پیر خواه لاری که هر که پیر  
 و تیم بکین که قیلان که پیر خواه لاری که قیلان و پیر خواه  
 جانور دین مویج کور و ایتا که پیر خواه لاری که ایتا که پیر خواه  
 سورش پیر بولدی و باطنی ملکی نه زرق لاری که و کونک  
 جان سحاره و دل صباره و مدد لاری که و سینه رمان آه افغان  
 یا ندر و قیلان لاری دین پیر قیلان بسیار افسوس و رقیق  
 و پیر و ذرات لاری که دین از اوقیف حضرت با سنا ز دین سینه  
 نشانه قیلان هر زمان آه اوقین ایتا که پیر خواه لاری که پیر خواه  
 پطاف بولوب هم ایتا که پیر خواه لاری که پیر خواه لاری که پیر خواه



عباد ملک یوز لاندرا و ز جند تانی دکت ده باشند سجده که قلوب  
 قیام بر کافان دور و یک بد نیز بن لقمه ایلا و نیش باره خود  
 بدنا کیده ی زولیده و اودا لوده بد با کرم غم پرستیش قیدی  
 اودن مل موشنیک بولم بختی کون بیابانید یور و ایدر اود قو غلبه  
 ایدر باشند بر تاش غم قلوب اویقوغه بارک و توشیده کوریدیم بر ااق  
 مقال لمر سه پید ابولوب ااق کیده و ایدر **ای شمس الدین ز جلاله**  
 و در شیخ ایدر ارا و یکنود و کور کور ارسن اول پیر اند هیچ پیکور نمود  
 نه جنت دن بود ارا غم توشوند کم مقصد لوسن تالاسن هیچ  
 طرفه صفا کاسین شیخ ایدر ارا ی پیر کسین بی کسین اما مقصد  
 پیکور من کم خدا یتیم نیش بنده لار کسب ریه و شمع بی شمع ایدر  
 یراق ای کس کم بود اود ایدر کسوندن بولغا پیر اند نیش ایشک  
 خدا ارا قید نیش نیاز تیار لار در کاه بنار دد قیلغان ایشک  
 عند تقصیر ایتاق بر خلاص لوق لازمه دور رس مقصود غم  
 یتیم کاه خطراب قیلغون کس ایدر کس زیر کاه دنیا کاه بر دور مقصد  
 کم ایتیکور و بول دینک تا فر ایدر ایتاق کال شیخ ایدر کس پیر

مکات سمل دور اما سوز عاقبت کاه ده دور پیری ای شمس الدین  
 غم یاکس کم عاقبت کاه نیش نیش بولند و در شیخ ایدی الجهر صد  
 الحمد صد نیش لوق منوره سی نه انشیم اندن نکره و مد کم ای کس  
 انشیم عاقبت دن خوش خبر ایشیم خوش حال قیلغونک ما بیای  
 سون نه کسین و ایشیک نیدر ایدر ای شمس الدین سیشک نیش  
 اسم رسم بولم نه ایشیک بار شیخ ایدی بزرگوار اول جنت دن کس  
 کم شیطان علیه اللغه پیر کاه خوش طافه لار نه نیش صورت بولم  
 جهر بولوب و ز طرف کاه ایتا دور و جین ارا ز بغه قیلاد و قود قار  
 من کم اول جماعت دن و سن اوداره ز بغه قیلما شمعون ایشیک  
 که بوجاعت پیغمبر علیه السلام نیش صورت لارید بولالاسی لار اود  
 صورت دده بولوب کس کاه کور اوش کاه هیچ مانع یوقد و ریه ایدر  
 غریب نیش اما نیش صدر پیچده بولالاسی زیر کاه من خضر دور من  
 اول وقت شیخ ایدر کم اول جماعت بولوبت خطیر جمع بولک چون که  
 خضر پیغمبر کحی و لار علیه الصلوة و السلام و شیطان خضر صدوا علیه  
 نیش صورت لارید بولالاسی الحمد صد الحمد صد عاقبت دن خضر



اگر بوزیل بود ایدیه بوسم و قوتون نبکینغ بکوسم غم بوقد و برب  
 اولیقه دین اولیقه اندازسته کوردیم هیچ کمر سق قفری ل قوتونیم  
 قیلب ای رکعت نماز اودای و خوشی ل لاکر و عشق اودا سبزه  
 اندل سکن تابی اما طاعت و عبادت کما قیلدر کچر کوندر  
 و کوندر و زنه کچر اولاد کما اولیقه سل بونوده اودا اندن کین کینه  
 کور کین کینه بیدار یق ده قدم کستور کلا را بپوشه یق اقدین  
 کور و کین کینه پیش باز کور کور اول حضرت ایغره تشوب رخ  
 جره سین مبارک کفی غه سوز و ایدای بداره و مقبول در کاه تا  
 من کوبادی بیابان ده زار کور کور قیلور سن کویا بو تیره شام روز  
 روشن کما بیدل لولک دور و بیا بیا آغاز قیلدر موزه جالیدین خواج  
 رح کیدر سایدی ای شمس الدین کمر سق کیم دین نیش افشا دور  
 ریاضت نایق کک تار و کما لبق بغت لایح شخ ایدی ای غم  
 خدا افتاب عالم تاب و لنوع عظم بولم اوز کچر نور بغت لایح  
 دین عاف بیللار دور کور کور کور دور کور کور کور کور کور  
 جره سی غم بوز و تالی بیدور کور کور کور کور کور کور کور کور

بخول

بخول چراغ یا قلعو دور حضرت خواج خضر علیه السلام ایدیلار  
 شمس الدین موسی کور بولغیل کیم نور باغیشل غوجی دای نور بخش  
 اما نور النور نور الحاق ده کست دور ای شمس الدین سین باره  
 هیچ سن هر غمر سق اوز رشون دور و مقصود و مل بند و کیم بولم  
 ایتور سن شخ ایدر مقصود و اول کما صیقل ای بولم کیم کوندر  
 اینه سن صیقل قیلغ سن تا انیشل ایتا کما جندل اور غایق کین  
 بجا کستور کای سن شاید کمنه کیم اودی یوقای لغه مر کال کیم  
 بود دولت تریبی دین غافل بولم کما حضرت خواج ایدیلار کچر  
 دین خیر نیل بوقد و کیم اول سنیشل کینش کما مشغول دور اما سن  
 دین غافل سین **شمس الدین تیره سوز** ای بزرگوار سید کای اوز  
 اول کمد و رخ خواج علیه السلام ایدیلار مر نیل اول کین دور کیم مر کین  
 پادشاه لیق کیم بولم کیم سوز لوان فاده بولم کیم معلوم بولم کور  
 ایدی اسم نیدر ایتلار تا معلوم بولم اول وقت ده خواج خضر  
 علیه السلام ایدیلار کما کور کور کور کور کور کور کور کور کور  
 مغیر لادین کور کور علیه السلام دین یعقوب علیه السلام دین اوز کما بوقد



مستم بود بر حرم مونا ایست خورشید لولکه بینه آید ای خواجه بخت  
 دور که هر چه شمرده عمر او که کن و کون چه کرده اوقات که بخت  
 دور او را که سیده متابعت و موافقت شرط کورانا دور خواهم  
 علیه السلام اید سارا را ری شرط دور اما پیش سنبلیم حضرت لولکه  
 نه جفا لا دتا رت لار تا مهر دولت که مشرف بود لیل را که متابعت  
 و موافقت از لاسنک اول حضرت قیلقا فتیق اک با پیش  
 منم اول بلالار که کون رما که ط قینک بود و لکین متابعت  
 در میان قیل لکین صبر بخت قیلقا بینه تورات ای دن سونکه  
 رخصتین سکه حواله قیلقا که اک سون وقت ده معموره بود و لولکه  
 تا افتاب شمع وجود و کون خدا تبعی خلق فیض ایلک رلا اول  
 اردکم بزرگوار تورات ای توقف قیل بلالار اندن سونکه و کون  
 و لیا قدر غنیمت که بخت ایلاد اسر سه لحظه بود واقع دن او تو بخت  
 حضرت خواجه زنده دلان خواجه بود بلالار و ایدلار اسر سون  
 او بخت بادیه ده او بشور زمان غم تو خفا تا قیلقا مصلحت او  
 اردکم واقع بود که خلق اسر سون بخت ای که خدایه مسلمان

صفحه ۳۰

توقفت

قدر نیک بود که او را بملک بود اسر که در نیز که افراده انک مونا  
 زمانه محافطت قیلقا بخت بخت دور اسر سون مانع بود  
 معموره غم مارماق که قدر نیک بر مرتبه است لولکه شمرده بار نیک  
 اما خلایق غم به ضرورت صفت قدر که طهر لول غیل که نیدن  
 که نمان بود لولار و دیشخ نیک فولیدن تو تو کون تا ردیل لار  
 لکین بر سر لار نیک فول لاریدن تو تو بخت که یوز لار نیک  
 ایدلار اسر سون خواجه خواجه در دن سون  
 هر که اولارده اسلام نشانه سنی طهر لولای دور و ای دن  
 اسر سون و شخ ایدلار خواجه بود خلایق قدر غنیمت لولکه  
 سون دور لولار دن او زک وجه یوق دور و سونین بخت قول  
 ماک و راکت بود لغه کون و رماک مشعل دور حضرت خواجه زنده دلان  
 ایدلار اسر سون لولکه سوز در شخ خاموش لولکه سون نشانه  
 شخ نیک اقبال لاریدن ایکی شخ و پرویش قیلقا نتم لار دن  
 تورات شخ خواجه لولکه لیدلار اسر سه لولکه ط قیل بلالار  
 لولکه نیک بخت زک زک حالات و لولکه نه لولکه اولارده طهر



بودی چون خلایق او بشو جان نماند قید سلاسل را بر لاری  
 اندلار عجب کیم موندانغ مردانایم وار و ذر که ربو مرتبه نماند  
 نمانی لاری اغ کمر سه سوره کیم ای باران پیر لاری که نه حال دور بود  
 قیدین دور ایدیلار و جا که صاحب ل پیلور او بشو موند خلق را  
 سمرت نمانی بغض سی شمشیر قید سلاغ بغض لاری اعتقاد و باطل آرد  
 مقصد لاری شمشیر نیک ملازمت لاری که یوز کستور و پیلور و منکر لاری  
 قاجتی لاری برای مونسین بر که کیمج اولون کیمی دین زیاده نشیونان  
 و انقیاد و تسلیم و ایریه شمشیر و غضب قید سلاغ هر کیم منکر لاری  
 بر زمان ده بیلک بولور سون او بشو اینش که کور کور لاری ایدیلار  
 بر اوق ای کیم شمشیر نیک باطنی موند قید سلاغ بیر که منکر لاری باقی  
 کیم لاری شمول کون شمشیر **شمس الدین قتال** او بشو اینش که کور کور لاری ایدیلار  
 هم قتال و بیر ایدیلار امانت لاری صفتی که یاز قید سلاغ ایدیلار  
 بولور امانت شمشیر دین کور که ندین کیم کور کور کور کور کور  
 کیم القیاد قید سلاغ او ارادت قبول ایدیلار **شمس الدین قتال**  
**ارادت** و قید ده هر قید ارادتمند که بولور صورت ده کور کور کور کور

و اکی سل مونسین کور او آ او ز جند خلقی تمام صلاح نه کسید سلاغ  
 بغض لطف کور و بغض کور کور و بغض لاری پند و نصیحت کور منقاد و لاری  
 و کور حضرت شمشیر نیک و خود سیر لاری کور ای کیم کور کور کور  
 ایدیلار و قتی اول بزرگوار شمشیر افتاب صفت ذرات سعادت  
 مشرقین طلوع قیلب لاری جند و یاری ایدیلار غیر کور کور  
 او کور بزرگوار محال جهان ایدیلار افتاب لاری کور کور کور  
 قید سلاغ و هدایت لاری کور کور کور کور کور کور کور  
 بزرگوار شمشیر رواج کور کور کور کور کور کور کور  
**شمس الدین قتال** ایدیلار حضرت شمشیر قید سلاغ بولور امانت معلوم لاری  
 حضرت شمشیر قید سلاغ کور کور کور کور کور کور کور  
 زیرا که اندک خطا غضبناک بولور کور کور کور کور کور کور  
 بولور در ویش لیک اینش که خلل تبیت نزل نه تو شارا کور کور  
 غضب تبیت بولور کور کور کور کور کور کور کور کور  
 لاری شمشیر قید سلاغ کور کور کور کور کور کور کور  
 و وقت دین بر کور کور کور کور کور کور کور کور کور



خدی و در تربیت موقوف دور جمعیت که هر مدد و رکنیکه  
 و بصورت که از آنکه علم سبب جمعیت دور و جبر لافته فتح  
 کشتیش تر و در قهر که بهجایش تیسر تخصیص در ویش لیک  
 و من و فعلیت بیس ریختر تر و من بر و آید ای ذکر او مقنن  
 بولسه که نه سبب لاشخ اید مل رخ با تیسین اما چون در ویش  
 لا اعمین یکد دور لار رخ لار هم عین ریخ یکد دور لار  
 و **نسخه فصل در کتب** اولتور در ای دیلار که سبب  
 آید یکد سبب ای شیخ و من اسلام قلعه سی خه و ستمین سبب  
 قورن شایلدی و هم اولدور که فواب قیقا شیخ اطتور قوغای  
 فی الحال اغان تقود لار قهر و غفیک له اطلایب قول لاری  
 روان لول ملار که در ملار که عجب شمنغ قوی دور ویش  
 اید ملار ای یاران لار ضیک کونید و رشا بهر صلیق اک  
 یاز لارین استمان طریفیک قید ملار و عافه قول کوتا ریب ملار  
 ای **ماتون** جانور لار اولتور و رو قیتمه منک عتاب قید  
 و بوزان که من اسلام قلعه سبب و ستمین سبب لولوب زور کیند

ار قیون یفم و من قلعه فی اقیغوسی دور و سمن لاری  
 ای عیاط لار ایلکده ایس لولار لار ایلکده منول بوس لار  
 لار اولار لار قورقار و من که عتاب قیقا سیم او از کیدیم  
 ستمین **فصل در نظریه الامور و البیتقاده و البیتقاده**  
 لغی طار و عوانلار و دنا حق البشغ سبی قیغوجر لار و قیغوجر  
 اولتور ما که لیک مباح دور حال لاری لار خرابی فدا و بون  
 کیدیل لار جان حفظ و سمن لار محی فطی و مال و زندگیا  
 واجب دور و قی که باز کوار شیک لاندان ایست لار سبب و غف  
 بر نه طار لار دور و لول ملار اول مقدار اولتور دیلار که عدو  
 خدادن اوز که کشته پیا کای و قانغان لار اوز و ب قاصتی لار  
 تاپیب خبک و من فارغ لولغان و من کین شمنغ اید ملار ای  
 ستمین **فصل در صفت بونوبت** ستمین دور و ب قانغان خلایق منول لوز  
 قید ملار و مرید لول ملار و شیخ شوق رله یاید ملار و ایتور و ب  
 الحمد قد کم غار لیق درجه سمن تا تم وینه هم از زوم قایب و حقیقی  
 و لولغان ایید و در و من که حصو لافه کیند و کای سوار دیلار

و سعاده



ای ز کور اول از دقید و دوش ایستید بق مرتبه سی و دو  
مرتبه لاری عیسی دورانت افسه تمام بات یقین میسر بولید  
او بشود واقع دین سوزده بچند مدت دین کین مسجد ده اولتور  
او دملار و روشلار همه جمع اوردملار شیخ ایدملار ای باران لاری  
واقف بولونملار کیم بنه اولتونند دین کین شمد نیل لاری غم شلایم  
پیدا بولوب کیلکوس دور و من ستمیده قیفوسی دور و شملار از آ  
فتور اند دین کین بکمال آباد بولونل غوسی دور و بالکیده خراب  
بولونل غوسی دور اول ایدم اول کوند دین کین شیخ نیل سوزلاری  
و قوع کالیدلار سه غنیم پیدا بولوب غنیم پیدا بولوب لاری غنیم  
قدسی سره انزاق لبس کیدلار و اقا آقا غنیمیدلار و شملار  
خلفه غنیم قیلب لاری کلب بچل لیک قیلب غنیمیدلار و قیدلار  
و غنیم غنیم تقابل بولوب خلدلار دیلار ارسه ایتیه دین تان  
بشین غنیم چندلار شملار کوزلار از غنیم غنیمیدلار و دیلار ایتیه  
اولدملار بزرگوار استید بولونل دین کین کوزلار غنیم کیدی  
و سملار مغلوب لاری لاری کوزلار لاری کوزلار غنیم غنیمیدلار

نیل ای عیسی از اسیر قیلب رکتی لاری **غیرت** نیل مبارک  
او بچ کوند دین سوزده تاپیلدور کوزلار غنیمیدلار و قیدلار  
کین کوزلار کوزلار کوزلار کوزلار کوزلار کوزلار کوزلار  
مجلس همه دین یقین لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
حال بند و رولار کیم دور لاری شیخ ایدملار رجال او بشود و کیم  
سن و بولار شمد او دور لاری سوزده کیم ای شیخ سبب بند و کیم  
اولدملار شمد لاری مقدم بولونل و لاری و لاری و لاری و لاری  
اولدملار غنیمیدلار لبس منکاستید لاری بولاک چندلار مرتبه لاری  
لاجرم مقدم لیک قیلبور من زیر که پیلایم هیچ کمره منظر  
عالمه یان صفت کیم یاد قیلبی آخدا یقین نیل قیلبه  
شول نو عده بولونم دور چنچله ایتیه لاری **من** کوزلار  
**غیرت** غنیمیدلار غنیمیدلار غنیمیدلار غنیمیدلار غنیمیدلار  
غز و جل و در کیمیدلار غنیمیدلار دور ای دور و شملار قیلبور خلق  
اکره غنیمیدلار غنیمیدلار غنیمیدلار غنیمیدلار غنیمیدلار  
سین اول دور و شملار سوزده کیم ای شیخ خدای پسر کیمیدلار







یعنی دین نیک ستاره سی و ستاره نیک فیضی با دور و زانو  
زایل قیغور دور و سنگ نیک نافرین کیدار و رگم غریبم بهر نیک  
قیغور اما س دور بلکه مقصود و محافطتینده اهمیت و ناکند  
چون بزرگوار سوزن اشتهای سه اول کون تا شام غجه سوت  
و همیشه آسمان طرفیک نگران کرد و خفتن دین کین جند  
ملا یکت که سوت آمد و سوزنیک بریل بیتی و سوزنیک  
اما هیچ سوزن اما سوزنیک ای سوزنیک ای سوزنیک  
بر آمد و جزایق دور یک سوزنیک قادرین اما هیچ نیک  
نید و بزرگوار آید ای والد نه و یک سوزنیک ماکه بیتی  
سوزنیک ای سوزنیک بایان سوزنیک و وقت ده جدم  
لوق قیغور ای سوزنیک و فاش که قیغور نیک بیتی  
بزرگوار آید ای والد ای سوزنیک ای سوزنیک  
قتی ق هر یک سوزنیک سوزنیک و سوزنیک و سوزنیک  
جفتی و قیغور ای سوزنیک قیغور و سوزنیک  
نیکینه قیغور و قیغور قیغور اما سوزنیک

نیک

نیکه ای سوزنیک دور اول افکار که مندن تا به قیغور نیک  
دین ای سوزنیک سوزنیک ای سوزنیک اول کون تا خفتن غجه سوت  
و آسمان طرفیک نگران ای سوزنیک سوزنیک ای سوزنیک  
قیغور ای سوزنیک سوزنیک سوزنیک سوزنیک سوزنیک  
او چون ای سوزنیک سوزنیک سوزنیک سوزنیک سوزنیک  
نقصه نیک که سوزنیک سوزنیک سوزنیک سوزنیک  
آسمان طرفیک قیغور و وقت ای سوزنیک سوزنیک  
ای سوزنیک آسمان طرفیک قیغور و وقت ای سوزنیک  
لایه موجود ای سوزنیک سوزنیک سوزنیک سوزنیک  
سوزنیک ای سوزنیک سوزنیک سوزنیک سوزنیک  
ای سوزنیک سوزنیک سوزنیک سوزنیک سوزنیک  
و اما سوزنیک سوزنیک سوزنیک سوزنیک سوزنیک  
سوزنیک سوزنیک سوزنیک سوزنیک سوزنیک  
یاشیده و سوزنیک سوزنیک سوزنیک سوزنیک  
ملازمت و غده سوزنیک سوزنیک سوزنیک سوزنیک



قبیله

اولی یقین تسی لارا ایسه بزرگوار اناسی نه آید ای والدیه گیم  
هری نیک عزت لار تشرف کسوراد و رلا اناسی آید ای فرزند  
بهر عاف لار نیک کلمه سیک عزت لار نیک کلمه که کتب بونش بزرگوار  
ایده ظاهر نیک غم نه تسی اناسی دیدیم ای فرزند مینک ظاهر غم نه  
نرسه لاریتا دور بزرگوار آید ای والدیه ظاهر نیک جمع تو قیاس کم  
محضه مخ کورماک او چون کیسور لار خلق اکره ستمت نه بر دینک  
ادبیت سوزونک ضرر اوزونک دور باغوز اوزونک قیما دینک  
بو خلق غم ملاقات قیماک کک اناسی فرجی خیر قیماک زمانه اوتاب  
ایر داکا بولا رکیله مل بزرگوار استیقل حقیقه لار سر لار محضه  
قیماک مل رایسه اکر بولا کوریم محض قبول و معقول و دور کورول دور  
و بر بولا رکیله اید مل صدقنا و ستمن بولودن باره سید هر نه دینک  
راکت ایرکان و بزرگوار قیماک مل ایله آید ای والدیه  
یغیل که تنور قیماک اناسی آید اوت قالا مای بخور فریدی بزرگوار  
اند مل راوت باقیم ان لار قیماک بولان یب حقیقه کوریم مینو اوت  
قالا مای و رایده ای سید زاده سیدل شیدن یا لغان ایماق بول اوت

بزرگوار

بزرگوار آید یا لغان یقین قایدین دور که اوت دن مراد تنور قیماک  
ونان پشماق دور و نان نه تنور نه یا قیماک اکر کسور کسور  
پشماق مل لجانده یا لغان خیر لیس غم و نیت قیماک اول اوردیم  
بزرگوار نیک والدیه مان نه تنور نه یا قیماک و غم نین یا قیماک زمانه  
قیماک حقی کوریم ناز لار پشماک قیماک یب غم ساکد بزرگوار  
اک بولا اکر غم کسور کسور مل قیماک مل حقی قیماک اوتاب  
رضعت ییلا یا قیماک حقیقه لار بزرگوار اکر بولا رکیله و داغ  
المناک باندرو اوی که ایت سر ای والدیه آید هرات ده بولور  
دور سوزم اسلاماک و غربت اختیار قیماک کک کم همیشه کشته کشته  
وتانو مع اناسی زیاده چقا کور و ییلا بولور فرزند بولور سوز دور  
اینگین بولور معلوم دور کم منکا سندن اوز که فرزند بولور دور دینه  
اولک سینک بولور اوت قیماک مل بولور کم کسور بولور قیماک  
کور که سین کجند توقف قیماک مل اوت قیماک قوت یا بقای کسین شول  
دقت ده بیج مانع لوقد و رور میرنا کور کور مل ییلا مل رضعت کور  
دور اکر سوت حقی ده نان لیس ج مت ده و فرزند لیس سفیع در میان



منشک و کج نمخ کج کستور کسل و کامت خط هر قضاوت و سن پاک  
تو تا غل سر لغت و طریقت غزل لار کامت خط هر قضاوت  
زیرا که او ج سر سه دور هر بخ یا سونان بر که مخفر لول س اول  
علم دور که هر چند اوزن حفظ قیاسه فر اختیار سوار که کستور  
کلفت لوی قتلور و دانسته خط هر لولور الی بنجر ولایت دور که و  
ولایتین یا سوار سه صلاقی خارق عادت دین پیلور لار که اول  
او چو بخیر طایفه دور که هر چند بنیان قسسه لار لوی شکر ربا خوش  
ای ز زنده هر که مار تل حال او بود دور که ولایتین لولور  
بر لولور لولور دور بسی سنگه و جفر یک دور اناسه بنیان  
بر لولور انیل لولور کسکه اورون تابی و نقش با غلاد و سه و دین  
و چون تی باغفه اودی سن الیغ کوز لایکه الی در جان الیغ  
قوشولدی کونوز اناسه رله و کچه سی و لولور لار سوله آرد و کونا  
اناسه ایدرای و الیه تا منشک می فطیته و عرفت و صرف قیاس  
ایکد وقت اولد و که سر لغت بنوی جلیج جبر نیک محمد مصطفی  
سه عده و سه منتهین قبول قیاسه سن که ایر و خا تو نفعه انیل سن جاره

تا منشک بولنج که او میک بنای عمر کسبت و لغت لولور  
لولور لولور لولور سر لغت اکره بولنج بستم دور و سونان اولدور  
نامشروع دور خد ارجحه سنگه بولنج بولنج بولنج بولنج بولنج  
س قلا دینک و بیب مناصه بیب ارجحه بولنج بولنج بولنج بولنج  
قبول دار قیاسه و بولنج بولنج بولنج بولنج بولنج بولنج  
ای و الیه اکتد قوش بولنج بولنج بولنج بولنج بولنج بولنج  
جای مندر و دایه دور لولور بولنج بولنج بولنج بولنج بولنج  
و امید دور که عمر و قیاسه و ان الی بولنج بولنج بولنج بولنج  
که ملز منشک غیثیم اک و بولنج بولنج بولنج بولنج بولنج بولنج  
لار کور و کور و ان منشک اسر و قافل اکره بغض خسته لار خد منشک  
اتفاق شام غیثیم قافل کیک قوشولدی و قافلده و غیثیم  
قوی ولایت لغت و سه کامت لیک بولور ارجحه الیغ بولور  
و کلف قیاسه ای اهر و لار اهر بولور لولور لولور بولور  
بولور و رعایت حق بقدر امکان بولور کستور و خد منشک و اناسه  
سنگه تکلیف بولور و بولنج بولنج بولنج بولنج بولنج بولنج



لیق قبول قید اتفاق دریا که کبیر اول و در سال و اول  
بول و در سال و در سه بنا که بر نشت پیدا اول و کبیر که  
عرق ایطای و ضلایق همه یعنی و زار غنچه نوشته لار سون نشانده که  
نیک همراه لار خواج عمر اورا تو پوایدیم ای مقرب رکه و بنده خالص  
مرد و مجا دور و اول و کبیر که او بنو مسلمان غرق بونیل اریا  
سین و یک جمر و جاعت ارکست بونیل و خول و او در اول مسلمان  
خدا رحمت کیم و نجات بر ما نشت حق چانه و تسبیح عتاب قید  
دور و خول جواب بونیل دور **بزرگوار و در سال و خواج عمر** اریا  
سین سق قید یک فقر مد و قید قوم و در و آنه موندان اول و نشت  
یا لغز منک تا نشت قبول قبول تو حی غم دور خواج آمد من هم مد  
من اول و کبیر بزرگوار و غنچه نشت قبول قید و خواج عمر  
ای بزرگوار من و امان و زار و سین نشت اول و و با طینت تو  
البته بولادین دفع سین و تیل و در من بزرگوار ضرورت  
کیم لیک و بلند و از و له لیدر نشت و ز حد نشت س قید غیل و من  
شور غوغا غس ک بونیل و تو قید لوق **در سه و در سال و**

دور من سندیک بوز نشت نشت لار و برد و مارک هم و نشت  
بول و اول و در من هیچ اثر قالا عیس خود نشت سین و زونک و نشت  
بر ما کبیر و نشت و در سه نشت و کبیر اول و کبیر نشت زمان تو  
و حال تیار بر لاتی ای غنچه کده حق مغد و تو قید که بوج نشت  
ار کبیر و ایک نشتی سلا و دین و مسلمان اینه تا نشت  
جاکت و قتی ار کبیر هر میلان پیدا اول و کبیر نشت و نشت  
ضلایق مون کور و بونیل و زار غنچه نوشته لار بزرگوار که و من نشت  
جقار و کبیر بزرگوار نشت میلان کور و بونیل قوی سکه و حال  
تیار و لیدیم ای غنچه کده حق و ای ز نشت قالا حق اشته نشت  
سین و نشت که بونیل و ادب قید و منع بزرگوار که نشت  
قید غنچه اجازه بکیر بزرگوار که ای نشت جانور اجازت  
سندین نیمه اجازت میلادین ارکست و نشت میلادین هیچ دخل  
قید غیل که اول نشت قید و ای و اکسوز و نشت قبول قید یک بار غیل  
و خواج لا غنچه و نشت و نشت و نشت و نشت و نشت و نشت  
باین قوس این نشت اول و نشت و نشت و نشت و نشت و نشت



سیلان پیدا کرد لاری و اهل کمره و دیار که سیلان نشنیده بی غش  
 یو تو بد و رگیمه یادق تیی که و بلند او از رگه ای می سیلان و اه  
 یو نوزنی نیک غزل لاری چنگ لاری که بوسه ای اول به او بر که در که  
 اجدیت مقرب لاری که موندان به ادب لیک قلیب اندن کین  
 نشنیده تمام یو تو بزرگوار هر چند شفاعت مقامیده بولر ملار تو یکه  
 زمانه لاری که سیلان نیه پیدا کرد فریاد چهار دیگ ای و با خدایک  
 و لاسه ویدار نیک کورست کیس که نیاز نوزین کیستور سوس بزرگوار  
 نیمه دین باشی چهار د لاری سیلان کور و بی ای بزرگوار شفاعت  
 قبول قسم که تا خدا بقیا نیک فائیده کنه کار لاری غمین اما کنه  
 بولر و که سوز و نیک قبول قسم که بولر نوبت کیسه یک دیگ نشنیده  
 قیضا من دیب غمیدن نشنیده یا ندور و ایر به نشنیده به نفع  
 بولر لاری اندن سوز که دیدیم ای مستجاب دعوت لطف عینیت  
 بوند لقمه از دیده که ریدین تیل کیس که تا آید نیک دین کنه دین  
 پال بولر کنکی من اول ایر و کم بزرگوار و عافیه قول کور و دی  
 و عافیه مستجاب کور و سیلان که یکه یا **مقصود کینه کور کین**

دریا

در یادن حقیقی لاری و نیه کینه کون یول بورد و دیار یول  
 یو تو دیار لاری کون یول سوز تشنه و کس نه یو دیار لاری خواج  
 غم نیه سوز مقامیده بولر کم ای بزرگوار و تو تا رمو نیه کینه  
 تشنه لیک و کس نه لیک بر لیک لاری شخ اند لاری خواج  
 عمر حکمت الی موندان دور که ای کچه کوندوز بونوع ده بونوع  
 میر که ز که لاری کینه بولر و ق سیلان اول از زده ایر و دیار  
 اولیا اقد و ن کمره اولار و زده تشنه لکستور کی حقیقی  
 و لغا لاری کینه نیک عافیه اجابت که یادق قیلد کم سوس نفع  
 تشنه لکستور و د ک لجه قد که بونوع لاری اینه تیی اندین کین  
 اندک توجه بر لول تایی لاری اصل بونوع را امت لاری بزرگوار  
 تو قوز یا شلار دیده کی هر کور عاقبت **ایم قر سوس سوس غم**  
 اید ای بزرگوار من نفع در مانده عافیه غم دور که اغم نه و  
 بولر نیک **سوس سوس غم** اید لاری خواج غم بوند سوز  
 دور که ای کین و من هنوز سر لوت طرجه سلامت غم نیک  
 و طریقت بلا غمیدن و بولر ای مرتبه ارسیده و راق لوت



بر کمال دور و مویخه بر آق لیت و له بولست و قومی بخوک و در بر تقدیر  
 و رقع بولسه هم انکه اوختا بولور ایتیبی رلا شینان عجبیا  
 ابودین نج: شیخ تبصی و صبی شیخ: یغی الی ادم خلق کرده  
 کورافود و رموز دیک: کورال کمار اوزن پیر اوزن کورک  
 مناکب و له و رکیم من سینک رادینک بحیثه بولسا من خواج  
 هر چند سم قیدر شیخ سحاب الدین قبول قیدی دلار اف و اوزن  
 اکو ضایلک بولسا من جلالت غه تیکو بجه کوف قضا فیل اول  
 اخذ ایتیم خواه لافان بولسا هر الی نیر ترکی بول ق میح مان  
 یو قور دیک سیکو منافشه و مجادل و له حضرت بله لیتی لار و طواف  
 بجا کستور دیکار شول حج و ده بزرگوار دعالا لری که و له تمیش شین  
 لشی نیک جتی قبول قیدر و طواف ایشیده **حضرت شیخ نیک** قول  
 اوزن کیدیم ای سحاب الدین حج دن فارخ بولنمین کین جلا  
 بنا رلا رسن تور دیک طواف حال بجا کستور ماک کال اوجا و لقی  
 طوافینم حاصل کرده اول ایدیم حضرت بزرگوار بولون تو قضا  
 طوافی حال بجا کستور و بولیده قالایم طواف اول و له و له

مطره: بخل طواف قیدر یغی غیر داخل اکتنا طواف بجا کستور  
 و بود دولت غلم نیک دن و له یغی بولنوس و در جناحه **حضرت شیخ**  
**ابوهم ادم** اولیا، لار پشوا سی اوز دلار اوز عمریده حج کبار  
 ایتیم اقدنا طواف قیدر یاراندن کین خدا ایتیم دن طوافی حال  
 اامت قضا قین اوزن ایتیم ادم سیم شب و قور بولیم کوز کستور  
 و هر ایشیا کاکسلا کور دیم خانه مبارک طوافین غیا دور بولیم  
 که قور دیک و ایدر الحمد لله کیم یلکم: تا بیم دیک طواف غه مشغول  
 لار و بشی مر ایتیم و ذرا ایتیم و کم کور دیم بر میلان طواف غه مشغول دور  
 حضرت سلطان غه ریش و لیت و له و رت یوز لاندی اوسه سوانا  
 قولای قیغه اوزن کیدیم ای براهیم کی دن قیدر غیلیم بیز نیک اوزن  
 طوافی دن غیا بولسا و له مقدار که غیا با بشتیم بیکس غیض  
 بولجکابه دن او که حضرت بزرگوار طوافی حال غه مشغول بولیم  
 اندن سوزره حضرت رسول اکرم صلا علیه و سلم نیک مدینه کلا  
 طوافی غه غه قیدر مدینه تبی و زه مطره مقدس منور حضرت  
 رسالت بنا هیغه متوجه بولیم ای اسلام عیسا یا ابنی و ربه



و بگوته روزه آنحضرت صلی الله علیه و آله و عین او از لید کم عینک اسلام  
 یا سحاب الدین من اولاد فاطمه رضی الله عنهما قدمت قد و ما فیها  
 یعنی رحمت کنک ای سحاب الدین فاطمه رضی الله عنها اولاد لاریین  
 محمد سید بن خنجه تمام لیتور و ذک حضرت بزرگوار چون نوند آید  
 اوسه زیاد فکله قیلد کم یا رسول الله من بنده صبی و جعفر خنجل  
 بوغراغه مستحق و موند از خطابه مستعد و در و یک به و زار بر علیه طواف  
 غمغول بولور ساطع ادا بولور خنجه کونا کون صدرا ایست لاریینه  
 کین مجاور لقیخ اختیار قیلد یار و اول میل مدینه ده مجاور اسود  
 و اول حج بجا لیتور و سار و آق عمره ادا لیتور و یار و تغیر و ش  
 تحصیل قلب کما هو التایق کالیغه لایق بیکور و سار و اندین سوز  
 بولور کم ای سحاب الدین ایدر کنک کک کم اماک منزه لیغه یا سحاب  
 و تغیر حدیث نه درس ایقنای سین و خدا یتیم نیک بنده لاری  
 در کما هیغه ایند الکی سین و اول میل انده بولور کما سین اندین سوز  
 انانک نیک منزه لیغه بارماق کک اول عابده کوزی بولور و ذوق  
 ادا کون فکله و استیاق در و جایند و در اول ایدر کم

بزرگوار قدس سره الغفر رخصت و استارت کما تاسی منزه  
 یوز لاند و شام سه لفته کشف کسور و لاری سینه اشمنده  
 یغیلد سار کورد یلار کم عجب اشمنده قوی همه ش کد بولور یلار  
 یل شامده د اشمنده لاری در س ای لاری و خدا یتیم خلقی دعوت  
 قیلد سار اندین کین هرات ملکی که نیم قیلد یلار و الدسی سار زنج  
 ییب کورد یلار کم بعصر لیک در با جره وین زایل بولور و در قول کما  
 و عاقبت سار مبارک قول لاری انالار نیکه زیاده سوز و یلار  
 بقدرت اتنی فرجیال اقبلد ی کورد کم و زنده کما سحاب الدین و در  
 اوج مرتبه بشارتین او یرو ببارک یا غلار سینه یغیلد یار و ذوق  
 نور و دم بولور کما رچ لیکل کورد کم کمره سل کمره بمرتب کون فکله  
 و من فکله جانه و همک کما و دای منک جانیغه کم همیشه  
 فراقینک و کویار اسود و ای استیاق نیک یقینی کما جان کما  
 اسود حضرت سخی نیک انالار یغیر کم لاری کیدر قاتع بنده  
 ایدیلارای والد و در ویش ابن الوقت دور لغ و وقت نیک و ذوق  
 دور و در ویش ابن الوقت نیک ایضا سار و زایل کیده ای سحاب

۲







بولم نه مجا تعجب در دانشمند را درین قلوب ایدیکم امتحان قیدی  
 اکل نه بری ایدیکم درویش را امتحان خوب بر ماس دور حوکه کو نظر  
 این سی جهان غادر راق ایاس کم بواشی معلوم لوله اعمو  
 مقایسه لوله لار خوب روا اکتد غضب قلیله عا خراب لولکوه  
 بولکشی نیک سوز بار جبهه خوب معقول بولکد ابر لوله سلا بر بولکد  
 یکبار ملازمیتی که بار عاق کوک دیب قویتی لار با اتفاق **سخن نیک لار**  
 بار و سلا درون اشیک که تی لار سخن نیک اشیکه شرف به کتیکان  
 بر خضدار درخت بار اسر و بچند وقت سو که مای قور و قاب ایدیک  
 دشمن خلقی بود واقع ز پیور اسر لار لور و سلا کم اول درخت پاش  
 سیر بولوبی صیران قابل لار و بر لار لیک ایدیک کم ای بار سیر  
 و تود و یوقد و کم بولکشی اولیا که کبار جیکه سیدین و دوش قلیله  
 سیر لار کم درختی که خندان سیر قور و قاب لیب اسر و قد مری کستی دین سیر  
 بولوبی کل ولایت او سبود و رهم ایدیک سلا **ربن ظلمت و قضا**  
 یغ اوز نفسی نه ظلم ایدیک و سخن نیک باره سیده خطا قیدی  
 این همه نالایق و ناهنر اسوز لار ایتوق و اولاد دین بر ایدیک

بیت اول که یا نفا مری زرا که موکجه که دوت جسمانی و دوسو سنیطانی  
 بر له حضرت شیخ قه بچوک ملازمت قلیلیک کم اعتقاد و لغت و لار  
 نور معلوم قلیله بولکشی بنا که قه و غضب لار نظر قلیله لار  
 مقهور و خفونیز دور و عمر غه نقصان پیدا قلیله سوسی دور سیر  
 سوز کم اولیا و اقد اهل کد دور لار نجاکت هر چند غلبه  
 دریا غه لغات قلیله اول سیر اول سیر کورانا دور که کمی که قلیله  
 ملازمیتی که مشرف بولق مادیداریدن مجروح با غاس ق و سوز  
 عمل قلیله حضرت شیخ نیک ملازمتی که ایدیک و ایدیک لار اسلام نیک  
 یا و اقد شیخ و عسکرم اسلام دیب تل لار یغ بوبیت ز پور و لار  
**بیت** وی نه منم نه من وی من بوم و او بمن کلشن راز  
 او منم بولکشی بر جمن **اول** من ایاس من دول ایاس سیر لیکینه  
 جدا ایاس هر من ابره اچلیب کلشن راز من و من حضرت  
 شیخ نیک بوسوز لاریدن بوبیت لاریدن اول جماعت نیک  
 ک قود و خورشوب بدن لار که ازده پیدا لولکشی و ولایت لور که  
 بید سلا که بوجاعت براب بولوبیلار ایدیک رای کور لار







سین قبله سمت مدیدین سوزنه سخت بسیار درخج به سحر برده  
ملازمت که تری سخنیک انشیک لاریه برور ویش تو رو یکدی که تها  
لغ م م سوزیک ای درویش حضرت شیخ قاید دوزلار درویش  
ایدر طهارت قبله یابار دیلار و بولش اول ذات شریف نیک بیک  
پوزین انشیک او چون از لارچه بایر کوریک ایلی اوج کانه کور  
بار کولیک طهارت قبله دوزلار بر زمان استیلا کان کوز  
کولیک قویاد دوزلار بولش و انشیک اورد اوزیک آید عجب و کور  
اوم و بولش او بولش کولیک بولش جایی و آرا لار است شیخ  
علم لیک اعتقاد و کنت لوقی پید اوزیک یاق یارب مبارک  
ایکسین یوزیک سیکس قطره انکاس جلد لار سبجود بولش  
بوجود لوقوه عالیله کوریک قیامت قلم بولش ریش بولش  
دوزخ قه امر قیامت و بولش اوم علی و کور بولش بولش  
مرا اوزر دیتی و زهر س بولش بولش لوقی قویاد دوزخ او بولش  
اولکی حیران بولش بولش بولش دوزخ نیک اول طوفان پید  
ایر لای از ندرت خیران سین بولش ایر لای شیخ دوزخ قویاد دوزخ

ترانه

تران و از ان دور من شیخ ایر لار قویاد لوقی بولش بولش  
ذوق بر لوقی بولش سوزنه اوسه قویادین لوقی بولش ازین اول لار  
و بولش اکره لیک کوز دیلار و بولش ده لوزیک طهارت اورد لار  
بیکبار کوزنی راجتی کوریک شیخ نیک الدیده آرد بولش بولش  
مشاهده قبله **شیخ نیک ایر لار** بولش بولش بولش  
خطایلا و کن بولش کوریک بولش بولش ایتا کیک جلد  
و انابت قبله مرید بولش اما بعد معلی بولش حضرت شیخ بولش  
التمشش بولش بولش بولش بولش بولش بولش بولش  
اوج بولش بولش بولش بولش بولش بولش بولش  
و سنا غدن بولش بولش بولش بولش بولش بولش بولش  
علم س و علایک و اصحاب بولش روح مطهر مشور لار بولش بولش  
و سیش علم السلام نیک قبله لاریه اورد و تارخ قه بولش بولش  
هات ملکیدن غایت لار سوزنه بولش بولش بولش بولش  
بج او تادی و حج دین سوزنه اوقات تاتی جایی لار بولش بولش  
اوتاب لارستان معلاده دین قبله لار و احدی باصواب



اولی تو قوتی زنجیر یا شیخ با الفاف صا جکت ای انشرفا  
 و منظر الطاف و لایق اوصاف شیخ ضیا الدین صراف صراف  
 روحه نور مضجعه الاما کبر مردی ارک و انانی و هر منصف  
 شمر قوی زنده لغ و بس دیانت بق همه مشروع ایشاد  
 از کتب قبضه و مطلق نامشروع دین بر مینا ایل کوج و ملت  
 قاعده لاری همه ستم جمع وقت لارده رعایه قیلور است و اولو  
 کم اگر نامشروع ایشاد دین بریده اثر ایشاد یا اولو حساب  
 ار و سلا را اما اول عالمه بنج پادشاهی غم و زیر است و هر منصف  
 و اسطه سی که در بر لغ قه تی و جو هر بغایت تنور است و نقل قبلی  
 لاری کم بر لاری بنج پادشاهی غم بر کمر ساره لغ تحفه کستور و اول  
 شیخ صراف ایس رد سلا را اما اوز که صراف لاری صراف و سلا را پادشاهی  
 ایدر ای صراف لاری بو لغ غم به تعیین قلیک لاری صراف لاری ای پادشاهی  
 عا بو لغ غم به تعیین غم برای لاری لاری غم و در پادشاهی ای  
 ضیا الدین زای تیش لاری اول کم کور کی اندن سوز که تعیین  
 نابونس دور و بی لا غم لاری پادشاهی غم لاری لاری لاری

لغ قوتی زنجیر یا شیخ با الفاف صا جکت ای انشرفا  
 نه در سیم شیخ الیب ملا خط قیلور لاری پادشاهی بو لغ پادشاهی  
 اما تیشک دور پادشاهی و صراف لاری لاری غم و در شیخ ایدر  
 عیب و لاری که انزیده کیه نشا طیلک برایش قوروت ار ستم کور  
 اا او بونس بو لغ ستم کور شهر بنج نیک لاری غم لاری غم به  
 ایدر پادشاهی بو سوز دین تعیین قالی ایدر ای ضیا الدین بخور  
 سوز و در لاری ایتور سیم قوروت تاشی کمره نه تیلاد و در اوز که  
 صراف لاری ام مون وید سلا را ار ستم مناشه و مجاوله در میان لاری  
 ضیا الدین ایدر لاری یار ستم جلال کمال لاری و در کور باور قلیک  
 تاشی مند و رولک لاری قانچه بکل دور سیم ای پادشاهی من و  
 لاری دور سیم که پادشاهی وقت سیم بر پادشاهی ستم تاشی تیشک  
 کمال ستم لاری مونداغ منداغ ستم ستم ستم ستم ستم ستم  
 دولت کور و یافونیه کور قانچه نقصان بو لغ ستم دورا غم لاری غم  
 سوز کور لاری تاشی ستم و در لاری واقع و یکا تیشک صراف لاری  
 کمره نه تیلاد پادشاهی شیخ تیشک حالبغه افسوس و نه امت ایدر لاری



حیف بولایع اوقات دین که موندن مرد قابل بادش مجاز نیست  
 دینی دون او چون گرفت رعیش دور و شیطان علیه الله و لعنه  
 ضایع بولاد و موخه قابلیت و اسفند او که بادش حقیقت  
 بولسب بات یقین مقصود یغیبتی و در مناسبات او که در خفتن  
 بر این جو که هر که بار خفت تیار از آرد تا حقیقتی نه و تعین نیاید  
 مشغول بولایع امید و در که اوقات ده و شرع عبادت ده و در  
 تکی و یراق ایس که بولسب سنگ و در غرض حاصل بولایع اول که  
 بادش طوع و رغبت بر که بزرگوار از بولاد و آید ای ضیاء الدین  
 بچند وقت دین بار خفت تیار از دین و مع خفت بر کس از دین  
 قیبت و من بولون جالیند و در جمیع کینه که رسد امت قیبت بولاد  
 و بولایع منبج جاسوس بنیم و در بر آید بولایع قیبت ضایع  
 و بولون اول که در که سنگ و خفت بر آید بولایع و ظاهر نیاید و لاغ  
 رده بولایع و خورده لاغین قیبت و در خفت بر آید و التون کوش  
 بسیار عنایت قیبت **مختصر** این تقابلید آید ای بادش  
 من از او قلمه نیک انداز از او قیبتی که مع فرسه که کو نکل باغ

بجفتی ازاده کو نکل دینیک تعلیق عنایت بند و در این همه  
 از ریب که منک عنایت قیبت در مهند و افتاده لار دین که  
 که عنایت قیبت براق که بر کون خیل مید آید و لوی نکلن باین  
 او دینا فوس و در و منک که نکلن مع پایده و قوت و بیک هر کینه  
 که ضرر و در و منک مال پادش و خزینه سید و بولایع خورق و در  
 بر کون کار خه کیلور زمر که سین پادش و سین سبیل فایند و در عالم  
 خلق طمع او و در ملازمت قلمور لار در که منک بن مجرایان باغ  
 که او نیکد یازنه لار موجب ملازمت و غره بخل و خفت بولایع  
 و لوی صفت سنگین پادش دین نامت کب ر لوی منک معلوم  
 که سین خود بند کین این همه غمخ بید و رسین مجاز فرجام او دین  
 او که حقیقت خود در در زرقه که قیبتی غمخ و در لوده کین بر لوده  
 بار ما غمخ خوب و در بیک سو بجه التون کوش دین ر بولایع مال  
 قلمی و ایکس کوش و در بیک لویین اخیت رفیلد و قیبت او را در دنازل  
 و اسوده ای غلار بولایع و او جاکیم بولایع هر بر توت ل اوزره  
 اسوده جال اسوده از دوق لود و در و در و لوده و مع کشتی که لوده

غمنه ص







اگر چه بن مجوس اردینک و من ضررتیور ماسیلک ما مورج کب  
و ضررتیور ماسیلک بیا اربیکه فی قلیفان ضلای کول وقتان  
بوس در یاده سر اوانه دور لار هیچ که حقیقاس لار حقیقانه تعلما  
نیک قمر غصیه اولار غه غالب مستوا بولکه کم سنک ازار کور دلا حوص  
بزرگوار سنک بین نو سوزن ایشنه لار ارسه کونکلا کور و کیلکه ارسه  
اگر ایشنه عام دور سنک ایشنه امان دین بر من صلی جیتیدن کور  
غنه بوسه لار من خود و اوتوی بدو من رطف عینک بر کله اولار غه  
دین حقیق غیل رو از کیلکه ای صفا و الیه بن نو نیمه رحم دور اولار  
قلوب من با وجود ایشنه همه نالاق ایشنه عینک حقیقده قلیقده ایشنه  
ای اگر با ایشنه رطف ایشنه محض کنه کور لار غه دور ایشنه بند لار  
کنه غه قیام کور کور دلا ر حقیقین یا مقوریدین اولار ایشنه دین  
تو تامل عیا الحصوص اول کنه کار لار نیک حقیقده در نفع ایشنه  
کم فقیر بپ بولدوم دین عا غه اولار حقیقده دعای مستجاب  
نومید قلی غیل زبیر که من اولار سبتل لیه و ایشنه بولنن ایشنه  
حال لار لیه ندامت قلوب من وینا که و زار سبتلای قولایفه

روز

اواز کیدم ای ضیا و الین دعا نشستی بپرس قلیله و اول  
 خلاص لیس ای عطا ایلا و دریا لیس باریت سوک جا بود  
 که که نه که ادب من جبقار غای چون بزرگوار بودند از ایسته ایست  
 بر له دریا لیس که بار د کوردیم کیمه کف دیل که ادب هر جانب  
 و مسلمانا سر که ایسته و دریا بزرگوار بلند اواز که زیاده قلیله ای  
 خدا یعلینک حکم فرما بر له ضیا و الین نیشا ریتین کیمه که ادب  
 جبقار غیل و قی که دریا بلند از ایسته ایست سر حیل کیمه و فیکه رو  
 بود که و کیمه یلیم کیدم حضرت شیخ قدس سره العزیز قول و زاج و کیمه  
 شاپین تو و اما رقیب لدی ایسه کوردیم کیمه که یا خلق لار بوکت  
 در حق جان قالیب ره چون شیخ نه که او با قیفه نقیده ملار و غدر  
 شیخ ایبر ای یاران لار منه منتقل که تخی پیر لار دین ایست  
 اما واسطه بود و کیمه لار و لکین قیاس پیر فایده لار جبقیانه و لغت  
 بو بنده که حاصل بود که و پیر لار کم معذور تو که تو ملار و موخه ارمان  
 لیکن و پیر لار ان یقین ملار و غرض سبب بود و زنی که ایست در  
 بود ایست ایست منتقل اغری غه تا منتقل ایست و پیر لار و بلاغ ایست



بولاس اگر دینک لاریب اتفاق یولغه نوز کلسو و سلا و منفر لفر تی لار  
 نه سو بار و نه اوت خلق غه قشنه لیک غایب کیلیب شیخ غه العجا کلسو  
 و متوجر بولوب ستعانت تیللا و سلا را سر شیخ قول که تار یب عاقلید سلا  
 و مسکن لاریب دیر یلار سو کفان اواز لیدیم ای ضیا و الدین  
 آیت که **ایضرب بعصا کالج فاقوت منه اثنتا عشرة عین** غه  
 بر لیه عصا نیر که اوز غیل قدرت الی بر چینه روان بولوس و اول  
 یزدیم بر اوز بولایت غه اوتوبه قول لاریغه عصا ایضرب غه تمام که  
 یز که سوتق عصا و جبرین چشمه سوردان کوکد مسکن لاریش کلسو  
 دفع قید سلا و بخند کوندن سوز که مکه مغلطه که تی لار و رحم غه غلا  
 صلا فغه مسقول بولول سلا رسول چین ده شیخ نیک مبارک و قیغه اواز  
 لیدیم ای ضیا و الدین کلسو که حاجت ایس اسر داند که لیدیم نیک  
 یا غاق اول اهل بنی منتظر و در لار و نینه موسی ریتی و رشک رتی عالمید  
 بخند تعین لقی مدح دین زیاده ایرماس دورا که بولان نیک او بولول  
 ده خدایتعین نیک بنده لار که فیض تیکور کلسو و لاسه موسی بوق و  
 لقی عالمیده که کوراد و راول جالده هر کش اوز جا بر لقی لوسه و در

سومه نینه اندا اشیکم ای ضیا و الدین سکه تعد سر قیلان حقیقت  
 طوان در که ه اصدیت ده قبول بولاد چون شیخ موز ایش ایش  
 و نیاز لوزین در که ه نیاز غه کلسو رد و اید رحیمی رحمتش غه  
 ارحم الکریمین دور سن لطفی عیمین که قدم نیک و صفات  
 بر لیه بولوس لاریج لارین نیاز در که بنده مقبول اهل کلسو و در  
 محمود یاند در مانغیل اواز لیدیم ای ضیا و الدین تا که جمع ما بولول  
 دو چون در که ه خداوند در که کست خلیق قلسو رسن بولول ارا آندای  
 که با که هید بنیک قر تو بخیر اول دور که سبب حقیر بولول و نینه  
 و عدلک ندانغ دور که هر که بود نیک حقیقه ایمان لیق قیلان اول  
 بر ابریه خشیق قیلغای تا فیرم مولک عمل قیلان بولول  
 ابر دکه ندانسته ای ضیا و الدین و یسی که لوجایت نیک حقیقه  
 راول اولاد و خواه لاغی نیک نیک قبول قیلد اما اول اول شکر  
 که بولول ابره سیک اند نیکه توبه قیلد که دار لاریبین یا لوسه سلا  
 اول ایدیم بولول ارفین یا ندر لار و لوجایت دین بر سرور  
 ای لاتی در که ه بولول لاریب بخند و لیم نیک حیر قبول لوسه و در



بود ملار شخ اید ملار ای یار انبه منده هنر لار که اقلینا نیک لار غیر تو به  
 قیل نیک لار امید دور که فیکر خه همراه بولغا نیک لار نیک حجر قبول بولگا  
 والا بهیچ نیک حجر قبول اکر ماس دور چون بولواوزن همه ایش ملار ملار  
 جان دل بر لکه قبول قیلدوق اول اکر دیک تمامه سی نیک لار لایفه  
 گنبد ملار و باس تو ی سالیب به قیلد ملار شول اشنا ده نیده اولر کیدیم  
 ای ضیاء الدین لوجا عت نیک حجت سنک متفا عینل بر لکه قبول قیلد  
 بولناز بر ج خلق ایش ملار ارسه خوشی لیتق بر لکه حج دین یانک لار  
**حضرت شخ نیک** یا فاق و غنچه سی لولوبال غنچه قدم توید لار و موخه  
 بولناز الی لوند بابک کید لار ارسه هر غنچه غنچه تو شیک ضیاء  
 صراف کیدل دور میس دیب متقبل قیلد ملار کوردیلر کم عجب لیت  
 لمرسه و اینکده کیفیت لار شاده قیلد ملار بر لار که اید ملار  
 بولکرمینه هنر اوردور کم لونیو منیده کوتا ریب شمره اکر که غیر و  
 دور که بعدل یا غرقواق بر لکه از رده بولغا اکر اید تحت لستور  
 بخول اکر مصلحت کاتفاق قیلد تحت روان خیر اید ملار شخ  
 انکا اولور غوز دیلر و زنجیر لارین بولونلر لایفه با غل با غل اید ملار شخ

اکره الیب اودی لار اولون کچک لار ملار زمت ده ایدر دیلر کونکون  
 اکرمت لار کورد ملار و بولر لار نیک که ایش ایدین بری اولر ایدیم  
 دین یالغان بیلیس دریا یی امو نیک سوی موج اوردو معمورده لار  
 نخراب قیلغا اوردو زراعت لار ناسادنه تیکورده سنه خنجر حضرت  
 شخ نیک ملار زمت لار لیک مدد استعانت تیلاب برده لار ارسه حضرت  
 اید ملار پسر تراش پیدا قیلنک لار اول ایدر دیکه ستر تراشی خیر قیلد ملار  
 مبارک باشلار نه شورد ملار و دیلر لار غنچه بولور دیک موساج نیتیب  
 دریا غنچه بر کس و انقیض ضیاء ایدین دیدیم که نه ایدین انیمه اوز قیدیلر  
 قیلد دور ملر بولکرمینه خا کوردی دور اوز بولچر روان بولناز قوب  
 بلوق ارسه بر دما القوم دور که قطر سوقا لاس و اینک من اثر خیم  
 اول ایدیم و رویش مرکل مبارک ساج لار نخی دریا لیک ایلتی خیر  
 شخ نیک حکم لار نخی تیکور و ساج ناسوغه سالی ایدر سول لایفه  
 دریا نیک سوی اوز قنیفه تو شته خلایق سول کیدین خلایق بولولر  
 عاقل القیاس نیه بر بیلیس ضیاء سوغه لعلی لولم اسمانین قطره سو  
 یا غنادی و چشمه لار قورود و اقیان سولار منقطع بولکدر ارسه خلایق نیه



حضرت شیخ قدس سره از غزوه کسور در بار حضرت شیخ بلند زکوة  
قول کوتا ربیب عاقله لار و اوز که لار ایتن ویدیل رسول است  
تعلیمت قدرتا و له سولار و لار و ایتی عاقله روانه کو که و استکان  
یا مغور لار با غزوه لاق لار و سولار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
تور لول (ا) است لار و وقوع نه کیدل اول وقت شیخ ایدلار ای منی  
نه او چون موجب عاقله سولار که وقت غنیمت دور و وقت تنگ  
و بنا سنی کثرت و بضا عت از دور فقر لار لار و ایتی عاقله  
تا نطق لار لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
قیاس و بیلل لار که فقر تنگ و جهل لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
ایکس دور حضرت شیخ بیلل لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
مقامیده به لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
کایتی لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
یا و ق کیدل لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
و لمتن لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله

بر هفت

بر هفت ده بر مرتبه اوز باران لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
لحی اندن کین اول و منقطع لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
از اوز لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
وین تربیت تاتی لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
**فصل سیکل کم حضرت شیخ فی الدین قدس سره**  
منکشت تربیت اعلی و تورت خلیفه بر پا قیدل لار و ایتی عاقله  
قطب لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
تاج الدین دهلوی ارد حضرت شیخ بیلل لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
او لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
تربیت قهرار و لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
ام شیخ بیلل لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
توتیلار و لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله  
و اذ ایت و سولار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله لار و ایتی عاقله



و طیفه لاری دو چند است قید سر غزلت خلوت از اوج بر آید و در وقت  
 و مجامع در تور است حصه بر آید و لاری اول کو نیم قطب است و در همه سال  
 بر زمین مستدیر او لاری که از سه خدا است یعنی خداوند قید کم هر کوزه الیک  
 یوزر لغت ناز او که می شود عدد او را در تور در منورین او را در یافت  
 بار او که می شود سیف سیفی و بی سیل منیب بر که کتخ و طریقت  
 نیک بار و حسن طی قید سر غزلت در من ناز می شود معلوم بود که و بلکه در من  
 هم پیدر اندن کوزه جمد قید کم قطب است مقایفه مشرف بود که  
 او لاری و یک پیر نیک آوری قولایفه کیدر که ای تاج الدین  
 سنه قطب است مرتبه سی که بود که تا نظر است و قیده متوجه بود  
 خبر بود لیس که خبر بود کم ال و لیس که بود که در ریزه که اول خانه  
 او زونک بود که در مانده سین و او را که باقی سین و که او لاری  
 دیدار منول مرتبه که موقوف و در چون بود سوزن این است و در من  
 و سر در حاصل که بود که لاری لاری مقصود و او بود و در فریال قوتی  
 استعداد در است قید سر وقت معمود و منظر او لاری اول لاری  
 و عده مبعاد یعنی اسر به خلوت که ای لاری لاری عجب لاری لاری

دور لاری قطب است لیسین خبر قید است لاری سنه از او به هم لاری قوتی لاری  
 و اید لاری ای تاج الدین محمد لیسین لاری سنه لاری لاری لاری  
 سره الغز فاجحه الی اس قید است نین کین قطب است لیسین کیدر  
 ای سه خبر مشایخ لاری لاری لاری حقیقه فتح فاجحه سین او قیده لاری  
 سوزنه اید لاری ای تاج الدین محمد قطب است مرتبه مبارک  
 مردانه بود لیس کم لاری منصفه او نیش سل باه قانوک و در است  
 خداوند تاجور در دوق و بزرگوار کون که تا کفاری جقه او سه لاری  
 بشره کیدر خط هر بود و خلیفه لاری لاری منصفه مستعد و میا  
 بزرگوار نیک مرتبه سید خبر تاجی الیکری کیدر که با لیس قیده  
 او سه سنه قایدین معلوم بود که خلیفه قدس سره الغز نیش لاری  
 نوزیدن دید و بزرگوار غه بمرتبه حاصل بود ناندن کین پیر نیک  
 جنت بوی غه کوی و مع عالمیده باطنی نور سبزه کوی تهر نیک  
 و ملکوت عالیه سیر قلندر تاجادی اخ الام غایب انلاری قشور  
 او سه لاری لاری اسیده خبر تاجی و سوزن لاری بزرگوار او ز جاجین  
 یلبار که مویجه قاجاق نه او چون دور سنه اید لاری لاری غایب و انلاری



لاریله عالم ظاهرده جمعی کسلی ایدورن عالمده معینده براق اولی  
 اکره کورون غایب الیه کولکده حاضراندن کین ایدیلار اوز زینب  
 درویش ناینجی تربیت قیافیل و کیم لار منیل طر فمک کسکس نزل اولار  
 شمع نیک رخصت لاریله پاشا اوسه کوندرن نظم خلق کولده و کیم  
 لار اوز پیر لاری ایدر تا یقین قیافان مدت افریفه نی کیم اول  
 ایدر ده بومدت ده آتیه اوز نشی تربیت قیافه اوزن بشو نیک مرید  
 بروریش اسلامی و اوز لاری **حضرت عثمان غنی رضی الله عنیه**  
 لار مدن تربیت نایب کیم و اسحاق علیه السلام نیک خلق یار ایدر  
 صلو آه ایدر علیه کیم بر نیک ملازمتی کبار و ایدر آیدر کولور معین  
 کولور و یقین سلاکون مدت لار تمام بولور ساه منک کفر قضا کیم  
 دور رخصت ییلار ایدر و من حضرت شمع قدس ایدر قیاسه ایدر  
 ایدر لاری آتاج الدن محمد رخصت کولور کیم اولی کولور ایدر کولور  
 بولور رخصت کیم حاجت یوق دور امانا کیم هر خلق دن بکل لیک ییلار  
 کیم کسلی کیم ایدر کولور ایدر لاری ایدر صاحب اول بولور کیم ایدر  
 خدا دن اوز کولور کیم ایدر کولور ایدر کولور ایدر کولور ایدر کولور

بنکره ایدر لاری اوزند اولور غیل کیم لکیم غنیمت دور اول کیم  
 غایب ایدر لاریله صحبت لاریله ایدر عیال صبح اوز جماعه س قیافه  
 کیلیب نماز ایدر اوز جماعت برله اوتادیلار نمازین کین شمع خلقی  
 غم خیر ایدر لاریله ایدر خلق یقینده لاریله اول وقت غم دور ایدر  
 ایدر ای یاران لاریله اوز ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
 نیک لاریله ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
 بزرگوار حال ییدور کیم ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
 قسطنطنیه لاریله ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
 درویش لاریله ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
 مویس رله بولور لاریله بولور و عده کوندر کیم ایدر ایدر ایدر  
 نیک بولور و غنای قیافه لاریله ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
 و نماز ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
 ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
 اندن کین ایدر لاریله ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر  
 قیافه لاریله ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر ایدر



افو کسور و دینیک لار دودم باره تصدیق تارفاق چه چه اولور حنک  
سیل لاریل اوردوک و حقوق درمیان دور نماز عده بولاق اک  
جون خلاقی موسوزنا ایشته لار ارسه بولاریک ایدیلار که سنخ  
بولوب که ندان سوز لایه در **حضرت شیخ موسوز** دین کین یان  
خلوت اکمره کدیلا و خلیفه هم الدین ارقالار دین کدیلا  
حقیق سلا رای بارانلار روشن کونیرم انکفوکیم که مبدل اولور  
باز قدسی عالم لایه تیغیه پرواز کور کور دی مرغاب قنات قوروق نیم  
لغیه دریایی پایا نیده سر اداسه قالدی و افتاب جهان تاب سیر  
لار بکیندن ذره نیکنه متعاضین کومار د و کومک میکنیک هر خیر و نیک  
اسلمد قورونیک لار که اولور قاق خمه محل یوقد و تانیر قیوق قیوق  
بو مقدار سوز لار خلاقی نیک زمینیه قوسمی و سوز دیلار که ای هم  
واقع بند و راف صرح و روشن ایتی ارسه اول وقت ده معلوم  
که حضرت بزرگوار عالمین رخت کونار یب لکن لار خلق دین موسوز  
حقیق و دماغلا سینه دود لار اولور که خلیفه هم الدین ایدیلار  
چرخ نعل نیک جانی یوق و در زیر که و کت و کت فر اولاند و نیانی

مستفی

مستفی دین خلاص بولکه حقیقت منته لیده اسوده حال اولور  
خوشحال بق مرله و دین فنیاق اراک نه خوشی دولت دور اول بند  
موسوز ناپس عمری اکمره اول بولسل قطب لسه لوم بته مرله عالمین  
بزرگوار نیک طهارتیه مسقول بولکه و غل انشاید بزرگوار اولور  
اولور دین نسل تمام بولموسوز اعضا لاری سوز اولور اولور  
لبسین املکی مرله کینه سرائین کین و راز تار ارسه خبازه کس  
نماز اوت و سلا و مبارک خبازه لاری تمین و بولکه قلدن قلدن  
کوردت لغه الیبت غونجه آق بمر بته قوروب اولور اولور **شیخ**  
**الدین** خبازه پاینده خضرا و سلا راسد شیخ بزرگوار بولکل بطاوت  
و اضطرار و ورشخ تلی غه کیدیل سلا راسم الدین بولکل باغ سوز  
یاتای که خدایتعلی جل جلاله بکام و زبان ایتاد و رک ای تاج  
کسل من سیک و دین بو وقت ناجار ادب بولکه قیم کور لوز مال  
خلاقی موسوز ایشته لار حون لجه ده قورید لار ارسه قوروب اولور  
ام سلا رانا جده انا الله را یعون اندین کونیه اولور لار سیم  
بایقیت آلا خلاقی دین قیدیل سلا راسم هم الدین بولکل اولور







سق دین کین اول کمره یی که یکتا نه یردن بولورسن ایتیل  
 نیز و بر زکوارا آید و بکود یار دین دور من و اتم تحقیق دور آید  
 انا ۱۱ اقلو قید من ناجار موندانغ نرسه لار اوله اوقات کچورون  
 اول کشته آید نه خسته ایتیل اریکان زکوارا آید ای خواجیه بوات  
 قید ای خوب در که خسته سق بولم یادی بولورسن در محل ایتیل کچورون  
 قه اغیر کیلا دور اول کشته آید ای یکتا اگر خط هر ده سون زان و  
 اما تحقیق نیک مغه سی باره قید غور و یکان بولور زینر که اگر کشتی  
 فعیل و زینده بهلسمه دور بولور و زان کله ای اسم فاعل نیک زینده دور  
 او بکود مغه مقصود دور و بیکس کله بوات اوزره دور عالم  
 غیبی ده ۱۱ همه نرسه لار کشته ده و ملاکوسی دور و غیب بولور لار  
 باره قید غور دور و جمع علم ظاهر من و علم باطنی بولور کشف قید لار  
 و اندر ده بولور علم کتب رای یکتا دین همه استحقاق و قابلیت بولور  
 بونه ایش تو در اختیار قیدیت بولور اید ای خواجیه بولور قید ای  
 بولور دین بچاره یکدن بولور ایش قید من اول کشته آید سق  
 قید ده بولور کین مو که خسته آید بیت قید این غیب علم لار بسیار

این طاهر

تعمیم

تعمیم کاین ساید که اوقات نیک موندانغ بهراق کچورون دور بولور  
 اید لار ای خواجیه اگر موند قید نیک عین عنایت دور و بکود  
 حق سبحانه و تعالی قیدیده اوج تاب نیک اول دور من هم بولور  
 کشته آید دور اید و تا پالاس اید اول اید که جمیع اوقات  
 زکوارا اول کمره ملازمیتده بولور ایتی سل اگر به پیدای  
 علم لار زکوارا دین در نغ تو تاکد یتیمی سل عالم دین کنی و بولور  
 انجده اول سوز خدمت و ملازمت قید علم خط فارغ بولور اول کشته  
 نیک قوت جازیه سی و صلابتی دین صرف جکیده بهج یار اید بوات  
 اید و حق که ایتیمی هم سوکدر تاکد و بیکد کله آید دور و اوستاد  
 و فائیدن کین علم جفوه علم قید اوقات کچورون اوز لار بر بار خج  
 زیاده بولور کون و دفع دیکر بیک اوجون بر سیر کله بار کله  
 اتفاقا کدر سر کور و ستان لیتی غه نوشته لار کله اوستادی نیک  
 کور لنده اید کور بایسته اول سوز و بقم و آن قید و خج  
 سوز کله خاطر بفرماید کله ای تحقیق بولور اوستادین نیک کور و  
 کله بچندیل عمر کور بولور علم لار غم علم اوقات کچورون اید کله



و علم دنیا بقدری که بولک فایده قیامت و پستی می رسد که رفته رفته باید که  
 یا لوق طهر اوله در که رفته رفته فایده قیامت بولک و پسین  
 عمل قیامت عاقبت او بگویند بولک و در رستبه اول کورنادر که  
 جیل لاری ترک اسلام می رسین و علم غم عمل قیامت می رسین که دنیا  
 باید به باغش غای و رفته رفته نجات لوق سبب بولک او بگویند  
 اردی قول قیامت او از کبیده ای حقیقی خوب خیال قیامت که لوق  
 که بیک ن قیامت می رسین به نماند الشیب نجات لوق که و موند که  
 مدرسه کنجین و مطالعه که مفضل قیامت بر سه زبانه قیامت  
 دانش مدرسه قیامت در سن مندره اولتوردی و اولن سل مدرسه  
 بولک در نین لیس نیه بولک هوای سیر کینه لوق ای و سه نین  
 و سیر قیامت که ظاهر لوق قیامت لوق زیارت قیامت قیامت  
 او ستادنی و فن قیامت لوق لوق ظاهر لوق کبیده لوق بولک  
 قیامت قیامت و او ستادی قیامت لوق لوق اولتوردی و اولن لوق  
 و روح جنی قیامت قیامت لوق لوق کبیده لوق لوق قیامت  
 بر توردی و اولن لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق

تشریف

تشریف کسور دوک و قهر نیک صورت با آرواح لاری شادمان  
 لاری نیک نم بولک که من غم لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 قوت بولک که مندر لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 و نر لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 ختم قیامت لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 نر لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 نایب لوق که حال نین و روبرو لوق لوق لوق لوق لوق  
 و اباید بولک و اول لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 مقرون بولک لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 نه کنی لوق و اولن لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 عمر لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 عزیز کرده حق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 نیند لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 علم لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق

ارواح قیامت لوق لوق  
 رعد لوق لوق لوق لوق  
 ملک لوق لوق لوق لوق  
 ماهی لوق لوق لوق لوق  
 و در من لوق لوق لوق  
 قدح لوق لوق لوق  
 قدح لوق لوق لوق







یعنی با عمل دنیا ده غنت و از غنت ده سرافت دور و ای اول عالم جانفیه  
که علم تو را عمل از دور آید مولانا اگر پیش از این رسالت را وقت تو بدین  
خواه لا شکی علم که بس و عمل لازم تو بغیر و بی غایت بودی و سه سال  
که تو لکها که بوی سوز را در آن مشور شراره لا ترا نوشتی و بس پریشان لطف  
و کت بود و از یک آید ای فلان به مع پیغمبر مبین که قصه سید و روح  
بخش و در سبکس که بوی تنیه غلیم ای دلکمی واقع آید من بعد از تو کند  
بوی غیس و از غمت تنید مصاحبه قید غیس و بی آنکه آوی که کیند و خوشه  
اختیار قید رقصات مشغول را بیابان بافت پشته ای و جی بده لا زنی  
لا زنی آید اما علم طهر در بین هم ترک قید آید اول تو علم که نوز و در یک  
و کچ لا در بافت که مقول بود که چون اتی ای مونی که بر لاله آید  
اوسته مطالعید سبب فوق پستی و در که حبیبی نه و تصنیف ناله آید  
قصد علم پاک که در ده که را بخول که علم که ده سبب فوق که در من سبب  
خط واقع که در من ای قیامی که بونق سبب او بود که در من سبب  
بر ز تو از خوه اکرم که در آید اسلام عید با مولانا بر تو آید  
و عید اسلام و بی تقیم قید در معانی واقع بود که در من سبب که در

سورده کم چال نیر و بز کوار را می ای پیر و لشک باغ نام او کوه بود  
کوار رسن اول پیر ایدر عینک ایل و انانین و تشال ایل غیل بز کوار  
ای پیر و لشک باغ بن اکیس اما بمقدار خط میفتی کم جماعتی آمدند  
استفاده قندور لار کرد و بوزمان اولاد بستند و از دم و سن قوی راق  
لورسم بوانرک نفس که تفادیت قیلادور لوق ارسه حکمت خداوند کرد  
بیکبار ه یا بوصفت مندن غور طرف بلدی پیر اند ای مولانا یا یکیل  
منده یا اڈل کبیر ادا میدی خواه لاید و رکه علی کشف است قیلید  
قبیله رافعی و خوشنودین مولانا **اینگوز کوار** ای اول میره بلدی  
لک دور اول کرد که پیر قوتی دن چم چمارد و نقه مشربه دن صفا  
سو قو و جان بز کوار غه کرد و ایدر ای مولانا اچلیس بز کوار قو بولیم  
تکامل پیر ایکس دن برده تار و دینه تو سقادی انام برده سقادر  
پیر اند ای سختی در که دای لایق باب قند بیلد نیلگو کم نه دوز بز کوار اند  
بولیم قوی رد و تشالوق کولکون اکره کوار دور سن اول پیر اند بیلکون  
اول جیا علی طبر اکره و رکنجس علی باطن و حبیبیانه و کما سنه علی ظاهر  
و علی باطن و کمال قیلد کم ربع مکنوزده مانند نیل پیر ابو لغوسی دور



ایده هر یکی علم خود را در علم اهل کمال است الله تعالی دنیا و آخرت را  
و مقرر بولش شول لحظه غنایتی به ملت کرد بر کوار خود مغنی لار  
کشف بکند اندن سوزده مطالعه سوزد سستی اوسه علوم غیبیه خود  
لور کوزد سوزده علم لار اندن کوجه که میسر بودی اندن علم ملکین  
علم اجاط سیدین زره ستمکار قالد تا ایک سل بونو عده لغج اما کیش  
لور لیدین خبر دار بولک و بریز که بر کوار حتی لاملکان احوالین مخفی توفیق  
کوشش قیلور را و کوار بر کوزده خطر یغیتی که نماز جمعه نماز عشا و قیام  
بر کوه مسجد جامع کوار و ایره علم اتفاقا کوزد لار باز از یوزدیک کوشش  
و روی باز کرده تاش و حاله بولار دین بولک همه نه که بار اوسه و اوز  
لار کوه مقدار چه بر کوار خود تعلیم قیلور ایره کوشش خلقی بوجاله کوزد  
بر بولار یکاید سل زبانشیکه انیمه کوه لار بونوع قیلور لار علم جیتیدن  
و یاد بولش لولار اق خلق منور که آید و یلار که بولش و اوز و یون و سوزده  
سلانیه سوزده و لور کوه تعلیم بولک مضیق صلی سلان رحیم بونوع غر زهره  
بولسه سوزده رانیک دین غافل بولق و شاکد لار هم کوشش بولش  
الحاصل مسجد کوشی لار حون مبهر بر کوار ز کوزد بولق قدم الدنیه







ای درویش عالم هر بنهر بهر که تیا کس سین و هیچ کشته هم تیا بود  
 و سین هم منتر که تیا و چین و شیا طین مبتلا سی بود کسین زینرا که  
 نادره صوغه لارا آقا بر دور لار و عوام لار من اسلام نیک و نیک  
 و تب لار چنانچه ایستاد لار **جمال السوفیه قطب العارفه**  
**و عوام مهم اصول الدین** بسو و میک اول مقدار علم لازم دور که نیک  
 بر له لول تا توغی و دو کسین لار دین خد رقیبای اکر او بشوینا  
 ارادت دولت که مشرف لالاب هم بار ستول مشغول بود که کینه  
 و غر و ول غظم دور **سکرت خفیه فی الزلزال** او بشو مجلسی در دور  
 نقل قلیب لار که مرد عاشر شیخ غانبت قلیب مد بود که و مدینه  
 تاریخ ابر سه کشف چن مرتبه سیکه تیا اول عاشر کشف غم مذکور بود  
 زلفه بود که و پیلایم چن انک غلبه قلیب مد چن لار شاره  
 اداره کو که و همیشه اوزیکه ایتور ایر و یک ای مقامات  
 لایا و بشو لاله کال که درویش لیک میسر بود و بر نه خواجه لاس  
 خال لایا تا خیر حاصل بود و در و بهشت که اوینا لار غم فتنه میسر  
 بود و نوس دور منک بودینه حاصل بود و بهشت حوران بهشت که دارا

موجود دور لار فقر نه دارا لغزورده هم اغوش تو دور لار لوق اسر  
 مامور با هم غلار و مزین عمارت لار که منک حاصل دور بهشت و نیک  
 نه اجتناب دور لایدی نه او چون پیر نه مقصد بولایین بهتر او که کشته  
 تو لغای من و حیا عتی نه مرد قلیب من و اوز و چرخ لغایین کشته  
 موجود مرتبه غظم میسر بود لیک پیر نه نه اجتناب جرق لار و نیک مد  
 قلیب لایون دب کشته اختیار فتنه و شیخ یقین ده بود لایون پیر  
 کناره آدی و شکار ترک اسلاد و چین جماعتی دن بختن آدم  
 بود و کلب انابت قبله طار چون موز که آدره و غم اعتقاد  
 قوی راق بود که و جمالت زیاده را که بود و بهشت که کجایم  
 عالم هر دن خبر تیا لار و باطنی ده معلوم بود که اداره چن و فتنه  
 شیطان بود و بهشت پیر غم که رقیب قلیب لوق ایزد دور و با و فتنه  
 هم پیر کلا بر مرآت سلاکی اول اورد که **سکرت خفیه فی الزلزال**  
 باریک دل رانده در که بهر بخت نه بوینی با غلبه قلیب لایا  
 ادب این که افک کیکلای اکر کیکلایه شول بلا بر له عالم  
 و توغ غم کفر بود و نوس دور که کشته بی سعادت دور که اولی







تمام بود و شیخ قدس اجتهاد حق مودور اما بهر نیکی رخصت بود که شیخ لایق  
 اول زینت کسوت کم من رخصت بر این اندک سوز که اختیار او را بکشد  
 دور اول درویش باریب یوز حیدر لایق بود که او بگو سوز من لازمه است بهر  
 معقول فیکه اول نایک ضرورت دین قبول تمام نیازمند لیک بهر  
 الله یغفر لیکه سر مرید چون لار دین املی چون نه هم راه قید سر من شیخ  
 بجز دیاوق نیش ن هجا اول مرید چون لار شیخ کور آه سه قاجی لار  
 بابد خجست آرقه سی فیه آادس هیچ قیسه نه کور ماک **الفقه** شیخ الکلفه آاد  
 چون شیخ از کور دیار آه سه کور بیدیلار کم ای فلان السیب دور منده  
 شیخ ابوبکرین و مرید الیب و ریش قیدین مبارک اما بهر نیکی حیات  
 اجازت نه شیخ لایق قلیق درویش طر لقه سید کجول رود و در سلسله  
 انداب کسوت رود که اجازت بودی من شیخ لایق قیدین سوز نیش لایق  
 بود بود اما کند سوز در کای البه انه ترلی قلیق غیل که قلیق نیش  
 نیش فتح کت و لقی انیل د ترو مرید لار نیش فیه هم اور کای لیس تا اول  
 ریش کور کایات فی صیفه بیک ی چون شیخ دین بوسوزن ایشیه ریش کور  
 با کور و در دین حقیق و قوبو بیدیلار کای قلیق سوز هر نه زمان امان

بیتون تسلیم

قیلا من شیخ اما سارا ای درویش هر وقت که شیخ لایق مسندیده اول سوز نیش  
 و مرید لار نیش بغیر لار و با باغ عمارت پید اول لایق و التون طبع لار ده  
 کونا کونست لغت لار لار نیکه مصلی لایق و مرید لار نیش کونست لار  
 اوج مرتبه سجان اصد و یکیل و لور و غیل کم مرید لار هم و سوز نیش  
 اندک سوز نیش بهر نیش نیش قلیق تسبیح زبیدی به تیغه کسوت کسوت اول  
 عجایب نیش کور کسوت درویش بهر خوشی لار شیخ ملا زینت دین  
 بر لایق حقیق شیخ الکلفه دین سلامت بقیه صیفه سوز قید و خوشی  
 لیک بود اولیک مارک شیخ لایق مسندیده اول سوز نیش مرید لار نیش  
 و اید مرید شیخ بوز کور بهر نیش نه ویدر اول یک من مبارک و لایق قلیق  
 ارش دفر رخصت کرد و شیخ لایق خرد سوز نیش و غر سه هم اور کای  
 اما انه اتحاق زمانه معین کای موقوف قید لایق لایق شیخ الکلفه دین  
 سلامت صیفه دار دین کور قوبو کای دای شیخ معلوم اول لایق بهر کای  
 لیک لور لایق و خوشی لایق هم دست دیک نه بود کای بود خوشی  
 لایق بهر باغ سیر قلیق تا لایق لایق تمام دفع اول شیخ لایق بهر  
 مانع بود و در موزن کین شیخ ظاهر صیفه سوز و در سوز نیش

ده







او مستود و در کم کور ارسین اوقات بود که مشهوره قیلا سین و مشهوره  
 دور که تشریف کستور و ذک شخ اید طارای کراه قان با غدا معموره  
 و عمارت با عالمه فلک بیل تارتقان و قهر لار خدمت کار مرد لار و  
 طبق لار و زنگارین طعام لار قیان کتی و اید کتی باز کور اید هر نه قید  
 خط قید هر نه کور و در جفا کور و در هر نه بدیم جلاید آید هر نه  
 تشوین رسن که موندانغ هیچ سر کول تا بالاید و رسن و مهال و همید  
 لطف عینک و کله بولکر امغه ریمینک عند الله ناجور و عند الله  
 بولغولی و در هر نه اصل ده ریمین حقیقه سین و مینک دولت و جفا  
 بیکم مرد و چین و شیطین نیک و بی کله اواره و سر کور و بولور  
**حضرت شخ نیک یاقی** بقید کله از سر قید سر شخ اینک جالیغه  
 زک اسلامه طارای فلان موسی کله بولغولی کله سینک سینک  
 کله کونول کور کله بولوق و در لول کور مارماق کله سینک جالیغه  
 بولمقدار رچ قیلای کله عصا و جبر کله نشانه ایلائی شتو و جالیغه  
 و تاتار جبر قیلای کله سینک و در جبر کله و تاتار کله  
 هر مشهوره کله تا یقول و در ویش کله لار چون او یقول وین او یقول

اوسه کور و کم هیچ کله سیراق انا معاینک از سر خود اربول هر حضرت  
 شکر بسیار و ثنای ج شکر ادا ایلا و لول نه لول کستور و اید  
 یول یور و بول کله جسته کله هر لول سر غل و لول رت قید سر کله  
 رتعت نماز ادا ایلا و کله جتا هیچ غل شتو ندان اید کله معاینک  
 روان بولر کله کله کول یول ز پیر سر نیک قوت بولر از وین هر اید  
 کونره کیده سر پیر سر نیک ملازمت غل تکی اید پیر کله بولر و ای غل  
 اید هر و در کله رول ای مقصد آروزه رول محو مطلق و در مینمای هر  
 بدولت و جکافات مردود در کله و ذریغته شیطان کله راه بالکیده  
 بولیدین حقیق کله ن من و کله کله کله معلوم قید کله من کله  
 بولور کستور و ذک و بولر یقول کله یقول اید و نیکه قان روان بولر  
 جونس شخ اینک او بولر جالیغه رچ لار کیده سر شکی بولر دین توبه  
 بولر دی لار و ارادت قیدین تازه قید سر نیک کونره در ویش کله  
 یول بولر آروزه ویش غل بولر یقول کله اول کله اید جالیغه  
 موند کستور و بولر کله بولر یقول جالیغه لار و تاتار کله علم وین  
 نصیب بولر اید و چین و شیطین غل موخه مغلوب کله اید اول کله



غم ترغیب قی ق دن مقصود و اولک عالم هر چو ک لولسه هم چین  
 و سیمایین غم آنچه مغلوب لای دور **القصه بزکوار** جابل لاردن  
 مرد الماس اسر و بر تقدیر الهی لارنی تیب قویا ریر و لار  
 المی مراتبه ادا ایکا لار ک نظر لور اسر و لار ولایت نوزیر سلول  
 لارن سیر قیلور اسر و لار اکر اندک خط و خلل واقع لولسه غضب کله  
 تنیه نمی قیلور اسر و لار و لوزیل مونیک بر لره او کون خلوت ده  
 اسر و لار کم **حضرت خواجہ خضر علی السام و حضرت خواجہ ابیسیل حضرت**  
**خواجہ ابی الفیض علی صم کیده** اسر و لار آشنخ مولانا مشر و سکه کم  
 سلول مقام لارینین خواجہ و اولیا لار مرتبه لارینین خیر اچینا  
 عطی قیلد مشخ ایدلارای خدائیک ک کتوره لارین بنده عاف دور  
 بخول بودالت عده کیدن جفا لور من ایدلارای عده کیدن جفا  
 خدا تعالی هر ک لور مرتبه سکه نصیب سیماس اسر و پیلیم که اولیا لار  
 لور مرتبه ک تیمادی لار و بالقی لار مس الماس دور مردانه لولیس  
 بلند لولیس و جقی نه و لغیا غم از دینک م کور غیبت ید که استغنی  
 لچر اول اسر و کم سچ مشخ لار و ج عود اولین لار جمل لولل لار و قطب

بکین **حضرت مشخ قدس سره الغر غم کیده و سلا** و فیکه او قویا  
 و جمیع ملک ملکوت ایشاننی ال ک تفویض قیلد لار همه تراست لار  
 حضرت مشخ قدس سره الغر غم کیده بر لره خلوت دن جقی لار کم اسر  
 بر سر سه الدلار لیه کیده نظر لولل اتفاق یا وق دوار دین قوی  
 قیلن بر کدک بار اسر و ملزمت ک کیدیت مدید منتظر تور و بیدیم  
 حضرت مشخ جقی کیدیت کور لار اسر و سه منتظر نظر لولل اول کدک  
 شول ساعت مقصود لغیرتی و زمانیدن سوزده کدک در ویشل  
 و ریافت تار لقان دلیش نظر استی قیده میل لاری جید برین  
 عقبت کیش و محبت ایشل لاجمل لولل کیدیل اسر و سه حضرت مشخ ایدلار  
 ای نصیب فایده اسر و لار کم نظام الدن ولایت ک است بودنا  
 بر لره ارادت نظری مید اینده ایلی ناجار بنر لار انک مطیع زمان بود  
 بولاق کدک او اولین لار ک خلیفه پیغمبر یاق ک لیش عزم خسته  
 کیدن شول انشاده در ویشل اردن بر لره سخت تار و استای بر لول  
 اولینین کدک مرد و ریح چاره یوق کور اما اراد بر سر سه بار تر و اول  
 سر لول کور کم نظام الدن بر جیم باش کور و موندن الوغ انیشینک



سیدین چقا لور موکین شیخ بوسوزدن فیم قیلدیم طبعی بنده ایملار  
ای اتم بیکسین کیم افتخار نظر اتقی کیم کاتبش قیلدیم سعادت اوچینده  
اگرچه دوزده دور غور سینه نیکسین نور باغیشلای حوکه مسکن التمسین غنیمت  
قیلدیک و باریار فیت تارینش قالدن نظر کنکه تعلق دور دسینه  
نظام لکون غم تو شوم اینک بیکسین قوس قلیفیل و یا لغوز تو غایب و غایب  
عاج و درویشلار اینک مدوی سوله تربیت یلکسین و اون کون شینک بیکسین  
غنیمت سناغیش و بی خلوت کایانیر لار اون کون قوطب لور دیلار بولون  
دوشاخ اتم سوله خلیفه نظام الدین زرتبت قیلدیم لار سنی قوطب  
مرتبه بیک سیز او دسیتی وینه سنی خلیفه لیک لایق اسلام دیلار چون  
معمود کونلار تمام کولک ارسه جاکت و قتی ارسه خلوت ده اولتور  
ایر دیلار کمر سه خلوت اشک کایلیب عزت یلک دوشاخ اسلام رای هر قدر  
اما لک مصیبت لوقده و یا فین اول کشت یانیر سرنانیدن کین بنده لیک  
اگر دسوز بار مودا کونان شیخ بولادیم لار کمال حال بنده و اول کون  
توبه یلک اجتی لار ارسه کوردیم لار کیم یا سینی لیسینغ اعراف کورد  
شیخ کورشیجهان اسلام علیک یا امین دیدیم شیخ ایدیم لار علیک السلام ای

الاص  
قافض روح

قافض روح الامین خشیه کیلدیم کیم انظار لوق کوز لاله ایدی  
تا که لور یاکسفت خانه کیده بولوب نفس بوار کیده لور امانت لوق  
قلماق اک و موندن زیاده امانت دار لوق طقت لوقده و در حضرت  
**عزیز علیک السلام** ایدیم لار ای انصاف لوق بنده کمال انصاف و حق  
بنده لیک قضاغه تسلیم اولسون و در شیخ ایدیم لار ای مقوت در که زمانه  
بر کس که مشک یاران دنی و بوار دسینه دین سی بار دور لار اولار غم خیر  
ایبار آنا خیر بولسون لار سر سبز دیدارن کورالین و رضایق ایند دانا  
قامت قالدن حضرت عزیز علیک السلام ایدیم لار خواه لاغاشی  
اول ایدیم شیخ بولور حضرت عزیز علیک السلام نیک خضعت و کیم یاران  
لاغیر بر کد لار هم لار فری لایقیدیم لار شیخ قدس سره بار بولور  
لار دین فرستود لوق یلادیم لار دوز لار کیم خستود لوق لیدیم لار شیخ  
بولیم لار دوزده خلیفه قلدیم لار دوز قد و کتار و عصای بار بولور لار  
انک عطا ایلادیم لار و ایدیم لار ای نظام الدین هر وقت که درویش لار  
ترتبه لور نیک خفته کیکس دستار نه باشن غم تو بغیر اگر اودنات  
روز کدرون هر نوع ایش پیش کیده نیک غم عصا القیل تا قوت باغیشلار

خداوند افرین زده



وانشاء گشته ده بولور دین خلوت اکره که دیلار و طهارت کیم  
 بجا کستور دیلار و ایلج رکعت نماز شکانه ادا ایلار و ایلار اندین  
 کین سیم بهین **حضرت عزرائیل علیه السلام** **یک کن رو لاری**  
 حق غه جان تابشور که لار و تازخ قه آتی یوز بشور که اچیه  
 توقف تو قوز یاشده وفات قیلدیلا رومده عمر ده اولوش  
 مندا گشته ارادت که کستور که لار و بجه لار و ولایت مرتبه که  
 تیکور و ایلار و اوز که لار که ترتیب دین مجروح قالدیلار و قیل  
 خلیفه بر با قیلدیلا و اوز لار **حضرت خضر علیه السلام** **یک کن رو لاری**  
**ترتیب بی ایلار و بقیه السلام** **یک کن رو لاری**  
 کین بر و تهمیده کوردم ایدیلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار  
 ایدیلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار  
 را قور و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار  
 و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار  
 خلیفه لار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار  
 مسندیده اولور و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار

کین

کین و صیت طهره سی که سنخ لبق سجاده سیده اولور و و جمیع  
 ترتیب قیلور ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار  
 بولک مندا گشته ارادت که کستور و مقام عالیسه بار اکره و ایلار  
 اولونخ کامت لار و طهوره کیده لاند ایلار و ایلار و ایلار و ایلار  
 هول میوه تروی و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار  
 مبارک قول قیغه اوز ایلار **ای نظام الدین** **بیچ ایشیکم**  
 درویش لومرته که بیب قیلدی لبق لکین میسه بولغان دین سونزه سین  
 نیکلیغ سیخ لبق سجاده سیده اولور غای و بیلک که بود و ایلار  
 درویش لیک مرتبه سی نیک کالید و رکه ترتیب و خل لولیه ترتیب  
 اکره سی با خط مقصود و غه تیسره کسین عالم طهره ملکه مغفله کالید  
 اکل اکره مغفله عالمیده هر کون طواف میسه و اول اول اول اول اول اول  
 ملکه مغفله کسوفیک ازوق نهر اولان سپر لوز درویش بر لوز لوز  
 درویش را ایدیلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار  
 قطع قیلدی ریشتر بیستم قیلدیش لارنی ایلر غایب دیلار و ایلار و ایلار  
 با خدا ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار و ایلار



اولا غنیمت بر سر لار کم درویش او تو دور کم حق سبحانه و تعالی  
رزاق لیف جان اعتقاد قیامی که اکادینا لوزیده کردن هیچ  
اونی سه دور رفت لار بر کایت رسته آسمانین قطره یا نور یا غنیمت  
رزق کم بنده لار باره کیده مقدر دور هر کم کم بولاسی زین که رزق  
صیغه مبالغه دور رزاق دین بسو بوجل اندیشه دور کم هر کم کم بولاسی  
بولا غنیمت دور و بیرون و ان بولیدید رجوع که مذکور  
افزاید کلیب که حیاتی ایر سه منزلگاه توشع لار زمانه  
او تاب ایردیک آسمانین خدای توشع **حضرت شیخ**  
نظر دارید اچیل دور ویش لار کور ویدر که کوما کون  
نعمت لار که هر کس از انداغ کور ماب ایر ویدر و حضرت  
شیخ قول کومار یب دعا قیلیدر اینی کس دور  
لار نیک نظاید اقولیدیلار ایر سه بقدر استقامت  
قیلیدیلار و طعم دین فارغ بولغانین کین سوه  
غایب بولدر دور ویش لار ویکان سوزلدر دینین  
بولوب عذر تقصیر ایرادی لار شیخ ایدیلدر ایر ویش

لار درگاه خداوند را اعتقاد و مضبوط با عظاما که کراک  
مقصود غنیمت سربار عیالنا القیاس هر کم سوه قطره  
تا که مکه که بولار و مرکب دین او سبونیکیلیغ هر کم سوه  
و پیک لار هر طرفه دین حاضر بولوب کلدیلدر ویش لار  
منیدیلدر ویک لار غایب بولیدیلدر تا او کون شوند  
واقع بولدر اینین سونک را دور ویش لار ایدیلدر  
ای بزرگوار دور ویش نیک الهی اول دور کم بولاسی  
رخصت بر کین من بعد حاضر بولاسی لار تا پیاده بار  
و تواب حج دین زیناده را که سهر مند بولاسی **شیخ ایدیلدر**  
عقلنک لار غنیمت نیک لار اول ایردیک جانور لار  
رخصت بر دیلدر اینی سونک حاضر بولاسی **حضرت شیخ**  
حضرت مکه که سیت طواف غنیمت بولیدیلدر بزرگوار  
الک منوطیغ آتیه دور الیب ایردیک حق جان  
قیلیدروفات لار دین رخصت کین و این رت بر لب  
مبارزه لار نیز دور ویش لار مدینه حضرت رسول اکرم غنیمت



شیب ص

قسم

وقصر قمر و خورشید انوار باغشلا ماق و اجمال نور سر بر له لامع نه ذوی  
 لار فمیکه کمال ادر اکیده قوت و نه ذوی الا و هم لار و هم نه ذوی  
 فلک و نه غافل لار عقی وجودی تصویریده قدرت ذاتیکم بتی آسمان  
 متکمن لار سر مدح و کنایش با پیده حیران و سحر بهت متوطن لار  
 زبان تو لیف ادر اکیده حیران و نفس ناطقه ان ناطو ملی سی صفا  
 ذاکیده و زبان بادش و زمین و آسمان **لأل لا خلقت الکون** نه  
**الحضرة صید الله** شایسته خطاب لار **و نه ذوی قوتی و قوتی**  
**فوسین او ذی** اتی خطم انش و ذوات افاده سنه نازل قیده حیران  
 اراجمال افتاب مطیع انوار الی مقدس و مطهر ذوات منظر الا لطاف  
 نامتناهی عالم جبروت سر ابروده لار بحر مرائی ذاتی با حقایق  
 لار و دقایق خزینه لار سر سینه جا و معجز بیان لار انبیا  
 حکم لار ربی اتقا بطلعت زده دور کم طلوع عید کفر و انقراض اسلام  
 کونذوریکه بدست با بقان و ضلالت طلعت جمال شمع کوله عدم لونی نه  
 قاجقان شست بی کم افلاک بو قلمونه قصر انوار ربیب سمنه قدر  
 ارز ویکه ای کونین صهرت ده غین سینه سی کولقان و بادشای کم



نه رواق نیکون اینک لغت اوی نسبت کرده و اولین کوزیک سر نه  
نه خوش سلی که شفا می شنی لفظ لاشرار در جرم مصیبت خست  
مخوف و صبر و جمیع مسخرات و در اینک آتیا کینه طاعت ایل  
نه خوش بوی که دور که جهان کشته اگر چه چلیب و نه غنیمت  
لم یثبت کستانیده پتیب نه خوش کسبل و لا ویر ترور که حیات  
سید یاش ریب و نه خسته تازه نسل دور که باغ ارم کفزار چینه  
قد تاریب و نه زلف منبر افش و دور که غنیمت شیمی لوی خجالیته  
ابولار نیک شلت تا نیر ناه سی که تو کو ب رو ای لا ویر زلف  
سلسله مقید لار عالم و ملل لار قدیدین خلاص او بوب و رستم  
کم جلا یکندر قاجارین او ادنی محرم رازی سبحان رب العالمین  
این و قران بین نزلیده و اسطر و دن اوزله ایلیش و دن همه مرتبه  
و منتهی که موزیر اسرار کینین اول ابرو که اف کیکلر فرایر  
اول بار اوصوفه ایتور لار که عالمی بر آفتمین مقصد و نیک جوید  
دوران غم ایتیب لار که **لا اله الا الله** لغت اوی  
عده که سینه و دیار کینین و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک

قلید اول و دوم و وجود مقید ویر لار وجود مطلق ضمیمه و  
زیر که اکر بونو الماسه **لا اله الا الله** و پاید و نیک  
نفع آما نلار و آسمان اکتد کالار وجود مقید طیب و دورانی  
قیماق و لید فاضله که عالم کبر سر و لار که طریقت مر حیات و لار  
و حقیقت منازل لار مجاور لار لید مقصود و مقید و نیک و نیک  
تور که هر فاضل یک مقید اسی و قضا و مطلب اسی و نیک و دورانی  
وین که مقصدی غم و اصل لار اول و قیت و رکه اوزد اسی عالم  
نامو آ و دن اولک رسه و عالم لار بونو و نیک و نیک و نیک  
پاک لقی مرتبه سی که جلای رسه و نیک و نیک و نیک و نیک  
تنغ قاطع روحانی بر که کتبه و نیک و نیک و نیک و نیک  
پاک و مصفا الماسه اول وقت الک روح مقدس که وجود مطلق  
ضمیمه و وجود مقید و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک  
ویر لار رسه عالم لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک  
و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک و نیک





وجود مطلق ایماست و در زیر آنکه وجود مطلق غنی هر وجود  
اذا تاثیر و تقوی و در تخصص وجود و مقید معدود و انما  
موجودات و جود پیدا تقوی بود غنی تر و یکم اینک  
وجود و یو کما یج و جود و وجود ایماست و در تخصص جود  
او زوایه نوریدین محض رفعت و عظمت او جود پیدا  
میتوان بود و حیثیات تحفه در و صلوات رکیات  
به یه لار انواعین ایبار و ایباریه اگر کما یتیه عین  
هم ایماست و غیر هم ایماست بر ما یج استی لیه یو قد و ر و انما  
**یکم بر بحر باب حضرت سلطان یمن و کما بر کان مدینه و حب**  
رسول مدینه انما شأ او یس قرنی قدس قدر و مدینه و حب  
علیه و بر کات احوال لار و کزید او و مواضع اطوار لار  
تغیر بیابند اکم اول پادشاه ازل و معبود و لم یزل خاص  
بنده لار جمله سیدین بنده ایر و یکم هر دو کار عالم  
خالق ادم جل بلا یوم نوار و کاه مقید لاریدین  
اول سید التقلید و اما الجرمین قیام الله علیه و سلم



ترتیب کرده لاریدین شریعت عارفان و ر و طریقت  
الابرار و جمعبیدین و حب امت و مخلص فلک منزلت و ملک  
سیرت صاحب شرع مبیین و سرور اهل یقین مبداء  
طریقه و بنده صادق الاخلاص ایر و یکم پادشاه حقیقی  
قدرت کامله و حکمت شامه بر لار از لده سوندانغ  
ذات شریف و کوه لطیف نه یرایتکم بار و خضوع خاص  
طریقه سیدین و علم لطفین بنده مند بولغار کرم  
پاک ذوقه منظر الطاف حق و علا اسرار غیب و لسان  
الغیب کلید کنجیه حقایق و خزینه دلایق لاریدین و در  
و انکشت شهادت کرده شایر عالم شهادت و همه طفال  
از جمله فارغ عادت و طریقه سیر و نشانه سعادت  
دور نه عجب و ذوق و ر که عالم اینک آوازه سیدین  
پرمخته بخش صورت ایر و ر که کرم معدنی بیکیلیخ پرو  
مد او تدقیق نفس و تقای لطف عجم و کرم قدیمین لار  
طریقه خاصه کرم است قیام یکم بار و طریقه یو یو یو















کورمادی وجه دیدار او که حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله  
 پیغمبر ملک لاریفه و قوتیغه و از لده تو نوغان لاریفه امتیاز  
 پناه کستور دینم و لاریفه کیده و اوق و یادق یکن دور نظم  
 آب جان جو بود بعد که سست است جان یاوق بوسه و لاریفه  
 سس او دور اول جنت دین حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله  
 ایتور اید و لاریفه لاجد نفس از جن من قبیل الیمین یغنی تحقیق  
 من هر انیمین طافیدن رحمن بوسین الورد من لوجریت بنک فخر او  
 روحه انصاف از لده الیکان که و بر لاریفه جان جان بیکان  
 ایت رت دور و کمره سبب میان عاشق معشوق زهرست و ایت  
 استری هر اند عاشق معشوق از ایت زور و او لکته بیکای که تو  
 اوت لا تو بولم ایت رت من لاریفه دلالت قیل و در دور  
 استر بان ایت و لاریفه و ایت لاریفه ایت و لاریفه قیل  
 یند و وجه او که خداوند و جل حضرت خواجه اولی و اولی  
 خلق اگر مستوری لاریفه ایت که خود لاریفه ایت و لاریفه  
 ضلالتی که لاریفه ایت و لاریفه ایت و لاریفه ایت و لاریفه ایت

مرآت لاریفه حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله  
 و لاریفه قناعت کونام سیمین منک و کشته اولی و اولی  
 صورت و معیشت ایلای و لاریفه ایت و لاریفه ایت و لاریفه ایت  
 کورکس و کونام سیمین ایت و لاریفه ایت و لاریفه ایت  
 ایت و کونام سیمین ایت و لاریفه ایت و لاریفه ایت  
 ده هر کونام سیمین ایت و لاریفه ایت و لاریفه ایت  
 جمال ایت و کونام سیمین ایت و لاریفه ایت و لاریفه ایت  
 لاریفه ایت و کونام سیمین ایت و لاریفه ایت و لاریفه ایت  
 کونام سیمین ایت و لاریفه ایت و لاریفه ایت و لاریفه ایت  
 حضرت سید انیس صلی الله علیه و آله  
 باز قدسی نفس جیامیندین و از کونام سیمین ایت و لاریفه ایت  
 قدس سره ایت و کونام سیمین ایت و لاریفه ایت و لاریفه ایت  
 اگر حضرت خواجه ایت و کونام سیمین ایت و لاریفه ایت و لاریفه ایت  
 حضرت لاریفه ایت و کونام سیمین ایت و لاریفه ایت و لاریفه ایت  
 و کونام سیمین ایت و لاریفه ایت و لاریفه ایت و لاریفه ایت

بعد معلوم

ملک زمت



انالاری قیدین اذاد بوله یارینه او تو زیل طلیت  
مادت ایلا دیلار کیم کیم اولار انا کورمدی انیری  
سوزا بعد از طرفیکه پیغمبر قید یار ابریه نه بس یل بعد  
جو کرسد ایردیلا واجباتا بعضی دولت مند کیم لاری اول  
لارین کورسا لار برکون برتن درو بس برلان قرات لیسکا  
باریلار و فیصل طهارت قیدین بانه دوکانه خداوند در کاسه  
اداکور کوزو غایب لاری لارین کین اولار انا کور  
دیلمادیم قاید دورلا اول سبب کین برله جنان  
قبر باغلا دی لار کیم متخ لار مولکا باریک لار کیم اول  
کونک حضرت بزرگوار ذرات بسیدین غایب لاری ابریه کور  
بوستان قتلک مدفن و ورشونده تشریف کلتور و یار  
شولوقت **اشیخ قبله** عجبیک دولتش لیک سید  
اهتمام وجه تمام لاری با ایردی و ایسی لاری یوکه کانا  
تور و یار قولا لار غه استیلد کیم ای غلبه مدینه  
بع قیلغان برله اوزا که بیکین استیک جیلیم خصوصی

بودلایه

لو طلقه ده مصطفی کیک ده دور کیم او ایسی زنا الدیفه بار غش  
اخم لیفه قییب روزه لیک غنیمت کو قییل و خدمتیده بولیس  
ایستاده اوسه اوزا لاریک ایدر لاری بعد اصد خورش دولت غنیمت  
که اینشیک تم بولایه موندان کشیکه هواله بولدا اما بیسم که  
اول دولت مند قیده دور لار دوباره اوزا کیم کور لوشان  
دور چون بوندان استیلار اوسه فرحان قوبول بول لایه ایدلار و بچند  
کوندن کین حق لعلینک غنای کور لوشان غنیمتی لار و انک  
تور و کور لوشان تا بی لار و مبارک لایه بولیس کیم انا  
دکادالوده رخساره لارین لایه کور لوشان دین منک و وفی  
عرض انا دین کین ایدای بزرگوار کور لوشان دین منک و وفی  
یوق ایرد و شریف و جو دوشک انده لایه نیدن خبر توغان ایرد  
اما هواله در خدمت برله ملازمت ککیم **حضرت خواجه ایدر**  
**من** **ایم** **بسم الله** **عفی** **قوبول** **ای** **بزرگوار** **کیم**  
خدمت کتا بولغان ملازمت ده امانه بولور کیم ارا دینیم بول  
قیلنیم **حضرت خواجه ایدر** **ای** **بسم الله** **عفی** **قوبول** **ای** **بزرگوار** **کیم**



یو قدر وریکس همراه چلیقده ان شکت ده یولوراکیم چلیق  
 تولا قیلنک امیدور که اینست کان غه یتر زیراکه هم چلیق  
 ارادت دور و دور وجهی له ملازمت ده اسر و ترتیب یابیب مقصود لغه  
**الفقه** یکره بشیل کوه لبان ده حضرت خواجه قدس سره لغه  
 ملازمت لارید بولور کون اولور و اسر دلا رکم **حضرت خواجه**  
**مر قده** اضطرار بولور قوتی واید ملا رای عبده قوتیغیل که طر  
 بار اول اول اول هم بهر بولوب طر قیبت کولور لایلا روبر کوی  
 حضرت خواجه اولی قدس سره الغر طر اولور و حقیقت زود و کانه  
 ادا ایللا و تون توشب شیخ عبده اقدغه اید یلارای عبده  
 از حیفه اکیس شیخ از لاریغه اید یلارای عبده حضرت خواجه اولی  
 نی مراتبه ایللا و تون توشب شیخ ام موافقت لیک اگونی یلارای عبده  
 اید یلارای عبده بولوبت مسکن بارماق کال مسکن مر قده  
 بوسیده فالغیام مسکن نیه بطل دور لکم طر قیبت کولور و دور  
 اوج نیک قدر بولور و دور شیخ ویرلا رالحاصل طر کولور لایلا  
 طر کوی لا اید یلارای عبده مسکن اولور و مندرین عبادت

عبد السلام و اولاد حضرت  
 شیخ عبد الله بن عبد السلام و اولاد

چندانی بنغمه سلا را عبادت کوه لار کور کیم من موده هواله  
 ای عبده اقدغه بیکس که عالمه بیار قبر با غلار لار و مندرین  
 برور لار اعا و اقع غه خلاف قیلور لار اول هم بهر حکمت ایجاب  
 زیراکه حقیقتا نه و لغه من موند اغ برایتیب که متعین لغه  
 اند اعلی ذل قیلور مر قده متعین بولور کال و بیله یلارای عبده  
 ای عبده اقدغه وقت خوب دور و محل قیمت دور قوتیغیل مسکن  
 اول ایر و کیم قوبوب قبر قازماق غه مقبول بولور لار اما عبادت  
 دن هم غم سره لوق اسر شیخ عبده اقدغه قیامی کال و بیله یلارای عبده  
 بولور لار و او بولور اندیشه اید یلارای عبده بولور لایلا  
 توشب کید مر **حضرت خواجه ایللا** ادب نیر کولور کولور لایلا  
 قوتیغیل مسکن اید یلارای عبده لیک هم ایا موند لوزنی بولور  
 لیک حضرت سلطان دن بوسوزن ایشی اسر مسکن قیامی غه  
 و هر ایل موند رسر بولوبت یکه توشب برنی حضرت خواجه و برنی  
 حضرت شیخ ایللا قبر قازد یلارای عبده قیامی غه اول وقت خواجه  
 ای جانور بیکس ز قوی قیلور لیک بکنه خواجه نیک الدفنه







ایستلایل اید اول در اینک علی و اشرف لاریدین اید و  
خویشاوندی ایللیغ انا لاری با اید و کیم ایللیغ منصب  
شونین اید و قاضی لیلی منصبی ایللیغ و عادل لیلی منصب  
برله موصوف و کیم اید و کیم منصب اید اولتور و اید  
و خواه ایللیغ اید جاف اید و اید قاضی منصبی اید  
بار اید و برله دعوی غه کیددی و قاضی عوانه کیددی  
ایک کیم اید عادیجه اید و اید قاضی منصبی اید  
اورون کوریش آفری معلوم قیددی کیم خصم برله دعوی کید  
ایکان و خصمیکه عذر خواه لیلی مقام اید اید ای  
میدل معذور تو تغیل کیم من بیجا دم که کیددی برله دعوی  
یسه با ایکان اگر بیجا اید و اید من بوفعل بهر کیم و قاضی  
کیدی اید و بیجا کایدین بوفعل من و اید بولدی کیم  
برادر لیک حق در میان کیدی ناچار تعلیم قیددی  
جهتین خاطر سبغ خطور قیددی بولغای زینهار  
خاطر شکست برز سبغ کیددی و اید و اید که اید قاضی لیلی

تعليق

تعلق با درگاه او قطع قیام و دور او را در کم خصوصیت  
بودی لا روحی نیک حکم معنی و مدعی علیه غایب است  
بودی اندر سوخته عذر که تو در کم پیش و در من معذور  
تو تاق که اما آنچه حکم غایب تعلق دور است چه ادا قید ادا  
خواهید غصبا که بودی ایدی ای پدر برون عذر ز کینه  
بنازاق دین لار و نیک نه مغ سسی بار که من پیاد و دین نه  
رو چون پیای سبک نامی کنش دار القضا غایب معنی و  
اوز که نه ایمان با در و را برادر برادر نی کور که ایستادی  
کلیما که نه فنی خانه کینه لطف بر نه تنه کینه غصبا  
بر و بر ای پدر یراق ایاس و در کم حقیجه و کینه  
بلا پی غایب قیام بدین قیام حقیق و بات لقین حقیق  
بر ایانی بیاس و بر کوز کور کور بود معنی و خواجه بر حاد  
فمنشاده قید معاینه کور و کم اتا سی اندک خطا بر لبه  
عظم غایب کور که اوز یک ایدی بیس کور و کم اتا غایب  
نه حال واقع بودی ای بر منصب و فایده من کینه



سینه جانیکم او بگویند بگویند و در بر اوق او کنگه  
 بخت و کنگه خلاق و در او دیکس و متفایق از او کنگه  
 او به تامل از آن عالم در بار خانه می هر او کنگه منصف  
 سینه تکلیف قبول لار او قبول قبلی نک چند است اما لار او  
 دور او قبول قبلی چند ان بلال او کنگه کنگه دور او کنگه  
 او دی خدا پندار که اوقت ده اینک جان بخور بگویند ای  
 او قهر لایق بخت اینک لار او کنگه **حضرت امام المصطفی برهان**  
**و سراج الاله و الله انتم السلام و السلام** **اعظم کون و صوم**  
**علمه** موخره فضل کمال بر او قبول قبول لار او کنگه  
 رخصت میلاد و ایدری پدر سینه تری بکنین او کنگه  
 طوافیغه بار ماق او کنگه تامل سینه قاسم بار او کنگه  
 او دیکه قافوسی دوزخ هر اول وقت ده بار او کنگه  
 از او درین رخصت بکس بار این و بات لغین بانب کنگه  
 او سی منع مقامیده لار او ای و زنده من پیر او کنگه  
 کبر او کنگه ده پیر لار او کنگه بقیان بار او کنگه

فرزند بوق

فرزند بوق و در خواجه لایق لار او کنگه از او کنگه  
 بار او کنگه خواجه لار او کنگه سینه هر نه خواجه لار او کنگه  
 بر او کنگه لار او کنگه سینه لار او کنگه سینه  
 نه سینه دور او کنگه سینه بوق بوم و نصیب لار او کنگه  
 بولغا سینه پاید و در غایت کنگه سینه لار او کنگه  
 انشا صدیات وقت ده سینه سینه سینه کنگه  
 او کنگه دور او کنگه سینه لار او کنگه سینه رخصت  
 ای فرزند بکس که سینه لار او کنگه رخصت بوم او کنگه  
 کنگه سینه بکس سینه و خوشنود بولغا سینه دور او کنگه  
 انشا صدیق کنگه سینه لار او کنگه سینه دور او کنگه  
 تا بشور دور او کنگه بولغا سینه لار او کنگه سینه  
**خواجه لار او کنگه سینه لار او کنگه سینه**  
 سینه سینه لار او کنگه سینه لار او کنگه سینه  
 و سینه سینه لار او کنگه سینه لار او کنگه سینه  
 در او کنگه سینه لار او کنگه سینه لار او کنگه



اول  
 مشو که بر لب چقیق لقی تا شریفی تراستی بری اسرسته سولیده  
 چشم برت قیدی و اعلی رگت غار اوج دی باشن سجده که قوت  
 در آید الهی است بلیق سر له خلاص لقی بر دینک و سوار لقی زار و  
 دیب مناجات قیدین کین کویت ز او قوب و ان بودی  
 بیت پای در راه غمت بنده ام روز غمت از دو کون  
 آغوشم لاریش بر لبه چون قوید و ایام ز قید به بار  
 تا هم خواند و اعلی کون لول بود بگردیم بر تو لکی انشا الفت  
 هم بر که دیش کون هم راه که با اشنا ده خم اجبه بر لول بود  
 و اعلی کون لول نه بار که اسرسته حج یق غلبه قید کون غار  
 بودی تا غایت چقیق خدای تعالی نه ناله فرار قید سر  
 بر غار اکره اوت کور و شرف منجی لقی دین ذوق سر له یکور  
 و غارینک انزنی غم تیب لول و اعلی تن در ویش اولتور و  
 حقیقانه و کیمینک عبادتک منقول دور که یسلم قید و شکار  
 سلم غم ارب کرد و اوز که مع غم سه عا دلا و سوار عا دلا  
 کیمینک دافطی روق بود لقا قید عا دلا اول اسر دیم عالم غیب

سفره

سفره کیدر حقیق ز دفع اسلا دلا رخا چه بر سر هم سیر  
 اسفره ارادین غایب که اسرسته سول وقت و سوار و  
 ساز قایدین خواختار قیدینک نه سیر که بر سر هم سیر  
 موندن لول و نکر لیدینک بر سر سوار قیدینک و مع اول و  
 سیر ز تشنه و اسرسته مازده تا بتوق و خاطر نیکر غم خطور قید  
 دینه در ویش که ادب اولتور که اول سلام اندین سوار طعم  
 اندین کین کلام سنج ایدل رای در ویش را کین سوار لاری  
 بر وین مکه سون اختار ایلاب من و موندن لول دین از پ  
 لول و رس و غم اسلا دلا لول یول یول و کماله حکمت اول ایلان  
 که تا خدا تعالی نیک در ویش اسرسته سول یول یول یول  
 بر لول کین اسرسته سول حقیق تا مع موندن لول و  
 ایلک بر خدا تعالی غم ناله قیدینک که کیم خدا یانه لول و لطف  
 غمینک سر له دور که لاریش بند برینی منطای بار سیم مبارک  
 قدمه مشرق لول و معنی القانین با کیم بر لول و غمینک  
 و او سوار زور نه ناخیر لول و غم دور اول اسر دیم حق و عا دلا

ای در ویش اندین اسرسته  
 سیمین خاطر نیکر غم کیدر  
 بلکه حکمت اول اسرسته



لا ما دیم اول تاغ بو آرزو ز آفت که ایستای لطف  
 و ایستای که در جنت له سبک بو یونگ کم فیکه و انکاسه فیکه  
 و از مبارک خدایک غنچه شرف قیلید زو پیغه سکودی خون  
 خواهر دیریش لار دین بو پیوزنه ایست ایریه وز بکاسه  
 لیشر عجب سجاد تمند کیم سه لار دیکه جان پیشر غریبه لار نینک  
 نورت یوزیل لوق افعه سپید خبر دار دار دور لار مناسه  
 اول ترور کیم بو لار نینک اسیر بولغای پس او شلوند نشه  
 ار و پیچ بولدی و پیچ لوق عالمیده انداغ شارت هلاک  
 کیم رغبت خورشید دی نجه کونه در دیشی لار نینک ملازمیده  
 بولوب سفردین تو خنای و معبود برحق عایتا فیکه کورده  
 ایریه نیک مانده است و در ویش لار دیم اول کار و بود و  
 بعینه استی لارده بزرگوار غم التی کیتورده بهر استی  
 استعانت تبارک بکامتوجه بولدی لار ایریه بانیست  
 بلکه کفایت نایبی اولوقت داسیج لوق صفتی لار یاد  
 لار بکوز شینج ایریه لارای در ویش لار تاکی بولغاردا ۲۱

جبهی

مجوس بولانه لار کینک کین لار مله طوافیغه بر ایلیک کم در ویش  
 ایستای که در لوق سوزن دور زیر که سفوده اولیا در ایست  
 لار ملار متع کاسه فیکه بولاق امید بار دور و لار ملار زینده  
 فیکه کینک سلسه دور وینه غریب مصنوعات لار و عجایب  
 لار دین مشاده لار و سوز قینفور مصنوعات صانع که  
 انتقال قیلور ویش کاندن غنچه یقین غم کینور و سیدان  
 غمسه لار پیور و یواشتقا د اخلاص غم شیت کم در ویش  
 ایستای کینک بناسی مونک دور وینه سوزن در ویش و صلی  
 در ویش لیک نیک اصل مایه سی در ویش و در ویش و فیکه  
 سبب هم سول دور ویش لار کیم مقصود مقصود ازین  
 اهل در ویش به در ویش بیا مراده مقصود اهل  
 دور ویش مجوس بولوب اولتور ماقیدن افسرده لیک و صلی  
 زیاده بولوب مرده دل لیک حاصل بولور به سعادت در ویش  
 بولور لار نینک نصیحت قول قیلور لار و سه تنه تو بولوب لوق  
 بولور لار و کینک لار و سولار تاکی پی پیغه دین پیشر فیکه



بزرگوار سپی تو قوی با جاق غریبوز قوی دی ستورمان  
تیم تبلیغ کیلیت یکم ای ولی آمد قور قور غیل کیم سیکنا  
اعانت قیماق او چون کیلیت در کیکیل او جام غه  
مرا کیل بزرگوار بوتیل سیر نینک سوزن شیت خج سجالو  
بولدی و یا نیب سیر غه منیدی ویتی کون بول بور ویت  
نجی کوز قافله غه یی ایریه سول کوز شیر کنی و شیخ قافله بره  
دریا لبغه کیلیت قافله دریا ایچره کیم اولتوردی **جفر شیخ**  
کیمه مقید بولای دریا غه کردی مبارک ای لاری غه سول  
یوقمادی کیتیب دورا بر دنا کوزینی آجتیر ایسه اوزنی در  
یا نینک اول یوزیده کوردی زنا اولتوردی هر جواب غه  
قرادی ایریه هر طرفدن بخنداق سفاک لاریدا  
بولدی و سپور دیل رای یکیت قایدین کیلور سیر و نه برکا  
بارور سیر بوبینه دایا لغوزنه ایش قیلور سیر شیخ ایریل  
ای عزیز لاریم رومدین کیلور حرم که بار و حرم و همراه  
کین قالدی اولار غه تو غموم بار دورینه سپور دیل دور  
جاف  
دوبه

فجان کرب در نیک و فجان جیقینک همرا لار دن وقت  
جدا بولد و ک شخ ایریلار بولون کرب کرم و همراه لار دن  
دریا لبغه ایریلد چون لار بولور سوزن شیخ دن ایش لار  
ایسه کولور شنه لار شیخ ایریلار نه اوجون کولور نه لار که  
کولک تعجب نین لارده واقع دور بولور دن سچ ایریلر کیت  
عجایب نین زیاده بولور مولم اوج آیتق لار کیر کونده  
تیم یک نینه همرا لار نینک غه توقف قیسانک کن ایریلانک  
پات کیلک یلار بیلک کیم ارا خدای تعالی بیت قیسه مراد  
موسه ذق الیک کونده کناره ک جبقار یوق ایسه اوج ای  
دریاده اولتور لار دور بولام وقع و قور غه کیلور لم باد  
جیق سهرین بزرگوار سوزن ایش لار اند عجیب ایلم خدای تعالی  
لطف مسمات لول کرب و سپر لار ایریلار کیم ای و سوسن  
نیمه توقف قیلور سن قوی قیلور بولور نینک کول قیلور و شنه کیش  
شیخ ایریلار لول هنر و لول جیر بولور بار غم دور بولور ایریل  
ای بلیت موندان درمائی بپایان دن ایریلر موندان



یول سیر کیدنیک جلال هم شول رهبر بولغان کشتی بهمنون  
بولغوسید و اگر تنها لیتق دین و هم قیلک قیغیل کم بیزلا  
همراه بولاشخ خوشحال بولغا بد قیلک یوب وان بولدی اندک  
بول باریمجه لاری باندی بولاری قالیبجه بولدی شیخ  
ایدی لاری بوللار نه اجون باندیلار بزرگوار ایدیلار اولار  
منینک تیعینه کلیلک دیلا منی سنا بنگو دیلا ایدیکیم تنیم  
لار شیخ ایدیلارای بزرگوار بیلای کم پس نه کسی ترورسی  
اولا کریم لار دور اندین پیونکر همراه لیتق قیلای بزرگوار ایدیلار  
سینک منینک اسم رسمجه بر نه استنیک بار دور قویوب بولاشخ  
کرکیل شیخ ایدیلارای عزیزیم معلوم ایجا کشتی بهمن  
بار دور همراه قیلما اسم بزرگوار ایدیلارای فرزند حم خفری  
دورمز ویا لغان لار رجال غیبین ایزد سلا شیخ مولد است  
خفر صلو استند نیک ایا غلا رینه قیلک کیم به آغا ز قیلک  
ایدی ای مجرم درگاه ور نهی باب ایدیل دور کیم قیلک  
اورتا نیم الحیدر کیم بولکون مقصودم غه تیتیم حضرت خوابه

خفر ایدیل

خفر علیه السلام ایدیلار من ایدیلکین پیب سنیل و چون کیدیم شیخ  
قولن آتوب روان بولدر سلا رسول کونا غا ز پشین مارا بولم سلا کولی  
حضرت خفر علیه السلام طواف طواف طواف شیخ قه تعلیم کرد سلا رو طواف  
لن ایدیلارای سیر اده بولک کیدنیک اجازت بولدی یالغیل اید  
سینه خدا غه تابشور دوم ویشایب بولدر سلا **حضرت شیخ قدس سره**  
اجازت که موقوف قیلای لار و موبنیک بچند کون اوت و هم کونا اوج مرآ  
طواف قیلدر سلا ریح اجازت اولک و آتم مجاور لیتق نا اختیار ایدیلار  
و شی میل خانه مبارک پیور سلا رنه لجه سی او قلا سلا رنه لهندور  
است یس کور دیلار و همست ملکه متوجه انا غیب شیلار و ن هیچ کونه  
و معلوم بولکدا اگر چه موندن برون لشفه لور اسرد و سبک بسا  
المانک بولوب بزرگوار لیتق ایدیکیم عجب دولت ایکن دور من میل لار  
بیریا و به دولت ایش قیلار و رین بهج شمر ظاهر بولاید و راد ایدیلار  
معلوم بولغان نرسه لار که بانیطنا اسرد و یا جن زین کیدیلار و لکان  
قیلدر لار اندلذفت ده حقیقیه و تعلیم خیرای بولم مکلف لور و مقصود  
یتار لار بولعجب حالکیم من به دولت دن اولدر لار و یا من کیدیل لار



اکبر در پیشینک مقصود مکاشف بولاق و کرامت کورمال یکس  
 ایام و نوحه نرسه لار ذوق شوق نه سبب لادور او بشو اندیشه و  
 با تف دین اواز کیده لم ای سیکس که سنه حق جل و علا اولیا  
 قبایق لایونم غیر زمره سیده و فعل ایروا که غرض اول رفق و  
 جفتی بولایند استه استان دور کم کوه لبان غمبار بولایند  
 که اولکس و انده ای کون بولین اندن سکن نه بار غیل کم اولکس  
 سونده دور تا انینک تمام بولغونجه سکن ده بولین چون بولند  
 ایستاده سببمان اکبر ایدی ای سیکس کم نور کیده و کون اولت  
 دین محرم قیلد نیک خود فایده قیچی دور قوبول لایکس سار اول  
 سعادت دین محرم قالی غیل اول اسدی کم قوبول لایکس کادی و  
 مونیک بر لادو آتاشام غیبتی و اوج کون شام ده بولند سار  
 غم یوزلا ندرا ایر سه خدایتعالینک عنایت بر لاندک  
 رماندایتی و قلب ده رسد قق کاشرف بولند و طوفان  
 قیلد و قطب لار و حلا رین دعا و پیکر سید و  
 آیلاد و اولار دین استمداد سولای و جی کون اندا

قیب ۲

اندن سوزده طلق قیبت اوتار سه کون کرب بهج کمر صدف کورمال  
 حیران و سر کد ان بولوب لار و بکرم تاغ بکشدن براق سقال  
 نشه زیاده قیلد کم ایدای سیر تا جوردور سین چون اسیکس  
 مقصود ذک موند دور حضرت شیخ شوقیدن یقیل قوبلادون  
 تاغ توبکا الهی ارسه کور دیکم تاغ اوزره بهج کمر سه بوق آیه  
 بسیار وزاری به شمار قیلب لوتور دیک کور کور لوقو غمباری  
 شول جالده اول برینه پیدا بولوب ایدی ای فزنده عالم ارواح  
 عالم طاهر دین بولک و رجائیل مایل کم اهل طاهر نیکس عالم طاهر  
 طاهر لوب کور و نکی لار بوجبتین و تسنیل بولایکس اید کور  
 غایب و لیکس کونکل ملکی عالمیه ضرر اهل طاهر جالیفنا طرود  
 لاد مقصود ذک نیده و کور که ایقیل که شیخ اید طارای بوز کور  
 ایست تمام لولای غنی طار لار غم حواله قیلد سار مقصود و اید  
 بر اید اتم نیک اید قیل حضرت شیخ شوقی بولم آتین ایچ ارسه  
 حضرت اویس قوبل سره الونز مبارک خرقه لار نیکیدن شیره  
 جفا و دیلار شیخ نیک غم یوزلا انمقدار سیر بولوب لار







سوزان بنر قالی خاندوراک من قاضی لولاسم هم مشول بولنوسه  
 اکلار لولاسم ابدا ایستنه لارو یانیدیل رو پادشاه نیک ملایمت  
 باریب ایدیلارکم ای پادشاه عالمیان قبول قیامت دور در واقع مشول  
 ایتقان لولاسم کوراندور ملایمت ایستنه قبول لولاسم مویکول  
 پادشاه اوزر ملایمت کباردی وایدای بزرگوار رینلار نیکل  
 سرفلار نیک لیکلاندن بس خوشحال دور من کم قاضی منصف  
 منصب نیک علای دور میللار دور کم قاضی مرتفع دن لیس بولنوسه  
 من کیش پیدایاس دور بولنوسه لولاسم ترو راوینوسه من قورقا  
 من کم کنه کار بولنای من البت غایت قیامت ایلان منصف قضا  
 قبول قیامت لولاسم عدل مایور بولنای لولاسم بزرگوار ایدیلارای با  
 من مردور ویش دور من موندان نیکل دور کز ان ایرور من اول  
 لیکلار بولنوسه من خواجه ایلان ماکه قصه قیامت لولاسم کلکلیف  
 قیامت پادشاه ایدای بزرگوار رینلار نیکل ملایمت ترو روتیه  
 ایتنای بنر کم پادشاه من بقمده بیدار لولاسم قیامت منصف  
 باو تادب القصد بجهت لولاسم مویکول بولنوسه من بولنوسه لولاسم

حضرت شیخ اولار برله صحبت قیلدیلار خلایق کوردیلار کم عیالیت  
 وکیفیت لیک قوی کرامت لیک فطیر ولایت لیک دوریداختیار  
 مرید بولدیلار کوندن کونک یغیلدیلار اسر ساندک زلفت ده محبت  
 تمام بولدیلار اول شاه یمنه و محبت سول مدناغ حضرت خواجه  
 قدس و صد تقی سره ایتار لولاسم شیخ لیس مسندیده اولور  
 بولنوسه اولور و بولدیلار کم حضرت شهادت قسم ان عیالیت  
 نیک و ج مطهر لولاسم شیخ اوزر طرفیکه جذب قیلدیلار سبب خیار  
 خاطر لولاسم شیخ کم حضرت شهادت قسم رضی الله تعالی عنه  
 سین طواف قیلتغای درویشلار غم ایدیلارای یاران فقیر  
 الا ان موندان ایست لولاسم کونلای کونلای یاق ایاس کم بولنوسه اول  
 حضرت طرف لولاسم بولنوسه بعضی درویشلار دن موقت  
 مویکول لولاسم درویشلار دن بولنوسه لولاسم بزرگوار بولنوسه  
 اولونغ ایست ده ندادون اتفاق قیامت نیک یمنه تابع و موقت  
 شیخ قدس سره الغور فرجی لولاسم قوی لولاسم قیامت عیالیت  
 روان بولنوسه ایدیلار درویشلار موندان یاق لولاسم لولاسم

و مجلس ده کاس



یو تو زین لار و هلاک بولارین لار و اندک بول باریک و مدلل رفیع نیک  
ایضا کین تو نیک لار و مدلل و نیه ایدیلار محکم تو نیک لار و مبادا  
غافل بولوب اولوقا نیک لار اول ایردیم درویشلا رستم نیک مبادا  
ثم قد لار و ایضا کین تو نیک لار رستم روان بولدی لار **الفقه** نور تمیض  
درویش بعضی شیخ نیک ایضا کنه تو لغان نیک ایضا کین هر راه  
بولدی لار و غار استه اقی او تاب صیق بولدی لار غار بولین بولدی  
امولیک او تادیلار اندن سونزه شیخ ایدیلار لای درویش لار  
بود یارین بول اول و خاک ازل درویش ایدر مصلحت شیخ نیک  
ولایت اعلیکده تورنه نوع کیستد و نیه متول نوعده او تو  
اگر درویش نیک بولور شیخ غایت کیستد و اوسه ایدر **الفقه**  
خداوند اجل جل جلاله مبارک اسم الو غلوه و محمد مصطفی صلا الله علیه  
نیک روح جمیع و شاد و ایسه تو نیک قدس ایدر سوره انور و نیک  
بر لایه ای تیب ایدر عیسی و یوزیکه تا سلاوی بقدرتی  
عصا و زاب تیه ایدر یارین او تاب تور درویش و نیک لار و نیک  
هم درویش لار و نیک لار و شیخ نیک ایدر فاسیدن قوم تو یوزیکه او تادیلار

کین

کین عصا نیک قول لار یغی الله لار عصا بولور و نیکه یک بولور نیک  
یو ادب غار دیر ما حضرت ستماده قاسم ابن عباس نیک ایضا  
لایده او تادیلار رضی الله عنه او چه کوندر و ز قوت نیکه اند  
ایضا لار جهم درویش لار دین اوز که شهر اسطین خلقیدن  
یج کمر سه بود اقع دن خبر دار لایک ایا بولمقدار گفت کوی  
قیلته لار که شیخ جمعی مرید لار لایک غایب بولور لار ایاصل  
تو تو بخون یا نیک ریا لیک کیستد لار و اوقی نوعده عصا کور  
قیلته تیلار رسول کون غار شام ایدر اسطینده او تادیلار بولین  
که بوسه دین بزرگوار نیک مقصود اول ایردیم مرید لار و نیک  
عجایب لیش کور و بولور و نیک لایک زیاده رال غبت قیلته لار  
طی ارض مرتبه کین درویش لار کور تا لار درویش بود اقع  
دن کین درویش لایک شایه چنان چه قیلته لار که قوت نیک  
تو یغده جبران قاله **اما بعد معلوم ان الغایم شیخ قدس سره**  
**المنز** تمیض الکی سل عمر کور دیلار و بسیار مرید تربیت قیلته لایک  
تیلور دسلار اوز لار حضرت خواجه اولی آذ فی الله عنه نیک



روح مقدس لاریدن تربیت تاجی لار واسمه عمل علیه السلام  
ظفر لاریده ایدلار کی چله خلوت ده اولتوروب کی دیلار **حضرت**  
**اولس آن قدس سره العزیز** معنی عالمیه نمودار اولوب لاریلار  
ای زنده الینک نیک و ایمانک بر که اسر و دغری ای منک لوقه  
اؤل خوش خبر منک که تانکلا من طرفم که کبیر رسین شیخ ایدلار  
نه بختی مشروده دور خوش بولنج علایصباح قوپوبخت سن  
قتدیلار و ایدلار ای سیر حضرت بزرگوار سن اوز طرفلار  
تکلیف قیلنج تارینک معنی سی اول دور که مکان اؤتینک  
ینه نه ایتی بار تورو براق اول کورنا دور که درویشلار  
خلیقندن رخصت تالایل اندن سوله روان بولین اول  
درویشلار دن و سیر خلیقندن رخصت و چلیقین تالایل  
ایلدن ام اجازت طلب قیلدیلار و درویشلار ایدای بزرگوار  
بئر لار که سواد ایسه دور بئر لار هم قدم لار بولالار حضرت  
ایدلار آرس منک سواد ایسه دور اما بئر لار هم صحت بولالار  
رخصت یوق ویر اوزره و چیلکین لار دود بولوب رویشیل قونلر

دین

دین ایبار نالکین لار و بیلک لار که نیشک سواد انداغ سواد ایست  
گم موافقت در میان کیلکای و بئر لار دن هم ایسه اول دور  
و عاده یاق قیلغای بئر لار و بئر نیکلار نیک حالیدن خبر  
بولغای بئر لار و کیسه خصوصیت ترک قیلغای بئر لار و بئر  
دشوار لوق کورسانکین لار سیر یاق قیلک سواد اؤتینک  
بیلکین لار وینه زینعت نیشک بیت حور ده بولایکین لار که تالایل  
شوش که توش بئر لار و بیب غایب بولیلار و شوش کون  
باریب **حضرت خواجہ قدس سره العزیز** نیکلار لاریده قیلدیلار  
و قوطیلار و ارواح لار دن و عابره شاد ایلا دیلار اندن سوله  
مراقبه که بار دیلار زمانه اولتوروب کی دیلار که حضرت خواجہ  
بولدیلار و ایدیلار ای زنده اولتورماق غمه محل ارماسی دور  
قولین بولوق ایشک غم مقید بولین اول ایدلار سینه لباش  
نراکت اسکا اوقات کسوتین یور که ندیلار اول وقت **حضرت**  
**خواجہ قدس سره العزیز** نیشک لار و اندلار ای زنده  
قبر نیشک قبول قیلکین کیم مشغول بولاسین کیم مشغول بولالار







جمع قید یک کم فقیر میلین لارنه نفقه قیید قان امورالده خزینه  
 تو لوس و بر کچه خزینه که اوت توشوایی اوی عا کویدر اوسه  
 بولور اوزر یکه آید ای عید اجهن بونه اولوغ بلایر دیک اوز  
 که اوت توشوایی و نه نیکه تقیصر حقیجه و تکیه در که میده  
 او بکواندیشده اوسه کوزر یکه یقوغه کتی توشیده کور دیک حضرت  
 رسول اکرم صلی الله علیه و آله و صحبه اجمعین  
 علم اجمعین بید اولوسلار و خاص صبی لار دین جمیع خیر و بر  
 ایدیلار و ایدیلارای فرزند انما الله اولادکم عدوکم خدا  
 مع تحقیق امواتیکلار و اهل عیانتیکلار سیر لار که دوستمن و اولاد  
 بس اولاد دین پیر مینه قیید لار و مینه ایدیلار الله رب ملعون  
 ماضی الاذی الله لغی دنیا ملعون تر و د خدا نیک ذکریدن  
 دینده آبارجه نمرسه لاهج ملعون تر و لار و دشمن ملعون  
 موخه امانال بولاق نه لازم اوسد ارا عقیدت الله و دشمن دین خدا  
 قیید لوق ایسه آخر طغیان بقوسه دور و سنه هلال قفسوسی و  
 و بیکس که من بایانک و دین دنیا و آخرت منک طیفیل کور و بیک

یق بر له قبول او بکولفت موم لور حبیدین انکار ضیق  
 تعلیق تا بیکاد و تا بیکس و تا بیک خوسی دور و لوسوزن اوجهرت  
 الشبیب حیران قالدی ایدر کجه اجهن سن خود سید ای سگ  
 سن حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله فرزند او قودیلار و اولی نان خالقه  
 یول تا بیتی اوسه اوجهرت صلی الله علیه و آله مینه ایدیلار اجهن  
 سین فرزند کسین اما بونبت دین عاقل دور سن و قلیق اجهن  
 تر و لار موندن موندن نیشیک مین س قلیق و موندن اجهن  
 نمرسه لار سول اوزونک الوده ایلان لیل لوجهرت پیغمبر است  
 موندن که پند الفی و طیب دین قول یقغای و مینه ایدیلار اجهن  
 او دشمن لار دین نوز خصل صلی الله علیه و آله مین افرات قیید لاق  
 جومکه عاقبت کتک لاک دورای فرزند بیکس که ادر نیکه کینه ده  
 اولوم بول سید ایدر نه قیید قیید اوسه و مینه کونول سید  
 ایدر که انک اسیم مغرور و زلفه لولایین شیطان نیکه  
 بر له او آره بول بیکر اولد که یسین و بوجبت دین افریده که  
 نیکه دین اراق توشوایی یسین و نیکه سفاقتن براق قالیکی سن



و دوزخ چه بنوا در بولوب عذاب در زمان تار تقای سین که  
 امن و صدق و در اکی کرده دین کین ماله ار تو انکار لارنا سوار  
 لار هر ضد بود که نیتده جو انرد یکس سخن لاق قیلل لار لاسه  
 دوزخ چه ایبار و رل رسیب ل و در که خدایتقا نین لغت کرده  
 دوت لاق قیلل رلار و عودیت بنده لیک حقین تو بوب رلار و  
 عودیت جفی اولور و در که معبود حق بنده دوت لار لایفه دوت  
 بولاق کال و دوسمن لارشی دوسمن تو قاق کال و هر که منین علییه  
 انش قیلل لار مرد و دیکر دیکر لار لار شمع اوز لیک ایچ لیک  
 لور دیکر بیج کلمه سراق تور **اللهم صل علی محمد و آل محمد** و لای قیلل  
 قیلل لاق رلعت غار اوج و اوتلکان احوالیه نین بولون  
 و تار لایفه قیلل لار لایفه مذمت ایلاک پیر اریق یلاد و توه  
 قیلل لایفه یانه سوزمان اویدن جفیب قوسکین میا  
 قیلل دی و تیم لارخ و مظلوم ضعیفه لار زانیدادی و قیلل  
 لار اینکین اجتی و ایدلای قیلل لار انچه که کال دور اینل لار طرفه  
 ابره خزینه برام اوکد اندن کین ایدای قیلل لار و بولون هم تار

قیلنلار

قیلنلار اول ایدیکم اوز تار سقار جفیب لادی و خلق تارخ  
 یو کوردی و غارت تاراج دن سوزله تنی که اوز قیلل لایفه  
 کینر عکاه قیلل ایلیک عصاب کینر لایفه اخیل قیلل لایفه  
 ایدیکم ناکه خطر لایفه کیللیم خواجه قیلل الدن قطب نمان ایدلار  
 قیلل انین کینر که متوجه بولغا اول ایدیکم خواجه قیلل الدن  
 سلاز متیک باره خواجه ایدین کوردیم عیدار اچمن طیب لایفه و خداد  
 بویور دیکم خضر میت قیلل حون خواجه تنی ایدیه حضرت خواجه قیلل  
 استقبال نمه که و بر لایفه مصافح قیلل لار حضرت خواجه قیلل  
 سوز دیکم ای خواجه پیرنا اوز که کورداد دین حال نید و بولمقد  
 سوزماق که خواجه عیدار اچمن کیمان بولل لار ایدلار ای بوللار  
 حال بولمقد و کیفیت ایشود دیکلکان واقع نایان قیلل  
 ایدلار ای عیدار اچمن اویانی صالیه نخته اوش بولون واقع  
 عبارت خوبرو نخته خبردار بولون کین حالانه بیر که غرا قیلل  
 ایدلار که مدینه خون غم قیلل دین خواجه قیلل الدن ایدلای  
 نخته خیال قیلل و عیدار کینر ایشود کینر اما کینر لایفه



قیلیس که همراه بار ایک میل لاراد بکوتارز و ده ایدم که مشکب  
بیدر اوب موافقت چلیک قیلیس من ایلیم قدر کم اوز شمر بیدر  
بودن خواجه عبدالرحمن ایتر زنی سعادت دور بود سعادت فخر بود  
سندیل نشی نیک قدر میدره بولسه اول ایدیم خواجه اعلی سل توق  
دولایلی میل اگر خواجه قیام الیدن قدس الله روحه الغر زینک  
سلازمیده اول مقدار بودیم سیر اما اصد مرتبه سه دن او کوس  
ن اصد ده که کولر اوانان خواجه قیام الیدن قدس الله روحه  
رضعت بر دیم ای عبدالرحمن بوزمان مع مانع یوق تو در کم هر چه  
خواه لالت کیم بغیل چلیک کم سنه منع قیامی ده غرض موافقت  
ایاس ایدر بیکه اول ایدر کم سنه دباغت قیلیس من تاره شمس  
که ای سین و بولده ضلالت کاتوشی کای سین امد بولن تا بود  
جمع طهار غولک دور دین هم موند وینک جانشینک بن فارغ  
وسیم حال بولغوا دور اول ایدیم خواجه عبدالرحمن حضرت خرم  
قیام الیدن نیک رضعت و این تاره بولده که مفطر که بولن تا بود  
دینه اولن آتی روز که رجوع دیندین چه مدار کرد و شیدین اراده

و جوادق لاریف بر اول ایدیم فنی نیک موملونیسن که غرق  
بولوب کسل تقو زانی بر تخته پاره اوزره دریا بچه قالد افر  
حقبجانه و تعینک عنایتی بول اول جادنه دین صلاسل بولوب  
بر کچم کتب بار و در اکثر اتفاق بول بهنیده اغزی با پیغلیق جاب  
بار ایدر دی بیکبار کورهای ایان قویدر رسه نشوب کتی ایلی نیک  
ای بچه قالدی اندن موند ایزد تعینک لطف عمر مر لطف صلا  
لحق کرامت قیلدر اندن کین شهر یک داخل بولدر ایلی بون اندر  
قرار الیدی اوجو بخ کون اغزی دیبلمت قیلدر یلار ایدر سه کین  
محموس ایلادی لار بود وقت همیشه حقبجانه و تعینک فخر قیلدر  
د اوز لیک ایتور ایدر ای عبدالرحمن پیلور موسین کم سنه  
د جفانار تار سین حلیت اول بولسه کرک کم کوست بولر که افر  
غذا بر وریش تا بیل ایدر **حضرت بزرگوار خواجه قیام الیدن نیک**  
ترتیبی بر لمر مرتبه جالیغه کیدر قالیغاشنی خدا تعالی خواه که  
بولوع ایشلار بر لمر بالیکه صلاح خد کسور کای تا بیت افر  
هنر اوب اولن سین رنبر که موندان بدن اندر هر افر در شکر قیلی



اول القصه هي **س** ونيه اول اي دين كين مکه معظمه طواف افغنه مشرف  
بولوی اوسه طواف انشا هیندیش و در آلیک دین رت بی کیم  
عبداد چون خوش کیدنک بسیار شقت لار و پیشی ر جفا و سخت  
لار کور و دینک او تو زیل مکه ده بولاق اک زیر که بولوس لیک  
ده کچور کون او تو زیل عمر و ک افارینه و بر بوا و تو زیل کچور  
حج و دایه یوز عمره کجا کستور ک ی بین چون بوندان ایستخ فوسیل  
بولوس او تو زیل حضرت مکه ده تور و بیک بن مدینه کیر مکه لولالاک  
حضرت پیغمبر صلا الله علیه و آله نیک روضه معطر و منور لاری طواف  
ایک لادانده هم این رت بولیم کیر مکه سل مدینه ده بولاق کول  
اول ای دلم **حضرت پیغمبر صلا الله علیه و آله** نیک امر لارینی اول کید  
کیر مکه سل کچره حدیث مطالعه کیدک مقبول بولوب کون ایلی شیک  
یاد الله کون کین این رت بولیم ای عبداد چون کیدک  
باریک حدیث کورس اتقیل و قال فان عمر و ک نه انده صرف  
و حضرت رسول اکرم صلا الله علیه و آله نیک خصلت دایر رت لاک  
بر لیه فایده روان بولور ای ای کیر خبر کیدک فایده عبداد چون

کیدا دور

کیدا دور فایده ابدان خلقی استقبل قیدلار و تعظیم کیم بر لیه شکر  
آلیک کیدلار اوسه و شینه کون اگر در ویشی غیر در ویشی لار کون  
اوج کنت هم راه اوسه لار فایده اوز منزل لار ایغه تو مستی لار و شکر  
خلق کیم در ی ملازم ک کیدلار و جمعه کون نماز غه بار و یل اوسه  
نماز کون سونکر و غطه مقبول بولوبیلار و غطه لاریده قیامت  
اوسه الین و کینیتس و دوزخ عذابین و بهشت نعمت لارین منعده کین  
بر لیه بیان قیدلار و در ویشی طریقه کین هم عیان ایلا دیلار  
اوسه مسلمانی نیک کونک کونک لار پیدالور خلایق دین کیم  
بصق متول کون اول تی نیک کنت مرید ویشی نیک کنت کون کونک  
دین کین **حضرت فایده قیم الدین** استانه لار طواف افغنه بار و یل اوسه  
یا و قی تی لار اوسه قبر یلار کبار یلار بایم کیر اول تور و یل  
یا شیخ و اوست کس دیر لار فایده قدس سره الغر قمر یلار کین  
کسیدک السلام علیک شیخ منور اوسه و رسن آدن شخی کیدلار  
بیش کون بولیم الله یغفر لای کیدکین هر نوع لوسه فایده نیک کیر  
اوزونک نیک شکر و اوز خلق هم نیک اولار چون خلایق قمر



بوسوزن ایشیه لارا ایسه شول اولیقده صد خندان زیاده  
 باغلادیلار و بسیار گشت لار شول کوز میره بولکده حضرت شیخ شیخ  
 یق مندریده اولور دسلار و ارس مندریده هم قیام کور کوز دسلار  
 مونیلر که کتچ اندن شول **حضرت بیغمه صلی الله علیه و آله**  
**اول** و بشت رستی کیم ای عید ازمین عید و قوت اولور که منکا  
 اولاشماق ناز لاکه ی سین و بخت مدت سنه مصیبت اوچون منور  
 ایبار ایبلردم اول مدت تمام اولور منورده بولاق بند بیلده  
 بایده سی یاقه و اول ایو بلم تیمیش تن درویش لار که مظهره  
 روان بولور دسلار و شهر خلقی دن خود کلان و پیر همان و دواع  
 اوچون اکی کونلوک اول لیکدسلار و شیخ سیادت مابا ایست  
 شول منورده خلایق غلبه بسیار نصیحت لار قیلب خست بر دسلار  
 بیل یق تبلا سبب روان لولور دسلار و درویشا طغیان وین اوج  
 لولور ایو دسلار اراجه بزرگوار فیه می ارض مرتبه سی قوی اوردلم  
 طرفه العین و بیکای درویشا رزم اتم بیلورده ای اندا غمناک  
 اولور تا مسقت بسیار و رنج باشی رویه اوج ای دن کین

مظهره

مظهره کاتی لار و اهل مکهم پیش باز جیفه لار حضرت سید عید  
 اوزدم و دسلار بر لوطوافه مشغول اولور بکجا کستور و دسلار  
 چون کچه بولور کچه دین بر موخه اولور کچه حضرت شیخ تنفا  
 خانه مبارک کور دسلار و طواف قیلور غم مشغول بولور دسلار و طواف  
 انشا سیده قول اقلار لغه اواز لیکدلم ای عید ازمین خاص بنده  
 لار آسیده براقدر و اوشو مصیبت اوچون طلب قیلب وین  
 لیم موندنه شرف کستور کای سین و حاصل لار اکره منور قیلب  
 سین شیخ ایدسلار کیم بخت کون منعت بار و ور کیم مظهره بولور  
 فکر من قلم نینه اواز کلیدلم بر بیل در میان و در شیخ ایدسلار  
 نه عجب عمر و راز پی مل ترور کیم او مشهوره کنه دین اوز کتچ  
 قیلب نیک خلک در کاه بیغه لایق نرسه وقوع غلبه کین تا مسقت  
 بولغور و ور کاشما بول مسقت راحت کابده لولور کور ایشیه لار  
 که **موت الفقار راحت** یعنی فقیر درویش لار نیک اولور منور  
 نینه اواز لیکدلم ای عید ازمین اهل لیکدلم ای عید ازمین  
 خنچه حق جل و علا اوز حکم مجیده خبر کرب کیم **اذا جاء احکم**

سعادته و التوفیق و العون  
 سید عید



بوايت ايمه نيك مفع سي اول سلطان السلطين وقعه ايلي  
 سلطان ستوق بوزاخان غازي قدس الله سره الغرزداري  
 بيان تابتي اي عباد الرحمن بيلگيلر كه بولند اجله انشا  
 ايركاس دور بلكه قطب ليق مرتبه كيك ايت رت و بشارت توك  
 خصل لار منصب اير دور مرتبه لار اعلا سي دور موش سر له بولغيلر  
 بويل لار اكره قطب ليق مرتبه كيده بولغيلر و در چون موزة شيب  
 خوشي ل بولويلار و شول كوز قطب ليق مرتبه كيك مشرق قيليند  
 و بويل قطب ل و سلا رويميش تن در و بيش لار بر جهرت  
 سلكن اير و بيلار در و بيشلار رت ترتيب قيليك ليفه تيكود و سلا  
 و ايلي شيب قطب ليق مرتبه كيك ميقا ايلاد سلا راندرن موزة مرتبه  
 رخصت بولويلار و اولون لار ليفه يا لغايلار در و بيشلار ايلار  
 اي كوز لور بيلر موش اوجون كيسي اير اول كه بچن كوز ملار  
 بولغايلر و آخ عمرده جدا ليق قيلغايلر بلكه فقير لار بيلر غرض اول  
 دور كم مبارل جنازه لارني اكر خدا تيعا نصيب قيلسيه تيمنا و بيلر  
 كوتار كايلر و استانه لار بولغيلر لوز و مينر كا سر مه ايلار بيلر

و آخون ده

و آخون ده اير و بيلر و سعادت ميند بولغايلر رخصت و بيلر  
 ايتكا كوزيلر دور جهرت شيب قدر و بيشلار بيلر سوز و بيلر  
 اير سه ايلار لار در و بيشلار بيلر ايتا بيلر لار رخصت ايتا بيلر  
 لار نه امان غرض بيلر لار نه هدايت و اير مانشي قيلي قدره اير  
 چون در و بيشلار ايلار ملار مت ده بولور سلا رايه بيلر بيلر اوتار  
 و بيلر قه حالت شير عيتي در و بيشلار ايلار بيلر بيلار ايلار  
 بولون اول كوز دور كم و و كوت و و كوت اول لارني و و كوت  
 تاييب ا بولغيلر و اير ايرن بيلار ايلار بيلار در و بيشلار چون  
 ايتا لار اير سه بيلر شيب لار **جهرت شيب** ايلار بيلر ايلار  
 و عباد الرحمن ايلار بيلر و بيلر بيلر ايلار ايلار ايلار  
 كوز بيلر كوز بيلر كوز بيلر لار ايلار ايلار ايلار ايلار  
 مش ايلار بيلر بيلر لار بيلر ايلار ايلار ايلار ايلار  
 اول و ايلار ايلار ايلار ايلار ايلار ايلار ايلار ايلار  
 ايلار ايلار ايلار ايلار ايلار ايلار ايلار ايلار ايلار  
 جيلار ايلار ايلار ايلار ايلار ايلار ايلار ايلار ايلار



او بقود و دور لار هر وقت که اوله پیدار بود لار و لاجدیت هم  
 وار دبولوب و دعوام فیه بوجان لاله صلی لار بطریق اولی پیدار  
 از خطایر این لار بر لاله ای که در آفاق باطن پیدار بود و درین  
 درویشی ارادین تو بولیدیم ای بزرگوار منزل قبر قاید و متوکل  
 اید سلا رای درویشا منزل قبر تعیین ایس دور آفاق لغت  
 نمازین ای بابای تو قف قیامت لار تا نبوت نه میرده قرار آینه  
 شول میرده دفن این نیک لار دین حق فیه جان قید پیدار  
 نفس لار لار لید لار و مکه خلق غریب لار لار مکه ایجان  
 لار لید لار **حضرت شیخ نیک سیدین** ای بابای لاله سلا  
 یتیم و تبرک تو لدین تو لاله کونار بصف و مده نیکار اید تو  
 نماز و قید لار روزمان تو قف قید لار ایس به جا نبوت کردین ای  
 آدم بوسی کونار بید ای بابا که کونستان بقع که کیست تو من هم  
 خلایق پید لار که شیخ فیه منزل اخوت مدینه مظلوم و اید  
 خلق بود و حق دین خیر دار لاله لار ایس به فری لار قبر قاید لار  
 شته دفن قید لار آقا قبر با علادیل رود ویشا رتبه نبوت لار

لید لار

لید لار و تکی کوندن لیدین لار اما اول ای درویش قطب  
 میس لار لاله کون حضرت شیخ نیک تا تو لار ایس به لاله لید لار  
 و اوز تو لار لاله دفن قید لار و درویشا رتبه کون سوز  
 یتیم کون سوزده اید دیل لار لاله کون لاله حضرت شیخ نیک  
 لار لید تو نیک لار دیل لار اید لار ای درویشا لار اید لار لاله  
 محل بود و اوز و طیف لار لاله لاله یانین لار لاله کون سوز  
 دعا دین لار و من غریب چون دوست لار دین دعا یتیم لار  
 کم عبد الرحمن سید لاله مرتبه سن تا پید غرق رحمت لاله لاله  
 ناز و ذک لاله خلیفه پید لار و سوزیدن جوی نیک لار لاله  
 استطاعت بولایه ای زیر لاله پیرزاده لید جوی در میان دور  
 کم تو لاله لار دین لید و رتبه لاله دروغ تو نیک لار و من  
 تربیه خال لاله غلام دور لاله یتیم لار کم آتاسی قیامت  
 قیامت و عبد الرحمن بولان نوحه بولایه و اول لید لاله  
 لید لاله اما بعد معلوم بولایه **حضرت شیخ قدس سره** لاله تو  
 یتیم لاله کون دیل لاله لاله لاله رتبه قید لار و اول لار

۱۲۰







و صفتین مبارک کور و بخت او اینده بیدار را و شول محسوس  
مصلحت قیلب هر زاده لاری خلقت مسندیده نصیب بیدار  
و ملازمت کایم کور کوز دیل را و حال آنکه خواجه عبدالوهاب  
یلو به برکاتش و در مدخل طریقت آداب لاریین خایا و سلوک  
رویش دین عیسی را دیل را و لکین در ویشل را و ریشه و طبع  
استعداد پیدا یقینان ایکی کار کرده در ویشل حیا و ریا کریم  
در ویشل قطب بر ایدیل رویش برینک آنکه سعد ایرد یمنج زاده  
هر ایمنون فایکین بر اوقار بار ماکد لارا ماسول لارا و طریقت آداب  
لاریین اول اردین ادر کالای اول ایرد یک ایلی در ویشل پیر زاده  
لاریین بل ازینده تربیت ایلی بسلول ایشلارین و طریقت رویشل  
تعلیم قیلور ایردیل ریشیل مونیل بر له اوج و یاشل لاریین  
کایتی ایشل رس هر وجه بر له همه در ویشل اردین اوج و خلیفه لیک  
استحقاق پیدا قیلب هر پیر و لیک استعداد حاصل قیلد بلار  
بر کوزه اولور و رادیل را که خواجه زنده دلان الله بلار لایق  
ای عبدالوهاب بیکسول امانک خفره مصاحب لاریین مقصود لایق

امین انان که یاد قیلد و رسن خواجه لایق ای بزرگوار اینوز بل  
لیقین اولمرتده کور امید و رسن که اول جناب بیکیف لیکور  
تا اول حضرت پیرنده استعداده و سیر و قیفه نشین کسور کمال  
و مبارک ایتین بیل نه کسور ماک عین سنان لایق دور حضرت خواجه  
زنده دلان غم لوسوز خوش لیکور ارسه ایدیل لاریین زنده  
بیکسول که خضر محض کمال لاریین و مانده کان به مقدار لاریین  
دور بنجی صفت نکاست که امانک نیک دوست و مستور حق در میان  
پیر زاده عبدالوهاب بیدیل لاریین بزرگوار اول حضرت نیک ملازمت  
اشتیاقی دیدار از روسی اجتهاد قرصیدین زنده و راما بیکسول  
اول از غم مکن مقور امان قایده دور لاریین و راقور دور رسن کور  
بولغای من حضرت خواجه زنده دلان ایدیل لاریین عبدالوهاب  
مکان تعیین یاسی و راما پیرده خوا لاسانک خضر بول لیکور  
خواجه لوسوزنا الشیب ایتین که حضرت خواجه خضر علیه السلام اوج  
خالی لایق بیکسول لاریین اوج ایا علل ریح کفیفه نوزن سودا  
و کایه اغاز قیلد لایق ای بزرگوار امان بر له سینک ایتین لایق ارسه



دوستی و دوستی که من میسوزد از ضایع قوای غیسل حضرت خواجہ میرزا...

دوستی و دوستی که من میسوزد از ضایع قوای غیسل حضرت خواجہ میرزا...  
ایده طار از زند تو بغیر من که نظر قضا می آید چون کیلیت در پیشگاه  
الشیخ نجی ل بولکه و نه الحال او را تو بولکه آورد حضرت خواجہ میرزا  
علاء السلام فاخته او تو قضا می آید بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
نیکی تو لاریده و در چ او ن فاخته او تو بولکه بولکه بولکه بولکه  
قیلید طار و مبارک تو لاریده بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
لین ایده طار از زند بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
ایده طار از زند بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
قوای غیسل که و بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
تاریت بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
اما بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
سین خواجہ میرزا بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
بی در ویش طار از زند بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
لا رس حضرت خواجہ میرزا بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه

کون قطب

قطب در ویش طار از زند تو بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
ده جبار بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
خواجہ قیام الدین بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
و فن قیلم طار از زند تو بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
سورده ای بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
نه قیلم طار از زند تو بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
حضرت بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
باب شیخ و در بین ویر فاخته بولکه بولکه بولکه بولکه  
الاولیا در ویش طار از زند تو بولکه بولکه بولکه بولکه  
در ویش طار از زند تو بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
اجوال از زند بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
دن زیاده بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
اناسی دن شیخ فاخته بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
لطافت ده بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه  
چنان می فاخته بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه بولکه

۷۱۰۲







سونده دور لار دسی قییب زدنک با تراق انده تیکور کسل و نیشک  
 فلان محمد سیده شیخ باری دور که آت بعد ز راق تو در اینک ملازمت  
 ده بولغیل کم قطب مان دورش بد که حالینک غم هم قییب و نیشک  
 روم جیسیدن کنک نظر قییب اگر مصلحتی در سه خدمتیده بولغیل  
 چون ایقودن اولغاندن فری ل تو بولطی رت قییب نازد و کانه  
 ادا ایل ایل اصباح بولغیل نوز لاند ز منی قییب لوقه کوزه  
 تی ایاغلا رنجه قیاب چو قره سین بر خط که الیب شیخ یل محکم  
 سوکوت نه بر دیل ارا سه بار د خاقه کیشیا تیب سوز سوز  
 رخصت بر که ایب کیت خاقه نیتیده ای رکت دو کانه اوکا  
 اندن کین شیخ ملا قاسم سلام قیدر لر سه ملا مینو چو ایب کیدی  
 د خاقه آست نه سیده اورون الیر لردیم اوج یوزن مدرش  
 مرا قیده اولتور و دیل لار هم قییب لار التفات قییب و نیشک  
 مدید و سن سوز که شیخ باری کوتا ردای سه هم لار باری لاری کونار  
**غیاث الدین** قویوب سلم اعاده قیدر و شیخ جواب بر دیل لار  
 و سوز دیل لاری نیکیت قایدن کلور دن بول کیشین ایتیل

بولوب صر

و اناک کیم و غیاث اید لار رنر کوار شکر تمدن کیم و نیشک  
 نیشک تم غیاث الدین اناک آت مولانا نظام الدین تورو **و شیخ**  
**مولانا نظام الدین نیشک** ایتیل ای سه ایله کیم و نیشک  
 ایل لار هو الدین سوز و اناسی صایدن بحقیق قییب و نیشک  
 تار یخن سوز داندن کین کدل لاری ملازاده خوشی لیدنک و  
 یخن قیدم کیم سوز دوزنک و در محبتینک بولغیل و نیشک اولک  
 نوز باریب سلفیل ملازاده فرحال قویب و هم نوز لار نوز در قییب  
 ای سه شیخ ایدیل ساری دوزند اور ناده اولتور غیل و ملازاده  
 اولتور در و شیخ مولانا نظام الدین نیشک تو صفر غم تورو دایچه  
 که ملا نیشک خدمتیدن کور و باریب ایسه هم نوز لار نیشک اید  
 اندن سوز که ویدیم ای دوشمند زاده نه قویب سن سونده  
 نوستونک اید ساری نوز کوار اناک دن کیم کلدک حواذات  
 روز که رو دن بونیکلنغ نرسه لار کلدیم کیم ساری کیم عیال  
 کیم افرام اناک مدین استغاثت ییل دای سه اول غم کیم  
 اناک رت قیدر مل کلیم او کیم و در الحمد صد که مشرقی لاری

محرر

و



و اما آیتان تا بهم چون بپوشید ازین قوتی اند  
ای یار این بویکت نیک حقیقه هنر لار دین فاکه التی سایلان من  
ملازاده ترور و تم امیدار لیت بر لک لیکیت رخر نزل از نظریه  
نا امید حقیقی قریحی رود و در اول غر نزل از نیک ارکیدین بر سر  
قوی بایدر کشنه خواتین سیر لارا اما الان موخه اولیا لافیه  
سی که قابل ایامی دور زیرا که سیل لارا و قاتین بولوس لیک  
بجو روب دور و دمن ضایع قیدین رود و چون غم غمیش دور  
**شیخ نیا بدیل** را خدایک غر نزل از سیر لارا نیک فاکه لار نیک  
شوند اغ فاکه لارا و چون دو کوفت بایم سیر لارا و یک غر نزل  
دعاسی بر کیتین بونیکه در مانده لارا نیک است کفایت باقی  
اند اغ قیدی نیک لارا بود و دیش خاطر را چون فتح فاکه سیر  
ان نوبید قیدی نیک لارا که اولیا اقدین فاکه سی خدایک نیک  
کنه کار لارا جو قیدی را خوالا مریخ نیک یوزیدن همه لارا نیک  
کوتایب فاکه او تو دیل رود ملازاده نیک یوزیدن  
قیلیدیل را رسه شول مجلسه استی غم غمیشی و بشی کچه کوزد

صحبت تو لا لارا اولیا لارا فاکه سی مدوی **شیخ عبد الرزاق**  
**قدس روحه الغریب** نیک ملازمیتد ایرد تربیت تاپیل اولیا لارا  
جمله سیرین بولک اذن الکی سیل حضرت شیخ نیک ملازمیتد ایر  
اما حضرت خواجه الیاس قدس سره الغریب نیک پال باطنین  
تربیت تاپی و بشی سیل شیخ عبد الرزاق شیخ غیاث الدین غریب  
او زتر ملکده بکلیده مها خیفه لیک مرتبه سیده بفت قید  
و التبحر بیلین ایدر ای غیاث الدین و فاکه دین کین شیخ  
منصبین معطل قویا نیک و البته شیخ لیت منصب ده اولو نیک  
دیب قیت قیلید علین وجود رختین کونارد اولو ایدر  
شیخ غیاث الدین شیخ عبد الرزاق قدس سره الغریب  
و فایتین کین شیخ نیک اورینده اولو نیک بولک  
او آیر سه بر لچه واقع ده کورد که اتاسی خاطر بولک ایدر  
تا کی غریب لیت ده یوز و رین و موندین بدون وقت  
منزلده بود و نیک ایدر کلام عبد الرزاق شیخ غم غمیشی و منیر  
مکان تو حاق غم هنر او را اولو کلام تا نیک منیر یا شیخ غم غمیشی

محمدرضا



تهاید و روق اوله و رکه اوز منته لکن تا بقا سین اول وقت کم  
 شینج نیک ملازمه غه بار غیل و یک خست بر دیم غرضیم اول ایام  
 اریدیم با لکله وطن اصل اول دین اوز و لکای سین بلکه غرضیم  
 اول اریدیم که اینک اتم غه تیکای و اینک نیکم بولیم  
 شینج نیک ملازمه غه موقوف اریدیم در خست بر یک و دیم  
 شینج عالم دین اوی ایدر موند بولما قینک نیک هیچ مصلحت  
 یوق دو راول اریدیم **شینج غیاث الدین** اتاسی تکلف بر لک  
 شکر هم غرضیم قیلدک اتاسی منته لک یقین کور دیم اوز  
 بار جاندام قیدن معمور اوق دو ر موند کور دایر سیه فو سیل  
 بولور حقیقی نه لغه شکر بیا ری کلیلور دویجین ده شینج نیک  
 قول فرغه اوز ایتدیم ای غیاث الدین **من لقدم الی**  
**شیر القدر الیه ذرا** لغه هر نه منته لک اریدیم  
 ایلک کلیلیم اینک بیکر بیکر ایلک بیکر بارور من چون  
 منته لک همغه کلیلند من هم سینک طیفه بار دیم  
 اینک منته قیلدیم ای درویش صادق هوش بر لک لک

هم جفت سانه و لقا ای انداغ کرم لک با دشت اوز  
 لک عصیان و طاعت احسان رحمتی الدین ایدیم  
 دو کورمای بسن کم شینج غیاث الدین قیلدیم  
 لک غیر جندان میل فبق عصیان معصیت طوقا  
 غرق ایدر و خداوند برحق لطف غمی بر لک رحمتی  
 شکر بر قطره بر لک جهان موند لکم کور بیکر  
 قیلما بایردی لطف غمی بر لک شکر بیکر رحمت  
 اجته اکر ای دوشینک لک غرضیم بولیم قیلدیم  
 کوند و رک کوند و زغ کجکا اولایل تا حق کجکا  
 و تعالی شکر رحمتی غه مستحق بولور بسن چون  
 گرمی عام و لطفی تمام دور **غیاث الدین**  
 قدس سر الفیض اتاسی منته لک ایدیم و من  
 بولیدی ایدر ایتدیم شکر کجکا اوج منک شفا  
 مرید ایدوی و بزرگوار شکر حصید افته فائزین  
 اوقوغال اولیار لار عدد ویدا اوج یوز رر



ترتیب اولادی اما معلوم بولغای کم  
 قرقیل زیاضت نارت و بدستجه تا کوند  
 غجه بر ایغی برله قایم و کوند و زری صایم ایرد  
 و ایکی کوند ابرافطار فتندی و افطرد و ایکی  
 مهقال دین زیاده طعام یادی و قانقا  
 نیفه سو اسجی و یکیل که شیخ قوس مندر و  
 و طیب مر فله دین همیشه کرامت غریبه یار  
 وقوع غه کور ایردی اول بزرگوار کرامت  
 جمله سدرین بری اول ایردیم لشکر لاری  
 او جاقی غه اوت یا مماس ایرد و قزان  
 سو یادی و لیکن قزان همیشه پراب و  
 براتش ایردی هر نوع اشکم حضرت شیخ  
 خاطر لاری غه تیار ایرد و تا خرمیا بولور ایرد  
 وینه اولکه حضرت شیخ ننگ سفده اطفه مکب  
 لار بار ایردی هر کز حرام ارفه میا پس ایرد

مکرده سو ایچاس ایردی وینه شیکر اطفه  
 سکر لاری بار ایردی اعتقاد سیز کم به  
 حضرت شیخ ننگ ملک زیت لاری غه مکده  
 خالقاه غه بول بر ماس ایردی و هر هم  
 اخلاص و عقیده برله کلاک تمیق کور کوند  
 و ب بسیار ملامت لک قتلور ایردی وینه  
 بر کرامت لاری اول ایردیم منزل لارین  
 یرکم کور ملک براق با غلاری بار ایرد  
 وقتی که شیخ با غقه بار لار بر پاره بولوتیش  
 لاری اوزار کلیک به قتلور ایردی بر کونی  
 درویش لار برله باغ قه گیت بار و ایرد و لار  
 بر ساربان الدی لاری غه کلدی اندی  
 بزرگوار خاندین عزیز میوم بار ایردی اول  
 انگی کوند و کیم غایب بولدی تا پهای دورین  
 حیران و سکر دان بولوب کلیم و علا حین



قیلغیل و بوالشون فی نیاز کلتور و بمرمن انیل  
و بیوم فی تاییب برکیل لوق ایریو تکیان تیو  
پسنگر منکدا قلدیم که قنایت کونی سنیل  
لومر و در چون شیخ تیوه جندین بوسوزنی  
اشته لاریپه تولی اندلار و ندر نیاز غم  
تکیر اتیب مبارک قولاری فالدلار و دلدلاری  
یارلن بوساربان دورش فی مشکل ایشل و  
قیلدی اگر قبول قیلماسم نو مید یا یقون و  
هم سچاره لک دین امید نام برالتی کار و و  
ناچار قبول قیلماق کرار و در تشوش تاریخی  
لازم و در ویب جلاونی تاریب توختا و یلار و  
کابار یلار و در ویش لار حوکر الارید احلاق و و  
نور و یلار و ساعتی اوت ایردیم میرمک لاری  
انداغ نر لادیم بوسیدین سولار روان بولار  
اول وقت و احضرت شیخ مراتبه دین باش کدبار

و ملار و اید ملار ای ساربان بار عنیل تیوه  
لار شکات سید با قیلش یدیم تیو تک بولغای  
و ساربان شیخ شکات ملار پیر بار بکوردیم  
یکان تیوه ک تیوه لار شکات سید با قیلش  
بیرا کوخه مجال لوق دور و بار حه اعضا سید  
موقول و لور و ک فو پالمای دور جو یلار  
بان بوجال نامور و طیب بر لشیخ مینک  
او جالار دین یو کوردی و ماغ فو باق سیتی  
و ایدی ای شیخ بزرگوار تیو منی تیوه لار  
ار سید انا پیتم اما ورنیدین فو پالمای دور  
و اعضا لار دین سور و ان بولور و  
شیخ قدس انکسیده العزیز اید ملار  
ای شربان تیو تک ایست کلتور و  
ویب ایردیم کورد و کم که فو خطا منیک بار  
حالت غم و ک قلدیم ناچار و عرت بر لار

۱۹۱



شباب بدو کله و دوم باک بود و در کسم اول  
ایک کونلوک پولی بر زمان ندا با سبب کلیه  
لا حرم اول مقدار تر لای به حال بود  
چون دورش لای بهر کوار دین بود کرامت  
معاینه کور دیلا ایر پاندین سو لکر ایر کیم  
نک بر جوک فرسه یته او غری الیه  
حضرت شیخ و القاکتور و ابهانت  
یلایه با توقف حاجتی روا بود ایردی  
القاص حضرت شیخ با غلاری غنی لای  
ایکه بابا لای دین قانغان بدو توب غار و حق  
بار ایردی نبراک بیلور ایر دیلا سیر میل لار  
بار ایر کور دیلا که بر شاخی قور و ب دور  
غیرت بر لای مبارک قول لای بنی سنو لون  
قورغان شاخ غنی لای لای دیلا را عوز باند  
من سلطان الرحیم اهلها ثابت و قور غنا

فی السما

فی سمار و لای آیت غنی او قور قایتغ ایر  
لا ایر پیه حق پیه و لغالی نک غنایتی ایر  
فی الحان سیزه بود و برک لای حقار و  
علی بیدانغالیس بزر کلا رنگ کرامت لای  
سپار شایده بود لای یردی دورش لار  
لقی متیب حیران قانور ایر دیلا و بنیه غار  
لا زنه اول ایر کیم لای تر باره مال قولون لار  
هم بود کایس ایردی اکثر بکر لای مالک شکیله  
اول مالک ایر و و ایر دیلا بر کیم لای کایس ایر  
نابت ایردی او شبو سبب دین علیق بیخ  
عنایت ناک در ایر لای بر کور و دورش  
لا بر لای سیر کاجیغنی لای شول مال قولون لار  
ایردی کور لای غنه کله شیخ مال انکا حواله  
قید دیلا ز مایسین کیم بیه بر و یو لوقتی ایر  
قید یون لاری غنی قول لای انکا کیم مال بر کایلا



چشم حسیحانه و لعلی انداز کرم لیلی پشته دو نیم لطف عصیان  
و طاعت حین رحمت الیه یکین دور نورهای سین کیم سحر  
عینات الدن قدس قدس العزیز حندان بل سبق عصیان معیت  
طوفانیده عرق ابروی خداوند بر حق لطف غمیت بر رحمت مغفرت  
نیک بر قطره بر بر جان محو بولدیم کویا که کنز کنه مبتلا بر روی  
لطف غمیت بر لعل نیک بر لعل رحمت یکین آفت ارای درویش  
اگر غیر نیک بر رحمت متغیل کیم تا کوندوز کا کوندوز کیم غم  
اول نیک تا حق سبحانه و لعلی نیک رحمت غم مستحق بولور سین  
حون که کرم عام و لطف تمام دور **محل سنج عینات الدن** قدس  
سهر العزیز انا به نزلید اسکن و متوطن بولدی ابر  
اولوز سین نیک بجیده اوج مشک شنه مرید ایلاد مرید نوز نوز  
جهنده منج فاجه سین او قوغان اولیا لار عدد وید او  
لوز دور ویش تربیت ایلادی اما معلوم بولفای **حضرت سنج**  
حق بل یا منت تار و هر لجه تا کوندوز کیم بر یا غنی بر له  
قایم دو کوندوز صبا ابروی و ایکین نوز ابر افلا متیلد و افلا







سولار دال بولدی اول وقت ده حضرت شیخ حرافیه دین  
آوتار دیلار وایدیلاری ایان باریل تیوه لار نیکلر اسید  
باقینس یتم توک لیکلر لوفای وایان شیخ نیکلر  
یلار یجه یاریپ کوردیکم نیکلر تیوه لار نیکلر اسید  
یقین قالیپ تیرلویجه خالی لوق دور و یاریجه خاسیدین  
سوقولوب دور که قوپالمای دور چون ایان بولما  
لور و ب نظر اپرک شیخ نیکلر اوجالار دین لور کوردی و  
قه یاق سیتی وایدی ای شیخ بزرگوار تیومنیوه لار نیکلر  
ار اسید تاب تیم ااورندین قوپالماسق اعضا لار دین  
سور و ان بولوب و حضرت شیخ قدس سره بفرماید  
ای شتر بان توکله ایست کیتور و ب برای دیب یردیم  
لور و دم که قوی نظر انیکلر بر حالکتم چقلیدیم ناجار ستم  
قورله شتاب بر کیتور و دم پاک یوقد و ریم اون ایست  
بولغیر زمانه ایست کیتور و ریم اول مقدار تیرلار  
دیجال لور چون در و سولار بزرگوار لار دین لور کیتور

معاینه لور دین لار بزرگوار دین سونکره ابر کیم نیکلر کچوک  
نمیس هر لوق بولم حضرت شیخ ایجا کیتور و ب استقامت  
یتلاسه بالوقف حاجت روالور لور دین ایقه حضرت شیخ  
بغلار غن تیرلار و بان کجه یار لار دین قانان برلوب  
جنار و رشتن لور دین تیرک سلور لور دین لار سیامیل لاری  
یار لور دین کوردیلر که برکتی قور و ب کیم غیرت برله مبارک  
قول لاری نه سولوب قور افغان سخی فی لور بیلار اعود  
ماقدن سلطان الکیم صلواتنا بت و فرماید ایست و بولوب  
نه اود قیاسیغ ابر غانی لار بزرگوار دین ایجه و لعلای نیکلر غنای  
برله فرحال سیره بولدی و برکت لار قیاسیغ لاری علی القیاس  
بزرگوار نیکلر کرامت لاری سیامت ده بولور لور دین لور  
لار تیر کیتور بزرگوار لور دین لار دینه عادت لاری اول  
ایر و ب کیم بر تار ذک قویون لار دین کم لور کاس لور دین لور  
بر کونده ایست کیتور لاری نه بر و لور دین لار بزرگوار  
لور کاس لور دین ناست لور دین لور بزرگوار دین غنای



غیاث ناکی در ایردینار بر کوفی در ویش لار بر کسیر کا جفتی  
لار نولانی قبولی اید ایردی عمریه الدیلار غنی کسیدی شیخ  
ناکی انکا جواله مبلدیلار زمانیدن کین ینه بر دلو لوقته ایر  
قویون لار غنی قول سالد انکا هم ناک بر کایار کوزیل  
له هیچ نرسه بوق دوریلار رای باران مکر فیت نیک عمری  
اغری غه بولغای در ویش لار بر کیم ای بزرگوار یا مژده  
خست سیتی بولغای شیخ ایدیلار بوق اما بولمقدار معلوم بولاد  
لیم ولایت باغی نیک میوه کرامت کشتن نیک شجره  
بوگون منقطع بولدی بولانکاملات سزوریم مکر تر لیکلیک  
نیک قناتی تو تولدی و غنایه هست بولدی و یا اول و دوم  
خدا دور ویش غ و بنا لعلق بیدین منقطع مبلدیلار بولغا  
اوسه سوز و ایردینار بزرگوار نیک موقلاق لار غنا و از  
لیدیکیم ای غیاث الدین حوز تا پیشک سلطین که من سنجک  
دینا بر لار شیخ نیک قادی بولمقلقات دین یا لکلیته اولد  
لغیر سهر قطب مجامع سیدین مبلدیلار قطب رخه موند

خبر بردی ایس لار بر لار منقول بولماس و ز فله نیکد ابول  
**جهت شیخ** فله اوسه سوز و ایردینار بزرگوار نیک موقلاق  
لار غنا و از  
لیدیکیم ای غیاث الدین حوز تا پیشک سلطین که من سنجک  
دینا بر لار شیخ نیک قادی بولمقلقات دین یا لکلیته اولد  
لغیر سهر قطب مجامع سیدین مبلدیلار قطب رخه موند

۱۰۹



۷۱۰۲  
ابر بر حضرت شیخ قدس بنفیس سپید بولدی و سوت بودید اولی  
و قطب لیت در به سیدین به سیدین اوزین صفا قیل لادی  
و سوت غلب سیدین به خود اندامی اولی خرم طایر باطن  
اندین هو نکره بوسوز نه پنهان و سکار همیست پتور ایری  
و منکر لار سبب عتران مقامید بولدیلار و قاضی الدلیفه  
باریدیلارای سیمانی لار نیک قاضی ای صان شیخ بونو  
هوز فی ایتیب روایتا دورا و سوز سیر لیت و کفر نو  
یا بومو قاضی اندلار ظاهر لیت و کفر کونا دورا سیمانی  
دورین کیم تا و لیلان موایکین یا بومو ایلین  
ایدیلارین قاضی حاکمین سیمانی لیت قد ایسی  
میتاق کوک و قاضی ایدیلار بونو لار کیم مفت الدلیفه  
بارالی و انیتیب بن استغفار سیلای اندین هو نکر اول  
شیخ قاضی غه بار سقا بولور معاند لار ایدیلارای قاضی  
ناضیر غه نه محل و کیم لور کیم بونو صرح کفر ایستاد  
غان بولوسین رو کورار موسین کیم اول پنهان سید

میزاده بولغای وقت دور کیم بونو اولی کالایت دور قاضی  
ایدیلی یار ان اولی شیخ دور به تاویل مو اندین هوز فی  
دیجا که کران لال غه لغه نسبت بر ما نیمه خوب بر ما پس  
دور دریب تو بولوب مفت لادی غه باردی و عتران صلیف جلال  
باریدیلار و قاضی مفت غه بولور واقع فی بیان مستلک سید  
ما بطع شیخ میل عترادی بار ایدیلی در واقع بونو  
شیخ دین لالان واقع بولوب دور موایکین لار سکار سبب  
بور و بد و مفت ایدیلی یار ان اگر چه بوسوز ظاهر لیت  
بولوس کران ما شیخ هم اوز وادی سید لیت بوی رعایت  
محل دور سید و عاکان بر لغه بولغای بر لغه سید هم به تاویل  
دیجا که کران خود بار صی امام محمد لار نیک مقرر قیلان لار و هم  
الکر کف نیک لوز ایتما لار نیک بری اسلام غه دلالت قیلان  
داخل صلیف بولوب بار دور کیم غه لغه اول بر لار سید کیم  
اوز هوزین تاویل قیلان لالان سوندین عزیزی کافر  
خوب یاسین و رای سیمانی لار شیخ نیک لادی غه بارید



تحقیق قبلکنز لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 بر تاول طلب قبلکنز لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 از تاول قبل لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 لازم و درانی قبل این اگر کنی که اونا ما با سوسوفت است  
 قبل کنز لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 است که کاتبیب و سوسوفت بکری وریا لوق کردیگان  
 سوسوفت کاتبیب و سوسوفت بکری وریا لوق کردیگان  
 قبلانی طراف جوابت دین دره لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 قبلانی لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 مای بای دست در از قبل کنز لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
**سخن** قدس قدسه از سوسوفت بکری وریا لوق کردیگان  
 نیک دره لوقان قول لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 قول لوقان قول لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 ابریه قاضی لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 ابریه قاضی لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان

قبل کنز لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 اول لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 و بلیا قبلانی بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 حسین جلال مای وریا لوق کردیگان  
 محبت ایدیل لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 او زومینر کاکلم ایل وریا لوق کردیگان  
 قیلد وریا لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 باریده بولوغ نرسه لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 مریه قاضی موشک علامت تروریه  
 ای دی ای ماران علامت اول کیم  
 قیلد کیم مبارک قیسه دینس لوق بولوب لاریم  
 جلال وریا لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 قاضی غوغیلد لاریم بوسوز غویش وریا لوق کردیگان  
 قاضی بوجامرت عند تقصیر **سخن** قدس قدسه  
 کیم سوسوفت بکری وریا لوق کردیگان



از بر سر لار او ز الدیمه جیجک نذر ایاتی میفرمیدم غنای ترا از کناه  
 لار لاد و چون قاضی حوی استی ایر سه تمام نیازمند ایک خجسته  
 لار نیکو بینیدن با غلاب سنج الدی غه کیدی و بسیار نذر بنیان  
 اول کار زیست فاعت قلیب ای ای بزرگوار لطف غنایت بر له بولکته کار  
 کن بنسختی رسل کیم الدیمه غنای او بانه کریم لار تحقیق ای کاف و تاویل  
 طلبهای موندان شستایق قلیب سیر الار دین با پیوست لار  
 ربه ای جهان بولوب غافل لار غنای بنده قلیب لار بولوب معلوم و در  
 سین در یاد بولوب محبت نجاست دور لار در یا نجاست بزرگ  
 بولمای قاضی نیکو بوزی عذری تقصیر **حضرت** **سید** **فخر** **موسی**  
 لند معقول کونست سنجیم بولوب لار دین شیمان لبق و ای کاف  
 اید یارای قاضی سنک بوز و نکلین بولوب محبت تقصیر لارین کج  
 و دهم اما موندین کین بولوب غنای میسون لار غنای لار  
 اید لار ای سنج با قد که من بعد بولوب غنای قیامید چون **سید**  
 عفو مقامید بولوب بولوب محبت کاف که او میدیلار ایر سه حال  
 قول لار سیر مان غه کیدی اقا تو مار قول لار لوق سیر مان بولوب

اندین سنج نصیحت مقامید بولوب لار و ایدیل  
 ای قاضی و محاسب لار اگاه و دانا بولوب لار و  
 جاعل مانکیر لار غنایات الدیمه جیل و انکین  
 بولوبوز غه دیکای بخوش قلیب سیر تیم به اختیار  
 و غنایات سکوت دین ناچار بولوب کیم  
 یستی غم خار سیر و دور آه بولوب سیر  
 و دور معذور تو تمام کرا ال الرضا طاهر لیت  
 بر که کفر دیر لار اما اصل طلیت اندان غلغ دو  
 لار کیم بولوب لار دین دیر لار و ز که خواند  
 لقمه یر لار لاجرم موندان طلیت لاسوزیکا  
 سیر از جیم و تعرض بولوب لوق ایس دور آه  
 اشاد اکمر اورا قوی دای دی کیم بزرگوار  
 بولوب کیم بولوبوز تاویل فلان حضرت قاضی استیلار و مقلما  
 بنیر لار هم اشیتسا ک حضرت سنج ایدیلار ای کاف



در وینچس لار بو نو همه که معلوم دو رکیم اول لید و  
 آخر یک حق بل صوابه که اسم لوار الصفتی دور  
 دریشیم بوصفت ز اوزیک اسنا و قیلا دور  
 یعنی اول اخر منند و من من دور بو منی دارا ویم  
 هیچ زماهی خداوند تعالی یاد دین براق اما س  
 دور هم همیکه انشایی که ترور من ظاهر و باطنی  
 دور من یعنی بنیان و استوار را از تنگیدین من  
 اما س اوزوم شمس سیریه که بولوع نسبت دور  
 بول که اول منم اخر منم درینجه استجاری بارقنه او من  
 کافر بولوب اولتور ما که کاسرا وار بولوع  
 شینج بوتما و سیل فیتد لار دیر سه اهل  
 مجله سول یلا صدقنا و سلمنا اندین کی قانی  
 اوز قلوب بدی بزرگوار بر نه و سبب کینه سیرا  
 ایدر زیر که موندان صرح کرامت تیم الان حضرت تنگیدین  
 ظاهر بولوب و سیر لار است به مبدل و ق تیم جفر تنگیدین

و عا سی برله بوجاعت تنگیدین قوی انفعال غه تنگیدین  
 برادر قوی زمانه دین قالدیر سیرا زمان بومیده ظاهر غنی  
 تیم حضرت بزرگوار تنگیدین سوز لار تنگیدین سوز بولوبان کیم  
 فعل اول تنگیدین علی سوز لار سوز لار و فعل صرح حضرت بزرگوار  
 لارای بزرگوار البته بومقد لار فقیرین جور ما که کرامت حضرت بزرگوار  
 ایدر لار قاضی تنگیدین درو سیرا لار تنگیدین نظر بولوب لوز لقا  
 سیرا بولوب لار درغان و لار نظر کا کیلتور کاس لار سیرا تنگیدین  
 فقیهان فقیرین جور دم و قاضی نینه سوز مقامید بولوب لار  
 اسی بزرگوار اول وقت جور کاس بولوب لور تیم بولوب باله و ق  
 بولوب لار بر طرفدن دفع بولوب سیرا بر طرفه سیرا بولوب  
 سیرا قاضی قاضی سیرا سیرا سیرا سیرا سیرا سیرا  
 قاضی بولوب لار دیم بولوب لار سیرا سیرا سیرا سیرا  
 سیرا سیرا سیرا سیرا سیرا سیرا سیرا سیرا  
 بولوب لار لار بولوب لار و سیرا سیرا سیرا سیرا  
 و مالایق افعال سیرا سیرا و ندامت لار دیر کاس



لعلنا و انفسا دید و ک موندین کین هرگز بوخلفه قلمی  
 کیسین ای دی لاری را رخ قتل تو را رب امین  
 و نیکین لاری بار رب لاری قتل کو تا رب امین ویدی  
 لاری بار رب قتل کو تا رب کیسین و عافه مشغول بود  
 لاری نه خور و عافه تمام بود لاری در رب العزت قوت  
 بر له خور و عافه قول لاری تو تا رب بولدی سکول  
 مجلس و عافه با سکنین هم محبت لاری **حضرت شیخ قلمی**  
 قلیب دید بولدی را رخ سوخته کیسین ای دی لاری  
 ای قلمی سینه ازین حشمت که بنده دور نه جد بود  
 که دم او رخای اکو سوخی قابل تا بل بودیم  
 امانم سن الفتا و عافه و ما را رب و یکم بودیم  
 نوسه لاری نه ظاهر قلمیم تا سیرین حرکت کاکب  
 بوزنق میدا بونفا سیسین و جبهه یلم کو قاف  
 سیرین کم مرد قابل لاری را رب و سیرین زی که  
 عاشق لاری قابل تمیر لاری بی دور و لایق

لاری اتیر در لاری کل که سیرین قابل لاری کشته سیرین خواه  
 لاماد یکم ضایع قافای سیرین لاری نوع بر له کلتور دوم اورا  
 دالو بوب مقصود و کتیکس لاری معلوم بود تا یکم **حضرت شیخ قلمی**  
 سه العزیزین سل قطب سیر دیر و قطب سیر زمان لاری  
 بس صاب و لیت تر بیت مستعد و کی لاری نیکور و نه نیک  
 اضری قاصی عبد الحیدر یکم مذکور بولدی اولن طیفه بر پا کرد  
 و طیفه لاری کت لاری قاصی عبد الحیدر بولدی بر کو نه حضرت شیخ  
 تنها سیر کاجسته لاری نماز و یکم سیرین با نیک بولدی  
 لاری در ویش لاری لاری یکم شیخ نیک لاری دوتا بولدی  
 در ویش لاری بر سیر یکم ای بزرگوار سیرین علم الهمنا  
 سیر کاجسته سیر دیر لاری زمان کت سیرین لاری کت سیرین  
 حضرت شیخ اید لاری در ویش کت وقت با وقت کلیم  
 خواه لاری یکم سکون و لاری سیر لاری خیر باد قلمای من  
 بعضه نماند دور است تا سیرین خیر باد مستلیم و کت کت حضرت  
 تیلادیم و بعضه لاری رنجور کور دوم تیکه لاری لاری لاری



واکیر یوز وینی کوردوم نیم عالمین ایمان کیمی لار منیم  
 او شجره جماعتین بولمغای من دیب قوتونجه دین اوچا  
 استخوان لاریم سینه مالدو ته بولدوم ای درویش نه غرض  
 ترورکم نیر سهیل لاریم حکم بایضت مارتا خولونوع عالمین  
 لبت اثره انکس که ایمان معتبر دورا نزع جان و قنیده مسکنه  
 تازه ایمان ایمان اسلام نیک نشا به دور تخصیص لیا و الله  
 و نیم اولار حاصل ردین ترور لار چون واقع دین ایک لول  
 اوده ایرسه او چونچ لول ضربه دیکار که ای غیاب الدین  
 وقت لدریم دوست دوست غه اولان غایب اینر واکای  
 سین و حجاب سمانه پرده دلاری ارادین کومار یلکای  
 حون بولمغان استیج سجال بولد لار و اورا قوبوب سون  
 تمام بر لایدیل خوش بولمغای درویش لار دین **شیخ نیک**  
 ارقا سندا اولتور و بپردی سوردیکیم ای بزرگوار نه  
 حضرت شیخ ایدیلار درویش فضل فیری بی و سل بولما  
 لکریل ز سر سون اوج مرتبه به در به جرح باردیلار

اولن اکیلغیت بجه تارنه اندین سو نکره ایدیلار اللهیم  
 اسلام و منک اسلام و الیک اسلام و الیک بر جع اسلام جینا  
 باسلام و اولماد اسلام بابرکت ربنا و تعالیت یا ذوالجلال  
 و الاکرام لغیر هذا و ذاهر نقصان و آفت من سلامت و منفه  
 سین و خلوقات لار نیک سلامت لیکیم سندن و سلامت  
 لیک نیک مرجعی سین ترور سین زنده کولقیل نیر لار نه  
 پروردگار سلامت لیک برله و دال متفیل نیر لار نه  
 اولکایین کین دار اسلام اتینگ مهنهت بجه خشیایندیک  
 بسیار دور پروردگار بار صه دین اولونوع سین ای بک  
 بنگ و فضل لرامت لینگ تکریم دعا و قین اجابت ننه  
 سیکانیکورس بولودغانی او قوبوب حق تعالی نه جان  
 تسلیم مستیلدی لار ایرسه درویش لار سکریم فلق غن  
 ضربا بردی لار بایع بولوب **حضرت شیخ نیک** مصلحتین  
 ایلاب مبارزه کابالینگ زکاه غه تیکور دیلار دعا زکاه  
 ادا ایلاب شهر کا و یمن کومار بیخوت منزلیکا کلنور دیلار



میریم کو نلوک لول ایردی تا اندا سیکو نجه جبارزه رجبیدن اوج  
 ایردی حریت اواز کلدیم علیک اسلام و خلفه محمد سوره یکم ای بزر  
 رتوار بوجوق جواب سلام تروریم انورسین **حضرت شیخ**  
 ایدیلارای محمد بنیت حورلاری صف در صف لوتروب در  
 آسمان فرستته لاری کرده کرده کلام میورلار لولار سنی  
 خجواب برورنم القه املاری مولانا نظام الدین نینک مرارکا  
 غه نیکور و یلار و یلار بیک اسلام علیک ایل متور ایدنا اعرط  
 استیقم دیدیلار بغیر حمت سیرلار کای ایل کوروشینا  
 منزل است لول غه باشل کنیرلار و کوروشینان خلقیدن  
 اواز کلدیم علیک اسلام آتیک الله فی الدین بعین رحمت  
 سنکاکیم الله تعالی سیرلار سیرلار سیرلار غه انب کلدیکه غه  
 سیری دور بوسوزنی بارجیه ملا یق اشته لاری حمت دین  
 غیر لوفریاد حقت او سول شاده قاضی عبد الجید فغان ناله برله  
 بیل بولوب کلدی **حضرت شیخ** نینک جبارزه سین فوجوب  
 ایدیکم ای شیخ بزرگوار منجه دولت غه افرط و نیک و بد ایتک

دو لیتین مردم ایل دینک و سینه کما غه نیکور کا بولد اضا  
 قوید و نیک جبارزه جبارزه اواز کلدیم یا عبد الجید سیک کل شیخ  
 بالک لا وجهه له الحکم و الیه ترجعون بعین عبد الجید فغان موسی  
 بولعینلیم و ایل بوجود ذلتیدن اوزکا بارجه غوبه لار کاک  
 و فغان بولنجوی ترور و اراده علم خدای عز و جل نینک و در کاک  
 فغان باند و رو الغوی ترور سیرلار اندین سو نکره **حضرت شیخ** فیث  
 الدین فغانی عبد الجید برله طه و ا قویدیلار برجه حضرت شیخ  
 طه و ا قویدیلار و لوتروب یلار رنند اول منزل سن منازل  
 الاخرة و افر و منزل سن منازل دنیا یعنی لورخت منزل لار  
 نینک اولاد دنیا منزل لاری نینک آخری دور اندین کین دراز  
 ناریتب یا سیرلار برجه من مستبدیلار شیخ محمد حضرت شیخ  
 نینک لغرائی اوزرا اولتور و یلار لاری سوال فرستته لاری  
 لردیلار انجه نیم سور غولوت ایردی سور و یلار و سیکو لوک  
 اشته لار اندین سو نکره ایدیلارای غیاث الدین مبود و نیک  
 مرزا موسی مسماعان بولغای سین و حضرت شیخ غه فرستته



لار نیک بوسوز بسریشوار استیلدی ایر سه قدر برله  
 هر چه لارینی براردن پانجه اور دیلار بس یوز یلیجین  
 یولین کلیمین لار فراموش قیامی سیر لار غیبات الدین  
 ادم لوی بر کار ماک برله فراموش قیور مولو بخوک بنده لیک  
 ترور که سیر لار چه شک بهت لولما سانه لیک لایق احوک  
 بنده بولور دینه ایلا کیم سیر لار حضرت بنصره احد علیه  
 نیک سیر لیت لارید اعمور سیر لولغان مسکوال غما  
 مور سیر لار زیاده سوز برله نه اشینک لار بار دوروب و شته  
 لار قبرین باندور دیلار فرشته لار حضرت شیخ نیک  
 لار دین مال برله جقه لار شیخ امجد کات رت ملید لار اید  
 ای شیخ امجد علیه لیک سیر اولتوروب مرقه دین درویش  
 لار تریب قنیل شیخ امجد شیخ لار نیک است رت طریقه  
 لیک سیر اولتوروب درویش لار تریبیتی کاشغول کور  
 حضرت شیخ وفات لار دین سوکوار بر و التوسید کور  
 وایدی ای شیخ فدی کما سبکانه قیسه شیخ ایدیلار غلش

الدین فریادنه مالقان لار مجله سیر ملیدی درویش  
 لار کیمه العین من مبعان غیبتون لار دین یکان غیبتون  
 لار دین کلکاندیک کل سوزلار و مازمالقان درجه لار مازمالقان  
 لارینه شیخ امجد غلیفه نیک رنومده ابله سوزلار و بیاب  
 بولدی لار مازمالقان غیبتون لار دین ایدیلار دین ایدیلار  
 سیر لار ایدیلار بولور دین ایدیلار دین ایدیلار  
**اول برنج فصل چون** شیخ امجد حضرت شیخ قدس مدبره  
 لعزیز نیک سیر فاک لار دین مایندی و حضرت شیخ نیک  
 لار دین قنیل درویش لار کما بیان ملیدی ایر سه بقعه لار  
 یکان صدیق ایدیلار طریقه لیک سیر اولتوروب و بقعه لار  
 شیخ ایدیلار دین ایدیلار دین ایدیلار دین ایدیلار  
 شیخ نیک سوز یکان سوز لولوب شیخ قیور ایدیلار حضرت شیخ  
 امجد سیر لار دین ایدیلار دین ایدیلار دین ایدیلار  
 شیخ لار دین ایدیلار دین ایدیلار دین ایدیلار  
 دین حضرت لولک ایدیلار دین ایدیلار دین ایدیلار



۱۴۷۷  
۵۱۰۲  
هر حق بلیب نیتن بختی لار بقدیق قلیب کیمز لار من سزلا  
دوین حشود بولور دینا دینا بولور دینا دینا بولور دینا  
لاری کایدی لار بختی لار بختی لار بختی لار بختی لار  
سزلا لار کافیه قلیب دینا دینا بولور دینا دینا بولور  
کابار ماق و غده سین مستیل لار بولور دینا دینا بولور  
فات واقع بولدی و بختی کافیه دینا دینا بولور دینا  
بری بختی لار بختی لار بختی لار بختی لار بختی لار  
باران حضرت شیخ نیک بولور دینا دینا بولور دینا  
الرمبول ماق ماق ماق ماق ماق ماق ماق ماق ماق  
غی لوقف قلیب لار بولور دینا دینا بولور دینا  
خان بختی لار بولور دینا دینا بولور دینا  
دور اکر واقع بولور دینا دینا بولور دینا  
سوز برله باندی لار دینا بولور دینا بولور دینا  
کلیب بولدی ایره لاری بولور دینا دینا بولور دینا  
لور دینا بولور دینا بولور دینا بولور دینا

کلیب بولور دینا بولور دینا بولور دینا بولور دینا  
منکا کلیب بولور دینا بولور دینا بولور دینا  
قلید و دینا بولور دینا بولور دینا بولور دینا  
لار دینا بولور دینا بولور دینا بولور دینا  
لقدیق قلیب لار بولور دینا دینا بولور دینا  
دینا بولور دینا بولور دینا بولور دینا  
بر کیم بولور دینا بولور دینا بولور دینا  
مسلم لوقای بولور دینا بولور دینا بولور دینا  
غلا بولور دینا بولور دینا بولور دینا  
سرخه بولور دینا بولور دینا بولور دینا  
مستول بولور دینا بولور دینا بولور دینا  
عوز دینا بولور دینا بولور دینا بولور دینا  
غلان بولور دینا بولور دینا بولور دینا  
بیتر کاسی کوز دینا بولور دینا بولور دینا  
ایلیک بولور دینا بولور دینا بولور دینا



مسکدی دادن ایک طیف بر بایلا دی ویش  
مسجد بنا مقدس ایلی مسجد جامع بنا ابا دی غنه نکور دی  
اول ایلی عی اکبر جا کیلتور دی وروج یوزنج عمره ادا کو  
توز دی ویش منک مرتبه سترن نه فتم ایلا دی ویش  
نوبت لیله الرعایک مادی ویش یوز ورا کمال کمال نه  
ایلا ب حجت لوتی ویش مرتبه حضرت حواجه زنده دلان برله  
هم سفر بولدی بعین بنایا مسکدی ویش منک لول زنده  
لوتی ویش نعل نمازین بولاک یوز منک کت نماز ادا  
دی ویش خاتون الادی اما مع دین زباده الکاحید  
بر کت مرتبه منک حجت لوتی مادی و عمره ایگره بر مرتبه خلوت  
و اول لوتور مادی و اکثر اوقات مسکدی بولدی و تازی  
سک لاری واکان جانور لاری بار ایدی تا بر وجه مباح  
سک لوتور ایدی لار و جانور لار کو شستیدن غذا ایلا لاری  
و لار و اولوز ویش لول قطب لول لار و اولوز اتنجی ویش  
لوتی وقات مابیتی لار اما معلوم بولغا یلم حضرت بر لوتور

علیه السلام نینک قلب لار بید اید و لار رحمة الله علیه **بکره**  
**ششجی باب ششجی دی زین** وزینت ملتین و غیرین  
یبارمین و فرج دلهای عین و فرج سیف الملک **طین**  
شمس السلام و اهلین عنی حضرت ششجی بر بان الدین بلخی  
قدس الله روحه و طیب الله مرقده و جعل الجنة مکنه ذکر بید اتم  
مردی ایدی اس کرامت و ولایت دین مخدوب لاس لاسی  
ماور ذاد و قوی جذبه لاسی هم ششجی نینک بزرگوار غنه قریاق  
غنه برابرید اید و ایتاق غنه زهره و یار اس لوت ایدی بر اتم  
هم ششجی ششجی و در لارین تقسیم بر بان رسته سی غنه  
تیز سه لار ناخوش لیلیب تیره بولور ایدی و بولور  
سوز لا لوجی کاسی کت بحال ایدی و کاهی ندر ایدی  
بر لکاتیز ایلا سه ششجی ک بولور ایدی و بوجهت دین  
سج حیر سه حرف حکایه قیلا کاسر ایدی اما اول جلد اتم  
ششجی ایدی بر چیت کودک مایشین بر لکاتیز  
واقع بولدی جابجی لار عادتید و حضرت ششجی غنه ناخوش لیلیب



من حال من غضب یوریدین سمیتر نیکین یافیدین شمیر  
 یو لوب یافع اطن منیب طابا لقا نیک یو لور و کسب  
 یافع شمیر برله اول کودک بکس خه اوردی ایر سه بکس  
 تنزدین جدا بولدی اما انا همی شیخه لو تو ب پادشاه  
 الدیفه ایتیلار و دادیلار و یلاریم ای پادشاه عالمیان  
 و لو کدک نینمیزه او سبوی نیکین اولتور و بدور بادشاه  
 سودیم ای و غول و سبوی نیکین واقع بولدی یو یو لور  
 شیخه ایدیلار مرنه خواهه لادی و خواهه لاغانتی قیلار و  
 نیک قی لو بدین نه قیلور پادشاه عارف اوردی خدمت  
 لایم ندیم لاری خه ایدیلاریم لو کدک معرفت دین دین  
 ایر کاس دور عجب طایم موندن او غلام دین یافع شمیر  
 برله بهی سیکای بو کرامت دین اوز کاس و دین  
 هیچ احتیاجا یوق دور دیک ایدی ای خه خدا حالا  
 بو کدک عاقبت بالغ ایر کاس و ردعوی بخوک درست  
 بو لور و کیم هم ردو لولاس کراک سبکا بخت وقت لوقفا

قیاق لازم دور تال بو کدک بالغ بولغا اول وقت دعوی قیل  
 سبکا اورتور پادشاه بولون سوز برله **شیخه خواس** قیلار  
 سوزکرا ایدیلای حریبانم بر کلا کتوکیل اول ایر و کیم حریبانم کل حری  
 ایلاد پادشاه بویر و دیک ای کودک بولم کلا نیک باسی خه ایدیل  
 طیب وروب ایر دیلار کل اتر دین ای حصه بولدی پادشاه ای  
 بجه تر دین و کور بولودک ولی و کور نه معنی سی بار کیم موند  
 کیم ایدیلار یافع شمیر برله کل ای حصه بولغا و با او معنی  
 کیم سور و کیم ای کودک اتنگ نه دور **شیخه** ایدیلار برهان  
 الدین ترور پادشاه ایدیلار عجب فرخنده لیک اتنگ بار الکام  
 طاهر بو دور کیم او سبوی کدک برهان الدین اسلا بو لور رسول  
 مجید و کل قیلدی کیم موندین کیم تاریخ اهل قلیج دیسول ارد  
 کل ایلاد و کیم ای کودک بو شمیر نیکینی با نیکدین بیراق قیل غیل  
 اول ایر و کیم اندین سوزکرا شیخه اول شمیر نه بلیدین بیراق قیل  
 هر کیم درشت تاموجه سوزا بیلار سوز کوارغه آخیر خوش اغیر  
 کسب کول شمیر برله اوروب هسل ک قیلور ایر در برهان



باره اول برز کو اردین سه بر اور دی ایر سه ملا یق اول کو  
 معید اول دی لار و غلم تو ب ستمیه برله اور دی لار کار قیما دی  
 و اوق برله لار او دیا دی ایر سه حسیه کلیدی و سیکل لار  
 یغیب سچ نر نه یادی لار اول سل مونیک برله نجهت **حضرت**  
 شیخ بلاغت مرتبه سهر کاتیر لار و جذبه لار زبانه راک لودی  
 اول وقت رسم شمشیرن ایتمه سیمیه لیکه نلاری غه استه لار  
 ملا یق مونی لور دی لار ایر سه نور قوجنیز بی ضر وادی  
 لار بدین ماسقار حقیقادی لار بر تقدیر حقیقه لار هم احتیاط  
 هم لار نیر متبیه استادی لار لیکه کیور ایر دی لار بوقت دا  
 مکرر سل ظاهر دین حضرت شیخ قه آسالیق طریقین  
 سالد و اول نیر حقیق حید لار بر که شمشیر لودی و حضرت  
 شیخ تو لا وقت لار ده نیکدی کات شریف لیتور و را  
 ایر دی لار بر ثونی اول مکرر سه و دیکم ای بزرگوار کو سیه  
 قابدین بی شیخ ایدیلاری یار سیه نریم بو سیمیه لار بر یکن  
 الدین آیتغ اولونع بابام لمانتی ایکان اولار هم مخدوب

ایکانلار دین لور ت وابط برله اول بزرگوار غه بولو دین اولار غه  
 برهان الدین قیلچ دیر ایکان لار سه قوی شمشیر ایکان لار  
 و وصیت لاری بولو ب ستر و ریم مشکا لور کو پنج شبت دین  
 سونکر امیر نرندی وجود غه لیکوریم منیک برله بهمن بولو اول  
 هم من نیکلن مخدوب بولغو ستر و را اما اول مخدوب لار  
 بوسه کرک لار ایتمیه منیک شام دور که انکا تعلق باردور  
 دیب بر عار د امانت قویوب ایکانلار لور لور د امانت معلوم  
 بولدی ایر سه اول غر غه بار سیه و دم که موند انکا تعلق  
 ما بهان اولونع بابام نیک لمانتی بار ایکانلار انسل قاید ادو  
 بر قران س شینه لکد ایتمیه سبو غار ابحره و در کرب ما هم  
 لور دم که سیمیه غه بیج کر د قویاب و والدیم و بیج کاسم  
 و هر کمر سه صدای لمانتی نیک لولدا لچر و لوت قیل لار  
 نیک برده بر سه سلاک قیغوم دورا کر است لول غه قدم  
 قویسه بوسیمیه لار سلا سیدین و برهان آقتم دین اماندا  
 بولغو ستر و اول ایر دیم حضرت شیخ قدس سهره العیز نر

26



۷۱۰۲  
 ۱۴۷۷  
 بود که همیشه با هم به بانای دیده تو مارا بر دینار بر تم به اعتقاد و یقین  
 ضعیف بودیم پس از این تار بیت لبیست سترتین صد ایتوار  
 ایردی از من این او سو تو تو خجندن اسلام غنجان بود کلتور  
 ذیل از دژ جند خفیدن خواه چونک لبسون خواه بیک نماز  
 بر شمس ابوطادی و خجندیل مویک به لب **حضرت** شمس تنک  
 عمر لاری فرق خجندیل کسر حالین مذبه لاری سب مرتبه  
 بست اک لولدی فی فی که الیک پس خجندیل لاری سب بالکلیه فیه  
 لاری ایل لولدی ماول طلقه استغراق دست برور ایردی  
 نیم بر لبچه تو ندوز کاهر ایک شمس تو ندوز مسترق نیک او چون  
 ایردی یکم بر لوار غنجه صوره واقع بود لور ایردی بود کلتور نیک  
 عل مر او سب و کریم صورت کاجیران قال دور اندازیم ذکر قبلی  
 اما استغراق دین بود کت وقت او از کامسایخ لاری غنجه واقع  
 حضرت شمس قدس سره الغر غنجه هم شول واقع بود ایردی  
 دینه طاهر خلق خجندیل کاهر حوادث لاری دینه جادنه پیش **حضرت**  
 شمس غنجه خجندیل لاری لولدی لولدی لولدی غنجه کفایت یار

ایرادی لیکن بر لوار نیک عادت لاری اول ایردی یکم غنجه پیش  
 لاری دین مقصد اهر کسرستل لاری غنجه کلتور کاسل ایردی لاری غنجه هم  
 طاهر قیامس ایردی لاری دین شمس لاری ساز پرداز لاری لولدی  
 بر لونی اشمال لاری اشرف الدین غنجه سور و یکم ای  
 شمس بر لوار و مقصدی روز کار و بند حاصل برور و کاسب  
 نه ترور تم او تکمان اولیا لاری غنجه پیش لاری دین و حارق عادت  
 رویش لاری دین طاهر خلق غنجه اطمینان لاری لولدی غنجه پیش  
 لاری بر لولدی غنجه لولدی غنجه لولدی غنجه لولدی  
 تم بر لوزی نیک شمس لوزی مانه نیک قطب کانه عهده داده  
 سب بر مرتبه استیلا دیکم لولدی غنجه وین صرغ و بلکان لولدی  
**حضرت** شمس قلیب لاری اشرف الدین غنجه پیش  
 لولدی غنجه عادت طاهر قیامس لولدی غنجه دین دور بری  
 اولکم ایسم الهمی غنجه قیامس پیش شمس نیک الید القدر  
 دور تقریبش و چون شمس غنجه لولدی غنجه دور دینه بری  
 اولکم لولدی لاری دین شمس نیک لولدی غنجه دور دینه بری



نیک اسید اطهر قیامی من اشرف الدین ایدی ای  
 بزرگوار بودی که نیک محض شکسته نفس لکب و در اولیایم اولی  
 نیم سبک اوزکا اولیا لاکر مانتدین ریاده راک کرامت  
 بار دور **محبت** ایدیلارینه بر وجه اولکه او تنکان اولیا لاکر  
 ظاهر سبک لوق البکان ماطن لاری غم و زحمت و درین راک  
 فقر غم الکاحیان لوق دور زیراک جفتی و لعل لطف عی  
 برله جک لت لار مدین موندن آلت غمک عطا ایلام و را  
 سبغ غم جک مبدل امثال بولامید ورنه ضرور بولوت و نیم  
 بولوت صلاحیدین یراق بولوب صفت او چون بر مان الی  
 باطن غم زور کلتور کای نیه پوردی ای بزرگوار سبک  
 نیم موجد کمال برله مبدل الکاس سیم و تربیت قیام سیم نه ارنه  
 و جده صیف نیم اینهم مرتبه برله تفراق استید پوششده قالی  
 حیات لوق لول لایده ایچ کمره لایت مرتبه سبکایما کای  
 و خدای تلک اولیا لار غم دیا بوزیک او سبک مصلحت او چون  
 ایبار نیم کیم قره لوق بولید مصلحت لار غم صلا لت جابده

چهار غای و غفلت لوبه سید فاسق لار غم ارادت لندی  
 برله منع لومیدین مار قهای لار در کما بل لارینی محبت طنبی  
 برله درگاه حدیث کاتیکور کای لار زیراک بوطایفه قی  
 نیکلغ مابان دور لار وافت با برجه موجودات غم نور با  
 غمبی سرور و مونیک او چون یراقا دیکیم اوز لار مدین او  
 کافین نیکور ماکای لار **محبت** ایدیلاری اشرف الدین  
 بخش ایاد و رسیدن اما مدید پریش قیام لول بولرکان و ق  
 مات لار غم قیام و منار لار غم قیامان مقصودی غم نیکلغ  
 سهر سالک کراک و در نیم بار ق داو الیبت ماق دایکماک او بکو  
 ماک انشویش مار قهای و نیه بروکام تشویس بر ماکای  
 لار اوز حال برله در مانده دور لار اوزکا غم جوت تربیت  
 قیام لار و نیه سوردیکم ای بزرگوار خوب ایدیلار اما مجذوب  
 لار غم لوجال مذبذبه و قیام بولوسور و اوسبونان جعفر تنکید  
 خدیه زایل بولوب و در لیلین انزلی جوت و رونه اولکه مر  
 الیب پرویش قیام مقصودین اوزکا ایچ سوردور و روش

اوز و غم جده نه غم قیامان و غم جوت ایدیلاری ایدیلار بولوب دور

72



اولی تروریم حق سبحانه دین اوز کابرله اشی بولما سابع مهید  
مطیع منقاد بولغان دین سونکرانا جارا اولار نیک تر بیری مشغول  
بولماق کراک بولمق دین یراق بولما علینغ سبب و  
مطلوب غنل تیورورینه ایدی ای بزرگوار موندغ غریبه لار  
عذر ایکیس ورنیراکه دینا مشغول لوق یریدور اوز کایا کاس  
مشغول لوق دین نه اوچون تور قتلوق دور تحسین شعلیدین  
انک سبیدین خست قولغ کلمه تور قیاق نیک مغرس لوق  
دور افر شخ ایدی لاری یار مقفود نک مندریم این همه لغت  
لوی قبل سبب ایش الدین ایدی شخ مقفودوم اوله  
بولونک جلد لار برله بویف تیم غاسه لف ذاشک غه اشتا کلام  
تاکشت و بیره لیکدین بابک بولغانی و بنده لیک کالایت  
پند قلیای چون که بیت بر لار افر قطره دریا غه تا مین  
دریا بولور لولوبت خود محال تورانادوراما بولمقدار خوم  
لای مزانه زنگ باغل غال لولکوم حضرت تنک غه ختل و  
اشکالین قلیانیدین صفات لای زبراکه قرا کمنو لکچا

جوانین روشن بولادوروزنگ باغل غال آینه صیقل برله صفا پناه  
دنا دال لاله دانا لار صحتیدین و انیش پد ایتل دور که لومید برله  
سنگا همراه لوق قلیت و انس لغت الیب مزانا که قرا کمنو  
لولکوم نیک ملکر چا لک سمعیدین موز بولغانی و زنگ باغل غا  
لولکوم آینه سهر صاف صیقلک لاله صفا بولوب و ش لیک باقاه  
دولما دال کینک موثر صحتیدین دانا لوق غه تیکای اینه  
مصاحب لوق تیم در میان بولدی بر حرته مز فقر سبب غ  
لولکونک کومادی مصاحب و انس لغت حقین بیا کلتو  
دینک انچه تم مز فقر امید لولوم لومید لادنگ بر طله منک برله  
ساز پرواز قلمی دینک سنگا همراه لوق دین مقفودوم اوله کلام  
بولوب منزل کایکای مز **حضرت سنج** قدس الغر زبوز غوی  
سنگ پلدیلار که بو تیشنه دیدور غرضیند و ایدی ای بار بر  
و مویش سبب غینه پلدیکه مقفود و نک ترور سببک طاهر  
نک و چون کولکونک خواه لایغ غه میلای بوق ایر  
اوز و نک پلد سبب کم فقر غه مز پرور سبب میلقا ق نیک



دایه سیر لوق دور و بولماس کرا لاما محض سینگ او چون  
 اراد تنگ قبول قیدم اگر قبول قیدم حاطر نیک بخور بولم  
 دور ما جاربول قیدم چون است الدین فرغانه مرید لوق دوستی  
 کاشقرف لوقی ابره حضرت شیخ اوج لوق انک طالع متوجه بولم  
 او بولم لوق انک اضر بولم فوت بلن و زور لایست  
 بر لوق الدین فرغانه نیناسین تمام فرغ بولم لوق لوق  
 بیکانین بولم لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 و زور قید لایم انابت لایم مرید بولم لوق لوق لوق لوق لوق  
 شیخ برهان الدین رحمه الله علیه بولم لوق لوق لوق لوق لوق  
 کلور دی لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم  
 بولم لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 کلور لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 ای اسرف الدین لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 الدین قوما غه قلع لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 دورا کر مرید الیب هر دیش قیامت دغدغه لوق لوق لوق لوق

خواه غایتکتر قیامت دایم لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 بر لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 بولم لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 جبرما بیتی اور چند دین اولوغ و تجلیت بار بیه ضلالت باریب حبیب  
 جوی قید لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم  
 لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم  
 بیری ادا لایم خطا سیر لایم لایم لایم لایم لایم لایم  
 تشریف کلور لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم  
 لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 دور میر و طافیک لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 قولم ایبار و در میرا مبدی مایه دوق و توبه قید و لوق لوق  
 و جهان ارا جالیک افاد بولم لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 بری سهر میر و لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق لوق  
 شهر لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم  
 مزار لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم لایم



رجم لاری کبدی و شهر لاریکا بوز لاندی لاریجون شهر کا  
 بی ابره کورنگ جندین بل ریاضت صکیب عمر لاری صرف قلیبی  
 رخ لاریتب اصلاح مکن کینور کا لاری اوزا صلیکا ماینب دولا  
 او تکان اوقا لاریغ درینج ب تار سف فیتل لاری و خلا یق اولا  
 مذامت قیل لاری و نی ایکن بل بحد عمر لاری کوزودی ایرتضون  
 اوزا عاقله کدی بزرگوار نیک شهر لاری ایلکیش کلشی  
 کما بیکام مقصد ببولدی لاری کم برجه غره لاری کا شمل بولغای  
 علی الخصوص بولیدانی لاری غره بسیار باید غنیشلا عانی اول  
 ابردی کیم او تکان اولیا لاری و مشایخ لاری هم اکتار وراج  
 لاری کا متوجه بولدی لاری و استمداد بیلاب و لاری رخصت ایشا  
 لاری برک کنجین تو لاری و غزلت کوشه سپین اضیبار قیل  
 و مسو کا شروع کوزودی لاری و شرف الدین بی بی  
 کلتور مالک بولور و یلار ایشیش سیده مسو برله بیاض ماینب  
 بیکو کتب مربع الصالحین اطفوید لاری خاص عام غنیش  
 سید بقیاس شجره لاری و عدد سیر باید لاری حاصل بولغای ابر

اول کتاب السان العین حکایت لاریتیب و روشبان  
 ای نیک بزم سرتونی بوکنا با بر فین غره بخش نامیش بی  
 حضرت بزرگوار طبیب قدس مرقدہ کتاب لاری حریق اراسید  
 مشهور بیکام مقاصد بولدی لاری و مهمان دار لاری اکنیز قیل لاری  
 اکابر اشرف ابالی و مولی خورشید و صاحب طبع زیرک لاری  
 ایند اول لاری غانه دین لاری نیک بلیش شیر طلب سید لاری و نی  
 فغانه دین صاحب ملن لاری دین ایلی عمر نیر حضرت **شیخ**  
 نیک طلب لاری برله عالم باطن و اظا هر بولدی حضرت  
 سلطان غازی موجب فرازی خاقان ان خاقان اکنه  
 قدر جمشید و زیوان سپهر اشان و سلطان اولیا  
 زمان و تاج صفیای و ران قدوة السالکین و برهان محققین  
 سلسلای اسماء و سلسلای الملک و الدین و سلطان  
 اسلاطین عمر حضرت **سلطان الکرامی قدس سره و** طبیب  
 اقدس مرقدہ و جمل الجنة مکنه غیم طلب سید لاری اول بریکم حضرت  
 سلطان اسلاطین حضرت شیخ بزرگوار نیک مجلس لاری شرف



کلیتور دیلار و مجلس آخری چه اولتور دیلار و علم گفت نوی  
در میان بودی هر کیم نیت نیت لوب طاهر تبدی ابر حضرت  
سلطان عالم دین عالم لیک منقرطه طهره کلیت نیت  
لار تا بتی لار اندین حضرت سلطان غم شیخ برهان الدین  
قدس الله العزیز لقیف قلیان نیت لارین عرض قلیان  
و حضرت سلطان کتاب مبارک قول لار طاهر الیقین بولوب  
لوزلاری کا سورته لار و مودولوی لار دین بر مودولوی لوب  
هم کامقرر بولغان بر مودولوی لار دی لار بارده اوقو عا نالایا  
اشتیقای لار و زنگ غلامان کونمل لاری اینه بر اول زنگ  
نیت مسیح استغفار لار دین روسن بولوب مصل و صفات بقای  
اول بر دیم نیت نیت و لیدین بریم جزا و قیدی لار اول وقت  
سلطان ایدیلاری بر یوزی نیت شیخ حجاب استیسن و دتر  
بسیز بسا لولغای اندین سوکراسل جواهر لار دین صلیه بسیار  
و لطیف به شمایا رینا رینا لار حضرت شیخ قدس سره اعززه  
بولغای لار فی قول مجلس مجلس طهره لقیان لار و دله

بول قلیان دیلار مکررین که حضرت سلطان تکلیف نیت لار بریم  
فاطر لار شیخ عاقلین با غلیق بول نیت لار **الغفر** مجلس بر طرف  
بولغان دین لاین حضرت شیخ نیت لار نیت لار و مودولوی لاری  
مسکون اولیا لاری لار دین اوتکار دین دین لاری نیت  
دین قلیان حاکم عاقل بران رکاکم کور سایلار اولار هم  
سلم لوقی لار اما دین بر لاری ایدیلاری برهان الدین نیت  
ایتیب بر اما نیت نیت کولوک ایدی نیت ترک قلیان مصلحت نیت  
ایردی حضرت شیخ ایدیلار اول ایدیلار اول ایدیلار  
نیت آخری غم نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت  
ایردیلار حضرت شیخ ایدیلار نیت مصلحت نیت نیت نیت  
نیت نیت دین دین بر اول و دین دین دین دین دین  
دو دین نیت بر لار نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت  
ایدیلاری شیخ لوقی نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت  
نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت  
نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت  
نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت



هم که فخر قمار بولور لو خود معلوم دور که کور و بیلیق و ب  
مسلمانی که غم سالق آنه دور حضرت **سید علی** و **سید علی**  
نیک صفت لاری نیک منو بخا و زنی هم به نسب و بن حار  
فیما حق بخوک و او و راند غم ایتم و راند اول اصل فیما بن نسب  
و الحار بن عتال سبب معلوم فی الدنیا و الاخره غیر نسب  
سبب بن نیک امیر غم و اصل بولغوی و سبب بن نیک عله  
میزدین حار بولغوی و بنا و است و معلوم نزد سبب  
نه او چون نسب محض فیما بولغوی دور او سبب بن نیک  
بولدی و جواب موصفا بادی لاری حار ایدل رای بزرگوار  
ما نسیم کا عالم ایما و در حار بخوک اثبات متلین ارادین بر  
لاری بزرگوار ای شیخ حار نسیم بن حار بولغوی شیخ بزرگوار  
ایمیل یا بولکای حار اول بزرگوار ایدی بر بان الدین ابن بول  
ابن اشرف الدین ابن عتال الدین ابن عتال الدین ابن  
بر بان الدین ابن قاسم ابن قاسم ابن طاهر ابن امیر بن  
مدغ قدس الله تعالی اسمهم و روحهم و ارواحهم بولغوی

ادامیدی بر سه شیخ ایدل رای بزرگوار ما نسیم بن حار  
او سبب جماعت کا او و من نسب فیما ایما بزرگوار ما نسیم بن حار  
نرسیم لاری نیک نام حار بولغوی بزرگوار و بزرگوار  
فیما لاری نیک لاری نیک افغان فیما لاری نیک بولغوی  
و حضرت شیخ قدس الله تعالی اسمهم و ارواحهم و ارواحهم  
ایما لاری نیک فیما دی و سبب بن نیک ایما لاری نیک  
تولقان سبب بن حار لاری حضرت سبب بن حار  
نیک عتال لاری بولغوی و بولغوی لاری لاری لاری  
**الفقه** بن نیک بولغوی و بولغوی بولغوی بولغوی  
استغراق ده ایدل رای بزرگوار استغراق غالب کلیدی بزرگوار  
بنش کچه لاری بزرگوار فیما لاری لاری بولغوی بولغوی  
اشرف الدین حضرت شیخ نیک قاسم لاری غبار دی نام  
حال لاری بن حار العالی بن حار فیما لاری بزرگوار  
شیخ عتال بن کتب و در استغراق غالب کلیدی حار  
سبب فیما بولغوی و بولغوی و بولغوی و بولغوی



توروت و رلار و بولکالی قوت و لایت دین ابروی سولرمان  
عسل مبدیل از حضرت سلطان الاولیاء یعنی سلطان الکب ماضی  
تشریف ابرار و رلار حضرت سلطان فی الحال حاضر بولوب کیدلار  
حضرت شیخ قدس الله العزیزه تعظیم تمام بر له برداشت  
فلیدلار و دواع لور و زوب به کون حضرت شیخ نیکدل  
لارید اعدا و ارا و لور دیکلار اندین لپن اوزد دولت خانه  
لاری غه بار دیکلار حضرت شیخ تفاوت غه تاجورغان بچه  
برو اوسشید لور و دیکم بودی ای بزرگوار بونه نوع کتاف  
دوریم به خمره خبردار بولادی شیخ ایدیلار ای روش کتاف  
سول ترو دیکم ما نیم اوز کالار عبت و رلار ای روش شتیا  
دیکم و نیم تیب رلار **پت** در لوی تو عاشقان جهان جان  
کاجا ملک الموت نیکد هر کیز **عشق** مهر تو بونک جان برو  
اول نوع **جان** الفوجی اند اول تا کس هر کیز اول در  
ویش سوزیم ای بزرگوار بخونک بار دیکم شیخ ایدیلار اول  
ما نیم ملک المعنوی محصل بولدی شوق دین جان برویم

به سوزیم ای شیخ اتحاد کلام کیم کجین تربیت ما بقی لایم  
نیکد شپیده دور لار حضرت شیخ ایدیلار حضرت موسی صلوته  
علیه السلام لایم ایدیلار دیکم تربیت هم حضرت دین ما نیم حقه الله  
**برم التبحر بالشیخ صاحب لایت و مقلد کرامت و منبع**  
سخاوت و مظهر خارق عادت و کافه کوه مضاجعت و معدنی کاف  
و در دریای لطافت و شپس اه پلاست رونده طریق سلامت  
و صاحب سلامت و سلطان روز قیامت شیخ هر میرا یعنی حضرت  
شیخ سعادت قدس الله تعالی سیر افاض علی سیر لعلین  
بره احوال لاری و لایم ایدیلار کیم مودی ابروی به میده خوشحال و  
اوز مقام شتیا سکه نغمه و اودی به من به مانند اسل هر میرا  
نغمه هر غه منشا و اوز و منشا ایدیلار اما اول عالم اسل علم  
هم صحبت هم سیریدی و لب اسل لار نیکد اسل سیریدیا  
معتبریم نیکد سیریدی مجلس منقده بولکس ابروی بر لوی غلب  
اگره اولور و ابروی اسل مجلس به ژیه و اجهان و ارا  
الجان بار به نامه و ابروی لار کیم خانم الدین ساغر سدا



بولدی غضبانی بولوبیدی کی به سعادت جیف اول ات کیم  
 سبک قلوبی رلار بولونه فعال قیچمه ژردار ز میمه و طوار حسیه  
 قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 تا بجه یوز لیکا اور دیلار و روان بولدی و خواجه عزت بر لیک  
 قوتی قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 روم معرب ختیا قلیب سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 غم ایردی و لیک سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 نالوند و ز غم سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 کلدیم ناک بولیکت و سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 واوزن سکبی پر باره نان ارقا سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 بولوب و خیار قلیب و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 خوار اولای و سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 ایتت قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 بار دور کیم فکر بشین تدبیر سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی

سبک خواجه ایدی آری من مردی ایزد حکم امام سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 بار ایردی و سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 قالدیم مول اشبالا غیر عالم سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 دین طلب قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 بیداد لیک قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 و تور دوم که اید اوج کیشی سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 او سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 اسبابین تور زوب غر جور کایم قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 موز خواه لا ایردوک لیک بولوب و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 بولوبای سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 قد شک بولوب و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی و قیچمه سبک قلوبی  
 اسباب لیک لایردین انچه لازم دور تور علامت

صف



بعد اقلید بل برز تو اربو علامت لار نیک هر بر نیکر قلندر کا کو تار تو  
 و او ز لار صاحب بقیه لو بوشه بزم کنت کنت سیر قلندر لار اربو  
 قیا پس نذر و معاد کلیس کا الدی و قلندر لار بسیا لقیید لار  
 و او ز لاری علم اچره بر لودی براق بر لار دین نیاز لار کیک  
 اندک فرصت اجمعت تو لار بعد اقلید لار بر تو فی اولتور و ب پر لار  
 و قلندر لار لار لار بر دی اربو لار نیم مریه سپد اربو ب قدمت  
 کار لار دین هر دو یکم شیخ قاید او در لار هر بر دی لار شیخ سول  
 جماعت الید او لور او در چون شیخ بوشه ز فرشتی بول  
 ایدی ای سعادت بونه به سعادت لیک و نیم همت لک و در نیم  
 سنی خلق شیخ یق بر لار یاقبل لار و حالان که بوضعت سهند او  
 لایا اتمت ده بونش تا نکلا قایت تو غیر یوزی نیک شیخ  
 لاری لار دیکه سار و و سیا بونف و در اثر عقلک بولیه ریغ  
 قلیس نیم بوشه شیخ و بوضعت کالایق بونفای سین تا اتمت  
 دین قنولای سین و بوسبب قایت داموا فده فیمت  
 سین و عذاب و دناک فمیت بولای سین سین او سبوانیه

ابرو دیلار اول کره بر بر میان آق تنک و بخند اشه نیاز تار  
 و بقیه تمام سقلید لار بر سه شیخ بقیه بر لار اندین بونف اربو دیل  
 نیم ای مسافر قایدین کور سنا اول مریه بی جرات دین کیلور  
 حضرت شیخ بقیه قلندر لار دیکه لار نه او چون کیک نیکر و مکنیز بند و را  
 اول شرایدی ای شیخ سچ مہم لوق و و رلیق او بونف و رنا صاحب  
 نظر کا تیکور ماک او چون کلید مریه شیخ نیم سوردی لار نیم نه او چون  
 نذر قلیس بر دیکر اندی ای برز تو اربو نیک و چون نذر قلیس بر نیم  
 عالم اچره جان دین غیر نر فرزندیم بار اربو بیکیار اغریدی او تو  
 اخلاق و او اولدی ایر سه مریه سپد بولوی بیدی ای صلی روم نیک  
 فلان محله سید اسپا جماعه لوق غیری بار و دور و آن شیخ سعادت  
 تر و رانکا نذر آتا غیل کم سعادت مند کشر و و سید کید و قلیس  
 او غلوک تر لیکو سورد و اول یردیم اول کره نیک سوزی بر لار  
 حضرت نک فماید ایر سه حق تعالی نذر قلیس نیم شیخ و توقف او غلو  
 جان عطا قلیدی و تر لیکان دین بونفرا سوردیم ای فرزند کیفیت  
 حال نه تر و نیم او بولوی بر دیک اول صبر بر دیکم ای آتا روح و متی

۹۵



بشنخ آسمان خه تیکور و بایر و لار نیم بولون و تهر سید بولدی  
 و ملک الموت قولیدن آدی کلیم او شهود و در دیکر علوم بر کان  
 نشان نشان لارنی سینگ آنگه اورد و در مزاجون شیخ  
 بوسوزنی اشیتب دنی بختبر زباده بولدی و کربان غار فلیب  
 فریاد جفا ردی اوز یلکای به سعادت و به دولت هر نه فسیک  
 خدا میدی و سینگ تهمت اقا لیب سینگ و ایدی عجب در و در  
 قدرت خداوند نرسیده کمال طلاق میور لار تخصیص منافع بنده  
 حامی جافرخه طلاق قبل دور لار نیم اوز بولین تا نیما سینگ  
 نه قدرت دور کیم خداوند تعالی اشیکوم و اوتور و بختبر آند  
 لفرق قیامی علم مخصوص بر دین بشنخ آسمان خه تعلق بولن  
 و بیسیا المنال بولوب و زلوتنه هر غه کردی و اوزی کما  
 ایدی ای سعادت بلیل که مکوج بهجه و تعالی نینگ سینگ  
 نظری بار دور نیم بولون و ایش لار طاهر بولاد و در سوس بر  
 بولین کیم سعادتنیک نینگ اودر که بود و دینیک قیامی سینگ  
 و خدای تعالی غه مشغول بولن سینگ و بولوس لیک کوین

ایر

اولکای سینگ زیرا که بولور کان نرسه لار نینگ سهر از لبق لازم  
 سهر و عالیه که حقیقی و تعالی سینگ آنگه او شهود و شهود  
 بلیت فریاد سینگ در نیم موندن نرسه لار نینگ اقرار الیب طهر و نه  
 تیکای کما بکار لوق بولوس لیک جهنم سینگ اوراق تشو سینگ اوز  
 اندیشه و ایدو کیم قولافرخه اوز کیدی ای سعادت سعادتمند بنده  
 بهر اولکه جماعت مند بولنای یعنی جماعت کیش بولنای و کورده و اوتور  
 عیسی و لور ت علامت غر با لوق لوق نیم سلوک نیکای غه هر زی  
 و مقصود غه تیک کمال طلاق دور لار نیم اهل طاهر سینگ اوتور  
 علامت غه اوز کالو خدا حیل میکیب لار انا اسل طریقت قایتا  
 اولار حیل قیام نینگ بر سینگ و بولوس سینگ قالا غایم بولن  
 لار دین هر سینگ سینگ کما اشارت و معنی و لالت قیامی  
 و در بلیل که شیخ لبق نشان و در جماعت کیش لیک دین انگاه  
 مزر و غلایق ملاقات دین نه فزا و ز اشیکد حکم بولین ایل اول  
 و در که جمیع دینش فیکه من است دین موز قیامی علامت  
 باک اوتور که زیرا که بولن علامت لار کیش لبق علامت و انا قلندر

۳



لار اوز کا خیال قلیب سلا خیال لاری فاسید دور بوسیدہ ق  
 لما عالم علم شیخ یق نش نه سپر طای بومعنیاد و دریم متایت  
 انا و صدقا و سلمنا کو بند و مر شیخ قه علمیدر که اول علم بر له معلوم  
 بولور لار نامید لار اوز شیخ لارین تبار لار و دم و قلماس لار و سوره  
 حضرت ابراهیم خلیل الله نیک خوانی علم مترو و غیر شیخ لار حضرت  
 فیلس الریما نیکلین خوان یا لغای لار و عالقه لاری خند و سنوار بقا  
 روانا تور کا کلا رو جرائع روشن لیک نشانه سمر و غیر شیخ لار  
 عنیک و سن ضمیر لولغا لار تا ضمیر غیر لاریدن حید لار تو نکل روشن  
 بولغای طیل کو شیخ مترو و دریم انجاسل لار که الیق الترقیب و  
 لار و اس لعت بدعت سناب و در لار اسل طریقت جم نظر لاری  
 مقصودین اوز کا تو شامید و در سه صد ابرین رنکار نک سوق و با  
 تون و ذوق لار و نظر لار بدعت جمید تو عاس لار چون که مقصود  
 لار مسود و در سون بود اسر لولون نرسه لار لقت و امر  
 تیلور اس مقصود غل ملکان یرانه بولون غرسه لار عشق  
 الترو و روشن نیک با وایی مرتب نیک تاز یانه سمر و بولار دین

ابا قلیب

ابا قلیب **چون شیخ** مونی استیبت خوشحال بولید لار و فل یق نظریه  
 قلندر لار نیکلین سلسله جبر لار و لیکن عبودیت مقامید ابره دین ق  
 ابر و لار چون او تو ز سل مونیبت بر له تجت ابر سه صحبت جهان  
 لرم بولد یکم هر نیمه ترکیب و **شیخ** نینک لار مترا رز و سه متلو لاری  
 و فل یق اولون و ریز قلید لار نیم اسل و م دین ابر حالون هم مرید  
 بولید لار حالمه قانی و مقصود تجت لار عتر امن مقامید بولد لار  
 و جت اوجون یور و کلا ر ابر سه شیخ قه خبر شیر شیخ ابر لار  
 ماک لوقه و دریم بوجاعت سه لیت عالم لاری دور لار لار جم  
 بومقد ار متلب شل یق نینک ملقیرین صلا م بولور لار ز بریم  
 سه لیت دابوش لار بدعت دور و بدعت نامشروع دور  
 اول ابر و یکم شیخ فادم لاری غه بولید لار که اش خانه فی موم  
 قلیب و فادم شیخ نینک فرمان لار کچه اش بشور ماق غه مقبول  
 بولدی و ولایت نوری بر له شیخ قه معلوم بولدیم اکابر لایق  
 بولور لار هنوز مخا فریاد دور ایدیل اکابر لار کلک اندن بنوا  
 با غیر حاضر کلیت ماک کواک لان مخا فر طیار ابر ماس ملقات

۷۱۰



لازم دور بهر آن اولدور که اولارنی بولدان مانی توختایین  
 اول ایرد بکم شیخ نینک لایلا مدخر بزه اور و عنی تور و پیر  
 مبارک قول لاری غه اییب یلور بول طرفی کاتاشلا دلا ر ایر  
 قاضی نینک آت نینک یاعنی غه تکیب بندی و حسیل قاضی غه پنه  
 اطوف ایردی بیاده قالدی و جتیب نینک بر نینک یاعنی  
 مندی یاران لاری ایکی یاران با قضا بخر خوراق دور  
 چون که اول نینک نظر بکاتاسین مونداع اسب بیلار کا  
 بر مبارک اولدی غه بار ساق موندین زیاده رک تشویش عارضی  
 بولغوسه دور بملاج بولوب یا مار منیرد بولخود مقرر دور نیم  
 شیخ نینک طینی بولینکین قلدی بول ایر سه فر بزه اور و  
 دین اط نینک ستمانی عجب در الحمد لله ایم اط نینک یاعنی زخم  
 سیدی اگر اط ایلا سهر کاتاشلا ایردی ترکی قاضی ایردی  
 جتیب لار دین بری اییدی قاضی اگر بانک نیم سول طالا  
 دور نایوب دور که شیخ نینک لاری غه بار عید ز فقیر لعل  
 و اط نینک غه نیاز قلیقل اندین سوکر ایاق بهراق

دور او شوموزنی بارجه لار صلیحت کوردیلار استه استه تورو  
 اط نینک یاعنی اکلور ایردی لار تا قاضی تیرلار و دستور تیرلار  
 توقف قلدیلار ایر سه شیخ قه خبر بر دلا شیخ پنه قدم استقبال  
 لاری غه کلدی لار و اول صیاحت غه قاضی غه تکیب بندی و حسیل قاضی غه پنه  
 دین یوقاری قاضی اولتور دی و شیخ قاضی استه یانید اول  
 تونی لار لال حال حاضر حاضر لار دیر و شوموز قاضی بولوب و لک  
 واقع غه ایشارت ایلا دیر و قاضی مرد قاضی عارف ایردی شیخ  
 نینک اشاره مریدین بیلدیم بو ارامت حاضر بشما عان جتیب  
 ایکان و طعام تا ولیدین لین حضرت شیخ صوت لارین تیر  
 یلکان غه سر لور لوز و بول رسول مجلس تمییش نوع صورت  
 قاضی غه نمود اولدی لار ایر سه قاضی حیران قالدی اندین  
 سوکر **حضرت شیخ** ایردی قاضی جتیب ایتماق غه قیصه  
 خواه لار سین و قاضی فرال حال قوبوب حضرت شیخ نینک یاعنی  
 لقیب کر به و زاری غه قاضی قلدی و فقیرین تیرلار بیابا  
 عذر ایردی و تن نیاز لار قاضی نینک لوقبله اور کالار کا



بسیار و شوار کبک است به قاضی نادر و شمر توتا لار بولیم شیخ و  
معلوم بولدی و شوجین داینه حاضر کلبه ردیل راقا قاقو  
ات حضرت شیخ قدس سره العزیز و شمر لار عداوت و صفا  
و منکر لار عداوت سیله و جون و لایت نظیرین خود غه مسلط  
مقیدی ابریه خود اب طبق بجه تهمه مردارید و حق حرجان  
بیلکته بدیل تغییر تا شسته الی جون منکر لار لوفارق عدا  
تور و بیلار ایرسیه بدیلار عجیب الی کم بو کشر عدا و دوریا و ال  
واقع و احبالوب مودک بهراق کرامت تور سالکای اول  
ایردیکم مفسر لار نینک اولوئی نینک فاطمی غه شجر شیخ بن سید  
تحقیق میلای و مقرر قیقان شکل سید سین ماسین الیکری  
**حضرت شیخ** سول ساعت منکر برکان سید سین نینک  
دین کوتاردیل راول سید صفیر فاطمیدین پوشید بولدی ابر  
مهر چنه توبه مقیدی کونکر کایتمادی اول وقت و شیخ ایدیلار  
ای مولانا کم قلعان سید نینک جوابا و شبود و رسید بوسرور  
سول افاده شیخ و حال سرید بولدی و صحت الت لارینه قرا و بیل

ایریم هر قیسه سیر او زاورید انوارش نه کیلدیلار و دور و شین  
لار معاج غه اردی و بر نهجه و کوندوز صحبت توتی لار نیم کشته  
شید جنبر لوت ایردی لار حضرت شیخ قدس سره العزیز و  
شبو نهجه و کوندوز و مراجه دایردی لار اندین سو کرا عرافه  
دین بش کوتاردی لار و لولم لار از حال لاری غه کیلدی  
لار بولیم جاعتین هر قیسه لاری مختلف واقع لار ایدی لار قاقه  
الیدیلار اندین سو کرا شیخ نصحت مقامید بولدی لار ایریم باریم  
سیر شیخ نینک بیان لار کقول اور و بیلار و مرید بولدی لار سینه  
او کوزیل تجر او شبودند الی سیر مرید لار تربیت ایل و بیلار کبره  
خلیفه قورلار اندین کین ایدیلار کی باران ایدیم منکر لار  
خلیفه لار غه قودیم موندین سو کرا مندوز مالیمه قو بو کلبه لار  
تا اسوده جان لولغای مرا و شبود و ایر و بیلار مالک دین  
اوار کلیلیم ای سعادت بلبلیل کم سعادتمند بنده اول و نیم  
صلالت جانی غه کونکر کان لارنی و سلامت ندر اینفه کرفارا  
بولغان لار غه ارادت کندی و انابت رسنه و محبت رشته



سیر بر چهارغای خنوصا قطب یون مرتبه سید ایم جمع عالم طاهره  
عالم باطن اینک لهر میز اولاد و درخان بولیه معینتر بیت وین دیم  
و تیان بخون واد و رجون بوسوزنی استیبت سجال بولد لارا  
اولن لون مونیگ برله اولد ابر سه شتبان غالب لیلیدی داوز  
لاری کابد لاری با سعادت اول مرزده ایم سیکل برودی لارا  
عالم فریب سلطان الچان یون ابر سه موخچه تا غیر تا کاس لریکا  
اوز استیلا لار ایم ای با سعادت او شوم مرتبه ایم مرتبه لار نینک  
عل سیر دور و سید یک شیخ ایم کاس و مکمل و در سیطان فریب بریب  
بخون لهر فیلغو سیرور امانا فیر و اصلحه بار ایدیم تا بوقت  
تا غیر تا پتر یون برله بولینیم تا نطلا و عده کونید و رمتو بولینیم  
واوزغ ارسنه کولتیل و طیار بولینیم که بود دولت سیکل بوز کور  
ساتو سیرور رجون بومرزه شیخ نینک قولانی غه تیر ابر سه خوشحال  
بولد لارا خوشحال یون دین با درجه اوج و تیر مرضی بار دلا  
واید لارا پاک پرو دکار امانا نطلا جان قوش سیر سلامت بولور بولون  
غربا بقا دور او شوم بوز و ایدیم قولاقش اوز کلیلیم ای سعادت

درگاه ۴۰ بار و اوج کس فطراب برله بولاید و اگر سیکل تا نکلانچه  
غربا فیر لولاب ایدری بولودعه بولکس ایدری بلیکیل لقطب یون  
منصب سیکل تیه سیرل ز سیر یاده دور تا نطلا غه کوقت فیلین اول  
ایدی ایم لون اخری غه تیر تیر تیر دین بر بخون ابر سه حضرت شیخ  
بیش سجده کا قویدی لار معانات فیلد لارا پاک پرو دکارانی  
تا نکلادین اوتکار میل اوز کلیلیم ای شیخ سعادت سعادتنیک  
بولیجه کا موخون ایدری ایم تنزل لار لکه و اکر و معینا باذن  
رسم ماکل سلام می حرم مطلع الفجائی نینک شانید ادر معین شیب  
قدرا انداع لجه دور کم جبریل علیه السلام با شین فرشته لارا اول لجه  
پرو دکار لار لری فرمانه برله یوز بیک آتش لارا اول لجه تا صبح  
طلوع فیلغو لجه همه محبت و خیر یون دور رجون شیخ بولن لاری شیب  
خوشحال بولد لارا و شوق دین مرضی بار دلا رجون سعادت صبحی  
اشتر و عده خسته فیه تا ابر سه جمع طلبکار و غم لارا رواج لاری  
شان لار روح لاری رضوان هدایا علیهم اجمعین همه حاضر بولید لارا  
و قطب یون لباسین کیلور دلا **شیخ** قدس سره الغر زکریا

۳۱



و پلار و حق لارید انجند مرتبه فاجعه او قودیلار و غار بامه اونی شیخ  
 نیک ارقا لارید او قوب مار قاشته لاری شیخ بزرگوار بیت یل شی  
 اتی قطب لارید او بومدت در فلیقه لاریدین تیه کشفه او شیخ بزرگوار  
 مینا ایلادیلار شیخ لاریدین هو نکر اقطب لغای لاری برون  
 لور و لاریدیلاریم حیدلار دین بر مرید که فرق یل همه قضا  
 اوردی بر لون شیخ نیک سوا لیدین هو رما یل لاریدیلار شیخ  
 نیک لاری غه لیلیب سلا فیکه ایدی ای شیخ بزرگوار لوب  
 حال و کریم سرت یل تروریم او لون تو شوب به منت  
 فیو حرم او شیخو مید بر له نیم سیدین نظری تا بقای من بزرگوار  
 منکار منک طهادی مبارک کوزونک او حیرت نیک جانیمه قرا  
 و سور فاد نیک کم نیک سلسلین و حالک نیک در شیخ ایل لاری  
 در ویش خوب تا سیدین کم حق سنیفک طرفتک او دور او شیخو  
 نیک بر له بولغیل تا حاجت دین حقار این اول اید کم اول  
 شیخ نیک ملازمت لارید ایلوردی تا نیجه بولدی حضرت شیخ  
 غار خفان تا اوت کاندین هو نکر اول در ویش نمانده اولاد

ای فلانی کیلیل زمانه سنیفک بر که سیر قیل این در ویش  
 ایدی خوب بولغای و شیخ عصا فی قول لاری غه الیبت سیر غه  
 بوز لاندی لار و در ویش رقه لاریدین بار دی اتفاقی شیخ نیک  
 لور لارید کور و سنان غه تو شتر لارید سیه کور دیلاریم کر سیه  
 حبیب سلا فیکدی و شیخ سلا غه جواب بر مای اونی لار و در ویش  
 نیجه قالیبت می عجب و که شیخ بوفیر نیک سلا غه جواب بر ما  
 او تا و حالان که بولمر سیه عالم در و جانت او و او شیخو نیک  
 ایلردیکم شیخ سیر یا ندی لار بوفیق فی شیخ دین هو ماق لقا  
 لولکه که تو شتر سینه بی طاقت بولوب سنا غه لیق تلین جی  
 و سور و یکم ای بزرگوار سیدین که اول لور ایلک سیر وجود  
 و محتاج لیق بر که سیر لار کاسلام فیکدی اول مید بر له نیم جواب  
 بر کایلار و حوالین سور غا لار جواب بر مای حرم ایلادیلار  
 شیخ ایل لاری بی دولت مو کجه ضروری کفره نه پنهان کولما  
 سیر موندین عماراق غره لارنی بخون مخفی فیکور سیر  
 او شیخو جهت بن نظر عیدین بران تشوبه سیر نیم تربیت







بره باندی لار اول ایردیلم مبارک جلالی نه تفراق بهر خه تیکورلا  
 ایریه جبار نه بر داقویشلاری همان شیخ ایدیلار اسلام علیک  
 اتقان و مقبردین آواز لیلیدیم علیک اسلام یا شیخ زمین زمان  
 اندین یونکر التفراق نه تا بخوردیلار تا شیخ نه التوروز اول یی  
 ایردی رمضان رتی نیک بزم تیرس لونی بوداق روم داق  
 بولدی **بسم الله الرحمن الرحیم** شیخ خیر الدین بن خیر الدین  
 و صاحب کرامت بیفیس وز لون کشف خا بن خوش کلام مس  
 القاس و اعطای خام عارف حق شناس شیخ خوارزم حضرت  
 شیخ عباس بن عبد الله عیادت قدس الله تعالی علیه هاهو  
 لاری ذکر بدایم مردی پردی عطار کجه و عطار مال میران بسیار  
 و خدمت کارلار به شمار و اطحجر لار قطار لقطار بیه لارمه  
 بهمار و کینه کان کله در خدمت ایردی لار اول الترمین آنا  
 قالدی اما سیر صاحب ل ایردی و کوب تشلار الحاق نه سی  
 قلیدلار فرزندیدن او تاملادی بر کونی او علی ایدی ای وله  
 از کیو کاتیکماک مقصد و اعینک بولس نه من خط قیور سین

مصلحت اول تروریم یونی بول ملای سین و منقنه ناسل مانا  
 سین زیر که جوان دو سین ناسی که حق ایچانه و تعالی فرزندی  
 کرامت ملای وینه او که ترکی تشلار کا بمانع نفس ارزوی  
 لذتی جهنمدین اوز و طاک یوق و در مسکمانه حیرتین اولیم  
 ایرانلار کا بولغوسید و راما خاتون لار غنه تا ترکی و رانیکین  
 جاره یوق و در زیر که حقیقی و تعالی خاتون لار داقویش  
 بر استی و رانه حافظت قیماق در واقع و شیوار دورا نه سی  
 ای فرزندیم عباس کومندین تو بولوسین کم بولتقرب برله نیکیل  
 خواه لار سین و کرمکایر نیکیت لار بار دورا لوز نیک ایر و  
 بولیم برتا رمو یونک نیک صدقه هر دو سیکیل که **حضرت بنیر**  
**علیه السلام** و علمای و اصحابه جمیعین حدیث لاری مضمونجه انچه نیم  
 سبت ایردی بجا کیلتور و بی و منیع و هذا ای تعالی لطف غمیج  
 سندیک فرزند غطا ایلاب و نیم مرم بعدا کر شود غنه سی بکو  
 نفسی روی لیکس بولغوسید و در منیع اوزنه انیکین او تکا  
 و در مرم که نفس کا تابع بولعای مرم اول خاتون لار نیم ایری

نوروز

۳



بول تیور لار مکیح جان بن تا شقاری ای کس و بربری اولکه  
 نفس کاس کلایه دورینه بر اوقات جورهای دور  
 بدم دولتی و مشکایح یوق و دور و بارجه عزله دین  
 فاطمه جمع و دور و مشکایح است لکنیک کراک و در ارم عزله  
 حضرت برقیل تا نوشته تو بستانه الاین و سبک دعا متلب  
 انا تک و حرمه بقیه بیا بین ای شقیه دین تا رسوده بولو صراط  
 جمع اولور این و سزا و جالیمه قولین و حاکمیک فرشتک جانین  
 جمع لوقیل چون شیخ انا سنیق سوزین استیاب زلیکا ایدی  
 ارباس کوریل بوعاجزه دین است ملاحظه فیکیل این به  
 قلت بضاعت استطاعت و قوت نفس که ضعیف لار دور  
 سندی اونا مالای دور و سبکانه بولو ب و ر که اینک دین  
 اوز و کانه خواه لار بین مبر او لکه صحیحین بول غنیمت تو  
 و فذمتین دینا و خست ابروی سنا غیل مل از متسن اکر حرا  
 سعادته بلقیل ای بول بوسیک کاسم استیام لور کوزورین  
 نه لکه دین اوز کاسم بکسین قجان خست و دینای مرد از موان

لولک باغ لار سیتین هم مردار ملعون بولورین اندا غم ایتمه را  
 لاریم الدنیا ملعونه و ملعون ما بینا الا ذل الله اندن سونکر انا غم  
 ایدی ای والده نه اینش میمان کراک هم اینش تا حقیقا میرا انا سیدی  
 ای فرزند منیک ضایقم نه و ابوسه سونق فیکیل شیخ اید بلامه لار  
 هم رفایقک سحر سحر اید و ایدی ای فرزند اول اینش فی فیکیل که  
 فیکیل کارنیک بویروب و حضرت رسول ثقلین ص اهد علیه و  
 دعا آله و اصحابه و اول و زرا الی ان لار و امت کا بویروب و دور  
 لار تا دنیا و استیق مومرین بولور سوز و منیک ضایقم شولکا  
 لعلق دور و مومدن اوز کاسم ایشیک قیل ساین بهر و دور شیخ  
 اید بلامه والده بوجود عین فیکیل بایم دور انا انا تنیک شین  
 هم کا قویا بین ایدی ای فرزند انا تک هنرین و غنی فیکیل بولم  
 حضرت بفرما اهد علیه و سمن تنیک فضل لاری دور حق سبحانه  
 و تعالی غم پریش فیکیل قه رج غلیر لوقا دور بلکه لقوه فیکیل  
 ترور زیر که اهد تعالی تنیک صفت قد رتا سحر و اتول اراق  
 مشاده بولور کیم هر چه صدق صفا و عقاده سبیل و



کهنه نیک این را بر صدق و خلص قه و بسته دور اول ابرویم  
 شیخ ای بی دلده سلازمینده بولدی ندن هوکرا انا سلفا  
 برده بریل یون سفر خیار مقلدی القافا بوسه و اکیست سلفا  
 ابرویم و جوچیلین با نینب خوف برله کیور ابروی با کاه فرقی  
 لار بولوب اموال شیا بنسبتیم تاراج ایلار ایلر حیرت که لباسین  
 البت بیکتاب قیلدیلار و شیخ لریان و الماک توشه و اولونه  
 ابرویم او یقوعنیه قیلدی ابرویم مبارک بکشین تاشی و زره قه  
 اولوق لادی تابی توشیکاکر بیری ای فرزندیم نه او چون  
 الماک عثمان سین ایدی انا حال و شبودور که کورارین  
 اکیست سلفا باضیتن تاریم لول مشقتن کوروم و غربت خجنت  
 زمین تا تم حسن لاهر مقصودم غنیمت بیدیم عاقبت خدای  
 تعالی بونیکلن قیلدیم نان کریمه کاجناج بولدم ایدی انا  
 ایدی غنیمت ایلایم قاشقین نجوک بارین و نیمه جواب ایلان  
 انا سلفا ای فرزندیم بچ بولور موسمویم نه حبتین بولور کا  
 توشونک بزرگوار ایدی خدا و انا راق دور انا سلفا ایدی

ای فرزند انا نک غنیمت فرزان یون قیلان حبتین ابرویم  
 موندغ ایش قه لرفار بولور و نک انا نک بریلین زیاده کارها  
 انا سلفا ابرویم او شپوش تینه ورمو کایم مایلان کدین و انا نک  
 نیک فرزندین بکس قیار ماغای سن هر کیم بکس قیار و دی بولور  
 ایش لار غنیمت بولدی ای فرزند بیکس که انا نک نیک ما  
 لیک غنیمت فرزان قیلان مویجه کاتیکور او و حبتین و لغالی  
 نیک ابرویم فرزان یون ایلان نجوک بولور و غنیمت بکس  
 و الماک بولور ایش قو بکس نیک فرزان تا غنیمت بولور  
 نه سلفا لکن دورا نجه که حوصلتک لغات مایل دور اول فرزند  
 انیس بک بولور سینه کور سلفا بک لیدی و شیخ اولوق  
 بیدار بولدی ابرویم ایلان قو بی و تاراج غنیمت بولور و  
 زده لارین اکر ششک ایلان و زی کاهرا ه قیلدی و بین  
 قیلان تا غنیمت ایلان بکس بکس بکس بکس کوندر و اول  
 تاغ قه تیر ابرویم حیران بولور بکس غنیمت لکن و الماک  
 لور و بکس بکس بکس بکس بکس بکس بکس بکس بکس

۳۶



حاضر بولدی دایه ای عیال کورساتکان مخزن ناهیرین  
بناکیس بین بوش برله بولغین ایلیکر کسلکین کیم موندادور دیر  
غایب بولدی بولور اوز جاخه لیلدی ابره خوشحال بولور  
خندقدار بار بوردی بر غاری غه تیر ل غاردا اول مقدار  
تور دیم بجه بدست یانایوت دور بزرگوار یاران لار غه ایدی  
ای یاران لوخود سیر لار کا معلوم دور که لوکجه منکا لعلی  
موشیکده انکر مصلحت کور اذ و سیر لار اولار ایدر حوایم  
هرگز سه که خرنشکین کور تارادور منیر نصف مبتلا  
ایدر لار مع اوج حصه نیک بر حصه سکا صبر دور و بولور  
جان جان برله منت تو تو بوقت لاریکا باقی کور تارادور  
و مموه کا جقار غاندن سوکرا نول لوخود القیم قیلد لار بزر  
تورار ایلیکر کیدن اول جندان زیاده جمعیت برله انا  
کین و انا کور و بایک کی فرزند سیر و انا ایبار کال  
غرفن دینا سوکرا سیر بوردی که بلکه تنبه ایدیم سبک  
قلید انا کاه بولغای بین بوخود سبک معلوم بولدی

خدای لعلما غه بوردی اضرینه لاریسیا دور اگر بری بار سه کیلور  
داونا ججهشی نیک شید سیر و انا کور کوزیا نیک سیر بولور  
دورنا عیب ضرینه لاری اشک اعلیو سیر و کان میتا نیک  
لشونک اکر کان کشر انا نیک بولغای و انا کیم انا نیک  
غار اچره حشرینه سیر بولدی و سیر کیم اول کشر حضرت  
خواجه خضر علیه السلام ایدیم انا نیک صورتید انا بولدی اول  
ضرینه عیب ایدیم سبک کور سنا اکر عقیق بولور موندین  
استدلال متینل که حوت سیرانه و لعلما سیر بنده سیر صلیع قوی  
غوسر و برس بولور سه کردایق دور مصلحت نیک ایدور بولور  
بعد جان دل حوت لعلی قیل لوغین قیل ی سیر تادینا و  
مموه بولور سیر و انا سیر بولور سوزی کونک کات بولور  
ایدی ای والدیه صدقا و سلمنا کیم دینا و سیر انا نیک حقیقت  
و ممد سیر بولور سیر موندین سوکرا بولور و سیر بولور  
انا سیر ای ای نور دیدیم حوت لعلما نیک عبادتید بولور  
جناحه اوز کلام مجید ایتید و روم صفت الجن والانس

۷۲



لیعبدون لیست من قیامم هر روز و منسکر منسک عبادت  
میتوان اوچون دستا لونا ف اوچون غنق منیدم و ایامم  
دیبا برست بولینس بلکه منسک بیا و دشمن لیکیدین جز بر دی  
اند غنقم ایامم اموالکم و اولادکم عدو لکم فاصدرو هم پس  
موندان و دشمن جان کانه اوچون کوکل باعل غنق و دور  
بزرگوار شول ثونی انا بفضحتیک لوبایت کریمه منو بچم  
ایک حبسجانه عباد تیغه قیام کور لوزدی ایر سه نه لوندوز  
نه بچه ارم الامد حون بخت سس مونیکنک برله بخت ایر سه  
جن غلبه قید انا سغش ایدی والدیه بولون مختلف تر  
لارور لکار نک صورت لار لوزوم د اظا هر لولاد و رو بیکم  
میدورانا سبیل و قسرت نه طاهر بولینه کافر قیام اول  
ایردیم زمانیدن سونکر اظا هر لولد سغش لوار انا سه غ  
ایده انا سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل  
ای سغش سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل  
ریاده راک لولدی ایدی ای فرزند سغش قیام اول

جن غلبه قیامم روز سبیل فرقیه لوبایل کیم یولیدین چهار سبیل  
بزرگوار ایدی والدیه قایدین معلوم دور که جن بولنای  
ایدی ای فرزند اکر جن بولما پ ایردی کشف عورت دین  
هر سبیل قیامم ایردین سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل  
روا لوتار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
نظر سبیل لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
نیدور ایدی ای فرزند غلامی دل و در که مونیکنک حضرت حوزا  
الیاس باطن سغش متوجه بولینس سبیل سبیل سبیل سبیل  
اندین سونکر اهر زمان جن و سبیل غلبه قیامم حضرت سغش  
خواه بزرگوار سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل  
ماضی لولور ایردی لار و حضرت سغش خلاص بولور ایردی  
ایم سبیل مونیکنک برله بخت سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل  
ایر سه سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل سبیل  
ملاقات قیامم لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار  
سونکر اهر لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار لار

جن



مونتیک برده اودا اول وقت آرزو متقد لار حضرت زنده  
 دلال علیه السلام نینک دیدا ریفه مشرف بولغا لاوله  
 ایزدیکم جفتی سکن کوندرین کین حضرت خضر علیه السلام  
 نینک دیدا ریفه مشرف بولدی بود دولت اقبال و سعادت به  
 زوال بوز کیلتور کان دین سونکر حضرت خواجه زنده  
 ایدیلارای عباس سلور موسین کیم آتیک عباسی و در عباس  
 صیفه مبالغه دورسین و عین نینک قلمبر سب و دورسین  
 یته دورسین کیم حق اجهانه و لغا ایت آیت زید علی علیه السلام  
 طباق مضمون برده یته آیت دورسین سماند احوال لعالی  
 نینک عباد یته متول فرشته لار بار دور لار بریم اوسبوات  
 اوزرا بولس یته طبقات آسمان ابرق مع سبت اید اقلها  
 لرائی بود دولت و قمر دورسین اولار اعالین بجه کیلتور به  
 وینه جفتی نه و لغا ایت همیشه سیر متلاد و درغان یته سبازده  
 بوات لنگ کیش سبازده لار نینک سبازده لولغا مغرط لیتا  
 بولید تیزر و بولغا وینه یته بولد و زبار دور کیم نبات

انش بر لار که قطب لوز و زید و متقد لار بر شمس که عباسی  
 دور بولد و ز لار که حضرت به یاز جرم جرم جوی کر اسیدین  
 یراق بولغا ای و همیشه و متقد و دور بولغا وینه سفته و  
 بر لوبت لقمه لکای حضرت زنده کور قدس اسد سهره الغریز  
 اورا قلوب یدیلارای اذانینک سحر خوش بولغا ای  
 بویروغا نینک متول قیلین و لیتن سهر طریلان قبول  
 ایلاین حضرت خواجه زنده دلال ایدیلارای سهر طریلان  
 حضرت شیخ ایدیلارای سهر اول و که در عباتر و در عباتر  
 برده دورسین فرومایه کالافات قیلینک حضرت خضر علیه السلام  
 ایدیلارای عباس هر یته نیجه لوند و ز و ابر لوبت صحتنک قبول  
 متقد و شیخ حضرت خواجه نینک و سبوز عده لارین سهر طریلان  
 دنیا خست سعادتین انکلا در اندین سونکر اینه سوردیم  
 ای خواجه آسمان طبقه لار ید اقس سهر سته لار نه علی متقد لار  
 حضرت خواجه خضر علیه السلام ایدیلارای بعضه فرشته لار قیام داوینه  
 لاری قرات داو بعضه لاری که عدا و بعضه سجده داو و لایفه

لار یته قیام کرانک یته لوز لار بر سبازده و در سبازده لار یته قیام





جامعة حلب  
قسم الطب  
مكتبة كلية الطب

عبادتتک انفسی حاصل یوں متلا دور اگر نفس تنگ خواہ شریعت  
بارم بغير لار دین سر سفر تنگ سوزیلا بفرمان یوں بولا دور  
الرائیک اختیاری غنہ بایم عبادت و التقصیرات او تا دور بولا  
ایک شریعت را سید پندہ عاجز دور در ماندہ دور جاکہ پندہ متعین  
او متبوعان دا اولی قودت بردی ایرہ نور دیا رتیم مرسہ صرف  
اوزوم بردی حضرت شیخ فرحال السیوف برلہ تناول متکد لارا  
و حال لار غنہ لیلیوب دیا رکہ قلبی مطلقا بر طرف بولوب دور  
حضرت پروردگار کافہ شکر بسیار بجا لیتور دیا راندین سونڈرا  
مطلقا طعام غنہ و شکر غنہ میل متیاد دیا راجا حضرت خواہ زندہ کی  
فرمان لاریکہ بر سفتہ دا بر لوبت جسم ضرورت فطرت متکد لارا  
افطار دا تہ مشغال دین زیادہ طعام یا دیا رومونیک برلہ اول  
ایسے سل تحت رتیم بوسیل لار مدیتدا نہ کچھ ونہ ٹوند و بر بر ساعت  
او یوماد دیا رویا نلارین رکا قوی دیا ردا یا غلارین ہونا  
دیا روجہار زالو ہم اولتور ماد دیا روجہ ضرورت صحت  
لار دین تا شفا ری قدم قویادی لار دنا حجم یوزین کور



دیار و به جهت بلکانه کمره لار او ازین استقامت و پلار بر کوفی  
اولتور و پلار مبارک کت لاف لاری غه او از کید کیم ای عیسی  
تا که ضلوت نجید اولتور و سپین وقت اولدور که اود کا بولدور  
لار دیک سیر قیقای سپین و ظاهر شایق برله پلار و از قیقای  
سپین و آلوده لارنی پاک ایلکای سپین بومقدارند ابرله بر  
قبول قیقای لار اول ایدیم **حضرت خواجہ زنده دلان** غه  
بولوباید لاری عیسی او چون به فرمان لیت ویتور سپین  
چون که اولقون او سبوت بر عیدی نیم سیماره لار کین  
سیر قیقای سپین در ویش لار دین صاف و عده نجوک و  
دور حضوراً فریده کار و در کاهدا حضرت شیخ اول وقت بنا طلمنا  
دیدلار او شول ساعت ضلوت لار دین جیب شوق غه قوت  
و شمایق طرمین نئیز متیدلار چون مونیک برله ایشون او  
ایر سیمالاری عالمین تبر لصف سب ایدیم تقافت غه ناچو دلا  
علی الصلح اما لاری سیه فائنه بار دیلار نیم ختم قیقای لار  
اولتور و بضم قرآن متیدلار و در ویش برله قوت بردی لار

و بشلارین قوی سالیب ایدیلار انا لاری روم حاضر بولدی اید  
ای فرزند تا بوقت عجمه منیک متید اید ایدونیک بولون کیم جیبستیانه  
و لعلما لطف عجمه برله متیدین خلاص متیدی عیدی سیکاموندا بول  
مصلحت بوقت دور که سیرین خستیا قیقای مدینه کاهم سارین  
بولونک سوار کای سپین تا بعضی سببات بدینیم جسد نیکد انا  
سپوک قیقای غه ایدیم ایدیم بالکلیه بولوعای سپین اول ایدیم  
بر لوار انا لاری نینک حضرت برله مکه معظمه سیرین خستیا قیقای  
کردلار اما مغر علیدا اهر ثونا بر لوت مکه کاتبه ایدیلار  
ولیکن طاهر و ابر طبطه فافله دین عدا بولکاس ایدیلار و سچ کمر  
حضرت شیخ نینک بوال لار دین اکه ایدیلار ایدیم انا روم و  
در ویش بار ایدیم اهر ثونا مغر علیدا اهر حربه **حضرت شیخ**  
قدس سره العیز غه بولداسل قات ویتور ایدیم و بعضی  
بوسمند لارنا ضرر ایدیلار بولون غه دات سیر اید  
قتیمه غه تشریف لیتور ایدور تا مدتی مونیک برله اوتاق  
روم غه سیر اول ویش برله استقبال متیدی دارا



طایر بی خبری و آن بولدی و اسل فافله کا حضرت شیخ نیک احوال  
 لاریدن بیان ایلادی ایریه و لاری حیران قالدی لاری و بربر  
 طایر لاریم عجب ایلم بولشیر خجند وقت ترور نیز نیش برله همراه  
 و نیز لارین هیچ بر و انیک طایر مطلق ایس دور عجب کم  
 نورهای تقدیر ایل بایشان لیق قلیب سن اول درویش ایدی  
 ای یاران سلین لاریم درویش لاری روز میثاق دین  
 ضرر دارد و در لاری بولمقدار نرسه لاری ضرری دور دب و زجاده  
 برله نابت میثاق معامید بولدی **حضرت شیخ** ایدیلاری دین  
 انابت تا اول مان و موقوف بولغا یلم خدای تعالی نیک عیبی  
 برله مکه معظمه کانت بوللا اتر تو منق بولس یا سبب سیلا اولان  
 عجه همراه بولغا حم تا رخصت و شارت بخون بولاد و اول  
 وقت هیچ مانع بولم دور که هر نه دیب نیک میلا مین اول  
 درویش بجان دل قبول قلیب همراه بولد خجند تو ندین  
 لین عنایتی علت برله مکه کانت بولم طواف منقول  
 بولدی لاری سبب دور الیب یر دیل ریش نیک تو

لاری غه آواز کلدیم ای عباس خجند مقبول بولدی و بولوز الیک  
 تن درویش تم حضرت حجه خانه و لاری نیک رضا بقدر جون درگاه  
 مقبول کو شتر و فالغان طواف نیز هیچ قلیب سنخ بس خجند حال بولوب  
 طوافیدن یا ندی لاری و کون خسر غه کلدی قچم دین باب  
 اونا ایر سه سنخ تنها طواف غه منقول بولوب تمام مکتب لاری طواف  
 انامیدن لین نیاز بایشین با نیاز استانه بسیکا تو بولوب جا  
 تیل و لاری او شومین و آواز شتر لاری عباس ماز جنتیک  
 روا قلدیم ایدی سن هم جایتین رو قلیب **شیخ عباس**  
 نیاز سلیک حضرت با نیاز درگاه ایدیلاری با کاکا پروردگار  
 مرا عجب در مانده همه کاجانج دور او زکالار نیک منکانه حیا  
 تو شایم حاجت لارین روا قلیبای مایه اواز کلدیم دنیا  
 سیر قلیبای سن تم محتاج لاری بسیار و لاری چون بولم  
 اشیت حاجت دین بس لاری و لاری لاری که صحه  
 طیب حرم دین تا شکاری جقت لاری ایر سه سنخ نیک بولم  
 لاری درویش بولم بعد و مرغه معلوم بولدی **حضرت شیخ خانه**



۱۴۷۷  
۷۱۰۲  
حانه مبارک دین جغتو لار بهات قو بلو بیدی اسلم علیکی  
بزرگوار خورشید مرثیه مبارک بولغای و محتاج لار شینت  
بری مذورانه سبکاجیم بار دورم شلکین بار دورم  
نیلین جتاج لار عالم بچه سبیا دور لار قیام لار دورم  
اولار اوزر اوقونغان بولغای که انکاشاق زار اراوت  
لما باو حیت لندی کردن لار لیک تو سماکان بولغای ضلالت  
جامه اومالت زنده اند اگر قمار **حضرت شیخ** ایدیلارای ابو  
سید نیکو ایستقامور بولغانم قایدین بیلدیک بیدای بزرگوار  
سین مناجات بچه لیجان حالت اروجوم روحونک غم  
ایردی چون مونی استیبتول ساحت اراوتین بول بول  
شیخ ابو سعید لوزالیک تن درویش برله انا بت متیدلار **حضرت شیخ**  
شیخ قدس سره العیز نرکه دین با سبب مدینه کاشوه بولدلا  
**حضرت صلی الله علیه وسلم** روضه لاری طوافدین  
لین اوز ولایت لاری طرفیکار لوز لانیبم تیرلار بر  
تامریم فی سیه متیدیلار ابریه ون ایتمک ثمره رات

دولتی کاشف بولوب علم فی القیاس و مدین تا فرغانه بچه سیه  
متیدلار دولت مند لار دین بوزیرمه مک نشود و ستر ایدی  
سیرمدی کا قدم قوتیدیلار قیام حیدلار حشیه بابا سید احمد ایدی  
بابا حین الکا عبارت دور که بزرگوار نیا وقت و ابا بابا سید احمد  
نظر متیدیلار سیه طر من عربیه سیه کاتیکور و لار قیام هر قوت که سلا  
بیش ثلثه شیخ نیک نظر لاری کا بار سبب کلین من میلور ایدی  
اندین هو نکر اوز اوزون لار اید اعلیه تیلتر لار و ارشاد غنه  
رحمت بر سبب سرخانه نیک اومندلار دین و متعلقا تین لکا  
تقویق متیدیلار دینه ایدیلارای سید احمد بابا حین بیک  
حواله ایدیم که هر دو لندی اول طرفین ثلثه لقی و دور  
جهت دین اول بزرگوار غنا بابا حین اادی لار **حضرت شیخ**  
بابا سبب خند کا بتب بوزیلار قیام تا سمرقند جانیه خن بار غبار قول  
لار غن آواز لیلکشی ای عجب ستم ارکا هنک بلخ دور  
بارفاق لک اندانیم بود دولت کا سنج دور لار اول ایدی  
**حضرت شیخ نیک** ای لاری متعلقب لیدی حیدلار سیه دیر



۱۴۷۷ ۷۱۰۲  
لای بزرگوار سهر قذکار با مقام مقرر ایدوی بخوک بولدیکم را  
لاری باندی حضرت شیخ ایدیلاری یاران سپیکنر لاریکم و  
دیش کا وقت میقد دور حضرت کا تاریخ دور زیراکه در وین  
تخته اوزر غزل ایلیدیکه اولوک مملکت تروریم الکات شیخ نوز  
جنیار یوت دور اول اول ایدوی آتیه بولدوی الکات حضرت  
شیخ بلخ قه بی لاری به الکات بر شرف لاری استقبال مستبدیل  
و بزرگوار سوز مقام اید بولوب همه عالم غیبین حطایت لاری  
ایدیلار نینک مملکت اسل عاضر تکیب تکلیف مستبدیل لاری که ای  
بزرگوار موندین است اک ایدیلار بنیرنه فمیتیر کا کاتلیقا  
بزرگوار بر درجه شرف لاری لاری به معنی الکاتادی  
لاری اول مان بلخ شهر کاتی لاری اکابر لاری دین بریم  
بلخ نینک قاضی سهر ایدوی **حضرت شیخ** نوز اوی کا تکلیف قیل  
اولا رسول نیکادیلاریم بنیر بن سبیل و بریم بعضی لول  
اوزر اتروریمیم که ایدیلو قیصر ما سبیل و غار دور  
شیخ ابو سعید روضی و قلیل ایدیلاری بزرگوار جماعت

الید ابو کنیر جلیل مکیا سهر لاری خوراق موایلین زیراکه تمینک لاری  
الید اتمام ایدیلاری بر لاری تکلیف قیل دور سهر نوز بولوب  
مکیف حضرت شیخ سعید طرفینا قراب ایدیلاری سعید اگر سبیل  
مصلحت لاری سبیلک نا قیل این عاقبت شیخ سعید نینک سوزی  
بر لاری قاضی نینک وی الکات بر سهر حوال این شیخ ایدوی سبیل  
بولدی کونا لولن طعام لاری سبیل لاری مکیا قیلب ایدوی  
فر لال طعام تارقه ایدیلار شیخ نینک نظر لاری ایدیه سبیلان و  
وجعه طبیب ایدیلار نمودار بولدوی **حضرت شیخ** سبیل طرفینا قراب  
دیلار شیخ سعید سبیلیم منج منید و چون لاری الکات عالم  
اوسو بلخ لاری وندی ایدیلار سبیل غلبه ایدیلار تقصیر ایدوی  
عالم ظاهر و اطلنا انفسنا دیدی و بولوب مقدار سبیل قیلیم  
ای بزرگوار لول حال خود معلوم ایدیلار باعث اوسو ایدوی  
قدم سبیل لاری ایدیلار سبیل لاری بر دشت مکیا ای تم قیل  
لاری ایدیلار دور لاری ویش نینک سبیل قه قیما مع لول لاری  
بر دشت بر ما که بر لاری ترور لاری کانس نینک لول لاری هم بولوب

۱۴۷۷



وینده اولکه سین وریا ترورسین و دریا بجاست برله نجیس  
لوکس چاچا بعضی اولار ایستب رلار سیرور بادور میرکه  
بلید لار برله بلید لوکس سین شیخ ایدیلاری سعید سیروریا  
میرد لیکن لاری حوب یاس و دراما بلید برله بلید لوکس  
دلیکان لاری حفظ دور اسم و درلار اماره یا بلید  
رورلار و بوز کانت لفته بولغولون ایکیس و سیکس ک  
اول ریایم بجاست برله نجیس لوکس ریایم طایر دور  
ایک شمع لاری اعتبار قلیت و درلار نیم نجیس نینک  
شونینک برله چال بولور و کانی انداخ دور که اول دریا  
بعضی منزه لار شیفان دن لکن نینک اطلالت بولما غور  
ریرا که شعلیت و **اس** اول دور که لوسونینک روح صفت  
نینک برور بری زایل بولوب تعیرتا پسه نیم رنگ بوی طعم  
دور اول هو برله طلمات جایز ایرکس و درور یایی نیم اسل  
طریق اعتبار قلیت بولغای لار اندک بجاست برله نجیس  
بولغولور الفقه مجلسی شمع قیلدیر بر حضرت شیخ

بچه جامع نا اختیار مستبدیلار و اند اسکوت ایلادیلار  
و ملوک دعوت میثور بر دیلار شیخ نینک کو برک منقر اوت  
بول مستبدیلار حضرت شیخ قدس سره العزیز روح یس شیخ  
بولدی لار نیم عمر یاریدیلور یزیمش نینک مرید تربیت مستبدیلار  
اوز لاری حضرت ایاس نینک بلکن لار دین تربیت تا بی لار  
حضرت ابوبعلیه اسلم نینک طهر لارید ایلردی لار قن لوف  
عیس سر کوردیلار و شیش سی لون لون قطب یردی لار قلیت  
زمانید اجمیت لر و میثور ایردی لار نیم فدای لعالی حضرت و زیار  
عرف قلیتای بر لونی اولتور و در ایردی لار نیم قلیتای آرزو  
بولدی دروش لار کا ایدیلاری یاران قوبونینک لار نیم منکال  
رر و سبولدی مادر یا لبرکا بار لار و شیش لار قوبوب سباه  
روان بولدی لار **حضرت شیخ** حرکت سواره بولوب ریالبرکایی  
لار ایر سه مبارک بدن لار دین لاس لار سیرت تار لار و لکن  
روح مرتبه ایدیلار لاهی تورقو پنجه لوبت اوزلارین هوفه  
تسل بالجاهی و بیایب بولدی لار مدتیدن سونلر امانش



لاریتخا ایلادی لارا اول یردیم چون بجه بولدی ایه سه  
 شیخ هم دروش لار کوسید اول روس کافا هر بولمان ینکلن  
 طاهر بولدی لار کولمان اول روس کوشین قبول مستبدیل  
 علی الصبان بولواق غبر بر لیا آتیش لار شیخ ابو سعید غایت  
 مقتضای صبر لاری ورمید اعلیٰ تئیر لار و هم لار اوشون  
 لاری کایندی لار تائخ قه التریون اون اکی ایدی ایم  
 بوققه بلخ شمدید ادر یایی امو د اولق بولدی و امد اسم  
 بالصبوب الیه مرجع و الحاب **ون اکیخی فصل چون حضرت**  
**شیخ ابو سعید قدس الله سره العزیز علیه السلام** لیک مسندید  
 اولتوردی قر فخر فی شیخ لاری حقیقه اقران قازان  
 قابا مات بولوب حشتم قران غه بویردیلار دروش لارا  
 ضربا بر دیلار دروش لار هم بقدر حال استیا کیلتور دیلار  
 شیخ ابو سعید بر دروش کابویر دیلار ایم ای دروش منان تان  
 بارشیل غبر شربار دور غیش نیم منرا ابو سعید سکا انشیک  
 ایبار دیم مسجتمیز کاکفایت فلیفودیک و شربالور لار دین

لاریتخا ایلادی لارا اول یردیم چون بجه بولدی ایه سه  
 شیخ هم دروش لار کوسید اول روس کافا هر بولمان ینکلن  
 طاهر بولدی لار کولمان اول روس کوشین قبول مستبدیل  
 علی الصبان بولواق غبر بر لیا آتیش لار شیخ ابو سعید غایت  
 مقتضای صبر لاری ورمید اعلیٰ تئیر لار و هم لار اوشون  
 لاری کایندی لار تائخ قه التریون اون اکی ایدی ایم  
 بوققه بلخ شمدید ادر یایی امو د اولق بولدی و امد اسم  
 بالصبوب الیه مرجع و الحاب **ون اکیخی فصل چون حضرت**  
**شیخ ابو سعید قدس الله سره العزیز علیه السلام** لیک مسندید  
 اولتوردی قر فخر فی شیخ لاری حقیقه اقران قازان  
 قابا مات بولوب حشتم قران غه بویردیلار دروش لارا  
 ضربا بر دیلار دروش لار هم بقدر حال استیا کیلتور دیلار  
 شیخ ابو سعید بر دروش کابویر دیلار ایم ای دروش منان تان  
 بارشیل غبر شربار دور غیش نیم منرا ابو سعید سکا انشیک  
 ایبار دیم مسجتمیز کاکفایت فلیفودیک و شربالور لار دین

۹۹



تو تو ببارهای سپین اول درویش شمع نینک ایشارت لاری  
برله بول غه یوز لاندی لار او زبلا ایدی بو عجب قیم شیخ ابوسعید  
نینک علم فرمایین و حشر جانور لار قبول قیامی مسکون بمانیت  
سول شیخ دابار موایین دیر ایدی بول بوروب کجه کی  
مانع ارا سینه تیر ارسه تور دیم دامنه کوه داشی تیرینه  
ان لور و جان و هم دین لور لک کاسر قور قونج خوش خواه  
لادکم بالغانی شیخ بکین کونار ببتلیغه کیدک ایدی کی  
درویش او چون کلایک دینک او چون بایار سپین درویش  
ایدی ای شیخ نینک لاندی غه کیلیب یردم و هم قور قونج  
یاندیم شیخ ایدی درویش کیلیک که مرا آدم حوز ای کاسر دور  
او هم غه منتیل درویش نینک او جاسر غه مندی ارسه لیب  
روان بولدی وینه کاسرینه یاد مستلدی زمانه دین بکرا  
ایتن سید و رغان و حشر جانور دین هر طرف دین کرده کیده  
بولد لار شیخ درویش غه ایشارت مستلدی اوسه او جاسر  
تو شتر اول جانور لار نه تو تو ب با قیبت مستلکم سیمیر دور

دیکه

الیکه با غلادی اول وقت داسیر نیه ایشارت مستلدی  
درویش قولین لغدی و شیخ ایشارت برله نیه بر حشر جانور  
او جاسرینه مندی و شیخ جانور لار نینک بار جاسرین ایدی غه  
سالیب ان بولکده بلخ در وازده سیم کوروب یاندی اول  
درویش حلیفه نینک حواله سیرل بو حشر جانور لار نه خانقا  
الیکه کاتیلوروی ارسه هر طرفه غه قالدیلار حلیفه کاسر  
دین ایان لغدی با غل ب لغدی ایلادی لار و شمع ابول  
بویردی قیم ای درویش لار هم قی قیلک لار من الحال  
بو غوز لالو بستم لار و شمع غه ایندا دیلر چون مجلس  
هر انجم تا بی ارسه حلیفه شیخ ابوسعید مجلسین قور قونج  
مت کار لیت بولدی لار کیم **محرک** غه عیاس قورس سهر  
الغزیز سفره اوز را حاضر کلایک لار شیخ ابوسعید ایدی لار  
الحمد مستلک حشر جانور لار غالب لکه بو حشر معقول بو  
لور و شوق برله خدمت مستل دیلر لور تا شمع غه خادم  
ایر دیلر لار نینک لار شمع مستلدی لار هنوز بو دعوت







جبران بولدی نیم نه قیام لڑائی او شومندیده ابرو نیم قولانی  
 او از لیلای ای عجب اندیشک بر نیم بوندانینک و پسترنک او را  
 بچشم ارقه سخط باردی نور دیم و جدر است بولوب و لا  
 ای ای صدامینک عزیز کرده بنده سخرش بنده عزیز سپن نیم  
 حقیقی و تعالی بولوب بر له عالمین ایلر و یقظم تمام بر له بر کو  
 اوی کا ایل باردی و فرم بوی بر له طهارت بردی لغزش  
 لار کا یور کا برب و ابر له تینا و تبر کا مبارک جنازه لارین  
 نو تار دیلار و نماز لارین ایلر نه بنه بر له او استیلار نیم  
 یتره سیر سیر و ما ابردی لار اندین سونکر اوق منستیلار انا  
 معلوم بولما یلم باروت سیر علیهم السلام نینک ظلم لایده ابرو  
 لار و حضرت حفر علیهم السلام نینک ماطن لار دین تربیت تابی  
 لار و الله اسم بالصواب **بکره سکر پنج باب شیخ اولین و قطب**  
 افرین عزیز روی زمین و بادوی راه سپن و سراج مله  
 والدین خیر المقتین و امام المستدین و مرجع المبیین  
 حضرت شیخ فرید الدین ماخرزی رحمه الله علیه احوال لار کا

ذکرید ابروی او شومندیده لاری کامومون اما الله ایانش ده  
 اما اما لار دین نیم قالد و فالا ساقلاوی و فالا سایی نینک  
 ابر برب سید کرد و ابر و خیس افعال و فانی مزانش ابردی و لیکن  
 هیچ فرزند یی یوت ابردی با وجود فتنه نئی سبب لک بر له بولوب  
 باقی فخر و ابردی ای ابردی اما فتنه نینک مزانش و فالا فتنه  
 رعایا سپنک لم بس صاحب محال ابردی لک مایل یوت دین ضرورت  
 نوئی رضا بر یبردی و بولوب و فتنه نینک مزانش و فالا فتنه  
 حاله سرنینک عزیز بار ابردی و بولوب سبب نینک مزانش و فالا فتنه  
 بولوب و ابردی و فتنه نینک مزانش و فالا فتنه  
 لک نینک بس ایاس مویم اوز اسکا بولوب نه خواه لک سپن اگر موند  
 نیت فتنه تکلیف نینک مزانش و فتنه نینک مزانش و فالا فتنه  
 بولوب فاین کیوس او ناماس ابردی او شومندیده نینک مزانش و فالا فتنه  
 جک و ابردی بولوب بچد لک سبب و فتنه نینک مزانش و فالا فتنه  
 احسن لک بولوب و فتنه نینک مزانش و فالا فتنه  
 بولوب فاین فتنه و فتنه نینک مزانش و فالا فتنه







تو لکھدین اتی مارت و کر به اعاز متلیب ی ای فدا نیک و ای  
 معذور تو بقیت کم مدای لعلی نیک دست لاری غنه و دشمن لاری  
 طلم بیت و راندین کین آسب سبیا لیلادی لار و خواه لادی نیم  
 جاه دین چهارغای نه اند به متلیب اسر طلم لار چهار سبک  
 بو بدخت انصاف و نیکه خوب و در و کون نه مول کابل بر له بولیه نه او  
 مالک مقامید بولور اول زمان نه متینوم دور کلیل یکبار انکار  
 بین اگر خضر بولیه چهار این بولور ایریه او شوق فراغی دافو  
 اول ایردیم ایرای شوهر بولور و کد اعجب سیه مشاده مستبدیم  
 شوهر ایردی نه کور و کد ایردی بجه ترکی دور جراح الدید اوزار  
 بستر استید او فراغت یک سیه سیداقو یو غلوت تر و رجول  
 شوهر موند استیت تعجب ملکی و باور تو لادی و ایر بولور نه  
 دور که سوت اما دورغان کور کد بجه نه نوز موندان بردا  
 ترکیب فالغای و بود دولت غفا سیه لک تو لعلی مکر این که  
 و با دور حال تو فی ایرد اگر باور تو مالک تنوب کور شیل  
 شوهری ایرد اگر شول بکلیغ چهار سبک نیم کور کوم دور

اول ایردیم برز لور نی خاله سی رحمت بستر لک بولور کاب بیدین  
 باغلاب چهار سبک بردی نین کین جبراعنی بر تو لینه الیت نیکه  
 نه بر لیکید تو بولور و زی جفت سیه سیه ایرای طلم نیم بولور  
 سین که حال سیدور بولور کون پیش کون دور که اولاک مقصد و اجاه  
 سالیب ایرد نیک لور و کد جفتیانه و لعلی قدرت کامله  
 و حکمت سیه سیه بولور سیه لادی سیه سیه سیه لک  
 دور که بولور اغت دولت نه عنایت متلیب رک بادشاه و ایم  
 دور سید نیکم و دشمن نیک مقصد حیت لعلی اراده یکه غوغه کار  
 اعاس الکاح من بعد بولور و غول فی بخش خا فطت متجان کر  
 نیم رزت برکت دور کم جفتیانه و لعلی لطف عمیم بر له روزگار  
 نین نه ایباریت و رحالتو فی نیک بولور و زی تو لک کاب سیه  
 متلیب ایرای فالون بولور نیت خیار سینه ک مودو لولند  
 دور کم هر نوع ساقط سبک سیه قلمین مرم سیه ای دور مر  
 بولور کد لک لک سیه سیه من کراه کولک کاولتور  
 سالیب لک ان الحمد مدیم جفتیانه و لعلی قدرت کامله



وحکمت است که هر چه بولونع بر له اوز پناهد اسافلای دور  
 بونا بهت بنده پس نمو عذاقا شد من من قلیب دور بومین  
 شیطان علیه الله و هو اس قلیب لکل کباب لدیکم اسنادان  
 بو کو دک محوکی الی بولسون بلکه با هر دو کور دور بو کو لکل  
 معقول بولدی قولیدن باندی و ادیر کی قاتون قبول بونا  
 دور که انی با قاتلای پس قاتون ای ای سوهر اگر قبول  
 تو قاتلک منم هم بنه قول تو قاید و مر که من طلاق قلیب بونا  
 نیک قاتونین میس با ایدی کو لکل اوز و کادونا جارا ایدی  
 قاتون پس قاتلایل ما چونک بولعاند انیک دین مزل لاکو  
 دور اول باد و دور حاله ایدی مرنه بولسه مذای لقان انیک  
 بنده هر دور انی با قاتق دایا اختیار و دور مر که حق لقان بنده  
 شفقت قلیق نشانه سعادت دور **نقص** بسیار منقشه  
 بر در ضرب بولدی پر سه حاله بولغو عیند الیوز جان بر له بورد  
 نقیدن اول جندان رناده مهربان یسوت بقده اما هر قلی  
 اول نالبار او پید بولپه شک دین هر ک متور موا لیکن د



بود بخت حسن این قتلاد و راوشو حین و خاطر ی غم  
 بترجم یوسف عابدین و اوز کالار دین نه غم دور که خدای نکند  
 دور منایتی کاتبه یلکیر نید یک متیو حمتی نه و کتس باره نر  
 قادر دور صبر نه خواه لادی قیلدر و محوک خواه لایا قیلور  
 سوکرا ایدی ای شوهر من غم جلیق پیش لایا و لکان  
 واقع دین جبر بر سه لار نه اوجون فتنه بولسج بلکه اورا کاع  
 دلالت قیلور سپن خود مرد هنرمند سپن و سبک لازم دور  
 برونی اورا نوک الفیبت قلعای سپن تا هنرنیک تفراق استعد  
 قالمغای سپن هنر نه اورا کاع با صیت مرسه کاک اورا کاک  
 تراک ترورانا اول فنی دوریم صاحب تراک دور به منت  
 خدای تعالی سبک کرامت قلیب دورا کاک کم و نیکه بن خوش  
 حال بولغای سپن بولوغ تا خوشنوق قلمغای سپن  
 خاتونی نیکه شوهر خوش کسیدی ایریه ایدی ای خاتون  
 حوب با سپن لیکن بولیم بار دور که بولیکه اندک فرصت  
 الشین فتنه اولکار و دور من مشو قیلور خاتونی اید

اگر مونی قیلر نه بی عبادتیک ترور کم استوده حال اولتور و سپن  
 و باره اسپن انیت کردنیک بولیم سپن تا کاک اوز و نک اسپن  
 قبل سپن بهت اول دورا غم اوز و نک یا و رمد کار قلعای سپن  
 بولود معلوم دور که استا و نیک سپن تا کردین استدلال  
 قیلور لار بولوسف عابدینی ای خاتون شکا بیکار بولوغ خوش  
 قیلماید و ران قیلای نیم اولمالای و استه نیر منیر اورکای خاتون  
 ایدی مونی قیلنیل من الحال تا سفاری حقش و زمانیدن سوئرا  
 سبک سبک ناکیتور و بولوغه بالدی و بر کچه کوز سوز سودا  
 لورغان دین کین صاف قلیب خنیر قلع کالادی و اندک  
 قند غم قیلد و بزرگوار نه انداب کونج برله اچوردی و بول  
 بد بخت نیک غرض اول یاکس بر دیکم اورا کاک ایل بولغای  
 بلکه مقصودی اول بر دیکم برز کور ز نیک استخ صفت کونکله  
 آینه سر کیم غم اعینیت همه کاهل دور با صلیقه تیره  
 بولغای غیب ایل رانیت و صوبه قلعای بولید بخت عالم  
 مطلق بولوب سپن شمس یلامکای چون که اول عیبت







قابلیت استحقاق یوت دور که بومعشر مستحق و سزاوار  
 بولعای زیر که بدختر عیاست برله سوئس قتیبت و رک بلیت  
 ای نشه ندغم بایس کم نیک است سبب دور بزرگوارایه  
 بخاک اول برایدی من طبعیت ذوق دور من کار بر وضع هر حرام  
 عیاست و سبب کم رک بیکه ااورون ایست است  
 اولوع صاف الالب پاکیزه مسطور کم نیکه سین انزی  
 انزی قالمس و لوقت اول کو لکونک او سو منوع لایق  
 و سزاوار بولعوس دور کم بزرگوارایدی ای هر  
 ضمیر اگر موند قتیق اما لیت سفقته لولاد و کم بوج بدلیق  
 حصید ایلور سبب حواه لایق نیکه قتیق اول اید و کم  
 هر زنده هر سستیدین جام حصاروی و سبب برله  
 نوشقاریب بردی اید بر بزرگوار خوشحال لیت برله  
 بر دم داسقاردی زانیندن سو نکر اسهال زور  
 لیتوردی اول مقدار کار سید کم زر و خنک طارک و  
 قالمادی اول وقت اید ای مرزنده اید حصت حازه و لقا

ذکر یقه شغول بولعیل که ایش شول و بر بزرگوارایدی اید  
 ذکرنا ایاتین برایدی ای نشه لا اله الا الله ذکر یقه شغول بول  
 یم ذکری لایق بهراج دور و لیت بولعیت برله کم نوند و  
 روان لغیرالت زبان صرعی برله و نجه لایق نجه اهنمان لوت  
 ضرب برله لیت و بریدین سو نکر امنی لوز تو قتیق و عیاست  
 بولدی اندین کین بزرگوار نشه ید کار ذکر یقه شغل کور کور  
 اولوع کم بر بولوردی یعنی کوندوزی قول کار و اکونک  
 هر و در کار و اذکره فان عه شغول اید و کم لایق نجه لیت  
 نجه لوت ضرب برله ذکر فی مد اومت لیتور اید و بریل  
 الحظه اول مقدار ذکره و زرش متدکم بر نفس ایش بوز مینه  
 لا اله الا الله لوت ضرب برله اوستلدی اندین سو نکر او  
 بولدی نجه اوج نفیس که کوندوز کا اولادی بریل اوج  
 ایدین کین اول هرینه لیلدی و اید ای فرزند خالک بزرگوار  
 اید ای الحمد لله اول مقدار بار دور که ذکره تاج طالع سی معلوم  
 بولوب دورینه اید ای هر بزرگوار عیاست ایلاب و زنده



دین خبر بر کسی نامشکال معلوم بولغای اگر چه فرست علم بر له نونی  
 بلیب و هر که حضرت نیک کیمد و را اما خواه لاریک مشفق بلیب و لیکن  
 کسان خلق جدی کا قدرت ناماید و هر که اغیز بر له بوز لاریک  
 ایغای هر که اسم رسم لارین بیان قیللر ما کو معلوم است  
 تا به بزرگوار ایدری فرزند اول شئی دور هر که فرست بر له  
 بلیب و سپین اثر اول شئی بولیم ایدری علم طاهر داسپکا  
 ملاقات بولکاس ایدری و ب **شیخ زید الدین نیک حق**  
 فاکه او قیدی و سپینه لاریک دم قلیب یی ای فرزند ایدری  
 اشیک او سپتوار بولینل و بولسف علی جهود کولکلی جری  
 ولایت تیرنای بر له ترش قلیب یی عیاب بولدی لاریک  
 بزرگوار خوشحال بولوب بولسف علی جهود مالی غه متوجه بولک  
 و بر کونین کین اوز طرفلیکا فیده مستبد اول جهود با خیار  
 بزرگوار نیک لیدی غه قیلدی ایدری ای فرزند سپین اوز ولایت  
 چو کانا بر له مبدان کوی غه بلیک لاریک به مدین بخند باش  
 بلیک دور سپین تو به قیلدی و اوز دینم دین بزرگوار بولدم اولک

اوقا نیم غه درینغ و مذات بد حضرت محمد مصطفی صل  
 الله علیه و سلم نیک دین لاریک کیمد و اسلام دینی داغی  
 لازم لغه غه قبول قیلدی و دین بلل دین باندی و بجز نیک غه  
 بتوا ولایت کر اشک غه مفاد و مقصد بولدم ای حسن  
 نیک دینی سپین سنه دور تو بولوب کور کیم این همه ناحق و نا  
 سپین ایس لار مدین سنیک حقیقک و واقع بولدی بولیر و غل  
 غه بولیر و غل تا قتل دین اول ایدری بزرگوار کلیمه سعادت  
 الکاتقین ایلاب سیمان قیلدی و غل بولیر و غل عازاد ب  
 لارین سیمان جلیق کر اک لیکت تعلیم بولدی و لک فالتقین  
 دژ و طیفه عبادت غه اور کانه و همایم طاعت کامنول بولک  
 بخندیل مونیک بر له قیلت ایدری **حضرت شیخ** غه بچود لوق و بجز  
 لیک عالم دست بر کالما تور دی کاهی کون است و کاهر کون بچود  
 لوق چال بولدر سبب بچود لوق عالم در مبارک شل لاری غه  
 جاب بولور ایدری که امان الله و العالم منی منی من خداون  
 و عالم مدین حضرت شیخ نیک بولوز لاری عالم **حضرت**



ایدی ایریه بعضی حق احترام مقام اید بولدی لار اول  
 سده ابرو دشمندی بار ایدیم مولانا سیف الصداقه دیر  
 بهر اولوغ دشمندی ایدی مدق و محقق کیم شیخ علم دین کده  
 انشیک الید ایلیمده قالماس ایدی و تصوف علمده کمال  
 ایدی وینه اسل باطن دین ایدی چون اکابر لار اول  
 بزرگوار انشیک الدیفه کلیب ایدیلر ای مولانا فلان انشیک اوعلی  
 بولوغ سوز لار نه همیشه شکار ایتا دورس حواه لایدور بزرگ  
 ان حساب قیقا غیر تیر سیر سید و اول عالم ایدی ای باران  
 نه او چون حساب قیقا لوق دور کیم حق سوزنی ایتیلر  
 برو سوز دیک ای عالم بول سوز نه منس سید و عالم ایدی کیم  
 اولدور نیم عالم دایر غریبه که موجود دور خدای تعالی دین  
 ترور و مزاج عالم اندین دور سیر انشیک حسیم دین ترور سیر  
 ترور کیم عالم انشیک دور بول سوز حق دور نه او چون حساب  
 قیقا سیر لار دار دین برو تو بول بول لار ای عالم موند  
 نایل عالم لار قیقا اول غریبه جابل دور بولوغ نایل

خاطر غیبه قایدین بنسول عالم ایدی و کیم موجودین تحقیق قیقا  
 ترور اولدور اول ایدیم اکابر لار **شیخ** انشیک الدیفه کیدیلر و تور دیر  
 شیخ بخود دور بول سوزنی دیدور تا زمانه توقف قیقا لار ایدی  
 شیخ اوز خالینه کیدی اول زمانه اراوس برو تو بول بولیدی ای  
 شیخ بول سوز انشیک مغریه سید و نیم هر زمان مبارک تکیه غریبه  
 بولادور شیخ ایدی لار ای جابل لار اوز و نکیر لار غریبه خود اول  
 حوصله یوقدور که شش انشیک سوز سیر منم قیقای سیر لار و عالم  
 سوزین هم قبول قیقا سیر لار منس سول دور که سیف الصداقه عالم  
 بیان قیقا انشیک سوزین باور ایلای انشیک الدیفه کیدیلر  
 بولوبت کور و نکیر لار نیم اول ایدیم **حضرت شیخ** قدس سره  
 العزیز بول جماعتین بوش نایب لار همه بخود و بهوش لار ایدی  
 و بخود لوق عالم کور دیر کیم شیخ بر بندیر اوز را اولتوب  
 دور جو لار سیر اوم جن پر زده و هر زده و اوز کاجاندان  
 لیل و شب لار و شیخ طواف قیقا سیر مان تو تار لار هر شب  
 ایتور لار ای بزرگوار سیر سیر انشیک دور سیر بول غریض قیقا



لاریم ایوور لار چون حضرت بزرگوار کوکرامت فی اوست  
 جماعت کا کورست لار اندین کین لایت نظرین اولار  
 نو مار دیرلار ایرسه اوز حال لاری خه لیکد لار رسولان  
 لاری قبولوب عذر تقصیر لار حضرت شیخ نینک لایت کرامت  
 لاری خه بتی لار وایدیلاری بزرگوار لوبونبت سلم کم مرن  
 دپانک لایت وسم اوار دور ویت کم ارادت سپه مقامیدا  
 بولدی لار شیخ ایدیلاری یاران حال محصل ایرمال دود  
 ارادتمند بولغانی سپه لار بزرگوار لایان سپه لار سجت سپه  
 زما سجت تا اول وقت خه موقوف قوتنیکن لار کم استحقاق  
 و استعداده پله قبلا بمنیر اول فان هیچ مانع بوق دور اول  
 ایردکم هم موقوف قوت لار چون مونیکن بر لبش سلی  
 حضرت شیخ قدس سره الغیر خه حضرت خواجہ زنده دلان دین  
 ارشد حضرت بزرگوار لوبونبت خوارزم خلق دین اثری نینکا  
 لولیکا کاتوشتم حضرت شیخ نینک ملازمت لار لیکار یبادت  
 مینمای لار کرده لوده کیدیلار ایرسه نور دیکر کم شیخ لارا

عالم وادور لار بولولاک عالم دین سوزلار لار اول فی سنج  
 توقف ایکه بوز یکسان کشرکار اودت عقیدین بابل و زقیدلا  
 لیکور دی لار بوجاعت ارادت مجلس سید فایع بولغان دین  
 لیتن ایدیلاری یاران سپنکتر لار کم مهر تم منکا اولاندی خلک  
 بولدی مهر کم اولانغادی شایسته تقاضا اولتور دی ارشاد  
 رخصتین سونکر اوجیل خوارزم وایشی ایردی لار و آله بوزکن  
 ارادت ووتر کاشف بولدی لار ویکر کشتیر تر بیت ایراب  
 لایان تیکور و لار و اوزلاری حضرت خواجہ زنده دلان  
 دین تربیت مابیتی لار و همیشه ایوور ایردی لارای در و سلی  
 و در و حال مبتلا نیکن لار کم مقصود نک حاصل بولمات و در و کاتو  
 دور چنانچه ایوب و لاریم **نظم** به دور و کجایه مقصود مقصود  
 اسل و دست **نظم** به دور و قجان یار مراده مقصود اسل  
 و در و نیک و در وینه ایوور لار هدف اصل سپه مبتلا نیکن لار  
 و در و سلی لیک سپه نینک نبایه صدق اصل بر لبه بر بار تو  
 اند **نظم** ایوب و لار کم **نظم** صادق الاصل من کوی حبیب



کرم مقصودش رسید بنود عجب **ترجمه** صدق برده طلبین مینان طلب  
 مقصد بینه کرایه کس عجب **اما معلوم** بولغای نیم بر تو از نینک  
 تربیت لاری اول طرفه دایره یکم هر تونی مرید لاری نینک صلیف  
 نظر لاری ایدی لاری تربیت نینک تونی عظیم سه اوار و سول  
 بوع برده تربیت می تو ایدی لاری وینه مرید لاری لاری نینک  
 مکتوب بار ایدی هر تونی بر مرتبه متوبه بولور ایدی لاری و سول  
 سیم حایلین بولور ایدی لاری اگر هر مرتبه نینک سید خلیف و اف  
 بولغان بولور نیم نینک خبر بولور لاری اکیا که مستور ایدی لاری  
 بر تونی اول تو در ایدی لاری نیم در و شیر ملازمت لاری لاری لاری  
 و ایدی ای شیخ **نظم** مناجات زار تو دکارم **ترجمه** غرض و کریم  
**ترجمه** مندوزمه عاقبت فدای کرم **ترجمه** غرضین اوزر کایوت و سول  
 نینک برابرید حضرت شیخ ایدی لاری در و سول عاقبت اول تو  
 طیل ابرجها نیکلین اودوزین اوت غه تامل سه چون در و سول  
 شیخ دین بولور غه ایشتر ایدی لاری شیخ بولور خطا  
 خطا سه سوز او که عاقبت اول تو در و سول عین اوت بولور غه

اوت غه تامل اوت قانچ ایش و در که تورمای سپن کیم بر  
 شوند غه صغیف لینی بر لاری اوت دین هر بهری بوق دور اوت  
 ایشین دین زیاده بهر بولور لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 دور **ترجمه** ایدی لاری در و سول سید نینک و سول لاری دین لاری  
 اوت غه لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اول در و سول ایدی لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اول در و سول در و سول تامل ایدی لاری لاری لاری لاری لاری  
 خانقاه غه لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 شیخ ایدی لاری اوت اوزر نینک سول ایش و سول لاری لاری  
 شیخ دین و اف بولور لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 ایدی لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اول در و سول لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 سول لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 دور نیم بر مرتبه سول لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری



اسپن انکند و حضرت شیخ ایدلار آری غلبات فوق بین  
بسن دین اوندک نرسه فاطر یغنه تبادی نیه اولکه دروشلار  
حجت شتی دورلار بسیم رسم کا محتاج ایچس دوروشل  
ایدی ای شیخ خوبایدن تشرافا باوجود حجت اول معدوم قیلتا  
تراک تم جدا یون دین یونکرایا دقتلای لار شیخ مول وقت دا  
سور دیلار اول دروشل ایدی شیخ بکلیل که مر ابدال مجاهد  
سیند دورم تم محض سرنیک بله نسل الفت افاق اوچول  
مر تا سیر که ابدال یون قه استحقاق بیدولغانی وقت دا اوز  
مجامع ار سینه الیبت رغوم دور شیخ ایدلار ای رویش کر لوز  
نیک برله لوبانک تبدیل باغوم دور سیه اولکه مجامعت دین  
بولغانی مازیر که مر فذ انیک عاشق عشق اوت سوه سهر  
و عاشق بیکل لیکان ابدان دور اول ایدیکم برزکوار مبارک  
پسین خرقة حبه تارقه دور دوبرله الله دیدر بر حبه  
جیبرن در دجیب سیرت بولدور دروشل کورکم شیخ  
لو بوب کول لودی لار امانت معلوم بولغانی سم حضرت

شیخ قدس سره العزیز الیک لوفوزیل عرکوردیلار و خدای  
مرید تربیت ملیدلار و اوزلار حضرت خواجہ زنده دلان  
دین تربیت تاجی لار حضرت حبس علیه السلام نیک قلب اید  
ایردی لار تا شیخ قه الله لوز یغنه سیم الاول ای نیک  
اوناماز شپن وقت ایددی کولوب کول لودی وقت  
لار دین یونکرایا دروشل کورکم جلد بر لوز  
جو غنیان لار نیک اسیدار حجت سیر اوزر ایت  
لار و دلان لار خدمت دالتور و دورلار سور و کم ای شیخ  
بود دولت منزلت قایدین دور ایدیلار حجت جان و لغانی دین  
تروریم کولیکان لار حله بر غیه لور کار لار کیم لوبوک  
جرامی کاسه اوار دور و الله علم کیم لوز تاجی باب  
شیخ صاحب اسم ارونده فاضل دور و کار و خدای  
درگاه حضرت کردکار و مظهر کرامت با شمار و شیخ سهر حبه  
وساکن فرخار شیخ شیون روز کار عینی شیخ محمد طار  
رحمة الله علیه ذکر یاریدر کم و دی ایددی شیخ و جوال ۲

۴۹



مردمان ده قنات داده بجا رت کاسنول ایردی اما  
 اول حالدا مردور لوف قنور ایردی وقت از اوقات اول  
 بزرگوار نینک سری فرقا طمسکیا توشه ایرسه دفتری  
 نور دیکم حسن بهر حال ابر همان خوشخوی نازک طبع بلاغت  
 مرتبه سی کاتیشکان ایردی اسخ با کاه کور و بی زمانی لوب  
 بوز جان برله عاشق بولدی و کونکین قولدین ایباردی ای  
 اندیشه قلیب ی ای عطار بکیاره کار سوی جت بولودنک  
 تم تدبیر نیند و رویت صیده برله ملازمتید ابولفونک و حسن  
 مونکاف ار بر دیم قنیر نینک ناسی قنات کیش و در اندین  
 بد اوق یو قنم نینک لید ابر اکرا میت و خدمتین قبول  
 قنلین تا بولفیس برله قد مید ابولوف نفس جالیدین  
 بزرگ قوم دور و خسلایع ماسی دین یراق بولقوم و اول  
 ایردیک حبس است که دین قوید قنیر نینک ناسی خواجه ملک  
 حالین عرض قنیدی ایری ای خواجه غنیه و مراد اما لوف  
 دورنه بولور کم مرا غنیه استانه علما جاروب لوف غنیه

قبول قلیب اند خواجه ایردی ای کوکث بردین سپن ای  
 حصا دین مرد و مر خواجه ملک ایردی نه قنیر بین موندانک  
 بزرگوار ید نصیب سببولیکان خواجه ملک ایردی قبول قنل  
 اما به حقیقت لیک منامای سپن سخی ایردیک بد و منیر که سلا  
 جایت لار دین بچوک بولفوسیت بولمایتین تقیر بولمایت  
 کراک خواجه ملک ایردی اگر سبک بولپوز و استقامت  
 و استجکام بولپه مر هم نیند لیک قبول قنلیم که بر عا جوده دین  
 اوز کاش نیندیم یوف ووشخ خوشحال بولوب خواجه ملک  
 من زیتید انجند کون نچتر ایردیه بزرگوار خواجه غنیه من قنلیم  
 ای خواجه بیکار لیت نه خواه لاندید و سنا و منکابر این قنلیم  
 قنم قبول لیت ابولیم ناد لکیر لیک نفع بول خواجه ایردی ای  
 نیند منک جندان خدمت کالار بار دور کیم ایش بای  
 بکار دور لار سپکا نیش بولیر دین سخی ایردیک مر نه ایش  
 بولیر و سلاک منان بر دار دور سنا اگر ایش قنلیم قنلیم  
 بولما بهر خواجه تنک بولوب ایردی ای نیند منک اندان سخی



لوی و در کیم پنجاه سال بنای سنخ اندک اگر هیچ این  
 تو لومیدن کلمه ای هم موزا غولارنه باقا رستم خاں الله من تشه  
 تمام برله حوازه ملک شریف موزا غولارنه باقا رستم خاں الله من تشه  
 اتفاقا روم لوزا غولارنه باقا رستم خاں الله من تشه  
 حضرت بزرگوارا اولالورایردی و مقنوق فرموده انا الله فان  
 لارست بوزایردی و مقنوق شریف لیکیدن بیجا دی  
 و مالیدن خبردار لولمادی نایه سیل فحش ابریه قیر قیر  
 بیجا لولمادی و مقنوق شریف لیکیدن بیجا دی  
 بوزادی اول وقت ایضا مالیدن اندک اطلاع نایه  
 ابریه کلمه کوزا و مقنوق شریف لیکیدن بیجا دی  
 مقنوق لیکیدن بزرگوار رستم خاں الله من تشه  
 لولمادی بوزایردی و مقنوق شریف لیکیدن بیجا دی  
 کباب غولارنه باقا رستم خاں الله من تشه  
 بوزایردی و مقنوق شریف لیکیدن بیجا دی  
 بوزایردی و مقنوق شریف لیکیدن بیجا دی

حکات غولارنه باقا رستم خاں الله من تشه  
 ایردی و بیجاقت لیکیدن که فریاد چکار ایردی برکونی  
 فریاد ایلابلار ایردی و مقنوق شریف لیکیدن بیجا دی  
 جدا بولدی و مقنوق شریف لیکیدن بیجا دی  
 این همه در دهره من یاد نقان و سوز بکیران هر زمان  
 میندن دور **سنخ** ایدی ای بانه منیت مالیننه سلورسپان  
 موزا غولارنه باقا رستم خاں الله من تشه  
 بزرگوارا و مقنوق شریف لیکیدن بیجا دی  
 دور که کورسپان و مقنوق شریف لیکیدن بیجا دی  
 لیکیدن بیجا دی و مقنوق شریف لیکیدن بیجا دی  
 تیم بیل لار شریف لیکیدن بیجا دی  
 زمان غولارنه باقا رستم خاں الله من تشه  
 ملک کاتینان خدمت غولارنه باقا رستم خاں الله من تشه  
 غولارنه باقا رستم خاں الله من تشه  
 بوزایردی و مقنوق شریف لیکیدن بیجا دی



پرواز ایلای شمع داکو یحیی سپین تا مقصود و نیک  
 قول غلکوسیر و در موز اغونینک سوز سنج نینک کونکلی  
 بسرنایر ملیدی و سول ساعت مایوی مددین نظرین  
 قطع ایلادی حیرت قنبر دین قطع لعلی مستکدام موز  
 با قاف نه ترک نادری زبر که مایوی مدد نه ترک صیفات  
 سول سولبی سول لونی حوت بجان و لعل نینک عباتینه  
 شغل کور کوزدی اول نو علم من لار نه اوز و قنید ادا  
 ایلادی و همیشه کلمات بر لب بولاق نه خیار ایلادی و دوا  
 ذر غه مشغول بولدی زجه سچ غریبه سچس ایردی انا حقیقت  
 و لعل الطف غمیر بر لب کونکلی کا اول مقدار علم کرامت مستی  
 انینک بر لب نماز ادا با بقای اند ب کلیمه کشف بولدی  
 ایرب اوسبو اسم ذکر ی غه مشغول بولدی چون سببی  
 بی مونیکن بر لب کچتر و بنر کوار حالیدین تغیر سبب  
 و ابتدا درویش لیک کيفتر هویدا بولوب مبارک پشانه پیکر  
 ولایت لوزی ظاهر بولوبکده ماه رمضان کچه لار دین موی

اولوب ایردی بر کچه خواجه ملک نینک فاطری غه کلید یکیم بین  
 مالین مل خط ملقایی لطف شب بر لب تو پی و عصا قویا غه  
 ایسیر قیلا **حضرت شیخ قسین مد الغر نینک سبب لاری**  
 بی ایرب کور و یکم اول قیود اوز لار انا مبارک سینه لار دین  
 اندر بی و لری نینک و آزی کیلا و ور زمانه مبارک سبب لاری  
 نور دی ایرب سولکلی کا در و سوزی نوشنه ترمان  
 بولوب او یک با ندی بوس غه قرا اعرشی مسالده می خدا  
 نعلای غه ناله و زاری بلاب با یکیم با که پرو رکهار  
 بیاه دیم و بیگاس لکمدین بولوب لیک می خدمت کور  
 لطف غمیر بر لب جو رینل شول انما و اقول لا فیه اذ کلیم  
 اسی ملک خدمت کا ز سبک غه غدا میوع قنیل  
 صبح بوندانی اشیتب ایرب شول کچی تا صبح غه ایش  
 ناله صبح و ایردی می الی شینک شینک الدی غه کلید  
 انا غی غه لعلدی و عذرا بد یکیم اسی غه انینک  
 ولایه منور و ریلصل که لکلیک منکام معلوم بولوب

۷۱۰۲



چهل تا دانیس دین بولونج بآداب کیک واقع بود  
کیم بیل لا خدمت کا بوسه و دهم بکون اهل کون  
من سنک خدمتک ابلوغای من شبنج انیک  
تق بمید ایدل رای خواج منکا نیم خدمت  
بولغای من سب ولد و رکه خواج منک خدمت  
بولغای من کیم سنی او ز خدمتی او چون  
بیر شیب دور خواج ملک ایدی ای بیار  
سنک رنکد اخذ متیم اوله و رکه برون  
بارد و قبول قنک شبنج ایدل رار  
و جی بولغان برله قبول قنقوم دور ای  
ای بزرگوار سوز اول دور که روز  
میل کیم منکا دنیا سید اید غایب  
دین او ز کدینه فرزند بوقت و و خود  
لا شکیم بولغان منی سنک خدمتک لا  
قبلم تا شک طهارت سوسین بیک

بشکوه

تنبویه بوسه و منی خدا رضایقی او چون  
قبول قننیل کینج ترک در برابر زامی  
توقف قنیل لا اوز لاری برله اندیش قنیل  
ایردیم قولات لاری لاری اوز کدیم  
خط سوز انصافین کون کونل کلتو شین  
لاری لاری اسسه بر مریکا محله و برنگ  
شست ابردینکیم اول هم وقوع غی  
کله سوزی مکر ما کا ایدی مکر  
تکلف نه در کار جمن شبنج بوند رخ  
اشتب قبول قنیدی و خواج ملک فاکال  
عقد نکاح با غلاب قرین ماکوردی  
شبنج اول کجه قریه هم فرشتی قنیل  
و کدنه و غنجه قائم ایدل ایدل ای قنایه  
و مناجات قنیل ایدل ایدل ایدل ایدل  
نجد کونل مبادیم بکون مریک بولدی

بشکوه



زیر آن قسم مراد چه اینست و مقصود هم غنیمت و کونکوم مرادی  
 حاصل بولدی بنه اواز کیدیم ای شیخ محمد عطا ربایم حبیط بولدی  
 دیکانیک عین خطا دور زیر که فرمان الکره بتول بقا  
 برله و چیسر غیر بر روی لیک ایلاما ک برله در و سراسر  
 نه او چون حبیط بولور چنانچه بولور و برلار فانی کما  
 لکم مراد الباشا مشر و نشت و رباع بغیر لک حکت لار غنیمت لیک  
 آنچه نیم ملال دور برلار کافا تون لار دین اکبر و اوجی  
 و لور تر بول مرید اقل مرتبه سی نیم بر فالتون اما علیق دو  
 بنیک برله غل او چون حبیط بولور ای عطا دور کاه خداوندی  
 حقا و یک معلوم و دوسین دیکانیک یک سراسر یکس که محبت  
 بر بنجه دور اما فالتون اما علیق و اچندان نتیجه لار بار  
 از ظاهر احوال و یک فضل بولور بر دی دوست لار سیر لیک  
 خود تو نار بر دی هوش برله بولیم کیم سیر علیه اسلام نیک  
 بعضی لاری بوزا یک بوزا و اوج بوزا کیم ایست لار بولسی  
 لار فالتون اما ق نیک فضل لیک ک دلات قینو صر دور

مرد اول دور که روزگار حبیط عالمیدا ما هو الله دین غنیم  
 بولور چون حضرت شیخ بولند لک شش بخت بحال بولدی لار دین  
 لین قینر لک لک ایلار اوج لوندین لین حضرت شیخ  
 نیک کونل لار لیکانامه نیک حقیق بنیک هوس لوشته  
 لیکانیک یاغ نامه نیک حقیق کور دیکار نیم بر لک اوزره  
 بنجه میل لار اولور و بر بر لیکانیا دور که شیخ محمد عطا نیک  
 ششیدن ایرکک شش بولوب حرف و ما هدا بولور سیر دور  
 بر سیر قلیب مان بولور کاک **مردی** بولور  
 سوزیدن نشاء هدا بولدی بریه اوز لاری کایدیلاری  
 شیخ محمد هدا نیم شش لار موندین عبارت الیکان و شش  
 برله یه میل شش زلیدن اون ک فرزند کما صاحب لیک  
 بر کوفی اولور و ب ایدیلار واقع و اکورد بدار نیم حضرت  
 ابراهیم خلیل الله حاضر بولور کما میلار ایدیلاری  
 شیخ محمد عطا حال نیم بولونک نیک قین اما نیک حیات دو  
 نیک طریقه کما یکیل نامک نیم اخیز لیک لرد و نیک لوشته

۱۳۹



عبادت كنيتك بلباسي فني دنياوين وجود رختين كوتار شين  
 لازم تور اهل عبادت كن خد متي و ابو بوب مخا فطت مقلما قد  
 چون سخ اوزيك ايكيدى بولونق في اهل بيته بكا ايدى حضرت  
 تيلادى خواجه ملك بن هم اجازت طلب تيلادى اهرامو  
 اختيار رخت برده حضرت برديل را برز روار اولوغ اهلين  
 اوزيك اهرام ايلاب قولى استمداد برده ملك بولونق لوت ايتي  
 ايتي بولونق بار بريدلار هم جبرلار بولونق لوت ايتي  
 هم ايتي سيمان لار با نيكتر لار هم بولونق خوف ناك ورنر كوا  
 ايدلار بچوك خوف ناك ورنر جبرلار ايدلار بولونق لوت ايتي  
 ايدلار بولونق ورن هم منق في اهل كستلا وور مبادا كستلا لوت  
 ضايع ايلار سخ ايدلار رتوكلت على الله و لا ارجو سوى الله  
 لعن من اخذ قولى مستيدم و اوز كادين ايدلار شتر سپن  
 اوز ورم و بولونق لوت لاندلار شين كوتدين كين اوز  
 ورن مسكن لوتقان بركايتي لار ايريه اوز ورنلار بولونق  
 برافدين كور و بولونق لوت نار بركايتي بولونق

لازم بولونق و مقلد لار سخ ايدلار ايلار ان غم عا نكلار قد  
 عا نكلار بارجه غمسه كافا وور وور مبدلار كابلونق ديت ظلم  
 سه كراكت بركايتي كابلونق لار سامي ديت سونكلار اهرام  
 ديت بولونق كوتار ديلار ايريه تور ديلار كيم اوز ورنلار ايتي  
 بولونق سخ اوز ورنلار برابر ايدلار ايلار بولونق لوت ايتي  
 هم خد ايتي عا نكلار شين ماني برده اولونق اوز ورنلار بولونق  
 ايتي بولونق ايتي برابر اولونق و برده اولونق اوز ورنلار بولونق  
 ناخير مستلدي وينه اوز صورتيه كابلونق ايتي كرايتي هم مفرق  
 سخ ديت طاهر بولدي لوت ايردي **سيمان لار**  
 بولدي لار بولونق كوتدين كين ملك معظي كابلونق لار غمسه  
 هم حرم نيك حو كرايتي بار ايردي خانه كوتدين اوز كابلونق  
 سخ قه اسم مستلدار و سخ بولونق ماني عا نكلار ايتي  
 لار برمي سوري هم ايتي خواجه نه بولدي هم بولونق سپن لار  
 حال تلي برده اسم برابر كابلونق لوت سپن ايتي  
 مقلد بولونق شين ايدلار ايريه حرم مقصود ورم و منظور نظر هم بولونق

216



نرسید ابروی مقصود وین اوزر کا کانه و چون التفات  
 ایلا این دیب طوافه مسغول بولدیلار و طوافه این کونکرا  
 مقام صغی ار فاسیده اولتوردی لار و زمانی اوتوب  
 ابر و یکم اوزر لار بیدین غایب بولدی لار ابر کور دیلار  
 هم که معطره نیکانی کس حضرت ابراهیم علیه السلام قول  
 لاری غه سفره آلب حاضر بولدی لار ابردی **اکی**  
 بوسفره فی الغیل کیم خوان خلیل مونیک وین عبارت دور  
 حضرت سینه سفره فی الغیل کیم خصلت بر دیلار  
 هم با غیل وینه البک پل عمر کور کسین و یوم عمره اکره  
 خدا کیم خدای تعالی بنده لار کا خوان یازدهای کسین  
 و نان بر کای کسین حون سینه حال لار غه کلید بینا  
 جعفر لار ابره لور دیلار هم اولون نین لاری خوانه  
 ابو القاسم خانه لبه غه بامیت کور و بولار و حضرت شیخ  
 نظر مستلید لار کول مان خوانه ابو القاسم نظر تا پیلک شفا  
 بولدی لار و غیب کسین لار وین لست بولدی کول لونی

**حیات شیخ زین العابدین کون کج و کس سفره حیات وین**

اطلس دفع بولون کج طوم تیلور و ابروی ماسفوده زره  
 نقصان تا کس ابروی قمر لک بغدادی لار ابره بغداد  
 خلق ابر دیلار کی شیخ نه بولور کج کون و قی لک بغداد  
 بوسفره و ابر لار تا ملازمت و لوب خدمت  
 لارین غنیمت کتاب قی و غل نیکین صحت لارین و بنا و  
 سعاد و نیک ک و بزرگوار غه الحاج بسیار و مبالغه  
 به شمار وین کین قبول قیلدی لار اول ابر و یکم تورت  
 ای بغداد و اکره تورت دیلار و تورت یوز کسین اراد  
 قبول ایلا دیلار و حضرت شیخ خد کسین سره الغریزه  
 موندین زیاده مرید المادی لار و لیکن مصاحبت حو  
 وین به مناسبت خلا بق ملازمت لار یدیه بولوب  
 محبت کونار ابر و دیلار هم جان و مائی معطر بولور ابروی بول  
 محبت وین هم عطار انا دی لار اما اول طالع ابر هم عطار  
 لار سیمجه عطار لیو بولور ابر و دیلار اول سبب بن عطا

۷۱۰۲



و یار الله لوت آتی دین هو نکر اصبا لوطن ممالایان  
 مصونی برده اوز و طن لار و عیسین مقلید لار و بعد ادا  
 یون حید لار اسید اسخ معزال دین اتلغ و رویش بار بار  
 بسک کار کرده و من رفت کا استخفاف و یاقوت هدا صلیب  
 ابردی ان صلیقه صلیب و بجا زت نامه بقیه شاد و حضرت  
 برد لار اوز لاری و طن لار لایفه روان بولک لار هدا و نه  
 لغا نینک عنایتی بر لار بے استی طن لار لیکاتیر لار و برای  
 رمضان بحیره مال اسروطنی حصار دامت الله لار اندین  
 خوا به ملک من رقت کاکلیک لار خوا به ملک حضرت شیخ  
 مجال روز فزون لاری نه رفت بولوب حضرت برود  
 نه شکر بیجا اداست لار ویدی محمد مدغم الحمد که امدی  
 خشت کا اسوده بار غوم دور اول اید و یلم اوج آتی  
 هو نکر خوا به ملک عالم دین کیت حضرت شیخ قدس  
 سپه العزیز قایلین مجاعت بر لار تا بولت اوز را حاض  
 بولدی لار و نماز و تاب مبارزه اسرافا سیدین

بار دیلار و دمن ارباب لقا اوز را اولتور و بایر دیلار  
 سوال فرست لاری کردیلار سوال قیامی لار تور دیلار  
 شیخ مبره سید اولتور و بایر دیلار ای شیخ مصلحت  
 نید و ریم وجود است لیک ریمان دور سوال متمان و نه  
 حضرت بار مو یا یومو حضرت شیخ ایدیلاری مفرمان درگاه  
 رب العزت فرمانا بر لار محض او شیخ مصلحت او چون لیلی سیر  
 و بوقدمت کایر صلیب سیر فاندغ فندان قیلنه قیلنیلار  
 از مر بوب هم بیج جاره یوق دور اول اید و یلم فرست  
 لار سوال نه مسعود بولدی لار اسو بوجین و اواز لیلد کیم  
 فرست لار مبره نیک عطار و یکا سیر سنی اوز را اولتور  
 نه او چون اسایش بولما بولون کیم اول سلطان اسو بوج  
 لون اسو بوج مصلحت او چون عطار نه ار زو مستی و یلم  
 مدامی لغا اوز نه لومید ان لقیب تیغای سوال قیامی  
 یانیکنیلار لاریم باره کنه لارین محض عطار او چون جوروم  
 و بهشت کا استحق مستلیم اگر چه بولما حاجت نیک یوق

۱۰۲



ابروی او بنوازم تیرا بر سر فرشته لار یاندیل راول  
 وقت داجرت شیخ متوف و خوشحال بقی برله خواجه ملک قبری  
 پاشیدن توپی لار **الحاصل حضرت شیخ قدس سره**  
 یتیمش شمس عمر کوردیلار و بو شهر بس میلین زیاده  
 ریاضت تار تمامیلار و لیکت ریاضت کش لار وین  
 بود و مزاق مقصود لاریغه بی لاری و روی سلکسل و رکاه  
 خداوند در اول بسیار در نیم بارخای لار مقصود لاری  
 یتیمای لار چنانچه یتیم لار الطراف لار افند بعد و الفایس  
 الحلال یوت ایمن خداوند لار و رکاهی فی نفس لاری عذرا  
 بول لار بار و در نیم هر شمس بول برله باروی و منزلگاه  
 بجه اگر خواجه بنده سین حوازه لاسایج و ریاضت  
 درگاه پس و بر تقدیر بولیم ما مقبول کویاضت  
 برله ایستقام بولای دور اگر ریاضت مقبول  
 اندک بولیم مقصود حصولی غه و مطوب و طوی  
 سبب رجب بجه عذر نمی علمه ای ریاضت

ماست و بعد و بچ لوروی و فامیدن سوکرا حشجانه و لغالی  
 اول غیر نزدین تحفه طلب سیدی ابریهیدی پاکا پروردگار  
 درگاه بخت موندغ تحفه لار کیتور دوم نذا لیلدیم همه مقبول  
 دورینه نه نرسه کیتور و ونک ل غیر نزدیدی کرم باکرم  
 عزم و حبه ملغانیم او شویردیم عرض قلیدیم نذا کلیلدیم  
 این همه نامقبول غل برله قاید ابار غونک و رایدی ای بادغ  
 عادل بار و بریم و یور و جایم و ونغ نینک مقبول پس ک  
 سول جان داینه نذا لیلدیم ای بندم اور لوتک بهشت و  
 دور زیراکه برکونی بول برله بار و بر دینک لول و زرا  
 تکان تشوایدی خصانینک بی برله تواریب کناره کا  
 ناسل دینک کیم سمان لار نینک یاعنی خذ لرا کای که موسی ربح  
 ابار ات حدوت دیر لار بولایس بار بجا لیکتین درگاه  
 مقبول نوشته او بنو سببین سنر تجور دوم و بهشت کاه  
 ایلایم و بود لالت مستور مونکاکیم از قول حشجانه و لغا  
 نینک قاید اکین **الحاصل حضرت شیخ قدس سره** غیر نزدینک کرم



ریاضتی کم ایردی و کین کرم خواننی بادستاه با کرم نه  
 لاریدن درین تو عادی وجود سخاوت قلیب سیردیم  
 هر کونوک راتبه دین اوزکا بکرم منک میا رفیق لایحه  
 صدقه برور ایردی وینه معلوم بولعای کم بزرگوار نینک  
 خون کرم لارید ایر کونه اکی منک دین کم کشت طعم یاس  
 ایردی لار و تبلیغ راتبه لاری اوسکیو ایردی وینه  
 اوزکا هیچ ریاضت لاری یوق ایردی با وجود ریاضت  
 لم لیک برله اولن اکی منک زنده لاریدن بولاک لورت  
 یوز نشین تربیت قلیب مقصودی غه تکیوردی لارا اوزلا  
 حضرت ابراهیم علیه السلام نینک روح مطهر لاریدن تربیت  
 تاجی لار و هم اول حضرت نینک قلب لارید ایردی لار  
 اول سبب حضرت بزرگوار حوآن کشت لیق برله مشهور  
 ایردی بر کونی اولتور و ریردی لار کم آسمان و زمین  
 فرست لاری طبق لار غه لوز تو شفا رب صف و صف  
 حضرت شیخ نیک حرم لاری جو کراسی و احضر بولبلار

چون مونی کور و بل و زلاریکا ایدی لاری عطا غالب  
 اوکله نزع حالی لقیق کلبیم ایم این هم فرشته لاریب  
 لار اوسکیو شاه حضرت شیخ نینک قولای قیغه اوز کلبیم ای  
 خمد عطار سهر نینک خاطر نینک کلبیک یک یاس دور بله  
 اولی کونیم اولیا و قد نینک اعلی مرتبه سحر و عده قلیب ای  
 انقلب لیق مرتبه سیردیر لار سکا سولادور ایتهم فرشته  
 لار مبارک باو لیق غه کلبیم رلا چون بومزده شیخ نینک  
 یتر ایر سه خوشحال بولدی لارینه اوزلاریکا کلبیلار ایردی  
 ای محمد عطار خوشحال لیق خلایق کاس و ربکه لغیر زاری خلایق  
 دور کم این هم عزیز کوکله لرد نینک قوبار لار چوک طاق نینک با  
 دور که قوبار کای سبب و یب فدای القای غه ناله مستدل  
 با کاه پروردگار احمد بنده ضعیف و مرزا و لویوک کونار  
 طایفم یوق دور عتبات ابواب لطف عیم برله بومزده سبب  
 اوت کار قیل بنه اوز کلبیم ای محمد عطار سمیت بنده قلیل  
 و اشیک بنه پروردگار نینک قولیل نیم این لیق برله

۷۱۹



بگو سیر دور اول اید یلم قطب القطب لبسین لیبیو  
 هر چند زور مستبدی را رخ قبول می نماید از حسن ایدل را  
 موندان دولت نام قبول می نماید پس کم مشکین بر کا  
 میست لوبی کس حضرت شیخ ایدل را اول حبت دین قبول می نماید  
 منم کنه کار اوده دور مزبور بونده کنه کار او نبود دولت کا  
 بخوک سزاوار دور حسن قطب لیبی لبسین کلبور وب  
 لره برله لید وروب حضرت لاری ایدل افانکه متقدده او تو بجهز  
 باد و متبدل لاری بزرگوار قطب لیبی نامید ایند پس یوز کرسنا  
 مرید الیب تربیت می نماید لاری بیلینه اول ای قطب لیری  
 لاری بر لونا اسنان و قسره و نماز عه مشغول ایددی کور  
 دیلار که جمیع افعال ابران لاری بزرگوار بنیک جو لاری لاری  
 صفت نامرتب قبول با غلبه لاری وروب و لاری بعضی لاری  
 دور لاری چون **حضرت شیخ بود ایدل** لوری لاری ایدل  
 تمام ایدل کاک کاستاب متبیل فایغ لوبلدی لاری ایدل لاری  
 یاران غالب الله تعالی فروده پسین لستور کان سبلا

اولار ایدی لاری لاری پسین و سبت ایدل دور شیخ خوشحال  
 بولوب ایدی لاری لاری حیدریم استیفات و انتظار لیبی حدوس  
 اولوب ایدل لاری ایدل نامانی توقف غم لول بار مویا لوبلور  
 هر نه مصلحت و دو فکری اول ایدل شیخ فرزند لاری حیدر  
 ابوالعاسم نام ضرلا دیلار و ایدل لاری فرزند درویش لاری  
 جعفر غنی خوانده ابوالعاسم نام سفاری حبیب ویش لاری کاک صبر  
 بریدل لاری لاری درویش لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 شیخ خوشحال اولور وروب و لاری لاری لاری لاری لاری  
 لیبی فروده سیر مویم خوشحال پسین شیخ ایدل لاری درویش  
 لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اولقر مناسیح لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 لاری صفت در صفت لوری وروب و لاری لاری لاری لاری  
 لاری قنات قنات خد سو قوب قنات سو قوب لاری لاری لاری  
 سید اسیر و اور لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 شاه بایزین عالم ناما هو تیدین عالم لاری لاری لاری لاری

ایدل لاری



او سبب جهت دین خوشحال و درم و سپهر لار که جنبر بر یک  
 جند جوف ویت قتل این کم قول قبتک لار و او تو تو کلا  
 چون در وی لار بو بوزنه استیب هم که به و زاری  
 اعجاز مبلد لار اید لاری بزرگوار بغیل تا جان بر له  
 ایاب بوینو میره تفویر قتل لک **حضرت شیخ** اید لاری  
 در ویس لار اول او که بر نیکتر لار و یکا منی و مکتانی  
 سنت اویند ابلنکتر لار غسل ایاب و اقلیم و فاداب  
 سنا نیکتر لار رنیرا که استیب و لار که **شیخ منوچهر**  
**فراد** بغیر شیخ مرید لار احشبه متر اسید سمنه  
 او خسته و و را یخ الو القابیم فاوزو نیکتر لار و خضیفه  
 سبکتر لار و منیک روحوانه و االاقات حاضر و  
 ملا خط قتل نیکتر لار و نماز نیمه سیاه جمعیت بر له او تا  
 نیکتر لار و دنیا لقصینزه عباد و کاصرف ایلا نیکتر لار  
 و بار به شکل این لار و انصراف قتل نیکتر لار و استلیق  
 جکوب و و و حضرت اشنیکتر لار و مذا ای تقاضا قوی

نیکتر لار و سبب اقد رفیت و کرمی و مشغول بولدی بغیر احد  
 لقمان نهبان دور بود و لار یوز بتره مرتبه استیب بر و لار نیم  
 رب لغزت منتهی بر له جان با کینه و قابضه و اشیک  
 سنا نیکتر لار و استور تیلادی **حضرت شیخ** شوق بر له و سبب  
 بر دی لار اول معرفت رکاه حضرت شیخ ابا زه سبب که کردی  
 حضرت شیخ او را قوی بید لار اسلام علیک ای بنده فانی  
 تا که انظار این قیور سبب کمالی کم نوذین زیاده اظهار  
 یوسف نه طایفم یوسف دور و سبب قالیب نیکتر لار بغیر جان  
 لارین سبب اید لاری لار و در ویس لار افسه جوانه شیخ  
 ایبار و دی لار اید به طرفه العین احشبه قتل لاری نیکتر لار و  
 لارین ویت طریقه سبب بر له او استیلد لار و بنانه لاری  
 آسمان نه پرواز ایلادی و طالیق متوجه بولدی لار اید به  
 فرخار تا غنی او زرا اشوب سبب ارا لار و فله مشغوف  
 و بر اید و دی لار که فرخار دین بریم کونو کول و و رسول  
 یر و او من ایلادی و فالت لارین سونکر ابر و کوشیده

۷۱



توردی بر سه مور و یک ای بزرگوار صلح اسید او عا  
 و نذر کار زیارت مبرک کا و دوح ابادان تور و ب بوقله  
 اختیار مینماید این ایرودی استخ ابدی لاری اور و سکا  
 انینک چون ایرودیک حضرت سلمان پیغمبر مسواة الله  
 علیه و سلام روح نون اول پروا و حجتیانه و لغا و نه عبادت  
 مسکد لار اول موضع اول حضرت قدم لاری بر لیتدن  
 له مفتی رسم تیمنا و ستر کا اول بر نه اختیار مسیدیم که کج  
 لکای مرد و نارخ نه الله بوز بکره پس ایرودی بسع الا و  
 اتی ده دو سینه کون بر وجه پنت بوق و اق فر فار و اق  
 بولدی و امید اسم بالصواب **اول و دوم فصل**  
 در آنکه حضرت سخی قدس مقدس و نه لغیر نزوفات لار کونلا  
 فرزند عزیز لار خواجه ابوالقاسم بزرگوار الیک مایسی  
 و ایرودی لار ویشی لاری بزرگوار اما لاری نظری  
 بر له طواف کونا کا و نه تیر و وصیت طریقه سیر له اما لار  
 تصدیق فکما خان لار اول بزرگوار نه لغیر و نه مستید کا

زیر که ولایت لاری فوت اما لار بدین زیاده ایرودی و  
 ارامت لاری جمله سے دین بری اول ایرودیم اول سل حضرت  
 شیخ عالم دین وجود خیرین کونارودی لار بر سه مخط بولدی  
 اند انیک سلمان لار بر بر نیک قانینه تشنه و کوشته که سینه  
 بولدی لار و نه نایت بی طاقت لیتدن بزرگوار انینک لار  
 لیتدن بای دیننه یکا استیانت تل و لار خواجه بول مجید  
 قول کونار ب عاصی لار بونما حیات نه ادا فیلد لار که  
 بادت ها که نیک خولنه عام دور و نه لار نیک کنایه لار  
 یوماق نه رهنیک معیور بدین قطره قما و دور و بول صغیف قل  
 لار نینک حاجت دین جفا عیش و رزق لار ششکین  
 یم مقصود لاری اول دور و نه سلیه نینک و لار حقیقا  
 فلیان دعا سبن قبول فلیل بوبنده ضعیف و اعتقاد  
 باغلاب نقی و فلیای لار تا اولار نه عیا و نیک نه دلالت  
 فلیای مرد اول ایرودیک خواجه نینک قولاق نه او از کلیل  
 ای ابوالقاسم بر یلندیر کا حقیل و نیک لار نیک نیکول

۷۱۰۲



متین و پروردگار منک قدرین متبده متینیل چون خواهم  
 مونا استیبت اوکره او زرا اچیتیب یک نیکلارین سیرتول  
 متیدلار بر سر هر یک نیکلارین بعدای قولو لو شخ الدی بر  
 ساعت امانی بود اول وقت داخل لوقه حضرت برد لای  
 نیم ارمسلمان لار چتیا جک لار غه با متیب لک لار چون کشته  
 لار سیدلار و قانجه لک بعد ایدین کوتار دیلار و قاجا  
 لار نه کوشها زدی لار ایدین سونکر ایدیلار امید ایتیا  
 قالماد بر متینیل قاجا دن عافه لید و اول وقت ده حیره  
 خوابه قدسی اله عزیز مبارک نیکلارین بر بر کافقه لارن  
 الحال توخت و چون ضلالت بوکرامت نه لور ووب جهان  
 ریز متیدلار نیم فرخارده بر سر ایدیت سیر قالدی و  
 سول کونا حضرت خوابه خخوانه لرم ات قودیلار و یکرم  
 سیل فرخارده شیخ لیت متیدلار ایدین کن مک طوافین  
 و غه خه سبان ایلا دیلار بر سر ویش لار دین بر ایدی  
 ای بزکوار بارماق نه لازم دور که کعبه و میدان عبارت

دور که خدای عالمینک بنده لار دین بر بنده عمارت متیب  
 دور اچنه اول اوی حقیر ایدی بجا کیلتور و وکیتر نه بارما  
 غه نه مصلحت دور اتر مونا بولسا نیک مؤمن لار کونلک اوی  
 نیم خدای غزه جینک غرنه دور ایتنک ایتنک سیرت سیرت  
 منیر لوقه دور ان طواف قیدنک بهراق بولسا کیم سیرت  
 جل سلا لیتنک ضالیق مؤمن من لار نیک کونلک کاهر داشت  
 بر ماک برله دور حضرت خوابه ایدیلار ای درویش رایت  
 ایتا سیرن و لیکن اولکان اولیا لار بولور ووب متیب  
 دور لار عزیز لار متا بعین متیق و درویش لیک ایت  
 شرط کورانا و درویش کال لازم دور که اوز کالار سیرتی ایدی  
 نفل طوف متینک و لوقه توبت فرض نه ادا قلماق بونده کور  
 فرض و درویش ایدیت لکان اولیا لار متا بعین سیرت  
 سیرت لار سیرت لار حاضر اولیا لار سیرت و متا بعین وین نجو  
 بهدایت اید و اکونیر دور اول ایدی کیم شکر بولس فوده  
 موافقت جلیک کور کوز ووب سیرت لار سیرت کور خدای لک

۱۰۲



منتهی بمانی برله حضرت خواجه قدس سره **در بیان** منتهی  
 لاریدن جوش جانور لاریدن یوزن طاهر بولوب لایلی  
 لاریدیه هر مندرله ادریش لاریطعمه بولوب لاری او لکونیکم  
 قافله کافله قوشولدی لاریک کیک طاهر بولوب اهل قافله  
 منتهی ایردی **در بیان** **در بیان** **در بیان** **در بیان**  
 قافله کافله منتهی لاریدریش لاریک هر کونوک رابط  
 بی بولدی چون اهل قافله بکرمت خواجه دین مت  
 این اولاد هم تقدیر مستلزل الی اصل خواجه تمیز  
 تشریف لکیده عظم طوافیغه شغول بولدی لاریدریش  
 تعبیه بارماق نه لازم دیب حضرت سنج غه شیط طلیح  
 حبیب یردی اول وقت واعد از تقصیر قویدی وایدی ای  
 بزرگوار سلیمان ودر منیرکم برنه تواریک ملک کابارماق  
 واصلحت لاریبولکان طوافین قارغ بولغاندین  
 بونکر حضرت خواجه کوشه نالیب لاریدریش  
 اولتور وباردیاریم میانه مواله بولوب منتهی حال قوی

روان بولدی لاریبره تبیب کور دیلاریم میانه اولون منک  
 اولیا یرکین روین فاضل دور لاریک سبج کمره وافر لوت اولون  
 لاریخواجه نالوش لاری ایمان ایدیلر کیک با بولغانم  
 خبر سنکام سبج زمانه اوج کشر نیک محبت لول بولغان  
 ایردیم بولوبت سنیک شریف مقدس برکت دین مصبول بولوب  
 خواب ایدی لاریسجادیک صاحب لت نیک محبت لول نوشته  
 ایلین مضر بر دیلاریم منک تیه یوزن نیک محبت لول نوشته  
 منت دار بولغیل خواب ایدیلر کشر منت خدای غروب کاینه  
 ای الوافسج نیه شروه سنکام بنی قطب لیت وربه سبک  
 منتهی منور لاریخواجه ایدیلر ای ورگاه آفرین لاری  
 ما بومرتبه کاشحت ایرکاس ورمز بر تقدیر بولوب هم خوا  
 لامای دود ما اولیا لاری ایدیلر نه اوچون خوش منک  
 سبج خواجه ایدیلر انیک اوچونیم کمره غریز منک  
 خواه لاری لاری بولوبت برور لاری ورمز لاری  
 لاید ورمز دینه اولکه هرکیم عالم دین پات ایتمک خوا

۷۱۰۲



لار لار بونصبت نصیب کورلار و مراد غرور از خواه لار مراد  
 نیم خدای تعالی زباده را که بر سس قیامی چون میس  
 لار مهم اند بوا یک سو زون نجیب فالدی لار و بر لار  
 کاید لاری یاران درگاه به نیازی و از و ر لوف بر لار  
 ایرکس دور لار از اختیار عشق و تو کینتر لار ارادین به  
 بر لاری ایدلار بوقایدین معلوم و در که قطب بوشمال  
 عالم دین ایلکای لار کاه انداغ و در که اولین بیکرده  
 یس بونصبت حیات بولار بزرگوار ایدلاری عزیز لار  
 واقع بولاد و در سه غم به کم دور لوف نینک ملید و در  
 خوابه غم حضرت بردی لار و خوابه طواف دین تمام فایغ  
 بولیدلار بر سه طواف لاری خدای آواز تلیدیم ای الوهالیم  
 چون که غرور از خواه لار نیک بوز یکم میل غم لار مستلیم  
 و خوابه غم بوفزده دین خوشحال لیت دست بردی و شوق  
 بهد بولدی بر سه شوق خوشحال لیت دین اولین بیکر  
 عباد لیتین خیا و قلیب بوبس بولدی لار و خج و رین

بقیاس نینجه و پاید لار لور دیلار اولن بر پنج میلید  
 کاسر ملید لار و نیه اولن یس **مقدمه بولار** **مقدمه اول**  
**دویم** مدینه لار و خج و ری ایردی لار اندین کین یا نینک  
 تیر لار و نینجه قیامی کبیر کاسم و اول از مت ملید لار نیم قطب  
 زمان ایردی لار و نینجه الوهالیم غم بوقایدین کور و بیکم  
 قلیب بولار لاری الوهالیم جهود کلیدیل حضرت خوابه الوهالیم  
 حضرت شیخ نینک بولور نینک شوق بولوب بهد  
 اوج و راتبه جرف بارودی لار و حضرت خلیف ملید لار کم غیب  
 نینک که بولدی سنج جهود لوف صغیر بر لار و بولوب خج  
 لیتدین جرف بارور و خوابه غم اولان نینک کونک ملید خط  
 معلوم بولدی ایر سه بولوب بولار لاری کول لار نه او چون  
 خوشحال بولماین کم یس لار بولوب مطالعه و ایر و بولوب  
 بهد بولوب نینک قلیب لاری و مراد و بولوب نینک سنج الدین  
 ایلید اول ایر و نیم خوشحال بولوب جرف بارور که بولوبه  
 ضعیف **حضرت بولوب** **مقدمه اول** **مقدمه اول** قلیب لاری

۱۴۷۲



بسی

ایکان اول زمان اسیر مجلسم تویتلاریم حیا  
 لیتق بجهل او شو ایکان اندین سوختره سینخین حفت  
 تیل دیلاریر سینه ایدیلار زمانی تو ضاعیل تم سندن  
 هولیم باردورما جواب بر تل خوابه ایدیلار شوخس سینه  
 ایدیلار باعث نه ایردی که اول تول که مینا و اقطب لیت  
 حربه سبن عرض قتلیدیلار قبول قتلما و نک خوابه ایدیلار اراکی  
 سرم تو لوم که سنیگ شریف و هو و نک او شو منقلب زرا  
 بولیم سمنک کمال نالفاق لیت دور چون شنه  
 بولیم بولیم خوش قیلدیر سینه حقر لار یدافا حقه او قوب  
 رخصت برودی لار خوابه سینه نیک ملازمت لار دین حقیقه  
 لار و مدت مدید بولدا اقلادی لار تا فرخارنه بقیبینه  
 فرخار و او تو زبشیل فرخار و ایردی لار بکرم سینه  
 او خول دن ایکه عافیه تا بقی لار بولیم مجموع دین ایکه  
 او خول اوج عافیه بزرگوار نیک حیات لیت لار ید اولاد  
 مرتبه سیکاتی لار بر کونه اولتور و ایردی لار بکیم قولات لار

اوز کیلدیکیم ای الوالقاسم سیکیل که غرو نک افری نه یادق بیت  
 دور اید سینه کما چین طرفیکه سفر قلمات کراک نیم تفر اغینک  
 سونداد و حضرت خوابه قبول تولی نه نافر و به توقف اول  
 ایکست دروش برله مایلین سفین خیار مستدلار و ملخ  
 الدین اطلع بر او غلاندین هم همراه ایل اولار هم علم  
 طاهر و ادست تمام لار بر ایردی کم هم س عرو منظره دای  
 قادر ایردی لار او شو جهت دین طالب علم لیت وقت ا  
 غوغایی دیر ایردی لار تخلص لاری هم غوغایی ایردی و خصل  
 انشا سینه صحیحین کور و تبصیح فلو ر ایردی بنا کاه فیه  
 تلمذ ایردی به تحصیل دین فالیدیلار بولیم بفرده اتا لاری غمیر  
 بولدیلار اتفاقا بول لار کوبستان طرفیکه انوشتر ایردی  
 حسن بفرانه تیر و بر کیمجه نه بیدار اولار و لار رسول نهجه  
 ایتارت بولدیکیم ای الوالقاسم خوش کیند سکنر و قد منکیز  
 مبارک بولیمون نیم فلان بر دابر اغرنه بار و در صحت  
 تا پناه سینه نینک مبارک قد منکیز تیا کاکه کاموقون دور

۲۹



چون بود واقع در نیمه کوردیل علی الصباح روان بولد لاری  
 و بر سوبک سبب مانی تو خنک دیل رطبانه ایسای خواج  
 زمانه توقف غه لول بر مویم و لکش روح افزا کوشه ایکن  
 طعام بوسه این تا دروس لاری طبع دغین طبع لاری این  
 روان بولد لک خواج بول ملید لاری اول ایردیم خیمه دوقه  
 تیشتر لاری خواج اولیو غه مشغول بولد دروش لاری طبع  
 مشغول بولد لاری حضرت شیخ خواج **القا**م توش لاری  
 لوری لاری قیم مریه طاهر بولدی وایدی ای خواج سبب نیک  
 او چون بو او تا عذا اندک فانت تو بولسیر دیم اما فک  
 نه سبب کاتلق دور خواج مضطرب برله اولیغ ندیلار دوروش  
 لاری خجفت و نیم ای دروش لاری جمع بولونکین لاری بولوغ  
 مریه معلوم بولد دروش لاری نیک بل کتم لاری باربرد  
 هر طرفین رخنه مستبد لاری بر سه بر کوشه و اولن پیمان  
 فاش می تا بتی لاری دروش لاری نیک کفانه غه صرف پیل  
 مشول کونی حضرت خواج اول نسران فاش او تا غ اما دیلا

**الفقه** مشول کونی بولد ایرد لاری تا تکلا فاش مینه اخلیق ایوی  
 کای لاری لوری لاری که اخلیق قوی حال سوار دور حضرت  
 خواج بولاقا سبب او غلان لاری لاری سبب فخر الدین غه خواج  
 ملید لاری قیم ای فرزند بولوغ خلیق جیتد افاجه او غلی سبب  
 اول ایردیم لاری فخر الدین فاجه او قید لاری خواج این دیلا  
 و من الجال نیه بل بولغان اخلیق اورندین قوتی فانت  
 مقامید بولد لاری قافا اول نشه و ایردیم ولایتین اوری  
 بیکس ایردی و من لاری اما اوزین قلندر لیک صور پیدا  
 لوتار ایردی صراف دین ایردی سوزنک یا کنگو  
 پاستیم و پاک ایردی ملا نیک سوزنی نیک بر ایردیم  
 فاجه لاری در و یکاد و بولدی و بر ایردیم بولوغ  
 دین مولانا خنک لیدین غه و ابدست اما دیلا و الا  
 ات لاری ملا خنک لیدین و تخلص لاری غوغای ایردی  
 و غوغا مجننه کوزین کین غوغای این غوغای خنک  
 ایلا بول ملا خنک لیدین غوغای ایرد و بد لاری سبب مونک

۲۷۷



براستی تا بنی لار الفصح حضرت خواهم بوالعاقبت  
 اوج کون اندا ابردی لار تور تو بنی کون و فانیست  
 و قال ابردین یونکر اوغل لاری تو سید اوردیم  
 ابدی ای پدر بزرگوار من غریب یوسف دایم یوسف  
 غریب یوسف یوسف تا زمان غنایم یوسف و در میان  
 هم اوز و کنیز کاوس فلینک اول ابردیم فرق کون  
 لارین من خسته لارین عالم دین رخت کون ابردی  
 شول من لار لاری یابند اوفن مستبد لار و شول  
 لارینه فرق کون تفاوت لاری سید ابردی  
 حضرت ابوالقاسم تا تو شلار بیدار ابردی لار و  
 لارین سوز دلار و خواجها و ذوال لارین بیان  
 منید لار اندین کیت اید لاری در و شول را بیدار  
 رخت دور نه برین طایر نیک لار تا رخت شول و طایر  
 لار اول ابردیم هر لار رخت بر لار لاری اوز و  
 لار لار یابند لار بعضی لاری بر لاری است نه سید

مجاور یوسف تا اختیار نیست لار و انداسم اول و بنی  
 شیخ مسیحان وایت کما و زمان اول و عالم  
 غفران و جامع عالم برین شیخ عالم و بر کذیده نسل اوم  
 غنیمت شیخ سمعان سمنان قدس مد سهره احوال لاری  
 ذکر ابردی ابردی قدر نیست ابرمال منع نشان  
 و بلند مرتبه عالم طاهر و همه بادشاه لار نیک ملک است  
 مشورت و مصلحت او چون احیان لاری مایه ابردی  
 بسرتد سیر لیک قوی فراست لیک بلند اوزاک حافظ قران  
 ابردیم هر کجه قران تا فتح میلور ابردی و قوا عدست  
 بخش ضلیم بار ابردی اول بزرگوار نیک و ضیفه اول ابردیم  
 برو قنکر قران تا تمام قبلیه ختم رسول لور و ابردی  
 حاجت فوتما منقه سلمان لار غنایم دین فیض یار ابردی  
 اما اول حال انداغ ضابط بادشاه رب ابردیم اول ابرده  
 برمای هیچ کمره نیک بک کرد لیک صفا غنایم یار  
 یوسف ابردی و سید انداغ ضبط و تمام منجم ابردیم

۱۴۹



اگر باز از بوزید اشلا بر پس گوشه پاکسیدین او را  
 نیز تصرف قتلای اول پس لوزار ابردی و بوم نصب  
 دین به منایت مال جمع میدی و مدته مونینک بر لاجه  
 و ضبط هر انجام دین با دوشه خه ضربتیم فلان عیشینک  
 چنان ضبط ما بریم شد دانه نشیکامرا یا لای دور چه  
 حای این که بر و بر و کالتدی قتلای با دوشه ابدی  
 موندخ غریب بولونینک ملازمینک ابولما فرما دوشه اول  
 اول ابردی هم با دوشه عیشینک در چهار باب ز خدی  
 کالیترون با دوشه در نیک خراست لیک کش ابردی بر  
 نیک عالیه نظرسالای کوردیم عجب حکمت من است لیک با دوشه  
 در حال دور تربیت مقامید ابولدی و سلوفه علالتین ملک  
 حرم راز ایلادی مصلحت ده باره نیکر کا مقدم بیلد بر این  
 انینک ایجه این عمل قبله نول و لیکان نیک بولور ابردی قاتل  
 اول ابردی هم بر سمان نیک با دوشه خه حاجی بولر بوقف  
 با دوشه خه نیکور و ب حاجت دین چهار دور ابردی او

حبت دین ملا بون جنبر بر و عایشه مشغول ابردی لار  
 بر کونه با دوشه نیک ملازمتی کار و ر ابردی قولا قینه  
 لیکلای سیمان تا کما سلطان ملازمتی و ابور و سیم  
 یکبار آسمان زمین با دوشه در کاهن کیدکای سیم  
 تاله دوست لار زمره سیدین و فرشته لار مجله سیدین  
 و قتلای قولا قینه ایشیلدی خه کونیک کاتراک و قوتون  
 گوشه ابردی ز لیک ایله ای سیمان هوش بر لولونیل  
 نیم نیک نخت لیت نیک ملازمتی بلکه رد غالب و کده سعادت  
 لار دین نزد سیم در واقع اول نیک کم ملازمت قتلای  
 و جبار و بیلماک سیم اوارد و در مود دور که خبر برد  
 لار با دوشه مجاز ملازمتی دین نه حاصل بولونوب  
 دورای سیمان اشکانه قاتل کران دولت انکیزی  
 بولعای اول الشیک ابولونولوت ایرکاس نخت امینر  
 دیبایم بولونیت یا سیم و سی کابر حاله سید ابولوست نیم  
 بودینه دون و عالم و لجه کون الید انسر کور و مادی

سین

۷۰۹



محل ساعت قرا تیر فخر لار نه جو لادی بویردیم اولون  
تاریخ میل لکتر لار و منکا بولادی ن فلاص لیس بر نکتر لار  
طرفه العین بحیه انداغ عارت ایلادی لار کیم کفنه لور  
دین و جه نماز دین بولک سحر سره قالمادی و بولواق  
دین بادتاه خضر تیر ایریه ندم لار دین بر نیا بر دین  
هممان نه کلتور نیل ندیم باریب بولجال بر که کور و سیر  
ایدی باریل که ما بعد نیک بادت نیک بر له سحر علام قالم  
والفیل منی اوز جا سینه قومیهون و ندیم کلایب ایریه با  
شانه بر ایچ ایردی و انکاهم اوسوبوز نه وید خضر  
الام بادتاه اوز کس سید ایریه کور دیم بزرگوار خاوار  
حال واقع بولوب دور و بولاک عالم داد و راود کا بر دین  
بوز لاید و ر بادت خیل نته ایردی ایدی ای باران  
بداق تو فکیم بولکشر نه اوز جالینه قوبالیک تا فدا ای قضا  
نیک رکاید کنه کار بولمالنک اول ایردیم بادتاه اندین  
حقیق و زاویسی کا باردی و بادتاه خضر کیم سید بولادی

اوزیکا ایس غافل ناکه و فاسطنت کا و بقیه منزه لکا  
فریفته و مغرور سپن و کوسپین بن جو جانک قمر بن بر  
تثوب سپن مناسبت ل دور که جالا اوسوبو بادتاه لقیق  
بارجه غره کا قادر سپن کراک کیم خست بادت لقیق قول غ  
کلیتور کای سپن اول زمان سحر نیک بادت ایردین اکاه بولایم  
نه واقع بولوب دور **الفقه بن کور** بر مفته جال بر له ایردی  
نه اوز کا دین خضر دار بولادی و بر مفته دین سونکر اوزی  
تکلیف ایریه کور دیم براوی ده بر کفنه لور یا و بر جه نماز دین  
بولاک سحر نه قالمای و بر نیل سجده کا فوید و ایدی بولادی  
نیم این همه خیز لویک نه کور و ندیم البی رلار امید دور که  
بولوبت به تعلیق و خلل انش فیست انوم دور و ب حقیقانه  
ولعائ نیک عبادتینه اولنوع قیا کور کوز دیر لار کیم بکره  
بیش یل نه کچه ارام آلدی و نه کوندوز سایش کوردی  
ولیکن بولمدت دادر ویش لیک واقع لار دین سحر غره  
معلوم بولادی با وجود او که مسایخ لار استی و رلار



بر کیم مرتق کون بار بار یافت تارک انکا کشف متوجه حاصل  
 بولور اما بزرگوار غه او شو مرتبه هم سبب لای کیم در ویش  
 لیت مرتبه مقامات لاری نینک افکند و غه سه دور بر کچر فلو  
 اچسه کردی خدای تعالی غه بسیار ناله و زاری مستبدیم  
 خداوند ابراهیم سوز برده منی اشفته و حیران فکند نیک سیر کرد  
 ایلا دینک مندا بگوک تقصیر تجریم منقض اشک منکا بالکلیه بکلا  
 او شو سوز و ایر و کیم قولان غه اواز کیدلای سیمعان  
 یتره پیش سل خوان لار ار اید ایر و بکد و مام غذا دین  
 گوشت و پو بستونک هر بولای نه بکره پیش سل انینک کذا  
 شید بولاق کرکات اثری تمام زایل بولقا اولوقت  
 سبک و عده لار و در کیم حاصل بولغو سوز و چون بولغو  
 اشیتب خوشحال بولای بکره پیش سل مونینک برده تجر اندین  
 لین بر تچه فلو ت اچه ایر و کیم اون بر نشه کردی لار  
 اولوقت بزرگوار قیو تقطیم و تواضع فیکدی و اوی کو  
 اولور غوزدی و اوزی اشیک ایند ایر تو غه و زمانه

باش فی سالیب لوروی لار اندین کین در ویش لار دین  
 بر کیم همکا مقدم ایردی پیش کو تاروی و ایدی ای سیمعان پور  
 مای سین که سز لار نه کشود و میر و قایدن کیدو میر و نه این  
 فیکت و میر بزرگوار و اوقوب ییلاری غیر سز لار فیکت  
 نه مد بولغا که بولسا فلیق غه فیکتای و لین امیدوار و ورم  
 لطف غم برده بوفیت سز افراز فیکتای لار اول قستی ایدی  
 ای سیمعان و پسر اون بر تن بارجه میر سبک دوات ترو  
 میر بغیر سبک صاحبیک و در میر کیم حق جفتی نه و لقای خیرت  
**نوح علیه السلام و اولاد سیر** اوز تر متید اتو تاد و و سیر  
 فلق فیکت کونین بری نوح بنی علیه السلام تر متیدین  
 طار ایر مایس و در میر اما سبک فیکت بولغو فیکت و صواد  
 مانع لارین سبک نمودار بولاق دور بولکون جم سبک فیکت  
 تنینک فیکت اشکده سید اکوید و روب و صافی و پیش  
 فیکت نیک کب فکت جیست و بجاست بد غه دین یراق بولوا  
 تنینک پاک ایلا دینک آینه صفت کونکونک سق صفت برده

۲۳۱



رستم بولوب جهن مان بولدی ایرسم امر بولدی کم ای ذوات  
 اوز جیای تینک لایحه نمودار اولونک لار اوچودور کیم ایکنک  
 کیدونک اقف بولمیش که تانکلا چه یازا محمد شریف کیتو  
 لار دوش کونکونک شایع تو قیقل و هرین بولمیش کم اولار  
 بسیار سیاست لیک و لار و لیتن قدم لاری تبیکس فایده لار  
 سبک حاصل بولغوسی دور زیر که اولار اولونو ایران لار  
 هر نه خواه لایه رتول بولادور دین بول بولدی لار بزرگوار  
 الحمد لله که مرعی غی این چه حرب بارالیک و انک متو بلرد کم  
 یکه بونته اول ایردکم نیم بولدی ایرسم بزرگوار سوره سن  
 ختم غن مشول بولوبون بر مرتبه فتم صلیه لار و ثواب نیشده  
 همکد بایشلادی زمانی اولتور و بایردیل کیم حاضر بولدی  
 و لطف برله ایدی لار کیم ای سجعان قور قیاین کم ذوات  
 معموده پندور و رین اولانک او سبوز لار بزرگوار  
 دین قور قونجه پست بولدی زمانه اولتور عانیین بونکرا  
 غن رتول کونک تارین کچه اوقیدی لار اوز کالاری این

دیدیلار بزرگوار کیم اوراق بولوب تور و باین دیدن این کین  
 اولار دین بر این ای سجعان دین خست و منزل مقامیک  
 معمود و معزین بولغای هم لاری این دین بزرگوار نینک  
 یوزیکام مستلایلان دین چتیب کتر لار ایرسم شول نیم بزرگوار  
 اولن بر مرتبه عرش شایع قول لارین بوردیل کیم اولتور  
 نینک نمایتی دور و بود دولت نیم حضرت شایع بولدی  
 ایرسم شول نیم پادشاه غن او شوق معمود بولدی  
 حضرت شایع نینک من ز میت لاری کاکیدک و نیم حضرت  
 شایع خوشحال اولتور و بول لار پادشاه انشیکدین کرایی  
 اسلام علیک یا باقی مال عرش شایع ایدیل علیک اسلام  
 پادشاه فرشتی هلدنک کم من بولچه عرش کاکتیب بوردیم  
 پادشاه ایدی ای سجعان سپن عرش برله ایرد نینک عرش  
 خشک برله ایردی اول حمت دین موند غن ویرمن شایع  
 قالیب اوز لاری برله اندیشه قالیب بیلار کویا در کاکتیب  
 عمل لغ و عمل سپر مکر کین دور اوز کیدکیم ای سجعان

۱۴۰



رحمت بسترید ایدار یون فلیقان قمر القلعه او بسترید  
 پنجو ابلیق فلیقان بدین بهرات دو چو کما شیخ مونی شنب  
 ربنا ظلمنا ویدیلار روزمانی با دوشاه برله صحبت توت لار  
 نانا فانی قوت بدیر سر بر سر تناول مستبد لار اولر زمان با د  
 شاه ایدای شیخ ایدای وقت بولدیم شیخ خلق مستبد  
 اولورغا بن و قد العنا بنده لارین دعوت فلیقای بن  
 شیخ ایدلارای با دوشاه به حضرت نجوک بولور و فقر که  
 ایشارت بولور توقف یون دور کول کچه واقعه دام معلوم  
 بولیم مرید الماق کراک لکن **حضرت شیخ خضر علیه السلام**  
 نیک فایده سبک موقوف تر و اول ایرودی کیم شیخ اون  
 دیک کون توقف مستبد لار تا اول وقت دا وعده معیار غی  
 تیر بر سر اول او چو پنج کون نیم جاشت ایردی که حضرت خوا  
 خضر علیه السلام حاضر بولدی لار و ایدلار ای سبکان  
 مرید الیب تربیت مستحق غایب است شیخ مانه یون  
 حضرت شیخ ایدلارای بزرگوار حضرت کا و فتح فایده

سبک موقوف دور حضرت خوا خضر علیه السلام فایده  
 او فوت حضرت بر دلا لار اولر زمان شیخ یون فلیقای لور دی  
 لار اول با دوشاه فرید بولدی بدین امر او وزیر لار بدین کین  
 او زکام شل یون مجموع پیش منیک کس سبکان و شیخ سمعانی  
 مرید بولدی لار و پیش یک سبکان و شیخ ایرودی لار و باره  
 دین پنج و نیک مرتبه سبک بولوب قوی کرامت لیس  
 بولدی و ولایتی و مالیتی زمانه اسم دین شیخ شایه  
 یون ایرودی و نامشروع ایش لار دین اثری ظاهر کین  
 ایرودی زیر که ولایت لورای برله تمام ولایت نه هر کون  
 روح مرتبه تیرنا عنیدات به دستور ایرودی هر کیم  
 بولیدین بر قدم تا تقاری قویله لکاتنبه مستبد لاری  
 و هر کیم با دوشاه شیخ فاشل ایرودی شیخ ایدلار  
 ای پادشاه مملکتک فیکار معشر عالمیه اسپر فلیقای که نه  
 دور پادشاه ایدلارای شیخ هر کیم بر نوبت سر فلیقای  
 و لایفه فلیقای هر شیخ ایدلار بوزمان هم یکبار نظر

اوقات برادران و غایب و غیره برادران و غایب و غیره



سلامت کراک اول ابرو که بادست و پاشین مراقبه کاسه  
 که در یک کفن و ابرو بر لب بر صاحب جمال خالون منقش و  
 کشتور و ب در لار بادست و بک میب آوردی یا غادی لا  
 دوم باره منع مستبدیل را اول پیش لار دین منع بولمادی  
 و دغس لار دین زیاد و راک میبیدی او جو پنج مرتبه هم  
 منع ایادی ممنوع بولمادی لار دغنی سخی لار دین زیاد  
 راک میبیدی حسن بدست و غصبت بولوب مکر بر لب هر اکیونه  
 کفن غه آوردی ابرو که بولوب کول بولدی لار اندین  
 تین او مال لاری غه کیبیدی لار شیخ ایدیلار بارک امین  
 در ویش لیک رفاهه پسید بولمقدار کار کر بولمق کرک  
 الحسمه اول مقدار بولوب پسین هم اوز کلایک نه  
 بودین تار نار پسین ایدیلار غیش که منکا و جتینیک  
 قالمای و راوز اشینک مشغول بولمیل و شکامه عظم  
 کابار غا حضرت لیل تا مشرف بولایین بادست و  
 ایدیلار شیخ نوک که هم هم قد موالبوم شیخ

ایدیلار انکسینک که میبکا قوتار پسین بادست و ایدی آسمان  
 زمین خدای تعالی غه هم منبده کاتالکا امانت قوتار هم و اول  
 و تیل قیور هم شیخ ایدیلاری بادست و بولوشونی کیشیستون  
 اما حق سبحانه و تعالی علم قدیم بر لب پسین بولمقدار پسین لا  
 اوز رافد رت بر لب ناله بر لب لاری کاسم لغدی قیلمه  
 او سبو مصلحت جتین دین بار غا منکدن تور غا نینک بهر  
 دور زیر که تبه ابروی دین اوزر کانه طواف قیلمه مامون  
 یوز میبکاوی دور که نینک تعمیر پسین لازم دور و جوب که  
 مؤمن لار نینک تونک تر و راکر بولور طواف قیلمه اندا با  
 غا نینک بن خوبرافد و رافد غه تبه فر کور ماک و اعینه بولوب  
 بار ماق حاجت ابر ماک و راک که پسین کور سالتا مین بادست  
 شیخ نینک موز لاری مقول نوشته ابر سایدی ای شیخ  
 نینک ایدیلار خواه لاغان فیلین لار شیخ امین و تیل  
 ایدیلار بادست و امین غه مشغول بولدی و شیخ فاجه کا  
 اندین بونکر ایدیلاری بادست و تبه طریکا متوجه بولمیل



حضرت شیخ قدس سره العزیز حکیم بریل بادشاه مستبد  
طرفینکامتوجه بولدی ابریه کی تاشی رسید خانه کعبه نشانی  
میتد شیخ نه ایدلاری بادشاه طواف متین حضرت شیخ  
نیک بولای برله بادشاه طواف غه مشغول بولدی اندین  
لین شیخ او میتد لاری ایم ای فانه یا فیصل اول ابریه فانه  
تعبه یزی بادشاه هور درای نر کو ارسین طواف نه  
ترک متینک او چون ابریه منکار ابریه لیک متینک  
حضرت شیخ ایدلاری بادشاه موند طواف نه ترک  
متینک نیک سببی ل ابریه منکافی وعده بولمغای  
وعد منکافی بیق دروین لاری خور برکاس دور وینه  
اولک خانه کعبه متینک موم و ابریه طواف متینک بولای  
چون بادشاه بولوب شیخ قد حضرت بردی و خنی جا  
بد و ابریه حضرت شیخ قدس سره العزیز او تو زن  
دروین برله کعبه زیارت مقصد اید متوجه بولوب منکافی  
لار نه قطع متینک پس بولده قالدیل رزیر که هر سده

اوتی دو یتمند لاری دین بار ابریه لاری حضرت شیخ  
نیک ملازمت لاری لایب ارادت دولتی کامت  
بولور ابریه لاری جابر شیخ قد هر سده و خنی وقت لاری  
سلوک لوبین متینک متینک لازم بولدی **الفصل ششم**  
حضرت ملک کابیتی لاری متینک شیخ قد معلوم بولیکم سببی  
توقف متینک کراک اندین کین طواف غه مشغول بولای  
لازم دو حضرت شیخ قد بوشارت دین حیرت دست  
بردی نیم سببی بولیکم تا ضرباتی اینهم تا ضربت بولای  
بولدی پس ابریه ابریه موند ابریه تا ضربت بولور او سببی  
اندیشه ابریه ابریه ضربت لاری ای سببی سببی بولیکم  
نیک نشانی کین تا ضربت نیک او چون سببی نیک  
هم پس کون کین توشی شیخ ایدلاری کین دانا  
سببی پس موم که متینک متینک شینک تا ضربت متینک بولای  
دوم باره او ادا کسید ای سببی سببی کم سببی دانا  
بیق درته پس انینک او چون کرامت متینک لاری

۱۴۰



ولین الدنکد اکین بونای در واقع بکین هم ابروی نه  
 بولدیم پیش کون کوک لوبنر کو رماونیک حصیانه ولتا مانیک  
 حاصل لار دین بنده فاضی بولدین پیش کون کوک بران ابرو  
 ضربتا بتی کیم خدی لغا اولیا لار دین بروا استغفین  
 لمتوروب دور ویشتاب برله سلاز منیک بولورودی ویش  
 عاخر تا پادی راوت دین خشم یاندی بولوشون اول  
 پیش کون منیک ملکافا تیدور که تار مار سین **حضرت شیخ مدینه**  
**الغزیز کریم بولوب عذر تخطیر مستبده و مستبول**  
 بولدیم کیم ترجمانتر بیکیک فاضیک یانغان و مت ده اول  
 عزیز تر و قمر غنی یابین تخر لونا است رت بولدیم پیش  
 بی کیم ای سمعان ایددی طواف غنه مانع یوف دور اول  
 ابرودی که سخی او تو زتن درویش برله طواف غنه مستبول  
 بولدی لار الله شوط لغیر الله در و آتیب ابرو لاریم قول  
 لاری غنه اواز کیلیدی که ای سمعان بهور مانیک اول دو  
 لمتند قاید ادور سخی طواف دین تو فتاب بولور منیک یقین

ملیدی اندین کین نه شوط کا قدم فوید سلا و طواف دین  
 فارغ بولغا ندین کین درویش لار دین بر سو رویم ای بزرگو  
 بتخر شوط و الو فف میقات نینک سیمین ابرودی سخی ابر  
 لار او سیمو مصلحت او چون ابرودی **الفقه** کون غری ملیدی  
 و تپچه بولدی ابریم حضرت شیخ تنها طواف غنه بارودی لار کو  
 دیلار که فانه مهار کفالتور او در طواف فاضی بیا کلتور  
 او سیمو طواف دایسینا نیتجه پاید لار کور دین لار طواف  
 انشا سیدا او از کیلیدی که ای سمعان طواف دایسینا  
 نینک سیمین ایدین بری او سیمو ابرویم طواف فاضی کیلتور  
 بولند ایدین کین **حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله**  
 روضه مطهر لاری مدینه طواف غنه حواله بولدی علی الصبابة  
 مدینه سفین اختیار ایلاب مدینه کایتی ابریم حضرت رسول  
 تعالین **صلی الله علیه و آله** روضه مطهر لاری طواف غنه نرف  
 بولدیلار و بریل اند ابرودی لار اندین بهونکر مایات  
 رخصت بیتی مول کونادر ویش لار دین بری فوت بولدی

۲۹



حضرت شیخ توقف ملتبط در رویش منزل مسکات بنو  
 و تا نکلا به اوان بولوب لبورایردی لار تا جلدک تیر لار اول  
 و تهمذ سه قتر غنه یتماک عده لارین اونسوب یریم کونوک  
 اولوب یردی لار حضرت شیخ قه اول واقع دین جز یردی  
 لاریم ای سمیع وعده کافلان مستحق درویش لار دین  
 خداوند تعالی در کاهیده بخوشت رواد و در عهد ملتک و بکوا یا نیک  
 موثیم یا نغان وقت داخلان سه قتر غنه یتابین چون شیخ  
 جزدار بولوب بنا ظلمنا و یب یابند لار اول سعادت تهمذ ملتک  
 هوای ایلای لته کوند تیر لار یر سه کور دیلار که پلایغ  
 بوز لوک کویان کوز لوک مرد ضعیف دور اول سعادت مند  
 شیخ غنه کور و تهمذ غنه ییلای باغ لاری غنه نفیسکه حضرت  
 شیخ هم یسلا بکناره الدلار پشیمیش بوزینت سیلا بولوب  
 یوق ملتک لار سول زمان ارادیتین مبتول ایل دیلار و دینه  
 ثونه صواه لادیلار که بالغای لار قولاق لاری غنه اواز  
 تهمذ که ای سمیع یا نغان غنه الدار حبشی ای لغال و و پین

مناجعت ملتک ایل اول یردیم شیخ قدس سره الغیر مزاج ای  
 لور و بولوب درویش کالیغه نیکور دیلار اندین کین قیر  
 بیت کم ای سمعان اجدی حضرت در سول کونی یولغه  
 یوز لاندی لار و ایک قی نلوک یول کسلب یردی لاریم  
 عالم قرا ننگه بولوب یول تیر یر سه یند ایک لک طعام و سه  
 سهر صندید بیابان و ایلردی حاجت اسحانه و لغال بر کون  
 تشنه و کربنه قویادی شیخ لاری و تهمذ مقام میل لار  
 نیم یادی مفیدین بغیر ای یول بولور کان لار فی رات  
 یول غنه پشیمیش خجالت غنه تکره کمره و سه کردان ایلار  
 اواز کیلدیم ای سمیع غلکین بولیمیش کم بولکره بیوا ایلار  
 دور بلکه عین هدایت و کمال عنایت دور یند ایک قیون  
 صبر تحمل متکفل شیخ بولور غنه اشتیاق خوشحال بولیدیلار و کب  
 لارین تیر راک سور دیلار درویش لار غنه ایلار ای لار  
 غناک بولیمیش لاریم عنایت ایلر سعادت سه مدی  
 او شومکره یوق دابول سه کراک نیراکه اولیا لار سه بیت

۲۲۲



حکمت یول یولورمالار کمر حکمت خداوندی مونینک اولونکم  
 انیمه بیایان داسر لردان بولدوت **الکیر تو ندین**  
 لنین کوه لبان و حقیقت لار و قطب زینک ارواح مطهر و  
 و معطر لارین طواف و ریاضت مستید لار قطب لار و صهام  
 الله علیه و آله جمعین ارواح لازمی هم حاضر بولوب **حضرت شیخ**  
 باشلیغان بارجه درویش و لنواز لیت قتید لار و شیخ بولوت  
 دین بسخیر حال بولوب درویش مخ مزده تکوردی لار لری  
 سنین تا بهشت شوق بولدی لار اولون کون اندا  
 توختادیلار بولوتوزن درویش او شوب اولون کون  
 قطب لار ارواح لاری دین تربیت تا بهب بسیار نتیجه  
 لار و پیغمبار فایده لار کوردیلار **حضرت مقدس باب الیقین**  
**ویران بقیقین سبطان اوسین قرین و قدس**  
 طواف قتید لار اول حضرت حضرت ایشات لاری برله  
 شام نه کلمتور دیلار و اکیس سیل شام دالولدی لار اندین  
 لنین اوز شمشیر لاری کایوز لاندیلار و شمشیر مستقیم

لاری غم حقیقت لار و باد سناه تیخ و وفات قتیب برودی حضرت  
 شیخ اول دستاه نینک منرار عشق بارین یارت قتید لار اندین  
 لنین حالقاه لار لینه بارین لغات حسن لارین حالقاه و اناپی  
 و ارادت قولین لیت اولون سیل شیخ لیت قتید لار برکون اولوت  
 روب بر دیلار نیم درویش عالم ولایت و اولایت نوری بر  
 نور دیلار نیم بر نامشروع ایشیق قیام نور کوزوب و رسولان  
 برور ویش نه ایبار و لار نیم منان نه جلال کیکیل درویش  
 بارین بنداب وری برکده کلمتور دی ابر سیل شیخ ایدلار  
 ای بدبخت با سعادت مدای عالم دین و نور قیامی سبب  
 و رسول اکرم روح لار دین شام تو قیامی سبب شیخ  
 باطن دین جنیل و شمس بولمای سبب درویش را سبب  
 حیات دین اندیشه ایلای سبب **شیخ بود واقع نه**  
 پلکان پلهای سبب و درویش و زنی غم مکر بولوب نیم  
 یاد مستلایکم واقع که بولواقع مندین وقوع غم کلمه  
 شیخ غضبناک بولوب دیلاری با سعادت بولون

۱۲۶



له الكارنك تا لکلا فایت کوننه باید هفت سوره و بیست  
 غضب له بیست سوره لاری اول بی سعادت مول عیت  
 غضب هم و خدای قدر من مانع بر له تا نین له چون در ویش  
 لاری بود و افق کور و ب ترسان و هرات بود لاری اول  
 لون دین کین شیخ خلوت و او لیتور و رابر دین لاری **حضر**  
**حضر علیه السلام** تالیف لیتور دی لاری و ایدل لاری شیخ  
 مزده سنکا کیم قطب لیت مرتبه پن مسم ای لاری لاری مینا بود  
 شیخ ایدل لاری خدا نیک مغیر من صغیف بخون بود و لاری  
 لاری و سنه دارد و حضرت خضر علیه السلام ایدل لاری  
 بسمان اگر لاری و مسجون بود لاری بانی قطب مسم لاری  
 اول ایدل قطب لیت لاری پن هم اقطاب و اولیا لاری  
 کیتور دین لاری شیخ قدید و رابر فاحه اوقوب قطب لیت  
 مینا انصب سید لاری و تیش کون قطب ایدل لاری  
 و قطب لیت زمانه تیش شریا تربیت مستبد لاری  
 و مقصودی خیتور دین لاری کون تیش مرتبه قول لاری

عش سانه خیتور دی لاری بلیاک کراکت **حضر**  
**حضر علیه السلام** دین تربیت تابتی لاری و نون بر علیه  
 اسلام نیک طهری و ایدل دی لاری اما معلوم بود لاری بزرگوار  
 تقبل لاری تو زین عمر کور دین لاری و نون بلیت و فای تابتی  
 و در جیبی و اجمده کون خلوت لاری اجمده اولتور و بلی  
 لاری دوش لاری دین بر لاری شیک دین اگر لاری  
 ای لاری قاید ایدل دین رویش لاری تا سقا لاری و بر بر  
 در ویش لاری و در ویش لاری و در ویش لاری  
 شیخ ایدل لاری که نه کس و در ویش لاری و در ویش لاری  
 اما زمانه توقف مینای و در ویش لاری و در ویش لاری  
 اهانه بر دی اما اندک توقف بود و در ویش لاری و در ویش لاری  
 قوبو عین سید لاری و در ویش لاری و در ویش لاری  
 لاری اول وقت خیتور دین لاری و در ویش لاری و در ویش لاری  
 حضرت شیخ حضرت لاری بر لاری و ایدل لاری  
 علیک ای لاری و در ویش لاری و در ویش لاری

۲۲۸



اسلام یا ملک الموت رب العالمین کیلکین کیم انتظر ریع  
توزی لولد ایردی دیستیم شین برکات قودی می  
لغایه جان بردی لار اول کونه حضرت شیخه تفراق عن  
تاجور کادیلار زیراکه تسلایوت کرده کرده او سخوان  
لارین طوان میلور ایردی لار تا نکلایه علم الصباغ پیل  
میلد وروب جازه کابلیدلار و نماز لارین او تا میاید  
تا بوت لارین تمنا و تبرکات نوبت بر که کوتاردی لار و منزل  
لار یکتا تیکور و بلفق لاری غه تاجور دیلار حضرت  
شیخ طه دا تو پوپ و لتور و پیلار خود با صد مهم سبط  
الکریم قیامنا بنشر شکم لوجر الی انما الکلمه و اجهنا  
کان یرجو القار به فیصل عمل صالحی و لایسک عباده  
ربه اهدا **اللهم** کین قبله غه با قیاب رخ لار کجه یانه لاری  
دغن متیلد لار غیر العیسای خجده **اللهم** اعلی  
موندین اوز کایر ماس کیم من سپر لار نیکیلیغ ادا و ویر  
و صر فیکور منکاکیم پروردگار نیکیلار معبود یکانه و نور

برکیم امید تو تا دور خان بولم پروردگاری ملاقات نه  
عمل صالح فیکمای و پروردگار علیت اید اهج بر افغ شریک  
فیکمای نیکیلیغ دار یا ایا مکی و ربان شریک خفروب  
دور لار وفات لار دین کین بر کمره تو شیلد کور و  
ایریم پروردگار ای شیخ هذای لغایه کانه فیکد خجده  
شیخ لغایه بلید استیم متیلد لار و اهدا **اللهم** بالصلو اب  
**اولوز بر پنجیل پدنی زمین و زمین و زمین و زمین**  
در کاهی غه قرین و سیاکن خلد برین و را هر طریق لقین  
و مفرج دلنای قرین یعنی حضرت مولانا جمال الدین رقه  
الله علیه احوال لاری ذکر لایکیم کدک منسوب یر دیلار  
کاشغر ملکیت منک تیه یوز مقام معروف و مشهور نیک است  
و مبتدی و ورنه نذا با کن و متوطن ایر دیلار **اللهم** علی  
و سلم بالمن داو شمند و فرا بیت لیک علم حکمت و علم سیا  
و اجم به قوی بر کمال کبات لیک ایر دیلار او سببو  
جهت دین بادشاه لار نظر لاری اقدر تمام و مرتبه مالاکلام



حمت بیجا و اختیار به شمار لاری مایه ابردی اما حضرت  
 بزرگوار مویینک دین که بزرگان بادشاه وقت اول ذبت  
 شریف نینک عیله حاضر بولاق لاری غه خوانان اندر  
 بادشاه هر توفی بزرگوار ملازمت لاری بکافرت سیر برده  
 روان و بزرگوار شوق محبت چرخ او پند اسوزان  
 و کچه کوندوز کریم و نالانان و بر کچه خند اقامه بسیار  
 ناله زار مستیدی لار اوز لاری کا اید لاری جمال الدین  
 اوز و نکانه عجب و شکر لار به اقلید و سپن کم هیچ و به  
 برده اولار دین ضلالت یوق کری اوز کر منک برده  
 سیر بولاق لار دین ضلالت یوق کری و بولاق سیر مجتبی اولار  
 کونکلیدن کونکرسی علمت کم شکا عطا قلیس سپن اولار  
 یاد قلوغ سیر و در کاهنک دین پراق بولاق علق  
 و جبر و در کونکلو صفر سیدین جو قلیغ تارینک  
 و یک دی و یک ل بولایین و فذ تشک استقامت بولاق  
 مناجات اثنا سید اقولاق لار غه اواز کیلد کم ای

بروردگار

جمال الدین بکلیل که سنک بولاق غه عطا ایلماک انینک اوجون  
 ایرکسین و در که درگاه ایدر و بارگاه صمدتین بر علق سپن  
 بولاقایم بلکه یاد غلوغ جمدین اوجون دورا بولاق  
 ابدی و سعادت سمدی و قتی قرین و قیاس بولور که با  
 شاه مجازی قاتید ایا و قلوغ ایزد اسانک و سخن کداز  
 یوق قلیک عذای لقا نینک دین غه حاضر بار بنده  
 لاری حاجتین به حاضر و بولاق رواق قلیک لقتین  
 دور که مقصود غه تیار سپن بزرگ ایش لار کتار بنده  
 لاری ایش لاری کت ده قلیما علق و اودور بولاق سیر  
 انینک صلت در اجمیما سپن تا جمعیت بادشاه مجازی قلوغ  
 بپن ایزد اما کونجه نیم جمدین فرد مایه سلمان لار ایش  
 سنینک سبک غه موقوف تر و سپن سلمان لار ایش لاری  
 داسیر تمام کور کوز کیل که سلمان لار ایش لاری  
 کور کوزماک فتح کت ایش سیر و بولاق سنک معلوم  
 دور که بادشاه عصر طالع طبع دور و سپن محط انینک

۱۲۱



ملایم لیا و چون دور پهن بسینک بن براف بولمان  
 بدقت دور تا اول زمان که وقت بولورم و وقت و سر فر  
 بپند کران بولایش بن غلین و اندوه نال بولمان کم  
 نش و لیا و چون دور پهن بولورم و وقت و سر فر  
 انیش لار ایر سه با تا فر سلطان متیس مل از متکا بار  
 لار و سلطان متیس حضرت بزرگوارنا برافین کورس  
 همان استقبال لار غش بولور دی و ایدی ای مولانا  
 ملر تو شنیکند و موغ بولور دی لار کم علی الصبار  
 لیلد نیکر بولور زمان غش بولور بولور نیکر کوزی  
 فرزند نیکر طلوعی برله بولور وقت و ابر لور بولمان  
 بزرگوار اید لار ر سعادت مشرفین بیره کولور  
 کاوش بولور بولور بولور بولور بولور بولور  
 سطر بر کم خور سید نیکر بر کونکل کا تا بیش لار  
 روشنای بولور بولور بولور بولور بولور بولور  
 چون سلطان فرزند تیز فم ایردی بزرگوار نیکر

مسیح الفاسق لیسیدین استلال فلیبیدی ای بزرگوار  
 منت لولورم دور پهن بولور بولور بولور بولور  
 لیا و چون دور پهن بولور بولور بولور بولور  
 متیس مل از متکا بار انیش لار ایر سه با تا فر  
 سلطان متیس مل از متکا بار انیش لار ایر سه با  
 تا فر سلطان متیس حضرت بزرگوارنا برافین کورس  
 همان استقبال لار غش بولور دی و ایدی ای مولانا  
 ملر تو شنیکند و موغ بولور دی لار کم علی الصبار  
 لیلد نیکر بولور زمان غش بولور بولور نیکر کوزی  
 فرزند نیکر طلوعی برله بولور وقت و ابر لور بولمان  
 بزرگوار اید لار ر سعادت مشرفین بیره کولور  
 کاوش بولور بولور بولور بولور بولور بولور  
 سطر بر کم خور سید نیکر بر کونکل کا تا بیش لار  
 روشنای بولور بولور بولور بولور بولور بولور  
 چون سلطان فرزند تیز فم ایردی بزرگوار نیکر



نینک همسزیر کو ارغنه تقویٰ منقیدی و بزرگوار خد متدا  
 او اسنر حیان او زلیخا الدیم نه چچ رابت اسایش و نه  
 تو ندوز قرار وارم امیش یوت ایردی و با و سام اند  
 اطاعت ایل و کم بزرگوار بر نه دیسه لار غنیت اختیار بر نه  
 قبول فیکور ایردی و بزرگوار سلمان لار اسین کون  
 لار کالیک صحت لارین بادشاه الیدار و ایتور ایردی  
 لار او سوبسبب بن جیهتخانه و لغا اول بزرگوار اسین لار  
 تو ندین کونکا تر قمر و لوت و مونینک بر نه فرق یل نهجی تم  
**حضرت بزرگوار کو دوز مستحق بر نه و کچ حق بر نه**  
 و بوم فرق یل همه استعدا و تمام مبد استیلار و با و  
 ست نه هم بوم مرتبه کاتیکور دیلار و بر کچ حقش و لغا  
 ناله قلیب دیلار کیم کرجا و سیماد و نینک بن سچ کسه  
 تو میدا یک ماس دور بوم بنده لار نینک باره سید او عده  
 و عیدیم ایل اسین غلاف بوم غوسه دور بوم بنده صغیف  
 جیهت اقلغان و عدتک بن فرق یل اوقه و عری هم افر

کیدی هنوز اول عده کا و فای لولای دور مکنک فریب بر نه  
 لار یوت ایردی لار نینک دین طاهر بولغای ایردی او سوب  
 انشاد (او از کلیلیم ای مجال الدین خدای تعالی نینک عکس  
 اضطراب بر نه میسم بوم غوسه دور و مقلقبس کم عطا و کرم  
 و قنیر یوت ترور و بوم فروده دن کین نه فرق کون ناصیر  
 نابتی فرق بر پنج لونی فاست کلان و قنیر و جانا ز او ذرا  
 اول نور و ایردی لار کیم نینک فروده سبب مجال الدین  
 بوش بر نه بولغیل خدای تعالی غه عامی بوم ایدور خان  
 بنده لار سبب سید بن بنده غامی و قنک خه نینک  
 کیتور اودور بزرگوار بوم نینک خه نینک بولک لار  
 فالحال طهارت تازه ایلا ب و دکانه برای یکانه ادا کور  
 تو زدی و سجده کامیش قویوب مافات مستیلار  
 و با سلا رین کونار دیلار ایردی کور دیلار کیم بر اقی بها  
 مرنه نفیس لباس بر نه جای نماز نینک و جید اول نور و  
 دور آیین غه قول کونار سبب حضرت بزرگوار اوردون



لاریدین مطرب برده قلوب مبارک یان لاریه  
 لقیلہ اوتان احوال لریں اما بلماریلار که نجو  
 اوج کون همسه ایریدیلار اول عزیزتر اسیمت  
 هورایا لادیلار بولونلارده تربیت کورد  
 ملک و ملکوت نینک جمیع سلا رین جزا بتی لار و کما  
 بیلدیلار که اول عزیزتر حضرت خضر علیه السلام الکایلا  
 عذر تقصیر لادیلار اندین هونکر حضرت خضر علیه السلام  
 فتح فاکه سبن حضرت بزرگوار نینک حق لاریدا  
 اقوب خضت بریدیلار و ایدیلاری جمال الدین الیدی  
 حق سخانه و لغا استیلا سب سبیا و ایتیا به سنی تمکینیل  
 و برادر لیک عیدیت قلیان کمره نه ضایع ایلان  
 و بوردنه اوزونک شعار ایلان قالی الله تبارک  
 و تعالی کنتم خیراته افرجت للناس هدی و رحمة للعالمین  
 سبحان ذی العرش العظیم حضرت سیدنا علیه السلام نینک  
 قوبراک لاری نینک کت و لقیلہ مونیک سن و و ربه

منی کوز تو لقیلہ و عیال لیدی لار ایریه شول سیامت  
 شاه مل از میتر کاکیلدی نور دیکم شیخ اوزکا عالم دادورلا  
 و بنه لاریدین ولایت نوری ملکور اودور و بولاک بورد  
 سوز لاید و رایدی ای بزرگوار برادر لیک عیدی حقیق  
 یق حقونی حرمین بجا کیلتور و مانک معیند اهد باغلایا  
 ایردیکه تنها بولغای سبن و منی بادیه به پایان دایغوز  
 حیران قویغای سبن من نه قیلای و نه برک بارای  
 ایدیلاری دین و این دابر ادریم تمکین بولما سنیلیم  
 لمره کیم منی مونکا تیلور وی سنی هم مونکا حواله مسکد  
 اول ایردیم شیخ قول تو تار بی فاکه او قوب پاشا سینه  
 سیکادم صلیلا رابره بادشاه بخود بولور و بخود لوقا  
 عالمیدا کوردیکم انک کیش کلسی سینه سبن یار و یار و کهدا  
 فراط لاریخ قام جبار دی لار و هورله بولک ملن غلایا  
 لمره لاریخ قلوب قلوب تیکتیلار و فاکه او قوب سینه  
 سیکادم صلیب سب بولدر لار چون بادشاه اوزی

۲۹۳



کیدی ابر بر حضرت شیخ ایدلارای حبیب سارک بولغای توحید  
 یک تضرع اینهمه مستجاب طعن مقامید ابوله و نکاید  
 ایدی اولار کور و راندین مومکن با اتفاق حق بیچاره  
 و لغای نیک عبادت و تقیه قیام نور کوز و دل را اون یل مومنینک بر  
 تخریم هیچ کرمه بوا یک عزیز نیک جالینده واقف کولاد  
 بر کونی کرمه نه با لغات کواه یقین بر له ظاهر است لیت داکنه  
 کار فلیک پادشاه قاضی حکم بر له اولتور و سلالر اولتور و لکانه  
 لمره نیک و ساقی لاری بزرگوار نیک لایقه کلینس یا ورس  
 یکتا یلارای بزرگوار بوا و لک و جلال لغات کواه لار کواه  
 لیت بر له بکانه اولتور و لدی کرم و عنایت لایس یا  
 غیر ختم تبت کت پادشاه دین داد و مینرنا ایلانک عذاب خدیش  
 بولسه کورک چون که پادشاه خادم ملازم لاری سوزین  
 او تا نالاید و ریزر کوار حراجه کاتبس سالدی و بیا ز  
 در کاهید مقتول جالین عرض قتیل لاری بر له اولتور  
 ای مجال دین واقع داولار و لکاندیک و ورامانیمه قلیقا

کم کخ هر شیفته افت و قتل و جلد بر روی که اولتور و سلالر  
 سنینک ملکیت او و ریم بار یستول نیک حجت او عاقبت  
 ترک دور تا تیر یلکای کواه لار حیدر خط تار لغای سبن تا  
 لکای لار چون بولدا نه شیب قیام یغلا و دلار و ایدلار  
 لریا تا بولودقت غم کور و حال منور سینه کور کور بولون نه  
 بولدیلم منراشکارا میور سین او از لیدیم مصلحت مومنینک  
 دور بولغایم حسن لیت با لغات کواه لیت قدس کوفضای  
 اول ایردیم بزرگوار بچاره لکدین بار و لار کور و لار  
 بخرش صورت لک کرمه شکر سوک یا دور پادشاه  
 ایدلارای حبیب بیکانه کور و سلب با لغات کواه لار  
 نینک کواه یقین بر له نه او چون اولتور ماک کور و لک  
 و بیکانه لغات پلما و نیک پادشاه ایدلای بزرگوار سیدیم  
 اما بخوک قتلی کطاهرش لیت دامون لازم کور لار  
 حضرت شیخ الطیف یوزین مقتول پادشاه بار و لار و قول  
 کور تریب عاصمیک لار اندین کین ایدلای بیده بکانه



ندای خرد به قدری برده بود فیصل اول بر دهم اولی براب  
 اوریندن قوتی وینه لاه لایف الدیل را بر لایف جوادیلار  
 برده و عاقلی خط تارسیل را بر سه بر ایکو کواه من الحال  
 بولدیلا چون خلوت بوجایان میده ملکیت تیغ قورقته  
 لاراندین بزرگوار فیصلی دین لیس بر سه بر مستبد لار  
 اما الفیاد و اطاعت قیاد لار و مرید بولما دلا بزرگوار  
 سیر بر سه بر لول غنه اندادیلار قبول قیاد بزرگوار  
 عزت لاری قیادی اسیرم نینک صیف لیقنه و حنای  
 نینک کونک قاتق لیقنه بر سه بر حنای و لعل لار نینک  
 در کاهد اسیران لونه اری قیاد بزرگوار  
 بچکم قدر نیکدین ایاس ورنه بولوریم اومن قوت و طامع  
 دولت لار کاه قدر نیکدین بلای ایبار سنانک اول بلاغه مبتلا  
 بولوب نیت نابود بولوب لار تا اولار نه لور کاهیم مهنوز  
 بجه دین بپس کومارما بزرگوار اولار کاهیم ای جمال  
 الدین اوز فکر نیک (بولغیلیم) تیل کاه نینک بزرگوار مینا

بولوب خواه لادیلاریم اویدن حقای لار مؤذنی همیت  
 ایردی اضطرار بپس لیدیکیم ای بزرگوار بولوسد اوز را سنانک  
 بلای نازل بولدی تیغ ایدلار بلای و لایق بولماست بر اقیانوس  
 زیرا که جلال شکا ضرر دیلاریم اوز فکر نینک فیصل و سبب و ریم  
 بولولایت دین حقیق استعدا دین قیادیم چیتب کت مینا  
 مؤذن لیفان شادی ایدلارای بزرگوار مینا خیال مندر و  
 مزاین هم اخیر لوبک برده بچون قیاد و قیاد بزرگوار  
 مؤذن نینک جالینف دیم لاری کیلدی ایدلارای مؤذن بچ  
 چهار پانک بر ایدی بپس و بزرگوار ایدلار غلاب اولی  
 بلا بار قاتق چهار پای لار غنه بولماست و قیادیم باریم  
 و رفت لار دین بلند و در حنای مینا بپار و مینا لار نینک  
 اول درخت ناهاموایل اب چهار پای لار نینک با غلاب مینا  
 قیاد ایددور که چند نیک خلایق بر کای دیتیل غنه بولور  
 مؤذن بزرگوار نینک بولور و خان لار غنه سفول بولوب  
 اول نجه ناصح غنه مینا دوی چون صبح بولدی ایرر سب

۲۹۷



الغزت حرمنا بر دل افتا بیست قیدین طلوع فیتدی کور دیکم  
شهر کدک قوم اسپندا اولنوع ناپدید بولوب دوریم  
نه شهر دین و نه خلق دین نه سخت و نه درخت نه نبات و نه  
حیوانات دین هیچ اثر قیلائی در بولون مؤذن بزرگوارا  
مد دلاری برله او شوبلای ناکمان دین جمع فرزند  
لاری برله تسلط لای بزرگوار شوال جفت کنگان لای  
الما تو دقت لای روستی بی دینه اولن کون اذایردیلا  
اندین هو نکر مکه سفیرین حنیاء متبلد لای رعایت به علت  
برله بریل کین طواف غرق تو منق تا بتی لای صفا و حروده  
غایب بولدیلا در حال الغیب قوتو لای لای امانا عاظمه  
بر لوبت کدک کاکلیغ بیج لای لای مضمر کره لای ریم مؤذن  
نیت فرشته لای دین قالیب ایردیلا ریم حضرت بزرگوار عا  
لایت کتیه وفات لاری برکه سدرت بر دیلا امانا اولار کمان  
مقام نیک پاسبان یردی بر کجه بر تو سبیل کور دیلا  
ایدی ای بزرگوار سپهکانه هم بر این زمین ترکیدن

یا اولو ک **حضرت شیخ** جمال الدین کدک ایدیلار اولو ک کسین  
قتور دین سنا عین اول بر دیم گوشه حکم بر کس کدک موضع  
معین دایر کوارنیک امری لاری برله متبر بخلادی لای اودهم  
**اولوز بیکشما بپادشاه اسلام الغیب و سبنا الغیب**  
و غفار الذنوب کشف اهلوت بیک خاص بنده ای احوال ذکر  
حضرت خواجہ فقیه یوب قدس سره الغیر دور لای مردی  
ایردیلار اولنوع دامنند کیم اوز عصر دایم نکست علم باطن  
مانندی یوف ایردی کیم طافت شیه حواره لاری کافت  
صفت علمین بهره اول طریقه دایر دیکم هر کیم کافوی نظری  
توشیه شیر تمام بولور ایردی اما اصل ادبقات لای دین  
دایا اجدادی نیک معیت دستان حلقه دین ایردی حضرت  
بزرگوار کجیک لیک لای امانا لای دین تیم قالدیلار و امانا  
خدا مقرر بولدیکم نفقه والده و حب و روت لیکسک غنیمت  
تو تار ایردی و باوجود انا لاری نیک خدمتی بر نه جمله  
مختص قیور ایردی یاران جان و مونس و دو جبهه



وحققت سلوم دایک لاری بار ایردیکم ریاضت بر لایق  
 فیکو رایدیلا بر کونی سیک لاری حققت داعیه سید سفر و غنیمت  
 بن غنیمت دایرین خست رایل پ غنم مست لیلار و بزرگوار  
 هم او شبنو اندیشه دا اولیکانیک مست لیلار و تور و بوزی کا  
 ایدای فقیه الوب مصلحت مند و ریم او شبنو مجامعت بر لایق  
 علم حققت متیل سبنو یا والد نک فذ متیل بولاسپان موکر لایق  
 مقصدید سفر متیل نک فذای کرم و ریم دور سید دور که  
 علم کرامت متیل عالم بولونونک دور اما انانک فذ لایق  
 محرم قاننونک دور ارا انانک فذ لایق و لو غنیمت ایزد اب سفر  
 سبک ناک لایق مجامعت الید اجمیل و منفصل بولور سبک و بوزی  
 فذ سبک بر کاتیکو اما سبک او شبنو اندیشه فطری فذ سبک  
 ریم ای فقیه الوب ناک فذ هم غنم متیل سبک فذ کارد کار  
 مشقتین اوز لیک الوب حقت بر سبک امید و ر که سفر نک دنا  
 مبره تا سبک سبک لار کوار سبک اول ایردیکم اما سبک بر کاتیکو  
 باریب بروی و فز که کلیدی کوردیکم فز فز فز فز فز فز فز

دور سوردیکم ای فز فز سبکانه بولایم لایق سبکانه حال  
 و غنیمت کوردیلا بر کونی سیک لاری حققت داعیه سید سفر و غنیمت  
 ثور و فز فز فز فز فز فز فز فز فز فز فز فز فز فز فز فز  
 اما سبک لار بیدن جمیل حکم حکم سبک سبک سبک سبک سبک  
 بر لایق سبک لار بیدن جمیل حکم حکم سبک سبک سبک سبک  
 فز فز لایق اول غنیمت بوزی کوردیلا بر کونی سیک لاری  
 و فز فز فز فز فز فز فز فز فز فز فز فز فز فز فز فز  
 سبک بر کاتیکو اما سبک او شبنو اندیشه فطری فذ سبک  
 ریم ای فقیه الوب ناک فذ هم غنم متیل سبک فذ کارد کار  
 مشقتین اوز لیک الوب حقت بر سبک امید و ر که سفر نک دنا  
 مبره تا سبک سبک لار کوار سبک اول ایردیکم اما سبک بر کاتیکو  
 باریب بروی و فز که کلیدی کوردیکم فز فز فز فز فز فز فز



ملاص متعای اول تا اکیچانا اوچونچا سها تور توچ  
 علم اورکا نو جانک بعثت باشا دوشا جاکین کور سها  
 ایدی ای فرزند سهرق نیک و چون بامیت جونکو تا دوع  
 بیچس عاصیر لیم و قیحد و قوت رفتار دین قانعا پیدا  
 هذای لقا دین اوزکا مزاید رسم قانعا جان جانک  
 لعلای سها نیم مرم احس خوار لیم برله کجای و اوچون  
 نام تو پیدا قانعی و سک لار طمع سهرق لعلای نصیحتی قبول  
 ملکیت متجدد بولغیل و خشنود و قومنرا ایند ایل هذای  
 لقا جانک بر کوجی دورس ید که علم دریا سیدین قطره  
 ملقینک نه تا میرما یکم سه یک لار نیکد یک یوز منک کت لار  
 براغیر سوز و نک فخر و اعاصیر کلیم سها قانعی  
 وینه بلکس کیم علم لوصفا قدین مراد مقصود بریا عمل ملکا  
 علیق دور عمل برله بولغیل تا اولوغ بولور سها دیب  
 رحمت برما دی بزرگوار تو مید بولوب یاران لار  
 قالد وانا سهرق متین غنیمت توت و کوزا و تون

شرایردی بر توده او تون کیلتور و بلفف نه سها  
 معینت کافرج فیلور ایردی وینه برلفف نه کوزا وروب  
 یجه لار صحتی و لقا عیادیتدا بولور ایردی برای منک  
 برله کچتر کیم همیشه کویه زاری برله او تونوقدا اسیر  
 ایردی لار نیم بر کوزا جنکال نینک بر کوزا سید او تون  
 زار زار لیلای اوز فالیفه مذمت ایلای ریح لاروب  
 اهل دلدوز و سکر سوزا تار ایردی لار کیم بر طرفین  
 پیری روشن صغیری سها بولدی یا و ق کیلیت سها  
 مزنده حالنک بارونیکا یغلا سها بزرگوار ایدی  
 ای بابا نینک اوچون لیلای منک مجاحته برله رحمت  
 محضیل سها ایردوک محضیل اوچون کت لار و منکا  
 والد سها سها ملای بولدی او سها صحت دین اوز جانک  
 یغلا رحم که تا نکه باریمه شیک لاریم کیلیت علم و شش بر  
 ها هر بولور اول کوزا منک هالیم اول مجاحته نینک  
 الله ید اچوک بولور اول سها ایدی ای فقیه الوب بولوب



دین نمکین بولما عین صفتها و لغات برله بولغیل هر کون  
 او شوبونزل لک کبکلیل و هم هم حاضر بولوب و پنجا و سبیل است  
 مقصود و نک منی حاصل قیلای یغنا یب بولدیلا ریزر کوا  
 خوشحال بولوب شوق ناکاوی کالیکه علی الصباح قویله  
 بر جز کن بپایب بلبلان ائمزاج تالیفیه هم بقدم مانلیب  
 مقدر صلیقان منزل لک تیرد و طیفه او توینین لغتین نظر اوتو  
 ایردی حضرت بریزر کوارینه پسدا بولکد و در پس ایجا  
 اندین کین فاجده او قوب ریزر کوارنیک سپینه لاریلکا  
 دم قلیب یی لای تا نکلایه هم مونن قیلک **الف**  
**لقوزیل** او شوبو طریق برله طاهر و باطنی تربیت لک  
 ایرکیم علم طاهر ادا و لنوع بولدیکم اگر بر یوزی نیتک لک  
 پس حاضر بولوب بر مقدمه سپیکامتن بولور ایردی و علم طاهر  
 اول نیکلن بولدیکم اگر یی مکنون و اصادنه واقع  
 بولوب ریزر کوارنیک علم احاطه پسدین تا شقاری  
 لک کپس ایردی اطایل او لو پنجیلین داسفر صلیقان

یاران لار کیلدی لار و خواجه غنیه فرست بر سه ایدلار خوش  
 لک لار اتفاقا بحثینه کونن لک غنیه زار اسید بولوب مجاعت  
 یغنا لار ایریه خواجه ایدلار نیم تا نکلایه از جمعه اباران  
 لار غنیه ملاقات قیلایین اول ایردی هم تا نکلایه سجده جامع و  
 حاضر بولدی لار و بریزر لاری برله کجه قلیب صوالین  
 سوزا شیلار **حضرت خواجه** فرماست برله سپدیلا رکه بولوب  
 خواجه غنیه حقارت کوزی برله باق و دور لار اول وقت داقا  
 اول ایردیکم هر کیش فطرت سله قلیب منبر کا جفت و غطایه  
 حدیث معربین تفسیر بیان قیلور ایردیلا ر تا حشمت  
 بولور ایردیلا رکه بولکشف فطرت پسدا قلیب روح عالم فاضل  
 بولوب دور او شوبونین داحضرت **خواجه حضرت علی**  
 حاضر بولوب ایدلارای منزه لودکان سپن کم اول کسک  
 اول قرتکده افتایه لار بولکون اول کون ترور کم منباز را  
 جفت و غطایه تقای سپن اولار غنیه لوبت قویما غنی سپن  
 امامزاده دیم سپن هم شونن دکای سپن ینه بختنه

معه





اولا رفته قولنای سپن خوابه ایدیل رای بزرگوار بویرد  
 غایتک میلایین اول ایردیکم حضرت خوابه فیه الوب مرے  
 لاری حضرت خضر علیه السلام نینک حضرت ایت رت لاری  
 برله عاز محمد دین کین منبر کا حقیقت بی نیری برله اولتو  
 لاری لاری حضرت خضر علیه السلام هم منبردا اولتوردی  
 لاری ریر خوابه وعظ کا لوردی لاری لفظ لیم حضرت خضر  
 علیه السلام نینک سج استغفر لای دین جاری بولدی  
 بعینه بزرگوار نینک ملیدین جاری بولدی اول کون حضار  
 مجلس تمام بعین زاری دا ایردی لار خضم لار کم خوابه غم حق  
 نظری برله باقی ایردی هم حیران قالد لار بزرگوار و  
 اداسیدین چونکرا اوسبو مجلس اکی حاضر لار نینک حقیقت  
 فاتحه اومید لار و یاران لار غم عذر مقامید ابولویلا  
 ای یاران معذور تو قات کر اک کم اگر چه بو حقیقت  
 بولون کسب فلیق قیامت غم یاران یوق ایردی  
 اما لایم کور و ندکم روشنا صغیر نینک لار شک کمان غم



توسمکای و منی جابلخ نسبت ملکیت کار بولمغای بزر  
 لار و بلیکن لار نیم حوت سجانه و لغا نینک کر معام دور  
 و غربت وطن بکین دور خوابه نینک بوز لاری اوسبو  
 جماعت کابسه تا غیر مستی ایریه اولوز تن صدقنا  
 و سبلمنا دیب سا کرد لبق خطیان بریبا رجه شاد  
 بولدی لار و همیشه بزرگوار نینک خذمت ایردی لار اکی سیل  
 مونیک برله کچتر نیم لوجاعت کا درس ایتی لار اندین  
 لاین انا لاری عالم دین کت و بزرگوار قطع تعلقات بلا  
 نوشته ختیار میت لیدلار و ریاضت مجاهد و شعار ایل  
 قانعان کدورت بشما و ملومات نفستادین صاف  
 بولدی لار هر کونه برلویت **حضرت خضر علیه السلام** برله صحبت  
 توت لارینه اکی سیل موداع کچتر ایریه بزرگوار دین  
 طهور غم ظهور غم کیددی اول ایردیکم منایت سهر کارون  
 و طمان طرمیندن کیدل لار التون کموش و زکا اموال  
 لاری هم بکشم بار ایردی وریا بلیکا توشیتلار و ایکی

۷۱۰۲







کشتی و اندیکم ای خوابه قرا کو تکو و یک سو بختید می  
ایک کنت نیک جی شیمی سر و شود و در اول ایردیم  
کار و اینلار مال لارین تمام جقار و دیکلار اندین سو نکرا  
خوابه بلند او از برله ایدیلارای دریا آق و قانلیدین  
جنا و زیمه اول ایردیم هو فرغانه تو لوپ روان بوله  
و او ز قانلیدین جنا و زیمه دی تا اوج کون بر منوال  
اقرار ایردی بواج کونده هوجم بولوب تا میله بی  
تا قیام قیامت عجمه نول منوال دابو لغوسه دور و کار  
و اینلار کونلک قینانندین سو نکرا سفیلیک لارین  
جمع مستبدلار و وقت قیقان لارین حضرت خوابه نیک  
الدید حاضر ایادی لار حضرت خوابه بابه نقدینه  
بعضی لار غرضه نفقه قیقانین سابقا ویناریم  
تا ضای غرضه بولید لار باریلای نده صرف  
قیقانی اول ایردیم تو قوز لندنه اتادی لار بر نکر  
حیات یوت لارید ایتیکار سیله بولیدیلار او ز کالکر

لارن کیدیا ایردی لار نیم ایت رت بولد و بشارت  
بی ای فیه یوب و تکان اولیا لار و سطور لاری بول  
سپن مکه معظه طوافینه مابق کرک اول ایردیم خوابه  
مکه طواف غرضه خرمین قیقان لار تا بشهد مجاز غرضه بی لا  
الفا قان **مجاز غرضه ملاقات بولیدیلار** بولایک سربز  
صحبت لوت لار ایردیلار لارید ابرادر لیک عهد می واقع  
بولدی اندین کین خوابه ایدیلارای دن دار برادریم  
سپندین امیدم او شیودور که عروم خشم دا حاضر  
بولوب لیلکای سپن نیم منکا او ز لایتمده غرضه عجمه  
نقدینه لار بار دور و تو قوز لندنه قیقان ایردیم برین  
او ز کالکاتو قیقان تا بایدیم اول قیقان لارنی لکر لار کافر  
قیقان لاید و بولومقدار سیلور منکا که تو قیقان تا با غوم  
دور سبک حواله مسیله تا لرم عنایت ایلای و شبنو  
نه ریمند ایلای کردیمدن سابقا قیقانی سپن  
چون که برادر لیک عهد در میان دور کیم حقیقین بجا



۱۴۷۷ ۷۱۰۲  
تلیتور بک عند الله ما جور بولس کراک حضرت شیخ  
خواجہ نیک بختین قبول مستند و او شیوخ دست ناکردنجا  
الهی و ایدی ای خواجہ الرضای العالم التوفیق بر سر  
بجاکلیتور کوم دور اول وقت خواجہ آرام دل و جمع خاطر  
بر له حج کابریب حج او تاویل رو تو فوزانی حضرت مک  
تور و بیب و زولایت لاری کاکیدی کیدی لاری  
دینه پیش ای حیات ایر دل لاری کون صلت مرده  
پتے ایر لنگر او زرا جفت بلب او از بر له مختصر دل لاری  
شیخ وقت سفر و سفر متعلق کراک اول ایر دیلم غزل  
و تبه کون فرانس او زایانه دیاران لاری جمع بولوب  
ایدیلاری بزرگوار ثمان فیکور منیر که حضرت تنک عالم دین  
وجود ختین کونار و سبب و قشک سببنا قدس  
قفه بن بر داز کور کوز به و تنفر فاکلفرا عند است  
الیه رویش لاری صحت بین کیم کا حواله فلیفونک دور  
قریه نه سیکاقویفونک دور خواجہ ایدیلاری دیش

لاری نسیم یا نیکین لاری صحت نیکین لاری اول کثرت سید  
فلیفونک دور او شیوخ صورت و نشانه بر له قشچ کون سید  
بولفوسر دور و صلیف سول تر دور و علامه اول دور که  
سول کون منرار بیخه یک جفت جالو نیکوس دور و سبب لاری  
بولغوز لاری قزان غلایه ت یا قونیکین دور افاق  
ماغوسر دور اول کثرت جالو بولوب اش داند قزان ت  
جکت بر دور من لاری قزان قاینا مش یا قیت من ماندا  
بولونیکین لاری شکل اش لاری صحت جالو دین یا وریک  
ایر داب تیر و حیدین هم استعانت تیر نیکین لاری دین  
جی العالمه جان سبب اش مستی وفات لاری دین  
لین بر و توشید کوردی سور و یک ای خواجہ خدا  
عالم سبب کانه مستی ایدیلاری دوش اولک  
بزرگوار لاری قزان مستی و الله اعلم بالحق  
این تور تو بخش منسلی کراکیم حضرت خواجہ نیک  
و قالای دین قرت کون اولوب ایردی دیل ناری



و قوع غه کیدی بو غوزلاب قزان غه سالدیلار  
یا قزلار ایر بر اولاغ اولون کویک لیکن قزان  
هر کیز خوش فله کلامی حیران و منتظر اولتور و بیری دیا  
بریت لکین لیک اورک سنج لیک سسده ابو لوب بی  
و دروش لار کاهل مکیب غه آدی مال لارین بکوا  
**حضرت** خواجه نیک فات لاریدن تحقیق ایرادی اول  
وقت دروش لار بیلدیلار کیم خواجه اتقان کنه اوسیدو  
بارجه لاری قو لوب غذر تقییر قویدیلار و ایدی ای بزرگوار  
خواجه منیر و صیر و شیویر دیم قرقیم قون بولون غه کنه  
به ابلو غوسیدور دعا سه برله قزان قاینا بروس  
لار ایر اول غر نرالده ای انا غه تیکویدور و غیب  
خزینه لاری اسکا نیک احقویر نیک کره کت ایلک لوج  
تراک نذر قیلغان لیکرم نیک غار تهرله معور لوب غوس  
دور کان غالب لکه اول غه حضرت نیک بولغای حضرت  
سنج ایدیلار برات ایاس غه در ایدیلار ای بزرگوار و الحال

و عا قبل نیک قزان قاینا ب طعم شفقای به افرو مجاور  
و دروش لار طعم بولغای اول ایر دیم حضرت سنج قول  
تو تاریب عامست لیلار اندین کین مبارک قول لارین  
اشش دان غه تیکور و ب دوت غه حرکت بر دیلار ایر فیه الحال  
قزان قاینا ب طعم شش دروش لار لقمه یه بولدی مفعی  
و دروش لار رسول خلیس خواه لادیلار که ارادت مستول  
فلک لار **حضرت سنج** دیم محمل قبل نیک لار کیم بود دروش  
حجاز ملکیدن باریب کسب اندک سوده بولغای اندین  
سیونکرا هر نه بویرو ب نیک لار قبول مکیف و دروش لارین  
سنج نیک غرض لاری اول ایاس ایر دیم دروش لارین  
مبول میغان غایلار بلکه مقصود لاری اول ایر دیم حضرت خوا  
ملقات مکیب لغاف برله ایش قیلغای لار چون نجه  
بولدی ایر سه **حضرت سنج** دیم سهره الغریر حضرت خوا  
نیک نزار لاری غه کردی لار حوازه اول نجه تیکور منا  
ناسه صوت لاری و اظا هر بولدی لار سنج ایدیلار ای

۲۵۶



برادر بولوغ برله سینه نیم قبول تو تار حجاز ملکین  
 تهنی تا شهر او چون کلام و نکور منجریک مایس و درم تهنی  
 بولیم هم حجاز ملک و انش کانه بار دور و درم ویدار منکر  
 مشتاق دور و درم اول نه قبول و نه برله حسن هشت بی تا نکلا  
 نهجه نیه ملازمت کا بار ویدار ریر به لئون منکوز لوک  
 قوجا ر صورتی اعا ضر بولیدلار **حضرت شیخ نیه امیر لاری**  
 برادر درم قوجا ر باز ایکی دور و درم و بولوغ و فیت غنم معلوم  
 دو پر که حضرت نیک است نهجه قدرت ولایت و قوت کرامت  
 بار دور که خواه لا پانک هر صورت ابو لاس بن موند  
 کرامت نه و الفینک منکر کمره کا کویا ک کراک موزین  
 زیاده عجب ان غنم طایفه لوقه تور **الفصل اول** کچه موثیک برله  
 حقیقت او جو نهجه نیه بار دی لاری به صورت لاری  
 برله ظاهر بولوب ملاقات مستبد لاری و بر لاری  
 سوار لاری اندین کین حضرت خواجه ایدیلاری زکوا  
 خوش کیله نیکس و صفا کیلور و و نیکس کم سهر نیک

دور ویدار لاری خدمت کار نیکس و تو قوز لنت نیک سببا  
 لاری خزینه به جوقه سهر قوز لنت و دور ویدار غزل  
 نه لاری سبب غایب بولیدلار **حضرت شیخ** قدس سره  
 الفریض علی الصبا و دور ویدار لاری لیب اوت لاری  
 قبول میل لاری و واقع دین ضر بر دی لاری کا و لاری  
 و قاز ناق الایان کوتاریب خزینه به عه بار ویدار اول  
 دیار نیک جانین حاضر لاری خزینه الشکین حبس لاری  
 ایر به لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 ظاهر بولیدی حضرت شیخ کد حاکم طعیل فلیب ایدیلاری  
 ای عبد الله بولوشیا لاری نیک سهر کا لقیق بار دور  
 هم عالم ولایت سهر زیر اک بولوغ اموال اشیا  
 اولوک و ایکی سهر مال بر علمید و دور ویدار لاری  
 تر و عبد الله بیک ایدی **ای شیخ** منک مونک کچه کوچا  
 ثومادی نه او چون و فل قیلایین رخ مباله تمام برله  
 بر مرصع زرد ویدار دین اوز کانر مبول قیادی

۲۸



وایدی ای شیخ فیتنه موندین زما ده الحاق حد باران  
یوت دور و موغیم عزیز لار خاطری او چون مقبول  
مقدیم اول ایردیم شیخ بو اموال غایتی انا خان لشکر  
کافریه ای باب عمارت ملید لار و وظیفه لار تعین ایل دیل  
و بویکلیک کرامت کیم شیخ دین کوردیلار همه درویش لار  
و سیه لوش لار غلبه شیخ نینک خدمت لار ایدر بولدی لار شیخ  
دین تربیت تاپتی لار و اوز کاشلایوت ایم اول عصر  
بادشاه و حاجیم لار ظلمیدن قاجیب شیخ قدر نیرمت لار  
آشاندان بولدییم تولاراق حشوق شیخ قدر یوز کیکو  
دی لار او سبب بابت بادشاه لار **حضرت شیخ** با شمعین ایم  
درویش لار کانا فخر موقوف بهدا غلبه دو ستم عداوت نیش  
و معارنه مقررین بولدی لار و دولوان لبق کلف لار ایدین  
اولنوع حربه یقور دیلار ایم هر شمشیر قاسم  
برطانی غایتی لار تا نرسه العای چون درویش لار کاشا  
امیر ای شیخ الادی لاری غنه باریب مزنا و دهن لیک

تیلادی لار حضرت شیخ شفاعت مقامید ایلوب باوت  
نصحت آغاز مستید لار بولدی دولت بی سعادت لار مقبول  
مقامدی لار و تقبلید ایدیلار ای شیخ ناکرامت کورس  
لوچه سوز و نکست مقبول قیما پس منیر سین نیمه شیخ سپان  
ونه بر دین بهدا بولدی و نکست و لا سیمینر نینک خلعت تمام مید  
تکفیمینر دین جفا و دینک حضرت شیخ غنه بولدی بخت لار  
سوزیدن عزیز تا بهدا بولدی و ایدیلار ای سیک جهنم  
و نکلو نیشینر بل کانا نرسه و امتحان و از مانس قیما  
بولد و زحمتی لار ایدیلار بهر سپهر غناوت غنه تا نکل غومیز  
اوت ایست امتحان قیما مینر دور که اثر لوبجا با نکل اول  
وقت و ابا و ایل لوب مینر دور که سپن خدای لعلانینک  
و ما سیر تر و سپن درویش لار غنه سبک قیما مینر  
یوت ایر سپه سیر بل با که بانیلر لار غنه نه لار قیما کرا  
نیر که و انا لار دین استیبت و مینر اولیا لار اوت  
لوبا پس لار **حضرت شیخ** مقبول مستید لار بادشاه اید



اوت غه کرکانه بیرنه خواه لاریست حضرت شیخ ایدیلار  
 قم سلسله فی خواه لارمیزسوندا اوت بافتاک کرک  
 نیم مقامات لارمیزمهرافه دور و منازل لارمیزمهرافه  
 اول ایردیم فرق لون قماریتوه لارده اوتون کپتورده  
 جمع مستبدلار مانع اوتون بمیزسد اول زمان  
 شیخ قه صبر بر دیلار ایرسه **حضرت شیخ** درویش لار برله حله  
 خانه دین حقیقت ان بولده ان هم شتری برله  
 باردی اتفاقا حضرت شیخ نینک کدرلاری برکت  
 توشیمک لایقندوق ایردی اندا عایبه اطلعه قانون  
 عابده نوحوسن بر ایردی بر صانع ذاکره خدا ترس  
 چه باید حسد ادم اورکاپس ایردی و بر نفسیه مذکور  
 چهارم ایردی حضرت شیخ قدس سیره امیرنراو  
 بیستم وقت لاری ختم ایرسه اول لایق درگاه  
 و بهجت تابرکام حضرت شیخ غایبی کا تکلیف نیک  
 و حاضر حاضر ایردی حضرت شیخ اوسیه طعمه مدین خند

لقمه کومار دی و بولمغه اوزلار لیکامه ایلاب بولمغه  
 یوز لاندیلار ایرسه قول تونی قم شینک غیری لاریست  
 انصاف بویرو دیلار که اوت بافتای لار اول ایردیم تور  
 طرفین اوت بافتی نینک اوبه کالکم دودیدین هوا  
 نور و نغای و بهشت تا شیدین نغیرلاری اوت بار  
 مادی معاوند و شمع لار ایدیلاری کویو صبر لار اوزونکیز  
 لار اوت غه تا غل نیکم لار دویب لار اوت نینک کال  
 حرارتین قاجنبی اوت تور دیلار اول ایردیم حضرت  
 شیخ درویش لار برله صله اورون کر غه مشغول بولده  
 میر حیدر زور مستبدیلار ایرسه صحبت لاری بر اتمادی  
 و صله ذل فرمادی **حضرت شیخ** یور دیلار نیم ایرو  
 لار اسل ایلان دین شیخ درویش اوشبو مجلس حاضر  
 بولمای کوشه دافالدی بولغای اوار دین بر درویش  
 قوبولایدیم آری یار کند و درویش بار و در بابا سودو  
 دیرلار و فطیحات ریح او غل بار و دویب کال کرده ایران

۲۵۹



لار دور لار شاید اولار غه موقوف بولغای **حضرت**  
**شیخ ابیل** بخشایش نیک دل ایردیم حضرت شیخ بر دوت  
 قوم اوزرا حقیقت بلند اواز برله اول عیبه نزلار نیک  
 این لو توب نغره بریت برله محبت لاریم بابا اویدا  
 ایردی لار ضوایه فقیه حیدر عانه دایه کاکریب  
 ایردی لاریم هر اگونیک مولا لار شیخ نیک اول  
 لار شتیلد لار بره ملاقات فکیب کفیت حال نه  
 بربر لار یکا ایشته لار اتفاقا برله عاز مورست  
 بولوب پرواز مستی لار و طرفه العین کجه  
 تم شملدن غه تیر لار تو رو لار شیخ حسیه  
 هر طرفه کاکران شتظ دور لار قات قات غه  
 و صورت هسل لارید بولوب شیخ الدیلار غه باردی  
 و شیخ فوشحال بولدی لار سولن مان دمدار لار دم  
 لوت لار و محبت کرم بولدی **حضرت شیخ** قدسی  
 العزیز غه وجهه عالی کسب سوت طغیان مستی لار

ضوایه محمد فقیه کاکریب عبادت برله از سرتوت ایملار  
 ای ضوایم معراک ضوایه ایملار سرتوت غه تیر لار  
 اشنک غه درانه بلیک عایش لار دین غه فقیل ایرماسا  
 ایش ارة یوراح حضرت فقیه محمد سیل لار ایله اوسوبت  
 جاری بولوشه همان کور و لار که انیمه بولوش اوت  
 کولکاسیر بزرگرم غه اربولدی اول وقت **حضرت شیخ**  
 مجازی به خیار غه یاد فکیب زلار دین اوت غه اوز  
 مدته غایب بولدی لار و ساحت دین بونکر انیه بر طرفین  
 طاهر اولد لار بوطر فزین کرب بولاک طرفین حقیقه  
 لار هر دروش لار کوزید اشکارا تورت بول غایان  
 بولدی اوشه اوت کجه لار و بسم یاد اوزوب  
 ایملار ای دروش لار ایدی شیخ مانع بوق دو  
 هر کیم **شیخ** یاکا کاقول اوزغ بولوب سرون اول لاریم  
 دروش لار طرف جوابت دین اوز لار دین اوت غه  
 تاشلادی لار اول مقد آفقه سلا کیم ایاغ لاری محمد



بولار ظاهر بولدی اوت تمام اوست و صحبت دین فارغ  
 بولغان دین فارغ لین درویش ادین قدر است  
 قلیب **سخت** **نوش** بولغانیم درویش لا  
 اچلارید احرار بار صاغدا ضربزه و اوژکا میوه لار  
 هم بولسا یردی تناول قلیقلار تا حرات فایکای  
 یردی شج ایدلار خوش بولغانی اول یردی حراجه  
 کابش بالدرک وز فاندین کین بشلارین کوتا  
 بر دروشی کایدلاریم بوقوم یوق غنه کولیل ضربزه  
 و هر رنگ میوه هقارین تا دروشلار تناول قلیق  
 لار در واقع صبح باز یوق مستلیدلار اول یردی  
 دروش لار اعتقاد تمام برله قوم یوق غنه قدم قویب  
 کوردیم هر میوه دین لوده و ضربزه ضرور ضرور  
 قوم یوق اچس یانتی و ر کونار شکی بایب الیب  
 چقیب عزیزلار نظریده قویب ایدلار می عزیزلار  
 اگر یوزنک کشتی ب میوه لار دین صوصد لاری

بایب کونار سه ذره نقصان تا بایب اول یردی  
 جمعیت حواله مستلیدلار که کرک کونار میوه لار حقیقت  
 لار بولاریم کرک بایب میوه ای حقیقت لار دروش  
 میوه پاک کاشغول یردی لار ملکان کشتی یردی بار  
 که لار نه کولیل که اولار دین هیچ رنری قلیب  
 دور بالیومو اول کشتی کوردی که هم لار اولون  
 سلامت دور که تار موی لار خط تا بایب دور موند  
 فراغت کاشغول دور لار رزومستیدلار کم اول میوه  
 لار دین منکام برکای لایسکه انکالتفات قلیق  
 اچس حضرت شج نیک هم لار لایسکه خبنداله و بر صاف  
 او زوم بر دیلار ابر سه اوز و منریست اله لار دین بر امله  
 الیب ملکان کوردیم قویب ابر امله باز سور دیک بولان  
 قایدن آله نیک که لار ترکیبونه ایش قلیق لار بولک  
 ایدر اولار نیک تار موی نقصان تا بایب دور موند  
 فراغت لاری بار دور کم سهر لار نیک نصف لار کم



۱۳۷۲  
 ۷۱۰۲  
 فراخ نیک لار لوتور بادشاه یوح اولار غنہ مسلم دور اول  
 لشکر کشانیدن بر درویش چور و کیم ای بزرگوار نه حکمت  
 ابرو ششم اول دشمن کا بویوه دین بر یکس اوزی میدی  
 اول سکه جنه کاج ایب بودی **حضرت شیخ ابو یار نیک**  
 مسلک بولماق محل موه ده دور اول جغتین رکت  
**المقداد** است ای ملک موندین کین اول جماعت غنہ  
 جرمش غولوت ایما پس کم عین ضرر و آتش جانگاه دور وین  
 ابرار و کیم اوزک رسول کسکو جود و ملک بولماق  
 قوتخانه ایب وین بولدرت یا ایلیا تیب کور و کیم شیخ بولید  
 اول تور و بولور لاری ای شیخ بولون کرامت  
 لار برله کدالار نه منک ایلمدین ایب جفا ما پس بیان  
 مثریه بر کرامت برله سهر سخاوت فیکم غونجه شیخ لاری  
 بدجنت اولیا لار کرامت لاری حوت دور کمان قیلماق  
 نیم سحر کردور اکی موندین برله انقیا و اولابا کف طاهر  
 تیکان نه انیل اول به دولت ایدر اکر اوزونک نه

اوسبو دریا غنہ تاشل سبانک غوطه سبانک بولما سبانک  
 اول زمان مسلم لوتور بریدلار نیک غنہ منقلم غنوم دور  
 نرسه برماک کاتکلیف هم ایل کوم دور شیخ به لوتور غنہ  
 لار نیر دریا غنہ تاشل ایلار اوج لوتور جو کوب حقیقه لاریک  
 لور و کیم شیخ نیک کین لاریکا سو یوماق دور ضرر  
 صدقنا و سلیمان دین لقیاد مستل لار اما کونکلید ایب  
 دو شمر لوتور **حضرت شیخ** ولایت لور برلج سید لار اول  
 بدجنت نینک لغرضت پلیس عی بدست لار که الی ملک بول  
 بولغای و بر اکیس لولغای و ملک دیولد اکیلور ایدی  
 شهر کا یا و قاتیر ایدر سه ملا زمل ایدین بر ایدر ای  
 ملک و شیخ سنینک حقیقند اوسبو دعای مستل مورا  
 منک مستجاب بولوب غنم نیک کاسه است ایل کای چون  
 ملک مونا آتش قوتلید اکر کرامت اکر سیر هوا غنہ ایل  
 ایدر اکر کاک کاتب بر کاکو شکو کچ حوت بیلور تان  
 بولور اول ایدر کیم اکر اطر نینک سیر غنہ منک اطر او



کوب کو تاریب یرکا اوردی ابریه ب لغزت قدرته  
 برله بونیر سندی اولدی شول یردا دمن مستیلدا  
 اول کونی درویش لارا اول بدجنت شهیدین حسنلاص  
 بولیدلار **حضرت شیخ** ارام دل جمع خاطر لیت برله دوش  
 لار تربیتی کا کوشش لادی لار و قیه بوز مرید پروردیش  
 مستیلار و اوزلاری **حضرت امام جعفر صادق**  
 اعد غنه روح لار دین تربیت تاسیب یردیلار افسد  
 معلوم بولغا کیم بزرگوار نینک اصل سیم لاری منقو  
 ایردی حجاز لیت اوچون شیخ حجاز دیک شهرت الیلا  
 و سکیان یل عمر تاسیب لسان برنجیله وفات تابقی  
 لار و افسد سلم بالصواب و الیه المرجع و المآب **او توره**  
**اوچونچیل بول دینمند حق و دلائل عقل**  
 و مدقق پایدیشل و کره کنای مشکلات پایدیش  
 و سالیق حضرت حوایه حسین منقار رحمة الله علیه  
 لار و اطوار مقامات لاری ذکر یدامردی ایردی

لار و ورکار و استمندی اوز عصر یدام عالم لار اعلیٰ  
 بتخصیص علم نخبه سلور ایردلا و علم باطن دایم برکال  
 ایردی لار و لیتن ارادت نیشتر سیم یرکا یوف ایردی  
**حضرت امیرالمومنین محمد باقر** نینک روح پر فتوح  
 لار دین تربیت تابقی لار و الیو یسین علی الصلوٰه و السلام  
 نینک ظهیر لار ید ایردی لار و اصل لاری شام سید لار  
 ایردی ولیکن سید لیک برکه شهرت لاری یوف ایرد  
 و توغولغان یر لار سکا شقر ایردی اول بزرگوار نینک  
 انا لاری شام دین جیفقا نینک سیر اول ایردی یکم  
 زاعات لار شام خلق کجوه طاهر بولوشق الی اوزلا  
 کا ایدلاری مسلا امد شاد بولغا بولکس اندین  
 بدران بولقلم حقیق غربت قلیبم حسنلا یوت سیدین  
 ضامن بولور من اول ایردی کیم شام دین حقیق لار حقیق  
 لاری غنه خوشحال بولوب حضرت پروردکار غنه شکر  
 بیایداد مستلایلار و یوروب هر شهید کاتیلار و اجم

۲۹۰







ای خانہ  
 ایک سونیک برکہ کچر بعض حسن و مسائل بولاق غنہ غنہ  
 فیکلاریم ای مادہ زمان و یکانہ دوران نہ بولوریم  
 اہلیہ اختیار فیکلاریم ای که فدا ای لعلای فرزند کی کرامت  
 متغای حضرت تنیک قائم مقام بولاقی و مدبر حریف کم  
 منفعت لیک علمک تفراق استنداق لعلای **حضرت**  
 سیرہ الغیر اول جماعت نفیس بے توقف قبول فیکل  
 اہلیہ اختیار مستبدیل رجون که مغر عالمید معلوم بولور  
 ایردیلم فرزند عالم کرامت فیکل و فرزند حال کد فدا  
 بولدی لار ایر سیر سیر بیدین بونکر فرزند وجود فدا  
 فیکل و جب بامند ادرم جاعلیق قزل حال ابار ایر  
 و خوابہ قدس سیرہ الغیر غنہ او سیرہ غنہ فرزند وجود  
 شاد و لبق حاصل بولدی و لیکن جب طرفیدہ کا فایده  
 سیرہ معلول بولدی لار پور دیلار که ای خوابہ خوشحال  
 لیون نہ حببت دین و سیرہ لیک سبب دین و در خط  
 خوابہ دیلارای یاران لار خوشحال لیون اذل حببت

دین دور که حق سبحانہ و تعالیٰ انکا فرزند کی کرامت مستبد کم  
 سیر لوزی نیک عالم بولور سیر دور و بد حال لیون اول و غنہ  
 نیم بات لیون وفات فیکل و دور و لایق غنہ بقیاس علم  
 مبرہ بولور سیر دور اول ایردیلم لمرات قوید لار بولور  
 لعلای بلادی لار دور واقع **حضرت** **سیرہ** **الغیر** **دین** **دین**  
 نوحہ بولدی الفقه بزرگوار نیک سیرہ فرزند لاری  
 عصر بولدی و لیکن نتیجہ بادی لغیر کیک لیک اوقات  
 مستبد سیر حسن دین غیر نومزاد حقیقہ و فایده لول  
 وائی اور نامدی ما خوابہ حضرت قدس سیرہ الغیر غنہ نیک  
 لار دیدن قطره یاس نامادی و نفیس لباس لاریب  
 بیکجه کوندوز اولتور خانیر لار دیدن قوید و بولور  
 لامادی و رافیه دایر دیلار حسن لایق حضرت خوابہ  
 کرامت مستبد لار غایت شایع سیر دور که فرزند عالم  
 بار سیر اول موندان ملبس و توراد و کوز دیدن قطره  
 یاس حصار مای دور و لول بولور لار که واقع بولور

۲۶۳



کوز و منبر کا جہان قرار کئے ہو لو ب و سیلاب لار متیب سینه  
 لار کیا ب لو لور ایردی چون حسلا یق نینک ملا می حضرت  
 قدس سرہ العزیزہ معلوم بولدی ایر سید لار کہ حسلا یق  
 سلامت بتلین حتی لار و تعین دور کہ او شیو جنت دین  
 عقوبت کا گرفتار و لغولاری دور لار ابدلاری یاران  
 طشت کیلے تور دیک لار تا اوز جالیم ز روشنی لار یارین اول  
 ایر دینم طشت حاضر مستلید لار حضرت قدسی سرہ لار  
 مبارک انکشت لارین اغیز لاری غنہ سالدی لار ایر  
 خون بستہ اول مقدار روان بولدیم روح حربه طشت  
 لودی اول وقت ایدلار کیم ای یاران نہ او چون نشے موند  
 فرزند کا غذا تو عجبون دین غذا تو کوم افاطہ و اوقاف  
 زیر کہ عزای طاهر شی تو زبانی بر لہ دور او لو ک کا شور  
 غدا بین اوز کا نرسہ جال بولای دور چون کہ لیل و نوح  
 نینک شیشی جام لار غنہ الیب کچور و لار صلحہ و کالبدین زار  
 دیک و تار وینہ او لکہ ہر قطرہ بانی خدای عز و جلہ منطانی

برلہ دریای بولور و میت اول دریادہ عرف بولوب رفاندہ  
 لیکت تار کجودین بولوع حق لار نہ فرزندیم کار و اکور این  
 چون حسلا یق او شیو این خواجه دین لور دیلار و بولوسو  
 ایشتر لار صدقنا و سلیمان دیدی لار لقمہ قشکہ غلبہ خدای  
 متیب ہر طرف بولدی بر کونہ خورجہ طہارت او ہون ہولبر کا  
 بار دیلار کور دیلار ثم فرزند ی عزیز نینک یار لاری  
 دین صبر و پایداری فلیب تور و لار مؤفی کور و ب  
 منادین دود لار اور لادی و جرم سببہ لار دین  
 اہ در دناک تار متیب مبارک کوز لار دین قطرہ شیشی بر کا  
 نامدی مژگال یا نینب نہ لار سہ فائزہ کلیت حسند  
 متوجہ بولدی لار ظاہر لو طادی اگر کہ موندین ایکسر بر جانی  
 خواہہ کیلور لار دیلار رب العزت قدرت بر لہ اول نر کور  
 نینک روح روان لاری با توقف ظاہر بولور ایردی  
 ایتور ایردی حضرت خواجہ سہروردی لار دین سترہ مول  
 یانیدلار اوز لار لکا ایدلار ای حسیان فضلہ سبح پلو



موسی بن کیم ظا هر بولفات خه کور و خاک نیم مانع بولدی او  
 حین دها تف دین آواز کیدیم فننه نیکدیت سوراج حقیق  
 ایلالتین فکرت و صیره خه قالیچیل پردا اولتور دیکم خواهر  
 اولتور ایست تو شلاریدا کوردی لار کیم او غلطان لاری  
 دریایی بکناره کالتوب و روحیات لای دور حضرت  
 خواهر دریایا لیدین مزیا و مستیل لاری غرنز فننه زینم  
 بونه حال دور فننه زند لار حنجر بر دیل لاری غرنز مهربان  
 انا اول قطره ماییم کیم نیک بارام دا کوزد نیکر دین تاسد  
 ایرسه ملاک و چون دریایی مویج لولکر جم نینگ حبس  
 بتلا دورم مویجک طاره سبن قیل نیکر خواهر ایدی ای  
 فننه و لبند منانه سبای کیم جاره سب و ریسی ای  
 شفق انا او شنبو بلا و فکرت چون طهارت کبری جا  
 کلیل تو کسل و ایک رکعت نماز ادا ایلار اعتقاد غما برآه  
 نینگ کو نکل بعض سوراه سبن دور فتم متبیب و صوم خه  
 بنشیل غیل صلاص لبق مایه سب ر دور اول ایرد کیم

حضرت خواهر اولتور دین او نیان نیکه سب و مایه سب کیم کیم  
 خه ای غیل صلاص نماز دو کانه ادا ایلار حضرت سب سب سب  
 او قوب فننه زند لاری ننگ مرجه روانیغنه باغیل متوجه بولدی  
 ایرسه روح حضرت لولکر اولتور ایلان حوالین بیان تعلیم و آیه ایرت  
 انا مفرده سنگا کیم خدای تکاسک بنده لاریکا نصیحت قلیغنه که زینما  
 اولو کالری او چون بنیلا ماسون لار اولار موندان بلامه کوفلا  
 قبله سون لار دست غایب لیدی القصه ایکی سل موندان کیم حضرت  
 خواهر فننه زند لاری سبک فراتی غه صبر قیلاییم تنین شاکر دلا  
 بر ایزم حضرت ایلار بیکه معطره طوفی غه و ام بولدی لار بکن کون دما غه  
 بنی لار ایلار مصر علی لار شتی لار که ترکستان طریفین و انشدای  
 صیب باطن کلد دور و بیلا ز بیت قلیق بخور لولور و بعضی لار  
 مصلحت کور و بیلا ز بیت کاکلدیلار ایلان بر و خواهر غه حقارت  
 نظری بر لار فرادی و حبس خلیق تبدیل سب و دیکه ای خواهر اصل  
 ایجان بنده حضرت خواهر و لار لاری بر لار بیلار که بوشه بند بوشه  
 نه ترور ایلار ای سائل اصل عال غنیه بر لار دور حضرت خواهر



نامه بتخر مستدلار و جاهل لوق غه نسبت بر دیلار بر سر  
 خواهر ایدلار تا نکلان پیراوشو شردین کتکان جاغدا ایدلار  
 سینه لار اول ایردیکم مهریدین چفته لار و چنده وقت دین  
 لین حسن لایق ایزه فوط واقع بولدی بر بر لار کوشته  
 دیدلار و فانیفته تشنه بولدی لار اول زمان بیلدی لار که اصل  
 ایمان خنبه بر اوان ایکان **حضرت خواجه نیک بولار**  
 حق ایکان الفقه حضرت خواجه قدس سره العیون که کای  
 لار و طواف غه توفیق نایب لار بر سر طواف اثنا عشر  
 قولایفته اواز کبیدیکم ای حسین فضا سینگ و اسکنک بر لار  
 بسیار سنلایق هلاکت و تبه سیه کای لار و بعضی هلاک بولدی  
 و قالغانه هم هلاک بولموشور و ربات یغیشل فدای لعل  
 بنده لار نیکول بلادین ضلایق قلیل یوق ایر سیه غیبت  
 کالرفقار بولموشور و رجول خواجه بولموشور بینه شیب  
 لقله قلیل لار ای کرم با ثرم اول مندر کیم مرگ انکام  
 سبب لغایم و با نمانیم نجات لوق سبب لغای دوم

اواز کبیدیکم ای حسین ایجا و نیکو فصل ایمان خنبه بر اوان  
 دور او سبب دین ضلایق سینه بتخر مستدلار اول حلق  
 مذای بر حق غفیدین صوق بلا سینه مبتلا بولدی لار و فقا  
 ولت نفیرین پنجر دور لار و قمره مونا شیب یغیشل مهره  
 تیر لار ایر سره جو نله و کجک بارجه شخو ایزرکگ خواهر  
 اوج کونلوک استقبال لار لایفه کلیل **حضرت خواجه نیک**  
 ایباغ لار لایفه لیلیک زلارین سوز و دل لار و ایدیلار  
 ای خواجه سلی بین خطا منید و بولوغ غمزه خاطر پیر  
 خطور ای باب و شیبو سبب موندغ بلاغه مبتلا بولد و  
 سوز شول ایکان کیم سینه دیدنیکر و لطف کرم ای باب  
 لن همینه غمزه جور ساینکرم و پیمان لار نیک حقیقه او عاقبت  
 شاید که مستول شرفین تا پیک سبب بولادین حسن  
 بولساق کراک **خواجه دعاغ قول کونار دیلار اوز کالار**  
 آیین دیدلار ایر سره دعا مقبول بولوب کوندین کونکا  
 ارالاریدار فایت سید بولوب تا اول صفا عده قانوغه



بیرای درویش ز بندار اولیا لارا مجامیندا بولماغای  
 سبت و ستمایق تلبین اجماعی سبت و طعنه ایا  
 بسوخه توماغای سبت اوز و تک بسوخه بولور سبت  
 زیر که اولار اوز ایشلاری حقیقتین ضرر دوردور لارا  
 بر دین بوز لار و بولاک خواندین لغمه بر لار بر نیم اولار  
 جامتیدی یقیندی و طعنه سلبین جفوی نینک تلبین تو اولار  
 ای درویش لار اولیا لار حونی خلق حو بوقیفه قیقل و قیج  
 لار دین ایشیر یا قیقل چون که اولار قیج دین پاک و را  
 لار و لیکن قیج نما بولور لار تا مثالی نینک توز یلک قیج  
 تورو و لب حقیقه طاهر بولور لار نیم عوام خلق ظاهریه با عمار  
 لار و درویش لار باطن بویجه مقصود غنی یالار **الفصل فی**  
 رخصت برله معریدین حقیقت زلالت لاریکا تلبیلار  
 ایرسه تور تلبیل بافت تاربت در سبت ترک تلبیل  
 کونه نشین بولدی لار نیم هر کجه پیش بوز رکعت نماز اوتا  
 نوندوزیمیشه روزه تومار بر دین لار حمله لار اول عصر

نینک ایشمند و اکابر لاری یغیب ملازمت مستلزلار  
 و بر لاری قویوب ییدی لاری خوابه سلم اورکاما کللیک  
 تننا اوز اوچون ایرکابی و رانیتمه سلم کیم غذای لغتا  
 حفر نینک کاکرامت تلبیل حقیقتیم حسلایون نفع ایا  
 تفاف استبداد لار و دور و بوعیز نزلار نیم دانت  
 لاری اول دور که عیانت لار باب الیه بر ایشین اوز اولار  
 لار یدا نایب تلبیل لار حقیقت لار بولغوسه دور زیر که علم  
 انداغ نرسه دور که تا قیامت عجه نواب کیم ایرکابی و دور  
 بر و دوم اول وقت بولغوسه دور کیم حقیقه اورکابی و دور  
 نیر بر و کاتیب بر سه و کونه نواب ایرکابی و دور مقدم لار  
 بوز یلک صراف بولکیم جناحه ایتب و نواب نینک ترتیب  
 حصوا و دایمیر لولما غنم سل نینک متعاقب و دور  
 اولمز و در حقیقت خوابه بولغوسه معقول بولدی ایرک  
 ایی لاری غیر نزلار خفیه و یلار و لیکن مفت حمله لار  
 قوت و کایمه کاطاقت قاطا بوز و راکی مویجه تر عیب



فلیک لار هفته دابر کون اوزوم کار و قیلای یوق ابر  
 اول هم بولما خوش دور بزرگوار مودلکار منشا لیدیلار و  
 هم در پس ایجا قه پنجشنبه کونسی مقرر مستبدل لار ابر  
 برواقدنیر است فلیک ایدای بزرگوار و در پس ایجا  
 چهارشنبه کون پنجشنبه ماسویم حقیل کون تر و پنجشنبه  
 اختیار فلیک اعلت میند و خواجه ایدی حکمت اول و  
 مده و ابشارت تیرکم هر کس و فایده من هو کرا فرق بکن  
 پنجشنبه در در مزار کینر لوان فلیک و سوره یسین  
 اوقوب و صوم غه بنشینلا صیحه چانه و لعل اول نشکا  
 لغایت ال کوبجه علم اهرمت فلیکای و حمانکا عهد کرد  
 لیل دور حمان او سبوح جنت دین پنجشنبه در اختیار  
 فلیک ماطالب علم لار بوطریق لامل کور کوز و بمل  
 فلیکای لار و نتیجه لار کولای لار اول ایدوم حضرت  
 حواجه پنجشنبه و ادرسی اسی لار اوز کون لار و  
 صیحه چانه و لعل اینک عبادتینه مقول لوق فلیک

لاریفه تیرلار و جبریم کون قلب ایدیلار بولون لار و  
 حضرت حواجه عالمیان و بر کزیده او ممان حضرت  
**مسلمه اقد علیه السلام** **دار و محراب محبوبین نیک**  
 مقدس لار دین تربیت نابی لار و شیب علیه السلام فلیک  
 قلب ایدیلار و لار و پنجشنبه وقت شین اید  
 هم ضربتی ای صین شروه سبکا نیم دوست اوز طریق  
 اینه و ورا فاده و مینا بولین اول ایدوم حواجه من الحال  
 استمداد مستبدل لاریفه نبل بجا کیتور و ب نماز ادا  
 نور کوزدی حنت ابسین تیغیر لار و جمانا ز ادا  
 قبله غه بایب و لور و ب حن غه جان سیم مستبدل لار  
 بوقه نیم تا و شقان یله و ریب و حب اسی پنجشنبه کون  
 نماز و یله و فیده کاشقرو لایر اچمه واقع بولدی و  
 علم بالصواب **نور کوز و پنج باب سبوح**  
 قدس اهد لعل رومه الغیر احوال لاری ذکر ایدیم  
 جوان ایددی و دشمنه و دشمنه زاده کم صیحه چانه لعل

۲۶۸



حکمت کامله و قدرت شامه سر برده موندان ذات مستقیم  
 افریده ملتیب سرد کم کو نکل آینه ہے انجان صاف و روشن  
 بیج زبہ بوسیدہ ایراس قوت حافظ ہے انداز قوت  
 ایرد کم نیک احاطہ سیدین صرف شکاری اباس برکات  
 اوزون نیک رت حصہ سیدین بر حصہ مقدار کچھ برده  
 ده اوز وزینجه کتاب یاد الوری اوردی وز بد صالح دابہ  
 ماسند و ریاضت مجاہدہ دابہ فیاس ایردی اول کو تم  
 بزرگوار عدم کیمیدین وجود میدان صخره رخت تارت  
 آفتاب تو تو لب ایردی بزرگوارانہ ہے رحمدین برکات  
 تو تو نے همان آفتاب بقلعہ امان کچھ سرائی اور تاندی  
 بوداق دین اما ہے اندوہکین بودک اس سہ یاران لاری  
 بری کس طوق تلین جیتی ہواں ملکہ یکم ای بزرگوار  
 اندوہکین سبیر بند و رخت نیک اندوہناں نوراد و مر  
 بلکہ خوشحال لیت و شرف و رک موندان فرزند خداست  
 سہکام عطا ملتیب بزرگوار اید یاری خوشحالین

متور وقت دور اما خوشحالین اول وقت وہ خوش و رکیم فرزند  
 نیک اتا ہے غنہ بقا شرف ہے بود کہ بود فرزند مادہ عمر  
 و ہر لونو سپرد و رافا عمر دین ہرہ تا پانچوسہ دور مرار و مر  
 غنہ بجا تو سپرد و وفایدہ نتیجہ تورما کوم دور او سبب و محبت  
 دین غنہ لیں دور مرار کہ آفتاب نیک ابدیت الکایات  
 دور یکم علم کائنات سے بترہ کو نکل لار نکین کو تار و دای  
 اور تاناکہ الکامات دور کہ اول کو نکوس تالون یک  
 کالیفہ یکوسہ دور بات روال تا پانچوسہ دور وینہ او کلمہ علیہ  
 اختیار نکین یں برون شکا بود مشرودہ ملتیب ایرد کم موندان  
 فرزند لونو سپرد و رکین بابت کنگو پے دور بود مہر و عزیز  
 نیک فایہ لونو سپردین بترہ دور مرار اول ایرد یکم بزرگوار  
 مہمانتے بخش غافلقت مسئلہ ی دایک ماریم شیں واکتبت  
 بردی و تقو زای مکتب ایردی وستان فایک نام  
 مسئلہ اندین کین کتاب لار غنہ افاق غنہ مقول بود  
 اندیکم مذکور بود لہ ی و بلاغت مرتبہ سہکام تیر ایرد



بر کوفه در سینه رخ بولغانندین سوکرا سر دغند  
بولوب تنهاسه کاباردی اتفاقا سیه پادشاه حرطه  
توشه غایت حسن کمال و نهایت پنهان لطف جمال  
بر قیصر کوردی بوز جان بر له عاشق بولدر امان پهلایم  
نیم نینک قیصرید در و لیکن کونجی کا عشق اوده تو تاسیب  
تو کوشی کا الهی و هیچ کمره کا ظهار فکری در آخر معلوم  
پادشاه نینک قیصر الکسان اوزلیکا ایدری الماع بولوا  
براف کورانا دور کیم پادشاه نینک قیصر سینه کمال  
اما درگاه آل مرین نامید بولغولوت ایچا پس دور کیم  
نومید لیق کفر دور سینه خدا بر له بولغولوت محمد مصطفی  
ص الله علیه وسلم نینک وچ پاک لار نینک سفینه کیتو  
قیل و کجه لایق پادشاه نینک بابا نینک سینه سید  
بهدار لیق بر له اولتاکر کیش پد که مقصود و نیک حاصل اولت  
اول یردیم حضرت سلطان الاولیا و تاج الامامین  
سینق بغرافان غار قیصر پهل سیه العزیز استاذ

کای بی لار اول حجه تا صبح غنچه اولوهای حق لغامه ناله  
وزاری قیصر لار کیم کوند وزی روزه لولوب اوج کون  
بولوغ بر له ایردی ایردی لار تور تو پنج لونه پادشاه  
نینک قیصر لوسید اکوردیم حضرت رسول اکرم صلی الله علیه  
وسلم جمع صحابه لار بر له حاضر بولدی لار بولقصر غنچه  
حسین فضل نینک و غنچه ضوایه ابو النعمان المعش لکاح  
قیصر لار علم عطاری بر له سکه دور اول حضرت نینک نظر لار  
بر طبع خفا بار ایردی مبارک قول لاری بر له الیب  
قیصر نینک سینه اوج ساجتر لار و مبارک باد یق قلیب  
دفا کجه اوقوب غنایب بولدی لار بر له لجال قیصر لویا  
مراغ باید دور و لار و کوردیم ضوایب کا مهدا خرافا  
دور شول ساعت تا سینه کسیر لاری لار ایره  
اما سینه ناخیر حاضر بولدی قیصر کبفیت حال غنایان  
قیلدر پادشاه حیران بولوب یرش فیکر کواک  
ینه ایدری فرزند مکر ضوایه نینک ضوایه سکه

۳۳



این شیخ بار دور کیم بحضرت نکاح حاضر بولوب دور لاری  
 بعد از اول بنده غنیمت خود ذات شریف عقد نکاح  
 دور لاری زمان بزرگوار زاده غنیمت نکاح کیم ایام  
 ابره استمانه دین پادشاه حرم کا حاضر لاری و اکابر  
 ایند اب مفسر لاری دین فتوی طلب لیدی لاری کیم سریت مصطفی  
 و آنجور که اگر تو شایسته بودی **حضرت رسول اکرم ص**  
 الله علیه وسلم نکاح فیک لاری عقد بر نه تا مجور غایا بولوب  
 یا بولوب بعضه لاری بولوب وید لاری چون که بحضرت فیک لاری  
 ضامن بولوب خوش بود و بعضه ایدی لاری تا مجور مات جان لاری  
 دور زیر که سریت قاعده هر ظاهر دور اخو بار میفتی  
 لاری مولک معترف فیک لاری که نیکبش دین نکاح ایل ماک  
 اول دور اول ایر دیم تجدید نکاح فیک لاری و قیرنه  
 خواجه بولوب فتوح المعرف تا مجور دین رواج میل که فیک لاری  
 فیک لاری لاری اسبوت یاد احوال و طیفه ترک تادی لا  
 برکوت تادی لاری الید اول توروب و طیفه لاری فیک

نصفین یاد الیب بر دی لاری پادشاه قانیدن کیم  
 پادشاه غنیمت نکاح و در خواجه زاده غنیمت نکاح  
 دور که همراه فیک لاری حضرت بزرگوار ایدی لاری که فیک لاری  
 بار دور تمام فیک لاری خواجه بار املایه و در به اوج  
 فیک لاری خواجه زاده غنیمت نکاح فیک لاری کیم  
 رخصه غنیمت نکاح فیک لاری خواجه بزرگوار و سبوت فیک لاری  
 حضرت خواجه غنیمت نکاح فیک لاری خواجه بزرگوار  
 بزرگوار فیک لاری و سبوت فیک لاری بزرگوار زاده  
 علم عطای اطوین قانیم بولوب باب غنیمت نکاح  
 دین تا فیک لاری فیک لاری حسیب فیک لاری فیک لاری  
 فیک لاری و چون دور اما معلوم بولوب فیک لاری خواجه زاده  
 حضرت امام متقیین و سبوت فیک لاری والدین **حضرت امام**  
**معلم ابو حنیفه** فیک لاری فیک لاری فیک لاری  
 تربیت فیک لاری و سبوت فیک لاری فیک لاری  
 ظهور لاری ایدی لاری واحد علم یا الصواب

۲۷۵



**اول تو ز شیخوای سنده حاصل** حد و عابد ملک محمد و پی  
 رو سرع احمد عینی حضرت خواجہ فقیہ محمد قدس سرہ  
 العزیز اوصاف لاری لغوی تقریری احوال لاری  
 و احوال لاری تفسیر ذکی مدراکم مردی ایردی نوی  
 حال و سرچ احوال و نیکو فضائل و جذوب لاصل یعنی  
 جذوب و بارزاد تا اولن ایک شایسته غنچه جذوب ایردی  
 اندین ہونکر اسلوک یولیفہ کردی اول کو نیکم خواجہ  
 تو غولدی مجبہ کونہ ناز مجبہ قسری ایزد اذان اول  
 او قولی یزدیکہ انا ہے رحیمیدین یرکالونشہ ایرہ  
 او شہادت اوقیدہ قال اللہ تبارک و تعالیٰ یا اللہ  
 امنوا اذا نودی للصلوٰۃ من یوم جمعة فاجعلوا ذکرکم  
 لعلوا ذر و البسع ذالک فیرکم ان کنتم تعملون بغیرہ  
 اللہ تعالیٰ ای مؤمنان لاری فخر کہ ندا قبلہ یعنی اذان  
 مجبہ کونہ ناز او تو فاق او چون بسی جبرئیل  
 لاری و جلدی و غیر ناز و ہوا سپاسی ناز و جلدی

وینلا ناز و جلدی سے قیام نیکنر لاری ہوا و دور اگر ہو  
 بولپ نیکنر لاری بوسیدہ قاطاعا یم فقط لاری  
 واقع بولوب دور کہ ایت کریم نیک معنویہ ناز و جلدی  
 ہوسر قیام نیک واجب لاری ہوا سپاسی نیک  
 بولما و ایت ذان معتبر دور **لاری**  
 امام ہنر کا جقان وقت و کازان اعتبار قیام لاری  
 وین این زیاد اولقن ان معتبر بلایہ لاری  
 منارہ اوزرہ او قوغای لاری ہوسر لاری نیک لیل  
 حجت لاری بار دور و بولکنا بذاکر قیام قہ محالوق  
 دور اما حسن این زیاد نیک لکان قول لاری درہ  
 راق دور **الفصل** بزرگوار نیک نالاری بوجہت دین  
 بہر ضوئحال بولدی و خضر قلیب کربسایدیر کہ الحمد  
 مدد سوده جبرئیل دین موداع منہ نہ وجود و نہ  
 تلکیم اول حالہ او قیام بولوق کرامت ظاہر بولدی  
 ہی سبحانہ و تعالیٰ نیک بولید ان نہ نہ سرف چون



صدقه لار او تکار دی و خیرش حیا فطرت میدی و قتر که فرزند  
بر پیش فریدی ابریه همه غریبه این انگیزه سبک تکلیف  
او شویات ژیم چاکر بولدی او عوار یکم تفرغ و خیفه این  
به همیشه استه اهد رجه دیر ایردی و موندین او نه کار  
هوز سلسله یول تا چادی هر نوع کرامت لار ظاهر بولون  
الهی و باباچه قورقار ایردیلم بو فرزند مشکا و فاطمه  
عویسه دور زیر که ولیدین هر وقت که کرامت ظاهر بول  
عمر نیه نقصان بولورینه ایسی سوده جز زنده نک  
جذب و در و جذب لار نه صحت سجانه و لغا اماندا  
تو تار او شویات دین عمر سخی اعما و صلوات بولوه  
دیب حیا فطرت غنه بعضی اطفال کور کوزدی ایریه  
تا اون یاسق فریدی لار ایریه جذبه لاری تکلیف  
تا بتی بالکلیه جذبه دین ضامن بولدیلار او نوحه  
اب طعم ایری لار تا بوقت مکر و طعم یکس و سو  
ابجاس سوز لا ماس ایری دیلار یکس ابجاس لازم

کین بیلدی لار که جذبه زایل بولدی اول ایردیکم انا لار  
خوشحال بولوب مکتب بر دیلار و اندک فرصت و علم ظاهر  
و علم باطن و اسیس لارین تمام مقلید لار بر کونه بی  
مشغال دین زباده طعم یادیلار اول هم التوجه وجه سبک  
دین بولیه بر کونه انا لاری سوز دیلار یکم ای غیر نر فریم  
عنه ان مو چنه از یکا میندین دور ایری لار ای پدر ایکس  
دین دور بر ارف لکه طمانک سبک لیک و راول محبت  
دین اشینک ترقه دال بولمای دور اگر سبک سبک طعام  
طعام به اقلیت ایل سبک ببال لار سبک سبک  
میلور لار یکین اول که لفتی ماره شکستن و ریاضت  
وزر شین حواه لار من زیر که خداوند تبارک و تعالی  
یکس ابجاس ک و اولیقولاماف او چون بر عتاب در بلکه  
اوزین تا نوحه و بر شین عبادت صیقا و او چون  
و نیاغه ایبار دین رای در ویش اثر سوزیار و نیک  
ریاضت کا کوشش متفیل در آب طعمی اندازنه دیکل



در نیا کین کجا کین کم قیامت که آما و صد فنا کو بند و را  
خلق از اسید اشک ز اذلوب رو سپا او طاعت حق  
نقار یادید ابلو یفل و دیداریدن خشم بو طاعت  
جیان لار نور اکو لو طاعت بابا یفلادی و فرزند ایلاب  
صیحه لار تار تار و ایدلارای فرزند عجب خیر و درین  
ثم خدا لقا منکا بریت و در به تر و درین کم منکا کرا  
قلیب و بکه هر سر کین منکا کرا یلایم شبهه بر طعام  
بهد ابلو شمع و بند راه بولمغای بزرگوار ایدیلارای پدر  
اگر خواه لاسانکم صبح افکد لکای سپن که انیکه ایچ  
کشتنیک صحر بولمغای زینیل تا قوما و نه اصنیار متفک  
**موسی علیه السلام** با وجود منجر لکای بر له مونه قنیا  
منیکه لار چون که انیکه ایچ ثمره نینک صحر بول و دو  
اول ایدیک بابا فضل و سه تا قوما قنیه اختیار متیلد لار  
دبقان صیوت نه ترک ایلادیلار هر کون اولن سبد  
کوقوب داوی لار صحر بولکلاب کنت لار کایبارد

ایر دیل

ایر دیلار و سلا یق بابا نینک ای لار ایخان و کلکای نینک  
بخشید بلیک سپید لار نه او جاسپیدن الیب بها پس  
جاسپیدن الیب یاسر و ر ایر دیلار خشت و کینور ایر  
اول وقت خواجه مسل تمام بر له لقمه نه قن اول فیلور ایر دیلار  
توین کولکای بابا نینک ایس لاری تر قید ابلو دی تا نه  
ابدال لار ار اسید اول تا بیتی لار لغیر حال لغیر مجاهد  
بسنج بولوب فرزند لاری تر بتر متا مید ابلو دیلار اکر صبه  
فرزند لار نیر صحتیانه و لقا باطن حضرت موسی علیه السلام  
تر بیت لاری بر له سطر طاهر تر بیتدن بچا مت برایتیب  
ایر دی ایا یس لاری جلیک لیکه دین اما لاری تربیت  
کامشول بولدی لار **الحق صفت** خواجه بلاغت مرتبه سیکای  
لار تکالیف شرعی فرض بولدی ایر به عزالت کونه قنیا  
ایلاب کچه لار پدار و کوند و زرد و نه دار بولوب طبع  
نشین بولدی لار هر واقع و حکمتر ایدیلار هر صحت دا  
**صفت خواجه** خضر علیه السلام دین اصلاح طلب مستلور

۲۷۰



ایردی لار و اصلاح دین کین حکمت لاریکاستمدت  
 برور ایردی لار و حکمت اتور وقت و اینجو دلو بولوب  
 لوقه امبارک کین لاریقه جاز بولور ایردی اول حجت دین  
 غلط کا و باجازه حمل جیماس ایردی لار و قیام نام بولما  
 ایردی زینرا که بن العینب رفیع اول بزکو از ظاهر بولوب  
 دور مرتبه حکمت لاری بریک استارت و معنی غایت  
 قیام و ایردی جاز ایردی لار حکمت یراق یردن  
 اوغیر و اس کا تو سار کیدد منیر مرلار و او بایلو تو نکل  
 و تا کیدد منیر بول حکمت انکاستارت دور که اول دفعه که  
 حضرت شیخ حجاز حادته عظیم پیش کیدد یعنی ظالم لار ظلم دین  
 اوت بل اسیفه گرفتار بولدی لار و بابا برله ضوایه فیه  
 محمد دین استمانت یا ورکیکیتل ویرلار برله غار صو  
 بولوب بر داز تو کوز ویرلار اندا حکم اولن لوترت  
 تو بنج فصل و اذکر قلندی و بول حکمت غایه غایت قیام  
 غرض او که حضرت ضوایه فیه محمد حادته واقع بولما خوچه

حکمت ایتماس ایردی لار و حکمت هوز لاریت پنهان  
 تو مار ایردی لار و **کشف** منصور مجاز افعه سید  
 مایه ی لار ایردی در به وقت بر مرتبه جمله اول نور دیک  
 اندین هونکرا قوتکوت بویاق تا غرض بار ویرلار مخفی  
 قالمایم قیام عرف و ابویاق یقه دیب است راک  
 و ابان غایتور لار و ضوایه نیکیش لاریک ل غایه  
 قیام غرض ایردی لار قوتکوت بویاق تا غایت  
 کاروان بیلدی و لمت فیکه او کین کلشیش لاریک  
 و بوبیت فنا ذات مرتبه سیک استارت دور یعنی  
 ضوایه غایه او سیمو تا غایه فنا ذات میس لاریک  
 شول یرد اجله اولتور ویرلار اندین کین بولما صو  
 مشق بولدی لار اندین هونکرا استارت بولدی و  
 تیرکم ای فیه محمد ای سیک غار و ابولما و کرا  
 دور ما انکشتیل سینه کورما کای ضوایه ایردی  
 غرض بار هم بولور او از کیدد کم مان غاری غایه



واند اقرار یعنی اول ایرد یکم بزرگوار عار مامک باریب  
و در اول دین او که علی صلی الله علیه و آله و سلم است همیشه  
لغات عبادت مستند است از کتب بزرگوار اول در کتب کور وادی  
و در لارین اشتیاقی اما بعضی آثار و غلات دین بعضی  
ریاضت شریعه کمر به لاریه است لاریه خواجیه شول  
سول عار و ابوبکر که است یسند قاطع است آثار عار  
لاری اول ایرد یکم اول مان حضرت خواجیه شول غار  
سپاس بولید لاریه است که جریح با قادی جریح  
فولوش کالک و لاری بزرگوار است کرامات لاریه  
ایردی او شیو حبت دین اول غار جریح لاریه  
انادیل لاریه این که بزرگوار اندا انشوده بولید لاریه  
ایاس بلکه فرارگاه لاری دوعلم هذا الفیاس مندان  
یرد ابولوع قرار الدیل لاریه است که جریح لاریه  
اعتقاد با علاب نیاز مند لاری بار دور و لاری اول  
بر بزرگوار نیک لاریت کرامت لاری قوت و ایکی میل

تمام بولغانیت کین بر کون اول لاریه و لاریه کیم قولان  
لاریه او از کمدی ای فقیه محمد که غلوت داخو سول لاریه  
ایکی مصاحبتک انیکد او در جمیع است بولغانی سبن  
و خدای لاری نیک منده لاریه کین منن نیکور کای سبن  
هر دایع و حکمت استقای سبن و حکمت بر لاریه  
فتنای سبن تا و فتنیکدین بونکر افدای لاریه  
نیک منده لاری منبرک نفیکدین بیره من بولغان  
لاری اول ایرد یکم حضرت بزرگوار عار مامک دین جریح  
او در منزل لاریه قرار الدیل لاریه است که جریح لاریه  
قلیب تربیت کور کوز دیل لاریه است که نیک او دین  
بول منی دیل لاریه اول لاریه است که لاریه است که لاریه  
بول اول لاریه است که لاریه است که لاریه است که لاریه  
لاری اول بزرگوار نیک منزل لاریه لاریه است که لاریه  
ایردی لاریه بول منزل کاشغر و لاریه است که لاریه  
نیک بول مقامات نیک بزرگوار لاریه است که لاریه



طریقت عرفان اول مقام اول بر دین عبارت دور که  
عالم ظاهر مستخرج لاری همه و یا تو لاری اندام خیر بولوب  
محبت توبه لاری روزگار واقع لاری دین بنزیر به لاری  
جادو لاری مقرر فیله را و سبوحیت دین اول کسیت  
جمع ات تو بولدی بجنبه کونین کین از اطاعه مطلق  
بر له خنک خنک بیستور بولدی بر کون او لور و لاری  
هم دروش اسکین کریم سلیم فیله وایدی ای نری  
ه لاری منکم دنیا مانکی سبب فلتای حرا خوا به یلا  
محمد دین ایتما پس مستور ستموایدی اری خوا به اید لاری  
ایکری کیلیس دروش خوا به الدیفه کیلیس بنیزی بر له  
اولتوردی ایر به حضرت خوا به جلیک اک طبع  
جاعلیق دایره تار لاری واید لاری دایره کافر عین  
دروش اید ای نری کوار حرام کار دروش دور حرا  
مویچ بول نه کوا کما موندین از راقه اول کور  
ساتانک اوزوا کازو حلا بین و موندیم بلیب

دور که اولکان اولیا لاری دنیا تیرتاغ لاری اوبالکاف  
لاری اید کور سببیت لاری و هم حضرتتک سول ولای لاری  
نیکنی اعتقاد فلیب بر دین سببیت و که موندیغ سیر کردن  
ایلا سببیت خوا به اید لاری دروش اگر موندیغ سببیت  
خواه لاری نیکیت فیله بین اول بر دین جلیک نکست تیرغیا  
لور سببیت لاری اول وقت دروش صدق و سببیت خوا به  
لاری یکم ارادت فلتای **حضرت خوا به** قبول فلتا وید لاری  
واید لاری دروش اگر خوا به لاری سببیت سببیت سببیت  
لیب لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
لیب لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
طایفه سببیت سببیت لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
بر زمان مجلس لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
بنم علیهم السلام حضرت صبریل علیه السلام و حرکتور  
دور واقع لاری دین صبر سببیت دور سببیت حضرت صبریل  
علیه السلام سببیت سببیت لاری لاری لاری لاری لاری



غنایکورد و دلدار و دلدارین کین جسته جان و لغت بعضی  
 بنده بیگانه و بیگانه کرامت قلیت و دلدار حسن الیا  
 انکاء اصل بولوب مقصود اری نه تیب و دلدارای یارین  
 بونکنه حق تعالی جبرئیل شکلیغ پیرلار کا ایبار پیر دور  
 هوزینی دولت پیرلار و فیضان دیا و خشت سعادت  
 بسنا بونای که خدای تعالی بنیرلار نه سعادت نمند لاری  
 قلیتای او شجوهت دین بود روس نه بسترل موا به  
 آتادی ناز و الا اسل بکرمه الرحمن دور او شجوهت قادی  
 حیدرین بات یقین آیه تمام بولدی الحاصل حضرت  
 خواجه بزرگوار الیک پیشیل عمر کوردیلار بر درویش  
 کالینه نیکو و دلدار و بکرمه تمام باعث قطب ابروی کلا  
 بر دقیقه او تو بپردی کم فوت بونیدلار و فوات لاری  
 قین بر درویش کوشید اکوردی ابر پیر سور و یغ  
 ای خواجه خدای تعالی پیر کانه قلیت ای ایدیلار  
 ای درویش سلک پیل که منک بر حلیت آیت ابریم بر کرم

اوچون حج عمره نواپن کرامت قلیت حشر بر ابر  
 حضرت محمد صلی الله علیه و سلم است لاری دین بر نیش  
 دوزخ دین ظلام لاری ای درویش خدای تعالی خلق  
 الفیل بر نیم منیک صحت لاری دین یاد آیه لاری کین  
 دیب غایب بولده بلار و الله اسلم بالصلوب **اولو زنجی**  
 شیخ منک نام و نادره ایم و مقوی دین  
 اسلام سخیل اقوام و پیر فرخنده فرغام و غیب سخیل لاری  
 علام اثنی حضرت خواجه شاکم قدس الله روحه و رحمه الله  
 و بر کات احوال الموال لاری و کرمه ابروی کرمه کامل  
 و مکمل و کاشف اسرار و بنده خاص بر درویش و سلم پیر  
 دایکانه و هر قطب ابروی اما اصلا نهند و دین ابروی کین  
 لیکه انا انا سیدین ابر یقین طهر صلی سیدین ابر  
 بولوب اسیر لیک طریقه بر سر له بلنج سید کل نوشته و بلنج  
 اسیر قلیت کرمه کا ایک سیل خدمت مسک و ایک  
 یلدین سبوتکر اما پیر طرفین جمع کار و ان بلنج



بار دی لار خوا به نه اول کمره فذ متدا کوردی و کاروان  
 فلقیدن برکم انه خوا به ابو بکر ابردی کوردی که یانی جلیله و  
 اما مقبول طبع لیکیدن طالع ابرکاس دور الفاعل جبهه یلادی  
 ابریه اول عمره پیری لوتاراق بهابرسانک براین پیش  
 یوز روینه کاسانه خوا به ابو بکر طوبی رغبت بر لادی  
 اول توئم بزرگوار خوا به ابو بکر منشا اوی کا کید لار روزگا  
 لارید ابرکت تا بهتی و عفا و باخل با ربه اموال نه سپارن  
 الاب صرف خذ ان بردی و خوا به ابو بکر بریل بلخ و ا  
 لوتودی اندون کین اوز جایی خذ کیددی و اندام جمع ملک  
 نقولین یلادی ابریه مقبول قیما دی لار و ایدیل و خوا به  
 من کجیک و درم و اشینک صفا و سپر خیم قیلا ما کیم ایدین  
 بهراق یوق دور کم من اوز مرتبه ابولیم و سپن  
 منبیکه ابولیم نک منکانه صد بولغای که روز کار نیک ایسی  
 لارین کوردن کا الفای من خوا به ابو بکر ایسی  
 کام اگو بهر اسمنر کوردنیک کا الپانک ام بردا بر اسیم

بوینو ک

بوینو ک غنه الفیل بزرگوار ایدی لار خوش بولغای  
 قوی بافتاق نه مقبول مثل این خوا به ایدی لاری س کلام  
 سپندین جیف کور از حیکم قو به بولغای سپن بزرگوار  
 ایدیل لاری خوا به اگر خوا به لاسانک کم دنیا لوت مالینخ  
 بهر تا بهای سپن و فراغت کور کای سپن من قوی  
 فلقینل آینه لار قو به چوستدی ابریه بزرگوار کوندو  
 قوی بافتب کچه لار حقیقی و لغای نه مشغول ایدی لار  
 اثر به مبارک مثل لاری بهوز کا جاری و سلام ایا کس اید  
 با وجود سیل لاری قل مل شمه هم بهدر حال بنده لیک کا  
 مشغول ایدی لار بر خطه طالع ابرکاس ایدیل ابر کونه قوی  
 لار نیک رقا بسیدالور و ایدی لار کوردیلار کم برا  
 قدس بر پری بهد بولدی و یا و ق کیلیت ای بنده  
 بتم نینک بنده بهر و سپن ایدیل خوا به ابو بکر  
 بنده بهر و سپن سپندین بولاک بنده بهر و سپن ایدیل  
 اری نیه بر بنده بهر هم بار و و رای بنده خدا بکلیل



برخواه غنای بند به بولماق صلیب و در بر بند کاهم ایکه خواهم  
 رواد و در هر ایکه بنیک فذمت و بولماق بزرگوار اید  
 لاری پر خیمه اتور پس بقدر حال بجا کیلتور و در هر امان  
 هند و دین تر و در هر تلم بوز کاجار و سلام بزرگوار  
 او شجوه دین بسیار المناک و در هر که بخوف بولور لیکن  
 اول برادر این نوع ایلو پس بسم فذمت و بولماق کوک صرا  
 لقان الطیف و در لطف غمخیز بر لبه قبول فیکه کراک بزرگوار  
 اید و پذیر تحفه بر لقا لقا خدا و چون بولور  
 نیم عبادت کالایم ترپ لار دین بعضی فیکه اور کانت  
 تا تو انی استیکه بولماق پس برادر ای بند این  
 عاجز لوق و بند لیک بر کسکه مو بجه بجه بولور فیکه آزاد  
 تر و در هر مکانه او چون بسم بولماق بولور کم عبادت  
 سله پس تعلیم بر کان جنت دین طاعت فیکه سر یکا  
 بولور اول اید و بولور کلیم طیبه کلمه سادات ایمان حمله  
 و ایمان مفصل دعای قنوت و ایتحات اوز کافاز ادا

لاری نه اور کاهم ای می تا نکلا هم او شجوه و حاضر لوق  
 و هم یکیلور و در هر لقا سله لار و تعلیم بولور کانت  
 اید لاری کاهم بولور بولور کانت بولور کانت بولور  
 رویش و بولور بولور بولور بولور بولور بولور  
 عبادت کانت سفل بولور بولور کانت کانت کانت کانت  
 ارقا سله ایدای لقان بنیک لاری غنای سفل اید لاری  
 تا کوند و ز غنای عبادت و ایتحات لاری کاهم بولور  
 و همیشه اید معبودی دیر اید لاری بولور کانت اوز کاهم  
 روزانه لاری بولور اید و در هر کانت کانت کانت کانت  
 بولور و شجوه کانت اید و در هر لاری کانت کانت کانت  
 اوز کاهم لاری او شجوه و در و ایتحات و در کانت کانت  
 لا اله الا الله کانت کانت کانت کانت کانت کانت  
 یکیلور و در هر کانت کانت کانت کانت کانت کانت  
 بند بولور بولور بولور بولور بولور بولور  
 انیک بولور بولور بولور بولور بولور بولور



مقول بولدی لار و موغنه دست قلیب کیرمه سیل یا صنت  
 تار تار بر لونه کلان تو پید اولتور و بوز ایش لار یغنه  
 مقید ایردی لار نیر سول جالوز مبد بولدی و بزرگوار تو پید  
 اولتور خان کلان و بزرگ اولتور و بیری نه خوند و یمنه  
 دور اول بنده کم بصر و قشقه شاد و سحر حاصل بولدی ایرمه  
 اوز لار یکا اید لار ای شاد کام مکر بود دولت سبک یوز کیت  
 نیم او سبک سبک بزرگ بولمورده نیکو رو و بیدار و ایردی  
 یراقین کیم بید بولدی و بزرگوار طریقه کیم سبک بولدی  
 یا و قشقه ایرمه کوردی لار کیم آق بقال یوز ایش دور  
 تو کل لار اید مقرر سید لار که حالوز ایتقان او سبک و ایردی  
 قلوب یا غلاری غنه لیسکه لار و کت بای لاری غنه یوز لار  
 سوز تو بکیم یغنه قلیب سبک لار دین دید لار  
 حضرت خضر علی السلام ایردی ای شاد کام تو قشقه کیت  
 حاصل بولدی و مراد نیک غنه نیک اغرنیکس اغرنیکس بزرگوار  
 شاد کام مبارک اغرن قهر او و حربه اب دهن لارینی

سالدین و ایدلار ای شاد کام مکر بود دولت سبک یوز کیت  
 اکابر لاری مجله سیلین بولدی و بزرگوار تو پید  
 خدمت قشقه سبک بولدی و بزرگوار تو پید  
 خواجہ حقیق قشقه سبک اولان لاری سبک بزرگوار ایدی لاری  
 بنده خاص لار و بصر باد شاه لم نیر لار بود دولت عظیم غنه  
 خواجہ خدمت سبک تا سبک مکر اوزی الدین تو غل مانو کیت  
 و یا خفست بر کاکو کیت بزرگوار لار کوشن خواجہ لار سبک  
 مکر دین خواجہ مجازی خدمت غنه زیاده راک سبک ایتیم کور کور  
 دی لار خواجہ ابو کیتیم کیم بکیر کیدین سبک کور کور بولدی  
 ایرمه ایدی ای شاد کام بزرگوار بود و اگر مقول قلیب کیت  
 ایما یین بزرگوار ایدلار ای خواجہ مکر بنده دور مکر بنده کیت  
 رو مقول سبک سبک ترو و بویرو سبک سبک بویرو سبک مقول  
 دار دور مکر اید بوز اول دور که شکاک حج فرض بولوب و بزرگوار  
 کلبا رب طوان قلیب قشقه لازم دور و سبکین اوز کاک ایتیم  
 کیم یوز دور خواجہ لار مکر قشقه اوز مکر حج کاک باریم و مقفلا



تین سیک سپا رس ملبم اگر ترک لبوبم تا کی کو بول  
 حالیدن ضرور لبوب سیک از فدا ای کتا تو فیض بر لبوب  
 قلیب لبوبم بنه از اد قلیب لبوبم بنه از اد قلیب لبوبم  
 مر بنده ضعیف قولیدن نه کیلور رور کارنگ هدا بگو  
 عینل که نلدر دور و منق سبسته خدمت قلیب لبوبم  
 تو لقیس لبوب سیک غه منت دارد و در زیر که فرغ ایست  
 نیت قلیب لبوبم نه او چون سبشک اسل عیا لک فدیین  
 بان بر لبوب لبوبم لبوبم لبوبم لبوبم لبوبم لبوبم  
 دین الیاب غیر خیار سیک لار و غیر مانع لار جتیدن ایکه  
 سل لولدا اقالدی آیدین بو کرا جج دولتی کاشقی لبوبدی  
 و طواف دین فارغ لبوب لبوب قربان لبوب کوشیدن لکان ججه  
 سبن الید اقویوب و لتور و لبوبدی ناکاه حاصر لار لار  
 خدمت کاسرست دکام کوردی و عجب قلیب لبوبم لبوبم لبوبم  
 اوفت بد و رویند ایوی انکانه قوت لبوب لبوب لبوب لبوب  
 او سب کمال بر لبوب جعفر لبوب ز حصه سب کمال لبوب لبوب

قوی نیتک الو سب سب دی بزرگوار الیاب لبوب لبوب لبوب  
 آیدین لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب  
 یا نیت سب سب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب  
**الفصل** لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب  
 ایر و کم بزرگوار شاد کام بزرگوار کاه الیاب قوی با قلیب  
 سبالدی لار و لار لاری بجه لاری الیاب لبوب لبوب لبوب  
 عید فخر سب سب لاری بجه رخصت بر دی ایر سب بزرگوار  
 اویدین حصیبت لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب  
 کایتی لار و طواف قلیب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب  
 سبن وقت و اول کاکلیدی لار و دالو کوشت نه کیلور و  
 بجه نیتک لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب  
 نوش کاشادی لار قاشیده ایرودی لار کاشی همان  
 سبور و کم شاد کام قاید و و رجه ایدیلار قوی بقا دور  
 ایدی ایچ وقت و غایب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب لبوب  
 قوت با قالی اوزا و ریند کاشی قوی لبوب لبوب لبوب لبوب



تلاوی در حقت بردیم شول کون غار شین غج غایب  
ایردی نماز شین داینه حاضر لودی بهور و یکم هیچ نرپ  
لیتور دیو حاکم لودی ایدی بردا لود کشت کیلتور دی خواجه  
ایداو استخوانی بنده میل نکینر لار ایدی فلان کون و اقویا  
ایردی در کفر الحال قبولی و استخوانی حاضر لودی خواجه  
بکورد ب تا لودیکم که قوی نیک الوی دور و در فغان  
بر لای تار ایدی ای ابو بکر ای نه مکم قلیب درین  
منزل مراحل طریقا قدین اوزر کا هیچ ایس قلیما بین فالونه  
مونه استیب ایدی ای خواجه لونه هوز ایزدی که دینک شاکا  
نه ایس قلیب ای ب با قربان کون غج دا ایردی که شاکا  
نه جابر لار نیک اسید اکوروم له پوز وید ورتنودوم افا  
عظم باور قلیماوی اول دور که او ترا اسید بولمائی سوچه  
لیک بر ل اوز حصم نه بردیم نیم قوی دالو بر ایدی و مک  
قوی نینک شانه سیر اول دور که او ترا اسید تشوک باردو  
اناشانه سردی بنر الحال قوی و بزرگوار نیک لار که

سولزبان ریتی ایریه ایاغ لاری غنه یقسلدی و بیلایا  
ایدی ای بزرگوار ایریه الکان سبن محال و مد سبن  
غافل بونوبت شکا معلوم بولدی و منی مندور کو قیسل و بولال  
غنه غم و قلمان غنه متک غنه بخیل ایق ایل کس و مندن خشنو  
رخصر بولینل نیم سبن ازاد میلدم داووز و منی قل و غول غنه  
در کار ایلادیم بزرگوار ایدی لاری خواجه سبنکانه بولدم کم بول  
هوز لار نه ایور سبن خواجه ایدی بزرگوار ایدی لاری خواجه  
موندین اوزر کانه بولسونیم سبنکا ولایت کرامت مرتبه  
سیر الکان و مندا خیر لوق اولکان سبن قربان کون غج کا  
بار غنا سندا شکا معلوم بولدم بزرگوار ایدی لار قاید اغ معلوم  
ملیک نیک خواجه واقع غنه بیان قلیدی ایریه ایدی لاری خواجه  
موندیک سبب جبر طاهر تر و در یکم سمریه ایکس سبیل خواجه  
غنه معیده تقصیر قلیما سا خواجه در کا بهدا الکافری بیتی بولماق  
لازم و ورو اولوز سبیل و در یکم هر زمان خواجه حقیقه یادیدن  
غافل بولماویم خواجه مجازی غنه سبنیم غنا ایر کاس ایردی



مژدای کریم و رحم دور که پس هیچ داکو رکاب فقیر نیک است  
 بولنی بونده جیانه خود اول مرتبه یوف دوریم بر تونده  
 هیچ باریب کیلکای خوابه ایدی ای بزرگوار منیدین نیمه پائو  
 سپن کم من خود حقیقت کار دین ضرور بولدوم و فاش نم  
 یلما غوم دور بزرگوار ایدلارای خوابه فاش قینا نیک است  
 ایما کونیم حال افا لونه نیک اید نیک خوابه فاش مقامید ایلو  
 تقیرن جور ماکن ییلادی بزرگوار ایدلارای خوابه حرا  
 بنده دورم و بنده کانه دور که خوابه اید از تقیرن ییلکا  
 و موند ب تقیرن جور و ب ییل ییت ییلادی لار رسول بزا  
 بر برلاری خسته برله جدا بولوشه لار و خوابه بولوشه نیک است  
 ایدی مژدای نیک غیر نکرده به بجه ییل ییت مونس ییق و طعام  
 حق در میان دور بزرگوار نعل برله منی موند اضایع قویوب  
 بار و سپن منی هم همه فکین تا هریر کا بار بک فک مندا  
 بولایین دیب مرلار بجه یول خه کردی بزرگوار ایدلارای  
 خوابه سبکا متعلقات کوید و موند علقه برله هم بولوشه

سپن خوابه ایدی ای بزرگوار فکایم لعلی فاطر قالمای و  
 بر تقدیر بولوشه هم حضرت نیک است امیدوار دورم که منی هم اوز  
 نلکیک بقلی قینای سپن و فکای منی ماسوی الله دین  
 بود و روب ازاد ایلکای سپن بزرگوار ایدی بولوشه  
 برله مونس بولوشه خوابه ایدی اولونخ علامم اوشبوقوی لا  
 دورم که امیدوار دورم که حق تعالی اوز قدر برله ناصر  
 و مابولوشه قینای دیب فاش اه ماسخ سوزمان سوزک فاش  
 رب لغزت فرمان برله ماسخ مبدل بولدی آیدین کین اید  
 ای بزرگوار ایدی نه دیر سپن بزرگوار ایدلارای خوابه  
 صبر کل فکینل نیم است مفسود و نیک حال بولوشه فطر ایل  
 یا فیصل اموال استیا نیک است اهل عیالک عنده فیصل ایل  
 و همه دین خشنود لوق ییلاب ازاده فکینل اول وقت دا  
 منی کوز تو فکینل اول بزرگوار خوابه ییلادی کا کیلیدی خوابه  
 لا دیکم خوابه نیک است بزرگوار ایدلارای فکینل فکینل  
 علیه الله فیصل لیا سوزک استار نیک است ییلادی خه ردا سالیب



و تو لیقه عصا الیب بر سر صاحب بر صورتی اظهار بولدی و  
 دی ابوتر حیدر ان بل فذمتی ابولغان قل نیک سوزی  
 برله سوچه مالک فضاغ فکد نیک قانغاینی انیک سوچه  
 نابود ایلاک باره عسلایح و سیر انجلیک غبریم اوروب  
 بیخامان بولغان فضاغ لار سب و مقصودیک غبریم  
 سب مونیک نیمه صوفی بار دور و مونی هم بکلیس که اول  
 قل ضواه لای دور که فرکار سکا جاقان لیت قیتغای نهیا  
 انیک سوزی لکافور اول غیش که رسو ابولور سب اول  
 تر و ضوایه ابوتر مونی اشترایر سب عتقاد دی غاندک سنت  
 لوق همد ابولدی نه اوز لکایدی انی بکر کلیس بو سوزین  
 حج واقع سب سوزیل کم نه دیدور اول ایردغ سورده  
 ای خیر اول بزرگوار نه موبخ سلب سلب سب سب  
 داجیر اند و حرم قریب کونه حاجی لار سب کور دوم کال  
 اوز نصیم نه بریم حج دین کیلکامین کین او سبخوانی  
 اولوم دانا سب کور اول بولماسا بر کونه ان حج کابار سب

کدر سب

بیلکامین ایردی دیدی و بولجت ایدی ای غمیلکامین اول  
 میلدی چکیل که کس منی دین بر جهان انیک برله هم سوز  
 ضواه لایه بار دور و طرفه الین ایش کیلور واقع جادنه لارین  
 خبر کیتور و راول لونی انی ابار سب ایردی انیک صورتی  
 ظاهر بولوب جفتک الیب بونیک کیتور دی غرض اول بریم  
 سبکام بولور دین خبر برکای سب بولکام فضاغ بولوب  
 رزاد فضاغی سب اول هم سب بولدی ایدی ضواه لایه  
 بنه بیت لار نیک سب سب سب لاکای چون ضواه بولور  
 اشیتب لکاید بزرگوار دین بوز او پرو بکسر بولدی او  
 ایدیم ای ابوبکری بونه سب سب سوز ایردیم نهایت سب  
 لوق دین بولور سوز لار نه سبکام و اکر بولور و لکام  
 ایردی ایشین جیب سب سب سب سب سب سب سب سب  
 جندان زیاده بل مال نه صرص بولدی و تانس بولغان  
 لار لیکه ان سب سب سب و ندامت لاریدی واری مونیک  
 برله کچتر ایردیم بزرگوار سب بولدی لار کور دی لاریم

۲۸۷



خوابه نیک موال استیسی هیچ نقصان و تغییر واقع بوماب  
 دور اندلاری خوابه وعده میان کسی اوزونک العیسی تم  
 هذای تقام در کاهدا وعده خلاف لیسج بخوک دور حقیقت  
 کار دین سبکمانع بولنان شیطان علیه لعنه ابردی سیر  
 صورت البولوب فریب بردی و سبک شیطان الیکانین  
 بلعای کونکونک انتظا نفسی نل نیکر بولد و نک عمل لار  
 جظ ابلاب خوابه حقیقت در کاهیدین یراق کوشتونک محال  
 خیر نیکوت دور سبک مال خنلور و نیتدین زیاده رات  
 جرم کلیت رو بولد یه ایلانخی بولد و نک بخولد و رکه بر نفس  
 هم دین محرم قلم دیب قدرله دوم باره باتاسی طرفکا  
 قرادیلار ابریه کرامات لار دین ایزد تقام فرغانه برله اول  
 هم تاش بولدی اولقر کرامات هم بزرگوار دین ابردی اناخو  
 البولتر دین ابردی تا اوز الیکالیت و نس لک ایش داکونک  
 قریب سمر ایتام قلیای اندین سونکر عایب بولدی و عرب  
 لاری حضرت بابا قنبر و استانه لاریکا باریک و نسیل

ریاضت مار سبلار و مجاهدین تاسیلار و ریاضت لاری اول  
 ایزد یکم هر یک اولون رتی ثون افطار طیب لغان کونلارده  
 روزه دار ایزد لار و هر یک پیش بوز رکعت نماز او تا دیلار  
 نماز نیتده تا نیتده استاده هفتما خوجنجه بحریمه باطل مادی لار  
 و سادون سو برله بوز نوبت سبل بجا کلیت رودی لار و نوبت  
 هم اوز کار ریاضت لاری بار ابردی طهارت و طهارت صوب کاه  
 دور بر کونی سبل لاری صومعه سید اولتور و و ایزد لار  
 تم بر درویش استیکدن کردی وایدی ای بزرگوار اول  
 حضرت قنبر عینیت و ولایت کرامت لار نیک نیک  
 سبک و نفع ایلماک معایده و در چون بزرگوار سبل لاری  
 روضه متوجه بولدیلار ابریه است رت سیرای **شاد کلام**  
 همیشه صابر و سبل کرم بولغو لوق ابریه کاهنی قدره  
 در کار لوتخان کراک اول ایزد بزرگوار کونک لار  
 باغانه مکره سیدلار اول کار دیده درویش  
 نیک یس یکره سبل بسته بولدی خیر لار کونک

۱۸۲



جایندرم ملکوتی غوغی کزین نیزی لار رسول  
ساعت اول درویش نینک اش فنج مایه وینه بر نوبت  
دوستاندین بزرگوار غنایم ایسی ایریه هر جنب بهر مسئله لاریم  
روز لار سیر تو خفا لغای لار لولا مالایلا خنر سینه پرورد  
لاریدین ای تاریل لار ایریه مبارک ائین لاریدین اوت  
دوستان نینک اعی کا کوشته ویک کوید ورد وینه بر تو  
خواندین مکرده ای سی به توقف قیاف نینک ساین اورد  
لار ایریه اول به عادت نینک هم باشه تیندن جدا اول  
عنه القیاس بخند نوبت بزرگوار دین بونوع کرامت  
طاهر لوله ای خود روش لار دین بری کستا خلق ساین  
اجتی ای بزرگوار اولیا لار اهل کرم بونوب لار ویک  
مانع مکروبات و تقصیرت غوغو متلیب لار سینه ویک  
خضر تینک غنای اولکار مای ساین و معاف تو مای ساین  
بزرگوار ایدلارای درویش نه خوب بتور ساین اما  
بلایس که صحتی و لغای غنایان صفت لار بارود

هرت و لینه بر صفت بر لایه فیکو اول جهت دین بعضی  
بلیم و کروی عفو لیک جماعت لیک لور لار و فقیر لاندک  
الم و مژده غنای دو مژده اول و جوی دین دور لیم  
حقیقتی اول لغای نینک بونده کا قدر صفت بر لایه سینه بارود  
وینته سیر سینه فیکو کمر معذور بونغان درویش لار لیکری  
لایم کوسیر دور اعا بعد معلوم بونغانی نیم اول بزرگوار نینک  
عمر لاری اتمیش غنای ایریه کفر سینه اما بت متغای کیک  
ایدلارای یاران مزایا مالایس مرم بر تقدیر اسم هم تیرت  
فیکو مالایس مزایا که مرید پرورش فیکو دور خان سینه  
لیم و معاف لغای مالایس غنای ادب لیک تقصیرات  
و مکروبات مرید لار دین الکاتب کجور کای بونوع ایریه  
مرید تقصیری بونیک استیفا اقا لیب سینه فیکو مالایس دور  
بر قدم لیکری کیک مالایس دور و بونجهت دین سینه  
هم تنزل واقع بونوع دور و تقصیر کم انیکه نینک دوی  
جایلیق مالایس این غنایا مالایس دور و بخون مرید سینه



قتل انوم دور و بیختر نیک را دین قبول مبی دی لاری  
 اما اوز لاری بابا قبر ناسم لاری دین تربیت تا بی تمشی  
 سیل عمر کور دیل ربر کون عرب لاری استانه سید اولو  
 رور ایردی لاری استارت بولدی ای شاد کام مر بولکل  
 لازم دور که خواب مجازی نیک صبر نمر لیلیا بارغای سبن  
 و نیک نیندا ارام و قرار الغای سبن تا سنجک جانیک  
 اول بهمان ختم قران ثواب غنه مشرف بولغای سبن اول  
 ایردی کم بزرگوار عرب لاری رخصت برله یا ندیل رو خوابه  
 لاری صبر نمر لیلیا کیلدیل ربر سیل نیه اول کون حیات ایزکل  
 و بواول کون بجه قطب بولوب اندین بونکر اوقات  
 قتل اوقات لاری بونکر ایزدوسل توستید اکوردی  
 ایزدی بزرگوار شاد کام حال نیندورای مرد خدا شاد کام  
 خوشحال و شاد کام دور و سبن باریل اوز شینک بو  
 لعینلیم دینای بولدی لاری داند اسم بال صواب  
 اولوز شینک باریل صواب لوز و کانت اسپر ایزد

و بنده خاص پروردگار لغیر خوابه نیکه مار احوال اوضاع  
 لاری کرامات مقامات لاری ذکر بیداردی ایردی لاری  
 جیشی و لغا اعشوح اویتد ایزدان و خدا دین اوز کلا  
 نر لیزان و ریاضت بولته سید اکد ازان و غم تنای اوزرا  
 لریزان و مجاهده با بیدار قدم امشل و نادر الو قوع  
 حضرت امام حسن و ضامن غنه نیک اولاد لاری دین ایزد  
 لاری همه عالمه ابدانند و شبیه عرب لفظ دا فصیح صبی که  
 یومان و سرباز عرب اوز کلا الفاز لاری هم بیلور ایردی لاری  
 اما اول جالدا صیاد لیون برله او جبار لیغ و تار لیغ جانو  
 لاری حد نهایت سپر قول غنه کیلتور و قیاس سبکین لاری  
 نفقه بیلور ایردی لاری بزرگوار بر طوطی دام غنه بیلور ایزد  
 ایلیغ غنه باغ سالیق لاری غنه قوند و ردی لاری  
 دیلوز کوزین سیل دی لاری هر زمان اول طوطی بزرگوار  
 لوشو برله بوقور ایردی لاری خواجه لاری کلیل  
 بر کلا و ردی لاری ایزد طوطی فریاد جبار دی و تلی

۲۷۹



۱۳۷۱  
۷۱۰۲  
خاکسپیدی ای آل علی النبی کم حضرت علی دین و یا حضرت  
امام حسن معنی امد غنمین هیچ فریده حقیقه ابو نوع لغت  
واقع بولوب مودور سبندین منکاتیر ایدی که ملک  
بلاغت حربه سبکاتیکان وقت دین بری تا بوزمان  
خه تکر و خدای لغاتینک ضرر بنده لارنیر حد نهایت  
بجان میلدنک هر چند مباح بولوسیم بر کونه داحما  
تیر بولور لار دین سبک کمان میلفاندیک ایدین دور  
حالاکیم وقت فوس و فرصت غنمت و میدنم کنگر دور  
الراغرت اشینه هر کوشش قلیک بدات ایردی جون  
مونه اشتیب خواجه نینک کونلر کاشور توشته و جاسیدا  
بوش بهد بولور لار سبک اوز لک ایدی ای محب بینه جان  
کردار و زنت متبع ایردی که سبندین بولور و صور  
سبندین بیل سبک بولور فریادی خه تیلد و سب  
سولزمان باندی و قلیکان لار دین سبک بولور  
طو طغر ازاد مستلک و محانه بوز کلبور و ببار و

ایر و یار سبک باره بیان طرفین بر اولون سبلان سبک بولور  
و سوز کاکسپیدی ای خدائینک بنده هر سبک کابار و سبک و  
دین کیوس سبک بزرگوار ایرلار ای جانور غریب لیس غن  
بوز قویدم و جهان قیدین آزاد بولدم اوز و طنجیدین  
یراق کوشتم بار اودور من که موش تا سبک همراه بولور  
ما سبلان ایدی ای غریب منم بولور بیان داغریب ترو درما  
و موشه غنمتان دور من اگر منی موش لیس غنمتان  
همراه بولای خواجه ایرلار ای مار سبک سبلان دور سبک  
و منم اوم ارمنیر و بخوک موافقت و اشیا لغت سبک بولور  
سبلان ایدی ای لویه سول نوع داود و اما هر ایش بر فرستیده  
کارنک خلوت و در سبک قلمینه و هیچ تفاوت بولور دور  
جنا بولور آیت کریم دلالت میلور ماتری فطوح الرحمن  
من تفاوت لیس لور مای سبک ای کور کور غنمتان  
اگر من سبک تفاوت یعنی هیچ خلط لوقمور چون خواجه سبک  
اشتباه تعجب قالدیلار و ایرلار کم عجب و کم بوتیل سبک



خداوند عزیز کلانی دین ضرر دارد و در مکان ایلام که آدم  
 دور چین دور هر خوک بوسه هم بخند وقت اینک برله هم  
 بولوبه نفع حال مثل این اگر ایس الفت آیه نینک برله بولوبه  
 یوق ایرپه اوز بولوبه منور تو این اول ایردیم موبش لوقه  
 بقول نیکلار و بریل نینک برله همراه بولولار ایرپه  
 عیال نینک لارغ کور و دلا اوز لار لیا ایدلاری  
 نجیب لیم صورت دالولان دور وین آدم اما مغرور  
 اول آدم دور وین یلان دورین زیر که هر خیره فضا که آدم  
 دادور اینک امار دور اما سهند نینک نشانه بولوبه  
 ترور او سبویان دین عبرت القای سین لیم صبح بجان و کتا  
 تقرب لار برله سبکا به یه ایباریب دور صبحین غنیمت  
 بلیبش لوقه منقسم بناییل و نیکدین قو لوک بناییل  
 شاید که صبحین منقسم کور ارپین و نینک لولون مونیک  
 برله نینک ایرپه خواجه ایدلاری خدا نینک منده برادر  
 انیسل لیم سین یا بری تا کونلکوم قرار القای یلان ایدی

ای نجیب بریل کجبر لیم مونینک دورم اگر آدم بوسم  
 ایردی پلور ایردینک مناسول یلان دورم که اولق لولون کوی  
 ایردینک بزرگوار ایدلار صملا بار دوریم ابدال لیق مرتبه  
 سیکاتیکان دورین یلان لوقه اندی و سیم قلیبیدی  
 ای خجوب تا نینک منم آدم دورم ابدال القیب جماعه سینه  
 ابدال صبحه سپیدن ایتیم عبدالقدور او سبویان ایرپه  
 بیر لوقه یلان دور هر زمان که هر کتک کلیلیم سین  
 عبادت قبل دور دیب جان غل و نینک ما عبادت داریم  
 ایردیم بلله اوز جماعه برله ملک ملکوت سیر و اول طرف  
 ایردیم اوز و منر سبکا نونداغ تور با ایتیم دیب سبکا نوندا  
 دیلان لیق با سپیدن حقیق فوب صورت و فوش  
 قامت ایرلور بله سبکا کما اوختا ماس و اوختا سیم کوی  
 اندین کین ایدی ای نجیب سبکا لیل که خدای تعالی منر شخص  
 سبکا و یلان بویا یان خه ایباریب ایردی لیم سین  
 موند اوشکوک دور ما سبکا موبش بولوبه موفقت لیک

۱۹۱



کوک که زوب تربیت مکتبی منابو کون وعده خریفه  
کراک تم بری بریندین جدا بولغای منیر اور نوکندین قو  
ایین وکیل نیر کو افر الجال قو بوب مین دیدلار ایریر  
عبد الله قدسی سوره العزیز قاتحه او قوب صوابه نینک مبارک  
یوز لیکام قیلدی لار ایریر به بخود بولدی لار و بخود لوقا  
داسینه لارینی یارب بولودیلار دینه میکسر لار رسول پاحت  
به بولدی و قاتحه او قوب نیه یوز لار لیکام میلدار ایریر  
اوز لار لیکلیدلار و کونل لارید اصفای تاجی لار حضرت  
سخ عبد الله منیر لاری محبت کورد و کایدیلار باطنی  
صفای کورد و مسخ ایدلار سیمیش لار نینک اصل طین  
نینک صاف لقیق اودور ایدی کار کراک و کرم ایش قیلغای  
بللیس که اگر آینه صاف بوبه بار به نرسه لار صوت  
کورد و دورمه بعد بنویس و خواه لایان پرد الوصل  
و منیر سیرل ایدلار نوبت کوز کو لقیق در غایب بولدیلا  
بزرگوار رسول منیر لایه ایدلار سیرل قو قاتحیلار و حضرت

سخ عبد الله تورت حرا بته کیلیدلار و بولوا یکسیرل  
مقامات علما و کرامات قوی حاصل بولدی اما میلان لار  
برله ایش لفت لوت لار ایریر جو کوره لار لیکامیلان غلب  
اجاط میلور پردی لار و ایدلار سیرلین سخ عبد الله سینه  
کیلیدلار و ایدلار لاری حجابیدلار کراک بولیا باندین سیر  
مکتبی سیرل و ترک شطریکا بار سیرل سوندا بولغای  
سیرل نیر کو ایدلار لاری سخ قرارگاه قاید اودور اندا با  
غای مسخ ایدلار لاری محبت و شش ابن الوقت نینک ضیای  
ایکلید ایا پس دور نه برکام مقرر و دور اندا لوت قاتحیلار  
دیر حضرت بر دیلار و قاتحه او قوب و اع ایدلار نیر کو  
سخ نینک حضرت لار برله سفر کایوز کیلیدلار و دیلار قدم  
لقدیم کیتب برور پردی لار بر میلان را بر بولیم ایدلار  
بولد اقایلار و بولیم میل و اما ملین ملک کایسی لار اندا  
شبان اطلنج برور و شش بار ایرودی رما صنت کاسعول  
و مجاهده برله معروف انکی ملاقات میلدار و بخند بک

۲۹۸



اول در ویش برله صحبت لوتوبیم الله لار اول مجاوره  
 ویش نیکم نفعی هر نر بیدین او قد کله مار ایدی اول  
 جهت دین ضلالتی دم تیردیر لار بزرگوار حضرت  
 و اجازه تسلادی لار نیم ای در ویش شکا دستور کبریا  
 تو نه خیار قلیب انی است ایلبی ز رشم نه سفول لوتوب  
 ویش ایدی ای یار عزیز تا عالم عین دین است لوتوب  
 اجازه برماک کما مروق دور اول ایدیم متوبه بولدی  
 و حراجه دافتر تا بتی نیم ای شعبان شکا بر اوق حواله کلب  
 دور سول تراست و فین اغیل نه بر کما باریب لوتوب  
 و لم بولیم سوند اقرار الیقینی سبن یا در لوتوب اول  
 ایدیم اوق نه اینه لار هر غایب بولدی سبن امواره سبن  
 بار و لار قراکس در یسب لیل کرا خداتما بتی لار نیم نسیخ  
 یا ویر اید لار بزرگوار اوق نه باوق تیشی لاری بال  
 اوق نه غایب لیدی هر چند ایزدادیلار تا بجادی لار  
 نسخ شعبان اید لاری یار عزیز شکا منزل اوسبودیم

شودا بولوب منزل قلیماق کراک اول ایدیم سول اید ایتفاق  
 عمارت بنا قلیب منزل ایلادی لار و اوق تیکان ایدیم  
 پایلب صومعه آباد مستبد لار و بر مبله ایتفاق برله مقارنه  
 لار ایدین کین **شعبان** اید لاری حجبی شکا حضرت  
 بریل تا منیریم کما بار این **شعبان** ایدیم  
 یوق دور اماره و کار و اوق لار دین موصی جرفا رجه  
 لار اید ابر بر منیر موصی غنه حاجت کوشه کچو قلیو  
 نسخ شعبان هر اوق دایر عاده نه بتی اوق روان قلیما  
 اول فطک با قلیب عمل ایلایم بر بر منیر نیک فایمیر  
 شو نیک برله سبلا حضرت شیخ ایدیلاری شعبان وقت  
 هلماک بخوش معلوم بولور ایدیلار ایدین هلماس کراک کچو  
 زمانیم اوق کلیب کم بولور وقت نسرع تیکایمک ایش  
 دور مینا بولماق کراک دیت حضرت برله اوز منزل لاریکا  
 قلیک لار و اربعین اضیاء مستبد لار و اوق دایر عاده  
 بتی اوق روان ایلادی لار و صوابین تا بتی لار اول

۲۹۲



یل مونیگ برله کجیتم بربرلار نیکور مادی لارا و  
 واسطه برله عایبانه صحبت لوتار ایردی لار القمه لوان  
 یل اچسا حضرت شیخ حبیب معده ایردی لار و هم  
 کیملک یلان صومعه شکر دایقه اوروب یردیلم جن  
 غه لول برمالی تاش حضرت دل سبت خاطر برله عبادت  
 قیقای لار **حضرت شیخ بزرگوار** اوسبومار مجاری  
 برله بات مقصود لار لغو بیت ال لوق مرتبه سیکامرف  
 بولیدلار و دولت ابدی و سعادت بهر مدک و سل بولون  
 زمان هر کون حضرت خواجه زنده دلاان حضرت خضر علیهم  
 برله و هم خواجه ابو الفیض الدین برله ایکی لوییت صحبت لوتار  
 ایردی لار برکون صومعه لار دیر اولتور و رادی لار اوق  
 قیلب معده اچس نوشته و کم بولدر بر حیدر ایزد ایلار  
 تا مادی لارا و دلا لار لیکلای لاری عجیب و عده سعادت  
 یرکیم اوق قی زالحال قویوب صومعه دین تا شکاری  
 جعفر لار و یلان هم لوبدی ایر برسلایق ارسخ

کدی لار و ایل لاری یاران توز جعفر لوبور دین سبیل و  
 سنود بولونکینلار و کای و عا و ایا و قیلانکینلار کیم نکاکتار  
 وقت بولوب ورسلا یق قیلاشته لار ایل لاری بزرگوار  
 حسود لوق غیر نرطیندن بولغای غیر فقیرلار غه نه مدو  
 تم سبیزدیک بزرگوار حبیب لوق قوغای جعفر شکدن ایجا  
 ایلار منیر تم چندین وصیت قبله انکار عمل ال لای سبت اوزدا  
 سنا ساق و دنیا آخرت سعادت بهل سنانک اول ایردیتم  
 حضرت شیخ ایل لاری یاران سبزلار کا وصیت اولدور  
 منی صومعه اچس فن قیلبکینلار و روزگار صواد نالت لاری  
 ایکسیر لوز سل غه مندن جعفر لار بولونکینلار وینه مادی  
 تحقیق ایلانکینلار وینه مادی امر که لویسان ترکی و دران غنیمت  
 لوتونکینلار و حال دین جعفر لار بولونکینلار کیم فنیک کیم  
 دور وینه سبکینلار کیم هر نیاز مندر مزاریم طوافینه کلبیب  
 نیاز اولکار سه نیاز قبول لوتونکینلار نشانه سی دور  
 که یلان طاهر بولور و معده غنی فال انکینلار لایب سبجان

۲۹۹



و بعد از آن بستم مقیدی ابره هر طرف کا خبر ایبارد  
 لاریجانبان کلیلک و استخوان لاریجانبان  
 نماز لاریجانبی او تا دیار و صومعه است من قیلید لاریجانبان  
 لاریجانبان بونلرا بر طریقه کوسید اکوردی ابره ایبارد  
 بزرگوار دیدار نیک شستیا قید او تا ندیم حضرت بزرگوار  
 ایدلار هر نیم میلانینی کور به منر کور کا نیک بولغایینه  
 پور دیلار حندی لغا سبک کانه فیک ایدلار قورم  
 شیخ عبد الله بن محمد کاتلیان فی مقیدی و الله اعلم بالصواب  
**اولین فصل** حضرت بزرگوار وفات لاریجانبان  
 بونکر اول میلان بزمان استانه لاریجانبان  
 بولماوی و بزرگوار کا کورماک ارضو بونغان بعضی  
 اول میلان فی زیارت قیور ایدلار و میلان هم رک  
 کرامات لاریجانبان بولور ایدلار وینه ایکر لوز میل عجز روزکا  
 صو ادت لاریجانبان هر طریقه کانه واقع بولور بزرگوار  
 نیشک استانه لاریجانبان باریک بره کا خذ و ادت قیور

توفی

عرض قلیل نیاز ایدلار و زمانیدین بونکر ابره  
 مقصدی کا غرضه بونکر کلک کور ایدلار  
 و اول لاریجانبان بونکر ایلان بکر میل خج قید حیات  
 ایدلار اندین بونکر وفات قیلیدی خلافت ایدلار  
 بونکر بزرگوار نیشک میلان لاریجانبان فی قیلیدی  
 بولور بری ایدلار حضرت بزرگوار غرضه قیلیدی  
 هر نه فرمان بولدی قیلیدی اول ایدلار دیکم باره کا غرضه  
 و اول قلم بلیست استانه دا قوی میلان زمانیدین بونکر  
 باریک کور دیلار کیم لنکر غرضه قیلیدی لنکر لاریجانبان  
 بیت دور اول بزرگوار نیشک بونکر لاریجانبان لنکر  
 قیلیدی صوبت قبر با غلا دیلار اول صحت دین  
 نیازی مقبول بولدی نیاز مندر کا لنکر دیلار  
 ظاهر بولاد و بعضی عوام لاریجانبان قبر بزرگوار  
 قبریلای کما فی قیلیدی و لاریجانبان اول لاریجانبان قیلیدی  
 ایدلار و بزرگوار شول میلان نیشک قبر دین و اول

۷۸



**اولی از سکنر پنج باب حضرت خواجہ تاج العطاوی قدس**  
 اقدس تاجار و العزیز اقبال و منافع لاری بیان مقامات  
 و احوال لاری ذکرید اوردی اوردی لاری که در سمنه و بزرگ اوده  
 علم ظاهر و باطن و ریاضت مجاهد و ابروین و ابقا لاری  
 نجف اعیان لاری دین اوردی لاری سیده لاری لاری  
 ابروین و جبین و طواف مکه لاری لاری لاری لاری  
 و لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 و در بزرگوار نیک سلم لاری لاری لاری لاری  
 زمانه اینه نوبت حج طواف مکه لاری لاری لاری  
 استارت بولدی و استارت تیر لاری لاری لاری  
 مرتبه حج طواف مکه نیک و بقیاع سلم تا نیک ایدی سنگا  
 کراک لاری مدینه کابریب قامت مینای سپین ضراب و  
 علمینک دین نفع نیکوی کای سپین اول اوردی **حضرت**  
 خواجہ قدس سید العزیز استارت غلبه استارت لاری  
 و لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری

مدینه لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 برنج کون مدینه کای تبیب و مطهره طواف مکه لاری  
 قیل لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 حضرت سید الشقین علیه الصلوٰۃ و التحیة و مدینه مطهره مقدسه  
 لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 موند اوست لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 طفر نیک صاحب نیکوی لاری لاری لاری لاری  
 ختن و ختن نیک سرافین تا بقای سپین البه کربستان  
 بار ماق کراک لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 دور و عالم غنای نهایت محتاج ترور لاری لاری  
 لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 زیاد و کراک لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 دور بزرگوار استارت لاری لاری لاری لاری  
 منابده ضعیف روضه مطهره مطهره لاری لاری  
 بار و دور و حضرت نیک بار و کون لاری لاری



بخوک بن ملک حضرت برورسین دوم باره او از کسید کم ای  
 العطای بنیک اعتقاد نیک دل مرتبه دایما پس که یول یراق لیق برله  
 فلی با بقای و نقصان پشیل غای و سبوح حبیب بن ترستان  
 حواله مکنند نیک یراک هر چند یراق سبب و لیکن اصل اعتقاد نیک  
 برله بوبانک منیک برله دورسین و اعتقاد سبب منیک برله دورسین  
 مناسبت تر دورسین اصل من عقیقه یسع مرد اولدور که اگر چه  
 یراق بولایه پس مرتب شکین یاوق دور نظم بعد منزل نبود  
 سهر و جانانه و جان سهر دایراق اولی منزل **ای باب**  
 موند البو ماقیدن مقصود نیک ثواب حاصل بولایه خلیج دورسین  
 هم موند ایتدن زیاده راک ثواب حاصل میورسین زیرا که حسد  
 لغای نیک بسیار بند لاری بار دور کم برداشتمند که محتاج ترور  
 لار بولایه و سبک معلوم دور که هر یک که ایکر هم به اول یرا و زرا اول  
 دین علمیدن سید لاریدن ملک نیم قبل لار سمان موند اغ  
 اولوغ غلیم برل شول یرکا سجده قلمو رو از زوایلار کاشک  
 اول یردین مع بولوبم یردی تا او سبتو نوع دا اولتوروب

شول مسئله ناکفت کوی قلیقای یرا و زرا نظم سمان سجده و سبت  
 پشیل منیر کور و یکدوسین و پشیل سبت سبت سمان  
 سجده قلمو تقییم اید اول یرا و زرا ایکر هم ایکر هم نیکری اوچون اولو  
 وینه هر کم بر سبک منیفه سبت اورکات سبت جان و لغای کوه قاف و سبت  
 ثواب ل شیک کرامت قلیقای اناجج دامو کجه ثواب بولایه غوسه دور  
 زیرا که حج فرض بولغان بولایه عده سبتن جفت راکر فضل  
 دور زیاده سبت اولکاب قلیق و اسلام طلب غلیق یرا خالو لغه  
 فرض دور فرض تقسیم بر کوجر کاز زیاده راک ثواب لایه کرک  
 چون بوندان اشیتب چهاره بولایل لار و زرا لایک اید لار  
 ای مانع العطای لوزجیل اجمال ناخوش لوق دور که او سبتو  
 دا قلمو سبتن و سبت کانه حد دور که انیهم لوقف قلیقای سبت  
 بلکه بشارت خوشحال لوق و سبت دور که موکجه لضا غلیم کم  
 استطا غلیم لوق قلمو میده برله **حضرت صا** **الله علیه و آله**  
 لطف لایب موند اغ ایس قه رت قلمو لار کم غلیم  
 این همه دعه لار بولقای اول یردی که علم الصاب و قلوب

۲۹۵



یوز لاله لار اوج یل لولدا قالیق رکو چر لولدا انا چن ملکه غه  
 یی لار و سجد کونته سپید اقرار الیک سجد ادا و کار و یل لار  
 لکمریه ضرب بر دیلار ایم ای مانج العطای خوب ملک کا کلدن  
 موند اسالت و متولن بولمن دل نه خیار و طیب ای لعل انیک  
 بنده لاری کا فیض بولن چنانچه حضرت رسول اکرم صلی الله  
 علیه وسلم بیت لار ضرائف من فیض النابض ادم نیک خن  
 ی اولدور ایم ضلوع خه نفع تیورسم اما بولور برنگ لولایر کاس  
 و در علم الصباح قولن بولور نیک کنت لارین سیرغیل  
 منزل خوش کلدن بولماق کراک اول ایدی که نیجه غری خه کلدن  
 و صبح سعادت اور لادی افتاب بی بر نور خه نفع عالم اورد  
 تارته بزرگوار سیه کالوز لاندیلار و سیر قیلور ایدی لار لافا  
 سیه لار منزل لینه کوشته ایم بیضا خوش کلدن سیر که خوش  
 هو اجان فرسولار طاری و مانع دانی دا باغ لار مملوک  
 خوش ضعی ایدی لار بر سولر کبار سبب جزدان نه ماس لار  
 قلوب اولقو غه بار د لار ایریه کودی که بر سبال لمریه

بنده بولای و ایدی ای یکیت فایدن کلدن سبب انیک من و سیر  
 نیک سیر دور بزرگوار ایدی لار ایم مانج العطای و سیر خف  
 حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مدینه لاریدن کلدن  
 سیر ایدی ای یکیت خوش کلدن صفقه ملک بکورد و ملک لیق  
 ادب لیک سیر نیک ایم بولمنزل کا کلدن اول ایجا سیرین  
 سیر ما و نیک ملازمت مینا و نیک بزرگوار ایدی لار ای شیخ بزرگوار  
 الفریک لایمین غیب نابینا مینا و در حمانا بینا غه حال او سیر  
 و در کیم خیر کمان نه فی الجال امتیاز مینا و در اول سیر ایدی  
 نه بر نیک غریب سیرین و نه نصیب برله موند اوستونیک  
 بزرگوار ایدی لار ما چن غریب دوریم سیر تقریبی برله موند  
 تشوب مینا سیر و یکم ای یکیت هر زمانه شیخ یق برله  
 باد قیلور سبب نه سیر نیک ایم شیخ دوریم بزرگوار ایدی لار  
 تیلدا یا شلین کمر سه نه شیخ و سیر لار و خیر کون لکوم کا حد  
 لانه سیال دور سبب الرجه لکمر شیخ نیک و زکا مفسر سیر ایم  
 بار دور و سیر یقودین بیدار بولدی لار کور و یلار که شیخ

۲۶۸



تحریر یوسف خاں جلال قوچاق بیلجا کیتور و ب غازی دکان  
 درگاه یکانه ادا الایلا رانیدن لین خلق از سینه کردی  
 اتفاق نشانی را دید اکور کان کنی تنگ روی کا بار دیلار و اول  
 حضرت بزرگوار شیک کیش را دیدن ظاهر او باطن خیر ناسب  
 و طعام بوسه و ب فطر او و تور و ب پر دیم شریف کیتور و دلا  
**شیخ حضرت بزرگوار** **استقبال** قیسه دار الایلا مصاحبه  
 واقع بولدی ابریه بالفصل طعام الکبیر و کور کسینه لیک  
 و فخرین بونکر احوال سوردی بزرگوار کیفیت حال نه بیان  
 مستندی لاراندین کین شیخ تنگ آتن سوردی لار شیخ ایدلا  
 ایتیم بغراد دور و بود یار نینک شیخ تر و مردم نخسته آتینک بار الکان  
 و لین با سحر تر و بغیر ذاتینک آتینک موافق ایرماس دور شیخ  
 اعراض بر لایدیم بخوشا سحر تر و حضرت بزرگوار ایدیلاری  
 شیخ بغراد بترک سید است یوه نه ایور لار و انشک  
 خجند حضرت لار بار دور و لیکن سندا شیخ حضرت یوق کور  
 وین بغیر سندن شیخ ابدی بر مشغال بوک کونار نماید و سبیل بلخی اولک

بغیر انوش مشیت مخبره قناعت میلاد و رانیدن زیاده بایده  
 و سنینک لار نیک اول مضم طعام کیل صدرد و میما غونک و  
 او چونچرا و لکه یوه لار کس سوردی و عید و ب پر دلا و دور  
 بغیر اوزونک قوچاق سندن لور تو بخی اولک شمس خاں کین  
 بر بزرگوار لایفه کیل کین بزرگوار سندن لایفه طعام حواه لای دو  
 سندن شیخ بغیر سوردی و کیم قایدین بیلدینک بوک کونار الماکای  
 حاضر بزرگوار ایدی لار اگر بوک کونار سندن لایفه بکیم غریبه  
 نابینا علمید او و مردم بیلای ایام سوردی و لایقه بار سندن  
 نامانده لیک بر طرف بولغای ایراد الماس ایردینک بوک کونار  
 کونار الما دینک کر سندن و اولیق کین بوسه عفو مقام  
 بولماق کراک ایردی جناحه او لکان اولیا لار عنوان  
 لعنا علیهم اجمعین مانع مانع مکروبات و تقصیرات نه مقیم جا  
 بلیق دین تجور و ب و ر لار جه جای این که میا فر لار دین  
 ایراد بولغای لار و **بکلیل** حضرت سلطان العارین  
 و بر بان المحققین و قدوة الایلاتین بایزید سلطان مقدس

۲۹۹



سیرہ الغریزین منقول در نیم یول برله بار و راسد لار نیم در  
 ریش یول اوز را اولتور و ب سیردی بر ما یخول ب جید کا اکر  
 اق تنه بر دی ایدی بهیت لیکنگش بو وقت بیلا ییم بو تنه لار  
 انیب اول قییب برغان کتشی با ریش بر مشق رعی سیر  
 اول میدولت خوش بولغا بدیست خال لار تنه لار فرادی بر کوا  
 ارقه لار دین یکور و تیر اول بر یوزی سلطان مینت کردل  
 لار لکا بر مشق هواله مسته ایر سه یوز تو بن بقید یارا  
 و نه فرجال تو لب اوز یول لارین تو تو ب وان بولا یارا  
 بر کمر سو قنوجر طر فیکا قرامادی لار دووم باره مشق اوردی  
 بینه مبارک یوز لار برجه لیب بد لار اند اعلم صر لاری خون  
 الوده بولدی با وجود اوسبوسم لندی برله تنیت صابنی  
 با فادی لار اوجو پنجر لوبت قاتع مشق اوردی لار نه لیب  
 انین بونتر اقولوب بوقنوجر طر فیکا با میت ایر لار نیم لار  
 مسته یکه مینت حقیقه انیمه لندی میتور سیر اوسبوسم  
 هنوز برله بوقنوال بویروغان دروش تنه لار قرض مقایده

بولدیم ای با نیرید بونیم دروش لیک در نیم اوسبوسم  
 لیبورامای سوز کا کید نک سلیکس که این بجه کل معاف برله  
 سوزدغ سلطان لعا فین قدس سیرہ الغریزین دروش  
 اچاس لیک لیب قلیب بر سیرن بچوک لوک کوتا ریش  
 لیک شیخ ورسین چون شیخ بغرا نیر کوار دین اوسبوسم  
 لار نه لیب عذر مقایده الوب تقصیرن لورماک غیلا  
 انین سو کرا ایدی می نیر کوار یکنج بر خورک یلانک نیک  
 و مهرن ایردی نیر کوار اید لار ای شیخ بیز همراه بولغا  
 بری بخت چشم طعام حاضر لودی بر کنیه دین قول نیما دیک  
 تنه یکنه اوز لوتو نکش با سیرس با میت بولغا  
 طاهر دور لور کو پنجر مهریم معلوم دوسرین بچوک بغرا لیب لافین  
 اورا ریش شیخ بغرا اید لار منیر لغرا ایدور لار سیر  
 مقرر قلعان معینه ایرما سیر بلکه بومعینه ادر نیم هر کونی  
 بر لوبت صنوع لغرا بوسور و ب برماک و لطیفم بار دور که  
 اوسبوسم دین منیر شیخ بغرا ایدیر لار نیر کوار اید لار نه



از چنان اول و شب و سوزنا و یاد نیک یا کلیلک کران و سهند  
 هیچ اسباب یاق و درخو کدن بغرابین بر تقدیر بوسه  
 و استیلا و عان بغران و حوالی ترک لاردن آوزنلار ایچا  
 لاریس شیکا لازم دور که طباخ کاسل کاشند اونیای سپین  
 اوزونک و انکا سپاس ایلا کای سپین تا اول پنه طبار  
 یق قران خه پایب پو شور و ب در اسباب لاریس در کار  
 ایلا ب سو تو زن بر عاغ قونای اول وقت بغراب لوب  
 اسل حال لا تقبل و سبین اندین سونکر ایلو لفظ برله اگر  
 لاف اور ساک سهر اوار دور و حین سنج بغران قول لاریس  
 کلیلور و بیثا و مستیلا لاریس اون سئل سا کردیق قیل  
 اول زمان بزرگوار ایدی لاریس بغرابین بود یار نینکا  
 شیخ بین لایا بهر دور سبین بکلیل کیم بر پنه سنج شخلاق  
 برامایدور ایته شیکا لازم دور که بر بهر غه قول بر کای  
 سبین زبراکه درویش نینک ای بهر حین سهر قلیسه اوزالای  
 و صلیما سنج ایدی آنور کوار و صفر نینک لور و ب مر کیم

کار نابت قیل یان اگر قبول قلیس نیک سنج مانع یوقه و زمار  
 ویم اول دور که قبول قیلور سببان یا و ق زیمی سهادت و  
 هر کیم لول در سبندیک لهریم بوسه بزرگوار ایدی لاریس  
 بغرابین و زولایه مدین مک مدینه و یک برویت موند لاریس  
 مهر ایشارت حضرت برله محضر نینک و چون کسلدیکه صفا  
 لعلما نینک و سبب دولت کاشقون بغرابین لاریس تا بقای  
 من و عقیقت کاتیکور اوزورخان طریقت یولین کور سبب  
 مندر حقیق غه تکیور کای من چون سنج حضرت بزرگوار  
 دین بوسوزنا شیب خوشحال بولک و با لوقت قبول  
 مجلس اقول بر دیل راول ایدی کیم حلالین ایشار سنج  
 سنج بغرابین حاجه العطای غه مرید بولوب دور نما ایدر  
 قیلدیلار و حضرت خواجه قدس سره الغزیز غه تصدین قیلدیلار  
 ایدر بزرگوار ایشیق من سبب ااولتور و برباضت و  
 طریقین یاران لاریس تعلیم بر دیلار و علم ظاهر غم در سب  
 ایچا لاریس اول بزرگوار نینک رباضت لاریس طریقین کور



کیم هر کوزه تبتس مرانه طهارت قیلد ایردیلا دیوز و  
 رکعت نماز نجته وضو او تار ایردیلا و تعین بلیغ نفس نماز  
 لار نیم ترک انا دیلا هر کجه او نور مرتبه غسل قیلور ایردیلا  
 و نفس لارین جانجه زنون آیدر که بر کجه کوزه و رداکی  
 بر مقال دین زیاده طهارت بر ما دیلا و بریل و ابر لوبت  
 سو بر دیلا راول هم عطار لار مقالید ایش مقال ایدر  
 و نفس لار کاهم معنی بلیغ لاری هم مانیکه با کله  
 دین قالاغای لار بر کونی خلوت و اولوتور و ایردیلا کیم  
 بر صاحب حال خانون آله دیلا رر غنیه کیتور و ب قوتی کیم  
 ایتماس قیلدیر بر کوار فایحه او قیلدیر ایردیلا بر مناجات  
 نیکس و مناجات پوه دور مناجات نیک دین ایتماسیم بود و که  
 خدمت نیک و بولیم ایشید و چرا که هر کوزه تبتس مرانه طهارت  
 الورد ایشید سبب هر کجه او نور نوبت غسل قیلدیر ایشید  
 طاعت نیک خدمت نیک کردیم کابول و نیه جوینج حال کیم  
 پیچ و معالی من عاجزه کاکرامت قیلدیر و خواه لاماده

معالیم فاسق نیک خدمت اصاب بولغای و لا حرم مندا و و اولیا لار  
 شعار و در خواه لار کیم بیک صلاحتک ماندا ایشید کان و کوار  
 بولغای سبب کیم بیک صلاحتک ایشید صلاحتک ایشید جمال بلیغ  
 حلقه فی بولغای قیامت نیم امانا و صدق کونید و راول کوندا عرس  
 نیک سایه سپیدن اوز کابایه یوق دور اول طریقه کاهن نیک  
 سایه سپید لار مره سپید او رول برور لار بولهر اکی صفت  
 نمدای تبارک و تعالی اوز قدرت کاکمه بر لیم عاجزه و ایدر  
 تیب رالوجه سبب کاول دولت لغیر سبب سایه سپید بولغای  
 دور اتر بولیم بولیم نور علی نور بولاد و بر کوار ایدر لاری  
 عورت خوب یا سبب نیم بولصفت لار نیم سبب ایدر دور  
 انا ایدر لیک صفت مندا اوقد دور و من قبول فیلما و در من عیانت  
 ایدر کتیل اول کتیل من زنده ایدر بولغای نیم بر بر نیک لار دین  
 نفع النای سبب لار اول ضعیف ایدر لاری بر کوار من طهارت  
 دین اوز و من اوز کار بید و من و عبادت یا طعن حصون  
 استیافته او و من و بود دولت بر صاحب لار نیک خدمت ایدر











بارب فوکل کو ماربب عامسیدلار درویش لار اقلین مریلا  
 مینوز دعا عاقاب بولما ببردی جفتی و کما نینک رت برله  
 قرچلار سه نکون بولد لار سلمان لار اول نبرک اوده نیک  
 و عالار او سبوعلا دین من مای لار و چنبد کون بول بول  
 رو ببرد لار کذر لاری بریشیه کاکوشته و نجه بولدی  
 ابرسه بقیاس رنده لار کلیمه ویش لار نینک مرکب لاری غمه  
 مسیدلار لار نرزه کاکلیت کک اوده لار کاکالجا لیلور و لار  
 اولوغ لاری حسن الیکر سبب بدیل لاری جانور لار منشک انم  
 حسن سنجدر و والد حدین بخور و ایتب یغانینک حور  
 و بیلکری قدم قویدی لار ابرسه جانور لار سبب لارین قو  
 سالیب اولوب یاندی لار درویش لار دین برش بان دنا  
 لیب و کلیمه لاری نبر کو اراینه نه سالیق قوت ریاضت  
 قایدین حاصل بولده حضرت شیخ حسن ایدلار من هادی سبب  
 اهد لغیر لول بسلا غوجو درم که حضرت **پول اکرم صلا**  
 اهد علیه وسلم من وجود دوم غمه کما بس دین الیکر او سبب

برله یا و قلیت در لاریس کمر سه نه انجرت صلا اهد علیه وسلم  
 لطف دین بوصفت برله یا و قلیت رفیقان بول لار انشکین  
 بومقدار خبروی غریبه لار صادر بولما سنجوک ابر بولور علمه القیام  
 چنبد لوبت نبر کو ارا دین او سبب سکن کرامات لار ظاهر بولدی  
 و بارت تیر قیامی فرزند لاریم نینک هم نام سبب لار کاکر  
 نیم فرزندیم حسین سبب سبب سبب سبب سبب طواف قیامی  
 اول ایردیم درویش لار برله کربلا فیه یوز لاند لار و سبب طواف  
 مسیدلار و بر نچاند بولده لار تا نکلا سبب محمد سبب وفات  
 تا بپر لار و نینه بر کون تور و سبب سبب سبب سبب لار و لیکن صوت  
 بتر باغلامادی لار و نینه کک یاندی لار و سبب حسن مکة معظمه و لیب  
 اوز کادر ویش لار کاکر خفت بوردی لار و نینه اول سبب کعبه و اجاورا  
 بولوب ندین سبب وفات مسیدلار و اهد سلم بالصواب  
 شیخ سبب و اولیان و نور ایمان  
 و مغفور غفران و مرحوم رجاء و حب سبب و سبب سبب و بنده  
 خاص نوده دیان لفر حضرت شیخ عبدالرحمن قدس الله له







کینور و درین نظر دور لاری اول بر دیکم یا سبب غده بار و لاری  
 و بر کوبنیک غرضن آتش کلاسی تو شفا رب مرکب لاری لاری  
 کینور و لاری واقع یاران لاری حال کینور و درین نظر لاری  
 همه حو کمال بو کوبنیک تو زو لاری عبد الرحمن غده کلاسی  
 ابرو دیکم جام سرب توت لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 تا خیر مستند لاری چون که یولد التوبه قلیب بر داری زنیه مبالغه  
 نه اکلیل سنج اجمال تا خیر قلیور ابرو داری لاری لاری لاری لاری  
 کینور دیکم ای عبد الرحمن اجمال تا خیر قلیور ابرو داری لاری لاری لاری  
 اولی بر دیکم تو سبب لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 راق سرب سرب و در اوز لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 آتش سرب لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 ابرو دیکم و در که حقیقی و لغات اگر خواه لاری لاری لاری لاری  
 بو خود اوزوم سو و در اوز و دیکم بن قیاس لاری لاری لاری لاری  
 اوزم ابرو دیکم که لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 تو سبب لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری

طاهر لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اید لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 همه لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 او تو سبب لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 قلیب لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 زنیه که بو دولت اید و سعادت همه غده سبب لاری لاری  
 بو لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اوز لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 موندین لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 بو لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 یجب لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اید لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 تو سبب لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 عجم لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری







بخشند بولیکه کرک در روز که جوادش لاری بدین سبکانه غم دور  
 وینه بلبل که آنک را محمد تر و خرد است اما نیک خلق است  
 بنی لاری که پیش چون بپوزند استیج شکر لاری لاری لاری  
 جسد بخشد و کشته و منتظر ایر و بلاریم و عده میخا و یقه کیکا  
 چون که کرد و سنجید بر دهن عزیز ز کوار و قیصر غم  
 کلتور و لاری ای عبدالمحمد خوشتر سبک که و از اول لاری  
 کجا جلد پسینج بولد و نک ما خیا ننگ و از ننگ موافق و بلبل بر کوا  
 ایدلار منت دارم کم هر نه بوی و س نک قلا بین اول عزیز لاری  
 ای عبدالمحمد ریاضت اختیار و تخیل و ایت غم موافق و لاری اول  
 ایدو کم حضرت شیخ شول عزیز تر و لاری ریاضت کافیا کوا  
 نوز و لاری و مجاهده اختیار و لاری و لاری لاری ریاضت کافیا  
 مستعد لاری و بر کوفه اول و لاری و لاری لاری اواز کید کم ای عبد  
 الرضا اگر خواه لایسک کاسل مثل بولغای سبن و یار لاری  
 ننگین هر قیصر بولغای لاری غارینه بارماق کرک کم استیج  
 اندکی دینه بیکو سپرد و چون بولد از استیج باس سجده کافیا

قویب ایدی لاری لاری سکرمنت سنج کم  
 من به منت بار سب کرک کم رهبر کم بوق  
 دور و لاری و کوع چه نه بیک بار لاری و لاری و لاری  
 از کجا کی کم ای عبدالمحمد بولغای و یقه و یقه  
 و لاری سنج غم ی کید که اول منتر لاری و لاری  
 سب کرک او کسبوندانی استیج و لاری  
 قویب بولغای لاری لاری لاری و کون اخوی غم  
 کلیب ایدی منزل لاری بر دشت کافیا واقع  
 بولد سکرمنت سب بار و نه او تون و نه اوت و نه  
 لاری اصلیق و تهنه لیک غل کله ای ایدر سب  
 شینج و اطما و قیدی لاری سنج ایدر لاری  
 یار انج صبر قیصر لاری کم بود و لاری لاری حقیق  
 وعده بسیار و رول و قیصر ایلاب امید و لاری  
 لاری لاری کم قیصر و لاری و لاری و لاری و لاری  
 سبده لاری موندان صحراد استیج و کوسه



دوتی که کرک و منسوب بود و از دین کریم عالم عینت بن سغره حاضر  
 بود و حضرت شیخ قدس سره العزیز نیک نظر لاریه و نور و حق لکوت پ  
 و عاقله لاریه و منسوب بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 خانه نیک و منسوب بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 ایر و دین کریم بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 آیه لیت و منسوب بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 اندین بود و منسوب بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 لاریه و دین کریم بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 ایتن نیک و منسوب بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 لاریه و دین کریم بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 دین کریم بود و منسوب بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 برله بود و دین کریم بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 بود و دین کریم بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 عصا لاریه و دین کریم بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 غفور منسوب بود و در دین کریم بود و در دین کریم

مرف برین و در دین کریم بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 ایکون بود و در دین کریم بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 و نیک و منسوب بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 قادی و اول و منسوب بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 قادی و منسوب بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 واقف ایلا بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 نیک و منسوب بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 او منسوب بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 ای نیک و منسوب بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 انکا جواله و در دین کریم بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 حضرت الیاس و در دین کریم بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 یل نیک و منسوب بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 دور نیک و منسوب بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 والیکای سپین و در دین کریم بود و در دین کریم بود و در دین کریم  
 نو منسوب بود و در دین کریم بود و در دین کریم

س



کاه لاری غمگندی لاری الصباح در ویش لاری کلب حال لاری  
 حضرت شیخ قدس فیض لاری شیخ ایدلاری یاران خدا  
 هم او سبوح جان اردو غالب اولک تیر منیر کاشنوک لاری  
 در ویش لاری ایدی لاری نیر کوار لاری ایدلاری لاری  
 اوز کلب شیخ نه نمر سیه یوق دور موند اید غار نه قیل دور  
 حضرت شیخ ایدلاری ویش لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 نه ایدلاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 متول قیل ایدلاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 وقت مایه کلب شیخ جانت غارین ایدلاری لاری لاری لاری  
 لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 در ویش لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 شیخ قول کوتا رب عاقبت لاری لاری لاری لاری لاری  
 تو کلب کم فرمان دور لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اور مین قلوب کنه الدار لاری لاری لاری لاری لاری

حضرت شیخ باسلفین در ویش لاری لاری لاری لاری لاری  
 برتر اغراض سنی خلق چون شیخ مونا لاری لاری لاری لاری  
 وایدلاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اختیار قلیب لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اغراض لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 اندین کین مونا مونا لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 ویک کیم خواندین لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 ویش غیاث الدین ایدلاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 بهمن بعت دین کین کتر مژده سنک کیم لاری لاری لاری  
 بهمد لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 مستعد مین لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 الدین کین حال اضداد لاری لاری لاری لاری لاری  
 بنش لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری



او مشهور است و اعراب لغت بپای بردی لا رسو چه لیک فرقیته بودی  
 در ویش نیک بپسول و در که نه بودند از غریب از منظر تر و در مقبول  
 و یکتا لایق است آن غنچه صندل را در دایره لاله و سبزه شیرین و شاد  
 غیاث الدین ایدلاری شیخ موندان عالم مرتبه بن احتساب یکاد  
 نه او چون دو حضرت شیخ ایدلاری انینگ چون دوریم بو منصب  
 ایجا سکر کاراک ثم هر نو نه جمیع ملک ملکوت نه سبزه لایق خلوت  
 احوالین لقمی متغی بودین مقول لوقیدین و شویس خاطر دین  
 اوز کانر سیر ماسر دور و در ویش ازین حسیکه در ویر دور موندان  
 نرسه لار دین برات و در ویش باوق بودن او سبزه سوزد ابر و دلا  
 حضرت خضر علیه السلام بر لاله خواجه بود فیض الدین خضر بودی در دست  
 او سبزه عنوان مهد لاله علیهم جمیعین الکابر لار دین تمیز سبزه  
 عالم مغرور و خواجه لار لاله لیدلای حضرت شیخ دین و در ویش غیاث  
 الدین لار دین اوز کا در ویش لار لاله ویش مغرور بودی لاله  
 و قطب لب سبزه خضر لایق است سبزه لایق هم ای شیخ بودی  
 لکس و دریم موندین بشیر لیکر سبزه کاشف تکلیف بودی

وین هم جزو در ویش چون وقت یکا غنچه صندل یکا و نیک  
 بودی لم قطب جهان و وجود خن که ماروی سبزه لعل با جانی لازم  
 لیدر نه مرا که اصل و هم سبزه بودی یکا یکا عمل تیر حضرت شیخ فاضل  
 سره العزیز او را موبوب سبزه موندان بودی موبوب و لاله هر چند  
 زور مقید لار در ویش لاله و لاله را و سبزه جان و او از کلیدیم ایدلاری  
 موندان ابر ما سبزه بن خواجه لایق موبوب موبوب لاله سبزه بن چون بود  
 استیب سبزه بودی لاله سبزه لکدین موبوب مقید لار موبوب موط  
 باغ غیر لیدر و در ویش لاله لاله لاله موبوب مبارک و لایق ایدلاری  
 و بعضی سبزه لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله  
 زده لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله  
 غنچه لاله که نه تربیت لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله  
 بودی و سبزه لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله  
 او سبزه لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله  
 سبزه و اول لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله  
 لیدر لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله لاله



خلق الله اوله لغای سبن اول ایردکم غارین جفتیت خست تولا  
 دیلار اول دخت بدغه ایت رت قیلد لار کای دخت یا قیلد پیر طهر  
 باندوق چون دخت حضرت شیخ نینگ پوزغاشیت سب سالیب  
 عار طهرکاروان بولدی و عار اغزید ایلک کیدیک لیسیت و لیسیت بغانند  
 اغزنا سدا بولدی اول مان شیخ رنج بولیدلار نینکه کین مری  
 لیلد لاروش سبل اندا بولد لار و طلب لیسیت مرتبه سید الراج بوز مرید  
 بروریش سیدلار حیات لیسیت زمانیدا درویش فیات الدین طیف  
 قویوب سیر لیسیت فیهم یلقین قلیت سیرلار نه ایلک مطیع ایلار اولار برک  
 خلوت لاریدا اولتور و ریر دیلار مریدلار حضرت **خواجه ابوسعید**  
 رحمه الله علیه و لاری حاضر بولده ایت لاری عبدالمجید سب سبیل  
 عمر کور و نک و نک انجده بیکر مین سبیل ریاضت تار بیت مقصود و نک  
 نینک عبدالمصطفی اولدور که بالکلیه یادین و دینا دقلار دین کوز بول  
 دوشه اولانغای سبن کیم نینک اغزده نجات و خدای درجات لار  
 بار حور دینا سب بولیدلار چون بزرگوار بوجو سب سب سب سب  
 بولیدلار ریر سب دروش نایب قلیت طریقه سب سب سب سب سب

اول دیلار اولتور و ریر دیلار مریدلار حضرت **خواجه ابوسعید**  
 رحمه الله علیه و لاری حاضر بولده ایت لاری عبدالمجید سب سبیل  
 عمر کور و نک و نک انجده بیکر مین سبیل ریاضت تار بیت مقصود و نک  
 نینک عبدالمصطفی اولدور که بالکلیه یادین و دینا دقلار دین کوز بول  
 دوشه اولانغای سبن کیم نینک اغزده نجات و خدای درجات لار  
 بار حور دینا سب بولیدلار چون بزرگوار بوجو سب سب سب سب  
 بولیدلار ریر سب دروش نایب قلیت طریقه سب سب سب سب سب

۲۲



ای شیخ بخون خوشحال سین ده رکیم موند اغ بادیه کاجو اله لول  
 خوشحال سین قیلور لار شیخ ایدیلار ای دوروسل لار  
 نه اوچدن خوشحال بول سین نیم به نام و بانی شیخ بولور  
 دور دوروس اولور کیم ان خدادین اوز کاسه  
 بسم الله الرحمن الرحیم اولیسته دایم حضرت اوس  
 قدس سل مدبره الیزدین هم عالمه مبارک اسپم  
 لاریدین بولاک بیجی تهرسه قلاب دوروس بیصفه  
 جان تبسم قلیدیلار ایرسه دوروش لار حیران  
 قلیدیلر که بوجو ادر سپوشین بخوک قیلور مسیر  
**شیخ عیانت ایدیلر** غم یکنیز لار کیم حق تعالی  
 دوستی غم سیر نفواق غم اینی سه کراک سی  
 شیخ شیک روحی لار یغی متوجه بولدی ایرسه  
**شیخ قدس پره ایزدینک** مبارک سپینه لارین  
 اواز که کیم ای عیانت الدین حضرت خواجه  
 لاری عرض قیلغیل کیم بایسم اوزار حاضر دور لار

اول ایردی شیخ عیانت الدین خواجه لاری غم عرض قیلدی لار ایدیلار  
 ای عیانت الدین شیخک شیک محاسبین **شیخ ایدیلر** مدد بول  
 بر جسم پوروان بولغای و بیبر کاب بخیل شیخ عیانت الدین حضرت  
 شیخ شیک عصا لارین مال لار لینه الدیلار مذکور بولغان بوزقی  
 رتب عصا بیبر کاب بخیل کونار دیلار ایریه بالعت شیک مستانی  
 برله عصا شیک اوچر سه کمان بر دین بر جسم بخیل هو قاینا جیب  
 روان بولور حضرت بزرگوار نه اول جسم ایدیلار ایدیلر کین  
 نماز لارین اوتاب بول بر د اومن قیلدی لار و مرق کون دوروسل  
 لار اندا ایردی لار اندین بونکراتار قاسی لار اول جسم بول لار  
 ایردی بول بول بول لار ایدیلار حضرت شیخ وفات لارین  
 لاین شیخ عیانت الدین توشل لار ایدیلار ایدیلار شیخ خدای  
 لقا سکار قیلدی شیخ ایدیلار حضرت خواجه اوس قرغه قدس  
 پره العیز تر فیلیغان نه قیلدی و اهد اسم بالصلوب **اول شیخی**  
 فضل بیجا کراک نیم بزرگ اوقات لارین بونکراتوروش لار  
 قوف کون شیخ لاری سپر خاک لار ایدیلار ایدیلار اندین کین بزرگوار



نینک وچ لاری دین حضرت تلالا رشیخ عیانت الدین حضرت نیرکوا  
 نینک وچ برقیق لاریغه متوجه بولدی لاری جالین عرض مسیده لاری  
 اوچون حضرت تلالا حضرت الدین لاری بر سر ورسوس لاری کتر لاری  
 لاری تیه کون لاری لاری لاری کتر نیرکوا رت بولدی وبت رت  
 تیریح ای عیانت الدین ای دی حضرت دورا امام زبیر لاری طوفان  
 بارغای پین وینار و او زک لول لاری کیکلک سبب سما لاری  
 حضرت امام زبیر لاری طوفان استیانه کوبی رو لیکن لول خوضدن  
 طوفان غه غه لول لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 بر جسمه و ان عیانتی سبب و نیکه حارس لول لاری واکر لول لاری  
 اندا لکرتا عیانتی سبب و نیکه او سبوات رت بولدی لاری  
 شیخ عیانت الدین فرط حال قویوب و ان بولدی لاری و عیانت  
 الدین بولوب طوفان غه لول لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 نیر لاری مده بقدر لاری وچ کون امام زبیر لاری نینک مزار صفت  
 ان لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 ویرم کون لول لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری

ایکی سبار و ویردی و زلاری کایدی لاری عیانت الدین بولوب  
 نینک ای عیانت الدین ای دی لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 لیلیب که لوجوف ناکنا معلوم بولوب نینک کور سبب لاری  
 کافا عیانتی اول بولدی کله کله تا مهور لول بولوب نینک  
 اندا لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 و لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 او سبب و ویرم لکرتا عیانتی لاری لاری لاری لاری لاری  
 بولوب نینک هم ظاهر عیانتی لاری لاری لاری لاری لاری  
 دعا میند لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 منکا مده واکر کرامت عیانتی لاری لاری لاری لاری لاری  
 بر کرده چن بولدی لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 نینک حضرت لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 عیانتی لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 فزون عیانتی لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
 موند غه عیانتی لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری



ابرهه بنول کونی عمارت تمام بولوب سپوروان بولدی سخ اکی کول  
 اندا ابرهه دلا راندین کین وان بولدی لار اول کونی ختم غجه بول  
 لید لار چون نجه بولدی سخ فز شده لیک الی کلبی سخ لاری  
 عکاسین برکا اور دلا رابر سپه ب لمرت مستقی برله نیش دین  
 هو جعفر اول مهر بونیر سپه ابرهه لار آیدین اوزلاری ایتی  
 لار علی الصباح ارفه دین برکمر سپه خیم ای حردند اچون کین  
 وقایدین بد بولدی ونگ نه بلا اولوغ بونجه عقبه غیر معنادا ونگ  
 بئسل ونگ شیم شخوارم بار ابرهه سپه لقیلیب لار شنگ شنگ  
 برله سمایت لیت ایسم بار دور کیمج ایدلار مسلمان شکانو  
 اول مقصد لوق ابرهه مسلمانینه ضرر تیکای بلکه مقصود مسلمان  
 لارغه نفع تیکورماک ابردی ایدی شنگا شنگا بسمیدین ضرر  
 بولوب خطا بولسه لیت مصطفی و اخطا ایشی لارغه ارشون توان  
 لازم کیله کرک قاضی الدین غنی باری ارش براین اول ابرهه  
 پل لاری ایدلوزاق تنگ بار ابردی جفا راب لار شنگ ایدل  
 قویدی ایدلاری مسلمان بار ابرهه سپه ابردی قینرنگ شنگ

رانیل اول شنگ لار الی حبسوت ف قطع مقید لار اوسه جهت دین  
 اول شنگ لار ابرهه لاری تا دلا رما بولوقته اول شنگ معنور دور اندین  
 روان بولدی لار اول کونی تمام بولک کیدلار و بر دست اوزر ایت  
 اندا هم بر شنگا مستیدلار اول هم اندک کین انا غمستی اول ابرهه  
 قما بولغان کونی دست طرفین شمر چیت لید سپه بولک قاید  
 ابرهه دیک ایدی و ترا بولک ابرهه اول کونین برک ترا قاتلیدی  
 ینه سپور دلا ر بولسم قاید بولونک وراقا اول شمر سپه  
 ابردی اندا غم شین برله سپن شنگ ب برله ف شنگ اسپیدا  
 فوت میلای بولسم بولاد بولغانی سن و لیجان شنگ اوسیدا  
 بولسم فولاد بولغانی سن شول سپور اول شنگا اسم بولدی سخ  
 عیانت الدین شول شنگ ابرهه لار و اندا وفات مستیدلار ایدل  
 قره قیاس **بسخ** دعوت عجیب لقب لارغه لقب **مید اکر امت عرب**  
 مقامات عجیب بهار لارغه طبیب **بسخ** لار سپه سپیدین بفضیل  
 درگاه امدت کامت ب بفر حضرت **بسخ** حبیب سل عدالت  
 سپه العزیز قوسید ابرهه مرد دلا رما مادر زاده و اوزا

۲۱۲







اول تو رو ب در کمال کشید لار او لکش سیلا مغه جواب سیل بدی ای حبیب  
تلیل تا و لا یتنگ ویران قلبی هم اور ما غوچه کیلما و بک و یق سی  
لاریه احواله قیطان نان ناهو نیدن چقاریب بروی سیخ سول چا  
نانشی سی نظر تا بچی لار زیر که سیخ اولان غه ولایت نظیرن سی  
ایرویلار فرمال حشرت سیخ قدس بهره الغیرن یاریان لارن انیداب  
صحبیت اکنیر ملیدلار صحبتین فارغ بولوب چال لارلار حشر  
سیخ نظام الدین قدس بهره الغیرن دین تمام سیل لار اول نیکو  
خوشه لیدلار و سیخ محمود خفانی دین ذکر یلقین در راه سلوک و سی  
سیرت با جبریا تیدن نصیحت واقع بولدی الهی سیخ حبیب  
اوز صحبت لاریه انونا و العاف برله تربیت ملکک لینه شکور  
لار وینه برسل هرلاری ملازمیند ایردی لار دین بونکر حضرت  
برودی لار هم ای حبیب کید سبن اوز و لا یتنگ غه بارغای سبن  
اندا خدای علما یتنگ بنده لار سبن دور نجم منالک جاهر غن لولکان  
لار دور اراوت کمندی برله تار شفا سبن اول یردکم سیخ نازوق  
تن ورس لاری برله کاشغر طریقا ایبارودی لار وهرلاری



[illegible]

ضرابی

مخلایق استنزل از اطراف جوابت وین نذر نیاز کیست و دیار حضرت  
سج بوی و دیار کم جبار بال از اول نور و بشو و تنک لار طباخ لار  
مقید بولید لار **الفقه** عاتقاه تا مبر لوی با باق معا بد بولید لار ضر نیای  
لار مشقه کیلیدی کر یب سج قداید لار ایر سج جقیب سج نینک و جیدین  
تو بیا رنی لار لغزبان الیغای سج شس کزید ایر کز او زادی و تمان  
سعت کزید ایر کز زیاده کیلیدی حضرت شجیدین او سبو کرمت  
نیم طایر بولید شلایق ریزر مقید لار اندا کم نیروی خان صحبت لاری  
ار زوید لار و کاشغر مکتب نینک مولایا و ابا الکا بر شاف لاری  
التفاق مقید لار که ای یاران بوچچوک سج دور کم بار طلق نه  
بولیدین جعفرادی و الدیفه الیاب دی نیمه بولور کم بر لونب سبل  
برله خب امتلا اگر ممنوع بولپ حوب لوی ایر پ لغزیر لغزیر  
برله منع و زجر لار اول بر دکم بر دشمنه نیر التفاق برله تکلیف  
ایل و دیل لار نیم علم منطق و ایکنه سمد نادره عصر ایر و دیل و زکا  
علم و ایچ و شپس بار ایردی اول دشمنه بوجماعت لار سپوزین قبول  
و یکتا کشتن کردی برله روان بولدی و یولده ابار غوچخ خدین



مشکل سینه لاری معرقله کم شیخ ذون تحقیق ایلکای اول اوردکم  
 خانقاه خدیویتی و اطین توستی و جلالان که یولدا مقرریلایر  
 ثم شیخ نیکوئی لاری سیکلین اطبر که کیرکای اوشوکیان برله یول  
 نوع ایتاب و راجه مارا یولدا یولدا شیخ نیکو حقیقه یولدا و بلیک  
 قلیقای **القطرین** توستی کوردکم شیخ جمعی مریلار برلر خانقا  
 السیکیه تورموب لاری و لانی کوروش زار علیان عرف قلیک لاری  
 کلابا اختیار شیخ جانب لاری نه یوکوردی شیخ ایتقبال غدیوکوردی  
 حضرت شیخ مولانا کناره کالیب دین کوتار بسلکیه یولدا بر  
 هر نزه علم ریاضت بپا مسقت برسمار برله جاسل صلیب دی خرا  
 وقیده اولغران نکلن توکولدی اندین کین مولانی خانقاه خدیو  
 قلیک لاری و شکاه و اولتور غوریلار و اوزلار لاری سبانه یانیده اقرار  
 الله لاری یوکور اقبه کابش قویوبتی مدید مراقب اولتور دیلار بر  
 زور قلیقان سینه لاری دین بر سینه فی شیخ ذون تحقیق ایلکای  
 هر نزه خاطر غیبه تجاوی **الامیر** اوز بلیک ایدکم ای منطقه بر سینه حقیقه  
 قلیقای یوکور الدین یان بلیک کابل لاری سینه زور لاری بلیک سبانه

طغنه عین اجداد لاری بلیک کم هر نزه تحقیق قلیق هر چند فکر من خطه  
 قیدی فیس نیکو غور و نوقین سوال قلیق قیدین اوز کاز سبانه تجاوی ای  
 ای جیبش فی زو چون موچه اوزون قویو و نک شیخ ایدلار استخبا  
 سوبین اریتمای او چون بول جوارک سبویولدر بر سبانه شیخ  
 مسلمان بولوب علی الصبا یاندر شیخ قدس سره الغیر غور و بلا شفا  
 تا سفاری حقیقه لاری ایدلای جیبش کیکای اعبیه سیر یوق ایدی  
 زور برله یار و یولار کور بر که کلبه یول سبانه مسقت لاری سبانه  
 ریاضت لاری برله جاسل ایلکای علم غدیو بلیک ایدلای نیکو غدیو  
 اوقایتمن ضایع ایلاد نیکو غدیو من و قی یوز بر که سهر  
 بارورن و نیمه درمن دیسینلادی حضرت شیخ نیکو غدیو لاری کله  
 و بسم صلیب لاری مولانا المکر مقدم قویول و یولونکدا کورسل  
 غم غیاکیل اول ایدکم ملا یول غدیو یوز لاری لاری لاری بار بلیک  
 فیض سیکر اجدادی و اوز نیر اوقیدین ایدم جند ان زیاده عالم  
 تا پی ایدلای لاری لاری لاری سلامت جان ایدم اول ایدکم سبانه  
 زودی اعتراف قلیق لاری غدیو ای یاران اول فیس اوز جانغ

۱۹



فولکین لار حقیقتی و لعلی نینک عزیزتر کرده سیرت و رجبیت یکجا حد یار لوب  
دور که سولای که چه جای ای که نغز بر قلیای سبکین لار کم فیر منظر ایدی  
سلامت بار و سلامت کیدرت نیر که اول ایکس سینگ قلیج دور کیم  
اونک بول غارت ورمونی استنب عشرت منقوج لار غاموسن لولای  
و بریل مونیک بر که کچر بر به سبج کس قالمیک خواه ایرک خواه ش  
حضرت سنج قد رجوع قلیک لار او شجوع وین محبت لار او غرغ  
خبر نیریم اول حبت نغمه سیر قار ویر و سلفیدن هم جاشن سیر  
ایر و یخند محبت لار فی ایباردی هم حبت قلیای لار محبت لار کین  
اتفاق اول وقت اتریم سنج حجت له توب ایرد لار حبت  
قلیایا کور لار ایر سنج بیکبار لولای طریفکار به لقرن لارین  
سبک ملک فدی لار محبت لار هم کوبان لارین جاک اوروب  
دوره لار زبل لار یکا سوروب به اختیار سنج نینک صحبت  
فولک لار و محبت مین فارغ بولغاندین کین ارادت قبول  
قلیب ویش لار جمله سیدین بولد لار و مونیک بر لایکون  
نجم کیم محبت لار مین سبج بر ساق و ارق سبک نیه خند لارنی

ایر و یار لولای لار هم او شجوعا نینک بولد لار احوال امر و محبت لار او غرغ  
نیر بر لولای و یارون یا قلیای سیر و کم بر قرالین سنج کس لار  
موی محبت سیر و کم ای که اقا یین لیب و سیرن ایر سیرم خدمتی دین کیم  
من نیه سیر و کم بر نینک ایس قلیک و و اول و ویش لار غرغ مهور و مهور  
لواحدین محبت منقول ورونیه کوند و زمین و زده دار و قلیک لار سید  
حقیقتی و لعلی مین او زکای سبج نیر سینگ لید او جود و لوف و و خالق  
غارتین بر نیر لار جمله سیدین اط کوسته و نیه ماسقان بر لای  
لوتی یا و نماید ورسای محبت مین مونی استنبی ای باران کم  
مذای لعلی منقل کور بر لار و ز حبت قلیایا بولیه بنده نینک  
حبت لار ایس قلیک و نینک بهراق و ویریم او شجوع وین بنا اول  
ایر و کم کلا یا نینک سنج قد قلیک سیر و سنج سید بولوب لقا سید  
لوتی بل رقه سینه تا سیر سید به اختیار باندی و سنج سلا نیت  
لار یکا یار عیب و تقصیر سبب نیاز او مکاروی و کچر لار و لار  
بولوب نینک نینک حضرت بر لار و نیر لیک کیدرت و تلین بولوب  
ولی اولتوروی بر لونی سنج خالقه و اولتور و ویر و لایکیم بر نیر

۷۱۰۲







شیخ نیکم لاریفه و تیدیل رو نیه بر کونی اکا بر لاریفه حضرت شیخ  
 مجلس علی او لور و یار و یار شیخ مضطرب له مجلسین قلوب  
 بر بندیر کا حبیب لوبت قول لارین اوز ایتیلار و دم باره نیه اوز  
 تیلار و چونچ مر تبه مبارک تیلارین بر کا قلوبت قول سونیدلار  
 قوتیلار مبارک پشته لارین عرف عرف تر ظاهری لاریه نیب  
 کلیک لور و یار اول مجلس کا خلق ایدیلار شیخ نیکم بومری  
 لاریه شیخ دلالت قلیف و در بات یقین طاهر لور کاک  
 حضار مجلس کونان و پائین نایب قلیک لاریه کیتور و یار  
 و چند کونین کین بونکر حضرت شیخ پید کار و کرامت  
 در وین بر کله کیدیلار قدس الله سره الفیض نیک و غلزلارین  
 من لاین پور و یار لاریم شیخ زاده بولد ایل و حق واقع پیش  
 کیدیلو شیخ زاده لاریلار و ایلان غنیه یار و یار  
 حبیب دو کونیا کاه ایاغیم تا میبانش لیتیدم که منیدین نام  
 قالامو شیخ بیلادورم در وین لارینیک فریاد قولا قلیف کیدیلار  
 شیخ و صبر له حقیق نیک میکانه لور و ایردرین حیران در وین

نالان اوسوین را خاطر مننه کیدیلکم شیخ زاده قلیف میز اول  
 ایردیم ایدیم یا شیخ نیکم اوز ایتیلار سی بر لاریه نیکم بار و  
 ایردیم اوسوین را خاطر مننه کیدیلکم شیخ نیکم اوز ایتیلار سی بر لاریه نیکم بار و  
 شیخ با لاریه مننه کیدیلکم ایدیم اول ایردیم شیخ خاطر بولدیلار و مفاک  
 اوزر اوز و یار و یار لاریه و تیدیلار و تیدیلار و تیدیلار  
 و چونچ مر تبه نیکم لاریه لور و یار و یار لاریه  
 بندیدین لور و یار و یار لاریه و تیدیلار و تیدیلار و تیدیلار  
 ایلکری بنیر ارفه لاریه و یار و یار لاریه و تیدیلار و تیدیلار  
 طیب اوسوین و یار و یار لاریه و تیدیلار و تیدیلار و تیدیلار  
 لاریه ایردیلار و یار و یار لاریه و تیدیلار و تیدیلار و تیدیلار  
 قالامو شیخ حضرت شیخ قدس الله سره الفیض نیک و غلزلارین  
 ایلکری و یار و یار لاریه و تیدیلار و تیدیلار و تیدیلار  
 حضرت شاه مردان در قیام عمر کرم الله وجهه نیکم و یار و یار  
 لاریه و تیدیلار و یار و یار لاریه و تیدیلار و تیدیلار و تیدیلار  
 لاریه ایردی لاریه کونی اولور و یار و یار لاریه و تیدیلار و تیدیلار



بی واول کون خجسته کونی ایرودی کون مینان دین برکهار  
 منج اولی بن مبرک منج لار حاضر بولدیلار و قطب یق  
 بیا بن حاضر کیستور و بکیده و دیلار و نبرکوار نیک حضرت لاری  
 فتح فاتحه بن او قوسک کابل یق مکتب استی لار قطب یق مرتبه  
 سید اولوغ اوسلان لاری خوابه خسته منج خا تربیت  
 ایراک لینه تکیور دیلار الله ای اول کون قطب ایرودی لار و خج  
 معنوی نه منج بولدیلار برکونه اولتور و ایرودی لار اولین و آخر  
 منج لار رضوان الله علیهم جمعین روح لار حاضر اول  
 لار و ایدیلاری حبشه سکا کیم بول کون وصل کونی تر و اول  
 بولاق ذایر داماک کبرک منج ایدیلار هیچ مانع یوت دور  
 فالحال منوت لار لیکار کیمیل بجا کیستور دیلار و غا ز دو کانه  
 او استیلار اندین هونک فاقه خه حقیق و سیر لار خج  
 محبت انکیر مکتب جماع خه ثر و لار اول مقدار جماع مکتب لار  
 مبارک بن لار دین بر و اول بولدیلار و زمان سکا بن  
 اولتور دیلار و زمانی ارم الیون لارین قبه خه مکتب خج

بسم مستدلا در تاریخ قه نیرنون الیک ساجقان مدبر سراج الاول  
اجتی ابروی یکین اوج یس اوقات ما تبرک و طراف جوانی غ  
خبر ابریس سده فقیهین عام خاص منقلب لارین ادا الالب مبارک  
جنازه لارین یمنا و تبرک قولین قول غایب مشیر غریب و کلا  
و دمن مستدلا در ابریس شول نجه برور و س نو سید اکوروی  
ایدر ای سیخ حال نید و راید الحسد فقه و المنه نیه سوره و یکم  
فدای القام سبکانه مستدلا در ابریس بر وجه نعمت نینک او غور افعیل  
نعمت ویدار و در فقیه لای در و س لاراک افعیل من فغان س  
بولسون لاراما علی منظر لایک علی مترو و در ترک فلیسون  
لار زیراکه لوس است بر لایس فلیک غلیق هم کار شنیک این  
ایر ماس و در سلوت در انجمن فغان لار و غیب لوب لار و لای

دن سکنه فصل پنجم در بیان اول شجره انا سر جمید اقالی  
 والدہ سر کو نکلید اصفای بد اولد و باطنی واسو می ہوا  
 بولدی انا ہی عایل لغ و ہم جاقظ لیک سید ابروی و آتے



مریم ایرونی قورب قیده النطق قرار افش بهان معلوم مستبد کیم  
 الوار الدین نور باطن غرض نزول ایلادی و قرار الدی حقیقتی و تناس  
 خدایا و محمد به شمار اوار قلیب بتم الحمد لله تا بود وقت غم تکریم  
 کرامت قلیماوی و بولونیت امید وار بولدوم که لطف عظمی هم قلیما  
 بر لیس من عاجز و عیانی به نیاز و رکابند قبول قلیما لعلی شوق  
 بهر اوز جلالا حفاظت و اولاد بعین سبب لکم لار دین و ناک  
 لباس لار دین بهر بهر مستبد است اولاد ناکیم روح انکار اهل بولادی  
 اناسی قولایفته ذکر او از ی کیددی اما مکرر تا بود وقت غم کیم  
 مخفی تو بار ایرونی جان لعلی تا بپشت شب و کلیمه مستبد لعلی ذکر  
 ظهور دین کین شوهر غش ایدی ای شوهر هوس بر لعلی لعلی  
 زمین پروردگار لعلی سکر کلیمه لعلی که موندان هر لعلی  
 نیز کار است ایلای رما بوزمانه مکر و اندک ترو و جنت دین پسند  
 بهمان تو کوم بو کونیم لا اله الا الله ذکر او از ی قولایم غم کیددی  
 ایرونی بهر ترو و دقان قلاوی ناجار سبب سبب سبب لعلی  
 لعلی و رزیرال غنجدیل ترو و لعلی غنجدیل ترو و سبب

شوهری ایلادی مریم خداوندی نیک که مریم دور فرزند بولادی  
 بهر غیب بر مایس دور اما بولونیت و ریم بلاسی انا بهر قورس قید  
 ارتقای خالونی ایلادی شوهر عیانی خداوندی اگر تاس و کیم  
 لعلی تا بهر بهر ناک ایلور لار بولونیت و فرزند و وریم ایلان  
 و قران و کیم سببانی طهری و ریم و ریم سبب سبب دور  
 باور قلیما سبب نولایم کیم فرسبیم کما قولین اول ایدیم قولایم  
 خالون سبب کما قولین و نیک نسی در واقع خالونی و یکانیک  
 اشته شوق بر لعلی لار بار دی و ایدی ناک سکر که سبب سبب  
 لار و عیانی لعلی کما مقول بولد سبب لار و سبب لعلی ایدیم  
 بهر نوع بولونیت نسی کرامت قلیما لعلی موندان غم  
 کرامت ایلاب دور که نیک دین و لعلی بولونیت سبب سبب  
 بنده دوریم ناکین تا بهر سبب نسی ایلای نیک بولید اندر لار  
 او تکراری منتظر ایدیم کونی بولغای که بولونیت مبارک و نیک  
 جلالا حفاظت و اولاد بولونیت لعلی لعلی لعلی  
 و سبب ماعلا و لعلی بولونیت منتظر بولغای او سبب آرزو و ایدیم

۱۰۷



لار مدت عمل تمام بولای ابر پاول وقت تیر نیم جبهت تا مجامع  
 جباب پرده سپیدین جیفقای روز افزون عذار لونی برله  
 علم قیر کون منور بولغای اول ایدکم سعادت مستی بر سرین  
 ظلمت افتاب شغای کور نوسن کور دی و پرده در لیک عملی  
 بولوسن ایدی فال حال میرم غلوت کاکری پرده تارنه اول ما  
 طلعت منور ظلمت رخسید غمت و پرو قامت و خاتون قیامت  
 بد وقت با زحمت پرده دین جیفقا کیلدت بجه دان زندانین  
 برید اینده توشته همان لالا لالا الله سجد اول الله  
 کور دیلار که بر تو ما سپینه بجا قوی غلوت و نیه بر لیکر برله  
 لار مطلع بولماید و رعان موضع تو تو غلوت مون کور و بجهت  
 قلیبت برله سیر دین کور دیلار اوج کون دین کین بولک لالا  
 انواره اجهت همیشه لالا لالا الله ویر ایدی انا انا همیشه  
 لار کیم بول فرزند بتر کاد و قلیبت فایده تیکو ما کو بی دور کونین  
 دافع تیکور به کراک سها خیر کیم جور دور ادم سو قید انظر کا  
 لیل دور ما خود برت سیر کیم کوزکا کور و نه دور یوق ابر

ادم فرزند دین موند اعزیز وجود کلیل با دافزار لانی  
 دور و سب مجامع اتمام میلور ایدر لالا اما کول لار رب لغت  
 برله بر نشسته لالا کلیل کدین الیحب لار برله بهشت چهره با بیت  
 صبح با و ق کلیل و ببول اوتو یار ایدر لالا و سجو کدین ایدر  
 لیل بولک ایم حال لار ایدر سبوار ایدی الله یل مونیک برله کیم  
 نیم بولعتر حال دین اطلاع تا بادی و ایدین تا سفار قیل  
 و لیکن کیم بهشت جور لاری برله محبت و کوندوزی صفت خانه  
 کینجدا اما اون اوج میس قه کور کونجه قول کار واکو کل پروردگار  
 نیک دیدا ایدر دی بر کونی خاطر لایه بی کم او دین تا سفاری  
 جقای لار و اوزلار کجا ایدلار ای خدیجه ما بولر زمان غم کور و ایدر  
 جقمادیم جیفقا کور این نیم اوی تا سفاری بهشت مستم و ایدر  
 داعیه برله قویوب جیفقا لار و هر طرف کا قرار ایدر شب کاه بر ایدر  
 بر صاحب رت کیمت کور دیم زیبا صغر ادم صورت ایدر  
 سیر تیدا اوزلار و ایدر کور و بقیه تیر ای ای دل ایدر  
 به اختیار کونکونر ایدر کیم صغیر صغیر خدیجه قلیبت مد سیر

۱۰۲



ایدلارای به بخت می سعادت خدا دین سرم تو تکی سبک کم پنه  
 مونیست چون برایتی که لانا ایندو اکی سین و راست بولد لورکی  
 سین سرمک کلایه در که جفتی و تعال حاضر و ناظر و بنده لاری  
 احوالیند عالم سرور بولونک با بریل که برورد کارنک ترغیب بولو  
 قورسین و بیایین صلت لاریجا کردیلار و فدای ایست  
 شکرانه مستبدلار که ای شنگ بار به عالم نینگ برورد کار بولونک  
 نابو وقت غم بهیج ناجر مشکا فرامادی و ناجرمانه سوز و دیا  
 یوز مانم بلاغت هدیکایینش بین ایان عورت بولدوم  
 ناجر منی نورماک سوزین استقامت حرم بولد لاریجا اویدیلار  
 ناسفار حقیق خدایت صید نیک کوزوم ناجرمانه کاسال نیک  
 سوزین استور و ونک و شب و حین و ایا لاق دین اواز کلدیم  
 ای مذیقه امتحان حلالیدر بولدی نابو وقت غم بولک ایدونک  
 سهند ایچ نرسین ناجرمانه سوزین انر لوق ایردر جالا  
 اولوغ بولد و نک کم نفیسک سوز برله ایس صلیفی سین  
 اول ایردکم چون بوندن استیر باشلارین سجده کا تو بولا

وایدلار رجا اول منی که لا اله الا محمد رسول الله تلم غباری  
 مستبد نیک منی سنی کو حکوم کاسال نیک بیلد ورونک اعتقاد و  
 له مقصود ایکانه دور محمد رسول الله علیه السلام جیسیر بهمن سرور و  
 سر به نظر عینه کلایه و شنگک نیمه سین نه محل امتحان دور و ب  
 تو به مستبدلار قیام من بعد هر کس بر او دین حقیقا عین و بخت لول  
 مونیست برله نجهت بر فیه صلت لاریجا اولتور و رابر و لاریجا  
 خوابه خضر علیه السلام حضرت شیخ عبدالمنیر قدس الله سره  
 العیز سر حاضر بولدیلار چون بلیک با سلیق ایردیلار جیران او  
 لوب لوزان و ترسان بولدیلار و قدر غضب لایدیلار کم غیب  
 به ادب و مسر لاریجا قرائت لولان و انا حرم خانه ایجا سین  
 به اجازة کیر اسیر لاریجا حضرت خوابه زنده دلان ایدیلار کم ای  
 فرزندانم بیز بهیج کریمه کانا حرم ایجا پس دور میر اول هم سیمین  
 دین سوزیل اندین بوسوزنی و کیسل چون فدیله بوسوزنی  
 استیبت بیدلار هم انیل حضرت خضر علیه السلام ایدیلارای فرزند  
 من خضر و مرهم و بوشن طبعه او سیتایح لاری نینگ هرری

۵۵



بعد از آنکه من در دین بودم نیک مر با سرور من و سپین هم  
او شیو جماعت سپیدان ترور سپین تا بوزمان غه تکر و حضرت عیسی  
علیه السلام نیک و ج بر فتوح لاری سینک انینگ اینس تربیت  
خانه سید پرورش لاری بو تون بنیر لاری کار بولد کم تربیت  
بولغا منیر چون خذبه مونی استیبا میرا را جلد منده خاطریم ایدی  
تنبیدی اول نجه تاصیح غه صحبت تو تیل رو صیح غه یاق غایب لاری  
و بشیل او شیو خلوت خانه و اتر بیت قلبک لینه نیکوردی لاری  
اول زمان خبر بردی لاری نیم ای خذبه استینک لاری لینه تیر ایدی  
سپین خلوت جمیت برابر دورم بعدت بخ جماعت من صحبت  
لاری بکا کاهی شریف کیلور ماک لاری اک ثم مولغا صحبت بخوکی  
دورانه غیر نزل طریق سپین است تمام لازم دورا کر چه با  
نیز دورا کاهر نیک بولد بجه و سح کنگر دورا ماضف لاری غه عقل کونا  
و جماعت کم دور بر میر نیکر بول بورا لاری لاری با خذبه ایدی  
بزرگوار صحبت جامع معلوم ایما سر دور قاید ابار این حضرت  
خواه اید لاری فرزندم نیکل ثم صحبت تو تاریر کامر بول نیکل

دور اول ایردیم نجه بولد و کچه دین بر موخه اولوب ایردی  
حضرت خواجیه اکتش درویش برله بولد لاری اید بر فرزند  
قوبیل که خلیس کرم دور بید قوبیل خواجیه برله یولغه یوزلا  
طرفه العین جگره بر باغ قه تیر لاری کم سپین ممور وادی لاری  
ار استه دور و یولار منقش و مرصع صحبت قالی بر نزل و اکتش  
دور لاری بید کر ایسلام علیک ییلار همه اید بر علیک ایسلام  
تیکلیل ای فرزند عزیزه ثم انتظار لریق کوزی یولونکده ایردی  
اول نور عیشیل با او ترا و اول نور و ییلار اید بر اید بر کر  
قوبیل جام است دین جوده حواله قیدت بر لاری اید بر اید بر  
بر نیکل کم کجیک عافره دور کونا ماک طاقت کیلور لاری جماعت  
بید مونه استیبا حوصله لاری بکا با قیبت سقا و ییلار و است  
سپین بولد ییلار اول کچه تا کوند و ز غمت نجه لاری صحبت  
لاری اید ایردی لاری بچ یاق اوی لاری بکا بار دیل علیک  
القاسم شیل بولونال و اکتش بید نیک و شیو حال لاری  
بعض صلیق الطلاع بولوب سلامت قید لاری بولونه سالیوس

ex



بوف و در قلم کوندوزی سبتور بولغای قنچلار فاسق لار برله  
 سبت خور و ناکار بولغای بجنلار التفات برلانا لار لغا بدلا  
 نیم ای ملانی بونه مسلاف زمیمه و افعال مبتدی دور که قنیر نیک  
 اوز یگانه قنیر بولور کوندوزی سبتور و کیم لار لوندونچو او  
 اتالاری ایدیلارای یاران ملامت تلیل کوتاه قسطنطین  
 مبدیق دور که اولیا و الدن موندانغ نامشروع ایش  
 لارغه نسبت قیلماق غیر واقع نرسه برله تمهیل ایلانما  
 خوب بولماغای زیر که اولیا لار اکی بلیغ شمشیر برادر  
 در لار که او کسول کیم رلار اول جماعت بوسوزنی اشیتب  
 غم قنیر بولور کیم نه عجب احمق کیم دور که بونوع فاق  
 غه اینجه اعتمادی بار دور لار اتالاری خلایق تنک بو  
 بدین بس المناک بولوب یاندیلار وادی کاکر ب ایدر  
 لارای فرزند تا بوقت عجم من سنی اولوغ اولیا لار جمد  
 سیدین بلیغ احمقا و قیلور ایدیم بون کون خلق کس فونوغ  
 نامشروع ایش غ نسبت قیلور لار کلکیل حق کیم اول خدا یسی

سنه

بس و منی براتیب و رالینل که بونعل سبتور واقع دور باوق  
 باج سبت قنیر بولور لار برادر کیم فاق مبدیق لار اغزین بغلا  
 عالی بولما بون سبت لار اعامه بولور و بون تاسقاری حقیق تفرع  
 نور کسل اول ایدر کیم اتالاری تاسقاری حقیق نور و بون طغنه و لاس  
 تلیل اجماع کیم لار نیک سبت لاری تاسقاری لار غه سبت  
 دور کیم سوز لار با لاید و راندین کین سبت لاری تاسقاری  
 لار بدین عبد بولما دی و اواز لار نیک سبت سبت و بون واقع  
 دین سبت لار اتالار سبت بولور کیم سبت سبت سبت سبت سبت  
 لار بدین حقیق سبت لار و ان بولور لار و اتالاری رفته لار  
 فردی ایدر برادر سبت بانق قنیر سبت اتالاری هر کیم موندانغ  
 باعنی کورمالکان ایشمالکان ایدر جیس ان قنیر سبت  
 راک بارودی ایدر سبت سبت لار منفق مرقع کونک عمارت  
 لار کور و عمارت قیلور ایدر بون ایدر سبت لوقف کور و لار  
 و اتالار صحبت بر طرف بولوب خلیب سبت سبت سبت سبت سبت  
 قنیر ایدر لار کیم سبت لار سبت لار سبت لار سبت لار سبت لار







بر سر کلاه کینر دور سزای اول سبک و در کم اولیا احد نیک متجاندا  
 بولهای و بستن بر لبه خوب استیثیل رفلوت لاریغه کریست بول  
 لاریغه از جرس لیث ای لمانه ناله میسد لاریم که جاد و جهما  
 ایت کریه انهن ناقصات العقل و لاهی برده خاتون لاری ناقص  
 العقل و در لاریوم بند عاجز و ناقص العقل غنک شکر فیم اولیا لاری  
 سکیه بولماق ناز است میلدنیک نیه بوز سکر مونکا فیم دینامام  
 سیری غنه نوع کیلتور و و نیک لاریخدا جرد الیما رسین  
 هیچ ناهرم نیک الیکر ایاکیم کاتکی دست و مبارک لاری شکالول  
 ناهادی رجه نیک دین جان میذار دور که کتار و قیتمه اگر کت  
 هیچ کمر به نیک الیکر منکا کای و کوزی هم لوشما کای تا علیغ  
 پوشیده بار غامین او سبوت لاریمنه قبول قنیل اواز کیدی کما  
 ای خدیجه تا بوقت غنجه با وجود عاجز لیلی و بی طاقت لیک نیک برله  
 فرمان تو تو نهای لمانه قادرت و در رنج و جانک ناهنجار  
 قی بیون چون بابا بولندن استیثیل سجال بولدی من الحال  
 قلوب خوت سفرن استبدادین قید لاریقه در جود مصلحت

لاریش مبارک لاریش کونی اطراف شهر کا خبر بار دیا کیم تا کلا  
 بابا غازیغه حاضر بولان کرک لاریم عمر العیاض شهر کا بر لاری  
 کید لاری کور دیا ربابه حیات سلامت ترور بلین باغ لاری کا بر لاری  
 استقبال میلد لاری اول لاریج بولاب بر سر لاریکا ایدیل لاریغه نیرنه  
 مسخره لوتاد و در ناهار توست لاری ابریه بابا قلوب فراوان  
 طعام ناری و طعام دین سوکرا قلوب بیدلاری غیر نزل لاری غروم  
 بتمشیش سبک سبک شهر نیک لاری و در مرمر و طهر عارض ترور کون  
 حلاله لاریکم و طهر صلا کا سفر میثم او سبوت مصلحت او چون مخدوم  
 لاریغه تصدیع برویم ناهار میغه حاضر بولهای لاری خوش کیدیل لاری  
 نان خاک کاجیل بولسون لاری روزماننی عنایت لاری و لتور  
 بولون لاری اما و صیم اولد و کیم هر وقت که جبارم حاضر بولهای  
 او تاب و ز جالیغه قوبسون لاری ایدیل لاریسوند اع میل لاری بابا قلوب  
 خلوت لاریکا کور لاری ابریه سبک بجا کیلتور و بکاره دو کانه  
 او ایلاب و بقبله بقیلد لاریجت لمانه جان سبک میلد لاری  
 خداوند لمانه نورت فرستد که امر میلد کیم ناهنجار کیدیل



و بهشت حله لاریدین کفن اتی لاروتا بوت غه ساله پیل  
 روان بولیفین بوت قدرت الهی بهر به روان بولد سر حفر  
 لار کوزوت خرو فریا و حقار دیلار نیم اسولیه قدر نیک پلما بدور  
 سهر معذور تو لقیل دیلار ون نیک کنه غار لارین او تا دیلارین  
 لین جنازه اولقید کنک با نیک خلوت لاری طر نیکار روان بولتا  
 اچکر لریب کتی زمانه تو تف فیکد لاراکا بر لار دین بر لاری  
 ای باران ماکبر لارین بولوتیه حالیدین خیر الایین کم نه لاری  
 اول بر دیکم به خلوت لاریکا کردیلار کور دیکم جنازه بار و ور  
 یوق ابرای ولیه صدق و سلیمان خوشی عزیز بنده و در سبب کم  
 دنیا و اموال بولسا نیک خشت کابو نیکلن بار سبک فرطال  
 حبیب پدای باران لورماق غه محل بوق دور قو لو نیکتر لار کم  
 منزل یکا پی اوز منزل یکا کیت در چون مونا استیبت مر است  
 لار وفات لار دین کین بر و لوتیبت کور دیکم حور لار بر لار  
 بهشت داسیر و ادور لار سبور دیکم ای به فدای لعنا سبب کما  
 نه فیکد یل به ایدیلار حضرت مریم خرافه عنما غه قلیغان پیلدی

و احد اسم بال صلوب اولوز کور خوجی فصل اول سبب کما  
 و خذاره عامه و صایحه و ایله و فر الیایا قایه متفر از عورات قای  
 جو مطلق و لایق حق یعنی به به صایحه و سبب کما کور لاریدا  
 نیم حضرت امام المتقین امام نظام بولوتیه کور صحنه احد  
 علیه اولاد لاریدین ایردی لار انغ ریا منت بید و و حجابده سجد  
 ایردی لار کم نیم لاریقا و کوندوزی صایم و نیمت کور لاریدا  
 جلیق بر لار نفس کما سبب بید لاریق بر لار کونخل کاقوت  
 بهر بر لاری لار اقل مر اید لار غت دین تا حد ایا بست غه نا حرمه  
 لوز سبب لار و نا حرمه مانه بهوز کما غنیر اچما دیلار و زبان سحر  
 بیان لار دین اجمت دیر دین اوز کما سوز یوق ایردی و بار یق  
 حیدر لاریدین در کایه نیاز نفس قنیفه سوز تار ایردی لار و ایم نیلا  
 مایق سکار لاری و سدر لغد او لو غولغان و یار لاری ایردی و ایم و ایم  
 اندا وفات مستبد لار اما اول حاله او قمر کما شس مایخ سیر لاری  
 ملکیت بر دیلار و بخند لون او قوب سوز و الفخ کما کور لاری  
 کیمه فادغی فر عباد و سوز و غلبر خشت کما سبب ایردی لار مغر سبب کما

۲۲۲



بولوب جالت سید ابودی اندین سونکر اکتب بار مادی لارا امانا  
هر چند سیم اتمام نور نوز ویرا رسود و عبادی حشره ضربا مکتون  
ویرا رفایده بر مادی حشره امانا لاری ابدی صلیحه اسیل  
و شیب و بکتب بار مای سیم مکتب مکره هر سیم اید  
ای پر هیچ بر دین مکره و عبادی امانا ایتی قرانی و کلام سبحان  
دین کو نکلوم کانسرو شسته بملای نتم حق و دریا بلس است  
جهت دین بار مای مکریم مکتب دین مراد قرآن و فو قاق  
دین مقصود حق صل و علفانی تا نوماق و ورا دل کس مکتب  
بار ماق و معرفت حاصل بولیه او چون بار غوبی دور بلکه مصحح  
انین اکرانه دوریم مکتب خانه با طفره بار ب طریقت بکلاری  
از اسبخر لرب تا فاد و طفره عبادی و ادخلی جنتی سر فیکامش  
بولغای نیر قیامت کوفی ایتی لولور کیم ای ایمان و طاعت بر  
ایمینان خاطر حاصل قلیقان رسیده به صلیحه بنده لاریم ارش  
لر کس و بهشت جاد و ان غده حاصل بولنیل با صلیحه اید لار بو  
مغنی تا بتم او سیم سیم بار ماید و مرزا چون امانا لاری مونی

سبب بی الجمد و علفا اکتب قلیت کل المؤمنون نیر صحت  
نایت دور اکتب امانا و نوسن لار غه لرا کیم اکتب امانا غه تول  
قلیغای لار و بار صلیحه لاری انکا تفویض ایلای لاری لار  
جده ایتب سیم سیم حال بولید لار مایه اوز جالینه قوی  
و اندر ای فرزندیم صلیحه اید اخیار اوز ملکک اوز و خواه لا  
غانینک قلیغای اندین بو عا جره ریاضت کاقیم کور کوزدی ایت  
اون بیل مونیل برله نچسور و روز کار نینک ضلیان قلیغای بولک  
و هر طفره اضر تیریم منزله نینک منزله نینک قلیغای صلیحه و علفا  
دور هر بر دین حشر لایق خواستکار لایق و غده سیم قلیغای لار  
بج کیمین قبول قلیغای لار امانا بی ایدی ای فرزند نکاح سیم  
حضرت **پنجم** علیه السلام اکتب قبول قلیغای کراک کره  
امت بولای قلیغای قایدین ثابت و در خدا و رسول بویرو غایان  
قلیغای اضر اضر بولدی با وجود در ضالیق بر باده بیهیل و غ  
انین سونکر بر کیمو کا عقد سید لار و رسول نچه تا بجور ویرا  
ایر سیم با و اوقو بول بیدر ای سونکر امانا اجازه بر سیم کیم غاز

۲۲



دو کانه درگاه یکانه ادا میگردانید شوهر ای بی بی جان  
 دوری نه خواه لا یشک منقلب اول بر دیم قلوب یکله بشوین  
 طمات الدلار و ابریک کت نماز او قوب با سر سجده که فوتی  
 لار ایدلار الدنیک طمات دانا سیم مندا هو او هو سیم مندا  
 لفسن لوق ایرد انا بخون بلایم کم فرما نیکدین تور قوت لار بر  
 بولاسینر متول قلم و کر نه بولاش نیک منم عسل بار ایرد کم و ازوم  
 سیم ایرد نیک منکاج و کتیم دایم سیم و در حالیم بولاسینر  
 تو تار کسل ثم سول نو خدا ابار این آواز کید کم ای صالحه خدای  
 لقما سیم کاعمر در از زامت قلم و در و سیمار و عده ابرای  
 اول عمر کم بولما غنوسر و در اما کو بونک نیک و عین مقصود قلم  
 و عده او سیمو نیک تر در اول بر دیم سجده سیم کو تار دیر لار کو دیر  
 نیم کیولاری بکرات موت داد و در دوم باره سجده کا بار دیر  
 و ایدلار کر یا کر نیک داد و در کم اسیم ایتان نیک فرس حال  
 انا لاری غنوسه ابار دی و کیولاری نیک انا لاری غنوسه  
 ضرر بولدی و عسل مع بولوب کید لار کو دیر لار که حق غن

جان سیم منقلب اول بر دیم اندین سیم لاری غنوسه متول قلم و لا  
 و کیلکان نو خدا انا لاری و یکانه لار غنوسه نشین بولوب لار نیم  
 بخت لار دین ضرر با دی لار و کو رما دی لار اما سیم حاجت عالا  
 غنوسه لاری عین ایردی هر لوق و عا قلم لار البه ر و ایدلور ایردی  
 اول حبتین صالحه سیم دعا دعوت ویدلار بر کونی طمات خال  
 اول تور و ایرد بلایم انا لاری کردی ایردی فرزند ما خدا انا  
 دین قانعان بر تو شک رخت بار ایردی و انا مایدکاری ایردی  
 موزوب دور خواه لار کم نیک حقت و عا قلم سیم که حبت سیم  
 و عا نیک رنی برله دعا نیک بر کاتیدین سیم و غم بولما غنوسه  
 سیم دعا دعوت سیم اول ایرد نیم صالحه قول تو تار سیم قید لار  
 و عا سیم بر دیر لاری بدر باغ غنوسه لاری اول رخت غنوسه لاری  
 و رخت خدای لقما نیک فرمائی برله و صالحه دعا سیم برله سیم  
 بولفسیل و سیم صالحه فائز او سیم سیم که سیم بولور اول  
 ایرد نیم انا لاری عا نیک غنوسه بار دیر لار اول و رخت دین  
 آواز کید کم ای نجم الدین بوفات حاجت ایرد سیم دور ز سیم

۵۲۰



خدای تعالیٰ شک فرماید هر چه کاتبه بویون سپه نهای نه  
نه جاده دور تخصیص صالحه دعا چه مقرون بوی سپهر  
بولاس لیتق نه ایمکان دور و یب فی الحال سپهر بولای  
و میوه جقاریب پشته ای بر سپهر نختناک اوزوب یاندی  
و بجه قاشق غم کلیب ناک لاری فی القوی بی و ایدی ای  
فرزند الهی گفتیم نه سنینک دعائینک شک بر کایتی نه قضا  
درخت لاری نه اوب میوه بروی اوشود و در کیم کلیم و در  
و حالان که وقت زمستان ایدوی سینه بر کوفه خلوت ایجره  
اولتور و ایدو لاری کیم اتالاری سینه کیدوی ایدی ای فرزند  
شکار مشکل پیش پیش کلیب و در که انینک کشق قونلو  
دور و بجه ایدیلانم مشکل واقع بولد ایدو لاری فرزندیم اوزو  
بلاسین کیم شک ندین غیر نر بر اطمینان ایدوی جاده نه تنو بیک  
چهار ماق لیتق مکنه ایا سر دورنا جاکر سپهر شکلف ایلارم با جاب  
ایدو لاری بعد منبر لونی نوع اسیر لاری نه زینهار تکلیف قیام غلیم و ب  
انقصان غرور و اتالاری ایدو لاری فرزند بولوبت اجابت قیام غلیم

ضرور دور اول ایدو کیم با اوزون لاریدن قوبوب بر نر اوزرا  
ایرو بوبت لوبت قول بولیدلار و انداخ زور مستبدلار قیام مبارک  
پشتان لاریدن ترطاب بولادی بلکه بر کاتامد و ایدیلار فرزند  
بدر عیسیل انینک لاریس و ایکا بولین اول ایدو کیم اتالاری فوق بول  
تا سفاری جعفر لاری کیم لوطا تا سفار لاری و بول و در حالان که در لونی  
جاده نینک اسیریم کیم کونو ایدوی علم غلیم القیاس بولونع کرامت  
الارطاب بولور ایدوی و نیه بر کونو بهار و قیام اتالاری ایدو لاری  
ای فرزند ما کادوی ایجره محبوب بولور سبن باغ و قنور و در  
باغ طریق بار سبیر قیام ایدو لاری کیم کونلو و اقرار القان بعینه  
لدر و رات جیشما کومار یلکای و روح قونو ترقه قیامی و زنگ بول  
نغان کونلو آینه سپهر صیفیل ما بقای چنانچه اوتکان اولیا لاری  
سبیر قلب و لاری با صالجه ایدو لاری خوبت ینا سپهر لاری اما کیم با ب  
چشم با ما خلق اطلال ما بچای لاری و قنر که کیم بولد لاری بر  
او جولان روان بولیدلار و باغ قنر لاری بر منبر و درخت  
نیم با باوق بار و لاری رول و درخت سجده میدار احسن بر بولوت

۸۲







ایدر صالح لار کا قیامان فی مبدل اما معلوم بو لغایم بابا صالحی حضرت  
 شیخ طاهر الدین سمد و روی نینک شیخ مقتدی لار دین تربیت  
 تا بهب ایردی لار کم حضرت شیخ شهاب الدین سمد و روی دین  
 یوز نینک سیر المیزی ایردی لار و الله اعلم بالصواب  
**بیرم فصل باب بیفیه سیر سید باکر لار دین اکیم حسن**  
 دیار دین ایردی لار حضرت بلال حبش رضی الله عنه فرماست  
 و نسبت لاری بابر ایردی اول حضرت روح پر فتوح لار دین  
 تربیت تا بهب ایردی لار سبک کر امت لار و بیسار ریاضت  
 لار بلال ایردی اول کون عدم صنوت خاند سیرین و جود میداد  
 صوفی حضرت تار لار شیخ الاسلام نینک او تونر حکما سینه  
 نوفا ایردی و تورت پست او توب ایردی و جود لار لایف کیند لار  
 و هر کاه تو شکان زمان قباک محمد حسن المی لایق رب العالمین  
 دید لار او سبوح حالت و انالاری حق غم جان سیم سید لار  
 ایرد پات لار سیر لار لار غم قوی لار اتا لار صالح و ریاضت  
 شکر سید است بد و لیک و بیسار رجاء بد و لیک سیر ایردی لار چرخ

بو فرزندیم و در نیک خلق صدق دین سیم فالادی سوت بر کاه بخند  
 خالون لار در حاضر سید لار شیخ مینک اچا کینس اغیز لار دین  
 الامادی است لار شیخ مهر شفقت بر لار اچا کین اغیز لار دین  
 فر لال اغیز لار سبب سید شیخ و لک لار نینک فرما فر لار اچا کین  
 جوت نزول سید مرقف کون سوت بر دین سوت بر کاه سوت  
 سید لار سیر سید طهارتیم یادی خدای صاب تین میدا و زید لار  
 سیم بو بجه ترمیا کوه سوت و اما شیخ نیمه بو لادی و ابر سیر مونیکن  
 سیر لار سیر سیر سیم و در لار اول سیر سیر سیر سیر لادی  
 ایات لغیب و آیات شریفین ایردی تا سیر سیر لار سیر  
 نداد و سید مونیکن و مونیکن اوز کاه آیت نداد و یادی انا سیر ایردی  
 ای سینه بونه سوز و ور که ای سیر ایردی بدر بو کل و در  
 سیم مونیکن بو سیر سیر سیر سیر لار نینک لار سیر  
 الشیب ایردی و در لار سیر ایردی انینک بن سیر اب  
 ایردی و در لار و در نینک سیر سیر سیر و اول سیر ایردی که معنی  
 او سیر و در که پاک بر و در کاه سیر کاه سیر و در سیر

۳۷



استعانت بتلاید و در هر متول مفر کو نکلومد انقش بر غلب و در کیم  
 بکنم لیل و در ای بد رعالمش موجود قلی قدین مقصود کد کار  
 عالمش تو مای و انکار کس پیش قلیات دور بولوب اوز بدین  
 استعانت تیل ماک کراک و در کیم قلیطان رحیم راه زن بولوب  
 غار و منبه دنیا میجان برید و در کیم کونکوت عده و مهلت بر  
 ایبار نیب لار اول کونم و عده میغانه نیم مهلت آخر لیل کلب  
 بنده اول و در کیم میجان عهد سیدین جبقای انالاری ایدی  
 ارسفیه حق سبحانه و لعالم اوز کلام مید استیب و در کیم انشعاق قصا  
 العقل بعشر تحقیق خاتون لار انما عقل و در لار اما سبند  
 عجب عقل کمال و در کیم بولوبیل اولکان نرسه بن ضرر و در بن  
 ایدین لار انما عقل بولوبیم اید و در کیم خبر و در اید و در  
 مونیم عقل نیک لغضانه بکلیل او سبوسوز و اید و در کیم مبارک  
 قول لار لیل اوز کلبید ارسفیه اسم الدرف فاش و جلق  
 خوب اید کس و در هر بعد بولوب اید لار دین ز بهار و در  
 ادر بن باله بولوب نکل اید و در عفت کاسه اید و در بولوب و در

و لیکن کجیک سبن سبیدن معذور و در بولوب اید لار دین  
 ظلمنا با تخیلنا بسجده کاقولوب اید لار کیم لرجانه ایدی  
 مشغول بولوب این کیم شش و غونک و منینک خیر نیم منینک اید و در  
 و نیم باره اوز کلبکم حال و معالذات و حیانا استمد لاله  
 الا اعد و در کیم مشغول بولوب غیل زیر اک سبن سبوسه نیک  
 و در سبن و سبوسه نیک عبادت مخفیر لولا غلب و اید و در جنان  
 و در لار اوز عوار کیم لغرض و حنیفه و در لار کیم کلام بطریق عام  
 و در زما خاتون لار حقیقه افاضی سخط قلیای کیم حق تحت الاعم  
 و لیکن و در هر لار چون مونی استیب قنوت نشین بولوب لار اید و در  
 بکر و سبل مونینک بر لار کیم بر کون اولتور و اید و در لار کیم کوز لار  
 اول یقوفه باروی توش لار اید و کوروی لار کیم کمر سب حاضر بولوب اید  
 ارسفیه سبکا کراک نیم سر لیت نبوی و سبست مصطفی اقول قلیقا  
 سبن زیر اک نور با فکند حقیقی و لعالم اید خاتون و لار دین  
 امانت قویوب و در دنیا و در حش نیک نیک سبوسه اید و در کیم  
 و در ناکار کیم اختیار سید لار شول کیم اول امانت نور سب لار اید

۳۹



قرار الدار بر سر بریل تمام کو تار دیلا را نذین کین فرزند و کانه  
تکتور دیلا در برک غول بر سر قنبر او غول سبف الدین ایا قویدلا  
و قنبره سلیمه نذین کین خدای تعالی ناله میسید کم با کار و زکار را  
سیرایت ناله قبول دیلا با مانت و اریق هم قیلدیم امید که محبتکین قضا  
امیدوار دو و هم که تکلیف دین چهار سب و شبو کین دین ملاص لبق  
روز و شب تکیم هم بعد رحمت فراموشید است است ایامین پیوسته  
بام و فراغت باغین بر کار قویا هم من مونیگ او چون یراق و نیک هم  
فراغت قیفا عین ادا از کسید کم ارسفیه بکلیل هم اوز مللا بر کسیر  
اوز ایا قاف فضل عبادت دین بهر دور مونیگ دین بچو کد ننگ  
لو لور دین هم حسیم سببین بجا کیتور کان عین عبادت دور کسیر  
نینگ فرما نین توافق و اجاب اسلام دین دور و حسیب هم اوقفت  
او لون عبادت دور و دور کسیر لیک دین مقصود عبادت و محافل نفسی  
لو معسر که خدایق و التوال اراق تر و بدینا نازا بکلین بدینا زور کار  
تو ماروی لار و ایدر لار کار و حسیب که خدایق بچو کد مخالفت لو کیم  
سببکان سببکان لون با سبب ننگ تا حرم بر ملاقات اولا قی نقضا

میگایه چون مونی استیبت با ظلمنا دیدلا را نذین کین سوهر لار  
فرمانده ابو لیدلار با وجود کیولاری خد مبر لار بچو لیک عبادتکیم لون  
نینگ اوج حسیب سبب بر حسیب سبب قویا علیق دور قول دین ایبار مارا  
و لیولار هم مونکار رضا بر سبب بروی و ناز نهج نهم ترک مقلای سوهر  
سبب بر لار ادا قبول بر دیلا را اوز کافضی نازنی هم چون سبب  
و استخاره و حاجت و ناز نه زوال و اوابین و صلوات نورالایه  
هم فراموش فرما سبب دین برون لورت رکعت ناز دور که کوندوز  
لوک عبادت نینگ ناز و شبو ناز بر لورتور بر کسیر نقضا میگایه  
لار اتفاق بر کون اووی لاری کامهان کسید بر ب قویوب طعم بو  
سور مای غه مغول بو لیدلار کیولار سبب اضطرار مستید لار فرما  
بجا و قیادی لازما حار ناز فرودال ترک بو لار سبب اوج کون  
خدایق لار و ایدر لار لاری کسبب ایتور و لار کیولار سبب ایدر لاری  
بدین بر فضل نازا ترک بو لار نغز نهم غذا تو مار سبب اگر فرزند نیک  
دین بر و ایدر لار سبب بچو کد بو لور بدین ایدر لاری سوهر حرم و نصین  
بکلیل که اگر اتفاق اکبر لار سبب هم مونیگ نصف مونیگین بو کما



دور زیر که اولار امانت و در حرا امانت و در دور حرا امانت و در حرا  
 غه امانت دار غه منع اختیار و در وسیله بیغ الغل و در لار او سنجین  
 و او از کید کم از سنجین این همه غم اندوه نار تامل خدا را بقا کریم  
 دور او ز کمر بر لک چور کار و بود اندام قولا لار ریفه کید و انیر به  
 ستر بیا کید و در لار و سوزمان غذا بر طرف بولد بخند کون بخند  
 بیل مونیگ بر لک کج به بجه لار غلبه قید لار با تف دین او از کید کم  
 ارب با لک هر حریخ اکرم کاک کاک کاک لار کرسنه و بر سینه قلمغای  
 لار کرسنه و لقا اذاق دور و لیکن اندک حرکت و سبب  
 دور اول هم عیال مند کش لار کا عبادت دور اول اید کم به چرخ  
 اکبر ماک کشول بولد لار قول کار و اکتول پرور و کار و اکبر کون  
 او تا ببرد کم خور فیدین اند و دست ذکر نینک و از غل بر بولد ی  
 و یک دین رؤف و هم ذکر استبداد طبع اید لار حسد اخه سکر کم  
 مناسنه تفویض قلبی و رک اولار هم ذکر اید و در با به موافقت  
 نور کوز لار اید به روز کار لار اید انک و لوک رفاهیت با بتی لا  
 و البک تقو زیل عمر کور و لار تمشینج سید اوقات قتید لار اید

لار دین کین بر کرسه نوشید انور و اید ای بی حسی  
 لقا استیکانه قیدی بی اید لار حور لار نینک قمار اید و درون  
 بر دی وینه اید لک نشه بولوب شستو مدین بختشرا کلما کا و ده  
 قتید انک اسلم **کرم بر پنج فصل** بی با خدیجه رحمة الله علیها حوال  
 لار فکریه اید بیده اید و لار هم علم لدنی بر له عالم کسریه  
 نشه مینو ج و هم دعای سحر کار لاری بر له رنجور غه شفا بر کوب  
 وقت که انالاری غار لیلته الرغایب بین فایغ بولوب اید و دی  
 بنو سپر بر لک خدیق واقع بولد ی اید بر اول و لیکه سرف نینک  
 ریمید قمار لار شول کچه انالاری انداغ بیمار بولد کم یا سنجین  
 قوبالما و کوسر صدقه لار بر در سنج بود و قید طیب لار و ا  
 هم فایده اید مادرت خرایدی ای شوهر با تقریب بجه نار غامض  
 نیم با فایده دور زیر که بوشو سول نشو سراجا بن کم و اید و  
 به بولمای کوسر اید رنجه نشو سنجینک بر دور الغیل تا کونکوم  
 سنجین ما بسون فاقه اید ای شوهر لیلته الرغایب کچه سنج  
 و اندام اید انان بولک نینک اغیر لقیه و کیم کونار المایه و درم بیا و

ک









ریاضت نازنه شفت موز حاصل بو کورسنگا اولن اوج میل  
دور که مبرلاری زبانت قلبیلا زیتیلار پس عجب در که بو  
حاصل بو لایه و را کر حاصل بولغان بولسیر ماقه حاجت بوق  
دور که نه یزنی خواه لایسنگا اوج لار کوندا حاضر بولور لاری  
شفت موز سیر بولغان بولسیر موندن بونکرا هم بولسیر  
دور بیایدیلار اوج ایل کور و سبال دیدار غرض اواره  
دور موز کور سبالندین نیمه حاصل بولور ایلاری ایدر لاری  
فرزند بخند کون اویدا اولتور و متوجه بولغیل کور کسل حال بندو  
اول وقت حالنگ ناسبیلد ایل اول ایدر کم او کسل بولا  
قیب کور و سبال ایل غرض متوجه بولیدیلر بر کون او تاب بوردی  
ایکخونو غرض بولغان اوج لار دین جمیع حاضر بولیدیلر  
و ایدیلر ارضه کجه سبال قاید بولسنگا نکت سیرام سونداد و سیر  
غرض حاصل خلوت اولتور و حب سبال و لغا مانینگ عبادتیه قیام  
نور کور کسل چون بولور زنی اشیتیلار لاری غیر لایه ایدیلر  
اوج موز موندین غرض قلبیل کم ایشیم نکت و لایق خلوت اولتور

من بعد لایه موندیلار او کونکه خلوت دین جفا عیلاما لاری خوشحال  
بولوب یاغ لاری موندین جفا و در خلوت دین ارسیتیه ایل  
قدت لاری کادی قیصر لاری دین اماره مسیله یابایدیلار  
منه فیض خلوت خانه کراکت ورنه جماعت خانه لار شکار جماعت همراه  
بولوب خلوت دین حبیب کیم ایلاری ایدر ای فرزندین سبیل  
لوقونک ایدر ایدر ایل قبول فیلماسانک بوقیصر لاری سبالنا خوش  
نیل لاری خد متنگد بولور لاری اول ایدر کم قائل ایدر دین  
قلب تنها لایق اختیار مسیله لاری موندینک بر لایق سیر کچی  
بایدی که فرشته لاری شفت بولدر کجه نصف شبت ایدر کم اما  
لاری اولقودین اولغاندیلر بیدینک خلوت خانه لاری  
لایق نکت اوز قولان لاری کیدیلد ایدر شرف و دور کم قیام  
نکت خلوت خانه سیدین کسه نکت وازی ظاهری لایق اولدور  
لایق نکت لایق غرض کسیتور و بومور و بومور لایق قیام  
خلوت سیر لایق کیم لاری شکار فیدین کور و کم عجب طور  
اوج لاری دور کم اولتور و بومور لاری موندین قلبیل ندی بید



زمانه اولتور و بخت مرادی هیچ کمر به ناکور مادی همه عانی بوب  
دور لار رسول ساعت بابا قاشلار لیخه کردی لار ایدیلار فرزند  
بخت اول مذای کیم سیر راست یون غه دورانیل لاندکدا قوچک  
لار ایدیلار بابا ایدیلار سیر مایه غولوت ایردیر چون که بپو  
دونک ایجا قیم ضرور بولدیر که خدا لقا یونک هر مینور میان  
میلدینک است رسلین که اولار فرشته لار ایدیلار اوم صوبه  
طاهر بولدیلار رینهار کسکاییشل خضر طاهر مارین نیه اول بیل  
مونینک که بخت بر طاکا و وزغ لشف بولدیر موزخر لاری کوروب  
اولار حالینه رحم مستدلار سیر لارین سجده کا قو بوب ایدیلار  
باکابر و روکارا الرضه فرخ غه لیکوز سنانک اوز قدر یتیم بولد  
مقدار چونک یتیم کیم و وزغ و میندن اوز کار کسکاییشل غای اوزکا  
لار اماند بولغی اواز کیدیم ای خدیجه پورشم خداب لار یتیم  
قاسخ الیقین اوسوبوزنی ویرسین اکر اولار سلام طاعت  
کاپوز کلتور و بسمه نمنیز اختیار ایلاب سیریم سیر قیصر قیلار  
ایردیر کسیر بولغانه فرقتار بولماسین ایردیلار سیر لاری

اوسوبودور عدل یایس لیکن کمان قلمی بایا ایدیلار ربنا ظلمنا و کانا  
بخت لاون مونینک برله بخت مینک لشف بولدی ایر سیر حور عثمان ققو  
والدان لار غه کوروب بیل ایدیلار اواز کیدیم ارس غه بجه نه اومون  
یتیم لار سیر کیم مینک خوشحال یقیریدیر ایدیلار کرایا یتیمک او  
چون یقیر ارمز که اکر مینک لار دین بولم اوز لوم غه ووزنی  
لار دین بر سیر کسکاییشل و منرا یتیمک اوز نیدال قیصر قیل نامم خداب  
بولغای من اکر ووزخر لار بولماز نفعت لار فرست لار ایردی کوفتا  
یق قه سیر بولغو دیک سیر قه بر کسیر قیلایس ایردیلار اواز کیدیم  
ای خدیجه بولتیدیلر قور سیر ایر کایس دور هر کیم عمل حسن سیر  
تورار سیر توراما سفاکت یتیمک نصیحت و ورطای ایدیلار رضان  
وزکا بنکد امن عاجز غه سفاکت مرتبه سیر نه قلیسون ووباره  
اواز کیدیم الر سیر عاجز بولب تک سن قادر وورمنا خواه لاغای  
نایلا لیل بابا ایدی کرایا کسکاییشل اوز مهر نه خواه لا بسانک قلیسنل  
بنه اواز کیدیم ای خدیجه بخت لاکا موی لار عد و بجه امت جود  
جهنم کاسیج بولغان لارنی سیر کاییشل اوزیم که انبیا قلیت







میریدین جبار نیل میدلار و نماز لاری بی او تاب لحد و اوقید لاری  
ایریدین بایقوب و لور و بیدلار خود باقدن اسبطان ایزم  
و سبقت الذین القور بهم الا الجنة ذر اجتراد ابا و ما و تحت الوها  
وقال لهم خذوا هذا من علیکم فادخلوها فالدین و سبقت از تاربت  
یا تر لاری خلق وین فریاد و قوتی ایزم بنوکر اوقن ایلایا بیدلار رسول  
بچه بر و تو سید اوردیم ایزدی بایا فدا ای لقما سبکانه  
مقدار اید مقدر لاری زمره سیدین قید و مصالح سیدلار حیکه سید  
مقدار معلوم بولغانم بولونه حضرت شیخ عثمان نیرود و نینک  
روح مقدس لاری دین تربیت تا سبب بر دیر اواحد اسلم  
**بکره بکفر** **صل** بایا عبته قدس طبع نینک احوال لاری  
و لاری ایزم مسالاری ترک خلق وین ایر و دیر امانا لاری سیمیر  
ایر و دیر ارا و لاری بسبب صاحب جمال خوش خلق و نیکو خصال صاحب  
حال قور کرامت لاری دعا مقامات لاری مسیح القاب و سرب الفا  
لواضی لاری ایردی لاری و طهر اصل لاری ترستان ایردی  
انالاری سیمیر دین جبار قرض سبب و لیه عزیزه نینک وجود

سریف لاری و ولادت ایردی اند غلم بر نچه امانا لاری شیخ احمد تو  
سید اوردی کیم بر پاک صورت کمره حاضر بولدر ایزم لاری شیخ  
فدا لقما سبکانه فرزنده عجزه کرامت مکتوبه و ورا اول لیه  
بولغوسه و ورا نینک سریف وجود دین و بنا و خرنینک محمودین  
بولی کراک امانا نور پاکیزه قرار لاری دورغان قاجا کشمیر ایزم  
سبکانه لازمه و در که سیمیر باغی سبب و ایزم قول غم کلبه و کرای  
سبب و بولور فی نینک امانت قولغانی سبب احمد شیخ ایدلار لاری  
نینک سیمیر نینک را منیره مقدار لول و در نینک بر این و بر تقدیر  
باسم هم اول کنده و لایست ترور قاید اسه کردان بولایین  
ونه ایردایا دین و نه بلایین ایزم دیر اول کمره سیمیر سبب  
له سبکانه خیر بر کان و یک ل قیز انا سیمیر هم خیر بر دیر لاری نینک  
نام نشان سورماق حاجت ایرماس و در سیمیر کایجان کونه  
قول غم کلبه و ورا لاری لیکن انمنیر سورماق کراکیم لاری سیمیر  
نینک سیمیر ایزم مشهور و امانا سیمیر نینک ایزم سیمیر و عیبت  
بولدی لاری ایریدین احمد شیخ اول قودین بیدلار بولدی لاری اوزی







قید و قید **لقد** بود عجزه بر سینه نیردی است قوی دلار و است  
 و تاج فکرید ایردی را که صبا با سینه غم عالم ایردی اما انابهی قوی  
 قبله پسر و دختر است تا لاری آخر بر کونی بود که ایات را بر دی  
 پس ایاری و الله انیم عینه و رسول است بر له اما نکند رو طایب  
 بود نه ایکی سل بوز لامادی و حجم دین او را که کوز سالادی  
 بر کون ایردی در نامه موند از سینه لور سپین و موند ابولا قنیکه  
 لغت مدت دین زیاده ایاس بر دی اول مدت تو کادی ایدر موند ابولا  
 نه مصیحت یوق دور زیر که نسیم هر جلد بر دی و مباد که حقیقکه اند  
 قبله موند از ارفا ریت غم فالور سپین نارسیم نیک و سینه  
 بوزی اما پسند قانع اثر مستدر ایر سپه لول استند ادین اولا  
 نسیم دین حقیقکه لغت کون از کرسنه تیر لار و بو طرار من  
 جمله سپین ایردی و منزل لارید اقرار الله لار اول سل موندیک  
 بجز با عینه اون اوج بستره لار و لار و سینه اند اما حجم کاب  
 و یادی لار و تو هم سالادی لار با دونه وقت غم غیر تیر تم من انانیک  
 قنیر بو نیک صلیح و فاموش و حمله و ولیه و و اول بر دم با دونه

ایلا ری غم شیر بار و لار خواستگار لیت قنیک ایلا ری  
 ایلی اثر بر غیر هم حسن جماله اوج صاحب لیدین کم ایلا پسر دور اما  
 ایر فاقون صلیق لغت قنیک با خبر دور او ز بر له مورت قنیک  
 خبر بر این دین غیر لاری غم ایلا ری فرزند با دونه عمر سنجک خوا  
 سنجک لیت قنیک دور نه دیر سپین ایلا ری لار و سینه با دونه  
 بر دی و دیر لول اول دونه لیت و ابولا پسون و موند که ایلا موند  
 اینک ارامیر مورت و موند که سید و لول و لول با دونه غم ایلی  
 دوم باره شیر بار دی بو وقت با عینه کاه ارض فکیر سیدی  
 و ایلا ری در نامه کفر سپین تو لور سپین یقین بکیر که بو  
 پسر کتا و رویب نظر لارید ایلا ری نیک که تو لار و لول لول  
 ارادین او ز و لار و لول لول که با دونه نیک تر سپین لول  
 او سبکرامت با دونه کور و ب کفت کوی دین غیر لول  
 و لول با دونه نیک سپین و لول لول لول ایلا ری سپین  
 بر له قنیر او ز لار و لول لول لول ایلا ری عینه با دونه  
 دو سمنه مزا ختم پسدا لول و لول و لول و لول و لول و لول



بیا عتبه کولوبایدلار اکر قاضی عالم بایم اوز راکلار منکاجیم  
 نقصان بولما غوسه و راول ایدیم سکر تیریک سکر کیکوریم  
 انیل چیتون مبر بر دیرلار ایرسه بایا یوزلار یکانقا بایریت  
 چیتلار وایدیلار انیل که سوز و نک نید و اکر خواه لایک  
 اناکت یون تو آقای سبن منکا جرم منیل با و نه زاده ایدی  
 ارسا لوس نیم خیال قیور سبن که انا منقا مین سبنین اید  
 دیتن انقا و نه لعل انیت قری برله اوق با مینب و زیجا  
 ندر سلا کولدی چون بو کرامت نه بایرین کور و ب شکر  
 حاجیشلار اندین سو کرا بایا ایدلارای بدرم ایدر کعبه  
 بارماقیم لازم دور اول ایدیم انا لاری همراه بولدرلار اول  
 یوزلاندیلار و بریل بولدا اقلایب سبن کین مکه معظمه کایستیل  
 تو منق تاجی لار و طواف اشنا سید اوزریم بولوب ایدی و از  
 لیسدی کرای عتبه کلبیل سبن عتبه قادم لار دین دور سبن نیم عتبه  
 بولنا نینک خج باق دور و یاقاق منقیند سبن ایشیش ایلانینک  
 بهراق دور چون منق ایشیش خج سبنال بولدر و سو ق برله اید

زیاده سیدلار اول ایدیم کولوا فدن فارغ بولوب انا لاری  
 ایدلاری بدینک انقا موده بولدر سبن با نایق کراکتیم اید  
 فاینک سبیا انظار مار مارلار و روز کار شقرا اید کور و لار او  
 جهت دین عقوبت کاتو شمای کای سبن و نیه نیدین امید اوز قیل  
 و بیل طراط و امد و بیل ایدلار ایدلاری فرزند سبنیک سبن  
 بخوف بار این و نه جواب بیا این با ایدی لار کور کاینک  
 انیل اول ایدیم انا لاری برله خولک شقرا لار و شقرا لار  
 بولدرلار و بوش حج التبریح کلبیل و بیلار و نک بیه یوز عمره ادا  
 بر کونی عمره غه بار و بیلار اید متخیر تور و بیلار نیه قولاق لار  
 غه او از سید کیم ای عتبه بولور وقت خج سبن نا حرم کایستیل و نک  
 سلا و نینک نا حرم لار نظوری بولما و نینک خمر و نک امو و انا  
 موسبن موسبن غسال لار لوز سبنک کایستیل عتبه ایدلار کرا حرا  
 اولکایم برنده و سبنه لار قتمه سبن بولما نیم نا حرم لار نظر بکا منطو  
 بولما نیم دین بهراق دور او از سید کیم اکر موز خواه لایک خج

حج



تا غرض با من اول بر دهم اندا بار حجت غرضان سپید لار و حجت  
خودا که بولد لار اما معلوم بولغا کم بود و لیه حضرت خدا که بگری نیک  
روح قهر لار دین تربیت تا بیل یک دیلار رضامند معنا معنا  
**یکم او جو پنج فصل** با با فقه او به سیمه همته احد علیها قدس احد  
سیر با احوال احوال لار فخر دینا تم عورت ایر در نیک کار و خوش  
مقال و جمیع خصال صاحب حال و سیرین مقال کم اگر طوطی طایفه  
مقابل بوبه سوز دین عاقر کیمور ایردی و بیل خوشخوان نیک کویا  
اشک لایق دین لال ایردی او سبب حجت دین ظریف لار و حجت  
لار و خردمند لار طالع البسم لار نیک انجا با طبع مدیارت ایردی و  
او سبب مجامع دین خیل خیل نور و ایردی لار اما سبب نیک آن قبیل  
بسیار نیک آن سبب ایردی و سبب روح قلندر لار دین بر قلندر نیک  
ایر و نیک حال ما خوش فعی و قادر کلیمه کلام و سبب ایردی و نیک  
و سبب نیک لار و لار و لیکن او سبب با با فقه لوز دین قاتا  
چو در ایردی اندا نیک نیک و چون بر روی ارابه مست  
و نیک لار لار کیمور و بول او میدا معنا مودیر و احوال طمید

سیا فلار ایردی نیم او سبب مجامع دین بر سبب کیمور نیکه سبب کیمور  
ایر دی اما فقه فغانا سی نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
نیکه و حجت سیر لار فایقه و شراب خوار و نیک سبب و منقذ غدا غدا  
لوز کیمور و یکم بر خط منقذ دین خا با لوز طادی فقه کاکلان نیکه  
لار سیر لار اما سبب لوز کار دین ارفا بیت خانه سبب و سبب فراغت  
بدا بولد لار و لوز علم خرنه لار و لوز شاعر و سبب کیمور سبب نیک بر لوز کیمور  
فقه او لوز سبب سبب لوزی او سبب کیمور سبب لوزی او سبب کیمور  
منقذ دین خا با لوز ایردی او سبب کیمور نیکه فایقه و لوز بول و بول  
بیل منقذ دین فایقه بولد و سبب نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
او از کیمور ای فقه نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه  
ملعون اما نیک ای نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
او سبب لوز سبب لوز لوز لوز لوز لوز لوز لوز لوز لوز لوز  
نیکه و نیک و سبب سبب نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
او نیکه کیمور کیمور سبب لوز لوز نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه  
نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه نیکه



که شش منبیل اما انا تک من غنیدین سبکانه حاصل چون فذقه  
 مونا اشیت فرید حقا روکم ای کریم با کرم من فایده بخت موی  
 منق عصیان بر له بخوف بو خطی بسطایخ لایق دورم و الکا سزا  
 و از ایر و در مکمل طاهر اکبر یوز و منقر قلیب سدر کنت کنت  
 حور و لنگای سبن که او زکالار عبرت لغای لاریه آواز کسیدیم  
 از فذقه بو کناه سبند ایما پس ایر در صفای حال کنگ عالم دو که  
 غنیت اختیار بر له کنه غنیل بقا و نیک سلکس که اول کنه کبره جبر بر له  
 واقع بولوب دور غفود و فذقه ایدر کریم و چیمار جنت امید و ارا  
 دورم ذکر نیک ایجا کسیدور و بمر نه آواز کسیدیم ای فذقه کناه نیک  
 لغات تو به دور تو به منبیل تا کناه وین پاک بولور سبن چنان  
 افکد بچ التوا بن و بچ المظهر بن واقع بولوب دور لغات تحقیق  
 خداوند لغات تو به منبیل جبر لاریه و پاک لاریه دوست لوتا و اول  
 ایر و فذقه بلکین بو نیرغ سبک سبک و کریم زاری  
 اغاز بلاوی تا سبر او زین اشیت سبک کور و امیر ای فرزند  
 سبکانه بولدیم این همه سبند او از بر له منبیل سبن مکر ما شیت لاریه

دین بری نیک او لوم خبرن اشیتک موباحود و دست لاریه بن  
 جدا بولد و نکمونه بریر دین مکر و بری مویم و لنگ بولد و نیک فذقه  
 ایدی ای بیده لک ملعون و بنا و آخرت ده سبج مکرده نونیک دین  
 او نار مویم تمام بکره سبیل منی فضلالت و کراه لیت جابر غن و ملامت  
 بدخواه لیت زندان غن ناسل و نیک خانه زان نیک مهور ایل و نیک  
 مانیم نه وجودم سبک نیرضایت ویران فسیله نیک فرزندیم این  
 منق اتوده بولور و اتو غای مودیب بر مرتبه منکا کو نکمونه  
 تو یادر ضای لغات نیک فایده احابر لولور و یجا و نیک تکسیر  
 من و ز جالمنه قونیل بار نون دین کین کنه کار لولوغای مودفا  
 حقیق کیم لغت و عین پشاشنگ کا او رولار و درگاه اجده  
 مرد و ولار دین فسیله لاریه بعد از امیر و انس الفیت  
 قالمادی و حقوق رسته سبر او ز ولد و صحبت بر طرف بولوب  
 بر بر سبک و یجا ای حرام بولد و نیک منو تیم سبکازند  
 بولد ای سبن او ز صحبت نیک بولولیل و من او ز منو تیم بولولا  
 و سلکس که من سبند بنیر او دورم و نور قونجوم یوق دور و

۱۰۱







ایر بر سر کسب کسیتور دیل ایر بر کوفی فند طرخیا متوجه بولوب  
 اولتور و ایر دیل رتیم بر جیان الدیلار دین اضطرار برله اولتور  
 قولوب قه سینه کردی باره بول بار بر سر ایر بر سر اوستونک بولوب  
 اول جیان بو و دین بی طای مجیر تور و بول ایر دیل بر سر با لیت سدا  
 بولوب و جاشه السیب تلکاری او زینت فند قه بودین حبیب  
 جیان ایر غش بر سر بر همواره بر کاتیر لار کور دیل رتیم بولوب خست  
 نینک بر کلا ری تو کولوب و دروختید ایر ضعیفه یا تیب لیتو لیتوب  
 و بر تلان انکا محمد قلیب و تیب رکه بولوب هلاک میل کای چیک  
 یشتی همان میلان غم بر کسب شرا و رتیم قه اول مقدار  
 نیش و رتیم میلان هلاک بولوب ایر بر جیان یا ندرت فند قه اول  
 ضعیفه باین تیر لار کای الیب لیتور دیل رتیم لیتوب زینر جیتی  
 لور و کم بر عورت بستر او زرا اولتور و بول و فر حال قولوب لیل  
 ارفند قه قایدین سدا بولوب و نک با فند قه ایر لارای قاتون لار  
 بخش سر قایدین جلد نیک کم رتیم فند قه دورای فند قه سول نجم  
 دروختی قاتون بادی منینک و حوم هم قاتون کردی اول وقتا

ایک لایه

ایک لایه نینک و صحره ایر دیل لار کم ایلای علیان دین کوشته  
 لار سول انس الفت حقیقه و رتیم ستر تنور هم و انینک بولور هم با  
 فند قه او شجوه خست تو بیدالو غولوب ایر دیل بوزمان غم و لیتیم او سبو  
 دور با فند قه ایر دیل رتیم انانک سبان کسرا دین منر تو ققان زمانه  
 عالم دین کسرا کسرا کون دین کین انا اولد ایر دیل لار شینک نیدور  
 قیس ایر لای فند قه ایشیم بکار لیت و عظیم بر کار مونا و چن فند قه جیان  
 ایشیم قیس ایر لای فند قه و جیران بولوب و لیتور و بول ایر دیل بر طر قه  
 جمعی کسید لار و بهشت حله لایرین کسیتور دیل رتیم بولوب و دیل رتیم  
 نیش قیقل تر و دور ایر دیل رتیم او از کسید ایر لای فند قه بلیکل  
 سندن استغراق نایر طرف قیقا ق مونینک چون ایر دیل  
 خدار لایه انینک بولوب و ستر مونس حقیقیک بولوب غای سبن قه  
 و لیتدین سرف نالهای سبن چون با بونق استیب ا  
 فر حال قولوب بولوب و دیل رتیم لار کایور کای فن فلیکس و ندرت  
 قدم کسید ایر دیل رتیم قولاق لار لیت او از کسید ایر لای فند قه  
 سنینک برله ایشیم حقیقه ایر دیل بوزمان منر او سبو

۲۰۱



بیابانده استننا قلوب قیان بار ورسین چون مفر استنیت قف قلب  
 مشرد بولد یلار بر سره بالفت دین او از کیدکم دست اپنا و درینیل  
 انبلیفت انیل ناجار یابینبانه اقرار الدلار اکیکون او حال لاری  
 برله اندا ایزدی لارا و چونخوئی استنراق و دست برودی بکره کون  
 مستغرق ایزدی رسول وقت دابر حله نشین در ویش ضای کسا  
 نیکه دست لار دین بر نیکه نکلان منزل اسکن بار و درین  
 تا بکوبه کراک اول ایزدی کم در ویش جده خانه بسیدن حبیب  
 جوی ایلا با خرمائی کوردیم بی مستغرق دور لاری کون  
 منظر توردی کم اوز حال لار دین ایدله خبر بولادی لور تو بخوئی  
 حال لار دین کید یلار بر سره یلار ای رویل و زو کونک تو بستی  
 اوز جابینه قوینل زیرا که خدا لعلما هر شکا بر خا صول غلامت  
 ملک و رسول بول برله منزل کابا دور دین جان بر ویدلار و ویش  
 جیلان قالد لاری کویا سیکانده لار بار ایکا کم نیر لار کانه لیک  
 لافین اورماق حرم ایکان دیک کفن ایلا ب من میماق بدوا  
 بولد تاله استماندن اول مقدار فرشته لار کوشتر لار کم خدا لار

جده خانه کراک اول ایزدی کم در ویش جده خانه بسیدن حبیب  
 جوی ایلا با خرمائی کوردیم بی مستغرق دور لاری کون

کشر سلما کای من اجمال بوب کفن ایلا ب من منیدلار لور ویش لور  
 ایدلای فلامی اوشبه عاجزه دین عبرت انیل کم با وجودی عاجز لیت  
 برله این همه نیکه اوز که بنده لیکدن جوت خضر وار بولد لاری  
 تر لیک لیکدن کچتر نصیب ویش اول دور که اوز خوا بهر الید ایشنه  
 اولنوع قلعکم غیر سلما کای واندانغ بار خا کم ملک الموت کا و  
 بولما غای جنانچو ایدیلار **در** کویو عا شقان جنان جان  
 بدینند کاجا ملک الموت نکجه بر کینیز ترجمه عتی اهر کویونکده جان  
 بر ویدلار اولنوع جان انقوجر اندا یا ویا لباس هر کینیز ورسین  
 پوزن ویش لور ویش و لنگر کایاندی بول واقع دین بر مجلس  
 حکایه مستید بر بده فند و نیکه لار حاضر بولدی ایدلای نام  
 مردان خدا بونکلج بولور لار موبالغوز شکا قیلما و نیکه لیکه او  
 کا مستید نیکه سنک تر لیک لیکدن بر نیکه یازده قالمی ورا ووز  
 فکر نیکه بولغیل ویش بولدی لار شولز مال در ویش نیکه  
 تو تو ب جوت غه جان سیم قیلد لار ویش کویو سمنده بونک  
 در ویش لار جالین فاش قیلل که جانکاه دور لار واحد

۵۵







بولسانند و او را در خواجه ایدی ای سهرنج سپن اوز جی فطنتیک  
 بولین اول ایردیم بولیکس مکان بولار همراه و کوندوزی بولار  
 ایرد لار شس بل مونیک برله تخریم بولار جالیدن هیچ کنه  
 ضرور بولادی اندین کین بوقینر نیشا تا پسرید سالی اویم  
 بوقینر نی سیک بر این چون که او غلوم یوق دور و سپن هم  
 نیش طریقه ندرده بولیک شکار غول بولینل خواجه قبول تکامل ریر  
 تکاج نیش حقیقتین سهر کفر لار نیشک ایدالکج مقناق روا  
 بولما غوسه دور نه این که انکا با طبع بولما غای ایرد غلوم کون  
 ایرد غلوم ن قند لار بولکافر نیشک اسپغه بد بولدر بولیکس  
 سهر قتر طریقه قبول کونا خواجه ایدیم قینر نیشک تا سهر غلوم ایدی  
 نیش هم قینر نیشک بر امردیر ایرد نیشک کون اول کون دوریم  
 قینر نیشک شکار بر کین بولما غلوم بولید بولسون لار و طوطی  
 بولسون لار فک اید سهر مانع بوقند و اول ایردیم قند لار اید  
 تکاج واقع بولدر بولیکس بل مونیک برله تخریم بولیکس قینر نیشک  
 اولدر بقیا پس اموال انیا سهر قینر غلوم میرات قالدرو لومان خواجه

اویم ایدی ای سهرنج ایدر موند بولما غلوم قند لار بولما غلوم  
 غلوم جان خوقیدن بولوب ایردوک چون که حقیقتی و لغا غلوم  
 لرامت قینر فرجال بولکافر سنانین حقیقتی بولما غلوم سهر دور  
 اول ایردیم قلد و او را بولکافر قوی نهایت سهر البیقه لار اتفاقا  
 اویم غلوم ایردی طالع بولما غلوم سهر ایردی خالو غلوم سهر باقی  
 زهره بولدر غلوم نیشک ایدر سول کونا این زهره قودر **الفصل**  
 کافر سنانین حقیقت و ولایتی کالوز لاند و بر سول دین  
 روم غلوم سهر ایرد خواجه ایدیم انا سهر جیات تا جی و اهل سهر  
 انکا تا بکوردی و مالان که انا سهر لیدین ایردی زهره نیشک  
 سهر سهر نیشک خوشنور لوق جیتیدن سهر حقیقت اخیرت  
 و عا سهر قلیف کچه او قور ایردی سول کونا ولتیه فاکه قودین  
 اول جمیده حصال سهرده انکان سهره با طوطی فخر سهر بولدر  
 نو دین کونکا ولایت اثر دین انیشک ایدر بولدر الحاصل ایکی  
 سول کون سهر سهر قند لار ایردی اندین سولکرا انا سهر قات قینر  
 وفات و قند لار ایدی فرزندیم زهره سهر و سهر اولدر که منیدین



کین ز بهار شبنم طریقم فو غایتی بود یکم ای والد طریقتی  
 دور بان فیضی تا اول طریقه و ابلا این ایاری فرزند طریقم اول  
 هر چه بنجدین بولاک بوز پس ام یکم ز کت نماز او تا هر سلام دین  
 او سوز و دنا و قور حرم که الله مسلم علی سیدنا و سید خلق محمد و آله  
 و نماز دین فاتح بولوب غای قریش و صلوة تا و قور حرم انین کین  
 اولن اکیر بوز پس بر که بر صوره تورت کت نماز تجد او تا هر و نیه اسف  
 و استخاره و حانه و زوال و ابین و صلوة نور الابدال و سوز نماز لای  
 ترک نماز و مز و روزه داود و نیر و طیفه قلب و مر که او ز و نک بک  
 و بولار دین بولاک بر طوطی لا اله الا الله ذکر دین فاتح بولما و م الکونین  
 هم او سوز طریقه ده یور سالت مید و ور که بات مقصود و نک خه یار پس  
 و ب حقیق و جان پس میلد و فایدهن بونکر ابدا بهره با قضا و  
 خطا و نیکت بکایک عمل بر و دست یا قتی کانر نه زیاده مسد اول  
 بوا بر دیم نماز تجد نیک هر سلام بدین بونکر اسبل بجا کیتور و نتیج  
 نما نیکدین تا بتر **الفصل اول** و یکم سله او ز اسینه تا میلدی  
 اندا کم بر کونی سهره و المشرخ بر نوبت یا نیت بوز او سوز حربه و نیت

کین نه یکم سبل یا نیت تا سبل اول مرتبه کایک رکعت نوری  
 واقع بولدی بر کونی کیولا ساری ای بی نیت نیکر کایک سیم  
 بار و دور اما بولفضل و اید اید اس و دور با اید لار سوز هر مرتبت  
 تحمل فیض اول بر دیم کیولا ری تا ساری حقیر ز نایتین بونکر  
 نیروی طین ابجره الید ا قودیک سوز لاری او زیکا اید اسف  
 بوز سبت و قتر است دین بولک نیا ابجره انجیر نیکت ایکانا  
 بار و دور کویا سعادتمند کاست کت بولوب و ر الحمد لله و سوز  
 خالون پسیدین عرس سبیه منزل ملک م کراک جنا کت  
 و دور لار کر مر به نیکت بجمال نسج خالون بولوبه قیامت کونست  
 عرس سبیه پسیدین او ز کایه یوف دور اندا او رولن بر و  
 بر و رلار تا قیامت اسبغ لعنیدین بکس بولور بوز سبیه نیکر  
 خواه لادی که سوز خا به کما معلوم بولدی ای سبیل لار سوز سبل  
 بویر غرض عمل فیضی هم خطا نه توست رسپن بونی اسبیه قیامت  
 بولدی عرض او که بولوع ارامات لار بیدین هر زمان ظاهر بولور بر و  
 بر کونی اولتور و ب بولار کیم مساجد و هم کما دین محبت با خلوت



لارید اظہار بولدی لارید غرض مقید لارید ای نہرہ پیکس کہ سپہ لارید  
 ایردینک بولن قطب عام دینا دین کتر یے بکون نہرہ مقید دین  
 ہندین لارید راق کتر تا دوق اول حبت دین الدنیک  
 لیدوک قطب لیں لہا سپہ سیک کیدور کا پندرہ منصب لیں مقید لیں  
 بیایدی ای فدا لیں لارید کاه مقید لارید حبت چانہ و لہا مقید  
 لارید لہا عاجز لیں و نقصان و ایل یے روبرو منصب کاعقل کامل  
 کتر کاک شرط دور زیر اگر جمع ملک الموت و التفرق فی لہا مقید  
 و ایتم بومقید لہا مقید یورکہ و یے چند زور کیتور دور لارید  
 مقید دیر لارید چکا بہ دین غرض اول دورکہ با با کات لایت دین قطب  
 لیں مرتبہ بر حاصل بولوب یودی حضرت **عبد السلام** شیک  
 باطمین لاریدین تربیت با ب یودی و ہم اول حضرت شیک قطب لارید  
 ایردینک کونی اول توریور ایردینک کور دیر لارید حرم لارید جو کہ  
 محبت لاریدین طبق لارید نور الیب کاک رنگ لارید و فوسو  
 الہ لارید مقید لارید نور الیب کاک رنگ لارید لارید لارید لارید  
 او ہم قوبل لارید لارید مقید لارید کول لارید لارید لارید لارید

نہ بولدم بومو زنا ویر سپہ لارید لارید نور الیب کاک رنگ لارید  
 صف تا ریب لارید لارید نور الیب کاک رنگ لارید نور الیب کاک رنگ  
 بولانکامات دور کیم مقید لارید لارید نور الیب کاک رنگ لارید  
 بولن و تا غیر مقید لارید لارید نور الیب کاک رنگ لارید  
 لارید مقید لارید لارید نور الیب کاک رنگ لارید نور الیب کاک رنگ  
 سپہ مقید لارید لارید نور الیب کاک رنگ لارید نور الیب کاک رنگ  
 دور لارید صاحب ت و ہا کیرہ و ہا کیرہ لارید لارید نور الیب کاک رنگ  
 لیکور و ریم شیک مقید لارید لارید نور الیب کاک رنگ لارید  
 یا تیب لارید لارید نور الیب کاک رنگ لارید نور الیب کاک رنگ  
 یور کالیب لارید نور الیب کاک رنگ لارید نور الیب کاک رنگ  
 شیک کتر لارید لارید نور الیب کاک رنگ لارید نور الیب کاک رنگ  
 اورون لاریدین قوبل لارید نور الیب کاک رنگ لارید نور الیب کاک رنگ  
 اذاجا حکم لارید نور الیب کاک رنگ لارید نور الیب کاک رنگ  
 وید لاریدین کین اول کاک لارید نور الیب کاک رنگ لارید نور الیب کاک رنگ  
 ایرہ تفاوت غما بکوروب یا ند لارید نور الیب کاک رنگ لارید نور الیب کاک رنگ



کور و کیم جور لار بر لاهیت سیر و او در لار سپور و کم ای نه  
 غذای لعل لاهیت کانه فیض ایدیلاری تو بر او شبه منزل فرست  
 ایلادی مونی دین دان بولدیلار واحد اسلم بالصواب  
**بسم الله الرحمن الرحیم**  
 ذکر ایدیم غوره ایدیلار صلاح فضل و ادراک عقل و ابر کمال این  
 سلیم و طبع بستیقیم لاری بار ایدیلار علم الصوف قدرت مآه تصرف  
 کامله لغت و ریاضت لاری طریقه سلول ایدیم هر کونی بر سریم مسال  
 طعام بر ایدیلار بوم انینک چون ایدیم طاعت دین اوز کالبا  
 قیام و بلا روجه غازی با ضرور مقولها بر ایدیلار مقصد بر لاهیت دین  
 یوز اوز کور ماسر ایدیلار حق لعل لاهیت ذکر مدین اوز کاسه زنا ضرورت  
 ظلم و لعل غوغا و عیادی لار بر تقدیر و بلایه هم تیش لاری نینک  
 اقر کور و غایب ایدیلار هر چند تعجب و کینک سیر لاری نور لایه  
 بسم قلم سیر ایدیلار کوز لار اوج سیر لاهیت تاجم لار طریقه  
 نظر سلیم ایدیلار و بر کونی لوز رکعت غازی و نادیلار و دایم  
 الاوقات روزه تو تار ایدیلار هر کچه تا صبح بخیر بولوز رکعت

غازی و ایلار ایدیلار اول جلاله اکیم اما انا سیدین کجک  
 فالک سیر خویس قلم سیر لوت ایدیلار لغات بر لولاهیت ایدیلار  
 ایدیلار عیاده ماسر فرزند لیک لاری چون بوم صغیر نینک  
 لریه سیر لوت ایدیلار غازی مقول مقدر و عالان که تیش و ایدیلار  
 و بولولاهیت خوب بر و سیر لاری لولاهیت لیک طریقه سیر  
 اوز کانه و نینک غوغا موز که لار و سیر سیر کار سیر و ایدیلار  
 و خوش خوی و خوش مقال بسیار صاحب جمال ایدیم هر سیر غوغا  
 نینک هم سیر لید اوز یا لید صاحب نظر لاری خید خید اما غوغا  
 هیچ مینک غوغا سیر لوت ایدیلار و غوغا و حاضر قلب غوغا  
 سیر و لولاهیت و ایدیلار لاری غوغا و غوغا و سیر و ایدیلار  
 اوز غوغا و لیک سیر لاری غوغا و غوغا و غوغا و ایدیلار  
 غوغا و ایدیلار سیر لاری غوغا و غوغا و غوغا و ایدیلار  
 غوغا و لاری غوغا و غوغا و غوغا و غوغا و غوغا و ایدیلار  
 غوغا و لاری غوغا و غوغا و غوغا و غوغا و غوغا و ایدیلار  
 غوغا و لاری غوغا و غوغا و غوغا و غوغا و غوغا و ایدیلار  
 غوغا و لاری غوغا و غوغا و غوغا و غوغا و غوغا و ایدیلار

۲۰۹



و لعل آنکه او را شکر خداوند است و شکر خداوند است که او را  
آه ناله ای اول بر دیکم خداوند اول عافیه نیک اول عافیه  
نیک معایر نیاز در کا هید قبول قیامت صبحم ابروی که بار  
مرک مضاجات غم مبتلا بولد و بولد و بولد و بولد و بولد  
کا قوی بریدی که یاقا و قادیان نیک کامل دور که خواه لاغافیه  
هر نه خواه لا با نیک متورسین و نیک کوز لوی با کر لیک دین تو  
قلیب لای را مجامع سپیدین اوز و کدر هر چند ارا میرد بولد و نیک  
ایلادی لا قبول قیامت رسول وقت ابر میرد ابر غیر نیک بر ابر  
له قطب عالم ابر ایدیل راول غیر نیک در غایت بار نیک ز حالین و غرض  
و ایدیل نیک رکو ابر نیک نیک بر قبول قیامت اول نیک رکو ارا  
ایدیل نیک نیک حسن مجان ابر کمال من قیاس بقدر مثال  
و سپین اوج جوان بقدر او من من نیک نیک بقدر ابر نیک ابر  
صحت نیک نیک نیک ایدیل نیک رکو ابر نیک نیک نیک نیک  
و من قیاس راق و و من ابر نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
خیر لوف و و حق لعل ابر رضا پس و چون من قبول قیامت

ایده لار علم دنیا غیر لذت بر دست و من نیک نیک نیک نیک  
و نیک لذت تبارسین که من عین و نیک لذت نیک و من نیک  
پس نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
ایده و من ابر نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
لا ریفه لار ارا ما قشما و لار نیک نیک نیک نیک نیک  
او شوبو جنت نیک علم بسیار و مان و خوشحال اولد نیک  
نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
بر لک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
رنا نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
شوبو نیک او نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
بر لک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
خواجه نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
البر لک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
کون نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک  
ایده نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک نیک







برو بکنند و منبرند او را اوردی اول عزیز بسپار صلیحه و عاید  
بهتوره اوردی یا صفت لاری قور مجاهدت قه لاری بابر اوردی  
اول کونم عدم کتیدین وجود میداند صحنه کیده لاری غایت بهوت عیده  
خون الوده بر کاکو شستو زمان اید بر کاکم اعوذ با قدس سبط  
الرحیم لغز من اقد فتنه قریب بشر المؤمنین و اول عاید زهره چمن  
و عاید دوزخ من نینک بالاری بسپار کرده ریاضت تالقان  
و مجاهد زهرین تالقان مرد اوردی لاری بایه اول بزرگوار نینک  
ایاک لاری بایه لاری و ولادت و قیامت انا سلامت اولا رعن  
بیان مستدر لاری بر پتیز لاری اید لاری از فرزند بو فرزند نینک  
دیک ضمیمه پاک باطنراق و یان کونکیر لاری قی بوندا را اهر  
کار و اسبید بوبه کراک نیرا که قان سید لیک سلا متور و ریب  
قایت نینک اوی لاری و نینک نینک لاری بایه لاری لاری بایه لاری  
در بزرگوار بوا یک منبر نیم بر بایه لاری صند و در سپهر لاری درین قان  
بولدشت او چون اید لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
نیم بوجانم بر طایم نینک اید لاری اولتور و لکوسه و در حوض حلال

لیق بوجبت میں اوردی که قیامت کوندا نکاشافت مسلما  
قیلغان لاری مریدین بولغو منیر و راقصه قور لاری  
بش کوندا و اید بسپار شک کابال لاری و اندامیه لغز من  
و فتنه قریب بشر المؤمنین و اید لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
قون کچر بر لاری بالاری تو سید کور و نیم **مغز لاری**  
علیه سلم حاضر بولدی لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
قلیل سوت بر ماکای سبن و غلیظ طعام تا تور ماغای سبن و نیم  
تراجمین اچور کار سبن بایا کاکا آله و نور ما بر کای سبن نیم  
اول بسپار بایه لاری و صاحب لاری و صاحب لاری و صاحب لاری بولدی لاری  
بزرگوار اید لاری بایه لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
بولدشت اید لاری بایه لاری و فرزند نینک لاری بایه لاری بایه لاری  
فیند لاری و توش لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
ایر و لاری بایه لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
نیم و قوت غه کیده لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری  
بایه لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری لاری

سجده



تیر کو یا بولد را بر سر است رت غارتگر ایادی و همیشه بتو را بر داری  
 الله فاج قلبی و ناصر و منی الغیر تحقیق صدای تکیه تو بگو من را جنت  
 و در نیم غم لغت بر کوچه دور و دیر بیل و سبزه ذکر غم منقول بر دی  
 لارا ندین کین لا اله الا الله ذکر غم منقول بولد لارا تا لارا بر دی  
 فرزند بگو کون بنگانه بولد کم بوز ذکر غم منقول بولد بپن ایدلاری  
 او شب و بچه نشود اکور دوم که غیر سر کشتی رای غیر نره بپن  
 ذکر غم منقول بر دی بپن بوز کرنا مد اوست صلیت غم منقول  
 یوت دور اول جنت دین منقول غم نره کی تقصیر بر لب بوز کرنا ایتور  
 من نیا ایدل کون ندین بوز کرنا الله با الشیخا الدل علی القیاس  
 باره ذکر لار غم فا کر ایدل رو کچه کوندوز آرام الماد لارا تا بپن  
 مرتبه بپن کاتیر لارا بر بپن سر است بخلیغ ظاهر بولد لارا تا لارا  
 ای فرزند بولد بولد و ابلان کاتیر کاتیر کلامت دور که بپن  
 نور ماب در ایدل لارا الله سبحانک بوز دور که حیف نیکند  
 لار دین بر ارق دور و دیر لکه تولد دقیقه ایسه لوده کوشتم  
 بوقت دهم منقسم است ضون لوده بولد مینر و التو کات

انالار ایدل تولد دقیقه اخون هم مایر ایدل اول اول اوزکا  
 نره نیک نشانه سبزه در کم انابام بولا دور **الفقه** بولد و لیه  
 بپن مایس که کولار ایدل بپن زاده لارا تا لارا بر بپن  
 و بوز دور و انواع منق نیک و موجود ایدل و بپن استکار لیت و غم  
 بپن منق بر ایدل و لیه نیک انالاری فرزند بولد لارا تا  
 لارا ایدل لارا فرزند بولد لارا تا لارا ایدل لارا فرزند بپن  
 اوزکا فرزند بپن بوز دور بپن بپن انکار و التو کات  
 بپن ل لیت بر لارا انکار بپن اول بپن فاجر تر دور لارا تا  
 لارا دین استیغ و منیر که بپن فرزند بپن غم بر بپن  
 بر کون بپن مرتبه لغت فیلور و بر وایت ده نیک بر مرتبه لغت  
 ایبار و لارا دین بپن لارا چون مونی استیغ فیلور بولد لارا تا  
 لپن بپن ایدل لارا بپن بپن بپن بپن بپن بپن بپن  
 ایدل منیل بپن ایدل لارا بپن بپن بپن بپن بپن بپن  
 لارا کم نیک سبزه بولد بپن نیک ایدل اوزکا تا نیک بپن  
 منقیدین ایمن بولد بپن بپن بپن بپن بپن بپن







مولد رنجیت مل

محمد را بر سر ایدلار افرسما اهد و فتح اونیق بن المومنین  
دیب حق غه جانیم قلمه یلدر علی الصبیح انا لاری مکت  
لاریکا کردیلر کوردیلر کیم شهید بولوب دورلار فریاد  
جبقار دیلر و کریمه آغاز ایلد در اولوک تنخ دینجی آواز  
کله کیم اسدی منزه دریا سید افرق قیما غیل لاشا جودید  
مجرد ایلد ماکیل انا لدر موزالیشیت خاموش بولدر فالحال  
نواق غه تاجور درو لجه نیک تورط طرفدینجی آواز کله کیم  
الحمد مددیم بولدر دولت ولید کانتزل بولدم وضوت خانه لاری  
ماهر خاک لاری غجه بوز القیمسیر دوا آواز کله کیم یا یقین کست نرا  
و قبر دوقولغان زمان قولوب لعلور و بیدلار اغو ذبا مدح  
الرحیم یا ایها الذین آمنوا اوبوا الی الله توبه لوضوح اندین  
لین قید غه بایستین لاریکجه یا سیرا بره من قلیب نیدی  
لار و اولنور کو جهنم لاری لار قرار سیدرامی بدراول قلیب  
نیر کاتیر سین نیر کاتیر سین و اوز حالیه قولعلی انینکا  
جانیس لیم بدو قلیب موزالیشیت نیدن قول نیدلار صو

آنچه بولید این به نام لاری تو سیده کور و کم بابا نقشه و راجحه  
 التون تخت اوزرا اول تور و ب و ر لار چندان زبا او قتل  
 الدیلارید اقدم التور و ب لار ایک لوز قریب رینج بیگ  
 اوست سید اقان یلایا بیگ ر بوردیم افرزند بونه میر لار  
 بونه قینلار دور اول نمه یک تروراید لاری پدر بونست  
 تو سکر دور و بون قینلار جور لار دور لار اول یک مرز بکنه  
 نینک قاتل و ر کم خدای عالم اوز قتل برله سول صومعه و قلیب  
 دور اربور زینما نینک باره انیلا مایل و صبح برله بولغیل و ر  
 قینلار و اعدا سلم بالصلوب **یکرمه شجره فصل بابا سیده رحمة الله**  
 علیها حوال لار فرزند اید التوغولغان بر لاری خوارزم نینک مصفا  
 نیدین اید و ر شیخ عمر بنی رحمة الله علیه نینک اولاد لار دین  
 اید و ر لار چرند و جذبه لاری اصل اید و ر خلق دین اوزلوب  
 تاغ و صحرا اید و ر لار چرند و هرند لار برله انبساط لار  
 بار اید و ر و طمه لار کیم لار نینک اید و ر لار یکیک پو  
 اید و ر بیج لاری تینلاری غموی میان لار اسوق



لارینه کور و ایردی لیمین حوت سجانه و لغا مدرت کاهه سر لک بانی  
وین مایان عورت دور بولنج برله کوسیده تو مار ایردی معلوم  
بولغایم با باده سیر با لیمین زاول کچه روحا نیت عاقل دین جیست  
عاطف ملکر لار رجب تی نیک اولن تو را چهار سینه ثونی ایردی اول  
پنج ای تو لولو ب لمانیت قرانکفو بولدی و قتر که اول مالقا بر صخر کا  
لوشه ایر پایی جلیب قرانکفو کچه کوندوز نیکون رسوم بولدی تحفه  
بوسه ایف نیک اتا لاری دولت خانه سیرای دیک طلعت لار لک سینه  
جنان رسوم لیک تبدیل تا پیریم کویا جوغ لار یاند و روت و رلارا  
القطه ال فانی نیت و جرم منقبت چون برکا کوشه ایر پ کوزا  
ایدلار کم چینه سیر الله التوحید الحیم ربنا اتا فالله بناسنه  
و فالافره حسنه و قاعدا اب لار لیمین خداوند بنزدیک حیات و نیت  
لار کا دنیا و آخرت و نیت لیمین عطا نیت و نیت لار لار اوت عطا نیت  
ساقا نیت اتا لار لار نیت لیمین نیت لار لار بولور نیت دنیا نیت  
چرخ و آخرت نیت سعادتمند لور کراک نیت لار لار عطا نیت  
ایدلار اوت و با نیت لار لار لیمین الحیم و نیت الدین القواریم

لا فیه و مر حتر اوجا و با و فحت بوا اها و قال لهم خزنتمها بسلام  
علیکم طبعم فادخلوها خالدين اما لار لار لیمین سیرای مایان لیمین  
ای خالون عالیه لک سینه مد و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت  
بیتا خوشحال بولوب نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت نیت  
ایر سیر سیر بوز لا مای لار لار لیمین سینه لار لیمین و نیت و نیت و نیت  
لا لیمین لار لار لیمین و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت  
لار لیمین بوز لا مای لار لار لیمین سیر لیمین و نیت و نیت و نیت و نیت  
حقیق پیمان طرفیک با نیت کولیدین و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت  
لار لیمین لار لار لیمین و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت  
نیت سیر لاری اندین زیاده راک لولدی آخر بر نیت و نیت و نیت و نیت  
ایر پیا لاری خوشحال بولدی کم موند اوت هم کراک نیت لار لیمین  
اول حجه و نیت سیر سیر لار لار لیمین نیت و نیت و نیت و نیت و نیت  
حیران قالیب کریان و مالان باند خا تو نیت لار لیمین و نیت و نیت و نیت  
سینه نیت و نیت لار لیمین و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت  
اوت و نیت لار لیمین بولکون چرخ نیت و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت و نیت



بولمیل کیم من بعد اول منیرا فرزند دین امید اوزماک کرکک اولو کلا  
 جانشیناقت کرکک اول ایدی که حج کون عذالو تو باندین کین پ  
 دین کو نکل لارین منیرا قید لار القضا با قدر سر با کو پت اچره  
 یوروب چرنده و پرنده لار برله انهر الفت الیدلار و طعم لار کلاه  
 سید نیری و لیک لار سونا پور ایدی لار منیرا سترق کمال ایدر لار  
 ایدر لار اوزلار دین اوزکا دین بجه حق دین بولاک سچ مو  
 و خلوقات غ نظر لارین با لار لار بر کو فضا و صید غلام و صید  
 بر کیک ایلندی و صیاد کیک اوز سیدین کیتب با و ایدر در سنا کاه  
 اول و با شرف لار لار منیرا پسر کوردم بر عجب منیرا پسر اوزرا  
 یوزنیرا سحان طرفیکا قلیچیه ان بولوب دور بولوب سید بر کون ارقه  
 سید اوزدی اوز جالیق کلامدی تا نکل ایدر صید نیک ایزنه فردی  
 و صید قول غه کیتور و باند کوردم منور اوز لقیق کیتور و ب  
 دور یا نیدر اسکان تو لوب کیم ایدی ایدی با اوز حال لار لارینه  
 کسید لار کور دیل کیم کیم با نکل ایدر ایدر قلیق ایدر لار کیم تا بول  
 غه منیرا لیک کور ب با و نکل اوز و نکل بولاک کاه کوزوم کون سکا کاه

روا لوماد نیک بولون نه بولدم شکا نا حرم نیک کوزی تشو ب و شکو  
 تو زوم انکا بول تا جی و منور نکل ایدر ایدر اول کون انا دین  
 تو غولدم منیرا منیرا سترق منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا  
 سترق منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا  
 قالدی و ده عده میعاد لینه تیکان دین بولما اول یاقق کوردم خیر  
 سچ منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا  
 هیچ کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
 دین لار دین کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم کیم  
 حق منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا  
 اکر سید اوز و نکل لیک غیری و عشق و روی بولما سحان خدا  
 قلیقا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا  
 اوز غای منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا  
 انیمش نیک منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا  
**منیرا** منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا  
 حضرت سلطان غاز منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا منیرا











ایدلار و قتر که چیران بول بکلا رنخل اشیرلار و ایدلر کور و سبیلان  
 استغاثت بکلا نیکرلار و جواب ناهنیک مغرس لغیر برورد کاریم الله  
 اعلا و بفریم حضرت محمد رسول الله بنیم اسلام احوشیف نام فیک کعبه ناز  
 فرمن سبیلان لار خواه خالون بولسون خواه ایر بار بر منکلا تمیزه  
 ۱۸ ایروراندین سونکلا دراز ناهنیک لار منوز لجه نیک اغزینی باطالع  
 ایردی کیم باطلدین غایب لار بولر کر امات حاضر باو بود کو  
 و لار ایر بر لار قیر نیک صوره باخلار و لار رسول کچه برورد  
 لوسید اکو دیم الر با سبیلان بولده کم خست منیر نیک قول قلی  
 با ایدلار ای منانی من کیم بولوغه حضرت بفر علی سبیلان نیک  
 سبیلان لارینی بول قلی غار من اما منیریم طاهر عالمه اول ارک  
 و لیکن حقیقت اول حضرت نیک مدینه لارید ایرور از منزل  
 لاکبیل (الفقه مدینه و اخلاق الطبع بر خیر نیر بار برورد ولایت  
 نوری بر لار سبیلان لار که مغر عالمید حضرت بفر علی سبیلان  
 نیک حضرت لار بر لار باطالع این بارغان کچه سبیلان کیم سعاد  
 عالمین رخت کو تار در و مع نیک بولده کم اول سبیلان نیک

آخرت منزلی نه موضع معاش و راست قلعای اول ایردیم  
 بزرگوار او شبو امر کا مشغول بولدیلا رنج کیر سیه لار کلیب  
 ایدیلار ای فلان منکر سیه کامصیبت تی موایدیلار آری  
 جنس نیک مصیبتی از نیک دور کیم بر سعادتمندی  
 عجم و احق کچه اولاندی و روا تو تمار دیلار کیم مبارک  
 چهاره پسی عجم ایو لغای و ان اندین کوتار دیلار او شبو  
 قیر نیک و چون قازار من او شبو حالت دایر دسی  
 لار کیم آسمان طرفیدس بر تابوت ظاهر بولدی  
 و قبری از راکلیب توشتی حضرت خصاف خواه  
 لادیلار کیم جماعتی بر لار نماز قلعایلا بر دین آواز کیدیم  
 ای مصاف بر اولوک کایکی نوبت نماز او تاماک سر  
 شریعت و انجوک بولر نیک نماز منیر او تار لار چون نور  
 لار ایر بر مدینه خلق حیران فاله لار اندین کین و من قید  
 و احد اسم او کور **بخصل حضرت بفریم قدس سره** احو  
 لاری ذکرید کیم حضرت سلطان الاولیا و تاج الاصفیاقه



اب لیکن و برهان تحقیق سراج الملة والدين بادالاسلام  
 و مملکت مسلمین حضرت سلطان سبقت بغرافان غازی و ستم  
 اولاد لاریدین ایردیلا و حضرت سلطان سید علی سلطان  
 خان علیه الرحمته و الرضوان نینک قنیر لاریدین ایردیلا و کیم بس  
 ریاضت تارلقان و مجاهده زهر نیر تارلقان همیشه روزه دار و فی  
 لاریدین اربعه عایمه ایردیلا و هم جمیده و النوع مستوره ایردیلا و هم  
 انا لاری خدمت کار لاریدین بیج ایراکت اوج یاسق کور کاخ  
 لاریدین چونکر مطلقا کور مکان ایردیلا و یاسق تارلقان کینزک  
 لاریدین هم بلاغت کا و قرا تارلقان لاریدین کین خدمت  
 تو ما پس ایردیلا و بر تقدیر فدا قیا کور کوز به لاریم قبول قیام  
 ایردیلا و بر کوز اتا لاریدین ایردیلا و بر حرم یاسق کینزک لاری  
 خدمت نینک قبول قیام پس نینک سبقت و در ایردیلا و بر سبب  
 اول دور که اول لاریدین دیده بسیار کور کاخ و خیر کان از نو  
 قلیان مکره نون و فریب نون اور کان کان دنیا نینک حرم  
 غالب کلکان و قس لاری کالین تیکان دور لاری و هم مار سبقت

ناقص العقل و در مهابدا که نیز بد بخت دنیا یس کب فیتدین اول لاری  
 ایما کنی تو شکار بیضا فیتدین حرم که اول لاری نینک حرم دنیا غلب  
 دور مونکا و لقیته بولوب نینک عریدین بوز کینتور کار لاری و کور  
 عظم ناقص و در سلطان عین کین داد و در بنا کاه اول لاری نینک  
 بوز یکا و لقیته بولوب هم بوز اول بد بخت غریبه کوز و هم  
 نینک طرفیکا تو سبب فدا لاری نینک قنیر او کور کار و حرم لاری  
 اچره شرم سبقت لاری نینک اچیل و اقر بال لاری نینک قنیر منصف  
 بولونم او سبب خدمت دین قبول قیام پس حرم اتا لاری و بر بولون  
 اشتبیب پس حرم نینک لاری و حرم لاری نینک قنیر سبقت  
 اندین کین بیگم خدمت لاری کاتویا و لاری نینک خدمت  
 هیتور ایردی لاری نینک کون مونشک بر لاری نینک ایردی و هم  
 نینک قولاق لاری نینک اواز کیند هم ای حرم فرز نینک اتا نینک  
 خدمت قیام و واجب دور نه ایگه خدمت اول طرفین بولون  
 مستلک نینک برضلاف بولون نینک دین دور سبقت که حقیقت  
 و لقا خادم لاری مخدوم لاری خدمت قیام او حرم



پیرا شیب و در حضرت پیغمبر علیه السلام خدمت کار یار ابروی  
خدمت میورایردیدار پس نه او چون ابا فیکور پس و اما گفت  
خدمت میورایردیدار پس نه او چون ابا فیکور پس و اما گفت  
و اما لای انا لاری قاسیغه بار و لاری و لاری و لاری و لاری  
بر ششم ایشتم مرا بعد از انا لاری و لاری و لاری و لاری  
بو لاری پس نه لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
ایدی لاری فرزند پس خدمت کار بر ما کیم رو و لاری و لاری  
اگر موز قبول فلک پاک بر صالح خدمت کار لاری و لاری و لاری  
بو پس اول ابروی که بر قیصر خدمت لاری و لاری و لاری  
او لاری فرزند لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
بر حسب پس بعد لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
زیرا که انا لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
ایر پس جادو نه واقع بو و بختی علی لاری و لاری و لاری  
کلمش کار اول وقت و اقولان لاری و لاری و لاری و لاری

پونک ابوات بر لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
او از کسیدیم ای حرم بوشی بر لاری و لاری و لاری و لاری  
شاید بوشی و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
مردین اندوه کین بو کمال که لاری و لاری و لاری و لاری  
بو لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
و اما لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
مردین لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
او شوی و اما لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
کو را دور من مکر خشیق فرود و لاری و لاری و لاری و لاری  
بخاک یا قدس بر با اید لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
نیک برداشتی و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
کلیک و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری  
بختیت موافقت جلیک بر کسید لاری و لاری و لاری و لاری  
پسینک موافقت جلیک و لاری و لاری و لاری و لاری و لاری







اول ممکن شد یار کند و معاون هر جا جفتند و آنرا بنظر و کمال و پذیر  
 غیر خواهم شد سرف بفرستند پناه جعل الجنة منواه عمر یار  
 صرف ای یقین قیامت و تالیف رسته سینه الفان بوقت  
 ثروت انبیا لاریت نکین بوز لار کم فصیح عبارت لار و یقین  
 است بر لار بر لار بر لفظ اید است ایرو دی او شبهه صریح اعمال  
 و سینه افعال قلیل البضاعت معدوم الاستطاعت کمترین بنده کمال  
 خداوند را هم محمد که ابن محمد ابراهیم غفر من ذنوبها و سیر عیو بها  
 ترک مخالفت بده و ر بولامی ادجون اول ما نیکم ترک تسلیم بقدر قیامت  
 و اجمال نقیض ایلا ما کما تشرع قید بر بر صبح من ابله علی الام  
 طلب بر او یسید اولو ر ب مزق نشلارین صید او چون استقامت  
 و امین فور و بی سامان باشند تفکر بقا سینه بایست  
 قد من غزلت ایلا کما الی جید که ر کوز دی اید به با کاه نسیم عنایت  
 حضرت اله و ششم فیض فوضات نامتدیر مضاحت کاشنیدن  
 رفعت مجیدین است بوز لار لار را بجه سیر لار م و ما عینی معطر  
 ایلا دی و کلام خضر نه لاری نیک حکم فضل لاری جلال احق و

بر لار خیر و امید امل شنگ فرج افزا صبح الحف مشرقین نو کمال  
 است و در با جتی و کابی وقت لارده مقصود و خورشید مدعا  
 سهرید اجمال کور پشایر بر پختن نقاش و امل من می جز است  
 و ر یکا سینه غوث اور و ب غوانی لاریت و ر کران ببا کبر معنی هم  
 ایلا یقین بیان ملک بر لار سندی و بفر ساحت لارده کونکلیت  
 اندیشه و فکر تنگ بایان با و یه سید ایلدریم و یک کور و ب  
 آخر مراد کعبه سینه عذارین سوز و ب سوز نازنین لاریت تازه  
 بازه الفاظ لاریت سیر بر لاریت صبح بر سوز و ز آیت و  
 حاصل کلام اول ملک سلامین و بولاب سوز اتمام و کوششی  
 تمام غه توفیق ما بجهت کمترین جان بک با غل و دست دید  
 عهد بعدی شوق لاریت صلاب و المنة نایخ قد شکلیت زیست  
 اوج نه شکلیت ماه محرم نیک بکیر سینه کونی تقو ز کنت  
 ولا تیدا ما کولیا موصلا صحر اول صاف صغیر و سیر با نظر لاریت  
 بخت دولت و شمول لطف عاقلقت سوزمند عاقل و برون کمال  
 عالم لاریت و فضل لاریت سهراری صاحب طایه عزت و مالک طای











۳۱۴ عم و  
۳۱۵  
جمع سبب یمنده شود دل آبی نیک

دو زلفه دهنی ۲ بکریه سبب کان

چای طبع افشاده و رانسته

جمع مدت نیز علامه روح بدو

سبب بازو و حدیقه